



Ketabton.com

سالنامه کابل

۱۳۱۵

انتشاره انجمن کابل

با اهتمام سید قاسم (رشتیا) عضو انجمن

مطبعه عمومی کابل

تاریخ ۲۲ ص ۱۱۱

آدرس: جاده ارگ انجمن ادبی کابل

عنوان تلگرافی: کابل ۱۰ انجمن



انجمن ادبی کابل
شعبه (رهنمائی)

۶
۳۰۵

جناب عبدالحکیم خان!

بسیار با نیت و امانت یک جلد کتاب به پیشتر چهره و در بضم رسد تا پیشتر ۲۷ که خود در دست خود بودیم و هرگز
این یک جلد کتاب به نمک و مرصع رسد نیز خود آن فرستادند و نیز از نظارت شما
در عطیات و کتب خود ایند داده در این شکر نماند ما بجزم که

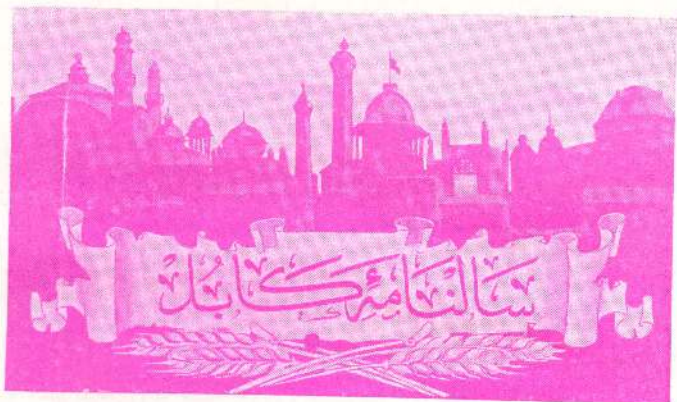
ALMANACH
DE
KABOUL
1936-1937

ÉDITÉ PAR LE CERCLE LITTÉRAIRE
DE KABOUL

Rédacteur en Chef: S. KASSÉM RECHTIA
membre du Cercle Littéraire de Kaboul

Imprimerie Générale

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مقدمه

بعون و عنایت خدای بیچون و حسن تو جهات حکومت معظم عمر فان
بروز ، سالنامه کتابل چهارمین دوره سنوی خود را بیا بیان رسانیده اینک قدم
به دوره سال پنجم میگنجد .

سالنامه های منتشره سالهای سابق از انجمن از لحاظ تقطیع و حجم و از
جهت قیمت نیز نظر بحجم آن گرا تر بود ، ولی در آغاز طبع و تدوین
سالنامه حاضره سفارش و خواهش غالب مشتریهای با ذوق^۱ ما را وادار نمود

سالنامه « نایل »

که از جنبهٔ رسیدن سالنامه در دست رس عموم و از سبب سهولت بردن و نقل آن در هر جائی، ارتقاع و حجم آن کاسته و یک سالنامهٔ نفیس‌تری تدوین نمایم - لهذا این خواست اهل ذوق را با کمال منت پذیرفته و بشوین و طبع سالنامهٔ حاضره موافق منظور مذکور پرداختیم!

این سالنامه از جهت داشتن مضامین مهمه خصوصاً اطلاعات راجع به افغانستان و مجاری سال ۱۳۱۰ داخلی این کشور و تصاویر نفیس شاهان افغانستان و عمارات و مناظر مختلفه از همه جهت ممتاز است.

امید داریم با کمی قیمت و مزایای طباعتی و تناسب حجمی که دارد این سالنامه جلب توجه مشرکین محترم خود را کرده بتواند.

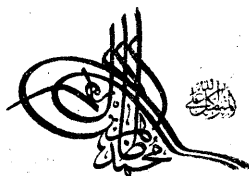
در خاتمه از مراسم و فوازش حضور همایون اعلی حضرت پدر تاجدار خود المتوکل علی الله که همواره مساعدت و شفقت ذات شاهانهٔ شان موجب تشویق و قوت قلب و قلم خدام این انجمن واقع میشود، سپاس‌گذاری نموده بقی عمر ذات همایونی را از ایزد یا کتمان می‌نمایم! و نیز از مقامات عالیه و معظم دولتی خاصاً مقام صدارت جلایهٔ عظمی، نسبت به کمک‌ها و ابراز لطف و مرحمتی که در جمع و تدوین معلومات مفیده داخلی مندرجهٔ این سالنامه پیا فرموده اند، و از باقی فضلا و ارباب قلم محترم که از اظهار لطف و کمک‌های قلبی خود شان مضایقه نموده و بسا منت گذاشته اند، شکر گذار بوده سعادت و موفقیت شانرا از درگاه الهی نیاز می‌نمایم.

(هیئت انجمن ادبی کابل)



شهر ارماف پروردگار خداداد آفاقان حضرت الشکر علی اللہ بنو تارکابهر شاه و پادشاه الغنبره

LAUGUSTE SOUVERAIN D'AFGHANISTAN
SA MAJESTIE BOHARJAD ZAHER CHAH



پادشاه افغانستان

شهر یار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه
خلد الله ملکه و اطال الله عمره و دوانته که ذات همایونش درین سنه قدم
بمرحله بیست و دومین حیات شریف خود میگذازند ، ذات همایونی متولد
در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در کابل و پس از سن مقتضی تعلیم
شامل مکاتب مقدماتی و متوسط و بالاخره تحصیلات خود را ذات همایونی
در مکاتب عالی کابل با ختام رسانیده موقعیکه والد ماجد فقیدشان اعلیحضرت
محمد نادرشاه کبیر عازم سفارت افغانستان در یارپس گردیدند ، ذات همایونی
نیز بعبیت آن شهر یار فقید بفرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه
گردیده زبان فرانسه و علوم عالییه را در رشته های مختلف بمکاتب عالی و
خاندان های بادانش و معظم آن مملکت تحصیل ، و تربیه خصوصی را نسبت
بمسائل داخلی وطن و اخلاق ملی و ادراک مطالب لارمه راجم بوطن و خصایص

سالنامه « کابل »

را از والد بزرگوار خود حاصل فرمودند .

اس از واقعه شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست
والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا
دران مملکت بسر حد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در
۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق
بعالم عسکری افغانستان و تعقیب سنت سنیه پدر بزرگوار خود در شعبه عسکری
شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلبلی درین فن شریف
کامیابی حاصل کردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی با صبیحه معظمه والا حضرت
سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلحضرت شهید ازدواج
فرموده و در اخیر همین سنه چندی بوکالت وزارت جلیله حریه و بعداً
بوکالت وزارت معارف مؤظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات
همایونی درحسن اداره و صحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی
و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهریار
شهید بتاریخ ۱۶ عقرب با تفاق و درخواست وکلا و بزرگان ملت و عموم
افراد عسکری و کشوری اریکه پیرای سلطنت سنیه افغانستان شده سال حاضر
چهارمین سال از جلیس میمنت مانوس این شهریار جوان محسوب میشود .

فرزندان اعلحضرت همایونی :

- ۱ - شهزاده بیگم بلقیس تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
- ۲ - والا حضرت شهزاده محمد اکبر خان « ۱۹ اسد » ۱۳۱۲ »
- ۳ - والا حضرت شهزاده احمد شاه خان « ۲۱ سنبله » ۱۳۱۳ »
- ۴ - شهزاده بیگم مریم « ۱۰ عقرب » ۱۳۱۵ »



افغانستان

بقام جناب غلام جیلانی خان
اعظمی معاون انجمن

افغانستان در آسیای مرکزی در تحت (۲۹) درجه و (۴۰) دقیقه و ۲۸ درجه و (۳۵) دقیقه عرض و (۶۰) درجه و (۵۰) دقیقه طول البلد واقع است. جوانب این مملکت محدود است؛ شرقاً با پنجاب هند که کوهستان افغانان سرحدی آنرا از پنجاب و سند جدا می نماید، از جهت شرق شمالی با تورکستان چین اتصال دارد. شمالاً بصحرای خوارزم و مملکت بخارا که رودخانه آمو آنرا از خاک بخارا فصل می نماید، غرباً بپاک ابران، جنوباً ملحق است با بلوچستان.

این مملکت با فراخی (۷۰۰،۰۰۰) کیلو متر مربع دارای سطوح مرتفعه و کوههای بلند است که مهم ترین آن سلسله هند و کش بطرف شمال و سلسله سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد. بلندترین ارتفاعات این مملکت کوهستانی الی (۷۳۰۰) متر بشمار آمده. ضمناً صحاری فراخ، جنگلهای سرسبز، کوه پایههای خاکی نیز داشته، رودخانههای آبهای خوشگوار که غالباً داخله خاک را مشروب میسازد فراوان دارد. منبع اکثر و اهم این رودخانهها کوهستان مرتفع مرکزی مملکت است که اگر بقاعده آبیاری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساخته میتواند.

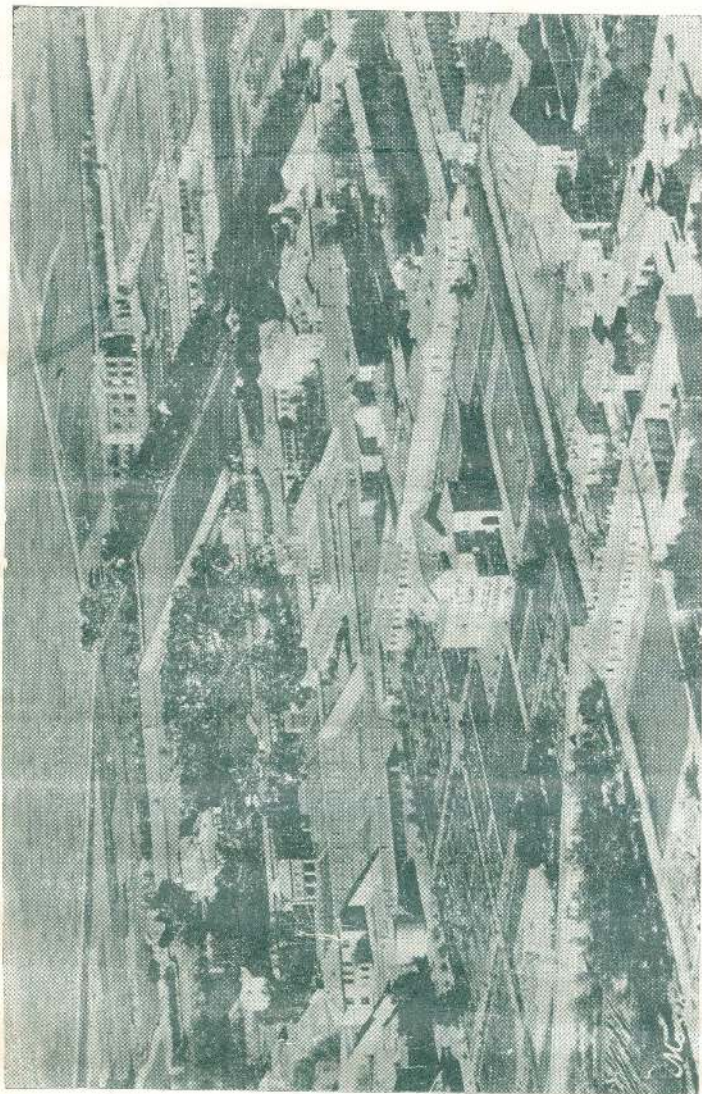
سالنامه « کابل »

آب و هوای ملک گرچه از لحاظ پستی ها و باندیهای و وضعیت طبیعی مختلف و نقاط گرم سیر و سرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است و اندازه حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالک طاقت فرساشده نمیتواند. بعلم همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات ممالک گرم سیر و سرد سیر هر دو درین مملکت بعمل می آید. رویهم رفته درجه حرارت بحساب سانتیگرید در تابستان از (۴۲) درجه فوق و در زمستان از (۲۰) درجه تحت الصفر متجاوز نمی شود.

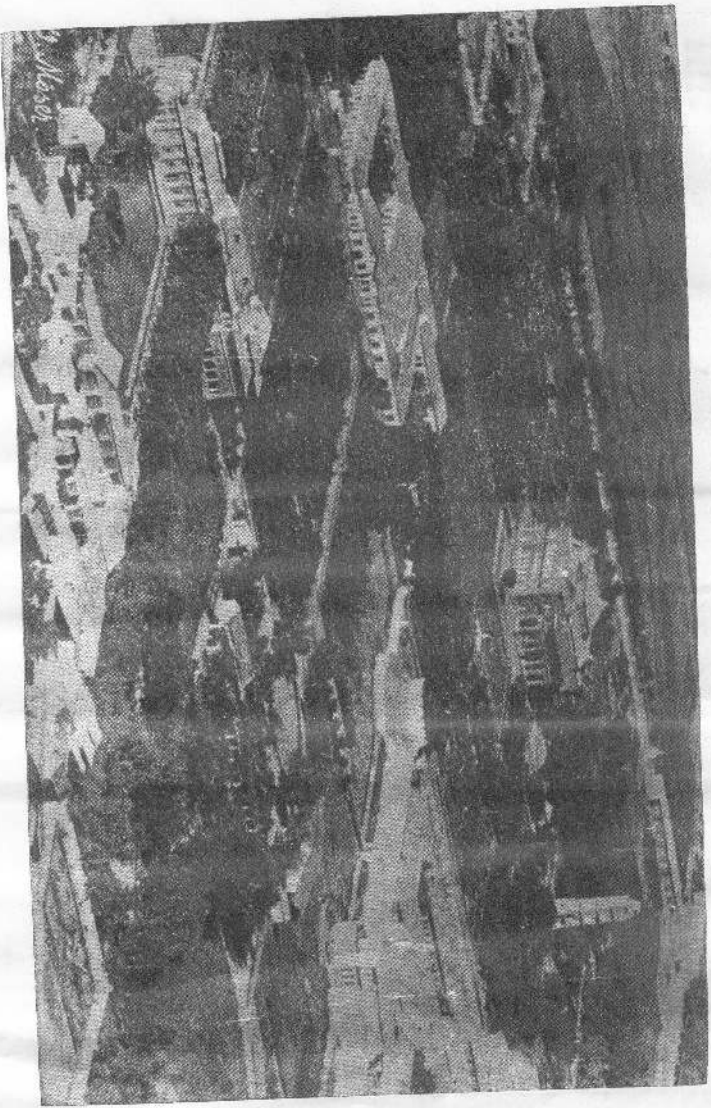
از نقطه نظر اقتصاد این کشور عزیز خیلی غنی و بهترین ودایع قدرت را دارا است مثلا: زراعت، فلاحت، معادن بکر، حیوانات اهلی و وحشی، اقسام طیور و جنگلات میوه و غیر میوه، ادویه جات طبی، سبزیجات، در هر نقطه آن موجود و مورد استفاده است.

قسمت اعظم و عمده حیات اهالی را زراعت و فلاحت و مالداری تأمین می نماید. از بارزترین پیدایا و ارامک بمقصد تجارت، پشم، پنبه قالین، ابریشم، پوست قره قلی، پوست دیگر حیوانات، ادویه جات، میوه های خشک و تازه است که بخارج میرود، اما برتر از آن موادی که مهم ترین سرمایه مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن و مس و ذغال سنگ و نفت و غیره معدنیات است که تا هنوز بکار نیفتاده. افغانستان از حیث دارائی معادن مختلف و متعدد و پیدایا و زراعتی و حیوانی اهمیت بسزا دارد.

صنایع در افغانستان خیلی سابقه دارد. چه از اعصار قبل الاسلامی دوره های چهار قرن، سه قرن قبل، صنایع بومی از قبیل معماری، مجسمه سازی، نقاشی



از مناظر شهر کابل که از طیاره عکس گرفته شده
Kaboul moderne et pittoresque (photo-avion)



از مناظر قفقاز و عالی شهر کابل که از طیاره عکس گرفته شده
Vue panoramique de Kaboul (photo prise par avion)

منبت کاری ، حجاری ، نساجی ، خامک دوزی ، چکن دوزی و سایر کارهای دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلالی ، نجاری و غیره بقدری رونق و ترقی داشت که امروز آثار و بقایای آن زین موزه ها و اسباب استعجاب تماشاگران میشود . صنایع حاضره عبارت است از اقسام صنایع قدیمه فوق و بعضی صنایع عصریه . ولی بطوری که در همه جای دنیا رونق صنایع قدیمه کاسته شده است صنایع قدیمه افغانستان نیز ازین حادثه تخلص گریبان توانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بسیار اندازه مکفی حوایج حیاتی اهالی شده میتواند .

تجارت امتعه ممالک خارجه در افغانستان و مواد خام و قالین و قالینچه افغانستان بممالک مذکوره مبادله شده ، نماینده های تجارتهی در شهرهای معروفه اروپا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین و غیره و در شرق در هند و بلوچستان میباشد .

مبادلات تجارتهی افغانستان غالباً بوسیله شرکتهای ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آزاد و تحت کنترل حکومت نبوده و سرمایه های خارجی در افغانستان تاهنوز نمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت و تجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار و سپس تور کستان است که راه های آن ترمنز ، کشکی و بندر کرکی میباشد ، و بعد خاک ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه و سیستان بشمار میرود . نفوس افغانستان بتعداد ۱۲ میلیون و اساساً دارای نژاد واحد آریائی و بطور عمومی متکلم بدوزبان پشتو و فارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی باهم تفاوت جزئی دارد و نیز بطور اقلیت بعضی لغات از قبیل نورستانی ، پشتی ، ارسوی و غیره درین اقوام محدودی مروج است ولی عموماً لغات متذکره

سائنامہ « کابل »

فوق منشعب از لغات اصل پشتو که یکگز بان خیلی قدیم این مملکت است و لغات غلجہ و داردی میباشند که خود اینها باصطلاح اهل زبان از خانواده زبانهای « هندوایرانی » شناخته میشوند .

تحصیل زبان پشتو و فارسی در جزء نصاب مکاتب کشوری و دوایر دولتی حتمی است . دین رسمی ملت افغانستان دینات مقدس اسلام و مذهب مذهب حنقی است . پیروان ادیان جزئیہ از قبیل ہنود و یہود کہ یکمقدار کمی جزء اتباع افغانی اند نیز تحت تأمین گرفته می شود .

حکومت افغانستان شاہی مشروطہ و مستقل است . پارلمان مرکب از مجلس شورای ملی و اعیان است . و کیلای مجلس شورای ملی نماینده های مستقیم ملت میشوند کہ بلا واسطہ برای سهائل ارطرف ملت انتخاب می شوند . حقوق و حدود ملت و دولت در قانون اساسی بواسطہ نخستین پارلمانیکہ در سال ۱۳۰۸ بارادہ شہریار شہید اعلیحضرت محمد نادرشاه پادشاه غازی و فقید افغانستان افتتاح شده بود تعیین گردیدہ ، مجلس اعیان کہ اعضای آن از بر جسته گان مملکت است از حضور پادشاه تعیین می شود .

زای تخت مملکت شہر کابل است . ولایات نائب الحکومہ نشین افغانستان بعد از کابل ، قندھار ، ہرات ، مزار شریف ، فطغن و بدخشان است . کذا حکومتها کم اعلی نشین آن جنوبی ، مشرقی ، میمنہ ، فراہ و چغانسور میباشد . در تقسیمات ملکیہ ، افغانستان منقسم است بہ نائب الحکومہ گمی ها ، حکومتی های اعلی ، حکومتی های کلان ، حکومتی های درجہ اول و دوم و سوم و ضلوقہ داری ها .



از مناظر جلال آباد، اثر خاتمہ جناب غلام محی الدین خان معاون مکتبہ صنایع

Paysage de Djelalabad: Peint par le vice-directeur de l'Ecole des Arts et Métiers.

مراتب عسکری در افغانستان عبارت است از: سپه سالار ، نایب سالار
فرقه مشراول و ثانی ، خند مشراول و ثانی ، کند کشر ، تولى مشر ، بلو کشر
اول و ثانی ، پر کشر ، دلگیمشر . و مراتب رسمی کشوری عبارت است از: مقام
صدارت عظماء ، وزیرها ، معینها ، رئیسها ، مدیرهای عمومی ، مدیرهای
شعبه ، معاونین ریاستها ، معاونین شعبه ، مامورها ، سرکاتب ، کاتبها .
کابینه دولت مرکب است از: صدر اعظم ، وزیر حربیه ، وزیر خارجه
وزیر داخله ، وزیر عدلیه ، وزیر مالیه ، وزیر معارف ، وزیر تجارت ، وزیر
فوائد عامه ، وزیر صحبه ، وزیر پست و تلگراف .

امود دربار و دفترشاهی بوسیله وزارت دربار و دارالتجیرشاهی اداره میشود .
یاد شاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه . خلد الله تعالی ملکه
خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی محصل استقلال افغانستان است
که در سال ۱۳۱۲ بعد از شهادت والد بزرگ خود بسن ۲۰ سالگی بدرخواست
ملت زینت بخشای تخت شاهی افغانستان گردیدند . درین سنه از سلطنت همایونی
سومین سال منقضی و سال چهارم جلوس اعلیحضرت شان میباشد .

خدمت عسکری و پولیس در مملکت اجباری است . یک قسم عسکر خوش برضای
دایمی نیز دولت دارد .

کذا تعلیم علوم عصری در مکاتب جبری و مصارف تعلیم و تربیت از طرف
دولت پرداخته شده محصول از اولیای اطفال اخذ نمی شود . اقسام مکاتب
در افغانستان : دارالفنون ، مکتب صنایع ، مکاتب اعدادی ، رشدی ، مقدماتی
است و بشعبه عسکری افغانستان بر علاوه مکاتب اعدادی و رشدی و مقدماتی

سا لنامه « کابل »

تعلیم گاه ها نیز موجود میباشد . در افغانستان تنظیمات صحیحی باصول عصری است
مرضا ئیکه بشفاخانهای دوانی مراجعه کنند معالجه بطور مجانی می شود علاوه
معالجه آزاد بوسیله دا کتر نیز برای مرضا در هر نقطه مملکت ممکن
و میسر است .

مخابرات پستی ، تلفونی ، تلگرافی بطور شخصی و در ازای محصول معینه
در هر نقطه مملکت آماده و ممکن است ، حمل و نقل پستی و تجارنی و مسافرت
در تمام مملکت غالباً بوسیله موتر می شود .

خطوط سړک و سیم های تیلفون در تمام نقاط مملکت کشیده شده هوتلها
و جا های رهایشی در راها و شهر های کشور موجود است .

مصارف حد متوسط بکنفر در افغانستان ازینج افغانی « ۲ شلنگ » شب و روز
تجبا وز نمیکند و مصارف ساده تر از ان خود به مراتب کمتر ازین است .
طرز معیشت ، البسه ، عمارت در افغانستان بد و صورت سابق جدید (عصری)
متداول است . اهالی شهر نشین غالباً با سلوب عصری حیات بسر میبرند اما
هر طبقه بانتخاب اسلوب حیاتی آزاد و تکلیفی در ینخصوص داده نمی شود .
از مهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض ممالک خارجی محصول سرانه گرفته
نمی شود . تجار و سیاحین بوجب اجازه نامه های پولیس محلی براحت
توقف کرده میتوانند . اسلوب تجارت و داد و ستد تماماً در افغانستان عصری و
برای رسیدگی بامور دعاوی تجار محاکم درهر شهر افغانستان موجود است .

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

- صدر اعظم : ج، ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت سردار محمد ہاشم خان .
- مشاور اول : ع ، ص ذوالفقار خان .
- مشاور دوم : ع ، ص سید احمد خان .
- رئیس ضبط احوالات : ع ، ص محمد شاہ خان .
- مدیر شعبہ اول : ع ، خلیل اللہ خان .
- مدیر شعبہ دوم : ، محمد صدیق خان .
- مدیر شعبہ سوم : ، محمد فاروق خان .
- مدیر اوراق : ، محمد اسمعیل خان .

سالنامہ « کابل »

- مدیر عرایض : ع ، میر عبداللہ خان .
سرکاتب شعبہ شفر : ص ، خواجہ محمد نعیم خان ،
وقلم مخصوص
مامور محاسبہ : « ، خواجہ ذکر اللہ خان .
سرکاتب مجلس عالی : « ، انظر محمد خان .
وزراء





این مرد بزرگ
از داشتن نیات
پاک خدایرستی و
حسن سرشار وطن
دوستی از بد و
تکفل مقام جلیل
صدارت عظمی
تا حال با بر از
خدمات بزرگ
واقادات سترگ
بملکت نایل
گردیده و در نتیجه
این زحمات و صرف
مساعی جمیده
وجود ذیقمت
والای شان علیل
گردیده در سال
۱۳۱۵ بمقصد
معالجه عازم

ج ۰ ع ۰ ج ۰ ۱۰۱۰ نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم
S.A.R. «A.A.» *Sardar Mohammad Hâchêm Khan*
premier ministre

مسافرت اروپا
و آخراً بعنایت
خداوندی صحت

کامله را دارا و با نظریات و معلومات تازه تری عودت بوطن فرموده اینک مصروف
اجرای مهمات مملکتی میباشد. ذات والای شان قبل از مسافرت اروپا بتقدیر خدمات ذیقمت خو
از حضور اعلی حضرت همایونی به نشان ذیشان المراعی نیز افتخار حاصل نموده اند

تشکیلات ممالکٹی

وزارت حربیہ

- وزیر : ع ، ج ، ۱۰ ، ۱۰ ، نشان والا حضرت سپہ سالار غازی
سردار شاہ محمود خان
- معاون : ع ، ع ، ش محمد انور خان نائب سالار
- یاور وزیر حربیہ : ح ، غلام سعید خان غند مشر ثانی
- مدیر تحریرات : ش ، محمد فاسمخان کند کشر
- مدیر مخصوص : « ، محمد یوسف خان کند کشر

دائرہ استخبارات :

- مدیر : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی
- آمر شعبہ الف :
- آمر شعبہ ب : ش ، عبد اللہ خان کند کشر
- آمر شعبہ ج :

ریاست ارکان حربیہ عمومیہ :

- رئیس : ع ، ش محمد عمر خان فرقه مشر اول
- معاون : ح ، مصطفیٰ خان غند مشر اول

دائرہ عمومی حرکات :

- مدیر : ح ، سراج الدین خان غند مشر ثانی

سالنامه « کابل »

-
- آمر شعبه ۲ تشکیلات : ش ، محمد امین خان کند کشر
آمر شعبه ۳ تحشیدات :
دائرة عمومی تعلیم و تربیه :
مدیر عمومی :
آمر شعبه پیاده و سواری : ش ، آقا محمد خان کند کشر
آمر « هوا بازی » :
آمر « ترجمه » : ش ، ذکریا خان کند کشر
مدیر خریطه : ش ، میر عبد السلام خان کند کشر
ریاست اردو :
رئیس : ع ، ش ، س ، ع ، احمد علیخان فرقه مشر اول
مدیر عمومی مامورین : ح عبد الخالق خان غند مشر ثانی
مدیر اخذ عسکر : « حیب الله خان غند مشر اول
مدیریت صحیه :
مدیر : ح ، حسین علیخان غند مشر ثانی
سر طیب : عزت مند انظار الاسلام دا کتر قریشی
سر بیطار :
مدیر انشاآت : ح ، میر اعظم شاه خان غند مشر اول



این سر بازنامی و
این فرزند رشید
افغانستان که تمام
عمر شریف
خویش را بخدمت
وطن صرف نموده
و کار نامه های
قابل تقدیری را
در عالم عسکری و
غیره شعرات
مملکتی انجام
داده چنانکه
میدانیم در سال
گذشته از اثر
زحمت کوشی های
شباروزی وجود
مبارکشان علیعلی و
برای معالجه ارویا
عزیمت فرموده
اخیراً مع الخیر
با صحت کامل
و از معان قیمت
داریکه عبارت از
معلومات تازه

ع، ه، ا، ا، ا، نشان و الاحضرت سردار شاه محمود خان

غازی سپه سالار و وزیر حربیه

S. A. R. «A. A.» Sardar Choh Mahmoud Khan
ministre de la guerre

نسبت به اوضاع عساکر دول بزرگ است بوطن مراجعت و باشوق و جدیت
مفرطی مشغول تنظیمات امور عسکری وطن عزیز شده اند .

تشکیلات مملکتی

- معاون تعمیرات : ش ، محمد اباز خان کند کشر
- مدیریت عمومی نقلیه :
- مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غند مشر اول
- مدیر نقلیه شعبه : ش ، ذکریا خان کند کشر
- میخانیکی
- مدیر نقلیه شعبه حیوانی : « ، محمد حسن خان »
- ریاست حرابه :
- رئیس : ع ، ش سید حسن خان فرقه مشر ثانی
- آمر شعبه هیئت معاینه : ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی
- و تدقیق
- آمر شعبه اسلحه : ش ، سر بلند خان کند کشر
- آمر « جبا خانه : ح ، عبد الرحیم خان غند مشر ثانی
- آمر « آلات : « ، محمد اسلم خان » « . »
- وادوات فنیہ
- اسلحه دار : ح ، عبدالرشید خان غند مشر ثانی
- جبا دار : ح ، محمد عثمان خان غند مشر اول
- ریاست لوازمات :
- رئیس : ع ، ع ، ش شیر احمد خان نائب سالار

سالنامہ « کابل »

مدیر محاسبہ : ش ، خواجہ عبدالقیوم خان کسند کشر
مدیر لوازم : « ، حبیب اللہ خان کسند کشر
ریاست قبایل :

رئیس : ح ، سید محمد حسین خان غند مشر ثانی
معاون : « ، شیر باز خان غند مشر ثانی
ریاست محاکمات :

رئیس : ح ، سید علیخان غند مشر اول
معاون : ش ، عبدالنافی خان کسند کشر
وکیل ریاست انجمن : ع ، ش ، محمد شاہ خان فرقہ مشر ثانی
اصلاح و ترقی

مدیر اوراق : ش ، عبدالشکور خان کسند کشر
مدیر کلوب : « ، ظہیر الدینخان »
شفاخانہ عسکری :

سر طبیب : عزت مند دا کشر عبدالغنی شاہ خان
سر جراح : « ، نور محمد خان
معاون : « ، سید صالح خان
جراح : « ، اسمعیل جوہری



این رجل نامدار
 بر علاوه خدمات
 و مجاهدات
 ذیقیمت گذشته
 درین سه عهده
 و کالت صدارت
 عظمی و وزارت
 خریبیرادر کابل
 متکفل بوده و
 با یقین خدمات
 برجسته این
 دو مقام عالی منت
 مزیدی به عموم
 ملت قدر شناس

ع، ج، ا، ا، نشان و الاحضرت سردار شاه ولی خان غازی
 قاتح کابل و وزیر مختار و نماینده فوق العاده اعلی حضرت
 کذاشته اند.

همایونی در پاریس، برن و بروکسل
 S. A. R. «A. A.» Sardar Chah Wali Khan envoyé
 extraordinaire et ministre plénipotentiaire de
 Sa Majesté à Paris, Berne, Bruxelles,

تشکیلات مملکتی

قوماندانی طیاره :

- قوماندان : ح ، محمد احسان خان غند مشر اول
مدیر دسته : « ، غلام دستگیر خان غند مشر ثانی
مدیر لوازم : ش ، غلام بہاوالدین کند کشر

قوماندانی مکاتب حربیہ :

- قوماندان : ع ، ش ، س ، ع سردار علی شاہ خان فرقه مشر اول
معاون :
مدیر داخلہ : ح ، محمد ہاشم خان غند مشر اول
مدیر لوازم : ش ، عبدالحسین خان کند کشر
معلم صنف پیادہ : ح ، لطف احمد خان غند مشر ثانی
معلم صنف توپچی : « ، علی احمد خان غند مشر ثانی
سرمعلم صنف استحکام : عزت مند مکی احمد بیگ
سرمعلم صنف توپچی : « ، ظفر حسن خان
معلم سپورت : « ، محمد افضل خان
« لسان روسی : « ، عبدالرحمن خان
« جو چید سو : « ، عبداللہ خان

« سالنامه » کابل

مدیریت مکتب رشديه :

- مدیر : ش ، احمد سیر خان کند کشر
معلم : « ، افتخار الدین خان کند کشر
« لسان انگایسی : عزت مند محمد اعظم خان
« فزیک و کیمیا : « ، چود هری عبدالعزیز خان
مکتب احضاریه :

- نگران : ع ، ش ، عبدالطیف خان فرقه مشر ثانی
مدیر داخله : ش ، عبدالرشید خان کند کشر
سر معلم : عزت مند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیک : ش ، محمد یعقوب خان کند کشر
« کورس عالی : ح محمد عمر خان غند مشر ثانی
ریاست فابریکات حربی :

- رئیس : ع ، ع ، ش سید عبد الله خان نائب سالار
معاون :

- مدیر تحریرات و اوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کشر
قوماندانهای عسکری مرکنز :

- قوماندان فرقه شاهي : ع ، ش ، سردار اسد الله خان فرقه مشر اول

تشکیلات مملکتی

قوماندان قول اردو : ع ، ع ، ش ، س ، ا ، محمد غوث خان نائب سالار

» فرقه اول قول اردو : ع ، ش عبد الغنی خان فرقه مشر اول

وکیل قوماندان فرقه ۲ : « ، « عبد الله خان » » ثانی

قول اردو

قوماندان فرقه ۳ : « ، « نور محمد خان » » اول

قول اردو

قوماندان فرقه توپچی : « ، « عبد القیوم خان » » »

قوماندانهای عسکری اطراف :

قوماندان عسکری غزنی : ع ، ش عبد القیوم خان » » ثانی

» عسکری قندهار : « ، « سردار محمد داود خان فرقه مشر اول

و فراہ

قوماندان عسکری : « ، « عبد الاحد خان » » »

ہرات

قوماندان عسکری : « ، « الله داد خان » » ثانی

مزاوشریف ومیمہ

قوماندان عسکری : « ، « محمد قاسم خان » » »

قطغن و بدخشان

سالنامہ « کابل »

قوماندان عسکری : ع ، ش ، محمد جعفر خان فرقه مشر ثانی

مشرقی

قوماندان قول اردوی : ع ، ش ، س ، محمد افضل خان « اول

جنوبی

قوماندان فرقه اول : ع ، ش ، پیر محمد خان فرقه مشر ثانی

قول اردوی جنوبی

قوماندان فرقه دوم : « ، « ، عبدالقہوم خان « « «

قول اردوی جنوبی

صاحبمنصان احتیاطی :

قندهاری	نائب سالار	ع ، ع ، ش ،	مہر دل خان
بدخشی	»	»	محمد نعیم خان
محمد زائی	»	»	محمد عمر خان
ناصری	»	»	غلام نبی خان
جاجی	»	»	سر بلند خان
وزیری	»	»	زر خان
منگلی	»	»	زلمی خان
محمد زائی	»	»	عبدالغنی خان
طوطا خیل	فرقه مشر	ع ، ش ،	اعظم گلخان
ہزارہ درہ صوفی	»	»	غلام نبی بیگت خان

سالتنامه « کابل »

- سرکاتب : ص ، عبد الوهاب خان
کاتب : ص ، فضل احمد خان
سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :
سفیر کبیر : ع ، ج ، سردار شیر احمد خان
سرکاتب : ص ، فضل احمد خان
کاتب : ص ، جمه خان
سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو :
سفیر کبیر : ع ، ج ، عبد الحسین خان
سرکاتب : ص ، سید محمد عثمان خان
کاتب : « ، عبد الصمد خان
» : « ، محمد یونس خان
وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس :
وزیر مختار : ع ج ۱۰۱ ، نشان والاحضرت سردار شاه ولیخان غازی
(که سمت وزارت مختاری برن و بروکسل را نیز دارند)
مستشار : ع ، ص ، س ، ع ، اسلام بیگ خان
سرکاتب : ص ، محمد عمر خان
کاتب : « ، علی خان
» : « ، محمد شعیب خان

وزارت خارجہ

- وزیر : ع ، ج فیض محمد خان .
معین اول : ع ، ص سردار محمد نعیم خان .
معین دوم : « ، » محمد عثمانخان .

الف - مدیریت عمومی سیاسی :

- ۱: مدیر عمومی سیاسی : ع ، محمد کریم خان .
۲: مدیر شعبہ شرق : ص ، محمد اسمعیل خان .
۳: مدیر ضرب : « ، عبدالحکیم خان .
۴: مدیر مطبوعات : « ، عبدالرؤف خان .
اطلاعات و ترجمہ

ب - مدیریت عمومی تشریفات :

- ۱: مدیر عمومی : ع ، عبدالحمید خان .
۲: معاون : ص ، عبدالقادر خان .

ج - مدیریت عمومی امور بین المللی :

- ۱: مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان .
۲: معاون معاهدات : ص ، محمد رحیم خان .

وزارت خارجیه

- وزیر : ع ، ج فیض محمد خان .
معین اول : ع ، ص سردار محمد نعیم خان .
معین دوم : « ، » محمد عثمانخان .

الف - مدیریت عمومی سیاسی :

- ۱: مدیر عمومی سیاسی : ع ، محمد کریم خان .
۲: مدیر شعبه شرق : ص ، محمد اسمعیل خان .
۳: مدیر « ضرب » : « ، عبدالحکیم خان .
۴: مدیر « مطبوعات » : « ، عبدالرؤف خان .
و اطلاعات و ترجمه

ب - مدیریت عمومی تشریفات :

- ۱: مدیر عمومی : ع ، عبدالحمید خان .
۲: معاون : ص ، عبدالقادر خان .

ج - مدیریت عمومی امور بین المللی :

- ۱: مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان .
۲: معاون معاهدات : ص ، محمد رحیم خان .

سازمان « کابل »

- سرکاتب : ص ، عبد الوهاب خان
کاتب : ص ، فضل احمد خان
سفارت کبرای اعلیٰ حضرت در طهران :
سفیر کبیر : ع ، ج ، سردار شیر احمد خان
سرکاتب : ص ، فضل احمد خان
کاتب : ص ، جمعه خان
سفارت کبرای اعلیٰ حضرت در مسکو :
سفیر کبیر : ع ، ج ، عبد الحسین خان
سرکاتب : ص ، سید محمد عثمان خان
کاتب : « ، عبد الصمد خان
» : « ، محمد بونس خان
وزارت مختاری اعلیٰ حضرت در پاریس :
وزیر مختار : ع ، ج ، ۱۰۱ ، نشان والا حضرت سردار شاه ولیخان غازی
(که سمت وزارت مختاری برن و بروکسل را نیز دارند)
مستشار : ع ، ص ، س ، ع ، اسلام بیگ خان
سرکاتب : ص ، محمد عمر خان
کاتب : « ، علی خان
» : « ، محمد شمیم خان

تشکيلات مملکتی

- وزارت مختاری اعلیٰ حضرت در لندن :
- وزیر مختار : ع ، ج ، علی محمد خان
- سرکاتب : ص ، جمعہ خان
- کاتب : » ، محمد سرور خان
- وزارت مختاری اعلیٰ حضرت در روما :
- وزیر مختار : ع ، ج ، عبدالصمد خان
- کاتب : ص ، محمد رسول خان
- وزارت مختاری اعلیٰ حضرت در برلین :
- وزیر مختار : ع ، ج ، اللہ نواز خان
- سرکاتب : ص ، حفیظ اللہ خان
- وزارت مختاری اعلیٰ حضرت در توکیو :
- وزیر مختار : ع ، ج ، حبیب اللہ خان
- سرکاتب : ص ، عبدالرؤف خان
- وزارت مختاری اعلیٰ حضرت در جده :
- وزیر مختار : ع ، ج ، محمد صادق خان مجد دی
- سرکاتب : ص ، عبدالرحمن خان
-
- نمایندهٔ دائمی افغانستان : ع ، ج ، محمد حیدر خان
- درجامعہ ملل

سالنامه « کابل »

کتاب امور جامعه ملل : ص ، عبدالقبوم خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت دہلی :

جنرال قونسل : ع ، ص ، صلاح الدین خان

سرکاتب : ص ، صالح محمد خان

کاتب : » ، عبد الخالق خان

» : » ، صالح محمد خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در تاشکند :

جنرال قونسل : ع ، ص محمد ابراهیم خان

سرکاتب : ص ، محمد انور خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در مشهد :

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان

سرکاتب : ص ، عبدالقدوس خان

کاتب : » ، محمد عزیز خان

» : » ، محمد سعید خان

قونسلگری اعلیٰ حضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبدالرحمن خان

تشکيلات مملکتی

- سرکاتب : ص ، عنایہ اللہ خان
کاتب : د ، عبدالصمد خان
آتشہ اقتصادی : د ، میر حسن شوکت
قونسلگری اعلیٰ حضرت در کراچی :
قونسل : ع ، محمد شفیع خان
سرکاتب : ص ، محمد احمد خان
کاتب : د ، ص محمد نعیم خان
قونسلگری اعلیٰ حضرت در مرو :
قونسل : ع ، عبدالودود خان
سرکاتب : ص ، عطا محمد خان
قونسلگری اعلیٰ حضرت در سیستان :
قونسل : ع ، عبدالغفور خان
سرکاتب : ص ، محمد طاہر خان
کفیل قونسل افغانی : ص ، حاجی محمد اسحاق خان
درجہ ہ
ماموریت ویژه افغانی در پشاور :
مامور ویژه : ص ، محمد یوسف خان

سالنامه « کابل »

سرکاتب	:	ص ، عبدالقیوم خان
کاتب	:	» ، محمد انور خان
»	:	» ، محمد نعیم خان

ماموریت ویژه افغانی در چمن :

مامور ویژه	:	ص ، میر غلام فاروق خان
کاتب	:	» ، عبدالرشید خان



تشکلات منکستی

وزارت داخه

وزیر	:	ع، ج، ۱۰، ۱۰، نشان محمد گلخان
معین	:	ع، ص عبد الرشید خان
مدیر عمومی پولیس	:	ع، عبد الحکیم خان
مدیر عمومی احصائیه	:	«، عبد الرحیم خان
مدیر مامورین	:	ص، عبد الودود خان
مدیر محاسبه	:	«، بدر الدین خان
مامور اوراق	:	«، غلام نقشبند خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	«، محمد حسن خان



وزارت عدلیہ

وزیر	:	ع ، ج ، فضل احمد خان مجددی
معین	:	ع ، ص ، امین اللہ خان
رئیس تہیز	:	ج ، ف ، عبد الرب خان
کفیل رئیس جمعیت العلما:	:	« ملا بزرگ خان
مدیر تحریرات و اوراق:	:	ص ، عبد السلام خان
مدیر مامورین	:	« ، محمد میر خان
مدیر محاسبہ	:	« ، محمد ناصر خان





ع . ع ۱۰۱۱ ج ۱۰۱۱ ننگان محمد گل خان وزیر داخلہ
S. Ex. «A.A» Mohammad Gul Khan
ministre de l'intérieur.



ع . ع ۱۰۱۱ ج ۱۰۱۱ فیض محمد خان وزیر امور خارجه
S. Ex. Faiz Mohammad Khan Ministre
des affaires étrangères.



ع ، ج سردار احمد علی خان وزیر معارف
S. Ex. Sirdar Ahmad Ali Khan ministre
de l'instruction publique



ع ، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیہ
S. Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre
de la justice.

تشکیلات مملکتی

وزارت مالیه

- کفیل وزارت : ع ، ج ، میرزا محمد خان
 ریاست اجرائیہ :
 معین اول وورٹیس اجرائیہ : ع ، ص محمد حسین خان
 مدیر تصفیہ ماضیہ : « ، قطب الدین خان
 مدیر اوراق : « ، فقیر محمد خان
 مدیر مامورین و معاش : « ، محمد افضل خان
 و مصرف
 مدیر املاک : « ، محمد نعیم خان
 مدیر احصائیہ : « ، عبد الرحیم خان
 مدیر مالیات و محصولات : « ، غلام حسن خان
 ریاست محاسبات :
 معین دوم وورٹیس محاسبہ : ع ، ص غلام مجتبیٰ خان
 و کنٹرول
 مدیر عمومی کنٹرول : ع ، محمد اسلم خان
 مدیر عمومی بودجہ : « ، محمد انور خان
 مدیر تنفیث : ص ، محمد حسن خان

سالنامه « کابل »

مدیر خزانن : ص ، سید کمال خان

مشاور مالی : عزتمند زینو مانچولی .

ترجمان مشاور مالی : « ، محمد عثما نغان

ریاست عمومی مطابع :

رئیس : ع ، ص ، عبد الحمید خان

معاون اول و وکیل ریاست : ع ، ص ، سید محمد ایشا نغان

معاون دوم : ع ، سید محمد رسول خان

مدیر زنکو گرافی : ص ، بای محمد نوری

خطاط : « ، سید محمد داود خان

متخصص :

مدیر محاسبه و کنترل : ص ، میر حسام الدین نغان

خزانه دار : « ، محمد سرور خان

ریاست ضرابخانه :

رئیس : ع ، ص ، غلام قادر خان

مدیر محاسبه و کنترل : ص ، محمد سرور خان

متخصص : « ، عبد اثنی خان

تشکيلات مملکتی

خزانہ دار نقدی : ص ، سید مقصود خان

» جنسی : » ، غلام حیدر خان

» مواد خام : » ، احمد جان خان

ریاست خزانہ عمومی

رئیس : ع ، ص نظر محمد خان

معاون : ص ، عبد الحنان خان



وزارت معارف

- وزیر : ع ، ج ، سردار احمد عنیدخان
- معین : ع ، ص ، عبد الجبار خان
- کفیل ومعاون ریاست : ع ، ص ، ہاشم شایق خان
تعلیم وتربیہ
- عضوریاست تعلیم وتربیہ : ص ، محمد قاسم خان
- » » » : » ، شیخ بچمد رضا خان
- » » » : » ، عبد الجبار خان
- » » » : » ، محمد نبی خان
- مدیر تفتیش و تدریس : » ، عزیز الرحمن خان
وما مورین
- مفتش علمی واداری : » ، عبد الغفار خان
- » » » : » ، محمد آصف خان
- مدیر تنظیمات : » ، عبد اللہ خان
- مدیر محاسبہ : » ، محمد یونس خان
- مامور اوراق : » ، عبد اللہ خان
- سرکاتب قلم مخصوص : » ، عبد القیوم خان

تشکیلات مملکتی

- مدیرموزه و حفریات : ص غلام محی الدین خان
مامور تحویلخانہ عمومی : » محمد یونس خان
مامور محافظہ آثار عتیقہ : » محمد حسین خان
بامیان
مامور انتظام کلوب : » احمد علیخان
معارف
مامور نگران ابنیہ : » عبد الرحیم خان
دار الفنون
» دایرہ لا بوراتوار : » داکٹر حافظ انور علیخان
داکتر شفاخانہ معارف : عزت مند احمد علیخان
مامور کتابخانہ وزارت : ص ، محمد زمان خان
مامور کتابخانہ ملی : ص ، عبد الغنی خان
رئیس انجمن ادبی پشتو : ع ، ص ، محمد عثمان خان
عضو » » » : ص ، محمد اعظم خان
» » » : » ، قیام الدین خان
» » » : » ، محمد گل خان

تشکیلات مملکتی

وزارت تجارت

- وزیر : ع ، ج ، میر ز احمد خان
معین اول : ع ، ص محمد حسین خان
معین دوم : » ، » ، غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات : ع ، عبدالقیوم خان
واحصائیہ
مدیر عمومی زراعت : » ، محمد زمان خان
و معادن و جنگلات
مدیر تجارت : ص ، میر ضیاء الدین خان
کفیل مدیر ترجمانی : » ، محمد علیخان
مدیر مجلہ اقتصاد : » ، محمد زمان خان ترہکی
متخصص زراعت : » ، محمد کریم خان
» : » ، نور محمد خان
مدیر مامورین : » ، مہتاب الدینخان
مدیر محاسبہ : » ، محمد عنایت اللہ خان
مدیر اوراق : » ، عبدالودود خان
سرکاتب قام مخصوص : » ، صالح محمد خان

وزارت تجارت

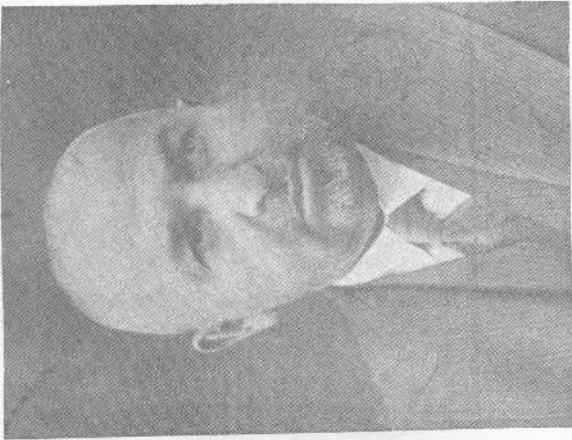
- وزیر : ع ، ج ، میر ز احمد خان
- معین اول : ع ، ص محمد حسین خان
- معین دوم : » ، » غلام غوث خان
- مدیر عمومی گمرکات : ع ، عبد القیوم خان
واحصائیه
- مدیر عمومی زراعت : » ، محمد زمان خان
و معادن و جنگلات
- مدیر تجارت : ص ، میر ضیاء الدین خان
- کفیل مدیر ترجمانی : » ، محمد علیخان
- مدیر مجلہ اقتصاد : » ، محمد زمان خان ترہ کی
- متخصص زراعت : » ، محمد کریم خان
- » : » ، نور محمد خان
- مدیر مامورین : » ، مہتاب الدینخان
- مدیر محاسبہ : » ، محمد عنایت اللہ خان
- مدیر اوراق : » ، عبدالودود خان
- سرکاتب قائم مخصوص : » ، صالح محمد خان

تشکیلات مملکتی

- مدیرموزہ و حفریات : ص غلام محی الدین بخان
- مامور تحویلیخانہ عمومی : » محمد یونس خان
- مامور محافظہ آثار عتیقہ : » محمد حسین خان
- بامیان
- مامور انتظام کلوب : » احمد علیخان
- معارف
- مامور نگران ابنیہ : » عبد الرحیم خان
- دار الفنون
- » دایرہ لاہور اتوار : » دا کتر حافظ انور علیخان
- دا کتر شفاخانہ معارف : عزت مند احمد علیخان
- مامور کتابخانہ وزارت : ص ، محمد زمان خان
- مامور کتابخانہ ملی : ص ، عبد الغنی خان
- رئیس انجمن ادبی پشتو : ع ، ص ، محمد عثمان خان
- عضو » » » : ص ، محمد اعظم خان
- » » » » : » ، قیام الدین بخان
- » » » » : » ، محمد گل خان



ع ، ج عبد ار حيم خان وزير فوائده عامه
S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre
des travaux publics.



ع ، ج ميرزا محمد خان وزير تجارته وكفيل ماليه
S.Ex. Mirza Mohammad Khan ministre
de commerce et gérant du ministère
des finances.



ع ١ ج رحيم الله خان وزير پست، تلگراف و تيليفون
S. Ex. Rahimullah Khan ministre
des P. T. T.



ع ١ ج غلام يحيى خان وزير صحتيه
S. Ex. Gholam Yahya Khan ministre
del'hygiène.

نشکلات مملکتی

وزارت فوائد عامہ

وزیر : ع ، ج عبد الرحیم خان

معین : ع ، ص نصر اللہ خان

مدیریت عمومی فابریکات :

مدیر عمومی : ع ، سردار غلام محمد خان

معاون : ص ، امیر محمد خان

مدیر فابریکہ گوگرد : » ، محمد حسین خان

سازی

مامور فابریکہ نجاری : » ، نور احمد خان

دارالفنون

متخصص حکاکی : عزت مند اتوار کونزور

و سنگ لاجورد

مدیر فابریکہ نختابی : ص ، محمد ابراہیم خان

جبل السراج

متخصص فابریکہ نختابی : عزت مند ، مانیکہ

جبل السراج

مامور فابریکہ نجاری : ص ، عبد الغفور خان

مہر کنز و مہر پوات آن حکاکی

سنگ تراشی و رنگمالی

سائنات نامہ « کابل »

- مدیر اجرائیہ فابریکہ : مس ، محمد اسلم خان
بوت دوزی
- مدیر محاسبہ فابریکہ :
بوت دوزی
- مدیر اجرائیہ فابریکہ : ص ، میر صاحبخان
نساچی مرکز
- مدیر محاسبہ فابریکہ : « یعقوب علیخان
نساچی مرکز
- مدیریت عمومی معابر :
- مدیر عمومی : ع : سعد الدینخان
- مهندس : عزنمند نسوہ
- » : « محمد شفیع خان
- معاون مهندس : ص ، احمد شاہ خان
- مدیر سرک مشرقی : « عبد الرسول خان
حصہ ولایت کابل
- مدیر سرک مشرقی حصہ : « محمد کبیر خان
حکومت اعلیٰ مشرقی
- مدیریت عمومی تعمیرات :
- مدیر عمومی : ع ، عبد الغیاث خان

تشکيلات مملکتی

مامور محاسبه : ص ، محمد موسی خان

مدیریت جشن و احتفالات :

مدیر : ص ، غلام محی الدین خان

معاون : » نور احمد خان

مدیریت برق :

مدیر : ص ، عبد العلیخان

انجینیر سب اسٹیشن : » غلام محمد خان

مدیر مہندسی : ص ، نظر محمد خان

مدیر محاسبه : ص عبد الکریم خان

مامور محاسبه : » عبد الاحد خان

مدیر مامورین : ص عبد الحسین خان

مدیر اوراق : ص حبیب اللہ خان

سرکاتب قلم مخصوص : ص غلام رسولخان

مترجم انگلیسی : ص محمد افضل خان

وزارت صحیہ

- وزیر : ع ، ج ، غلام بچی خان
معین : ع ، ص ، سردار محمد کریم خان
مدیر مشاورہ فنی : « جلال الدین خان
مدیر مجموعہ صحیہ : « عبدالرشید خان
مدیر بحاسبہ : ص ، محمد محسن خان
سرکاتب شعبہ مامورین : « محمد ابراہیم خان
» » « تحریرات : « فقیر محمد خان
» » « اوراق : « صالح محمد خان
شعبات مربوطہ مرکز :

- مدیر شفا خانہ ملکی : ص ، عبدالغفار خان
سرطیب شفا خانہ » : « دکتور ربیع حکمت بیگ
مدیرہ شفا خانہ مستورات : « زینب بیگ
کفیل مدیر دوا خانہ : « محمد علیخان
عمومی
معاون شعبہ اکسریز : « عزیز اللہ خان
ورادیو
دکتور دندان : عزتمند محی الدین بیگ

تشکيلات مملکتی

- دکتور دندان : ص ، عبدالله خان
- دکتورس دندان : عزت مند ، خانم بای محی الدین خان
- کفیل سرطیب رفقی : « ، نوزاد بیگک
سنا توریم
- معاون فنی واداری : ص ، محمد عمر خان
رققی سنا توریم
- سرطیب شفا خانہ : عزت مند ، نوزاد بیگ
امراض عقلیه وعصیبه
- معاون فنی واداری : شفا خانہ :
- امراض عقلیه وعصیبه : ص ، سید قیوم خان
- مامورہ سناتوریم : « ، روح افزا بیگم
مستورات
- معاون فنی واداری :
- سناتوریم مستورات : « ، محمد موسی خان
- معاون معاینه خانہ واقع : « ، محمد ابراهیم خان
شهر آرا
- « معاینه خانہ واقع : عزت مند دا کتر کرم الہی خان
قلعہ ہزارہ ہای چنداول
- معاون معاینه خانہ واقع : ص محمد موسی خان
بالا حصار

وزارت پست و تلگراف و تېلفون

وزیر : ع ، ج ، رحیم الله خان

معین :

مدیر شعبه ارتباط : ص ، محمد سعید خان

خارجی

مدیر شعبه پست : « . احمد شاه خان

مدیر شعبه تلگراف : « ، عبدالخالق خان

و تېلفون

مدیر محاسبه : « ، غلام احمد خان

مدیر حمل و نقل : ص ، غلام جیلانی خان

سرکاتب شعبه مامورین : « ، محمد ایوب خان

و تحریرات

سرکاتب شعبه اوراق : « ، یابنده محمد خان

شعبه مشاوره پست :

مشاور : عزتمند ، فون زیگنس

ترجمان : ص ، غلام فاروق خان

شعبه را دیو تخنیک :

متخصص خارجی : عزتمند ، بوم

داخلی : ص ، عطاء الله خان

تشکیلات مملکتی

شعبه فنی تیلیفون :

متخصص خارجی : عزتمند ، لارسون
داخلی : ص ، عبدالمجید خان

شعبات مر بوطه مرکز :

مامور فابریکه ٔ رمیم موتز : « ، عبد العزیز خان

انجنیر « ، « : عزتمند ، اسکا کا

مامور شعبه هو تلها : ص ، امین الله خان

کفیل مامور تیلیفون : « ، عبدالاحد خان

خانه مرکز

نگران های تیلیفون اطراف :

نگران تیلیفون سمت : ص ، محمد افضل خان

مغربی

نگران تیلیفون سمت : « ، غلام حضرت خان

مشرقی

نگران تیلیفون سمت شمالی : « ، حاجی محمد خان

نگران تیلیفون سمت : « ، عبدالاحد خان

جنوبی

ریاست مبیعات :

رئیس : ع ، ص عبدالرسول خان

مدیر محاسبه و کنترل : ص ، غلام معروف خان

مأمور اجرائیه : « گل ایاز خان

ریاست نسلگری و تربیه حیوانات :

رئیس : ع ، ص محمد یوسف خان

معاون : ص ، فاروق شاه خان

مدیر محاسبه : « ، غوث الدین خان



تشکيلات ولايات و حکومتی های ولايات اعلى

و حکومتی های کلان

ولايت کابل

والی	:	و، ج محمد عم خان
مستوفی	:	ع، ص سید حبیب خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص، مبر امام الدینخان
» اجرائیہ »	:	» عزیز الدینخان
» تحصیلی »	:	» محمد رضا خان
» تفیش »	:	» امیر محمد خان
قاضی مراقبه	:	ف، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح، طره باز خان
سر ما مور قوماندانی	:	کوتوالی: ش، مبر عبد العزیز خان
مدیر جزاء	:	» ص، خیر محمد خان
» تعلیم و تربیه »	:	»
» محاسبه »	:	» ص، غلام رضا خان
» محبس »	:	» سید کمال خان

سالنامہ » کابینہ

وکیل رئیس گمرک	:	ع ، خواجہ تاج الدینخان
مدیر محاسبہ »	:	ص ، فخر الدینخان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا احمد خان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبدالواحد خان
مدیر خزانہ	:	» محمد اسمعیل خان
منتظم تلگراف سیمدار	:	محمد امان خان
» » بی سیم	:	» علی گلخان
مامور معاہر	:	» دلاور خان

حکومت کلان سمت شمالی :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، خواجہ محمد خان .
مدیر کنترول	:	ص ، محمد عثمان خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، عبد الجلیل خان .
قوماندان کوتوالی	:	ش ، شیر احمد خان .
مامور گمرک	:	ص ، علی محمد خان .
کفیل مدیر صحیحہ	:	» ، نصر اللہ خان .

حکومت کلان غزنی :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، محمد ہاشمخان .
مدیر کنترول	:	ص ، فتح محمد خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، محمد علی خان .
قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبد الدینخان .

تشکيلات مملکتی

- مامور گمرک : ص ، محمد عمر خان .
کفیل مدیر صحبہ : د ، سلطان احمد خان .
حکومت کلان دایزنگی :
حاکم کلان دایزنگی : ع ، ع غلام محی الدینخان .
مامور کنترول : ص ، محمد سعید خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا دین محمد خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، محمد نبی خان .
حکومت کلان لوگر :
کفیل حاکم کلان : ع ، ع محمد حسن خان .
مامور کنترول : ص ، محمد حسین خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا صالح محمد خان .
قوماندان کوتوالی :
مامور گمرک : ص ، نورالحق خان .
کفیل مدیر صحبہ : « ، محمد نبی خان .

ولایت قندهار

- نائب الحکومه : ع ، ش ، سردار محمد داؤد خان
مستوفی : ع ، ص ، محمد اسلم خان
مامور کنترول مستوفیت : ص ، عبدالحمید خان
مامور اجرائیہ : « ، « ، عبدالله خان

سالنامہ » کابل «

سرکاتب تحصیلی مستوفیت :	ص ، باز محمد خان
ما مور تفتیش » :	» ، محمد حسین خان
قاضی صرافہ	: ف ، ملا اختر محمد خان
قوماندان کوتوالی	: ح ، محمد اکبر خان
رئیس گمرک	: ع ، فخرالدین خان
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا صاحبخان
مدیر خارجہ	: ص ، محمد امین خان
مدیر تحریرات	: » ، محمد اسمعیل خان
مدیر اخبارات	: » ، یابندہ محمد خان
منتظم تیلگراف	: » ، عبد اللہ خان
کفیل مدیر صحبہ	: » ، محمد یوسفخان
مدیر خزانہ	: » ، سیف اللہ خان
مدیر معارف	: » ، غلام حیدر خان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ	: » ، حاجی جان محمد خان
مدیر معابر	: » ، محمد اصغر خان
مدیر زراعت	: » ، مسجدی خان
مامور برق	:
متخصص برق	: عزت مند ، آوگست اوبل
مامور فابریکہ نساجی	: ص ، نظام الدین خان
متخصص » »	: عزت مند کبیر

تشکیلات مملکتی

حکومت کلان گرشک :

ع : ع دوست محمد خان	حا کم کلان
ص ، احمد علیخان	مامور کنترول
ف ، محمد قسیم خان	قاضی ابتدائیه
غ ، عیدی احمد خان	قوماندان کو توالی
ص ، محمد رضاء خان	مامور گمرک
» ، محمد صدیق خان	مامور صحیہ

حکومت کلان اروزگان :

ع ، ع شاه بزرگ خان	حا کم کلان
ص ، نظام الدینخان	مامور کنترول
ف ، عبد الحلیم خان	قاضی ابتدائیه
غ ، تاج محمد خان	قوماندان کو توالی
.....	مامور گمرک

حکومت کلان قلات :

ع ، ع میر اکبر خان	حا کم کلان
ص ، محمد یعقوب خان	مامور کنترول
ف ، ملا نورالحق خان	قاضی ابتدائیه
غ ، خان محمد خان	قوماندان کو توالی
ص ، محمد شریف خان	مامور گمرک

ولایت هرات

و، ج، س، ا، غلام فاروق خان	نایب الحکومه
ع، ص، محمد علی خان	مستوفی
ص، محمد عثمان خان	مامور کنترول مستوفیت
» ، عبدالقدوس خان	» مامور اجرائیہ
» ، حاجی عطاء محمد خان	» مامور تحصیل
» ، محمد جان خان	» مامور تفیش
ف ، احمد علی خان	قاضی سراقه
ح ، حاجی محمد عظیم خان	قوماندان کوتوالی
ع ، غلام حیدر خان	رئیس گمرک
ف ، ملا عبدالباقی خان	قاضی ابتدائیہ
ص ، محمد صدیق خان	مدیر خارجه
» ، عبدالقدیر خان	» تھریات
» ، عبدالوہاب خان	» خزائنہ
» ، نظام الدین خان	کفیل مدیر اخبارات
» ، عبدالاحد خان	منتظم تگراف
» ، عبدالمجید خان	مدیر زراعت
» ، عبدالنبی خان	کفیل مدیر صحیحہ
» ، عبدالواحد خان	مامور معارف
» ، گل محمد خان	رئیس فیصلہ منازعات تجارتیہ

سالنامه « کابل »

ص ، سرفراز خان	:	مامور تفتیش مستوفیت
ف ، ملا میر محمود خان	:	قاضی مرافعه
ح ، محمد جاننخان	:	قوماندان کوتوالی
ص ، عبدالحق خان	:	مدیر گمرک
ف ، ملا محمد رجب خان	:	قاضی ابتدائیه
ص ، سید عبدالمومن خان	:	مدیر خارجه
« ، عبد السمیع خان	:	« نخریرات
« ، عبد الفتاح خان	:	« مخابرات
« ، میر سکندر شاه خان	:	« خزانہ
« ، غلام سرور خان	:	منتظم تلگراف
« ، میرزا محمد خان	:	کفیل مدیر صحبہ
« ، محمد زمان خان	:	مدیر زراعت
« ، عبدالسلام خان	:	مامور معارف
« ، عبد الاحد خان	:	رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ
« ، غلام رسول خان	:	مدیر معا بر
« ، حاجی محمد سلیم خان	:	مامور موزیم

حکومت کلان شہر غان :

ع ، ع ، سید آقا خان	:	حاکم کلان
ص ، عبد اللہ خان	:	مامور کنترول
ف ، ملا محمد امین خان	:	قاضی ابتدائیه
غ ، محمد اسحق خان	:	قوماندان کوتوالی
.	:	مامور گمرک

سالنامه « کابل »

ص ، سرفراز خان	:	مامور تفتیش مستوفیت
ف ، ملایر محمود خان	:	قاضی مرافعه
ح ، محمد جاننخان	:	قوماندان کوتوالی
ص ، عبدالحق خان	:	مدیر گمرک
ف ، ملا محمد رجب خان	:	قاضی ابتداییه
ص ، سید عبدالمومن خان	:	مدیر خارجه
» ، عبد السمیع خان	:	» نحریرات
» ، عبد الفتاح خان	:	» مخابرات
» ، میر سکندر شاه خان	:	» خزانه
» ، غلام سرور خان	:	منتظم تلگراف
» ، میرزا محمد خان	:	کفیل مدیر صحیه
» ، محمد زمان خان	:	مدیر زراعت
» ، عبدالسلام خان	:	مامور معارف
» ، عبد الاحد خان	:	رئیس فیصله منازعات تجاریه
» ، غلامرسول خان	:	مدیر معا بر
» ، حاجی محمد سلیم خان	:	مامور موزیم

حکومت کلان شهر غان :

ع ، ع ، سید آقا خان	:	حاکم کلان
ص ، عبدالله خان	:	مامور کنترول
ف ، ملا محمد امین خان	:	قاضی ابتداییه
غ ، محمد اسحق خان	:	قوماندان کوتوالی
.	:	مامور گمرک

تشکیلات مملکتی

ولایت قطغن و بدخشان

نائب الحکومه	:	و ، ج شیر محمد خان
مستوفی	:	ع ، ص محمد سرور خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر محمد نبی خان
مامور اجرائیہ	:	» ، غلام یحیی خان
سر کاتب تحصیلی	:	» ، میر عبداللطیف خان
مامور تفتیش	:	» ،
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا گلدست خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، فقیر شاہ خان
مدیر گمرک	:	ص ، محمد انور خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا علی محمد خان
مامور خارجہ	:	ص ، سید عبدالسمیع خان
مدیر تحریرات	:	» ، شاہ عبداللہ خان
کفیل مدیر اخبارات	:	» ، گل احمد خان
منتظم تلگراف	:	» ، محمد عثمان خان
سبیل مدیر صحیحہ	:	» ، عبدالرحیم خان
مدیر زراعت	:	» ،
مدیر خزانہ	:	» ، خواجہ عبدالرشید خان
مدیر معارف	:	» ، عبد القدیر خان
رئیس فیصلہ منازعات تجارتیہ	:	» ، میان فضل احمد خان

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان	: ع ، ع ، ع سید عباس خان
مامور کنترول	: ص ، فضل احمد خان
قاضی ابتدائیه	: ف ، ملا محمد غوث خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، غلام محی الدینخان
مامور گمرک	: ص ، غلام فاروق خان
» صحیبه	: « ، محمد جعفر خان

حکومت اعلائی سمت مشرقی

حاکم اعلی	: ع ، ع ، ع ص محمد قاسمخان
سر رشته دار اعلی	: ص ، شیر احمد خان
مامور کنترول سررشته داری	: « ، شیر احمد خان
سرکاتب اجرائیه »	: « ، سید محمد اکبر خان
» تحصیلی »	: « ، میرزا محمد خان
مامور تقدیش	: « ، غیاث الدین خان
قاضی مرافعه	: ف ، ملا عبد الله خان
قوماندان کوتوالی	: ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گمرک	: ص ، عبد الکریم خان
قاضی ابتدائیه	: ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجه	: ص ، سلطان عزیز خان
کفیل مدیر صحیبه	: د ، محمد اسمعیل خان

تشکیلات مملکتی

مدیر زراعت	: ص ، سید حب علیشاه خان
» معابر	: » ، عبدالوکیل خان
مامور تحریرات	:
» خزانه	: ص ، محمد جانخان
» معارف	: » ، عبدالعلیخان
» مخبریات	: » ، نیک محمد خان
منتظم تلگراف تورخم	: » ، محمد حسین خان
حکومت کلان اسمار :	
حاکم کلان	: ع ، ع سید جلال خان
مامور کنترول	: ص ، گل احمد خان
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا عبدالغفور خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، شیر محمد خان
مامور گمرک	:
» صحبہ	: ص ، عبدالجلیل خان

حکومت اعلیٰ سمت جنوبی

حاکم اعلیٰ وقوماندان عسکری	: ع ، ش ، س ، ع محمد افضل خان
فرقه مشر اول	
سررشته دار اعلیٰ	: ص ، عبدالمجید خان
مامور کنترول سررشته داری	: » ، احمد خان
سرکاتب اجرائیہ » »	: » ، عبدالحمید خان

« سالنامه کابل »

سرکاتب تحصیلی سررشته داری	: ص ، حسن علیخان
مامور نفتیش	: « ، سید علم خان
قاضی صرافه	: ف ، ملاسید کاظم خان
قوماندان کوتوالی	: ش ، مدد خان
قاضی ابتدائیه	:
مدیر گمرک	: ص ، عبدالمجید خان
مدیر خارجه	: « ، محمد اکبر خان
کفیل مدیر صحبه	: « ، عبدالغفور خان
مدیر معابر	: « ، دلاور خان
مامور زراعت	: « ، محمد کریم خان
« خزانه	: « ، جمال الدین خان
« تحریرات	: « ، غلام حیدر خان
« معارف	: « ، علی جان خان
« سخا برات	: « ، محمد نبی خان

حکومت اعلی میهنه

حاکم اعلی	: ع ، ع ، ص محمد عزیزخان
سررشته دار اعلی	: ص ، نورمحمد خان
مامور کنترول سررشته داری	: « ، محمد حسن خان
سرکاتب اجرائیه	: « ، « ، عبدالرؤف خان
سرکاتب تحصیلی	: « ، « ، سکندر خان
سرکاتب نفتیش	: « ، « ، میر اکبر خان

تشکیلات مملکتی

قاضی صرافہ	: ف ، ملا محمد یوسف خان
قومانندان کوٹوالی	: ش ، عبدالغفور خان
مدیر گمرک اند خوی	: ص ، محمود خان
مامور گمرک مینہ	: » ، محمد اسمعیل خان
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا عبدالروف خان
مدیر خارچہ	: ص ، عبدالشکور خان
کفیل مدیر صحیحہ	: » ، میر محمد شریف خان
مامور تحریرات	: » ، عبد الحمید خان
کفیل مامور مخبرات	: » ، غلام غوث خان
مامور زراعت	: » ، آقا رحیم خان
» خزانہ	: » ، محمد اسلم خان
» معارف	: » ، محمد طاہر خان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ	: » ، محمد عمر خان
مامور معابر	: » ، سلطان عزیز خان

حکومت اعلیٰ فراه و چخانسور

حاکم اعلیٰ	: ع ، ع ، ص عبدالرزاق خان
سررشتہ دار اعلیٰ	: ص ، نور احمد خان
مامور کنترول سررشتہ داری	: » ، عزیز احمد خان
سرکاتب اجرائیہ	: » ، حیدر علیخان
» » تحصیل	: » ، شیخ احمد خان
» » تقش	: » ، محمد افضل خان

سالنامہ » کابل «

ف ، ملا عبداللطیف خان	قاضی سرافمہ
ش ، غلام حیدر خان	قوماندان کو توالی
ص ، محمد صدیق خان	مدیر خارجہ
» ، عبداللطیف خان	کفیل مدیر صحبہ
» ، عبد الباقی خان	مدیر زراعت
» ، شیر احمد خان	مامور گرنک
..... :	قاضی ابتدائی
ص ، غلام محمد خان	مامور تحریرات
» ، محمد علم خان	مامور اخبارات
» ، فیض محمد خان	منتظم تلگراف سیمدار
» ، محمد عمر خان	مامور خزانہ
» ، گلبدن خان	مامور معارف



مجلس عال اعیان

ع ، ج میر عطا محمد خان	رئیس
ع ، ص حاجی محمد اکبر خان	معاون اول
ع ، ص عبد الرحیم	معاون دوم
ف ، حافظ عبدالغفار خان	رئیس تمیز
ص ، سردار گل محمد خان	اعضای مجلس
د ، حاجی خیر محمد خان	»
د ، حاجی عطا محمد خان	»
د ، عبدالحکیم خان	»
د ، معاذ اللہ خان	»
د ، جان محمد خان	»
د ، سید یاقوت شاہ خان	»
د ، ملک رحمدل خان	»
د ، ایشان امام الدین خان	»
د ، شاہ محمود خان	»
د ، حاجی عبدالرحیم خان	»
د ، غلام معروف خان	»
د ، عبد الحمید خان	»
د ، خان آقا خان	»

سالنامه « کابل »

ص ، مولوی عبدالقدوس خان مربوط ولایت کابل	وکیل میدان
» » : « ، احمد جانخان »	» سینان و کهمرد
» » : « ، سلطان علیخان »	» بامیان
» » : « ، عبدالستار خان »	» چهار یکار
» » : « ، احمد علیخان »	» نجرا ب
» » : « ، سید اکبر خان »	» ننگاب
» » : « ، عبدالقدوس خان »	» ریزه کوهستان
» » : « ، عبدالعلیخان »	» سرخ و یارسا
» » : « ، سر فراز خان »	» جبل السراج
» » : « ، سید احمد خان »	» کوهدامن
» » : « ، شهاب الدینخان »	» غزنی
» » : « ، فقیر محمد خان »	» غور بند
» » : « ، حاجی عبدالقیوم خان »	» مقر
» » : « ، نادر علیخان »	» جاغوری
» » : « ، سید غلام رضا خان »	» دایزنکی
» » : « ، میر محمد علیخان »	» بهسود
» » : « ، میر حبیب الله خان »	» یکا ولنسک
» » : « ، محمود خان »	» سروبی
» » : « ، عبدالرحیم خان »	» کوچی دامانی کتواز
» » : « ، محمد فیچر خان »	» کتواز

تشکیلات دوائر ملی

سرہوٹا ولایت قندھار	» ، کلبدین خان	» وکیل دند
» »	» ، محمد ہاشم خان	» کشک نخود
» »	» ، محمد فضل خان	» قلات
» »	» ، محمد اقبال خان	» گرمسیر
» »	» ، آقا محمد خان	» سپین بولدک (کدنی سابق)
» »	»	» دھرا ہود
» »	» ، فیض اللہ خان	» نیرین
» »	» ، حاجی گل محمد خان	» دہلہ
» »	» ، عبدالعزیز خان	» ترنگ و جلدک
» »	» ، عبدالصمد خان	» ارغستان
» »	» ، محمد موسیٰ خان	» گرشک
» »	» ، عبد الرزاق خان	» زمینداور
» »	» ، محمد شاہ خان	» ارزگان
» »	» ، عبدالعزیز خان	» گزلب
» »	» ، میر افضل خان	» اجرستان
» »	» ، دوست محمد خان	» کوچی پشت رود
سرہوٹا ولایت ہرات	» ، محمد شریف خان	» مرکز ہرات
» »	» ، فضل حق خان	» بلو کات
» »	» ، میر محمد محسن خان	» غور
» »	» ، محمد سرور خان	» سبزوار
» »	» ، محمد عزیز خان	» غور یان

سالنامه « نابل »

مربوط ولایت هرات	ص ، محمد یعقوب خان	وکیل کشک و گلران
» »	» سلطان محمد خان	» قلعه نو
» »	» عبد الباقیخان	» بالا مرغاب
» »	» سید محمد عمر خان	» اوبه
» »	» دوست محمد خان	» تولک و تنکا بستان
» »	» رحمت الله خان	» شهرک
» »	» غلام رسول خان	» چقچران
مربوط ولایت مزار شریف	» عبد الکریمخان	» مرکز مزار شریف
» »	» رجب علیخان	» نهر شاهی
» »	» محمد ظریف خان	» سنگچهارک
» »	» محمد ناصر خان	» تاشقرغان
» »	» محمد عظیم خان	» سریل
» »	» صالح محمد خان	» افچه
» »	»	» بلخ
» »	» نور الله خان	» دولت آباد
» »	» طوره بیگ	» دره صوف
» »	» میر محمد اسلم خان	» شبرغان
» »	» میرزا کلان خان	» ایبک
مربوط ولایت قطغن و بدخشان	» غلام حیدر خان	» مرکز خان آباد

تشکیلات د وایر ملی

وکیل قندوز	: « عبد الغیور خان	مربوط ولایت قطنن
» نهرین	: « ، سید محمد خان	و بدخشان
» حضرت امام صاحب	: « ، صاحب نور خان	»
» اندراب	: « ، ملا بابہ خان	»
» غوری	: « ، نائب خوشوقت خان	»
» تالقان	: « ، محمد اکبر خان	»
» مرکز بدخشان (فیض آباد)	: « ، محمد ذاکر خن	»
» واکان	: « ، شیرخان بیگ خان	»
» درواز	: « ، داکی خان	»
» کشم	: « ، محمد حسین خان	»
» جرم	: « ،	»
» ینگی قلعه	: « ، بابہ جان خان	»
» چال و اشکدش	: « ، میر فضل احمد خان	»
» مرکز جلال آباد	: ص ، محمد انور خان	مربوط حکومت اعلای مشرقی
» سرخ رود	: « ، سید محمد صادق خان	»
» مہمند رہ	: « ، عبد اللہ خان	»
» شنوار	: « ، محمد ظفر خان	»

سالنامه « کابل »

وکیل کامه	ص ، میا عبدالغفورخان	مربوط حکومت اعلای مشرفی
» لغمان	» ، » عبدالقادر خان	» »
» نورستان	» ، » مشك عالم خان	» »
» خوکبانی	» ، » شیر علیخان	» »
» حصارک	» ، » محمد امیرخان	» »
» مرکز حکومت کلان کنرها	» ، » مجاهدین خان	» »
» کنر خاص و کوز کنر	» ، » سید جانخان	» »
» برکنر دره سین	» ، » محمد امین خان	» »
» دره پیچ	» ، » محمد حسن خان	» »
» رودات	» ، » میا جانخان	» »
» کوچی ننگ نهاری	» ، » محمد هاشمخان	» »
» گردیز	» ، » امیر محمد خان	مربوط حکومت اعلای جنوبی
» ارگون	» ، » سید حبیب شاه خان	» »
» خوست	» ، » صاحب جانخان	» »
» »	» ، » میرزا محمد خان	» »
» منگل	» ، » بدک خان	» »
» جاجی	» ، » صاحب گل خان	» »

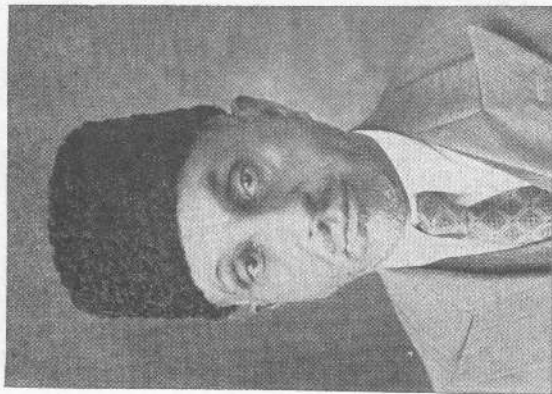
تشکيلات دوائر ملی

وکیل جدران	، ص ، نیک محمد خان	مربوط حکومت اعلای جنوبی
» چمکنی	: » ، محمد عزیز خان	» »
» زرمتم	: » ، محمد نعیم خان	» »
» وکیل مرکز و علاقہ جات بیرون سوئہ پشتون کوت	: » ، ابوالقاسم خان	مربوط حکومت اعلای میمنہ
» قیصار	: » ، عبدالرحمن خان	» »
» درزاب و گرزبوان	: » ، عبدالرحمن خان	» »
» اند خوی	: » ، چار یار قل خان	» »
» تگداب شیرین	: » ، سید ابوالخیر خان	» »
» مرکز فراه	:	مربوط حکومت اعلای فراه
» چخانسور	:	» »
» بکواہ و خاشرود	: ص ، غلام سرور خان	» »



مجلس عال اعيان

ع ، ج ، مير عطا محمد خان	رئيس
ع ، ص ، حاجي محمد اكبر خان	معاون اول
ع ، ص ، عبد الرحيم	معاون دوم
ف ، حافظ عبدالغفار خان	رئيس تميز
ص ، سر دار گل محمد خان	اعضای مجلس
د ، حاجي خبير محمد خان	» »
د ، حاجي عطا محمد خان	» »
د ، عبد الحكيم خان	» »
د ، معاذ الله خان	» »
د ، جان محمد خان	» »
د ، سيد ياقوت شاه خان	» »
د ، ملك رحمدل خان	» »
د ، ايشان امام الدين خان	» »
د ، شاه محمود خان	» »
د ، حاجي عبدالرحيم خان	» »
د ، غلام معروف خان	» »
د ، عبد الحميد خان	» »
د ، خان آقا خان	» »



ع ، ج میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
Président du Sénat.



ع ، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی
S. Ex. Abdoul Abad Khan président
du Conseil National.



ع ، ج محمد نورو ز خان سرمنشی حضور همايونی
ورئيس ايجمن ادبي كا بل

S. Ex. Mohammad Nauroz Khan
secrétaire privé de S. M. et président
du Cercle Littéraire de Kaboul



ع ، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان وزير دربار

S. A. Ahmad Chah Khan. Ministre
de la Cour.

اعضای مجلس	ص ، محمد رسول خان
» »	» ، عبدالصمد خان
» »	» ، عبدالغفور خان
» »	» ، حاجی عبدالحکیم خان
» »	» ، سید فیض اللہ خان
» »	» ، حاجی میرزا محمود خان
» »	» ، عبداللطیف خان
» »	» ، امین اللہ خان
» »	» ، محمد عمر خان
» »	» ، میر محمد علیخان آزاد
» »	» ، عبدالستار خان
» »	» ، سید احمد شاہ خان
» »	» ، علی احمد خان
» »	» ، عبد الرحمن خان
» »	» ، محمد حسن خان مہمند
» »	» ، خداداد خان
» »	» ، نظر محمد خان
» »	» ، ملک محمد اصغر خان
» »	» ، جلال الدین خان
» »	» ، محمد حسن خان وردک
» »	» ، سید شمس الدین خان

اعضائی مجلس	: ص ، سید محمد خان
» »	: » ، سید احمد خان
» »	: » ، مولوی محمد پذیر خان
» »	: » ، نور الدین خان
» »	: » ، حاجی محمد شریف خان
» »	: » ، یار محمد خان
» »	: » ، سردار گل محمد خان
» »	: » ، محمد اکبر خان
» »	: » ، غلام رسول خان
» »	: » ، دیوان حکم چند

ہیئت اداری :

منشی مجلس اعیان	: ص ، محمود خان
سر کتابت تحریرات	: » ، محمد حسین خان
» » انجمن تحقیقہ	: » ، محمد انور خان
» » انجمن تدوین و اصول	: » ، سید محبوب خان
» » دائرہ تمیز	: » ، غلام رسول خان
» » محاسبہ	: » ، محمد یوسف خان
» » اوراق	: » ، محمد اکبر خان

ریاست بلدیة کابل

و، ج عبد الرزاق خان	رئیس
ص، سید جلال الدین خان	معاون
» ، عبد الله خان	مدیر تحریرات
» ، محمد رفیق خان	» محاسبه
» ، محمد رفیق خان	مامور تحصیلی
» ، میر عبد الفتاح خان	» نمبر موتر و گادی
» ، قہیر محمد خان	» » » نگران
عزت مند مستر سابل اوف	مهندس خارجی
ص تاج الدین خان	» داخلی
» ، محمد حسین خان ، غلام غوث خان	پیمایشی ها
حضرت شاه خان و علاؤ الدین خان	
» ، ر مضایح خان ، عبد المجید خان	» کش ها
و عبد القفور خان و عبد الرحمن خان	
ف ، عجب گلخان	مفتی کار میزی
ص ، محمد نعیم خان	معمار باشی مهندسی
» ، عبد الروف خان	» » میزی
» ، محمد هاشم خان	» » نجار
» ، محمد نعیم خان	سرکاتب تفتیش و سنجش
» ، محمد حسین خان	» اوراق
» ، عبد الرشید خان	مامور تنظیمات
» ، محمد ابراهیم خان	» پندیم خانة نادری

روسا و مامور های بلدیة مراکز ولایات و حکومتی های اعلی و کلان

ع ، محمد ناصر خان	رئیس بلدیة قندهار
» ، غلام یحیی خان .	» » هرات
» ، فراح الدین خان	» » مزار شریف
» ، میر عبدالسلام خان	» » خان آباد
» ، سلطان احمد خان	» » جلال آباد
» ، محمد رضا خان .	» » گردیز
»	» » مینه
» ، محمد حسین خان	مامور » فراه
» ، عبد الرسول خان	» » چهار یکبار
» ، عبد السلام خان	» » غزنی
»	» » دایزنگی
» ، لطف الله خان	» » لوگر
»	» » کرسک
»	» » ارزکان
»	» » فلات
»	» » فدرات
»	» » باد غیستان
»	» » شبرغان
» ، بزرگت خواجه خان	» » بدخشان فیض آباد)
»	» » کنرها و اسمار

تشکیلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزیر	:	ع ، ج ، والا حضرت سردار احمد شاه خان
معین	:	ع ، ص غلام احمد خان
مدیر تنظیمات	:	ص ، عبدالرحیم خان
معاون تنظیمات	:	» ، محمد اکرم خان
»	:	» ، غلام نبی خان
»	:	» ، عبدالحییب خان
مدیر تشریفات	:	» ، عبدالرشید خان
» عمومی محاسبہ	:	» ، عبدالوہاب خان
» خزانہ	:	» ، سراج الدین خان
» نقایہ	:	» ، محمد اکبر خان
ناظر کارخانہ طبابخی	:	» ، ساجی نظر محمد خان
خانہ سامان باشی عمومی	:	» ، صالح محمد خان
فراشباشی	:	» ، عبدالرشید خان

عرض بیگی حضور : ص ، محمد اسمعیل خان
ہمایونی

موتران باشی : ، ، خواجہ محمد خان

سرکاتب اوراق : ، ، محمد عظیم خان

مصاحبین حضور ہمایونی

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

» ، ، حاجی محمد نواب خان

» ، ، صالح محمد خان

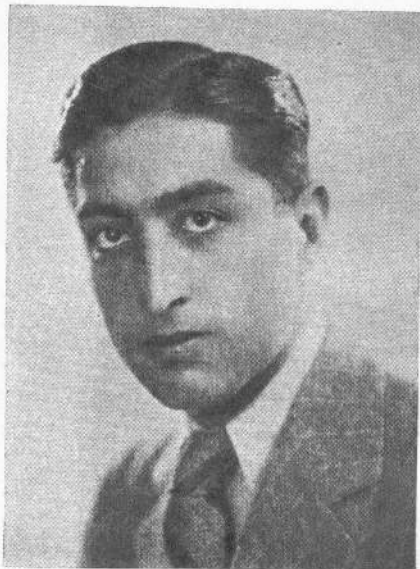
» ، ، محمد سرور خان

» ، ، سلطان احمد خان



دارالتحریر شاہی

- سرمنشی حضور ہمایونی: ع ، ج محمد نوروز خان
مدیر قلم مخصوص : ع ، نور محمد خان
» شعبہ اول : » ، حافظ نور محمد خان
» دوم : » ، عبدالاحمد خان
» سوم : » ، سراج الدینخان
» چہارم : » ، غلام قادر خان
مترجم زبان عربی و ترکی: ص ، سید مبشر خان طرازی
» زبان انگلیسی واردو: » ، یعقوب حسن خان
» فرانسوی : » ، محمد حیدر خان
» : » ، احمد علیخان
مشاور امور شرعیہ :
مذخصص اقتصاد : ص ، حبیب اللہ خان
رئیس دائرہ خصوصی: ع ، ص ، خواجہ جانگل خان
حضور ہمایونی



در موقیعه که سائنما
 از طبع فارغ و
 مستعد نشر بود،
 کمال مسرت
 اطلاع گرفتیم که
 عالیقدر جلالتمآب
 سردار محمد نعیم
 خان پسر عم
 اعلیحضرت
 همايونی معین اول
 وزارت امور
 خارجه که یکی از
 جوانان تعلیم یافته
 کارآگاه و لائق
 و فعال مملکت ما

ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف
S. Ex. Sardar Mohammad Na'im Khan
le nouveau ministre de l'instruction
publique

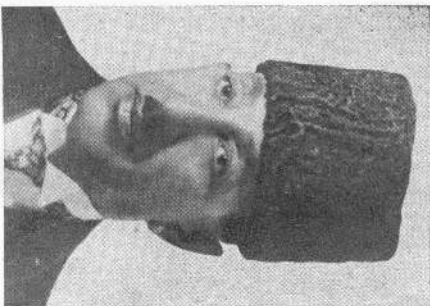
میباشند، از حضور
 اشرف ملو کا نه
 بوزارت معارف
 عن تقرر حاصل

نوده - اینست که يك قطعه عکس جلالتمآب مو صوف را بدست
 آورده باین معرفی مختصر بر داختم و ضمناً مراتب مسرت و امتنان
 خود را نسبت باین انتخاب نیک اظهار و امیدقوی داریم که امور معارف
 افغانستان که طرف توجه مخصوص اعلیحضرت همايونی و سایر رجال
 بهیخواه وطن عن یز ما میباشد، از اثر مساعی ع ، ج سردار
 محمد نعیم خان وزیر معارف بیش از پیش حائز ترقی و توسعه گردد.

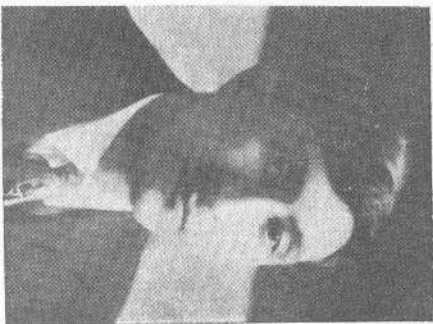
از مقررهای سهمۀ سال ۱۳۱۵



ح ، ص امین الله خان مومنین
وزارت عدلیه



ح ، ص محمد اکبر خان مصاحب
حضور هماوردنی

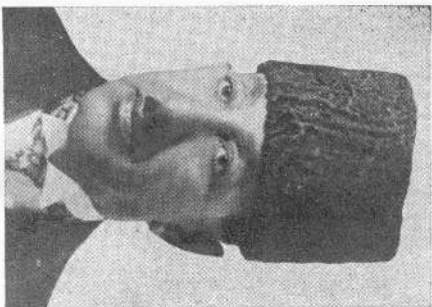


ح ، ص محمد حبیب خان نایبندۀ دانسی
افغانستان دو جامعه ملل

ع ، ص امین الله خان مبین
وزارت عدلیه

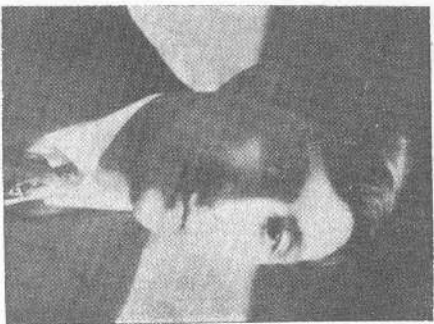


ع ، ص محمد اکبر خان مصاحب
حضور همايونی



از مقرر ریهای سهیمه سال ۱۳۱۵

ع ، ص محمد جنید خان نماینده دانشی
افغانستان در جامعه ملل



از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۵



ع ، ش عبدالقیوم خان قوماندان
فرقه غزنی



ع ، ش عبدالغفور خان سریارور
حربیو حضور هما یونی



ع ، ش محمد قاسم خان قوماندان فرقه
قضاون و بدخشان

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۵



ع ، ص محمد علی خان مستوفی هرات



ع ، ص عبدالرسول خان رئیس مباحثات

از مقررهای سال ۱۳۱۰



جناب عبدالله خان دکتور معادن تعلیم
یافته المان که در سال ۱۳۱۰ بوطن
سراجعت و مشغول کسار شده اند



ع ، محمد کریم خان مدیر عمومی سیاسی
وزارت خارجه که اخیراً باین
عہدہ مقرر شده اند

اجراآت دوائر مملکتی

در سال ۱۳۱۵ بتوجهٔ حکومت معظم متبوع و مساعی و زحمات قابل قدر هیئت محترم دولت و مامورین دوائر ، امور مملکتی اعم از قسمت های کشوری و لشکری دارای ترقیات محسوسی شده و در اثر همین نظم و پیشرفت های امور دولتی ملت در کمال امنیت و آسایش بترقی امور جانی و معاشرتی خود سرگرمی و توجه دارند و این جنبش و توجهٔ دولت و ملت بترقی مملکت ، افغانستان عزیز را با قدمهای صحیح و مرتب بطرف سعادت و ارتقا می کشاند .

هیئت انجمن ادبی کابل از توجهات ترقی خواهانهٔ حکومت مهربان خود سپاس گذاری نموده اینک مختصر شرح کار روائی دوائر محترم مملکتی را فرار آنی بملاحظهٔ قارئین سالنامه میرسانیم :

امور حربیه

امور حربیه که بزرگترین و مهم ترین شعبات مملکتی را تشکیل داده حفظ و استقرار امنیت در داخل و تأمین صلح و حفظ حقوق و منافع مملکت در خارجه بسته به آن میباشد ، همانطوریکه از بد و تاسیس حکومت موجوده یعنی از اول زمامداری مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی فقید و همچنان از روز جلوس اعلیحضرت معظم همایونی محمد ظاهر شاه خلدالله ملکه بزرگ نظر رجل نامدار و فرزند رشید وطن والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی

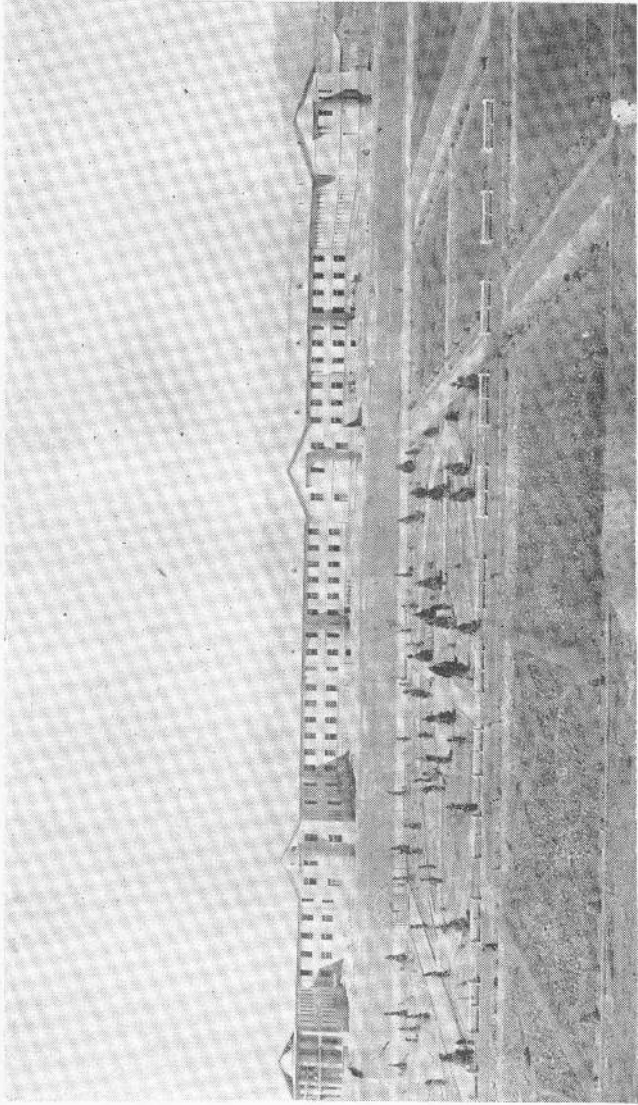
سپه سالار و وزیر حربیه طرف توجه خاص قرار گرفته ، طوریکه مشاهده میکنیم وامنیت امروزه وطن و موقعیت عسکر افغانستان درعالم بهترین شاهد آن است ، درین رشته ترقیات قابل تقدیری بوجود آمده و می توان گفت که عسکر موجوده ما از هر جهت دارای تشکیلات صحیح و فراخور حال مملکت ما شده و هم امید قوی می رود که از اثر توجهات حکومت مقبوعه و مساعی والاحضرت افغهم وزیر صاحب حربیه و تجارب و معنومات جنیدیکه این مرد بزرگ درضمن مسافرت اروپائی خود حاصل فرموده اند ، عسکر افغانی پیش از پیش حاضر ترقیات مطلوبه گردیده موجات مزید اطمینان ملت و حکومت و اسباب افتخار مملکت افغانستان را فراهم سازد .

نا گفته نماند که در مدت ۹ ماهیکه والاحضرت افغهم سردار شاه و لیخان غازی بکفالت وزارت حربیه کار میکردند ، از توجه و زحمت ذیقیمت معظم له امور حربیه بکمال خوبی در جریان بوده پیشرفتهای جالب توجهی درین رشته بظهور رسیده است که ذیلاً طور خلاصه اجراآت هر شعبه از شعبات وزارت حربیه درین سال از نظر خواستگان عزیز گذارش داده میشود :

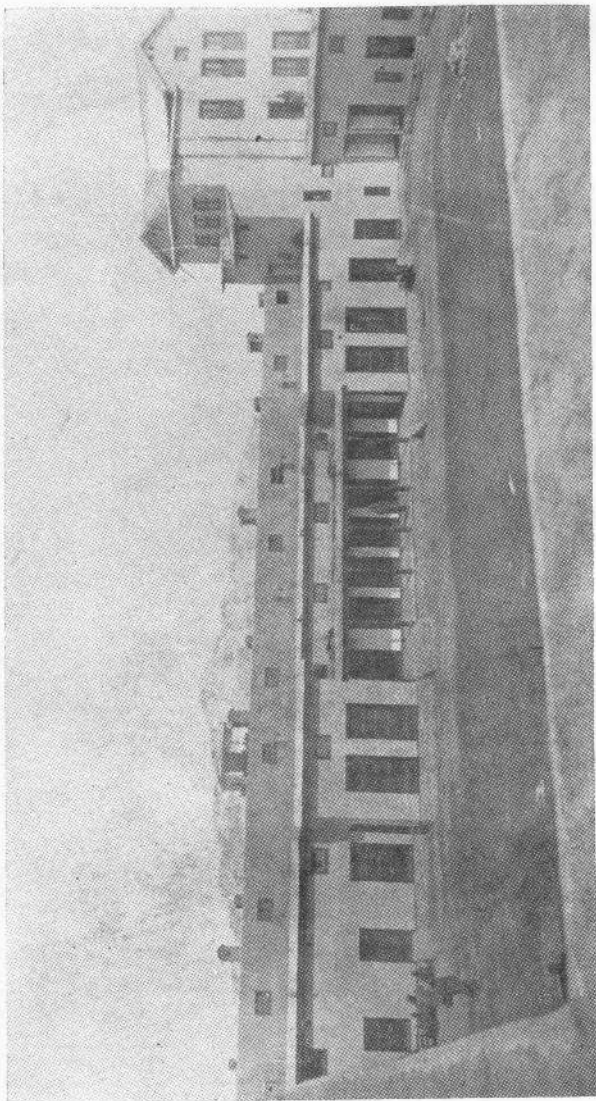
ریاست ارکان حربیه عمومیه :

برای اینکه از اجراآت و فعالیت دوائر مختلفه ریاست ارکان حربیه عمومیه بصورت سریعه اخذ مطلب کرده بشود چنین مصیب دانسته شد که بایست فعالیت دوائر مذکور بطور خلاص و مانده وار درقید تحریر آورده شود :

۱- نظربه تجاریکه درطرف یک سال استحصالی کرده شده بود ، اصلاحات لازمه در بعضی تشکیلات قطعات اردو .



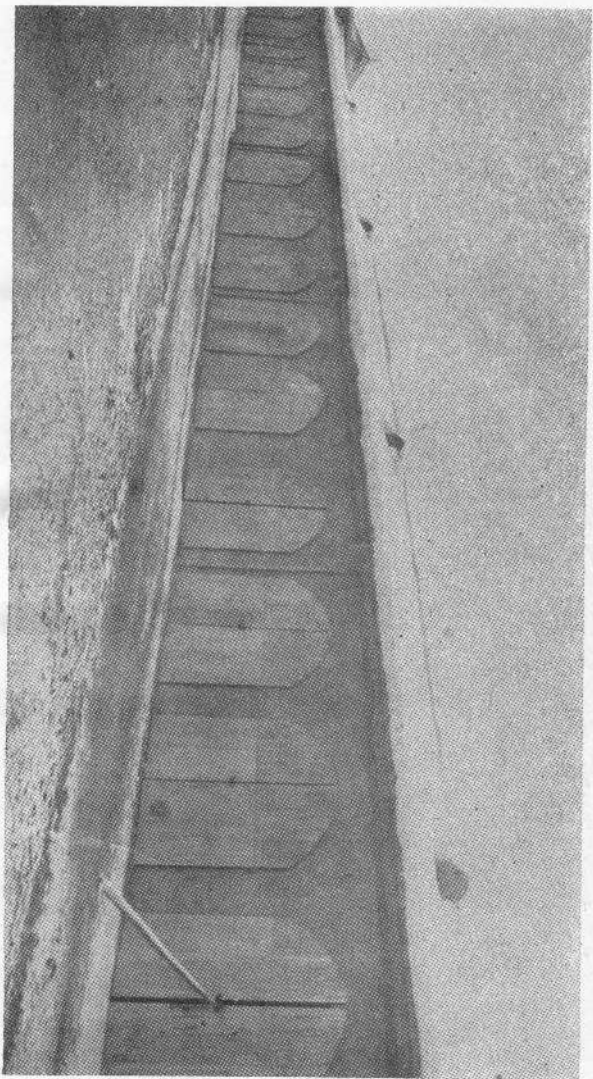
از عمرا تات مهمه مرکز، منظره عمومی مکانب حریه واقع بالاحصار کابل
Vue générale des nouveaux bâtiments de l'école militaire à Kaboul



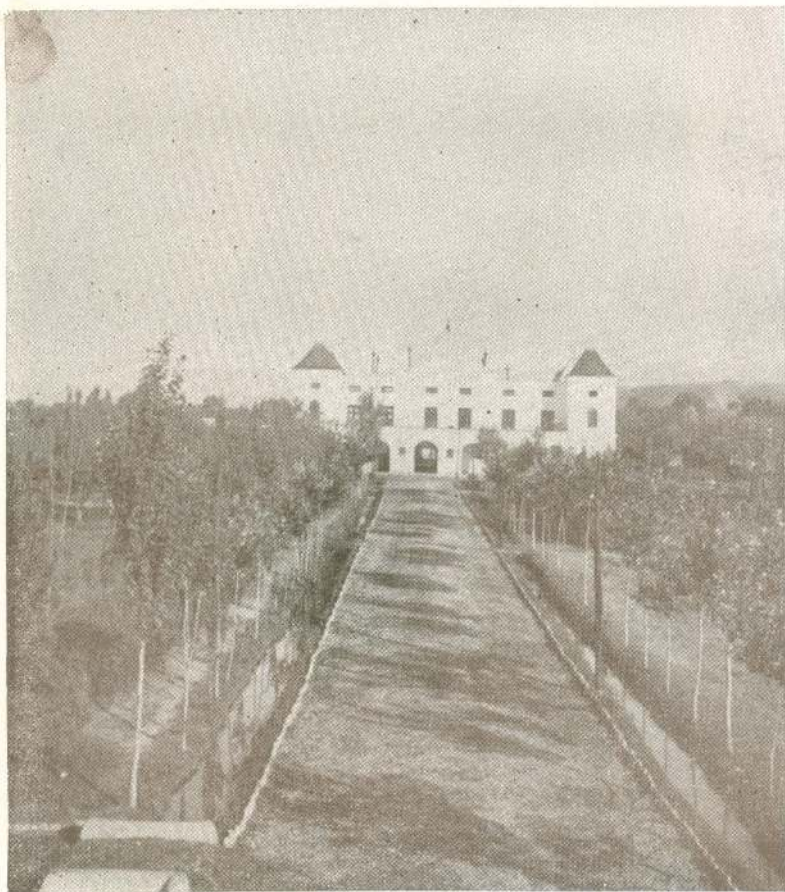
از عمارات جدید وزارت حربیه در کابل : فرارگاه فرقه تویچی : حصه نشین دوائر واقع زنده بانا
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul

از عمارات جدید وزارت حربیه در کابل ، از رخ داخلی يك قسمت از عمارات قلعه فرقه توپچی
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul

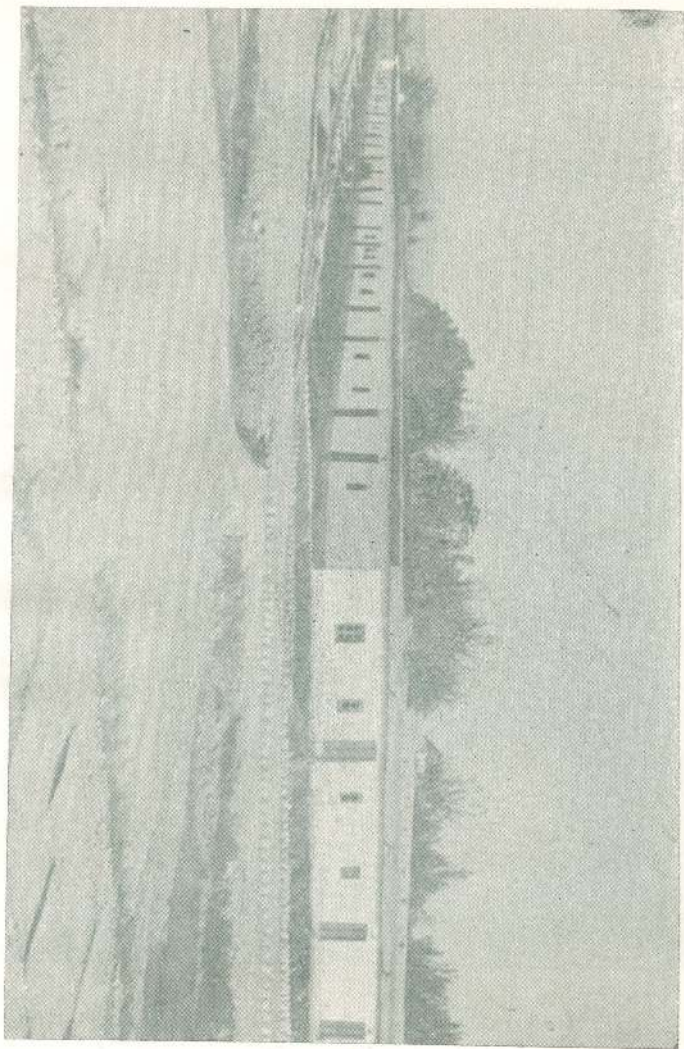




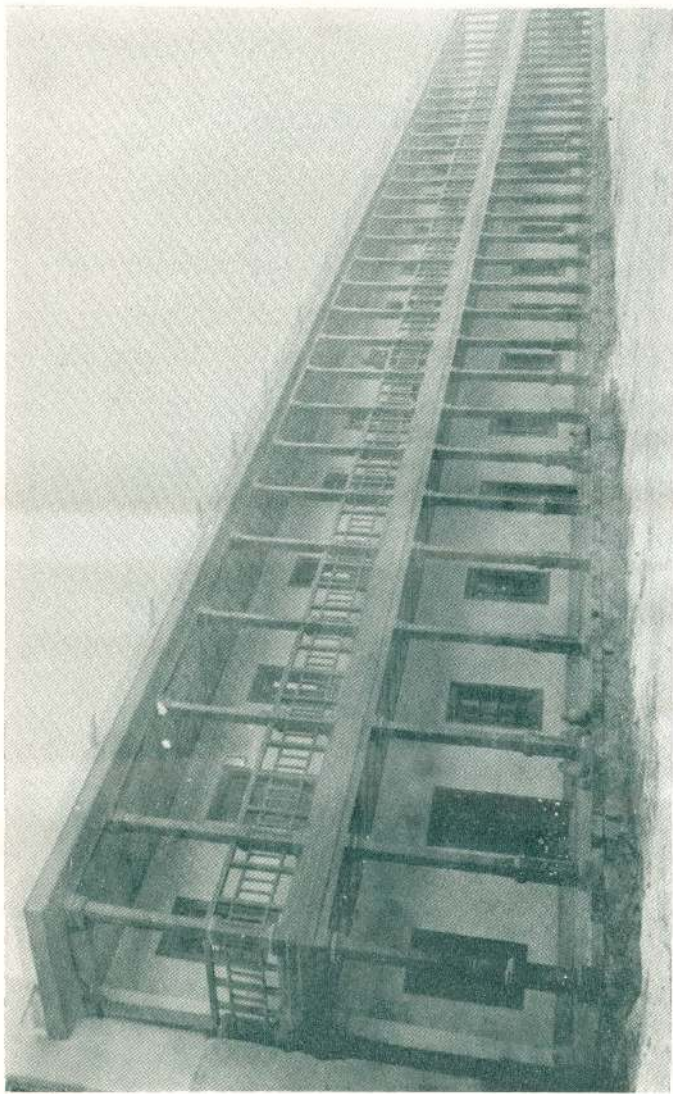
از مخمرات جدید وزارت حریه در کابل؛ موضع توپهای درون قلعه نو بجی
*Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul: Les garages pour
les gros canons.*



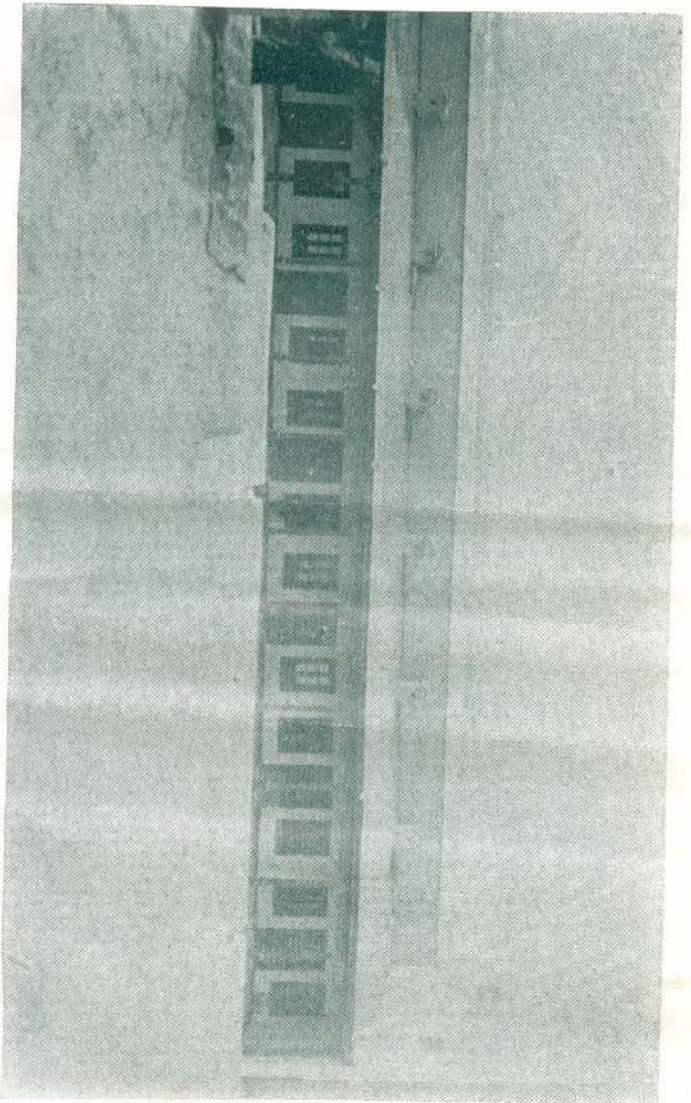
قوماندانی فرقهٔ عسکری درخان آباد (عمارت حیات آباد)
Immeuble du commandement de la division de Khanabad



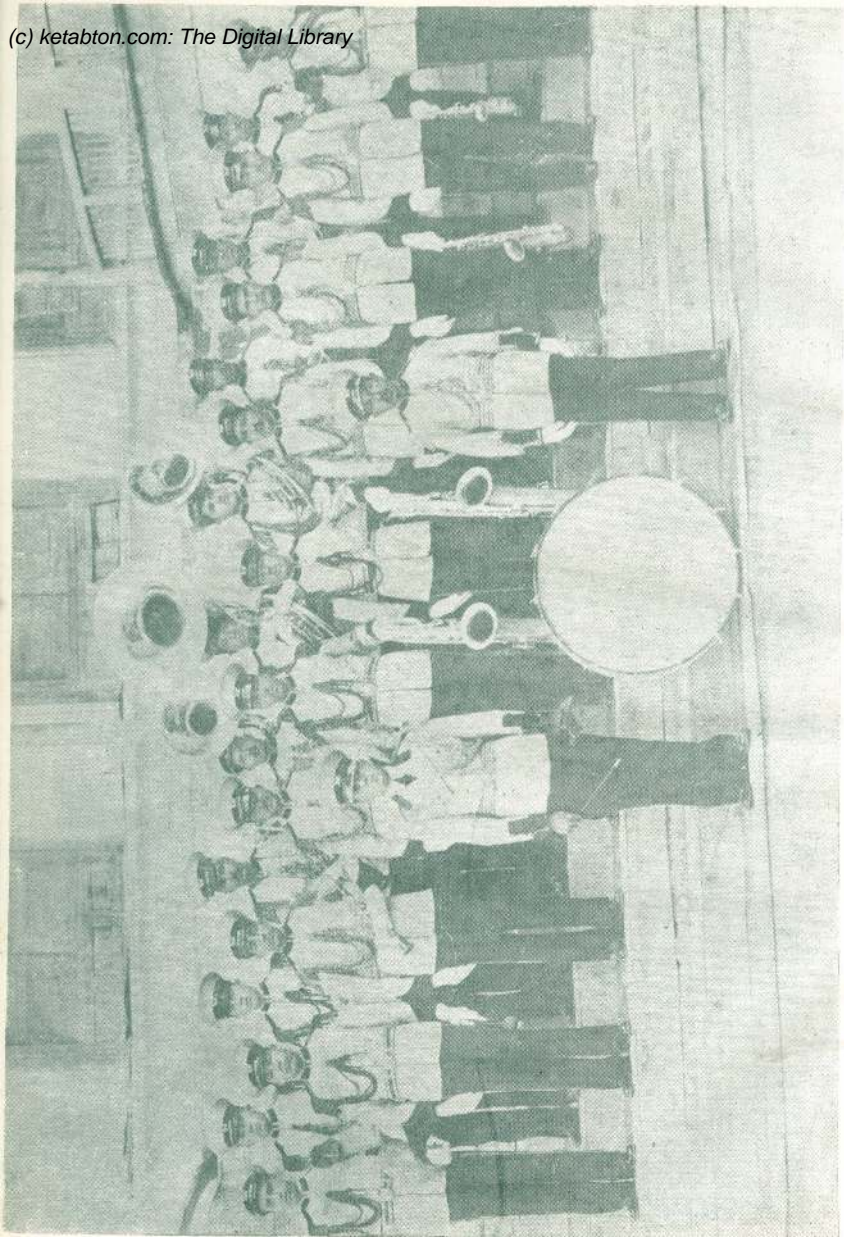
از عمارات جدید ولایت قفقاز و بدخشان : چهارانی مسکری در خان آباد
Une partie des nouveaux baraquement à Khanabad



از عمرات جدید وزارت حربیه در کابل : نقشه دو منزله فرقه توپچی
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul:

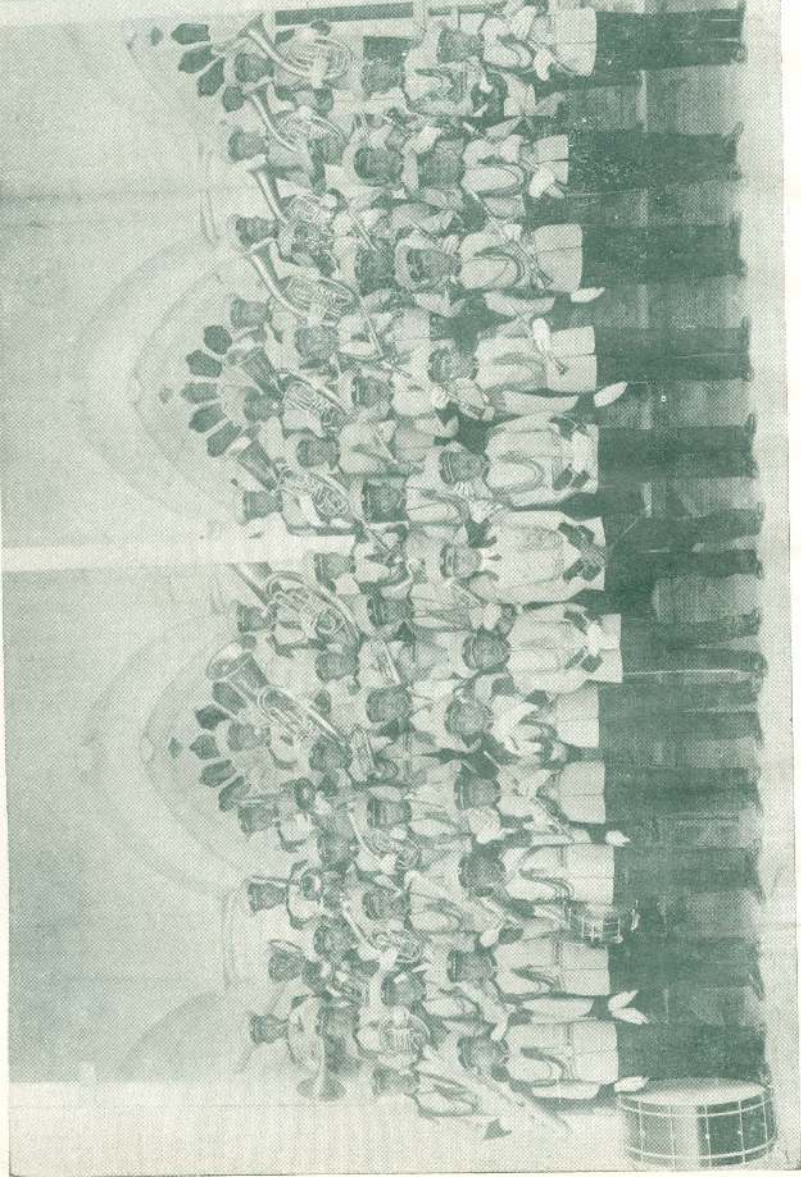


از عمرانات جدید وزارت حریه در کابل؛ سمت داخلی یک قسمت از عمارت راست فتنه تو بهی
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul.



موزيك سالون مخصوص وزارت حربه

Orchestra du salon du Ministère de la Guerre

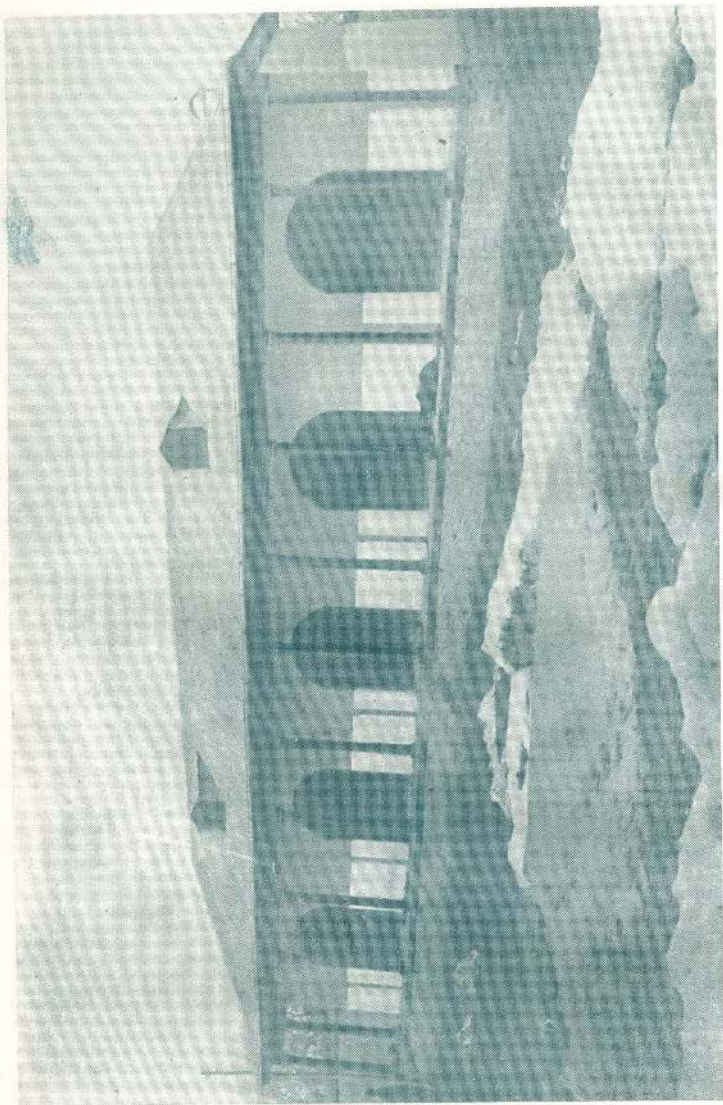


اورکسترای آرمونی وزارت حربیہ
Orchestre Harmonie du Ministère de la Guerre



از عمارات جدید وزارت سریه در کابل ، دروازه بزرگ قلعه فرقه توپچی
Le grand portail de la nouvelle forteresse de la division d'artillerie à Kkaboul

۱۸



از عمارات جدید وزارت حربیه در کابل : موضع توپها در داخل قلعه فرقه توپچی

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul: Les garages pour les gros canons

اجرا آت دوائر مملکتی

- ۲- بعضی اصلاحات لازمه در تشکیلات دوائر مربوط وزارت حریبه و فرار گاه های قطعات اردو .
- ۳- اصلاحات در تجهیزات قطعات اردو .
- ۴- برای مقاصد خصوصیه ، سوبیات بعضی قطعات از يك محل به دیگر نقاط .
- ۵- برای تأمین انضباط حدود ، اعطای لوایح و هدایات لازمه .
- ۶- نظریه تجارب ، تبدیل بعضی قطعات از نقطه نظر سوق الجیش .
- ۷- اعطای پروگرام های تعلیم و تربیه برای قطعات اردو .
- ۸- اخذ دیپلومه یعنی شهادتنامه گروپ طلاب موزیکه از مکتب موزیک و توزیع آنها به غنڈ های قطعات مرکز .
- ۹- اخذ امتحان طلاب انجینیری و ابراز موفقیت آنها .
- ۱۰- برای پیدا کردن اختصاص در مسلک طوپیچی اعزام چند نفر طلبه از شاگردان افغان که در تورکیه میباشند به آلمان .
- ۱۱- اقدامات لازمه برای تکمیل دیگر طلاب مکتب موزیک .
- ۱۲- جلب و استخدام بعضی معلمین .
- ۱۳- تجدید قرار داد بعضی معلمین و مستخدمین سابقه .
- ۱۴- طبع و نشر بعضی آثار مفیده .
- ۱۵- توزیع بعضی آثار لازمه مفیده برای قطعات اردو .
- ۱۶- اجرای بعضی تطبیقات به قطعات اردو .
- ۱۷- اخذ امتحان تعلیمگاه های ضابطان قطعات اردو .
- ۱۸- نشر و توزیع بعضی لوایح تطبیقات به قطعات .
- ۱۹- جلب و اشتراك صاحبان قطعات اطراف به تفتیش فرقه شاهی .

- ۲۰- تعدیلات لازمه در اابسۀ ضابطان و منسوبین قطعات اردو .
- ۲۱- برای ترقی و تعالی قوای هوائیۀ اردو ، اعطای اعانه از طرف ذات شاهانه و خاندان شاهي و منسوبین عسکری و دیگر طبقات افراد ملت .
- ۲۲- برای تعلیم و تربیۀ هوائی جلب و استخدام بعضی پیلوت های خارجی .
- ۲۳- برای تسهیل بعضی امور طباعتی قطعات دادن ماشین گستر .
- ۲۴- شمولیت تمامی صاحبمنصبان به مجله اردو .

ریاست حربیه :

- ۱- : تورید يك تعداد تفنگ های جدید ۳۰۳ بور .
- ۲- : « » « » « » جبه خانه »
- ۳- : تشبث در باب ا کمال تفنگ های ماشیندار .
- ۴- : ترمیم بعضی اسلحه خفیه و ثقیله ترمیم طلب بتوسط فابریکه حربیه و کارگران مگزین ارگ
- ۵- : تحصیل يك مقدار اسلحه پراکنده شده زمان انقلاب .
- ۶- : « » « » جباخانه های پراکنده شده زمان انقلاب .
- ۷- : معاینۀ اسلحه جدید الورد .
- ۸- : « تفنگ های دستی ماشیندار ها و غیره آلات و ادوات عسکریه که خواه بطورنونه از خارج آمده و خواه در داخل تهیه شده .
- ۹- : تهیه و تادیۀ یکمقدار جبه خانه ثقیله و خفیه حربیه مانوره قطعات .
- ۱۰- : تشبث در خصوص خریداری يك مقدار بارود توپچی .
- ۱۱- : خریداری یکمقدار بارود سیاه برای امور عمرا نات داخل مملکت .
- ۲- : تهیه و تدارک بعضی انواع جبه خانه و مواد ناریه توسط

اجراآت دواتر مملکتی

فایر یکه آلات حربی .

- ۱۳- : تصفیه و تنظیم جبهه خانه ها .
- ۱۴- : ا کمال بعضی ادوات استحکامیه .
- ۱۵- : تشبث در خصوص ا کمال بعضی آلات مخا بره و مواصله .
- ۱۶- : معاينه کارهای عسکریه حربی و اصلاح بعضی اعمال مذکورہ .
- ۱۷- : ترمیم بعضی جبهه خانه ها .
- ۱۸- : تهیه و تدارک آلات و ادوات لازمه کسبه های قطعات .
- ۱۹- : تشبث در باب تاسیس فایر یکه بارود سفید .
- ۲۰- : ساختمان کارطوس های طویلهای عادی آتش بوا سطره کارگران جبهه خانه .
- ۲۲- : ترتیب و تنظیم راپورهای قوه های عمومی اسلحه و جبهه خانه و آلات و ادوات عسکریه و تقدیم آن بمقامات لازمه .

ریاست اردو

تعمیراتی که در سال ۱۳۱۵ از طرف مدیریت تعمیرات وزارت حربیه اجرا شده :

الف : تعمیرات جدیدہ :

- ۱- کارات باقیمانده فقله توپچی واقع زنده بانان که از سازگذشته ۱۳۱۴ باقی مانده بود درین سال با دو باب دکان متعلقه فقله مذکور تعمیر و تکمیل گردیده است .
- ۲- تکمیل عمارت بیست باب موتر خانه های شیر پور که از سال گذشته باقی مانده و درین سال تمام شده است .

سالنامه « کابل »

۳ - کار آهن پوش دیوار احاطه وزارت حربیه درین سال اجرا شده .

ب : ترمیمات :

۱ - ترمیمات جباخانه بالاحصار .

۲ - ترمیمات قوماندانی طیاره .

۳ - ترمیمات شفاخانه عسکری .

۴ - ترمیمات عمارت وزارت .

۵ - ترمیمات عمارت قول اردو .

۶ - ترمیمات بعضی عمارات دیگر مربوطه وزارت حربیه .

مقررریها و ترفیعات جدید وزارت حربیه :

ع ، ش ، عبدالغفور خان فرقه مشر و کیل ریاست ارکان حربیه عمومیه
وزارت حربیه بسر یآوری حربی حضور اعلیحضرت همایونی .

ع ، ش ، محمد شاه خان فرقه مشر از جمله منصبداران احتیاطی بوکالت

ریاست اصلاح و ترقی عسکری وزارت .

ع ، ش ، عبدالقیوم خان فرقه مشر غزنی که سابق غند مشر و وکیل قوماندانی
فرقه مذکور بود ترفیعاً برتبه فرقه مشری ثانی قوماندان عسکری غزنی .

ع ، ش ، محمد قاسم خان فرقه مشر قوماندان فرقه قطغن و بدخشان که سابقاً
برتبه غند مشری وکیل قوماندانی مذکور بود ترفیعاً فرقه مشر ثانی و قوماندان
عسکری قطغن و بدخشان .

ح ، محمد امین خان غند مشر از جمله منصبداران احتیاطی بفرقه عسکری

سمت مشرفی .

اجراآت دوائر مملکتی

- محمد رحیم خان غند مشر از جملہ منصبداران احتیاطی بہ قول اردوی جنوبی .
 - عبد اللہ خان غند مشر از جملہ منصبداران احتیاطی بفرقہ مشرقی .
 - محمد ایوب خان غند مشر از جملہ منصبداران احتیاطی بہ فرقہ مزار شریف .
 - سید عبد الصمد خان غند مشرغند ۳ بیادہ فرقہ شاہی تبدیلاً بہ غند اول فرقہ مذکور .
 - عبد الرحمن خان غند مشر از جملہ منصبداران احتیاطی بہ فرقہ عسکری ہرات .
 - محمد ایاز خان غند مشرغند اول سوار فرقہ فراہ بہ غند مشری غند احتیاط قند ہار .
 - سید صالح محمد خان از جملہ منصبداران احتیاطی بہ یآوری حریمی حضور ہمایونی .
 - محمد اختر خان برتبہ غند مشری ثانی کیسار سیاہ گرد مربوط مراز شریف .
 - محمد کبیر خان بسر حد داری دکہ مربوط قوماندانی مشرقی .
 - غلام سرور خان برتبہ غند مشری ثانی کیسار قرہ تیم مربوط ولایت ہرات .
 - خدا بخش خان کندکمر کیسار اسلام قلعه مربوط ولایت ہرات تر فیعاً برتبہ غند مشری ثانی کیسار موضع مذکور .
- منصبدارانیکہ در سال ۱۳۱۵ داخل بست احتیاطی وزارت حربیہ گرفتہ شدہ اند :
- ع : ش ، محمد عمر خان رئیس انجمن اصلاح و ترقی از بست ریاست
 - اصلاح و ترقی منفاک و درجہ منصبداران احتیاطی وزارت حربیہ منظور گردیدہ .

سالنامه « کابل »

ع ، ش ، محمد هاشم خان فرقه مشر اول عضو انجمن اصلاح و ترقی از بست ریاست مذکور منفک و درجمله منصبداران احتیاطی وزارت حربیه شامل و منظور شده .

ح ، محمد حسین خان غند مشر اول غند ۴ - ۳۵ پداده فرقه مشرقی از بست فرقه مشرقی منفک و درجمله منصبداران احتیاطی منظور گردیده .

« ، محمد ابراهیم خان غند مشر معاون تعلیم گاه خورد رضا بطنان از آنجا منفک و در بست احتیاطی منظور شده .

« ، عبد الوکیل خان غند مشر غند احتیاطی فرقه قندهار از آنجا منفک و درجمله منصبداران احتیاطی وزارت حربیه منظور گردیده .

« ، غلام جیلانی خان غند مشر غند اول فرقه اول جنوبی ، درجمله منصبداران احتیاطی منظور گردیده .

« ، شیر محمد خان یا ور حربی حضور همایونی ، درجمله منصبداران احتیاطی وزارت حربیه شامل گردیده .

« ، شیرین گل خان غند مشر سابق فرقه قطغن و بدخشان ، در بست منصبداران احتیاطی شامل و منظور شده .

« ، احمد شاه خان غند مشر فرقه مشرقی از بست قوماندانی مذکور منفصل و شامل بست احتیاطی شده .

امور خارجیّه

حکومت متبوعه ما از بدو امر تا امروزه تنها در مقابل ممالک همجوار و دولیکه با آنها علایق سیاسی دارد ، بلکه در مقابل همه ممالک جهان بارها به ثبوت

اجرا آت دوائر مملکتی

رسانیده است که طرفدار آرامش و هواخواه تعاون و تساند عمومی میباشد و سیاست خارجی افغانستان بر مقررات جامعه اقوام و آرزوهای صلح پرستی ملت افغان یابدار و استوار است .

یگانه آرزوی افغانستان امروز ، آن است که همه احتیاجات خویش را تکمیل و تمام شعب لازمه حیات ملی افغانی را تامین نموده حقوق دیگران را محترم شمارد و بهیچگونه مزاحم شان نگردد و دیگران نیز حقوق و مصوئیت او را احترام نمایند .

از آغاز دوره نادرشاهی تا امروز که سال چهارمین فرمان روائی اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه است حکومت متبوعه ما همیشه نظریه فوق الذکر را خط مشی قرار داده و در هر آن بتامین وسایل تطبیقیه آن پرداخته است ، خصوصاً از اخبار ماه سنبله ۱۳۱۳ مطابق ۲۳ سنه مبر ۱۹۳۴ به بعد که در جامعه اقوام داخل گردیده وزارت امور خارجه و سایر وزارتات و دوائر دولتی مقررات جامعه ملل را مورد غود و تعوق و حتی الامکان اصول متذکره آنها را مدار اجرا آت خویش قرار داده اند . در سال ۱۳۱۵ نیز علاوه بر اجرا آت روزمره و تطبیق مقررات جامعه ملل در شعب سیاسی ، صحتی ، عرفانی ، صنعتی ، تجارتي ، زراعتی و امور عامه ، حکومت ما در اجرا آت ذیل مبادرت نموده است :-

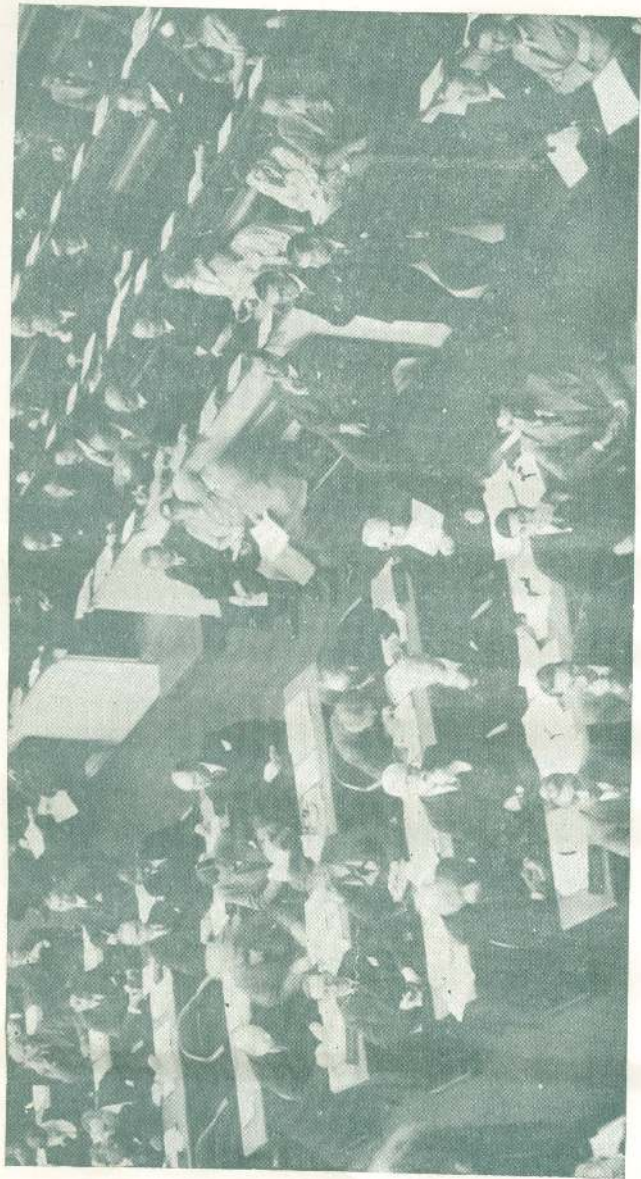
۱ : حکومت متبوعه ما به پنج طرح و پیشنهاد فرار دادها و هدایات ذیل که در نزد همین جلسه کنفرانس بین المللی کبار در ماه جوزا ۱۳۱۴ (۴ الی ۲۵ جون ۱۹۳۵) قبول شده بود اظهار موافقت نموده است :

الف : طرح فرار داد منع بکار بردن زنان در کارهای زیرزمینی

ب : « » تحدید ساعات کار در معادن زوغال

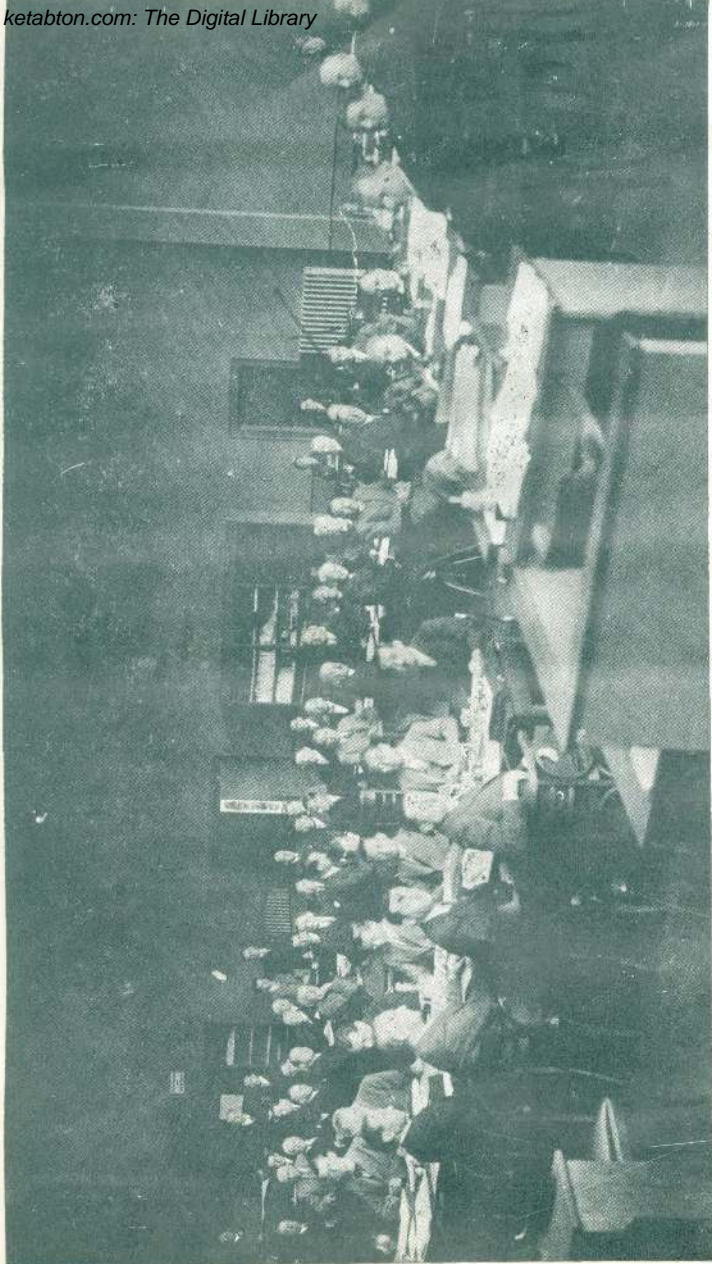
سالنامه « کابل »

- ج : طرح قرار داد تقلیل ساعات کار و تحدید آن بهفته ۴۰ ساعت .
- د : « » تقلیل ساعات کار در کارخانه های شیشه سازی .
- ه : هدایات در باب بیکاری جوانان .
- ۲- نماینده مادر بیست و من کنفرانس بین المللی کار که از تاریخ ۱۴ جوزا تا ۳۱ سرطان ۱۳۱۵ (چهارم الی بیست و پنجم جون سال ۱۹۳۶) منعقد شده بود شمولیت ورزیده است .
- ۳- نماینده ما در کنفرانس ۱۸ جوزا تا ۴ سرطان (۸-۲۶ جون ۱۹۳۶) که راجع به اسناد تجارت غیر مشروع ادویه مخدره انعقاد یافته و شامل گردیده و هکذا قرار دادی که برای جلوگیری از تجارت نامشروع ادویه مخدره در کنفرانس مذکور عقد شده است در تحت غور حکومت متبوعه ما می باشد .
- ۴- نماینده ما در مجلس فوق العاده مورخه ۲۵ جوزا (۱۵ جون) که راجع به مسئله ایتالیا و حبشه در جینوا عقد شده بود شامل شده و در نتیجه چون بموافقت اکثریت اراء رفع (تعزیرات اقتصادی) پیشنهاد گردید ، حکومت افغانستان نیز رفع تعزیرات مذکور را بتاريخ ۲۳ سرطان (۱۵ جولائی) ابلاغ نمود .
- ۵- نماینده حکومت متبوعه ما در کنگره مهندسی شیمیائی لندن که بتاريخ ۳۲ جوزا (۲۲ جون ۱۹۳۶) شروع و به ۵ سرطان (۲۷ جون) خاتمه یافته شامل شده است .
- ۶- نماینده افغانی در کنفرانس بین المللی عرفانی که بتاريخ ۲۱ سرطان (۱۳ جولائی ۱۹۳۶) در جینوا انعقاد یافته بود شمولیت ورزیده است .
- ۷- از حضور اشرف ملوکانه ، برای شمولیت در مجلس سالانه جامعه ملل که بتاريخ ۲۹ سنبله (۲۱ ستمبر ۱۹۳۶) در جینوا افتتاح و بتاريخ

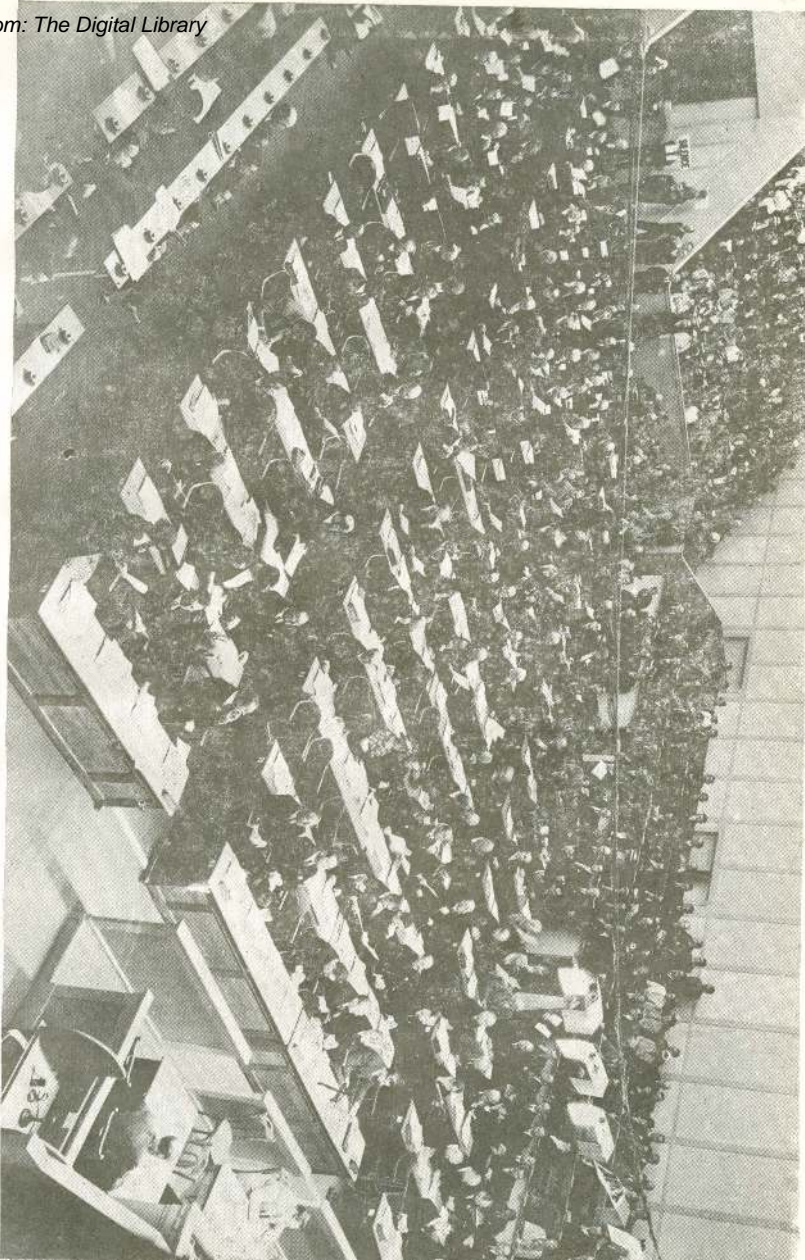


جلسه سالانه جامعه ملل : درهنگام و وسطی اول ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه و نماینده اول افغانستان- دوم ع ، ج
علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در لندن نماینده دوم - سوم ع ، ج محمد حیدر خان نماینده دائمی افغانستان در جامعه ملل
نماینده سوم - چارم ص ، عبد القیوم خان کاتب نمایندگی افغانی در جامعه ملل نماینده چهارم .

L'Assemblée plénière de la S. D. N. à Genève (sep. 1936) les délégués afghans au premier plan



کنفرانس بین المللی جلوگیری از تجارت غیر مشروع ادویه مخدره که ع ، ش محمد عمر خان نماینده افغانی دران شمولیت ورزیده
Conférence internationale pour empêcher le trafic illicite des stupéfiants à Genève (Le délégué afghan est marqué par une croix)



افغانستان در عايم بين المللى ؛ اجلاس عمومى سلاطه جامعه ملل (بنيانده افغانى درصف اول قطار وسطى شفيع اول از طرف راست)
L'Assemblée plénière de la S. D. N. à Genève (Le délégué afghan est marqué par une croix)



قناتستان در جامع بین المللی : مجلس عمومی جامعه ملل برای مطالعه فنیته جنبه و ایتالیا (۳۰ جون تا ۴ جولائی ۱۹۳۱) و فیکه امیر اور
جنبه نطق خود را اقرات می کند (نماینده افغانی در صف اول قنار و وسطی شخص اول از طرف راست)
Assemblée de la S. D. N. L'Empereur d'Étiopie prononce son discours (Le délégué afghan est marqué par une croix

اجرا آت دوائر مملکتی

۱۷ میزان (۱۰ اکتوبر) مذکور ختم شد ، ع ، ج ، فیض محمد خان وزیر امور خارجه رئیس هیئت افغانی و نماینده اول ، ع ، ج ، علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت همایونی در لندن نماینده دوم و ، ع ، ج ، محمد حیدرخان نماینده دایمی افغانستان در جامعه ملل نماینده سوم انتخاب گردیده و در اجلاس سالانه مجمع ملل از ۲۹ سنبله تا ۱۷ میزان شمولیت ورزیدند و علاوه تأبنا بر در خواست جامعه ملل ، ع ، ج ، وزیر امور خارجه افغانی در مجلس انتخاب رئیس کمیسیون ششم (مسائل سیاسی) ریاست فرمودند و در غیاب وزیر خارجه ع ، ص سردار محمد نعیم خان معین اول وزارت خارجه بصورت کفالت ایفای وظیفه می فرمودند .

۸ - بقرار تصویب مجلس ۱۲ سرطان (۴ جولائی ۱۹۳۶) که شورای جامعه ممالک را برای تطبیق مقررات میثاق جامعه مطالبه نموده بود حکومت متبوعه ما نیز بوسیله ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه ذیلاً بجواب سرمنشی جامعه پرداخت :

« بجواب مراسله C.C. 124-XII ۱۹۳۶ شما در موضوع تصویب مجلس ۱۲ سرطان ۱۳۱۵ (۴ جولائی ۱۹۳۶) افتخار دارم باطلاع شما برسانم که بعقیده حکومت من مواد میثاق بحال امروزش اگر کاملاً وبوقت مناسب تعبیل و تطبیق یابد ، محتاج به تعدیل نموده بطور قطعی می تواند از تعرض جلوگیری نماید ، با آنهم افغانستان برای پذیرش همه ترتیبات جدیدی که جهت تقویه میثاق از طرف بهی خواهان جامعه افوام گرفته شود حاضر است . »

۹ - حکومت متبوعه ما تصویب نموده است تا وزارت امور خارجه بنماینده دایمی خویش در جامعه ملل اختیار دهد که قرار داد انسداد تجارت و نشریات فحش را امضاء نماید .

سالمه د کابل

۱۰- اخيراً حسب تصميم وزارت پست، تلگراف و تېلفون بوزار تمختاری افغانستانی مقیم یاریس هدایت داده شده تا از جانب وزارت موصوفه بر معاهده عمومی پستی و پارسالات پستی قاهره (منعقدہ در سال ۱۲۱۳) مطابق (۱۹۳۴) الحاق نماید.

۱۱- مصدقاً پروتوکول معاهده بیطرفی وعدم تجاوز فیما بین دولت یاد شاهی افغانستان ودول اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی که پروتوکول مذکور بتاريخ ۹ حمل از طرف ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه ما وموسیو (کرسنسکی) کفیل وزارت امور خارجه دولت شوروی در مسکو امضا شده بود بعد از طی مراتب اصولی ساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۱ سنبله با شریفات معموله بین ج، ص سردار محمد نعیم خان کفیل وزارت امور خارجه ما وموسیو (کویرسکی) سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی در قصر استور (وزارت خارجه) تعاطی گردید.

۱۲- بتاريخ ۸ حوت وزارت امور خارجه ما نظربه علائق هم کیشی که افغانستان با ممالک اسلامی و شرقی مخصوصاً مملکت مصر دارد، به تقریب در خواست شمولیتیکه حکومت مصر از جامعه ملل نموده بود، پیغام سفارشی بنام سرمنشی جامعه ملل صادر نموده است تا جلسۀ فوق العاده بران پندیرش مملکت مصر هر چه زود تر انعقاد ییابد.

امور داخله

درین سال به فضل خداوندی وتوجه مامورین مربوطه اعم از وزارت داخله ونائب بحکومه ها وحکام اعلی و کلان و محلی وعلاقه داران که به کمال وظیفه شناسی

اجرا آت دوائر مملکتی

در اجرا و تدویر امور و انتظام امنیت و تهیه وسایل رفاهیت اهالی ابراز فعالیت نموده اند ، امور داخلی بصورت اطمینان بخش در جریان بوده ، از هر جهت موجبات آرامی و خاطر جمعی ملت و حکومت را فراهم نموده است . خلاصه اجرا آت وزارت داخله در سال ۱۳۱۵ قرار ذیل است :

۱ - شعبه پولیس :

قسمت اول اجرا آت امور اداری :

اول : نسبت به تحکیم و قیام امنیت عمومی مملکت مطابق تدابیر نافعه تجر به شده ، مثل کنترل و احصائیه برداری عموم واقعات و جرائم و صورت تحقیق و فصله و بازخواست آن حتی از فقرات تمام و نا تمام و صورت اقدامات ما مورین مسئول امنیت و مقایسه و موازنه تعدادی واقعات و ملاحظه درجات امنیت هر علاقه و حکومت و ولایات درین سال چنان اقدامات نافعی اتخاذ شده است که به فضل ایزد متعال و توجهات حکومت متبوعه ما در سر تا سر مملکت امنیت کلی و سکون کار فرما بوده است چنانچه احصائیه واقعات جرایم این سال و قتیکه با سالهای ما قبل مقایسه شود بدرجه نصف و اگر با سنوات ماضی تطبیق کنیم بدرجه ثلث و ربع هم نمیرسد .

دوم : راجع به تهیه لباس یوشا که بهاری و زمستانی محبوبین و تهیه خورا که وجیره آنها درین سال نیز اهتمام شایانی بعمل آمده است چنانچه از قسم البسه محبوبین ولایات و حکومت اعلی تحت یک حسن انتظام و سررشته خوبی بعمل آمده است .

۳ : راجع به تهذیب اخلاق و اصلاح حال و تعلیم و تربیهٔ محبوبین در مجلس خانه ها و هم چنان تو جهات مزید با مور دینی و مذهبی شان و تهیهٔ کتب تدریسیه برای محبوبین و آموختن فنون و حرفت و صنعت ذریعهٔ معلمین مخصوصیکه برای شان مقرر است مزیداً اقدامات درستی بعمل آمده هکنذا امور صناعتی محبوبین بخصوص محبوبین عمومی مرکز در اثر ترتیبات درستی که درین سال از طرف حکومت اتخاذ شده است خیلی منفعت بخش میباشد چنانچه ذیلآ امور صنعتی مجلس سرگز ی علیحده ذکر می شود .

۴ : نسبت به تعلیم و تربیهٔ افراد و اصلاح و وضع و لباس و اسلحهٔ عمومیه افراد درین سال نیز ترتیبات شایانی اتخاذ و دساتیر درستی صادر شده است ، گفته میشود انیم که درین سال تشکیلات و تعلیمات و اصلاح وضع و اخلاق و حسن اداره و ضبط و ربط سائر امور افراد کویالی و پلیس بی سابقه است و هم بروی همین اساسات مقیده روز بروز رویهمرفته دارای یک نسق و نظم اطمینان بخش شده مبرود .

۵ : در صنف تهاهجات ملکیه و تشکیلات انفرادی آن و ضبط و ربط و حسن اداره آنها و تجویز البسه و اسلحهٔ شان نیز درین سال اقدامات مناسبی بعمل آمده است .

۶ : نسبت به حسن ادارهٔ امور راجعه به پاسپورت و ممر عابدهات آن بمقصد افزونی واردات دولت و وصول را یورهای احصائیه وارده و صادرهٔ اتباع داخله و خارجه از طرف قنات سرحدی و تهیهٔ مواهیر جدید رسمی مخصوص پاسپورت باصول عصری به تنااط صلاحیت دار اعطای پاسپورت اقدامات

اجرا آت دوائر مملکتی

صحیحی بعمل آمده است .

۷ : نسبت به حسن اداره امور راجعه بمسائل حقوقی و ممر عائدات آن بمقصد افزونی واردات دولت و وصول رایورهای احصائیة عائدات آن از طرف نقاط مربوطه درین سال نیز توجه شایانی شده است چنانچه اداره آن تحت یک ترتیب درستی بعمل آمده است .

خدمت دوم : تاسیسات تعلیمات و تشکیلات قواء پلیس و کوتوالی مملکت :

اول - تاسیس یک تعلیم گاه منظم پلیس بمرکز برای تحصیل تعلیمات مفیده

عصری پلیسی .

الب : تشکیل تعلیم گاه پلیس عبارت از تشکیلات وسیع و منظمی بوده

از قبیل مدیر معلمین و سرمعاون و معاون و ضابط و کتاب و منسوبین و مستخدمین بقدر لزوم شامل تماماً اشیای مالزمه تدریسات و تجهیزات و مصارف عمومی آن به اندازه مکفی منظور و تهیه شده است .

ب : از تمام مناطق قوماندانی های کوتوالی ولایات و حکومتات اعلی بقدر

لزوم یک عده متعلمین از صنف ضابطان و خورد ضابطان و سلاح اندازان شامل و داخل تعلیم گاه مذکور شده مصروف تعلیمات میباشد .

دوم - در بست قوماندانی کوتوالی مرکزی کابل به اندازه یک تولی پلیس

سمتی برای شهر جدید و دکانهای بازارچمن حضوری جدید تشکیل و منظور شده

به تشکیل آن یک عده ضابط و خورد ضابط و مطابق بست مقرر

سلاح انداز منظور و نفر و البسه و اسلحه و تماماً لوازم و تجهیزات مالزمه

آن منظمناً تهیه و تدارک گردیده مصروف خدمت شده اند .

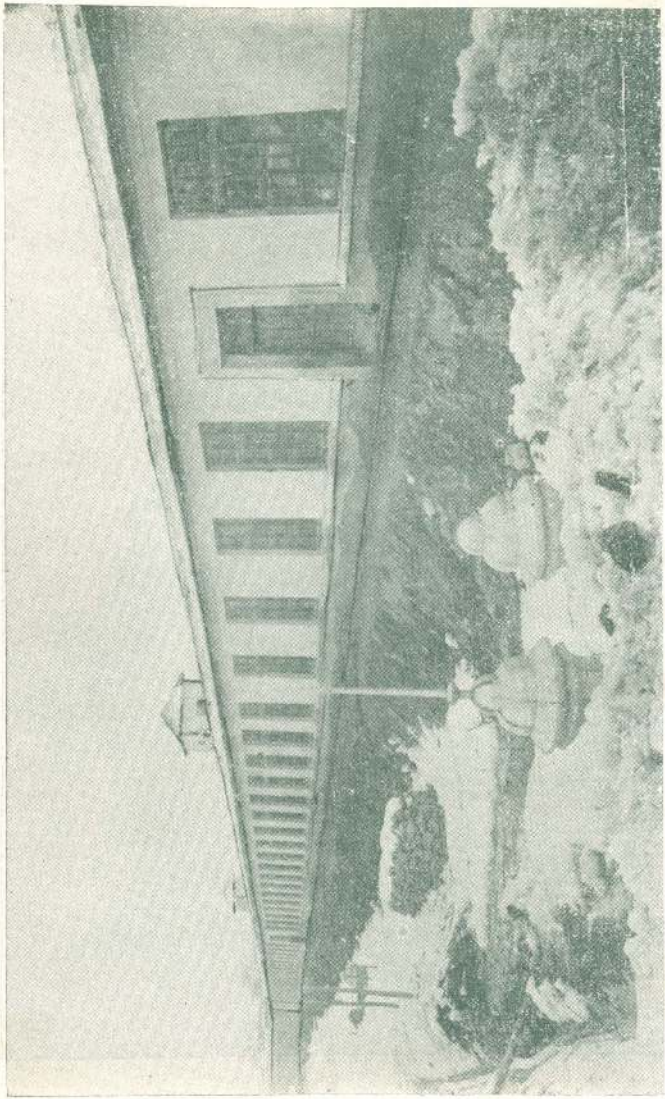
۳ - تشکیل تولی اطفائیۀ ناریه قوماندانی کوتوالی مرکزى کابل درین سال خیلی وسیع شده است چنانچه موتر های اطفائیۀ جدید اضافه بر موترهای سابقه که در دیگر شعبات موجود بود نیز به آن مربوط و افزود گردیده و به تشکیل آن تولیمشر و بلوکشران میخانیکى و خورد ضابط و يك عده موتر ران و وزیر دست موتران و افراد بقدر لزوم منظور و لوازم و مصارف لازمه اطفائیۀ نیز باصول درست تهیه و تنظیم گردیده است .

۴ - يك تعداد محافظینیکه برای حفاظت سیم برق جبل السراج جدید منظور گردیده است به اندازه يك بلوک نفرى است که عبارت از ضابط و سلاح انداز باشد. آنهم در بست کوتوالی کابل منظور گردیده چنانچه نفرات و البسه و غیره ما یحتاج شان تدارک شده است .

۵ - يك تعداد کاتب ها و یکسفر زیر دست برقى بمجلس خانه دهمز ننگ جدید منظور گردیده تا کارات افزوده و اداره ممر های صنعتی را بخوبی با خبری نموده باشند و امور تنویریۀ آنهم درست باشد و هم چنان یکسفر باشی برای کار خانه نل و خشت سمنت سازی منظور شده است .

۶ - يك عده نفرى که برای کارات محافظی در وزارت فوائد عامه موجود بود قرار بست منظوری بودجه در بست افراد کوتوالی ولایت کابل گرفته شده هم چنان حاملان ریاست گمرک کابل داخل بست کوتوالی و پلیس آمده انتظام تکمیل نفر و غیره ما یحتاج ادارى شان بعمل آمده است .

۷ - برای تشکیل پلیس های دائمی در مرکز حکومت کلان شمالی ، غزنی ، لوگر ترتیباتی گرفته شده و دران جمله افراد سائر و خورد ضابطان و منصبداران با موتر های لاری و تجهیزات درست و مصارف لازمه تشکیل گردیده است .



از عمرات جدید قوماندانی کوتوالی کابل : فابریکه نساجی محبس عمومی که بطرف شمالی تعمیر واقع است
Dans la prison centrale de Kaboul: Nouvelle fabrique de tissage.

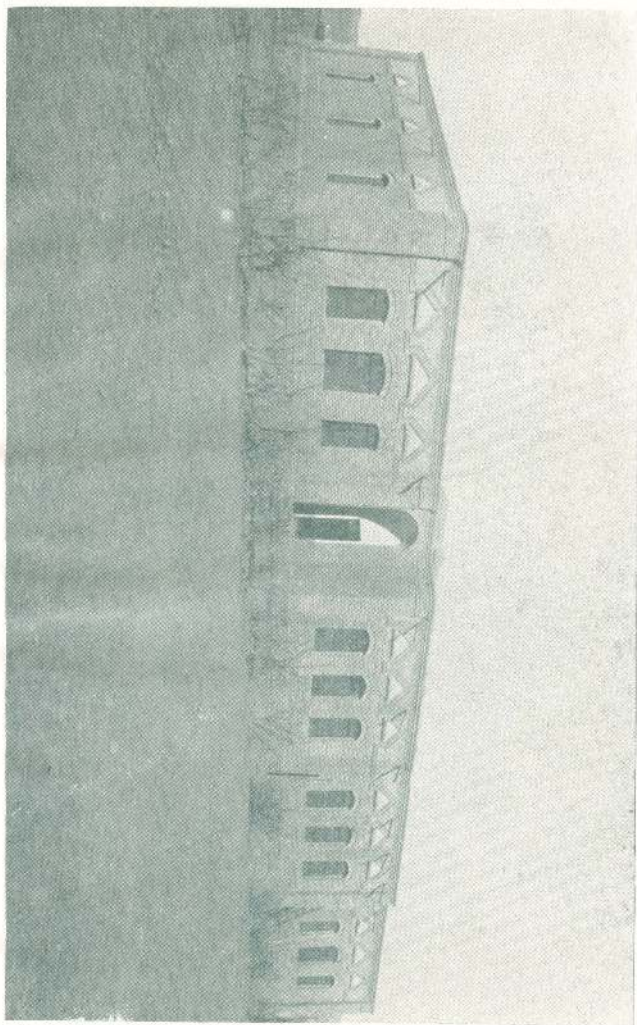
۲



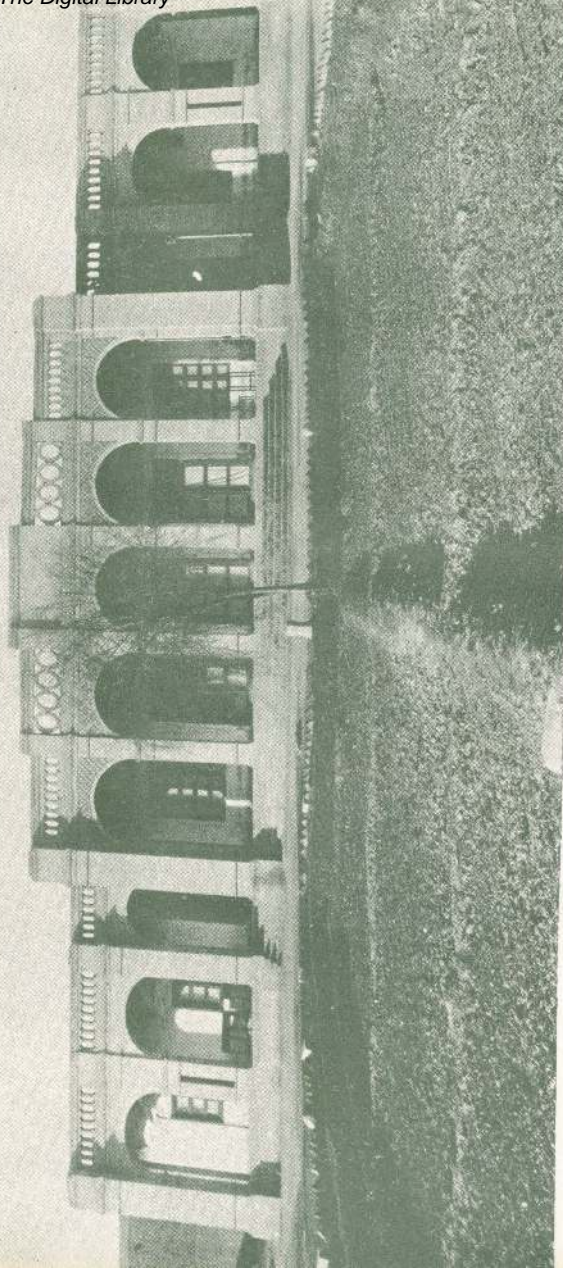
از عمراآت جدید قوماندانی کوتوالی کابل : مدخل عمومی و برج سنکر دار شمالی محبس دهمز ننگ
L'entrée principale de la nouvelle prison de Kaboul



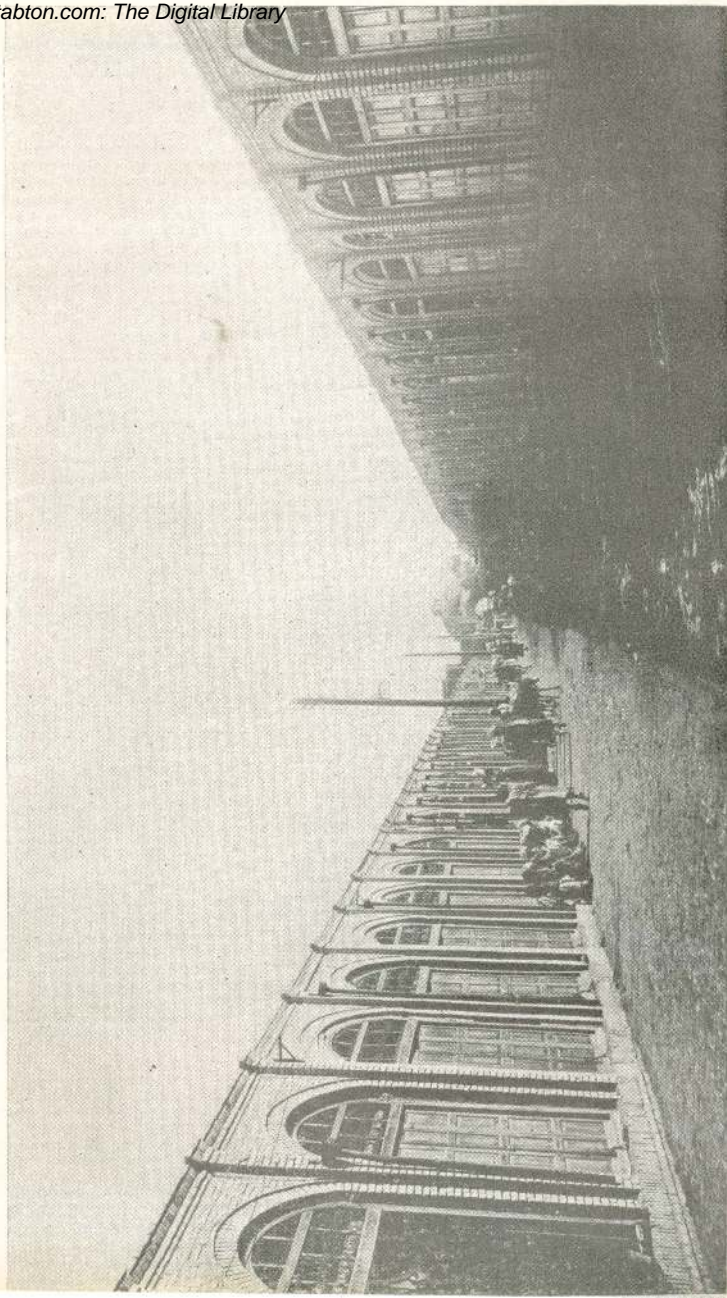
از عمرا نوات هرات : عمارت نائب الحكومى كه در زمين ع ، ج عبد الرحيم خان ، ناسا الحكومه سابق ، ساخته شده
Palais du gouvernement nouvellement construit à Hérat



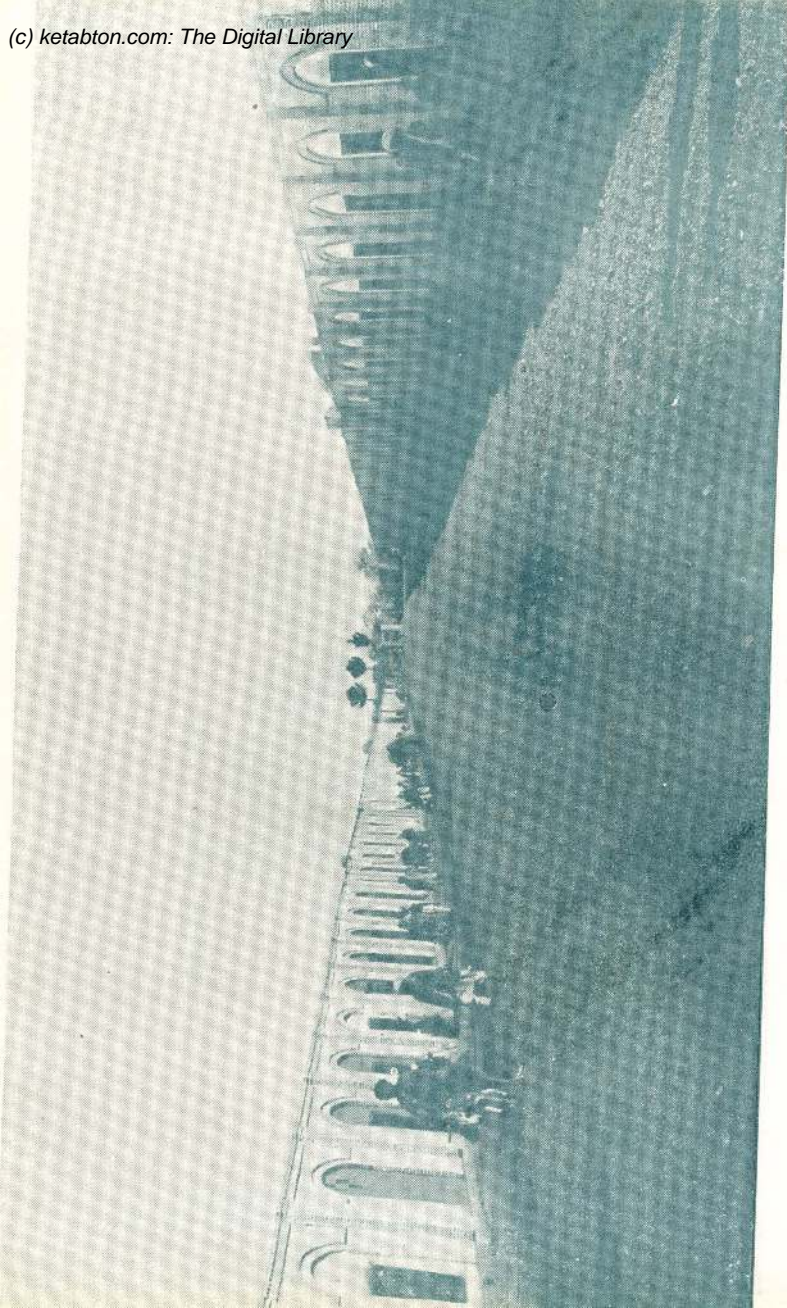
از عمارات جدید ولایت هرات : مکتب در شهر نو
École nouvellement construite à Herat



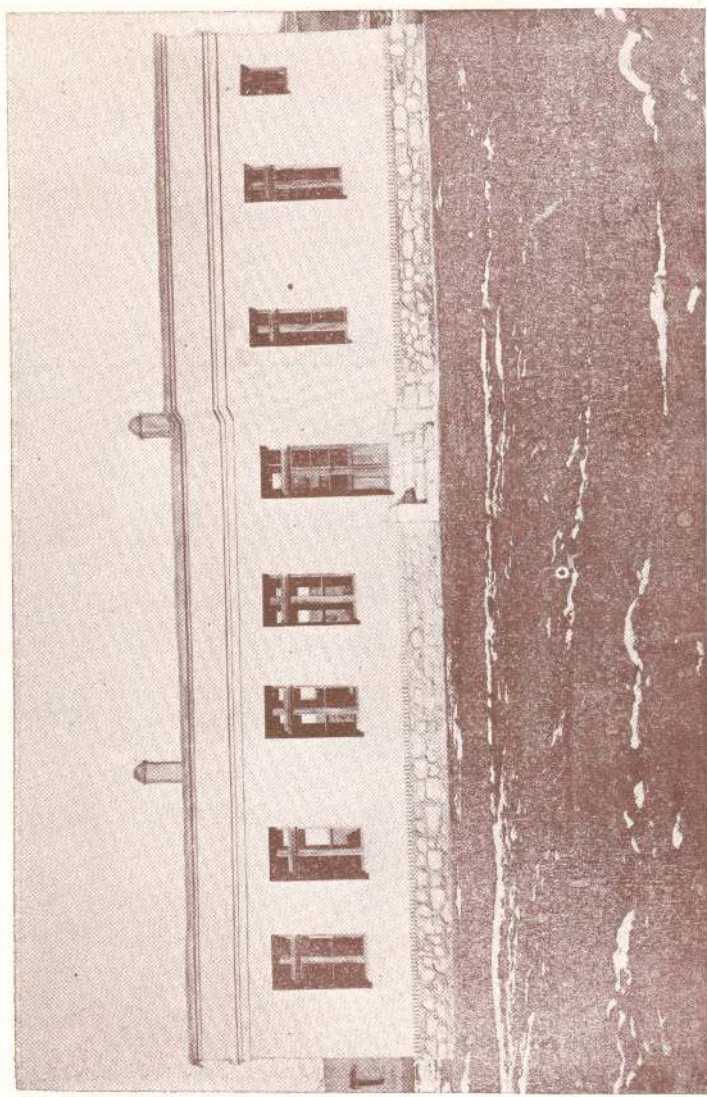
از تعمیرات جدید ولایت هرات ، عمارت ریاست بلدیہ در شهر نو
Nouvel immeuble de la municipalité d'HÉRAT



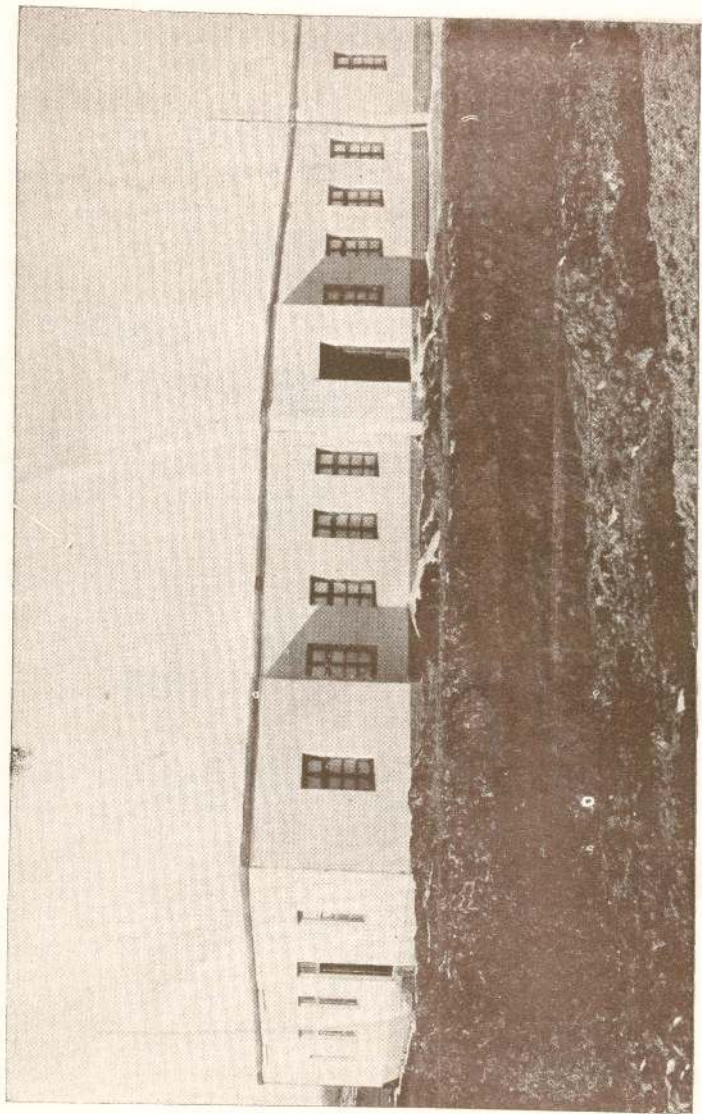
از عمراآت جدید ولایت هرات ؛ یکی از بازارهای جدید شهر نو
Un des nouveaux bazars de la ville d'HÉRAT



از عمراوات جدید ولایت هرات : بازار نو در حکومتی غوریان
Nouveaux bazars à GHORIIAN (Prov. d'HÉRAT)



از عمارات سال ۱۳۱۰ حکومت اعلیٰ مینه : عمارت تلگرافخانه مرکزی
Station télégraphique nouvellement construite à Maimanah



از عمارات سال ۱۳۱۰ حکومت اعلیٰ مینه : عمارت حکومتی درجه اول پشتون کون
Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Mainanah

اجراآت دوائر مملکتی

- ۸- ۱. قوه ضابطه حکومتی درجه ۳ جدید تشکیل (ازرو) مربوط حکومتی کلان لہو گرد و ہم چنان قوه ضابطه علافہ داری جدید تشکیل (امتہ) مربوط حکومتی کتواز درین سال جدید تشکیل و تنظیم و نقرات و اسلحہ و البسہ و غیرہ شان تہیہ شدہ است .
- ۹- : برای اصلاح امور حسابیہ قوماندانی های کوتوالی مطابق اصول جدید محاسبات در مرکز قوماندانی های کوتوالی و لایت قند ہار و ہرات و مزار شریف و قطن و بدخشان و حکومتی اعلائی سمت جنوبی ترتیبات لازمه اتخاذ و شعبات اجرائیہ و کنترول تاسیس و وظایف ہر شعبہ از ہم تفریق و مسئولیت تعیین گردیدہ است تا امور حسابیہ قوماندانی های پولیس بصورت درستی در تدویر بیاید البتہ در سال ۱۳۱۶ شعبات محاسبیہ باقی قوماندانی ها نیز بہ اصول جدید تعدیل خواهد یافت .
- ۱۰- : قوه ضابطه سه حکومتی محلی و یک علافہ داری جدید تشکیل مربوط مرکز و لایت ہرات تکمیل و تنظیم شدہ است .
- ۱۱- : بہ قوماندانی کوتوالی مرکزی و لایت قطن یکسفر سرما مور پلیس بدرجہ کند کشر و یکسفر کتاب پلیس بدرجہ ۴ و بہ قوماندانی کوتوالی مرکزی حکومتی کلان شمالی و قومانی کوتوالی فراء و میمنہ یک نفر مامور پلیس بدرجہ تولی مشر و یک نفر کتاب پلیس بدرجہ ۴ برای حسن انتظام امور جزائیہ و رفاه عامہ منظوری یافته است .
- ۱۲- : بہ قوماندانی کوتوالی مرکزی حکومتی اعلائی سمت مشرقی یک عدہ پلیس کہ عبارت از یک تولی و از درجہ ضابط و خورد ضابط و سلاح انداز باشد و یکسفر تولی مشر پیادہ قسم حاضر باش جدید منظور و ہکذا

سالنامه > کابل >

در حکومتی درجه ۳ جدید تشکیل نورستان فوه ضابطه حکومتی مطابق
بست يك حکومت محلی منظور گردیده است .

۱۳- : حکومتی درجه اول چخانسور یکمفر تولى مشر پیاده و يك بلوک
سواره جدید منظور شده است .

۱۴- : برای رفاهیت عامه در چند نقطه ذیل : دروازه قم ، میرزایی ،
آبدان میر علم ، دشت خیر آباد (در ولایت مزار شریف) ، چنگالی و
جلوگیری - دولت آباد (در حکومتی اعلاى میمنه) تپانه جات مخصوصه تاسیس
و فوه ضابطه آنها تشکیل شده است .

قسمت سوم : امور صنعتی مجلس عمومی :

مجلس عمومی که در اثر افکار ترقی خواه حکومت متبوعه ما از عرصه
چهار سال است تشکیل و برای مشغولیت و اصلاح خیالات مجوسین تقریباً
از سه سال باینطرف کارخانه های بافندگی و نجاری و معماری و رنگ ریزی
و غیره دران تاسیس و مجوسین مشغول گردیده اند اکنون اکثریه ماهرکار
شده اند ، درعرض سال ۱۳۱۵ تاسیس بعضی دستگاها و کارخانه های جدید
که بعمل آمده و مجوسین دران مشغول و مصروف شده و به اکثریه نفری
که ماهرکار شده اند اجرت کارشان اچوره هم داده می شود قرار
ذیل است :

الف - کارخانه های جدیدالتاسیس :

۱ : کارگاه بافندگی تسر دو بره یشمی و نخی .

۲ : کارخانه خیاطی .

۳ : بوت دوزی .

اجراآت دوائر مملکتی

- ۴ : کارخانه خشت کپریل برای پوشش عمارات .
- ۵ : » آهنگری .
- ۶ : » بوریا بافی .
- ۷ : » ساخت بند تفنگک و امثال آن .

ب - کارخانه های سابقه که وسعت داده شده :

- ۱ : کارخانه شطرنجی بافی وسعت کافی داده شده
- ۲ : » تسربافی »
- ۳ : » آنچه بافی »
- ۴ : » نل و خشت سنمتی »
- ۵ : » گلیم بافی »
- ۶ : » کاشی سازی »
- ۷ : » تابلو نویسی »
- ۸ : » نجاری »
- ۹ : » خرازی »
- ۱۰ : » رنگریزی »
- ۱۱ : » حلبی سازی »
- ۱۲ : » فالین بافی »

ج - زراعت ترکاری در باغ محبس مطابق فن زراعت خوبتر شده است .

د - اجراآت شعبه معماری که در همین سال ۱۳۱۵ به عمل آمده عبارت

از سلسله تعمیرات از قبیل تعمیر جدید توقیف خانه و اكمال بعضی نواقص

مثلاً تعمیر پناه حمام محبس و غیره میباشد .

سالنامه « کابل »

در حکومتی درجه ۳ جدید تشکیل نورستان فوه ضابطه حکومتی مطابق
بست يك حکومت محلی منظور گردیده است .

۱۳- : حکومتی درجه اول چخانسور بکنفر تولى مشر پیاده و يك بلوك
سواره جدید منظور شده است .

۱۴- : برای رفاهیت عامه در چند نقطه ذیل : دروازه قم ، میرزایی ،
آبدان میر علم ، دشت خیر آباد (در ولایت مزار شریف) ، چنگالی و
جلوگیری - دولت آباد (در حکومتی اعلاى میمنه) تپانه جات مخصوصه تاسیس
و فوه ضابطه آنها تشکیل شده است .

قسمت سوم : امور صنعتی مجلس عمومی :

مجلس عمومی که در اثر افکار ترقی خواه حکومت متبوعه ما از عرصه
چهار سال است تشکیل و برای مشغولیت و اصلاح خیالات محبوسین تقریباً
از سه سال باینطرف کارخانه های بافندگی و نجاری و معماری و رنگ ریزی
و غیره در آن تاسیس و محبوسین مشغول گردیده اند اکنون اکثریه ماهرکار
شده اند ، در عرض سال ۱۳۱۵ تاسیس بعضی دستگاها و کارخانه های جدید
که بععل آمده و محبوسین در آن مشغول و مصروف شده و به اکثریه بقری
که ماهرکار شده اند اجرت کارشان اجوره هم داده می شود قرار
ذیل است :

الف - کارخانه های جدیدالتاسیس :

۱ : کارگاه بافندگی تسر دو بره بشمی و نخی .

۲ : کارخانه خیاطی .

۳ : بوت دوزی .

اجراآت دوائر مملکتی

۲- علاقہ داری انجیل و آلتجان، حکومت درجہ اول تشکیل گردیدہ
مرکز حکومت مذکور انجیل تعین شدہ .

۳- علاقہ داری جوی نو و آ نشان حکومت درجہ ۲ تشکیل گردیدہ
مرکز حکومت مذکور جوی نو تعین شدہ .

(ہر سہ جدید التثکیل حکومت مذکور، بوط مرکز دارالحکومت گمہرات است)

۴- علاقہ داری کرخ کہ از سابق منظوری داشته و بوط مرکز
دارالحکومت مگی بود اکنون بوط حکومت جوی نو شدہ .

د- حکومت اعلیٰ مشرقی :

علاقہ داری های نورستان لغمان و کامدیش نظر بوسعت محیط و اینکه
از مراکز حکومت سر بوطه بید بود برای اینکه در امور اداری حکومت
و معاملات اهالی تسهیلات بودہ باشد بد و حکومت درجہ ۳ تشکیل
گردیدہ بہ این تفصیل :

علاقہ داری نورستان لغمان بچیت حکومت درجہ ۳ مرکز بوط حکومت
اعلا، و علاقہ داری کامدیش بچیت حکومت درجہ ۳ موسوم بہ (لندی سین)
مرکز بوط حکومت کلان اسمار و کنر های سمت مشرقی .

ه- حکومت اعلیٰ فراه :

علاقہ داری انار درہ مرکز بوط ولایت ہرات نظر بمطالعات اداری از ولایت
ہرات منفک و بہ حکومت اعلیٰ فراه مرکز بوط شدہ .

از مقررہا و ترفیعات جدید وزارت داخلہ :

و، ج، شیرمحمد خان وکیل نائب الحکومتہ فظن و بدخشان نظر براتب
خدمتگذاری و صداقتیکہ از مشارالہ بمشاهدہ پیوستہ ترفیعاً بنائب الحکومتی

سالنامه د کابل

۲- صورت تعدیل و تشکیلات جدید ملکه :

الف : ولایت کابل ،

۱- یک علاقه داری بنام (امنه) مربوط حکومت درجه اول کتواز از حیث اهمیت موضع تشکیل یافته .

۲- اسم علاقه داری سه پای مربوط حکومت کلان دایز نگی از نقطه نظر تاریخی بنام شارستان تبدیل گردیده .

۳- مناسبتاً ریشخور سفلی بنام حضرت سلطان و ریشخور علیا بنام سلطان قلعه تبدیل در نظر گرفته شده
ب : ولایت قندهار :

۱- اسم حکومت درجه اول کدنی مربوط مرکز دارالحکومه گمی به نسبت عدم موزنیت اسم سابقه حکومت مذکور و اتساع زبان ملی (پشتو) بنام (سین بولدک) تبدیل یافته .

۲- مرکز حکومت درجه ۲ غورک به علاقه داری خا کر یز و علاقه داری خا کر یز به غورک تبدیل شده که خا کر یز حکومت و غورک علاقه داری نامیده میشود.
۳- علاقه داری نیش که سابقه غورک مربوط بود کنون بحکومت خا کر یز ارتباط یافته .

۴- افشکاک قریه پاتان و لنگراز حکومت گیزاب به نسبت بعد مسافه و ارتباط آن از حیث نزدیکی بعلاقه داری چوره ارزگان .

ج : ولایت هرات :

۱- علاقه داری های : گذاره وادوان و تیزوان و کمبراق حکومت درجه اول تشکیل گردیده مرکز مذکور گذاره تعیین شده

اجراآت دوائر مملکتی

عایدات شان علاوه از سال گذشته میباشد ، چنانچه احصائیه اجراآت
و عایدات محاکم که سنجدیده شده قرار ذیل است :

الف : ریاست عالیة تمیز :

تعداد فیصله جزائی - ۶۰ فقره - تعداد فیصله حقوق - ۳۸ فقره

یول عایدات (۲۴۵۲) افغانی

ب : محکمه مراجعه و ابتدائیه مرکز کابل و محاکم شرعیة مربوطه آن :

تعداد فیصله حقوقی ۱۹۰۴ فقره - تعداد فیصله جزائی - ۸۷۸ فقره

» و تالیق شرعی ۵۱۳۶۱ قطعه - نکاحنامه باکره - ۶۲۱۱ قطعه

» نکاحنامه نیبیه ۳۲۵۱ - یول عایدات (۴۰۱۲۶۰) افغانی .

ج : محکمه مراجعه و ابتدائیه مرکز و محاکم شرعیة مربوطه ولایت فندهار :

تعداد فیصله حقوقی ۷۰۹ فقره - تعداد فیصله جزائی ۵۶۶ فقره

» و تالیق شرعی ۹۷۵۵ قطعه - نکاحنامه باکره ۱۵۸۷۵ قطعه

» نکاحنامه نیبیه ۸۱۰ - یول عایدات (۸۶۱۵۴) افغانی .

د : محکمه مراجعه و ابتدائیه مرکز و محاکم شرعیة مربوطه ولایت هرات :

تعداد فیصله جزائی ۶۴۵ فقره - تعداد فیصله حقوقی ۵۲۹ فقره

» و تالیق شرعی ۸۶۸۴ قطعه - نکاحنامه باکره ۱۵۷۱ قطعه

» نکاحنامه نیبیه ۷۰۸ - یول عایدات (۱۰۷۵۰) افغانی .

ه : محکمه مراجعه و ابتدائیه مرکز و باقی محاکم شرعیة مربوطه

ولایت مزار شریف :

تعداد فیصله حقوقی ۶۷۸ فقره - تعداد فیصله جزائی ۷۷۲ فقره

» و تالیق شرعی ۱۲۲۲۸ قطعه - نکاحنامه باکره ۳۶۴۶ قطعه

سالنامه « کابل »

- و لایت موصوف .
ع . ع ، محمد هاشمخان حاکم کلان بدخشان بحکومت کلان غزنی .
« ، « ، غلام محی الدین خان وکیل شورای ملی بحکومت کلان دایرگمی .
« ، « ، میر اکبر خان حاکم شنواری سمت مشرفی تر فیعاً به حکومت کلان فلات مربوط و لایت قندهار .
« ، « ، سید عباس خان وکیل شورای ملی بحکومت کلان بدخشان .

امور عدلیه

وزارت عدلیه در سال ۱۳۱۵ به تعقیب خیالات شریعت پرورانه و نیات حسنه عدالت گسترانه اعلیحضرت همایونی مثل سنوات ماضی در صدور اوامر لازمه و اعطای هدایات مکفیه و استفتاء شرعیه به تمام محاکم شرعیه اعم از ریاست تمیز ، محاکم مرافقه و ابتدائیه ، اقدامات ، و قضات محاکم شرعیه را به اجرای امور مرجوعه و وظائف محوله به شان اساس مقررات شرعیه بصورت صحیح و حقا ، نوصیه و مساعی شان را بفرام آوری رفاه و امنیت همومیه و عدم فرود گذاشت از جلو گیری و قوعات مضره و تعیین جزای لازمه شرعیه برای مرتکبین قتل ، سرقه ، اخلال امنیت و غیره عطف کرده ، به عدم صدور اوامر در کاغذهای غیر رسمی و تعمیم و فرودش و نائق شرعیه و تکلیفنامه رسمیه مکلف شان ساخته . و در عین حال به اجراات و فیصله جات محاکم شرعیه غور و دقت بکار برده شده ، و می توان گفت که مجاری امور محاکم شرعیه درین سال از فضل و مرحمت خداوند متعال و نیات حسنه حکومت متبوعه نه تنها مثل دیگر سنوات ماضی بصورت صحیح و حسب دلتخواه بوده ، بلکه در امسال اجراات محاکم و

اجراآت دوائر مملکتی

ی ، محکمہ مرا فعه وابتدائیہ مرکز و باقی محاکم شرعیہ مربوطہ حکومت
اعلاى فرا . . :

تعداد فیصلہ حقوقی ۱۶۲ فقرہ - فیصلہ جزائی ۶۱ فقرہ
و ثائق شرعی ۲۰۷۳ قطعہ - نکاحنامہ باکرہ ۶۴۷ قطعہ
نکاحنامہ ثبیه ۷۰۶ قطعہ - پول عایدات (۲۰۰۰۸) افغانی
جمع کل فیصلہ جات حقوقیہ : (۶۱۱۴ فقرہ)
» » جزائیہ : (۴۲۷۹ »)
» و ثائق شرعیہ : (۱۲۰۰۶۷ قطعہ)
» نکاحنامہ ها : (۳۶۸۶۶ »)
» عایدات نقدی : (۱۰۰۰۹۰۳۰۷) افغانی
اضافہ کمی عایدات نسبت بہ سال ۱۳۱۴ (۶۰ فیصد)

ازمقرریها و ترفیعات جدید وزارت عدلیہ

ف ، ملا محمد محسن خان قاضی محکمہ ابتدائیہ دای چو پان (قنڈھار) تبدیلاً
بہ قضای محکمہ دند مربوط ولایت قنڈھار .
» ، ملا کریم اللہ خان قاضی محکمہ ابتدائیہ تیرین (قنڈھار) تبدیلاً بہ قضای
محکمہ دای چو پان مربوط ولایت قنڈھار .
» ، ملا فضل حق خان قاضی محکمہ ابتدائیہ نوزاد (قنڈھار) تبدیلاً بہ قضای محکمہ
تیرین مربوط ولایت قنڈھار .
» ، ملا ، عبداللہ خن قاضی محکمہ ابتدائیہ خا کرین (قنڈھار) تبدیلاً بہ
قضای محکمہ کرمسیر مربوط ولایت قنڈھار .

سألامة د كابل ء

- ف ، ملا صالح محمد خان به فضاى محكمة نوزاد مر بوط ولايت قندهار .
- » ، ملا عبدالقدوس خان قاضى محكمة ابتدائية كسكك نغود تيد ملا به فضاى محكمة دهله مر بوط ولايت قندهار .
- » ، ملا عبد الو هاب خان مفتى محكمة مرافعة قندهار تر فيعاً به فضاى محكمة سپين بولدك (كدنى سابق) مر بوط ولايت قندهار .
- » ، ملا سيد خان قاضى محكمة ابتدائية فلات به فضاى محكمة دهرآؤد مر بوط ولايت قندهار .
- » ، ملا نورالحق خان قاضى محكمة ابتدائية جلدك تر فيعاً به فضاى محكمة فلات مر بوط ولايت قندهار .
- » ، ملا عبد الحليم خان تر فيعاً به فضاى محكمة ارغستان مر بوط ولايت قندهار .
- » ، ملا آقا محمد خان مفتى محكمة ابتدائية شورابك قندهار تر فيعاً به فضاى محكمة دهله مر بوط ولايت قندهار
- » ، ملا محمد عمر خان مفتى محكمة ابتدائية هرات تر فيعاً به فضاى محكمة جديد التشكيل حكومتى گذاره مر بوط ولايت هرات .
- » ، ملا شير محمد خان مفتى محكمة ابتدائية هرات تر فيعاً به فضاى محكمة جديد التشكيل حكومتى جوى نو مر بوط ولايت هرات .
- » ، ملا نصر الدينخان قاضى محكمة ابتدائية او به هرات تبديلاً به فضاى محكمة جديد التشكيل حكومتى انجيل مر بوط ولايت هرات .
- ف ، ملا عبدالله خان به فضاى محكمة ابتدائية دره صوف مر بوط ولايت مزار شريف .
- » ، ملا فيض محمد خان مفتى محكمة ابتدائية اشكمش (مزار) تر فيعاً به فضاى

اجراآت دیوانہ مملکتی

- محکمہ مذکور .
- د ، ملا عبدالرحیم خان قاضی محکمہ ابتدائیہ اندراب (فطعن) تبدیلاً بہ قضای
محکمہ دوشی مربوط ولایت فطعن .
- د ، ملا بسم اللہ خان قاضی محکمہ ابتدائیہ دوشی (فطعن) تبدیلاً بہ قضای
محکمہ اندراب مربوط ولایت فطعن .
- د ، ملا عبدالسلام خان قاضی محکمہ ابتدائیہ تالقان (فطعن) تبدیلاً بہ قضای
محکمہ کشم مربوط ولایت فطعن .
- ف ، ملا عبدالخلیم خان قاضی محکمہ ابتدائیہ حضرت امام صاحب ، (فطعن)
تبدیلاً بہ قضای محکمہ قندوز مربوط ولایت فطعن .
- د ، ملا محمد جان خان قاضی محکمہ ابتدائیہ کشم (فطعن) تبدیلاً بہ قضای
محکمہ تالقان مربوط ولایت فطعن .
- د ، ملا عبدالصمد خان قاضی محکمہ ابتدائیہ قندوز (فطعن) تبدیلاً بہ قضای
محکمہ حضرت امام صاحب مربوط ولایت فطعن .

امور مالیہ

امور حسابیہ و معاملات عایدات و مصارف و توازن بودجہ ، یکی از
بزرگ ترین شعبات اداری یک مملکت بشمار رفته ، حسن انتظام حسابات
و جمع و خرج یک مملکت از یکطرف برای سائر اجراآت و اقدامات آن
مملکت سہولت زیادی پیش میکند ، از طرف دیگر از حسن جریان امور
مزبور کہ منتج بہ افزونی محاصیل عمومی و رفاه عامہ مہرکردد نمایندگی مینماید .

سالنامه « کابل »

خوشبختانه درین چند سال اخیر امور حسابیه در ردیف سائر امور مملکت مورد توجه خاص اولیای دولت واقع و برای اصلاح و تسهیل اصول محاسبات مملکتی تدابیر درستی اتخاذ گردیده که از اثر مطالعات و تحقیقات چند ساله در سال ۱۳۱۵ تحول خوبی در اصول حسابیه مطابق سیستم های عصری وارد آمده و امید مبرود که از اثر این اقدامات امور حسابیه مملکت رونق و انتظام صحیحی را مالک شده در نتیجه ترقیات و افزونی قابل ملاحظه در عایدات مملکتی وارد و هم موجبات مزید رفاهیت اهالی گردد . خلاصه اجراءات سال ۱۳۱۵ و وزارت مالیه قرار ذیل است :

۱ - ترتیب بودجه مملکتی بابت سال ۱۳۱۵ که بوقت مقرر و بصورت موازنه صحیح عایدات و مصارف تدوین و پس از طی مراتب اصولی و احراز تصویبات لازمه ، به عموم دوائر مملکت توزیع گردیده و نیز در طول سال مذکور بصورت صحیح در اجرای آن تدقیق و نگرانی بعمل آمده است .

۲ - عملی ساختن طرز جدید محاسبات که از ۲ سال باینطرف زیر مطالعه بوده پس از تجارب لازمه در سال ۱۳۱۵ ابتداء در ولایت کابل و بعد در تمام ولایات و حکومتات اعلی مورد تطبیق واقع گردیده و در اخیر سال مذکور محاسبات بعضی دوائر دیگر از قبیل وزارت مالیه و وزارت تجارت و وزارت پست و تلگراف و مطبوعه عمومی کابل و غیره نیز مطابق اصول جدید مذکور تحت اجراء گرفته شد و در همه دوائر مذکوره نتایج اطمینان بخش بدست آمده - چنانچه از اثر این کامیابی در ابتدای سال ۱۳۱۶ دفا تر حسابیه باقی دوائر مملکتی هم بهمین طرز نو تعدیل داده شده - گویا اکنون تمام

اجراآت دوائر مملکتی

دوا تر حسابی و وطن عزیز ما بیک اصول واحد و مطابق طرز جدید که نظر بمشورۀ مشاور مالی وزارت مالیه بر حسب طرز محاسباتی معمولۀ امروزۀ دول عالم و نظر به تطبیقات و تجارب اساسیه ، ترتیب یافته ، در جریان میباشد .

ابن اصول جدید که در دوائر مالیاتی مملکت اجراآت امور را بصورت صحیح ، سریع ، واضح و ساده جریان میدهد ، طوریکه شایسته است طمانیت و ضمانت بزرگوار را به صنعت اجراآت دوائر متضمن میباشد - قواعد اساسی و تشکیلات جدیدۀ آن فرار آتی است :

- ۱ - تقسیمات صحیح وظایف در بین مامورین .
- ۲ - تفرید و تشخیص مسئولیت های اشخاص .
- ۳ - کنترل سریع ، ساده و موثر قبل از شروع و بعد از انجام هر یک از امور .
- ۴ - ارتباط نزدیک و صحیح بین دوائر مختلفه بصورتیکه اگر برای هر کدام از دوائر مذکورۀ بر حسب صلاحیت مخصوص او اختیارات داده شود البته از نتیجۀ آن یک کار صحیح و مرتب بوجود خواهد آمد .

وظائف مربوطه در هر یک از دوائر (مرکزی و محلی) در بین مامورین به چهار فریق ذیل منقسم است .

- الف - وظائف اجراییه .
- ب - « محاسبه .
- ج - « تحصیلی واردات .
- د - « تحویلات و تادیات .

سالنامه « کابل »

از اثر تقسیم طبقات فوق الذکر و وظائف مذکور در بین چهار دسته :
مأمورین اجراییه ، مأمورین محاسبه ، تحصیلداران وار داتی . و خزانه داران
منقسم گردیده است . ترتیب ار سال صورت های حساب از محالات بهر اکثر
و مراجع بوا سطه فرستادن تاباوی های موعدی (جد اول) مخصوصه است که
بطور خلص ترتیب و وقتاً فوقتاً ارسال میگردد .

۳ - عوائد حکومتی از اثر حسن انتظام امور و مساعی مأمورین مربوطه
اعم از مأمورین وزارت مالیه و مستوفیان و سررشته داران اعلی و غیره
در سال ۱۳۱۵ نسبت به سال ۱۳۱۴ (۷ ونیم) فیصد اضافه شده است .

۴ - باقیات دولت در سال ۱۳۱۵ به نسبت ۱۳۱۴ (۱۷) فیصد زیاد تر
حصول شده است .

امور مطابع و صکوکات :

درین سال امور مطابع ، ترقیات زیادی را حائز گردیده و علاوه از جدیت
و فعالیتیکه در طبع جرائد و مجلات و کتب و تهیه جداول و اقسام منشورات
و غیره کار آمد دوائر دولتی و اشخاص انفرادی به عمل آمده ، یک عده ماشینهای
طباعتی جدید که مطابق تازه ترین اصول عصری میباشد ، خریداری و وارد شده
که بعضی از آن نصب و دایر گردیده و باقی در شرف نصب است . گویا
درین سال یک مطبعه مکمل باتمام لوازم ضروریه آن تهیه گردیده که البته
اثرات مفید و موزونی که در مطبوعات و نشریات و عموم کارات طباعتی

اجراآت دوائر مملکتی

وطن عزیز ما ازان وارد خواهد شد ، بزودی بهمه کس معلوم خواهد گردید .
درینجا تنها به ذکر اسمای ماشین های عمده جدید الورد اکتفا می ورزیم :

۱ - ماشین های زینکو گرافی مکمل باتمام لوازم از (قسم ماشینها و سامان عکاسی و « هلیوگولوشی سازی » و کمره های « رورود کسیون » (طبع مجدد) و « ورتیکال » و « ردوکسیون » (خوردن کردن) و کلیشه سازی و شیمی گرافی و ر و نوش و کاپی سنگ و جست والمو نیم و غیره ادویه و دیگر لوازم کیمیاوی) (۲۰) پایه

۲ - ماشین های صحافی مکمل از قبیل ماشین های دوخت تار و شیرازه بندی اتو ماتیک (خود کار) و دوخت سیم و ماشین های برش اتو ماتیک و قات کردن و وقایه سازی به انواع مختلف برای هر گونه کار و قایه و شبکه کردن تکت های پستی و غیره (۱۴) پایه

۳ - : ماشین (آ ف سیت) برای طبع مضامین و تصاویر ساده و رنگه ازروی جست که در هر ساعت ۴ و نیم هزار نسخه طبع میکنند (از کار خانه رولند) (۱) پایه

۴ - : ماشین های طبع حر و فی ازقسم « گودرون » و « استرا » و « فولی » و « اتومان » و « ریو » و « و تیکل » همه اتو ماتیک (خود کار) از بهترین و اعلا ترین رقم ماشین های عصری (۱۴) پایه

۵ - : ماشین چاپ بر جست (حر و ف و تصا ویر و غیره) و « کبیر دروک » (۳) پایه

سالنامه « کابل »

۶ - ماشین های پنتوگراف گراویر (تصاویر) از فابریکه « دکل »
برای کار (گراویر) هموار و بر جسته بر فولاد و مس و جست و سنگ و
شیشه - باموتر های برقی (۲) پایه

۷ - ماشین های گراویر (تصاویر) از فابریک « کلمش » برای
گراویر سنگ و شیشه . (۲) پایه

۸ - ماشین های کیولوشی سازی صنکوکات از فابریکه « ندرنای وین »
از بهترین و اعلا ترین ماشین های عصری (۲) پایه

۹ - ماشین های متفرقه برای کارات طباعت و حروف چینی و غیره (۱۲) پایه

۱۰ - سامان متفرقه از قسم سامان ر سامی و عماده های حمل و نقل
کاغذ و سنگ و غیره و غیره .

مقررینها و ترفیعات جدید وزارت مالیه :

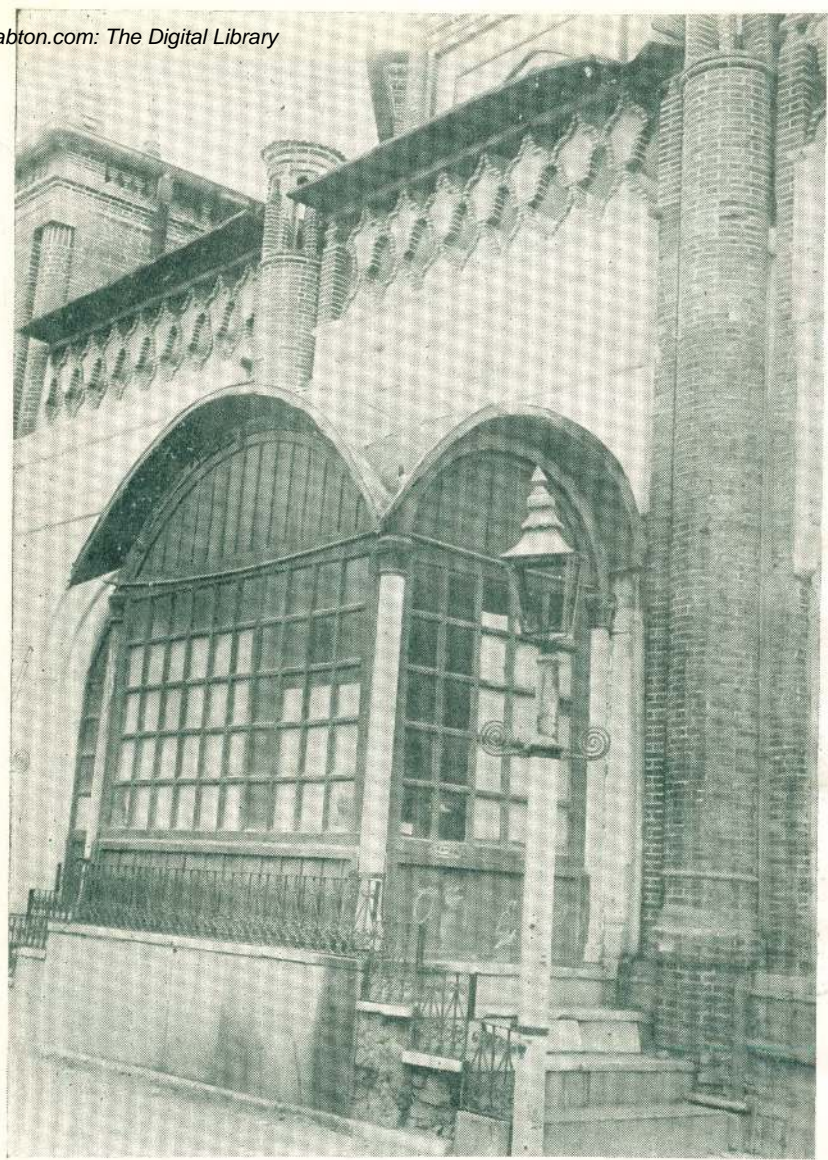
ع ، ص محمد علیخان سابق مدیر محاسبه وزارت دربار به مستوفیت
ولایت هرات .

ض ، فقیر محمد خان سابق منشی شورا به مدیریت اوراق وزارت مالیه .

د محمد نعیم خان سابق سر رشته دار اعلائی فراه به مدیریت جدیدالتشکیل
املاک وزارت مالیه .

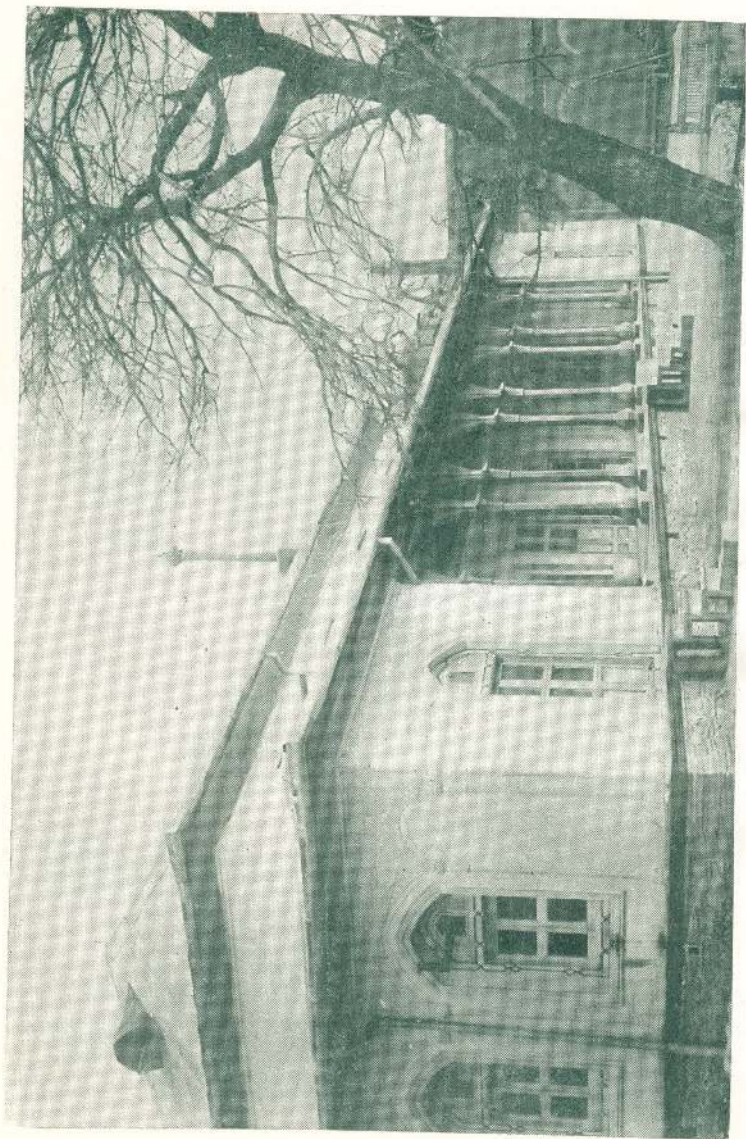
ص ، نور احمدخان سابق مدیر مالیه کرشک به سر رشته داری اعلائی فراه .

د ، عبدالحنان خان به معاونی خزانه عمومی .

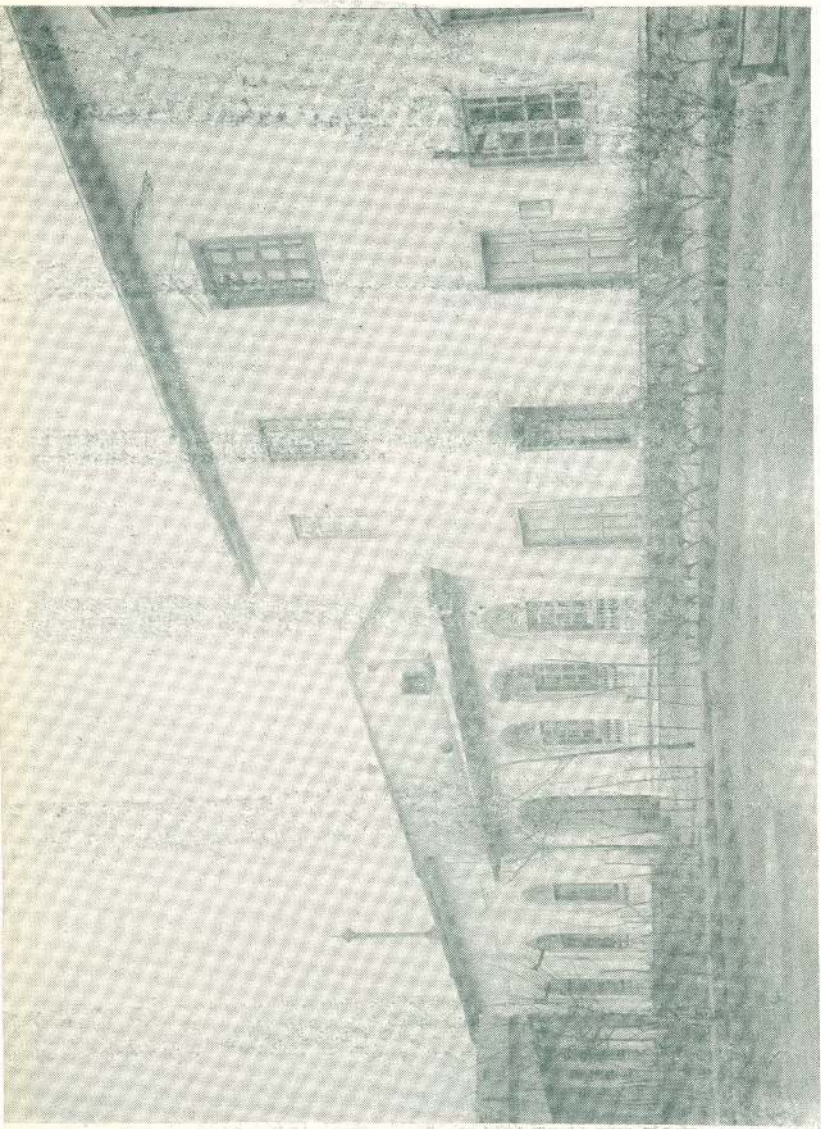


يك حصه از عمارت کتابخانه وزارت معارف در کابل

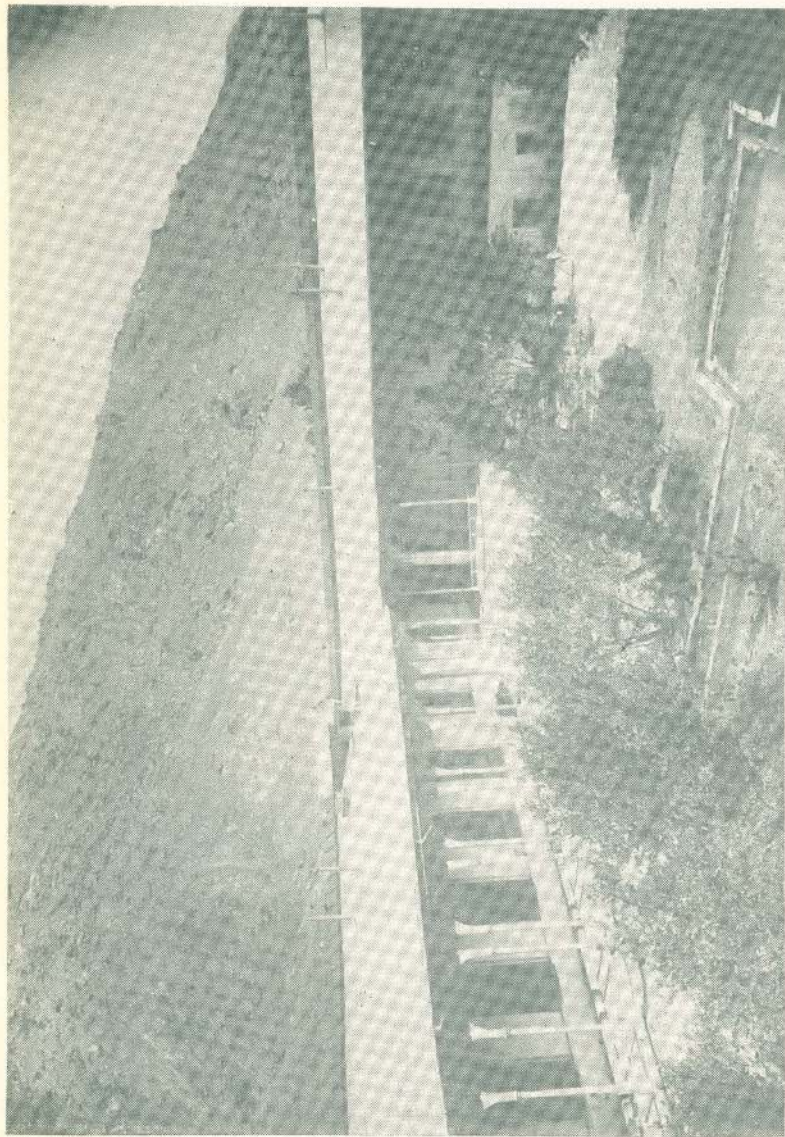
Une partie des bâtiments de la bibliothèque du ministère de l'instruction publique à Kaboul:



منظره خارجی عمارت کلوب معارف در کابل
Vue externe de l'immeuble du club de l'instruction public à Kaboul



منظره داخلی يك حصه از عمارت مکتب عالی حبیبه در کابل
Une vue des bâtiments du Collège Habibi-iah à Kaboul.



عمارت مکتب زراعت در کابل (واقع باغ پادشاه)
Vue interne des bâtiments de l'Ecole de l'Agriculture à Kaboul

اجرا آت دوانر ممالکتی

امور معارف

افغانستان طوریکه در هر شعبه مدنی خود حرکت قابل توجهی کرده در شعبه معارف نیز از حیث کیفیت و کیت ترقی شایانی نموده و تعداد مکاتب و موسسات عرفانی به پیمانه جالب توجهی افزود گردیده است .

این معارف موجوده فی الحقیقت بعد از اختلال ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ که اثری ازان نبود بتوجهات قیمتدار اعلیحضرت شهید سعید بوجود آمده ، و علاقه مندی ذات با برکات اعلیحضرت المتوکل علی الله بمعارف آنرا وسعت بخشیده ، چنانکه می بینم معارف درین سال نسبت بسال گذشته ترقی نمایانی کرده برعهده مکاتب فی صد (پنجاه) و برعهده طلبه فیصد (هفتاد) افزوده ، و تاریخ معارف افغانستان این سرعت سیر را سراغ ندارد . بلی هر حکومتی دارای مکتب گردیده میان اهالی هر سمت و حکومت معارف پرور ، گویا یک نوع مسابقه واقع شده ، حکومت هر سمت همینکه یک مکتب تاسیس میکند اهالی آن سمت برای تشکیل مکتب دیگر محل و طلبه دیگر تهیه می بینند . در صورتیکه چند سال قبل تناسب برعکس بود . مسرت بخش تر آنکه در بعضی فرای دور از مرکز حکومت ، نیز برخلاف توقع مکاتب متعددی دیده میشود ، این حال بجائی رسیده که قبلاً اسم مکتب رسمی در بعضی قراء از جمله مجردات شمرده میشد اکنون یک امر عادی و از جمله امور روز مره بقلم میرود .

رو بهر فته درین سال تقریباً (شست) مکتب ابتدائی و (شش) مکتب رشدی در ولایات روی مکاتب ابتدائی و رشدی سال قبل تاسیس یافته که هر کدام ازین مکاتب دارای صدها طلبه بوده و نیز در هر مکتب (یکصد و پنجاه)

سالنامه « کابل »

تقر طلبه اضیافه شده و در نظر است که در سال آتی (۱۳۱۶) طلاب نو وارد نیز در هر مکتب قبول و برای صنف اول (۱۰) نفر دیگر اضافه شود. طبعی است که این تعداد غیر از تاسیس مکاتب ابتدائی است که در نظر میاشد. این نکته را نیز در بنجا باید علاوه کرد که ر شد بهای ولایات دوره دوم سال خود را طی مینمایند و با آخر سال ۱۳۱۶ دوره خود را تمام خواهند کرد. علاوه بر مکاتب ابتدائی و رشدی، کورس های مسلکی و عالی که در عرض سال تاسیس یافته از قبیل کورس عالی بست و تلگراف و کورس عالی تخنیک و کورس حفظ الصحه و زبان و غیره نیز قابل تذکر است. چون تعمیم زبان یسنو در عرض همین سال طرف توجه قرار داده شد لذا از یکطرف در مرکز و از طرف دیگر در ولایات کورس های متعددی برای آنانیکه تا حال یسنو یاد نداشتند تشکیل گردیده اهالی ار مامور تاغیر آن همه بایک حرارت روز افزون مشغول تعلیم میباشند. درین سال یک عده طلاب برای تحصیل عالی در ترکیه فرستاده شده، این دسته علاوه بر محصلین سابق اند که در آنجا مشغول تعلیم بوده اند، و یکعده طلاب افغانی که در خارج تحصیلات خود را در شعبات اقتصاد، نساجی معدن شناسی به تکمیل رسانیده اند وارد وطن شده و مشغول کار در شعبات خود میباشند.

مکاتب جدید التاسیس :

الف : ولایت کابل :

- ۱- تاسیس یک شعبه مهندسی در مکتب صنایع مرکز بکتاب
- ۲- « « « لیتوگرافی و چاپ سنگی در مکتب صنایع مرکز »

اجراآت دوائر مملکتی

یکباب	۳- تاسیس مکتب ابتدائی در نجرا ب
»	۴- : » » » در محمود عراقی
»	۵- : » » » بیانی وردك
»	۶- : » » » بگرامی
»	۷- : » » » زرغون شهر لوگر
»	۸- : » » » یادخواب شاه »
»	۹- : » » » داغی جان
»	۱۰- : » » » ریزه کوهستان
»	۱۱- : » » » استالف
»	۱۲- : » » » گل بهار
»	۱۳- : » » » کتواز غزنی
»	۱۴- : » » » چهار آساب
»	۱۵- : » » » خواجه مسافر پغمان
»	۱۶- : » » » سرای خواجه
»	۱۷- : » » » بامیان
»	۱۸- : » » » دایکندی

جله ۱۸ باب

ب : ولایت فندهار :

یکباب -	۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز
» -	۲ : » » » ابتدائی
» -	۳ : » » » »

سالنامه « کابل »

یکباب -	۴ : تاسیس مکتب ابتدائی
» -	۵ : » »
» -	۶ : » »

جله ۶ باب

ج : ولایت هرات :

یکباب -	۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز
» -	۲ : » » در گلران
» -	۳ : » » در حکومتی کشک
» -	۴ : » » در مرغاب
» -	۵ : » » در غورات
» -	۶ : » » در حوض پریان

جله ۶ باب

د : ولایت مزار شریف :

یکباب -	۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز
» -	۲ : » » ابتدائی
» -	۳ : » »
» -	۴ : » »
» -	۵ : » »
» -	۶ : » » در اینک
» -	۷ : » » در دولت آباد
» -	۸ : » » در سنک چهارک

احراآت دوائر مملکتی

۹ : تاسیس مکتب ابتدائی در ده دادی - بکباب
جله ۹ باب

۵. : ولایت فظن و بدخشان :

۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز (خان آباد) - بکباب

۲ : » » ابتدائی در غوری - »

۳ : » » » در فرخار - »

جله ۳ باب

و. : حکومت اعلای سمت مشرقی :

۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز (جلال آباد) - ۱ - باب

۲ : » » ابتدائی در چار باغ صفا - » - »

۳ : » » در اسلام بیگ آباد - » - »

۴ : » » در سمر خیل - » - »

۵ : » » در سنگر سرای کادامه - » - »

۶ : » » در قلعه آخند - » - »

۷ : » » در کنر خاص - » - »

۸ : » » در چغتو السراج - » - »

۹ : » » در بهسود مشرقی - » - »

۱۰ : » » در سلطان پور علیای سرخ رود - » - »

جله ۱۰ - ۱۰ - »

ز. : حکومتی اعلای سمت جنوبی :

۱ : تاسیس مکتب ابتدائی در حصه دوم چمکنی - ۱ - »

۲ : » » در رود احمد زائی - » - »

سالنامه « کابل »

- ۳ : تاسیس مکتب ابتدائی در زرمت
۱ - باب
۴ : « » « » در حصه ۲ زرمت
» - « -
۵ : « » « » در اسمعیل و مند و زائی
» - « -
جله - ۵ - »

ح : حکومتی اعلاى میمنه :

- ۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز
۱ - ۱ -
۲ : « » « » ابتدائی در پشتون کوت
» - « -
جله - ۲ - »

جمع کمال : - ۵۹ - »

فعالیت تالیف و ترجمه نیز در فسال قابل ذکر و بشرح آتی است .
اولاً - یکدسته کتبی که توسط وزارت معارف برای مکاتب در فارسی
تألیف و ترجمه یافته .
ثانیاً - یکدسته کتبی که برای تعمیم زبان پشتو برای مکتب و خارج مکتب
تألیف شده .
ثالثاً - یکدسته کتبی که بدوطلبی برای جشن استقلال تألیف و ترجمه
گردیده .
رابعاً - یکدسته کتبی که ادباً و فاضلاً برای تربیه ادبی و فکری انشاوتحریر
نموده اند .

در دسته اول می توان کتب عمده ذیل را نشان داد :

- ۱ - حساب اول رشدی در حدود یکصد و پنجاه صفحه مقننه
۲ - « » « » یکصد و هشتاد « »

احراآت دوائر مملکتی

- ۳ - حساب سوم رشدی در حدود دو صد صفحه مقننه
 - ۴ - « چهارم » « » « » « »
 - ۵ - دینیات رشدیه اول که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منہیات را در بر گرفته .
 - ۶ - دینیات رشدیه دوم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منہیات را در بر گرفته .
 - ۷ - دینیات رشدیه سوم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منہیات را در بر گرفته .
 - ۸ - دینیات رشدیه چهارم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منہیات را در بر گرفته .
 - ۹ - تاریخ رشدیه اول مشتمل بر مباحث قرون اولای آسیای وسطی .
 - ۱۰ - « » « دوم » « » « وسطی » « » .
 - ۱۱ - جغرافیه اول « طبعی
 - ۱۲ - « » « دوم » « امریکا ، افریقا ، استرالیا .
 - ۱۳ - قرائت فارسی رشدیه اول مشتمل بر نظم و نثر فضایل وطنی
 - ۱۴ - « » « دوم » « » « »
- علاوه بر کتب فوق یکدسته کتب تاریخ ، جغرافیا ، حساب ، هندسه ، نباتات ، حیوانات ، معرفه الارض ، تشریح و فیز یولوژی و غیره ، تعدیل و اصلاح و بقالب نور یخته شده است .
- در دسته دوم یعنی زبان پشتو میتوان کتب ذیل را بطور نمونه نشان داد :

سائنامه د کابل

الف : - کتب مکتبی :

- ۱- دینیات صنف اول ابتدائی
- ۲- » » دوم »
- ۳- » » سوم »
- ۴- » » چهارم »
- ۵- حساب » اول »
- ۶- » » دوم »
- ۷- » » سوم »
- ۸- اخلاق مدنی » »
- ۹- معلومات عمومی » »

ب - کتب غیر مکتبی :

- ۱- پشتو شو و نکي قالیف محترم محمد عثمان خان رئیس انجمن ادبی پشتو .
- ۲- نادری ادب ترجمه » »
- ۳- تفسیر سورة فاتحه » »
- ۴- لوی اصحابان » محترم مولوی قیام الدین خان عضو در دو جلد.
- ۵- نوی زوندون تالیف » »
- ۶- دمرغلرو امیل از طبع » » (منظوم).
- ۷- دپشتو لمړی کتاب (برای استعادة طلبا) تالیف محترم مولوی قیام الدینخان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد .
- ۸- پشتویاد (برای استعادة طلبا) از طبع محترم محمد گل خان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد .

اجرا آت دوائر مملکتی .

- ۹ - الفاروق - ترجمه محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد .
- ۱۰ - داسلام خوژی خبری - ترجمه محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتو .
- ۱۱ - اصول تعلیم و تربیه در مکاتب ابتدائی - ترجمه محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتو .
- ۱۲ - رساله راجع بعلم - تالیف محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتو .
- ۱۳ - د پشتو لوست (برای استفادۀ طلبا) که از طرف مدیر یت معارف قندهار تهیه و تالیف شده .
- ۱۴ - د پشتو خبری - تالیف محترم پاینده محمد خان معلم مکتب استقلال که از طرف انجمن پشتو حلیه طبع پوشیده .
- ۱ - دردسنه سوم یعنی کنتی که بدا و طلبی در جشن استقلال تالیف و ترجمه یافته :
- ۱ - مکاناتک توپچی - اثر محترم روزناردی اینا لوی انجنیر توپچی ترجمه محترم محمد آصف خان پیلوت .
- ۲ - معلومات عمومی توپچی - اثر محترم محمد غوث خان رشاد (که از کتاب « روح توپچی » اقتباس و تعدیل شده) .
- ۳ - نظریات انداخت توپچی - ترجمه محترم محمد ناصر خان که از منسوسین همین مساک است .
- ۴ - تعلیم نامه سوار کاری - ترجمه محترم خواجه محمد خان کندکشر معلم سواری مکتب حریه .
- ۵ - اصول استفاده از تاریخ عسکری - تالیف و ترجمه محترم احمد الله خان فوفلزی
- ۶ - پسکو لوزی « علم الروح » عسکری

سالنامه « کابل »

- ۷ - کیمیای تحلیلی - اریروفیسور توماس انگلیزی ، ترجمه محترم محمد عظیم خان متعلم فا کولته طب .
- ۸ - فیزیولوژی « علم تشریح » تالیف سترلینگ عالم انگلیزی ، ترجمه باعلاوات از طرف محترم عبدالرحمن خان متعلم فا کولته طب در دو جلد .
- ۹ - زراعت تجارنی - تالیف محترم حسن علیخان معلم سابق مکتب زراعت و کاتب ریاست تعلیم و تربیه وزارت معارف .
- ۱۰ - د کچنیا و اخلاقی پالنه - اترسپنسر ترجمه و تعدیل مطابق محیط زبان پشتو از طرف محترم قیام الدین خان عضو انجمن پشتو .
- ۱۱ - تجوید کافی - اثر محترم فاری محمد ابراهیم خان که مستقیماً در پشتو تالیف یافته .
- ۱۲ - گندسته حکمت - جمع و ترتیب محترم علی احمد خان احراری متعلم مکتب زراعت .
- ۱۳ - ادبیات - اثر محترم عبدالحی خان حبیبی مدیر طابع افغان .
- ۱۴ - گلد سنه د پشتو - تالیف محترم محمد اعظم خان عضو انجمن پشتو (متعلق صرف و نحو زبان ملی) .
- ۱۵ - رهنمای پشتو - جمع و تالیف محترم پاینده محمد خان معلم مکتب استقلال .
- ۱۶ - مکن همشیره گریان - اثر طبع محترم محمد حیدر خان شاعر ملی و ترجمان دارالتحریر شاهی .
- ۱۷ - چمنستان - منتخبات نظم و نثر ادبی جمع و ترتیب محترم محمد عثمانخان سرکاتب و میر ابو طالب خان کاتب ریاست تعلیم و تربیه وزارت معارف .
- ۱۸ - مهر سرخ : ترجمه محترم میرمحمد امین خان متعلم مکتب استقلال .
- ۱۹ - مدنیت اسلامی اندلس : اثر فاضل مصری احمد زکی پاشا و ترجمه محترم غلام جیلانی جلالی عضو انجمن ادبی کابل .

احراآت دوائر ممالک کتب

- ۲۰- سلطان محمود غزنوی : تالیف داکتور محمد ناظم هندی و ترجمه محترم عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل .
- ۲۱- شیر شاه سوری : تالیف محترم محمد عثمان لغزین سرکاتب ریاست تعلیم و تربیه وزارت معارف ، تعلیم یافتہ مکتب عالی حبیبیہ .
در دستہ چهارم یعنی کتبیکه برای تربیة ادبی و فکری انشاء و تحریر یافتہ بطور محمد میتوان کتب ذیل را ارائه کرد :
- ۱- سخنندان فارس : تالیف فاضل هندی محمد حسین آزاد مرحوم ترجمه محترم قاری عبدالله خان ملک الشعرا عضو انجمن ادبی کابل .
- ۲- شعر العجم : (حصہ سوم) تالیف علامہ شبلی نعمانی و ترجمه محترم سرور خان گویا عضو انجمن ادبی کابل .
- ۳- حکیم سنائی : تالیف محترم ذلیل الله خان خلیلی مدیر شعبہ اول صدارت عظمی .
- ۴- بامیان : تالیف مسیوہا کن و ترجمه محترم احمد علیخان مترجم دارالتحریر شاهی .
- ۵- ہیکل ساری قدم افغانستان : تالیف داکتر هنری ہراس معلم دار الفنون بمبائی و ترجمه محترم عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل .
- ۶- آثار عنیتہ کوتل خیر خانہ : تالیف پروفیسر ہاکن عضو ہیئت حقیقہ شناسی فرانسه در افغانستان ، ترجمه سید قاسم رشتیا عضو انجمن ادبی انارل .

وزارت معارف در ترمیم و تعمیر بناہای مکاتب نیز حسب مقررات و اعتباراتی کہ برایش داده شدہ است بعض بناہا را تعمیر و بعض مکاتب را ترمیم نموده است .
ترمیمات با لجمہ مکاتب مرکز و حتی الا مکان مکاتب اطراف را در

سالنامه « کابل »

عرض سال آغاز کرده در اثنای تدریس با انجام رسانیده است .
در ترمیم و اصلاح بعض مقامات آثار عقیده بامیان مصارف هنگفتی
بخروج رسانیده است . بنا برین در ظرف این سه سال اخیر تنها برای قدر
شناسی از آثار عقیده وطن لکها افغانی تخصیص و بمصرف رسیده است .
خلاصه زحمات علمی و مدنی که درین باب بخروج رسیده نظر علمای دنیا را
بخود جلب کرده .

مرغ خانه مکملی مربوط بمکتب زراعت که قبلاً در پهلوی بنای
مکتب زراعت (بین ده بوری و علی آباد) تعمیر کرده بود ۱۰ کتو
در چمن میر و اعظ بنا یافته که برای پرورش تقریباً (۲۰۰۰) مرغ آماده و
مستعد می باشد .

عمارتی برای پرورش حیوانات جهت مواد آبله کوبی و چیچک که باندازه کافی
لازم بود تعمیر نموده .

تعمیر لابوراتور (تجزیه خانه کیمیاوی) عمومی و مرکزی را که از سه
سال باینطرف زیر تعمیر بود امسال پیوشش سوم رسانیده ساختمان آنرا پوره
کرده است .

تعمیر فابریکه را که برای شعبه نجاری صنایع در نظر بود آغاز گذاشته است .
عمارتی برای کورس عالی تخنیک که در حقیقت فابریکه تخنیک می باشد در عرض سال
تاسیس و دروس آن در عمارت مکتب صنایع آغاز یافته بود اساس گذاشته به تعمیر
آن شروع کرده است .

تعمیر بنای فاکولته طبی و دارالفنون که مدت چهار سال در بناهای مختلف دارالفنون
در سخانه ها و لایبوراهای خود رادائر و اجرا میکرد با تمام مربوطاتش آغاز یافته .
در باب حفاظت آثار عقیده و حفريات نیز وزارت معارف اقدامات نموده نتایج

اجرا آت دوائر مملکتی

مفیدی بدست آورده صدها و ثائق تاریخی را که راجع بدور پراهمانی و بودائی و زردشتی و نیز راجع بدورهای هخامنشیها ، یونانیان ، ساسانیان و اسلامیان وطن بود ، کشف کرده در اثبات تاریخ مدنیت قدیمه آسبای وسطی و جنوبی صفحات ممتازی علاوه نموده است . حفریاتی که بعمل آمده است در نقاط ذیل بوده :

در بگرام یا کاپیسا که متعلق بقبل از میلاد عیسی علیه السلام بوده .
در چغانسور که قسمتی بدوره هخامنشیان ، ساسانیان و قسمتی متعلق دور اسلامی بوده .
در قندوز که مربوط به دوره یونانی بوده .

علاوه برین در نقاط مختلف مملکت جهت بدست آوردن آثار تاریخی حفریات جزئی زیادی شده که از تفصیل آن در اینجا صرف نظر کرده شد .

مقریها و ترفیعات جدید وزارت معارف :

- ص ، محمد قسم خان مدیر تحریرات وزارت به عضویت ریاست تعلیم و تربیه .
- » ، غلام حیدر خان مدیر مکتب غازی بمدریت معارف ولایت فندهار .
- » ، عبدالواحد خان معلم مکتب غازی بمأموریت معارف ولایت هرات .
- » ، غلام محی الدین خان معلم مکتب صنایع به معاونی مدیریت مکتب مذکور .

امور تجارت و فلاح و صنایع

امور تجارت و فلاح و صنایع که اقتصادیات عمومی مملکت را تشکیل میدهد همانظوریکه از بدو تاسیس حکومت موجود ، مورد توجه خاص اولیای امور قرار گرفته ، دوائر حکومتی بالخاصه وزارت تجارت نیز درین رشته که داخل و وظائف آن میباشد ، اقدامات بسیار جدیانه بعمل آورده که از برکت آن

روز بروز اوضاع اقتصاد عمومی تملکات شکل بهبود بخود گرفته و مخصوصاً در سال ۱۳۱۵ در شعب اقتصادى ارفیبل ساختمان شدها و نهروها ، ترقى صادرات و تشویق صنایع و تشکيل و تعمیم شرکت ها و اصلاحات تعرفه و امور پولی و غیره و غیره اقدامات خوبی بعمل آمده است که ما ذیلا بطور مختصر فقرات عمده آن را شرح میدهم :

شعبه تجارت :

تاسیس شرکتهای جدید :

بنا بر تشویق و توجه وزارت تجارت که به مقصد تمرکز سرمایه و اصلاح امور تجارتي بعمل آورده در سال ۱۳۱۰ بیش از سال های گذشته در توسعه مؤسسات تجارتي و اصلاح اصول تجارت و اجتماع سرمایه افزونی خوبی رخ داده است . شرکتهای جدیدیکه درین سال تاسیس گردیده ذیلا امبرده میشود :

۱ : تاسیس و افتتاح شرکت اتحادیه شمالی : که از اجتماع شرکت های سابقه ولایات شمالی بوجود آمده و درابتدای سال ۱۳۱۰ افتتاح گردیده کار صادرات قره کلی و ینبه و پشم و واردات اموال زراعت و غیره را مینماید .

۲ : شرکت اتحادیه هرات : که آنها از اجتماع شرکت های سابقه هرات تشکیل و از یکطرف صادرات پوست قره کلی و پشم و از طرف دیگر واردات اجناس رخت باب و غیره را عهده دار میباشد .

۳ : شرکت « وطن » قندهار : برای واردات اموال جاپانی و صادرات پشم قندهار و غزنی و انار دره (فراه) و معدنیات و ینبه و تریاک که در سال ۱۳۱۵ تاسیس گردیده .

اجرا آت دوا یرمذکتی

۱ : اجتماع شرکت « رشتیا » (بلخ) و « متو کین » (مزار) و « افغان » (میمنه) که باهم دست اتحاد داده اند و کنار واردات اجناس رخت باب و صادرات قره فلی را میکنند .

(تفصیل تشکیل و سرمایه و اجرا آت شرکت های مذکور در جمله ذکر دیگر شرکت های داخلی در تحت عنوان « شرکت های تجارתי » درج شده است)

۵ - تجدید و تمدید امتیاز شرکت پشتون قندهار ، که چون مدت امتیاز شرکت مذکور در اول سال ۱۳۱۶ خاتمه میابد ، بنا بر درخواست شرکت مذکور و مطالعات وزارت تجارت امتیاز صادرات میوه خشک قندهار برای ۱ سال دیگر و انحصار واردات شکر و پطربول و سایر دوغذیات موتر برای سه سال دیگر بشرکت پشتون داده شده است .

چون روده یکی از صادرات مهم مملکت بشمار رفته حاصلات آن سال به سال ترقی کرده می رود با اثر اقدامات وزارت تجارت حق الاجاره آن نسبت بسابق ترقی و برای سه سال به اجاره داده شده است .
شعبه زراعت و فلاحت :

الف : امور بندها :

چون ازدیاد ثروت يك مملکت منوط به ترقی زراعت و وابسته به یکمقدار کفایت بخش آبست لهذا حکومت ترقی پرورما درصدد تعمیر يك عبه بند های مهم برآمده اساس تعمیرا کثیری آنها : (بند قرغه ، خروار سرخاب زنه خان ، بندسراج غزنی ، مچانغو) در عصر سلطنت بانی ترقی وطن یعنی اعلیحضرت شهید سعید نهاده شده در عصر اعلیحضرت المتوکل علی الله

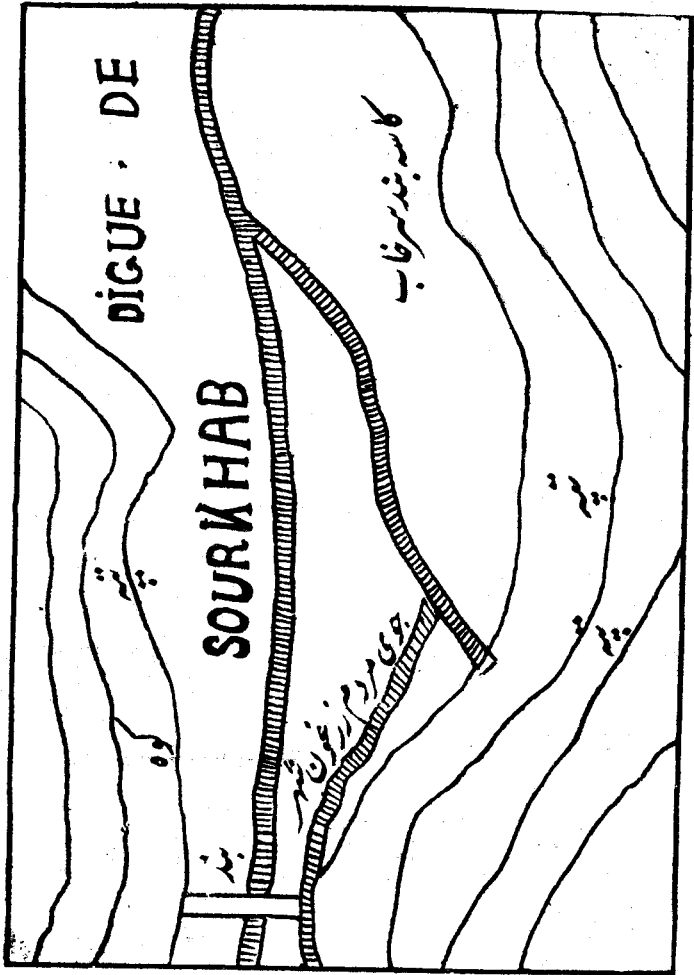
به عمر آن بندهای مذکور ادامه داده شده کار تعمیر بعضی از آنها نیز مثلاً بند سرخاب با تمام رسیده و ترمیم بند سراج غزنی تمام است. مادر اینجا درجه پیشرفت تعمیر و استعداد آبیاری و غیره خصوصیات بندهای جدید تعمیر را ذیلاً شرح میدهیم:

۱ - بند سرخاب لوگر :

کار بند سرخاب بتاریخ روز سه شنبه ۱۶ سنبله ۱۳۰۹ شروع شده و به اخیر میزان ۱۳۱۲ اختتام یافته در ماه فوس به نگران بند مذکور از وزارت تجارت امر داده شد تا دروازه بند را محکم نموده بدون يك مقدار آب ضروری اهالی ما بقی آن را در کاسه بند برای سنه ۱۳۱۶ ذخیره نماید. طول آن ۱۱۴ متر و ارتفاع آن ۲۰ متر ۲۰ سانتی و عرض دیوار بسطح زمین ۱۷ سانتی متر است. شکل دیوار بند مخروطی بوده هر قدر که بالا میرود در ضخامت کمتر شده میرود. حصه پخته کاری

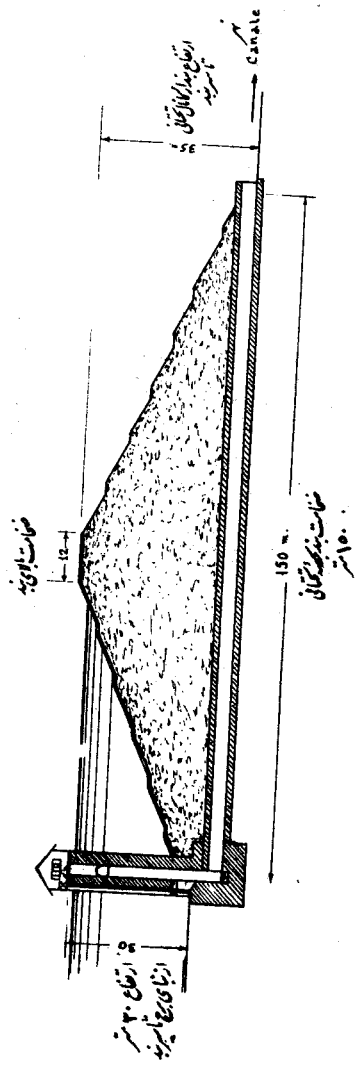
یعنی جسم بند ۳۳۰۷۲ متر مکعب است .

عرض کاسه بند باوسط ۱۲۴ متر است و طول آن ۱۵۰۰ متر و ارتفاع آن ۲۰ متر ۷۰ سانتی میباشد یا این حساب ظرفیت کاسه بند یعنی مقدار آبی که در آن گنجایش دارد ده ملیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) متر مکعب آب میشود . مقدار آب مذکور در صورتیکه عوارض بنجر و نفوذ در خاک و غیره کشیده شود یکبار ده هزار (۱۰,۰۰۰) جریب زمین را آب داده میتواند و چون کاسه بند را در یکسال سه دفعه قرار بیان مهندس بر کرده میتوانیم لهذا مقدار آب سالانه به یازده ملیون (۱۵,۰۰۰,۰۰۰) مکعب متر میرسد که آبیاری سی هزار (۳۰,۰۰۰) جریب زمین را فی سال تکافو کرده میتواند .

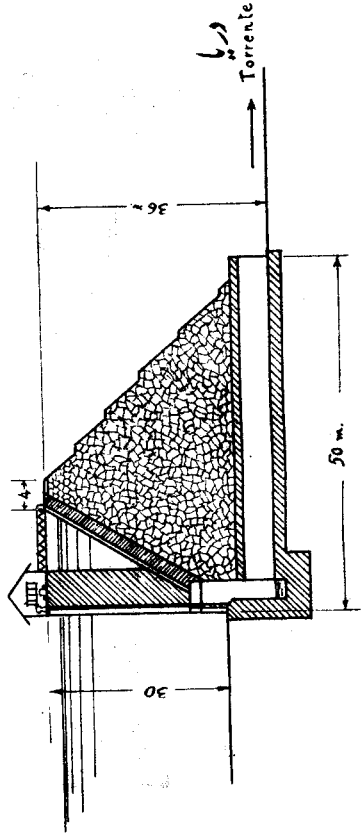


2

مشهد بند قرغه
DIGA di KARGA'
اسکیل ۱:۱۰۰۰
Scala 1:1000



DIGA DI KARWAR
كاروار بنجار
Scala 1:1000



اجرا آت دوائر مملکتی

بند سبکی از عمرانات مهم زراعتی است که از فیض توجهات حکومت
مبتوعه مابہ حصول پیوسته است. فائده خوبی که از تعمیر بندها بہ ملت میرسد
همانامسکون ساختن نواحی و یابند ساختن یکعمده زیاد هموطنان ما است بکار
زراعت کہ خوشترین و بہترین مشاغل میباشد؛ سی ہزار جریب زمین تکفوی حوائج
حیاتیہ یک عمدہ عائله های کثیر را نموده آنها را بزمین داری مشغول میسازد.

۳- بند خروار لوگر:

بند خروار از حیث متانت و موقعیت و فراخی کاسہ بند در جملہ بندها درجہ
اول را تخاذ نموده و ہم یکی از شاہ کارهای عمرانات عصر حاضرہ بشمار میرود.
بند خروار در یک تنگی واقع بوده طول حصہ تختانی آن ۲۰ متر و ارتفاع
آن ۳۰ متر و طول حصہ فوقانی آن ۲۵۰ متر معین شده است. چنانچہ از
روی نقشہ آن معلوم میشود طرفین تنگی مذکور سنگلاخ بوده برای تعمیر
بند خیلی موزون و مستعد است. من بند از سنگ خشکہ تعمیر گردیده لاکن
آن بندہ بند کہ رخ بہ آب و متصل بہ آب است بعرض ۲ متر و ۵۰ سانتی متر
پختہ کاری شده است و مخلوطی مصالح پختہ کاری مذکور از چونہ و سمنت
و سندلہ و ریگ است کہ علاوہ بران جہتہ منع نفوذ آب بقدر پنجاه سانتی
ورق سمنتی دیگر نیز دارد. بند خروار کہ ضخامت حصہ تختانی یک دیوار
آن ۵۰ متر و عرض حصہ فوقانی آن یعنی بارتفاع ۳۰ متر ۴ متر میباشد
دارای ظرفیت (۷۵۰۰۰۰۰۰۰) متر مکعب آب خواهد بود و
(۷۵۰۰۰) جریب زمین را آب داده خواهد توانست و اگر بدو دفعہ پر شود
(۱۴۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری خواهد کرد. برج مجرای آب بند مذکور
۳۰ متر بلندی دارد. مخلوطی مصالح تعمیر برج مذکور از سنگ و سمنت و

سالنامه د کابل

ریگک است و ماشین حرکت دروازه بند بالای همین برج نصب خواهد شد. دروازه برج ۵ در ۴ متر بوده از فولاد ساخته شده است. مجرای آب بقسم صوف (تونل) سنگی بطرف چپ دیوار بند در میان تکه های سنگلاخ و بطور خیلی مضبوط تعبیه شده است که بدین آن دروازه بند نصب شده از طرف بالا حرکت داده میشود. طول صوف ۵۰ متر و ارتفاع آن ۴ متر و عرض آن ۳ متر است و فی ثابته از صوف مذکور ۱۲ مکعب متر آب خارج میشود. پایان تراز بند بعد از علاقه چرخ لوگرسه نهر از آب بند جریان خواهد یافت که یکی از آنها دشت زیر کوتل خربچک را آبیاری خواهد نمود و دوم آن دشت شاه مزار و غیره را حاصل خیز خواهد ساخت و سوم آن دشت خاکه را سیراب خواهد نمود.

بنای بند خر وار در سنه ۱۳۱۰ نهاده شده در هر سال یک حصه مهم تعمیر آن بسر رسیده است فرار اطلاع مدیر بند خروار کارات سنه ۱۳۱۵ که ذریعه مدیریت بند بعمل آمده بقرار ذیل است:

- ۱ - پخته کاری دیوار بند - ۱۶۹۲ متر مکعب
 - ۲ - پخته کاری برج مجرای بند - ۶۴۷ متر مکعب
 - ۳ - خشکه کاری پشت بند - ۶۸۲۵ متر مکعب
 - ۴ - کانکرت انداخته شده است - ۹ متر مکعب و ۵۸ سانتی متر مکعب
 - ۵ - سمنت کاری حصه جنوبی بند : طول ۵۳ متر عرض ۲ متر و ۲۵ سانتی متر و ارتفاع ۶ متر .
 - ۶ - سمنت کاری حصه شمالی بند : طول ۲۷ متر عرض ۲ متر و ۲۴ سانتی متر و ارتفاع ۱۱ متر .
- در عقب برج کار شده طول ۷ متر عرض ۷ متر ارتفاع ۱۱ و نیم متر .

اجرا آت دوائر مملکتی

۷ - خشکه کاری بند بد و مرتبه کار شده مرتبه اول به بخته کاری برابر است و مرتبه دوم به ۱۰ متر رسیده بسال ۱۳۱۶ در نظر است که کار بند خروار باتمام برسد. اراضی لاسرروع ذریعه این بند شاداب و سرسبز خواهد شد و نفوس زیادی بکار زراعت مشغول شده آرام خواهند شد.

۳ - بند قرغه :

در بین راه کابل و پیمان در يك تنگی که ساختمان آن خاکی است واقع شده باستثناء منار و مجرای آن که بخته و سمنت و سنگ خشتی و غیره بوده بند قرغه در حصه تحتانی دارای ۲۰۰ متر طول بوده در حصه فوقانی بارتفاع ۲۰ متر ۵۰۰ متر طول پیدا میکند. دیوار بند قرغه از خاک است و تهاداب بیش روی بند تا اندازه ۱۶ متر عمیق کنده و پر شده. ضخامت دیوار بند قرغه در ته داب ۱۵۰ متر است و در حصه فوقانی تخمیناً ۱۲ متر میباشد این تپه عظیم خاکی که تشکیل می یابد ذریعه نفری اجوره کار که خاک را توسط واگون ها نقل میدهند تعمیر میشود اگرچه بذرایع میخانیکی ممکن بود که کار ساختمان بند اجرا می شد ولی بواسطه که از يك عده نفری بیکار مملکت کار گرفته شود و آنها بیکار نمانند بذریعه نفری کار میشود. ظرفیت کاسه بند یعنی مقدار گنجایش آب آن (۲۷۰۰۰۰۰۰۰) ملیون مکعب متر است یعنی (۲۷۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری خواهد کرد.

مجرای آب بند قرغه از سنگ و سمنت بطور خیلی مضبوط تعمیر شده تهاداب ۱۷ در ۱۷ متر و از روی زمین بالا ۷ متر در ۷ متر است. بلندی آن ۳۰ متر تعیین شده است. حصه خارجی روی داخلی برج مذکور از سنگ خشتی و سمنت تعمیر میشود و حصه داخلی آن مخلوط از سنگ پارچه و سمنت

ساخته شده و قطر و وسط برج دونیم متر است در برج مذکور سه دروازه تعبیه شده است که بار تقاع مختلف واقع بوده عندالضرورت یکی از آنها و یا همه آنها به یکباره گمی باز میشوند. دروازه اول ۲ متر در ۳ متر در حصه پایان برج نصب میشود و دوعدد دروازه دیگر که یکنیم متر در ۲ متر مساحه دارند یکی بحد ۱ بر ۳ و دیگری بحد ۲ بر ۳ ارتفاع برج نصب میگردند. دروازه اول که وزن آن ۸ خروار است ۲ متر در ۳ متر بوده ذریعه ماشین مخصوص که بحصه بالای برج محکم میشود حرکت خواهد کرد.

یک سمت برج که طرف دیوار بند واقع است سنگ مرمر نمره زده گمی شامه میشود تا درجه بلندی آب معلوم شود و به پهلوی برج یک زینه آهنی تعبیه شده است که ذریعه آن نقری بالای برج رفته و پایان شده میتواند. وقتیکه آب از دروازه های برج عبور میکنند در میان یک صوف طویل جریان مییابد که ارتفاع آن ۳ متر و عرض آن ۲۰ متر و طولش هم ۳۰ متر است. این حصه صوف در میان سنگلاخ حفر گردیده کنار آن خیلی مشکن بوده و دو سال برای انجام آن بکار برده شده است.

نهر بند که دارای گنجایش ۸ مکعب متر فی ثانیه است ۴ متر عرض داشته خیلی دور امتداد می یابد یعنی تقریباً تا زیر کو تل خیر خانه و حدود فریبه آن میرسد.

سطح داخلی دیوار بند از یک طبقه سنگ و یا کدام ماده سخت دیگر پوشیده خواهد شد. چون در تحت بند فرغه یکعده زیاد کاربزهاموجود بود لهذا لازم دیده شد که کاربزه های مذکور بوا سطة مخلوط خاک و پیتون و سمنت مسدود گردد. علاوه بر اینکه بند فرغه زمین بسیاری را آبیاری میکند بر قشنگی مناظر فریبه خویش

اجراآت دوائر مملکتی

نیز خیلی ها خواهد افزود و میتوان در کناره های آن جاهای غسل نایستانی تعمیر کرد
و برای کشتی رانی و تفریح اهالی نیز یک مرفه موزونی پیدا خواهد شد. برای
مملو ساختن کاسه بند لازم است که یک حصه دریای یغمان را در مرسم زمستان
در آن بریزند .

و فی الحقیقت بند فرغه بعد از خاتمه یافتن خدمت مهمی در آبادی نواحی نزدیک
فرغه و شهر کابل خواهد نمود و برای همیشه یک یادگار پر قیمتی از تاسیسات عصر
سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شاه سعید غفر الله له که ا کمال آن در عصر سلطنت
اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله منکة و سلطه بعمل میآید باقی خواهد ماند .
حصه پنخته کاری بند فرغه که در سال ۱۳۱۵ کار شده فرارذیل است :

- تعداد ۱۱ در ۱۷ در ۱۰ مساوی ۱۸۷۵ مکعب متر
- ۱ - برج ۷۴ در ۳۰ مساوی ۲۲۲۰ » »
- » » ۴۰۹۰ چله » »
- ۲ - کاسه کیریت تعداد ۵۰۰ » »

۳ - پنخته کاری مجرا

کاسه کیریت تحت مجرا ۱۶۰ در ۵ در ۱۵ مساوی ۴۰۰ مکعب متر

» » ۷۰۰ » کمان

» » ۱۱۰۰ چله

۴ - پنخته کاری به سنگ پارچه و مخلوط سمته ۱۰ در ۱۶۰ مساوی ۱۶۰۰ » »

چله پنخته کاری برج و صوف و مجرا ۵۷۰۰ » »

۵ - باقی مانده پنخته کاری برج ۷۴ در ۳۰ مساوی ۱۰۰۰ » »

۶ - بند زنه خان غزنوی :

بند زنه خان غزنوی فی الحقیقت اصلاح و تکمیل و توسعه تعمیر آن بندی

سائمه « کابل »

است که در زمان سلطان محمود غزنوی ساخته شده و بعد ازان شاید در اثر سیلاب منهدم و از کار برآمده. بند سابقه زنه خان با وجود ضخامت دیوارش چون ذریعه مهندس علم آوری شد معلوم گردید که ته داب نداشت لهذا برای ازدیاد مقاومت و پایداری بند بحصه دیوار باقیمانده بند سه متر ته داب بیش روی و سه متر دیگر به پشت بند کشیده شده چون بحصه پخته گی یعنی سنگت رسید شروع به بلند نمودن دیوار ثانوی بند از داخل و خارج شده و علاوه بران برای منع نفوذ آب احتیاطاً با نظرف دیوار بند که آمد آب است بضخامت یکنیم متر دیگر بعق ته داب گیل انداخته تیک شده تا که اگر با لغرض کدام مسام و یا منفذی مانده باشد گیل مذکور بفشار آب در میان منفذ جا گرفته مانع نفوذ آب گردد.

روی دیوار بند سابقه که بصورت دندانهای ناموزون بیش آمده گی ها داشته دو هزار مکعب متر لوش بران نشسته بود صاف شده گیل و خاک از روی دندانها دور کرده شد و دندانهای مذکور را هم برداشته بعوض آن دندانهای جدیدی ساخته شده که دارای خمیده گی بوده خوف آن نیست که در ثانی بران لوش بچسبید.

جمله حصه پخته کاری بند ۸۸۲۰ مکعب متر است. ته داب حصه دیوار جدید که تعمیر شده از نقطه نظر محکمی خصوصاً در حصه که دروازه ها نصب میشود خیلی اطمینان بخش است.

در کاسه بند زنه خان ده ملیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) مکعب متر آب گنجایش دارد و ذریعه آب مذکور (۲۰۰۰) جریب زمین در یک دفعه آبیاری میشود و اگر سه دفعه بند از آب پر شود سه چند زمین آبیاری

اجرا آت دوائر مملکتی

میشود. در کاسه بند يك حصه گل پر شده مجبور است که بذریعہ آب گل مذکور کشیده شود.

۵ - بند مچاغو (سمت جنوبی) :

این بند ۳۶ متر بلندی دارد عرض ته داب آن ۳۲ متر است. عرض حصه بالائی بند ۵ متر سنجیده. شده اوسط طول بند مچاغو ۶۴ متر میباشد. کاسه بند مذکور ۷ ملیون (۷۰۰۰۰۰۰۰) مکعب متر آب گنجایش دارد لهذا در يك دفعه (۷۰۰۰۰) جریب زمین که تحت کاسه بند می آید ذریعہ آب مذکور قابل الزرع و آباد میشود و اگر سه دفعه بند از آب پر شود در آن صورت سه مقابل زمین آبیاری میشود.

۶ - بند سرده غزنی :

این بند کاسه خیلی وسیع دارد و در صورتیکه بخواست خدا آباد شود (۷۰۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری کرده میتواند. در حصه سمت راست دریا بعد از ختم حفريات ته داب يك قسمت دیوار بند ساخته شده است.

۷ - بند پاتوی کتواز :

مهند سین در خصوص این بند دو نظریه داده اند لهذا دوموضع را تعیین و دو صورت نشان داده اند.

بند اول (صورت اول) :

ارتفاع بند ۳۲ متر - ظرفیت بند (۱۶۰۰۰۰۰۰۰) مکعب متر - زمینی که آبیاری میشود (۲۰۰۰۰۰) جریب .

بند دوم (صورت دوم) :

از ارتفاع ۴۲ متر ظرفیت بند (۲۸۰۵۰۰۰۰۰) - کمب متر آب - زمینی که آبیاری میشود (۵۲۰۰۰۰) جریب .

امتحانات ابتدائی برای یافتن تعداد صحیح در سنه ۱۳۱۴ بعمل آمده کار بند مذکور بسال آینده شروع میشود .

ب - باغهای مربوطه وزارت تجارت و اصلاح و تربیه نباتات :

- ۱ - باغهای دولتی استالف مربوط مدیریت عمومی زراعت : یعنی باغ تخت و باغ صفای استالف ؛ در باغ تخت اصلاح خیابان ها و کردها و چم کاری مرتبه ها با اصول فنی و جدید بعمل آمده قرار هدایات متخصص زراعت شاخچه های درختان انگور بطور فنی قطع گردیده مقدار انگور و مقاومت آنها مقابل مرض آتشک افزوده شده است . علاوه بران بگرد و نواح باغ مذکور هجده جریب زمین دیگر جهت تشکیل قوریه های اشجار متمر گرفته شده و نیز يك حصه آن بیل زده شده و درختان کهن آن قطع و خسته اشجار متمر نیز پاشیده شده است . مابقی آن در اول سال بذر خواهد شد . در باغ صفای هده نهال چنار و سیب بدو طرفه خیابانها غرس گردیده کردهای جدید برای سبز یکاری و گل کاری تشکیل داده شده است . بالای تا کپائیکه آثار مرض آتشک بران هویدا بود ذریعه موسیو اوزاکی متخصص جاپانی دوا پاشیده شده و نیز تجارب متعددی نسبت به نموی تا کپا و ازدیاد آن بعمل آمده است .
- ۲ - باغ بابر شاه : در باغ بابر شاه بعض درختان کهن و کم حاصل نهال های جدید و قوی غرس گردیده خیابان های جدید و کردهای جدید قرار نقشه فنی باغبانی طرح گردیده و به تعداد ۳۰۰ اصله نهال درختان

اجراآت دوائر منگشتی

میوه دار از جاپان خواسته شده بطور فنی تحت هدایات موسیو اوزا کی متخصص جاپانی غرس گردیده باوجودیکه در وقت گرمی هوا حمل و نقل آنها بعمل آمده و اکثر آنها در عرض راه برگک کرده بودند باوجود آن یکنه زیاده آن سبز شده بیخ گرفته است .

درختان میوه دار ذریعه طلبه که زیر دست موسیو اوزا کی داده شده اند قطع فنی شده یکمقدار مارچوبه نیز در کرد های باغ شانده شده است . از قبیل پیوند و غیره عملیات زراعتی که منتج باصلاح نباتات میگرددند هم بالای اشجار عملی شده انشا الله نتیجه نیک آن در شروع سال آینده معلوم خواهد شد . برای آبیاری مرتبه های باغ بابر شاه و آب دادن چم کاری های آن يك عدد بمبه برقی خواسته شده است که بعرضهم رسیده بسال آینده انشا الله تعالی نصب خواهد شد .

۳ : باغ بینی حصار : در باغ بینی حصار اصلاحات زراعتی بروی کار آمده یکمده نهال سیب و ناک جدید غرس گردیده که در سال آینده عملیات پیوند بر آنها جاری خواهد شد یکمقدار پسته بیباغ بینی حصار کاشته شده یکمده نهال پسته حاصل شده است که ثانیا در جاهای مناسب غرس خواهد شد و کوشش میشود که پسته بصورت باغی بعمل بیاید . موسیو اوزا کی متخصص جاپانی عملیات و تجارب سبزیکاری خود را در باغ مذکور شروع نموده از قسم لوبیا و اقسام کلم خارجی و مارچوبه و توت زمینی يك مقدار بطور نمونه زرع نموده عملیات زراعت آنها را ذریعه شاگردان وطنی اجرا نموده است .

آلات وادوات فنی زراعت از قبیل آله پاشنده دوا و ادویه ضد حشرات و آلات زراعتی از خارج خواسته شده و تسلیم اوزا کی متخصص گردیده تا شاگردان

خود را به استعمال آلات جدید زراعت و اصول جدید کاشمندی عادی سازد
برای اوزاکی متخصص از جمله اطاق های چمن چند اطاق جهت تجارب فنی
و تعلیم طلبه زبردستش تخصیص داده شده است و جمیع سامانیکه جهت جمع نمودن
و تجربه نمودن حشرات مضره و تفرق امراض نباتات و غیره لازم است از داخل
وطن و خارج تهیه شده است که ذریعہ آن متخصص مذکور تجارب فنی خود را
ادامه داده به تعلیم طلبه بطور دلخواه پردازند .

۴ : زراعت سبزیجات در جلال آباد و زراعت پنبه در قندهار :

چون زراعت سبزیجات خصوصاً انواع سبزیجات خارچی
در وقت رستمان در کابل نایاب بوده قیمت زیادی پیدا میکند
موسیو اوزاکی متخصص زراعت همراهی شاگردانش بجلال آباد فرستاده شد تا
زراعت سبزیجات زمستانی را در آنجا عملی سازد . متخصص مذکور بعد از
دادن هدیایات لازمه طلبہ زبردست خود را در جلال آباد گذاشته حسب الامر
حکومت متبوعه با دوتفر منحصص دیگر میر محمد بوسف خان و نور محمد خان
عازم قندهار گردیدند تا شرایط زراعت پنبه را در اراضی قندهار بطور فنی
ملاحظه نموده را بورت خود را در خصوص زراعت پنبه آنجا تحریر دارند
تا در زرغ پنبه اراضی آنولا ترتیبات لازمه گرفته شود .

ج - اقدامات متفرقه فلاحی :

۱ - استخدام متخصص جنگلات :

چون ایجاد و توسعه جنگل یکی از وسایط مهم ثروت ملی است لهذا
حسب نظریه حکومت متبوع یک نفر متخصص جنگلات از جانبان استخدام شده
متخصص مذکور محلات فریب کابل مثلاً بینی حصار و تپه بلخ و خواجہ

اجرا آت دوائر مملکتی

مشاغل می ورزند ازان جهت یکمقدار تخم بینه توسط ص ، محمد کریم خان متخصص زراعت بجلال آباد فرستاده شده تا فرار هدايات متخصص ، حکومتی اعلاى مشرفی تخم های مذکور را بهجالات لازمه تقسیم نموده از نتیجه بوزارت تجارت اطلاع دهد .

علاوه بران هر قدر غوزه که پیشتر از سالهای گذشته نزد نحو یلدار بینه خانه جمع شده بود ذریعه بکفر متخصص کرم بینه وطنی تنیده شده بکمقدار ابریشم خالص حاصل شده خواص و خوبیائی ابریشم مذکور اطمینان بخش است .
د - پیشرفت و ترقی امور زراعت در ولایات :

الف - ولایت قندهار ،

از توجه و مساعی و ، ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه صاحب قندهار در امور زراعت و ولایت مذکور اصلاحات و ترقی زیادی در سته ۱۳۱۵ بروی کنار آمده است که ما چگونگی آنها را ذیلاً تحریر میداریم .
۱ - مدیریت زراعت قندهار در تقایش اراضی زراعتی قندهار توجه زیادی بکار برده و حدود اکثر اراضی بطور صحیح و یقین معین گردیده .

۲ - نهال بادام و شکر یاره و زرد آلو و غیره اشجار مشر و غیر مشر در مربوطات ولایت قندهار به تعداد زیاد غرس گردیده - تعداد نهال اشجار میوه دار و غیر میوه دار که بقندهار و علاقه جات مربوطه آن غرس گردیده از روی نوعیت قرار ذیل معلومات داده میشود :

بادام - ۳۳۵۶۸۰ اصله

شکر یاره - ۸۴۴۶۵ *

زرد آلو - ۵۷۷۹۵ *

۳ - توریید گوسفند های مرینوس و توزیع آنها در ولایات :

چون گوسفند مرینوس از حیث فراوانی و نرمی و خوبی پشم و گوشت بهترین اجناس گوسفند بوده ملل اروپا آنرا یگانه جنس گوسفند پشمی شناخته از تربیه و تکثیر آن فوائد تجارتي زیادی گرفته اند لهذا حسب نظر به حکومت ترقی خواه ما از وزارت تجارت امر صادر شد که یکمده فوج و میش گوسفند مرینوس از مؤسسه تجارتي «سوافنان ترك» شوروی خریداری و در ازدیاد نسل و حلول خواص گوسفند مذکور در اجناس گوسفند وطنی مساعی لازم بعمل آید .
لهذا دفعه اول يك عده فوج مرینوس بخاك و طن وارد شده بولایت مزار شریف و بولایت قطغن و مینمه فرستاده شده نتایج محصوله از فرار ابرورت هائیکه از ولایات مذکور بمرکز وقتاً فوقتاً میرسد اطمینان بخش است .

دفعه ثانی در ماه جوزای ۱۳۱۵ تکرار یکمده میش و فوج مرینوس جهت تربیه خانه حیوانات مرکز و در ماه اسد يك عده فوج دیگر خریداری شده که يك حصه آن بولایت هرات فرستاده شد يك عده دیگر آن بولایت فندهار - امبد زیاد میرود که بخواست خدا جنس مرینوس در افغانستان منتشر شده اجناس گوسفند وطنی نیز از آن میبخش با گوسفندان مرینوس اصلاح شده خواص مرینوس را پیدا کند .

۴ - تربیه کرم پیله :

علاوه بر آنکه در تربیه خانه کرم پیله بکقدار تخم پیله تحت عملیات انکشاف گرفته شده و ازان غوزه های ابریشم حاصل شده است بکقدار غوزه ها گذاشته شده است که شب پر کت ازان برآمده برای سال آئینده تخم جدید گرفته شود . چون در نواحی جلال آباد مردم به تربیه کرم پیله

۳ - تورید گوسفند های مرینوس و توزیع آنها در ولایات :

چون گوسفند مرینوس از حیث فراوانی و نرمی و خوبی پشم و گوشت بهترین اجناس گوسفند بوده ملل اروپا آنرا بگانه جنس گوسفند پشمی شناخته از تربیه و تکثیر آن فوائد تجارتمی زیادی گرفته اند لهذا حسب نظر بیه حکومت ترقی خواه ما از وزارت تجارت امر صادر شد که یکمده قوچ و میش گوسفند مرینوس از مؤسسه تجارتمی « سوافغان ترک » شوروی خریداری و در ازدیاد نسل و حلول خواص گوسفند مذکور در اجناس گوسفند وطنی مساعی لازم بعمل آید .

لذا دفعه اول یک عده قوچ مرینوس بخاک و طن و وارن شده بولایت مزار شریف و بولایت قطغن و میمنه فرستاده شده نتایج محصوله از قرار ابرورت هائیکه از ولایات مذکور بمرکز وقتاً فوقتاً میرسد اطمینان بخش است .

دفعه ثانی در ماه جوزای ۱۳۱۰ تکرار یکمده میش و قوچ مرینوس بجهت تربیه خانه حیوانات مرکز و در ماه اسد یک عده قوچ دیگر خریداری شده که یک حصه آن بولایت هرات فرستاده شد یک عده دیگر آن بولایت قندهار - امبد زیاد میرود که بخواست خدا جنس مرینوس در افغانستان منتشر شده اجناس گوسفند وطنی نیز از آن میبخش با گوسفندان مرینوس اصلاح شده خواص مرینوس را پیدا کند .

۴ - تربیه کرم پیله :

علاوه بر آنکه در تربیه خانه کرم پیله بکمقدار تخم پیله تحت عملیات انکشاف گرفته شده و ازان غوزه های ابریشم حاصل شده است بکمقدار غوزه ها گذاشته شده است که شب پرکت ازان برآمده برای سال آینه تخم جدید گرفته شود . چون در نواحی جلال آباد مردم به تربیه کرم پیله

سازمان « کابلی »

انار	-	۰۷۷۵	اصله
سبب	-	۱۳۷۷۲	»
بهی	-	۳۷۴۶	»
ناک	-	۲۸ ۵۹۴	»
توت	-	۳۶۹۶۲	»
آلو بخارا	-	۲۵۸۰	»
شفتالو	-	۸۷۷۲	»
آلوچه	-	۱۲۶۸۴	»
انجیر	-	۲۵۸۲۸	»

متفرقه (نهال‌های اشجار شمر از قبیل توك و سنجد و شاه توت و غیره) - ۲۳۲۸۲ اصله

بید	۸۲۶۹۶۴	اصله
چنار	۴۹۶۳۹	»
سفیدار	۸۱۱۳	»
بنفش (بنجه چنار)	۲۲۰۰	»
متفرقه	۲۳۳۰۰	»
جمع کل	۱۹۰۳۷۵۲	»

۳ - در سنه ۱۳۱۵ تقریباً ۱۲ خروار تخم نیشکر در املاک دولتی قندهار و مر بوطات آن بذر شده اگرچه بواسطه قلت آب بآن تا اندازه نقص رسیده با وجود آن نتیجه اطمینان بخش بوده بسال آئنده انشاء الله مساعی زیاد تری درین راه بصرف برده خواهد شد .

۴ - در خصوص معادن بتمام حکومتی ها و علاقه های مر بوطة قندهار اخبار

اجرا آت دوائر مملکتی

شده که نمونه انواع ا حجار و فنزات معدنی را بعد یریت زراعت بفرستند چنانچه چند نمونه آن تا حال بوزارت تجارت هم فرستاده شده است .

۵ - در جنگل مر نجان و جنگل لب دریای ارغنداب تقریباً از ۷ تا

۸ صد هزار اشجار جنگلی غرس شده است .

۶ - درخصوص زراعت پنبه نیز مساعی و تجارب زیادی شده است که برای

آ بنده مفید ثابت گردیده .

۷ - چنار رقم عرعری که تا حال بقند هار یافت نمی شد بمقدار ۳۰ هزار اصله

از غزنی خواسته شده در جنگل مر نجان و ارغنداب غرس گردیده و نتیجه هم اطمینان بخش است .

۸ - برای قوچ های مر بنوس که بقند هار رسیده جهت تولید و تناسل

جنس مذکور (۲۰۰) راس میش از رقم گوسفند غلجائی و هزاره گی خریداری

شده تا از آنها چو چو گرفته شود . درخصوص نگه داشت و حفظ الصحه

و خوراکه و غیره گوسفند های مذکور احتیاطات لازم گرفته شده است .

ب - حکومت اعلای مشرفی :

در مدیریت زراعت حکومت اعلای مشرفی قرار بیکه به مدیریت عمومی زراعت

وزارت تجارت اطلاع رسیده است درسنه ۱۳۱۵ در نهال شانی واحداث قوریه ها

مساعی قابل توجهی بعمل آمده است : یک باغ جدید موسوم به جنگل باغ به توجه

ع ، ع ، ص محمد قاسم خان حاکم اعلای مشرفی احداث گردیده و دران از قبیل نهال

شیشم و توت و غیره بمقدار زیاد نهال غرس شده . و در اکثر باغات مرکزی مشرفی

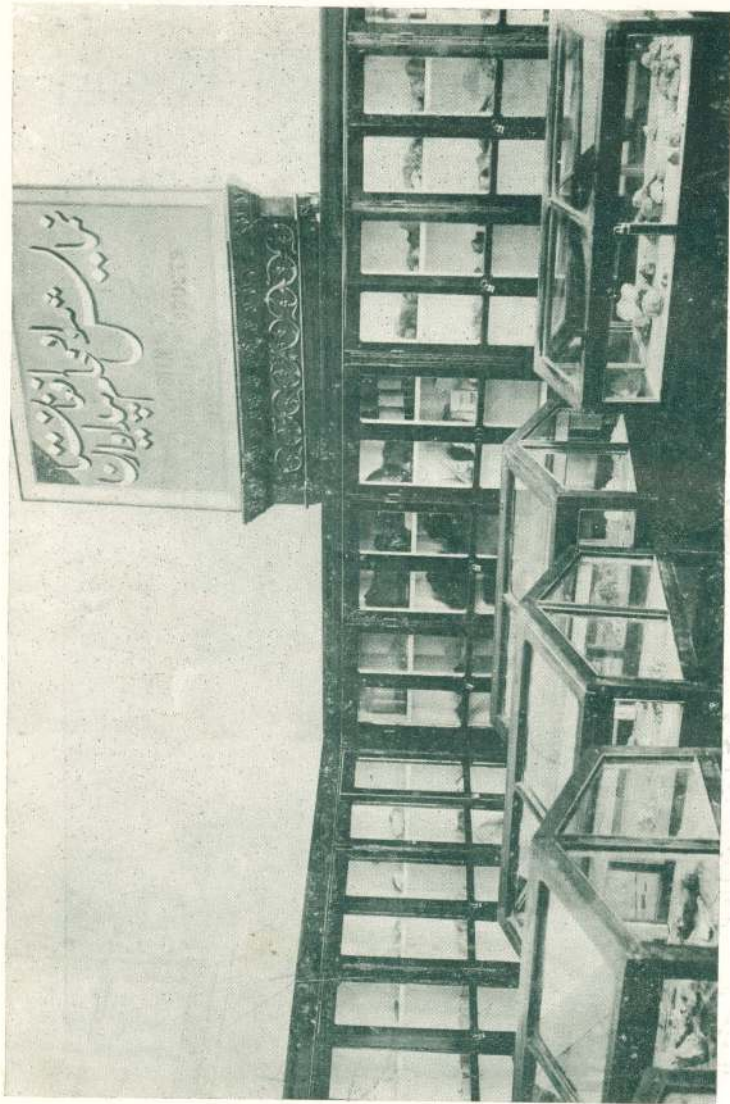
تشکیل قوریه های زیاد و قلمه های نهال میوه دار بعمل آمده و علاوه بر آن بدو طرفه سرک های عمومی مربوطه مدیریت معابر مشرقی و بعضی حکومت محلی مثل حکومت کتلان کتیرها و کامه و دامنه های نهر سراج و شهر نو و غیره نهال شانی زیادی شده است. در ما ما خیل خوگیانی که برای احداث باغهای جدید خبلی مساعد است در برج سرطان ۱۳۱۴ یک باغ جدید موسوم به باغ عمومی ساخته شده است و در آن یکمده قلمه کلاب و غیره غرس شده در سال آینده انشاء الله نهال شانی زیادی در آن خواهد شد. جمع نهال هائیکه بحکومت کتلان کتیرها و اتمان و کامه و مهمندره و رودات و شنواری و خوگیانی و سرک های مدیریت معابر و باغات دولتی و غیره غرس شده است به (۱۰۲۷۸۰۶۶۲) اصله میرسد.

۳ - حکومت اعلای جنوبی :

تعداد نهالهائیکه به نواحی زرم و طوطاخیل و احمد زائی و گردیز ذریعه مدیریت زراعت حکومت اعلای جنوبی غرس شده است طبق اطلاع مدیریت مذکور قرار ذیل است :

سیب	-	۵۵۰۰	اصله
زرد آلو	-	۷۰۰۰	»
بادام	-	۶۰۰	»
چنار	-	۱۶۵۰۰۰	»
پید	-	۶۳۴۰۰	»
سنجد	-	۵۸۰۰	»

جمع کابل - ۲۴۷۳۰۰ اصله



از موزسات وزارت تجارت، موزه خانه اقتصادی که در آن معدنیات و غیره مواد پیداوار افغانستان برای نمایش گذاشته شده است
Musée économique du Ministère de Commerce (Exposition des matières premières d'Afghanistan)



مقبره بابر شاه که اخيراً در عصر اعليحضرت المتوكل على الله محمد ظاهرشاه بتوجه وزارت

تجارت بطرز بسیار عالی و فستنگ سر از نو تعمیر و تکمیل یافته

Mausolée de Baber, nouvellement construite à Kaboul



از موزسات وزارت تجارت، موزه خانه اقتصادی که دران معدنیات و غیره مواد خام پیداوار افغانستان برای نمایش گذاشته شده است
Musée économique du Ministère de Commerce (Exposition des matières premières d'Afghanistan)

اجراآت دوائر مملکتی

شعبه گمرکات :

امور گمرکی در سال ۱۳۱۵ مزید بر سالهای گذشته حایز انتظام گردیده و از اثر آن در عایدات عموم گمرکات افغانستان نسبت بسال ۱۳۱۴ باندازه (۴ ونیم) فیصد تزئید بعمل آمده که شرح آن قرار آتی است ،

الف : گمرکات ولایت کابل نسبت بسال ۱۳۱۴ در سال ۱۳۱۵ (۴ ونیم) فیصد اضافه شده

- ب : د قندهار د د د د د (۵ ونیم) د د د »
- ج - د د هرات د د د د د (۶) د د د »
- د - د د مزار شریف د د د د د (۱۶ ونیم) د کسر کرده

(این کسراز سبب اینست که درین سال اموال گمرکی در جائیکه مصرف شده یا باقیمانده محصول آن در همانجا حساب شده حالانکه در سابق محصول بحساب او این گمرک وارده گرفته میشد) .

- ه : گمرکات ولایت قطن و بدخشان به نسبت ۱۳۱۴ در ۱۳۱۵ (۴۲) فیصد اضافه شده
- و : د حکومت اعلاى مشرقى د د د د د (۱) د د د »
- ز : د د جنوبى د د د د د (۱۵ ونیم) د د د »
- ح : د د مینه د د د د د (۴) د کسر نموده

(دلائل آن مثل دلائل موجهه متذکره فوق « مزار شریف » است)

ط : گمرکات حکومت اعلاى فراه به نسبت ۱۳۱۴ در ۱۳۱۵ (۱۸ ونیم) فیصد اضافه شده .

سالنامه « کابل »

امور فوآئد عامه

طوریکه می بینیم حکومت متوعه ما برای ترقی و توسعه تمام شعب عمرانی و سائر امور عام المنفعه که نتایج مستقیمی در بهبود احوال عموم اهالی وطن بوجود می آورد، توجه خاص داشته، متصل و پی در پی موسسات فوآئد عامه در نقاط مختلفه مملکت تاسیس و تدویر می یابد. با اغراضه در سال ۱۳۱۵ جنبش محسوسی درین رشته بوجود آمده و اقدامات بسیار مهم جهت تشکیل موسسات عمرانی و کارخانه جات مختلفه سردست اجراء گرفته شده و نیز جاده ها و پلهای کثیری در سراسر وطن عزیز ما ساختمان شده است که ذیلا قسمت های عمده آن بطور خلاص ذکر میگردد:

شعبه هابری :

الف ولایت کابل :

- ۱ - سرك خوات وردك كه دران جا فابريكه برق تاسيس شده بعضی حصص سرك مذکور سرنگک پرانی بکار داشت در حصه بمبائی و گدان به اندازه (۳) کیلومتر سرنگک پرانی شده .
- ۲ - در سرك تنگی وردك كه از سرك عمومی سمت جنوبی يك خط گرفته شده و به سرك فندهار در شبخ آباد وصل شده نسبت بسهولت رفتار موثر بمسافه ۷ کیلومتر سرنگک پرانی شده .
- ۳ - سرك تنگی واغجان در راه گردیز كه بعضی حصه های آن برآمده گی و کجی پیچی داشت برای تسهیلات عبور و مرور ذریعه سرنگک پرانی تسطیح و با اندازه لارمه کلان شده .

اجراآت دوائر مملکتی

۴ - سرك تنگاب و نجراپ كه بعد از كسار شده گئی سال گذشته در بین سال تعمیر و تمدید گردیده و بسولا ننگ و تنگاب و نجراپ وصل شده و حاضرأ تا تنگاب برای رفت و آمد مو تر حاضر گردیده بمسافه ۵۸ و نیم کیلومتر .

۵ - تمدید سرك از حد پخته پل كه در بین عمارات بالا حصار گذشته تا سرك بینی حصار بصورت پخته كاری .

۶ - تمدید سرك براست سرك جدید بالا حصار تا زیارت حضرت جی صاحب و اتصال آن بسرك عمومی جلال آباد بصورت پخته كاری .

۷ - تعمیر يك پایه پل يك كهانه ۱۲ متره در گلبهار بصورت پخته كاری و پر كاری دو طرفه آن .

۸ - تعمیر يك پایه پل يك كهانه بعرض ۱۷ متر و طول ۱۰ متر بحدود شهر آراء بصورت كانكریت .

۹ - تعمیر دو پایه پل های باغ عارق بصورت پخته كاری یکی ۹ كهانه و دیگری سه كهانه كه هر كهان آن يك متر طول دارد .

۱۰ - تعمیر يك پایه پل آهنی (۵۰) متره بعوض پل چوبی سابقه موسوم به پل سعد الله در سمت شمالی كه فنداغ دو طرفه و پایه بین آن بصورت پخته سنگ كاری شده برای نصب آهن كه در خارج فرمایش داده شده حاضر میباشد و عنقریب پل مذکور تكمیل خواهد شد .

ب : ولایت مزار شریف :

۱ - احداث سرك جدید از مر كز شهر بلخ بطرف بندر كلفت بطول (۴۶) کیلومتر .

۲ - سرك سابق دشت خواجه الوان الی (۹) کیلومتری شهر ایك به

سالنامه « کابلی »

نسبتیکه در زمستان گل ولای داشته و با برین تکلیف میرساند به طول (۴۶) کیلومتر جقله فرش شده .

ج : ولایت فظن و بد خشان :

- ۱- احداث سرك از خان آباد بطرف فیض آباد بد خشان از طریق سواحل دریای کوچکه که حال گذشته آغاز شده : از فیض آباد تا اشکاشان (۴۰) کیلومتر و از آنجا تا فره کمر ۳۷۰۰ متر سرننگ پرانی تحت کنار و مابقی از یوزة فره کمر تا مشهد کشم بمسافه (۷۱) کیلومتر سرك تمام و به خط عمومی اتصال یافته .
- ۲- احداث سرك از شهر جدید قندوز براه دشت آبدان بحضرت امام صاحب بمسافه (۶۱) کیلومتر - در خط مذکور که دریا واقع گردیده کشتی تهیه شده که موثر بذریعه کشتی عبور میکنند .

۳- احداث سرك جدید از استان قندوز به علاقه داری قنعه زال بمسافه (۴۰) کیلومتر در خط مذکور که دریا واقع شده کشتی تهیه گردیده که موثر بذریعه کشتی عبور میکنند .

۴- چون بعضی حصص سرك سابق خان آباد و اشکاش و نهرین کوتل ها و آبرو های زیاد داشت نسبت به تسهیلات عبور و مرور از تنگی سرچ نهرین (۲۷ ونیم) کیلومتر و از آق چشمه تا اشکاش (۲۱ ونیم) کیلومتر سرك جدید احداث شده .

۵- احداث سرك از حدود دوراهی خواجه الوان تا چین رائی (خواجه الوان خط انفصالیة علاقه فظن و بد خشان است) بمسافه (۲۷ ونیم) کیلومتر .

د : حکومت اعلای مشرفی :

۱- سرك کابل از جلال آباد بطرف کابل یعنی از حد شیله نافی

اجرا آت دوائر مملکتی

تا اندازه ۵ کیلومتر پخته کاری شده و باقی کار مذکور جریان دارد .
۲ - پل شیله نافی و چند آبرو های همین حصه نیز تحت کار میباشد و عنقریب تمام میشود .

۳ - پل سرخاب که یکی از پلهای بزرگ سمت مشرقی بشمار میرود و کار تعمیر آن از دوسال باینطرف جریان دارد ، در سال ۱۳۱۵ تقریباً خاتمه یافته و عنقریب افتتاح میشود . این پل در جوار جلال آباد بالای رود سرخ رود و در سرک جلال آباد و لغمان که سرک جدید کابل نیز میباشد ، تعمیر یافته است و متجاوز از ۱۰۰۰ متر طول دارد .

۵ : حکومت اعلائی میمنه :

۱ - تعمیر سرک های جدید در داخل شهر که بصورت عمومی عرض ۸ متر ۴ سرک مستقیم در چهار سمت شهر امتداد یافته و پخته کاری آن در سال آینده بعمل خواهد آمد .

۲ - تعمیر سرک جدید از بالای تپه بالا حصار تا داخل شهر که تپه بالا حصار بقدر ۱۰ متر تسطیح شده است .
شعبه فابریکات :

امور کارخانه جات و صنایع جدید در سال ۱۳۱۵ از توجه حکومت متبوعه و اقدامات وزارت فوائد عامه داخل نهضت جدیدی شده است چنانچه در همین حالیکه کارخانه جات سابقه توسعه و ترقی یافته و نیز برخی کارخانه جات موجوده مربوطه شعبات مختلفه مملکتی نظر بایجات فنی و اداری به وزارت فوائد عامه مربوط گردیده (مثل کارخانه نساجی و بوت دوزی و چرمگری مرکز) برای تدویر چند کارخانه جدید نیز اقدامات بعمل آمده و کار یک عدد

کارخانه جاتی که از چندی باینطرف آغاز شده بود، پیشرفت زیادی کرده فریب تکمیل رسیده است. ذیلاً فقرات عمده کار روانی شعبه فابریکات را از نظر خوانندگان محترم میگردانیم:

۱ - کار ساختمان و تدویر فابریکه بزرگ پشمینه باقی قندهار که از ۴ سال باینطرف جریان داشت در سال ۱۳۱۵ خاتمه پذیرفته و اکنون فابریکه مذکور مشغول کار میباشد. چنانچه مقدار کلی یشم برای شستشو و تاب دادن و بافتن در ولایت قندهار ذخیره گردیده است.

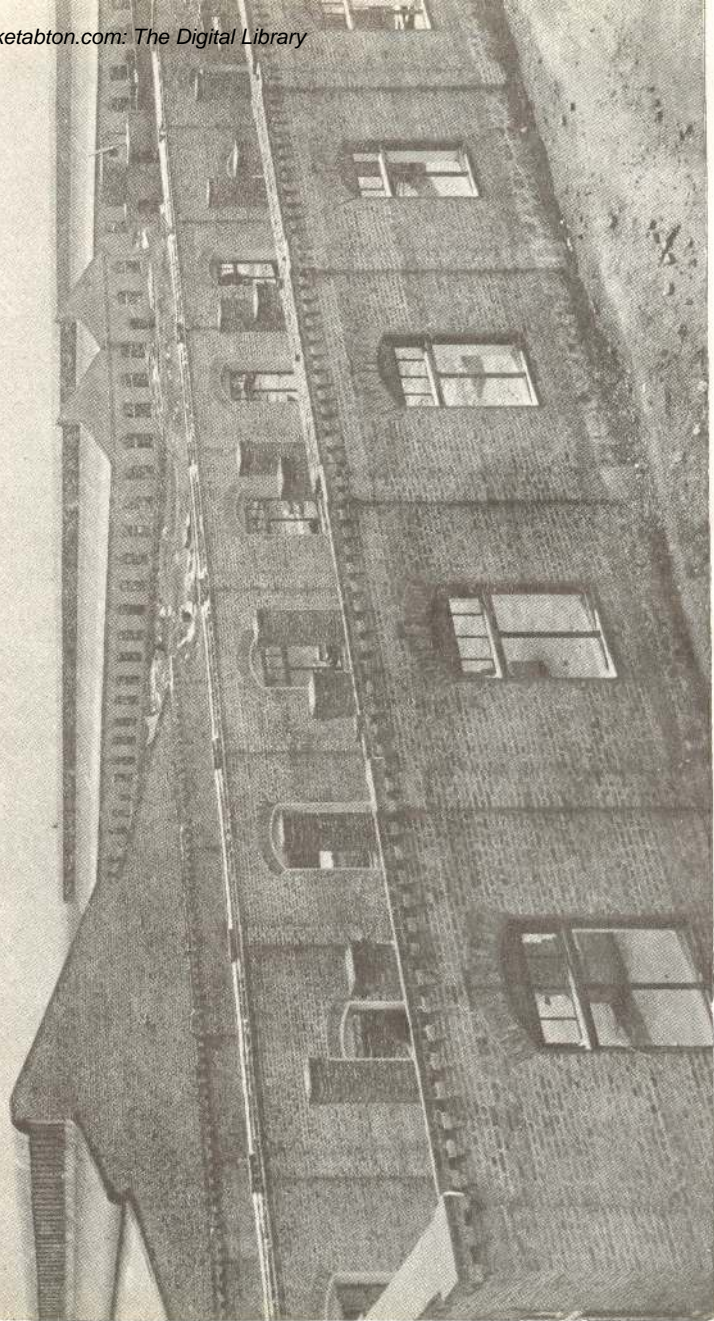
۲ - فابریکه نختابی جبل السراج که کار تعمیر و تدویر آن نیز از ۴ سال باینطرف جریان دارد، در سال ۱۳۱۵ پیشرفت زیادی حاصل و نزدیک باختتام می باشد بطوریکه در جریان سال بسیاری از ماشینهای آن وارد و نصب گردیده.

۳ - فابریکه بزرگ واقع خواجه ملا که برای تدویر فابریکه دکه سازی و حکاکی و سنگتراشی و نجاری و غیره که همه این فابریکه ها حاضرأ در داخل شهر کابل موجود بوده ولی بصورت ضیق میباشند، تعمیر یافته، کار تعمیر آن در سال ۱۳۱۵ خیلی پیشرفت کرده و تا پوشش اول رسیده است. فابریکه مذکور خیلی وسیع و محکم و با اصول عصری بسیار متین ساختمان گردیده، و علاوه بر آن برای تاسیس کارخانه جات دیگری نیز درین محل جای موجود است. شعبه تعمیرات:

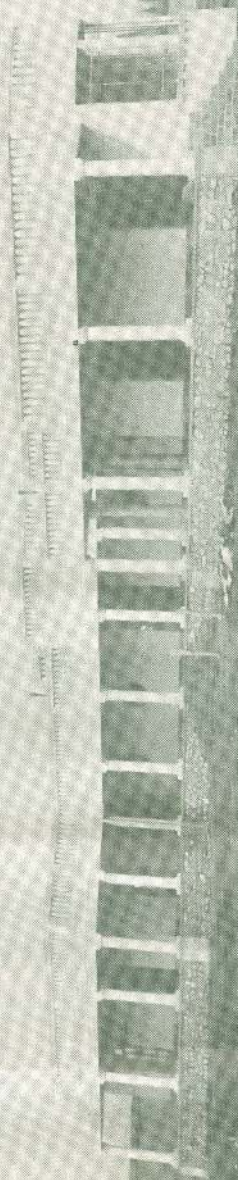
تعمیراتیکه در سال ۱۳۱۵ اجرا شده:

الف: ولایت کابل:

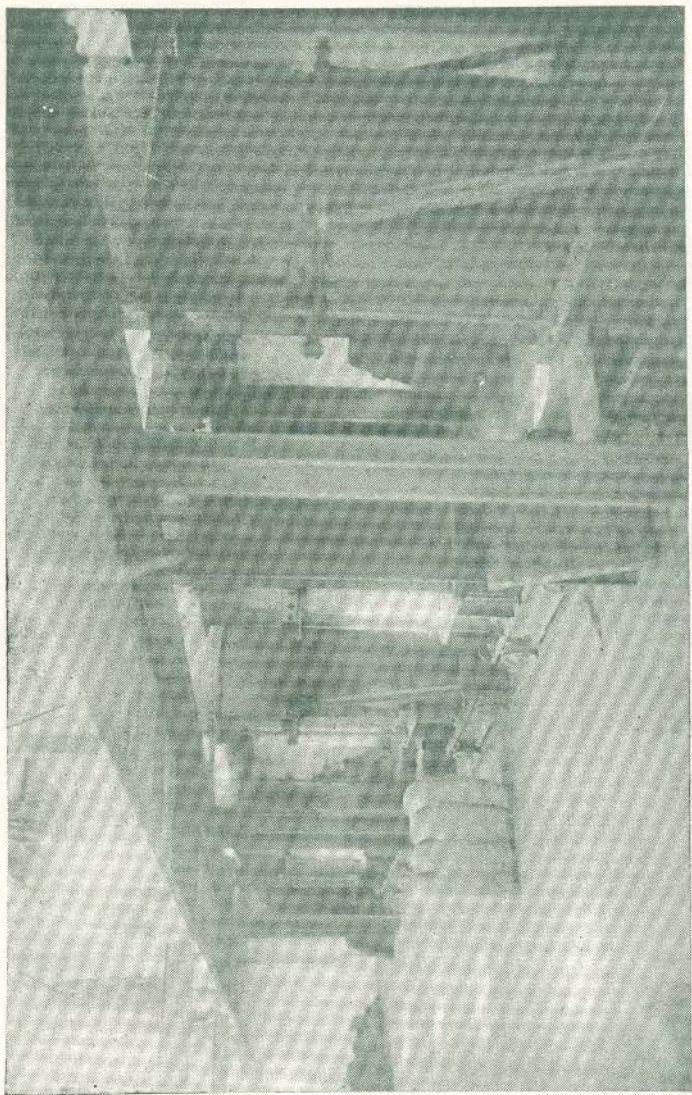
۱ - کار تعمیر مکاتب حریبه واقع بالاحصار که از چهار سال باینطرف



از عمارات جدید ولایت فندهار : يك حصه از كدر خانه بشمینه باغی جدید التأسيس
Nouvelle usine de lainage à KANDAHAR

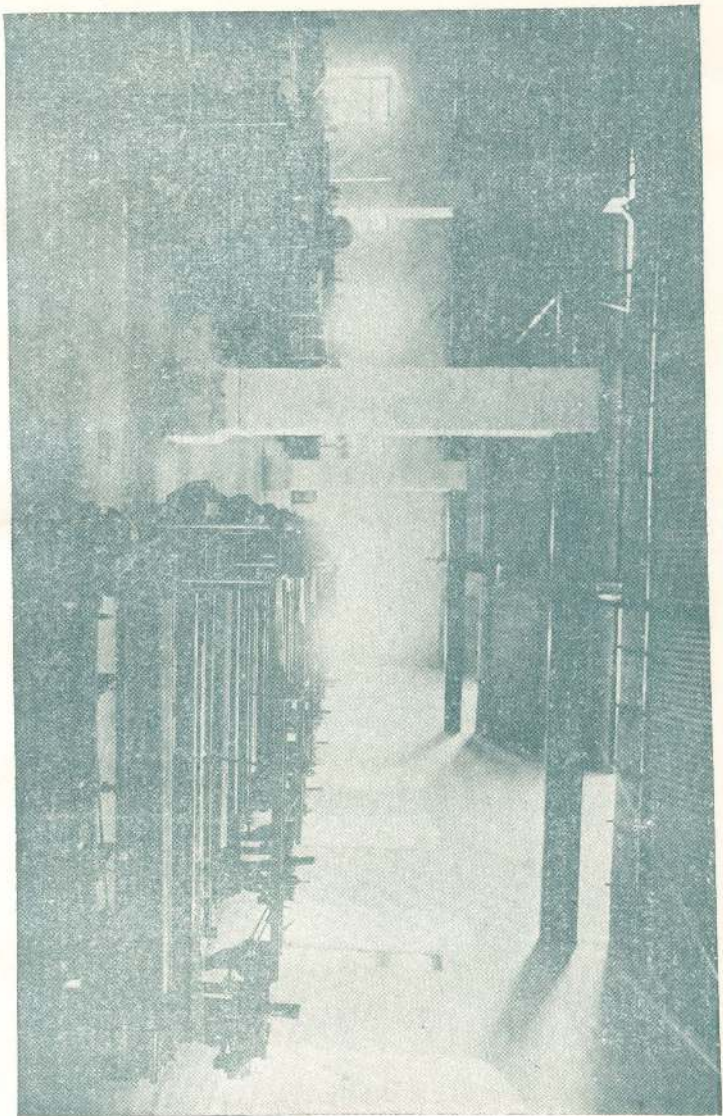


از عمارات جدید ولایت قندهار ؛ یکی از عمارات حکومتی که در عصر اعلیحضرت المتوکل علی الله ساخته شده
Immeuble des bureaux de gouvernement nouvellement construit à KANDAHAR

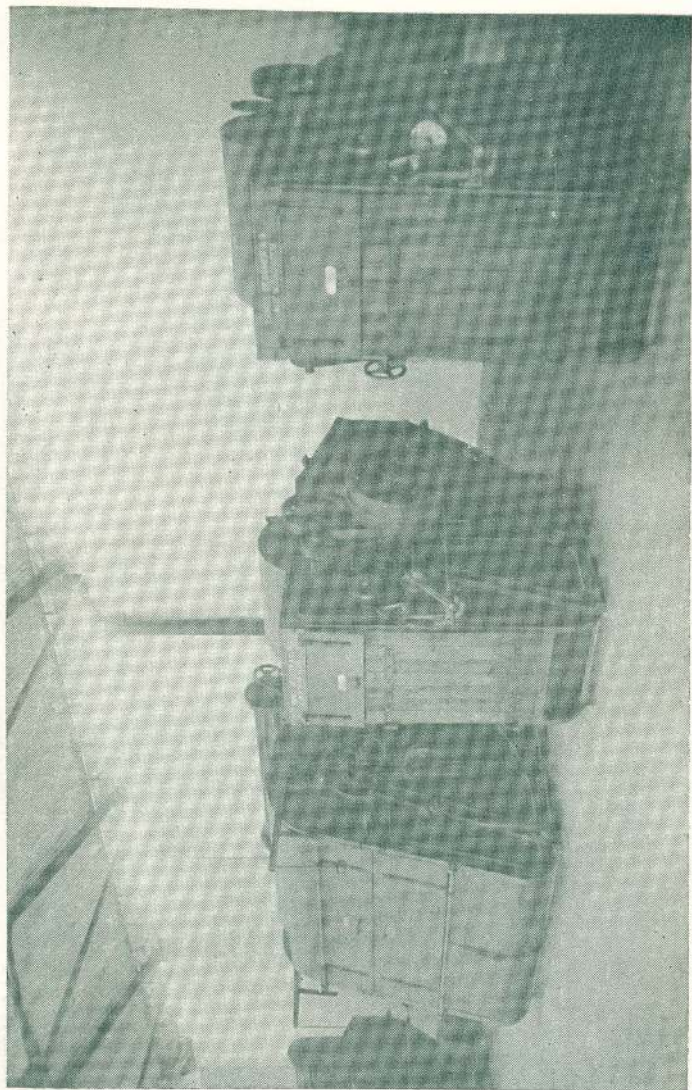


فا بريکه يشينه بافي قند هار : ماشين هاي فشار پشم

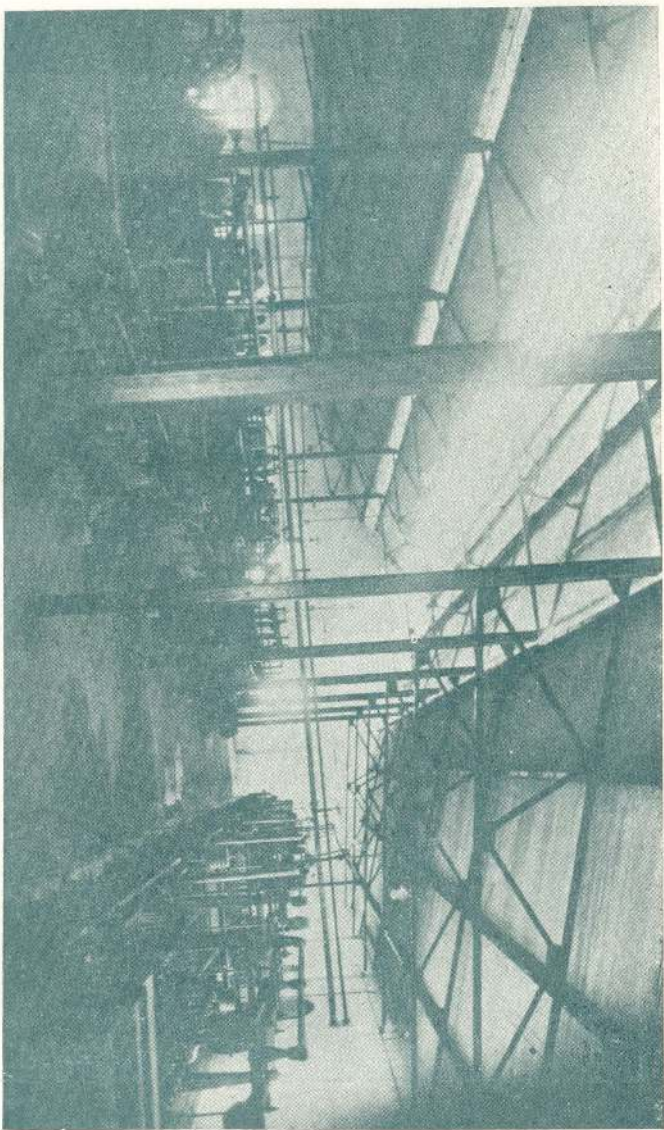
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines pour presser la laine



فابریکہ پشمینہ باقی جدید قندھار ، کار کارهای بافت که هر کار کار توسط هفت ما کوی برقی کار میکنند
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines de tissage .



فا بریکه پشمینه با فی جدید قند عار ، ماشینهای مالش و آرایش دادن پارچه بقال مرطوب
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine

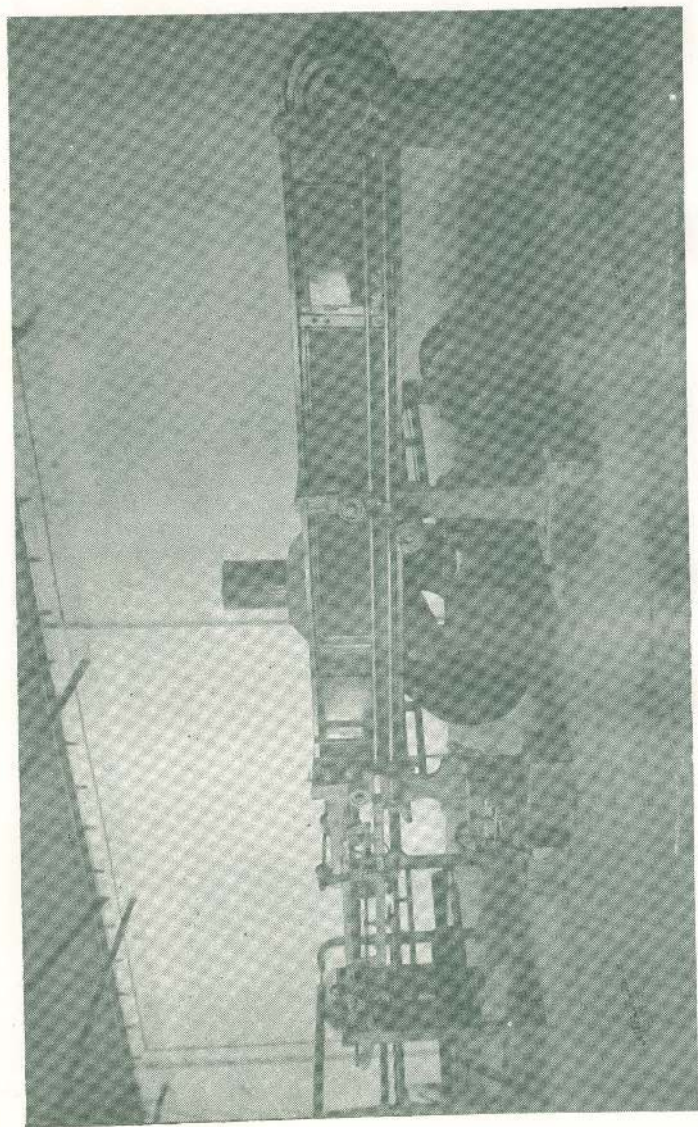


فابریکة پشمینه با فنی جدید قند هار : اطابق پشم شومی مس کب از چهار قطار و هر قطار مس کب از پنج ماتین بوده هر قطار
بدریعه موتو برقی علیجده بکار می افتد

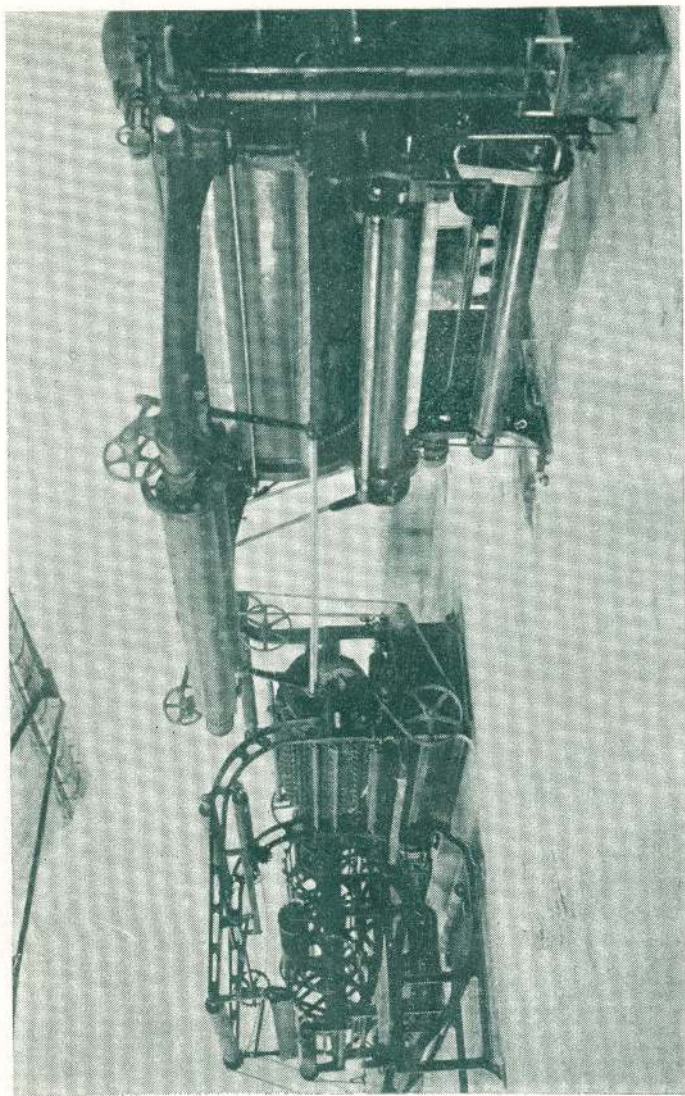
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: La salle de lavage de laine



ماشین آهار دادن تارهای پشم توسط بخار و ماشین روچک ماکوهای بافت و ماشین بیلرس نمودن تارهای پشم
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de la nage à Kandahar

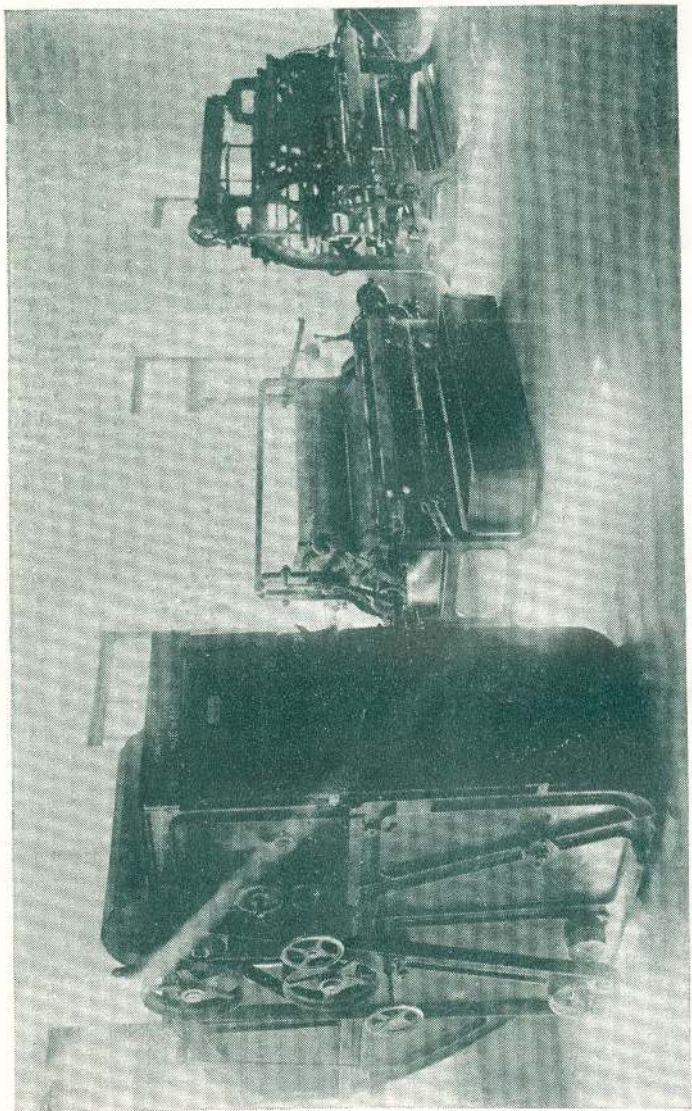


فابریکه رشمنه باقی جدید قندهار : حصه ماش و آرایش خشک ماشین شکنجه پارچه توسط بخار
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kaboul

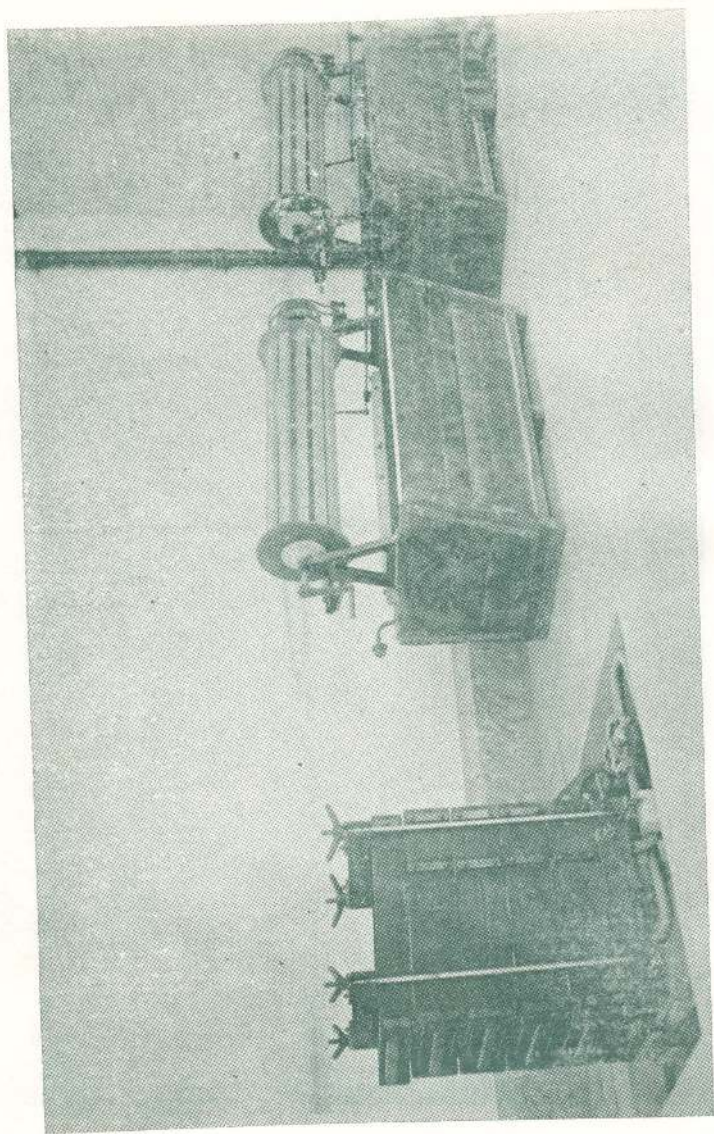


فا پر يکۀ پشمينه بافی جديد قندهار : ماشينهای مالش و آرایش خشک

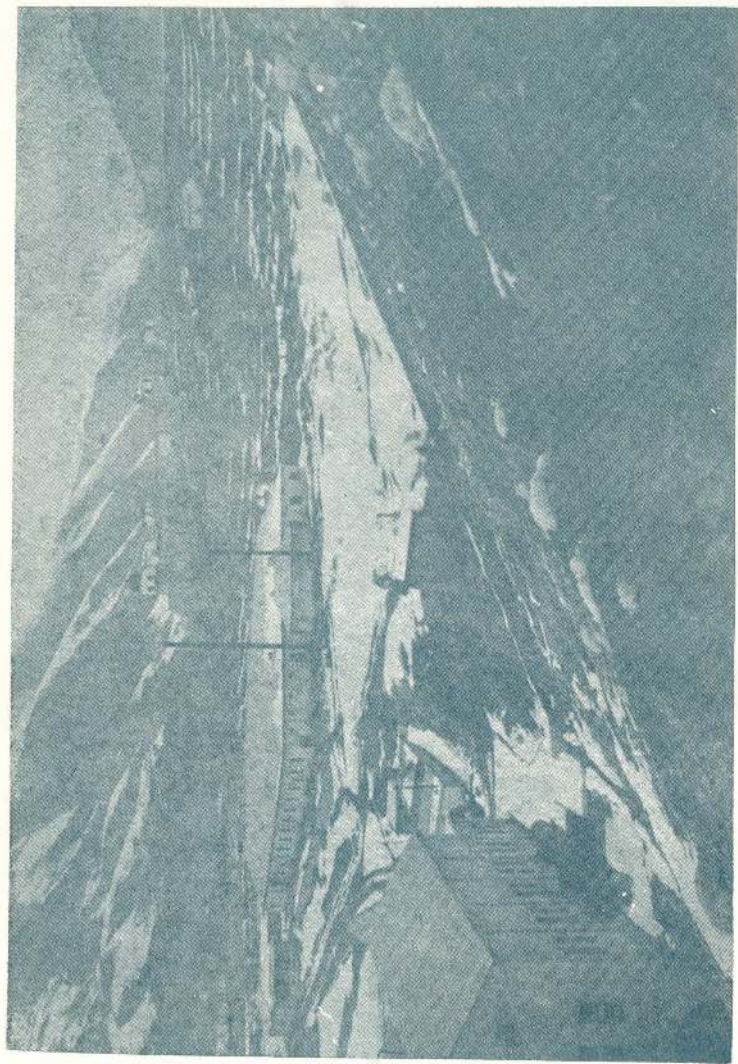
Nouvelle fabrique de lainage à Kanda'iar : les machines de massage et polissage de laine



فابریکه یشینه با فی جدید قند هار : ماشینهای مالش و آرایش یشم بحال مرطوب
Nouvelle fabrique de laines à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



فابریکه یشینه بافی جدید قندهار و ماشینهای رنگ ری
Nouvelle fabrique de lainage à Kandohar: Les machines pour colorer la laine



از موسسات مهمه عصر ظاهر شاهي : منظره عمومي فابريکه نغزآبي و نساجي جبل السراج
Vue générale de la nouvelle usine de filature et de tissage à Djabout-Séradj (Kaboul)

اجراآت دوائر مملکتی

جریان دارد در سال ۱۳۱۵ خیلی پیشرفت کرده و نزدیک به اتمام میا شد .
۲ - : نصب نل سمیتی از حد بالا حصار الی پشت قلعه هزاره ها که به اثر آن
آب از جوی چهل ستون بداخل نل یخته مذکور تا بالا حصار جریان پیدا کرده
است (مسافه تقریباً ۲ کیلومتر)

۳ - : تعمیر مقبره اعلی حضرت شهید سعید که کار های مذکور از دو سال
با بنظر جاری بوده ، اکنون تاطبقه اول آن ساختمان شده است .

۴ - : تعمیر مقبره حکیم صاحب سنائی علیہ الرحمہ واقع غزنی که در سال
۱۳۱۵ شروع و تاطبقه اول آن ساختمان شده است .

۵ - تعمیرات دوائر حکومتی دایزنگی که از ۲ سال با بنظر جاری بود خانه
پذیرفته و حاضرأ دوائر حکومتی حکومت کلان جاهای موزون را دارا شده است .
ب : ولایت قندهار :

۱ - : تعمیرات جدید بکه در بیرون دروازه هرات (سمت غربی شهر
قندهار) از دو سال به اینطرف آغاز گردیده ، اکثرأ تکمیل شده و از آن
جمله یک عده عمارات حکومتی و بازارها و باقی خانه های شخصی است که
مطابق نقشه ریاست بلدیہ بصوت موزونی آباد شده و حاضرأ سلسله تعمیرات
مذکور که در آینده شهر نو قندهار را تشکیل خواهد داد تا حدود چهل
زینہ یعنی در مسافه یک ونیم کیلومتر (از دهن دروازه شهر سابق در دوطرف
جاده عمومی سمت هرات) امتداد پیدا کرده است .

۲ - : تعمیر بازار توپخانه که از دو سال به اینطرف کار ساختمان
بازار مذکور به اصول عصری و مطابق نقشه مهندسین جاری بوده ، در
سال ۱۳۱۵ خانه پذیرفته و در رسته دکان های محکم و زیبا تیار

سا لنامة « کابل »

شده و نیز جاده بازار که بصورت مستقیم امتداد یافته بخته کاری شده است .
۳ - : چار سوق وسط شهر که در اخیر سال گذشته بنا بر ایجابات
صحی و شرایط عبور و مرور تخریب شده بود ، در سال ۱۳۱۵ جای آن
هموار و چار راهی مذکور بقدر لزوم فراخ شده است .

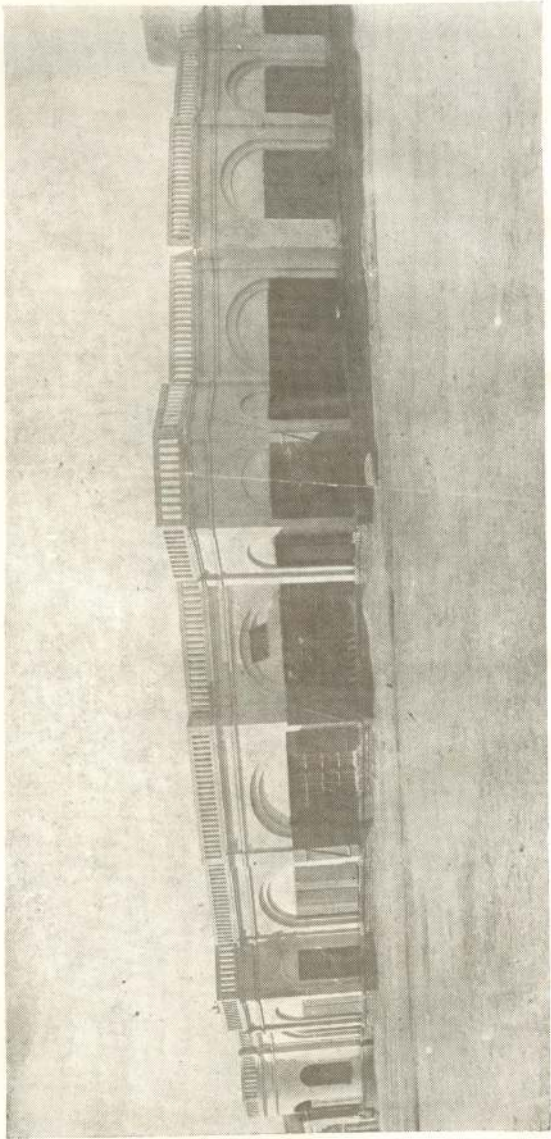
ج : ولایت قطغن و بدخشان :

۱ - : ساختمان يك بنای حکومتی در مرکز شهر جدید قندوز برای
دوایر حکومتی مذکور که دارای يك سلسله عمارات جدید و برای دوایر
حکومت ، ماموریت مالیه ، محکمه عدلیه ، اداره تېلفون ، اداره خزانه ، محبس
حکومتی ، اداره کوتوالی و غیره ملحقات دوایر حکومتی جایهای کافی دارد .

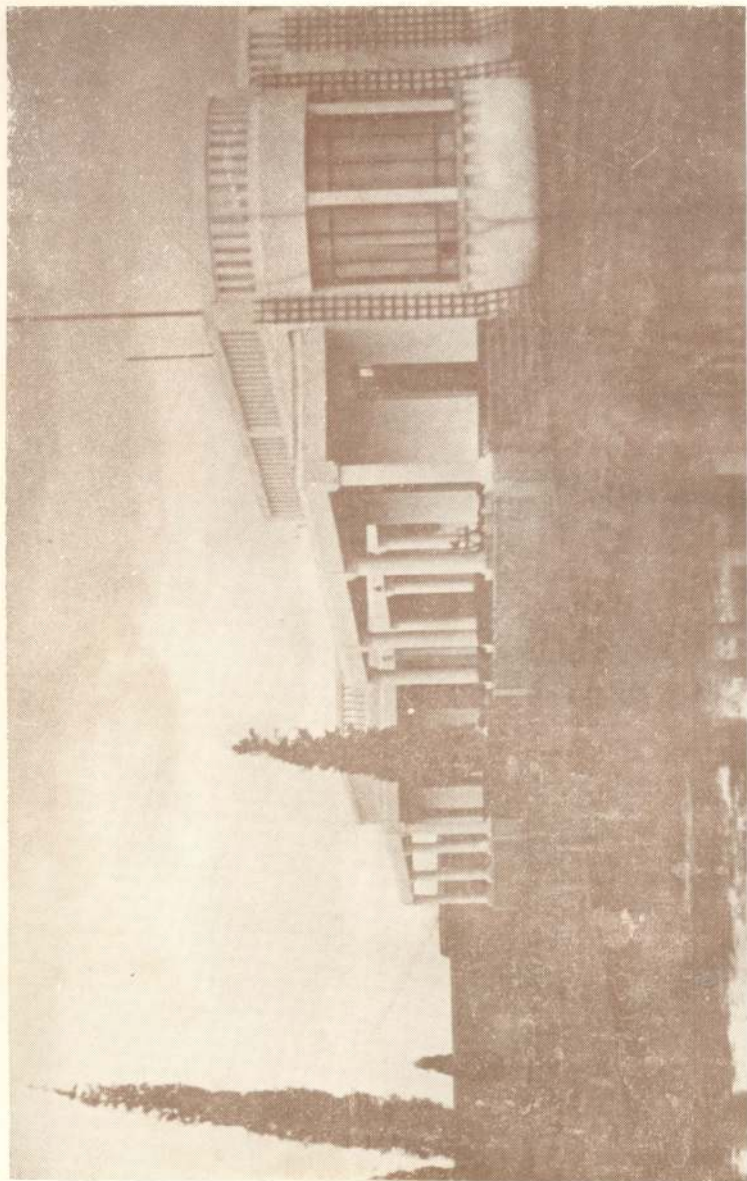
۲ - : ساختمان يك بنای حکومتی در مرکز اشکوش که مثل حکومتی
قندوز گنجايش دوایر حکومت ، مالیه ، کوتوالی ، خزانه ، توقیف
خانه و غیره را دارد . هکذا در جوار عمارت جدید مذکور يك سلسله بناهای
تازه که عبارت از (۸۰) دکان و (۴) کاروان سرای باشد به اصول
منتظم از طرف اهالی تیار شده است .

۳ - : ساختمان يك عمارت موزون برای حکومتی جدید تشکیل
فر خار که دارای اطاقهای متعدد برای اقامت دوایر حکومت ، مالیه ،
عدلیه ، تېلفون ، خزانه ، توقیف خانه ، کوتوالی و غیره میباشد .

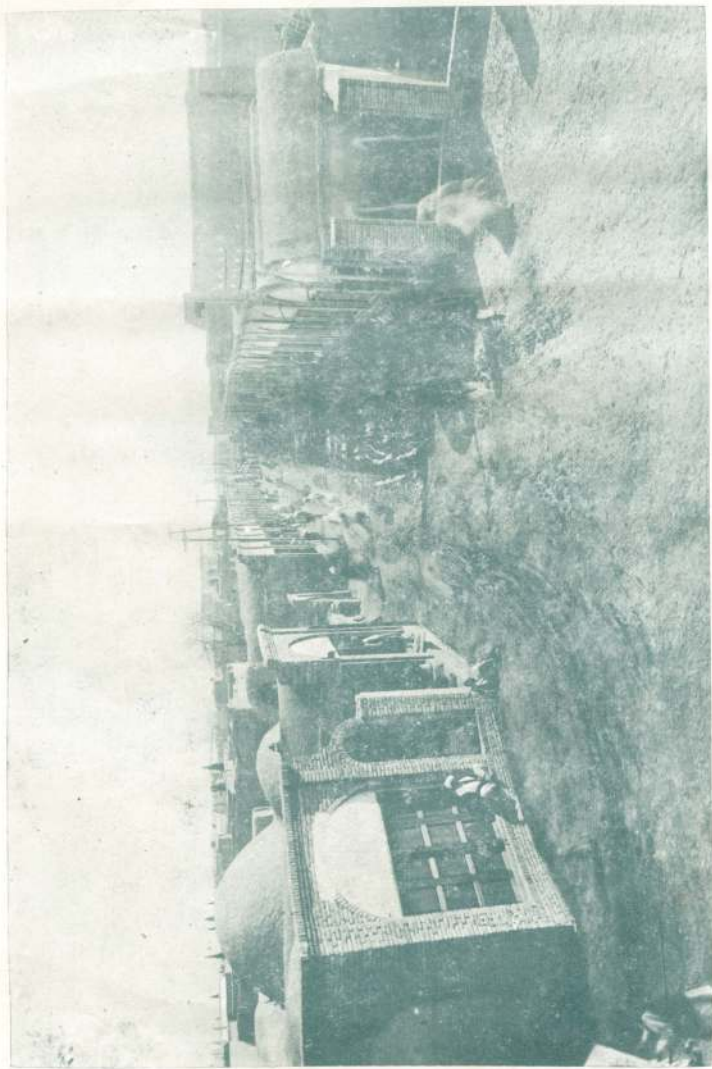
هکذا از حیث اینکه فر خار دارای کدام بازار موزونی نبود بنا بر
خواست اهالی به ترتیب نقشه يك بازار که دارای (۸۰) دکان و (۴)
کاروان سرای بوده و اصول ساختمان آن به طرز بناهای عصریست پرداخته
شده و این دکانها و سراپها از طرف اهالی آباد شده است .



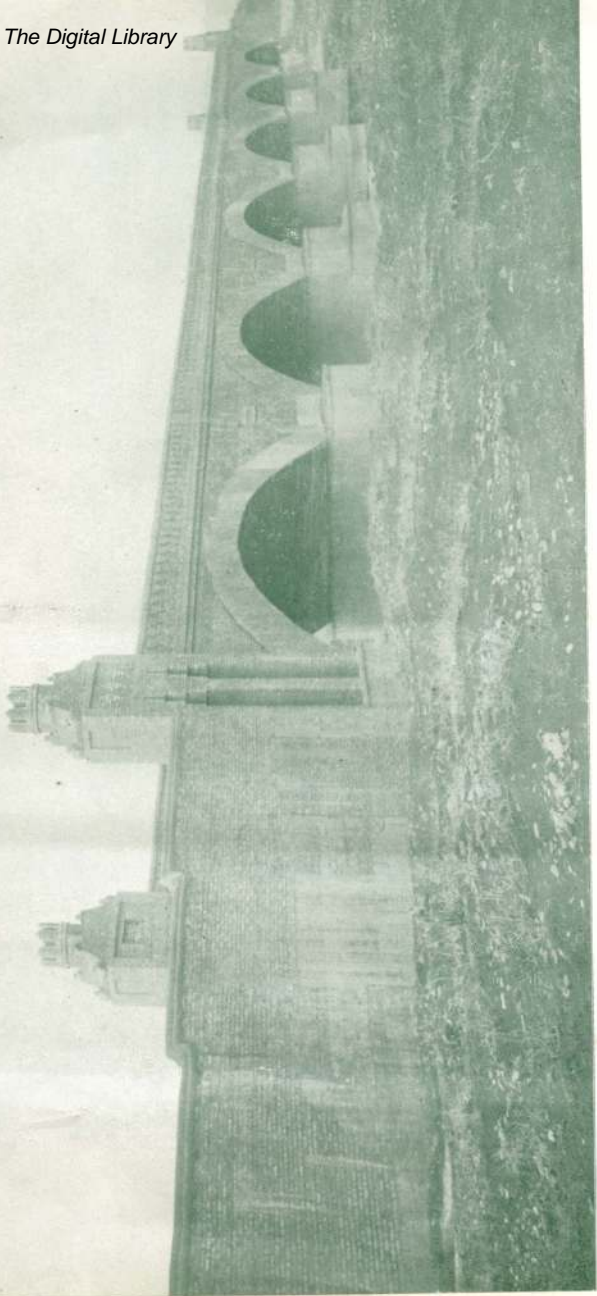
از عمائرات سال ۱۳۱۵ و لایت قندهار ، بازار جدید تعمیر سمت غربی برج ارگت
Bazars nouvellement construits à Kaboul



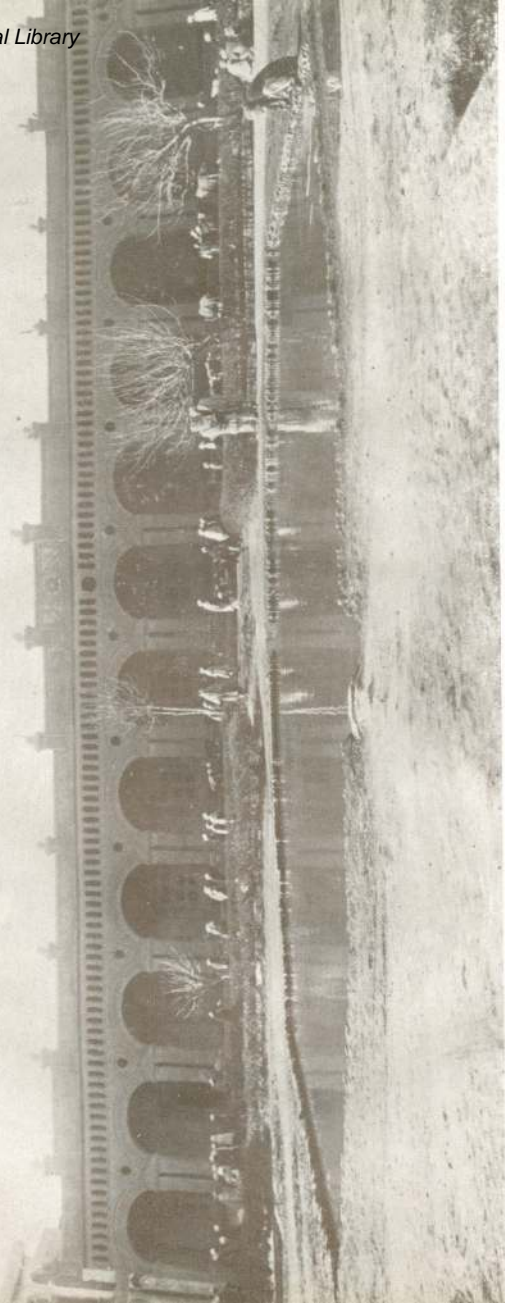
از عمرانات جدید و لایت فند ها را ، یکی از عمارات شخصی که با اصول عصری و به سلیقه بسیار نفیسی ساخته شده .
Bâtiments privés nouvellement construits selon les méthodes les plus modernes à Kandahar.



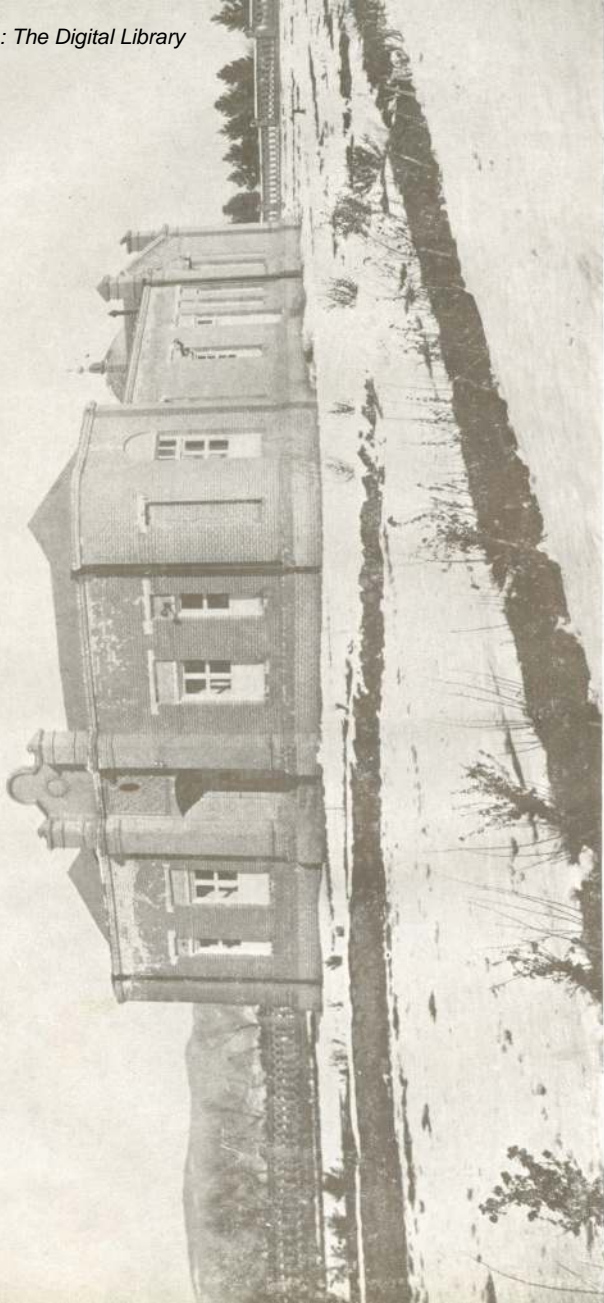
از عمرا نات سال ۱۳۱۰ ولایت قندهار ، بازار توپخانه
Bazars nouvellement construits à Kandahar



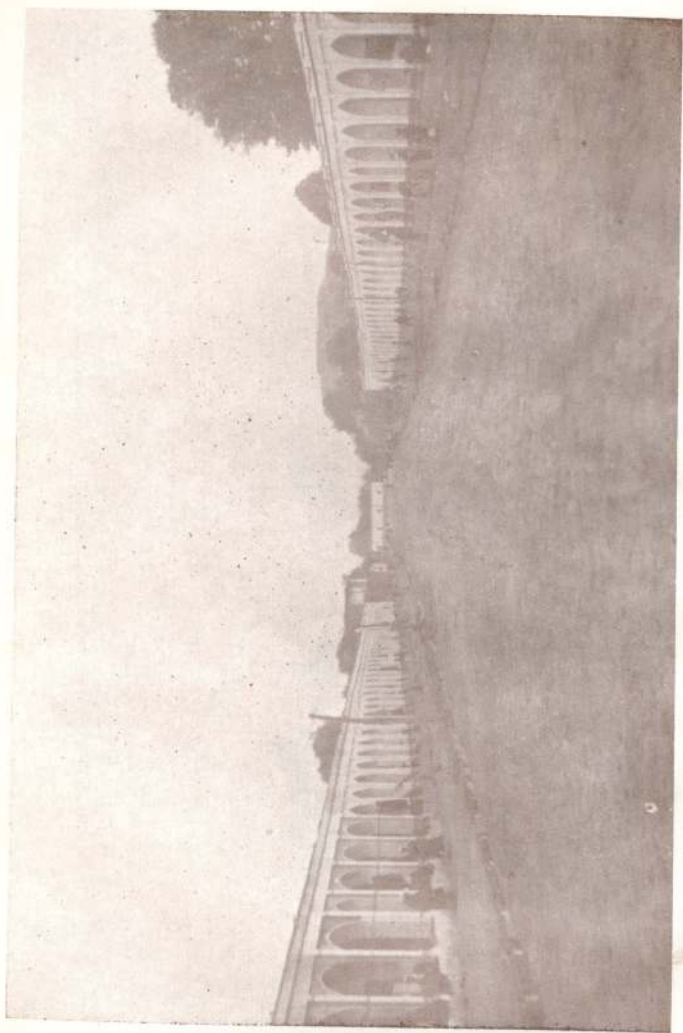
از عمرات جدید حکومت اعلیٰ فرآه ، پل دریای فرآه که در سال گذشته تعمیر شده
Pont nouvellement construit sur la rivière de FARAH (Prov. de Farah)



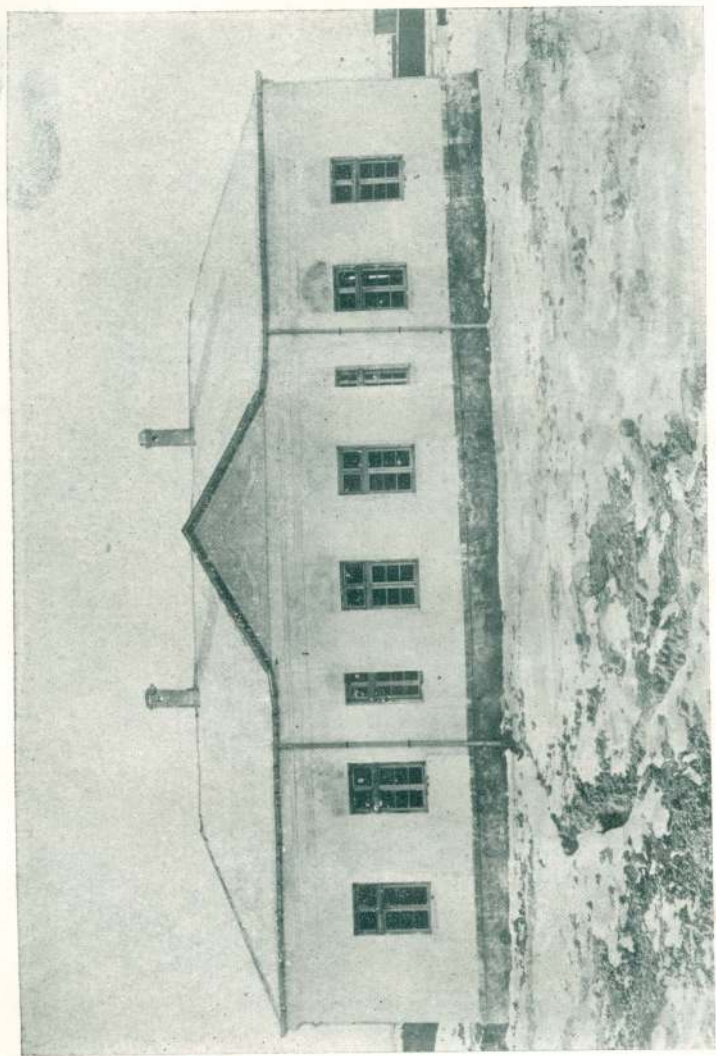
از عمراوات جدید ولایت هرات ، گمرک من کبری واقع در شهر نو
Nouvel immeuble de la douane à Hérat



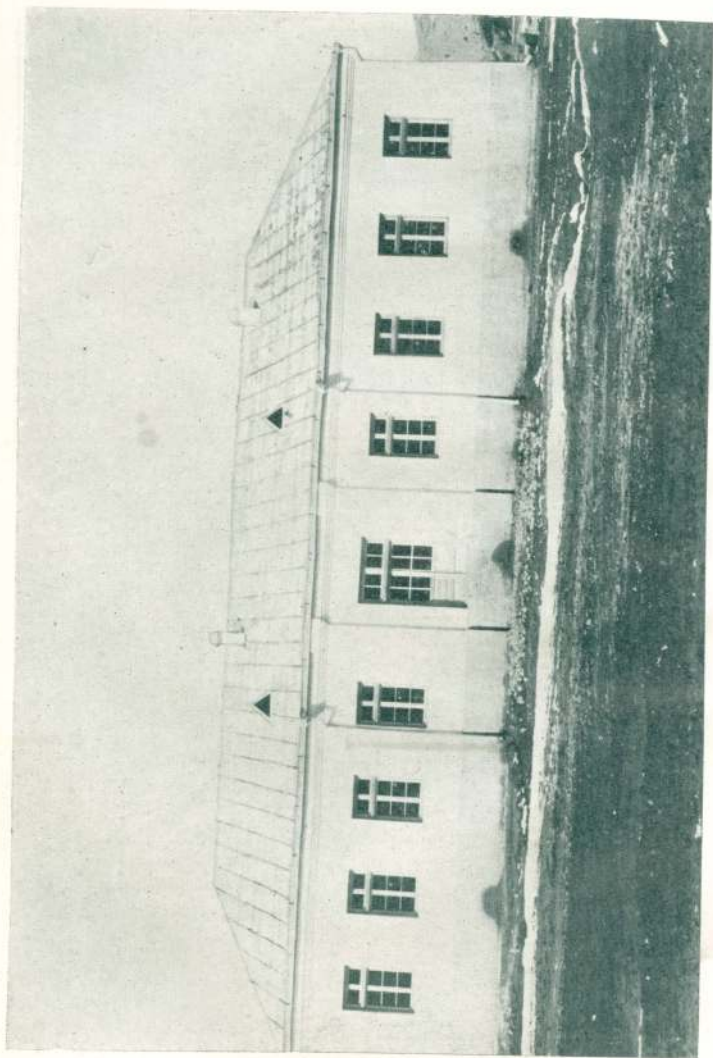
از عمراوات جدید ولایت هرات ، شفاخانه شهر نو
Hôpital civil nouvellement construit à Hérat



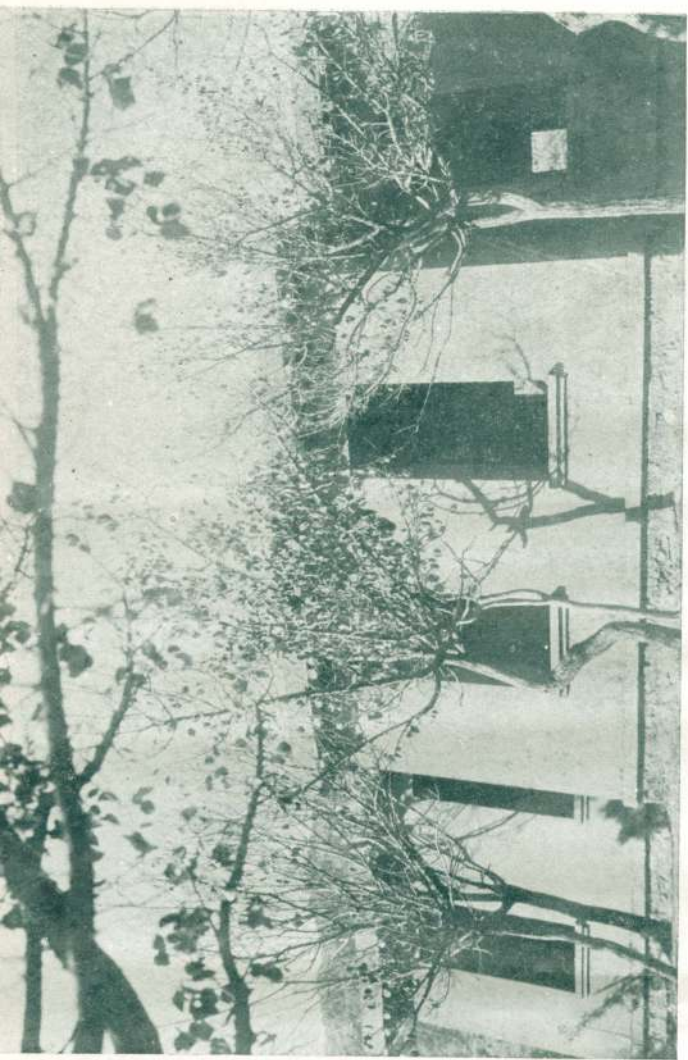
از عمرات جدید و لایت قطن و بدخشان : یکی از بازارهای جدید خان آباد
Type des bazars nouvellement construits à Khanabad
(prov.de Kataghan-Badakhchan)



از عمارات سال ۱۳۱۰ حکومت اعلیٰ میمه : عمارت مدیریت امور خارجه
Nouvel immeuble du département des affaires étrangères à Maimanah

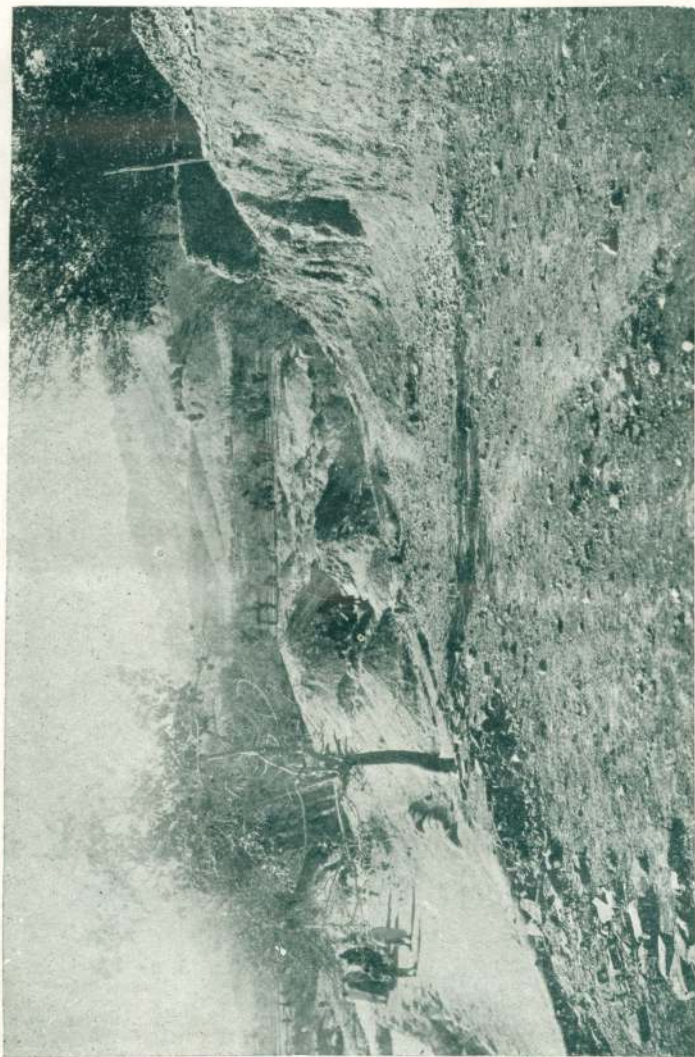


از عمارات سال ۱۳۱۵ حکومت اعلیٰ مینه : یکی از عمارات دولتی در شهر مینه
Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Maimana



از اقدامات مهم سال ۱۳۱۵ وزارت فوائد عامه : فابریکه برق آبی «۳۰۰۰ کیلووات» واقع چک وردک
(عمارت مهندسیین و تقوی بلخاوه ها)

*Une partie des bâtiments de la nouvelle usine hydroélectrique (3000 C. V.)
aux environ de Kaboul*



از اقدامات مهم سال ۱۳۱۵ وزارت فوائد عامه : ساختمان فابریکة بزرگ برق آبی در چک وردک
(محل ساختمان بند و تعمیر فابریکة در وقت آغاز کار)

Le lieu de la construction de la nouvelle usine hydroélectrique à Ouardak (Kaboul).

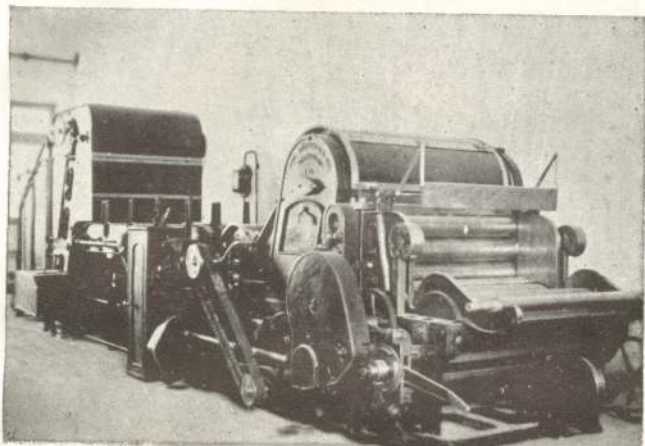


منظره عمومی شهر هرات
Vue générale de la nouvelle ville d'Hérat



از عمرانات جدید و لایت هرات : بازار شهر نو
Nouveaux Bazars à HÉRAT

از موسسات مهمه عصر ظاهر شاهي : فابريکه نختايي و نساجي جبل السراج

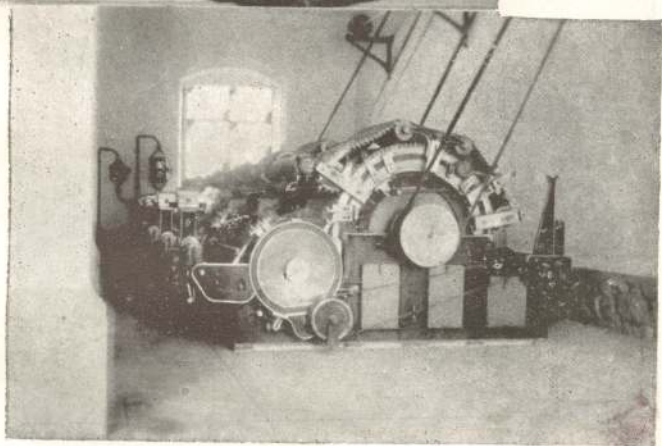


ماشين ندا في

پنبه

ماشين هوا كرد

نخصوص پنبه

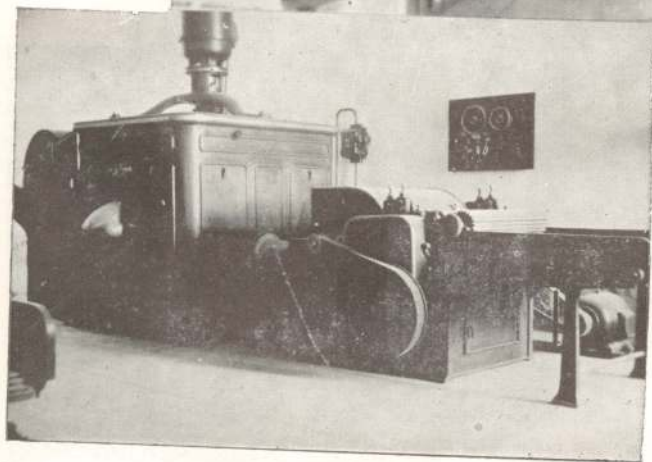
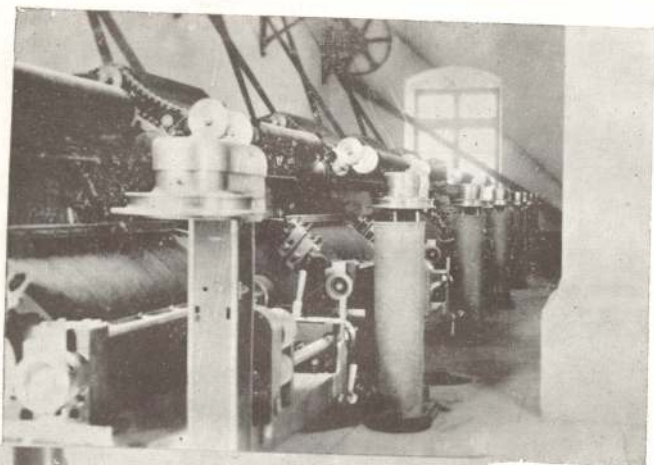


Une partie des machines de la nouvelle fabrique de filature et de tissage
à Djaboul-Saradj (Kaboul)

از موسسات مهمه عصر ظاهر شاهي: فابريكه نختا بي و نساجي جبل السراج

ماشين شان

کردن بنه

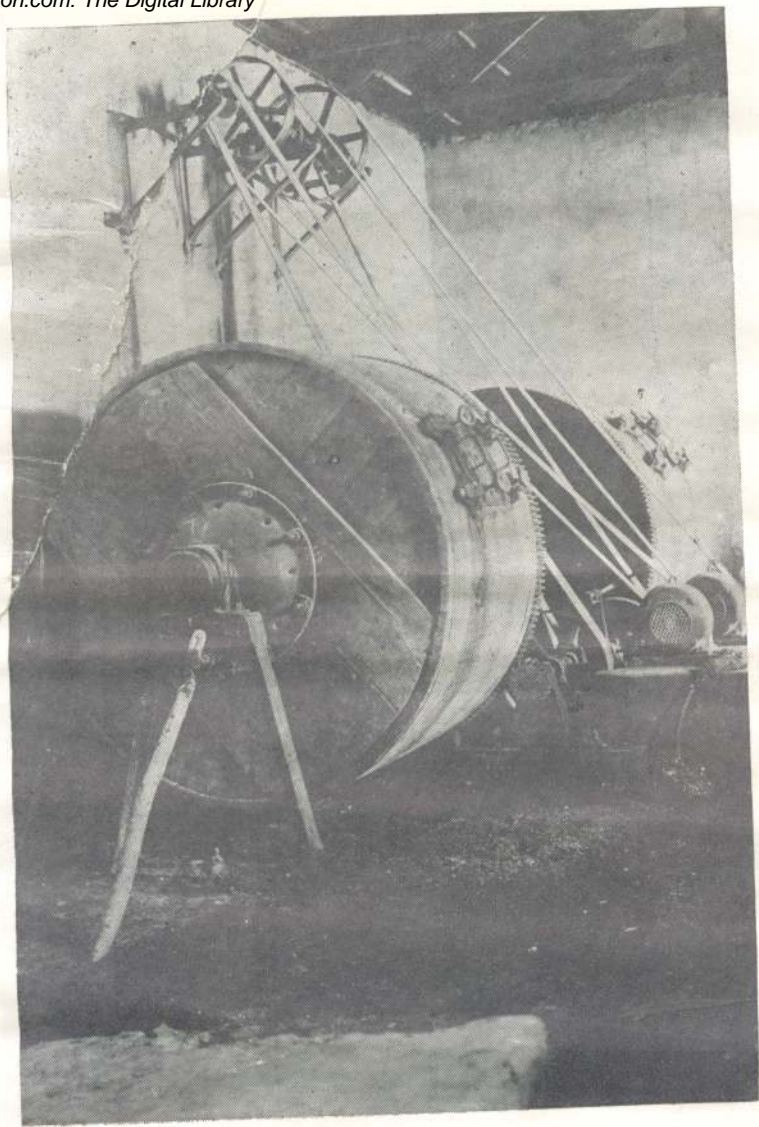


ماشين خاك

تكاناني مخصوص

بنده

*Une partie des machines de la nouvelle fabrique de filature et de tissage
à Diaboul-Saradj (Kaboul)*



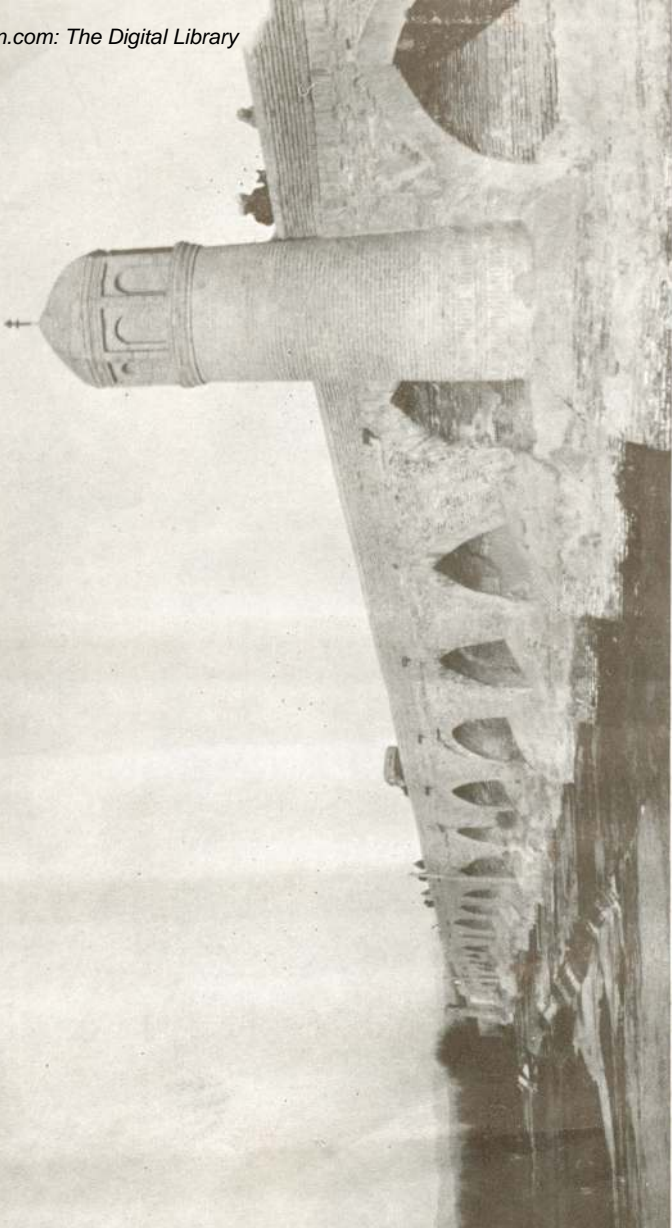
از موسسات مهمه مرکز : اطاق ماشينهاي يخته کردن چرم در فابريكه چرم گري
Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



از عمرانات سال ۱۳۱۰ وزارت فوائد عامه در کابل : برج برق متصل وزارت حربیه .
Type des stations électriques nouvellement construites à Kaboul



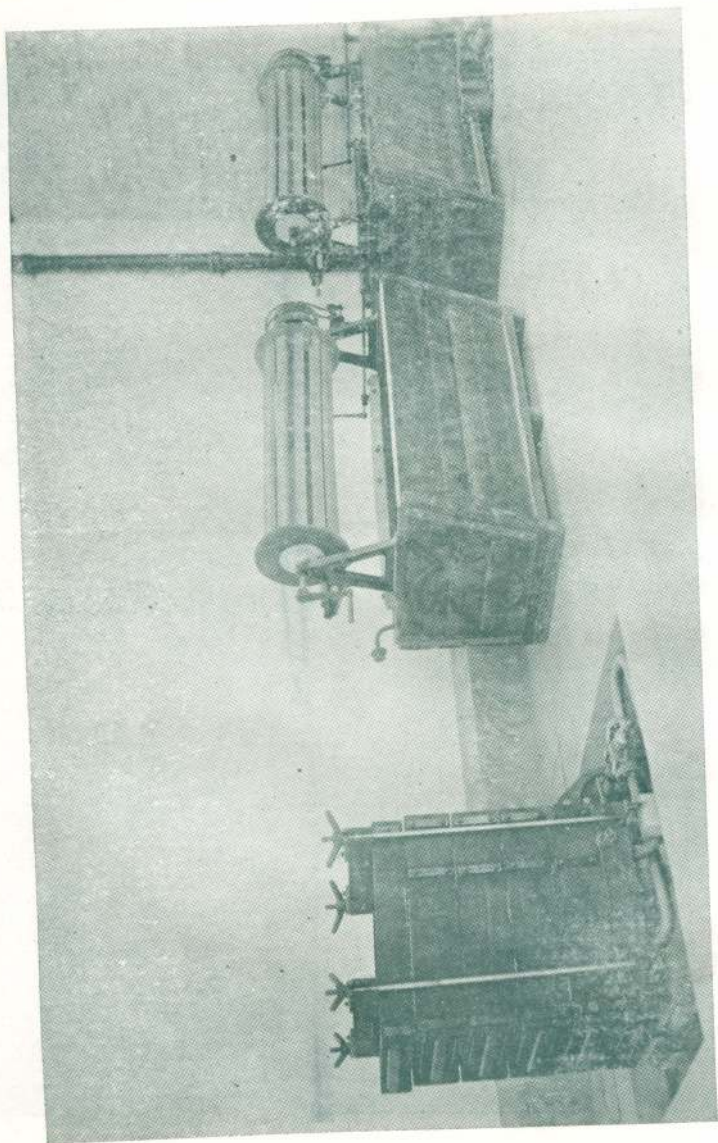
از عمائرات جدید ولایت هرات : هتل عصری در شهر نو
Hotel moderne nouvellement construit à Hérat



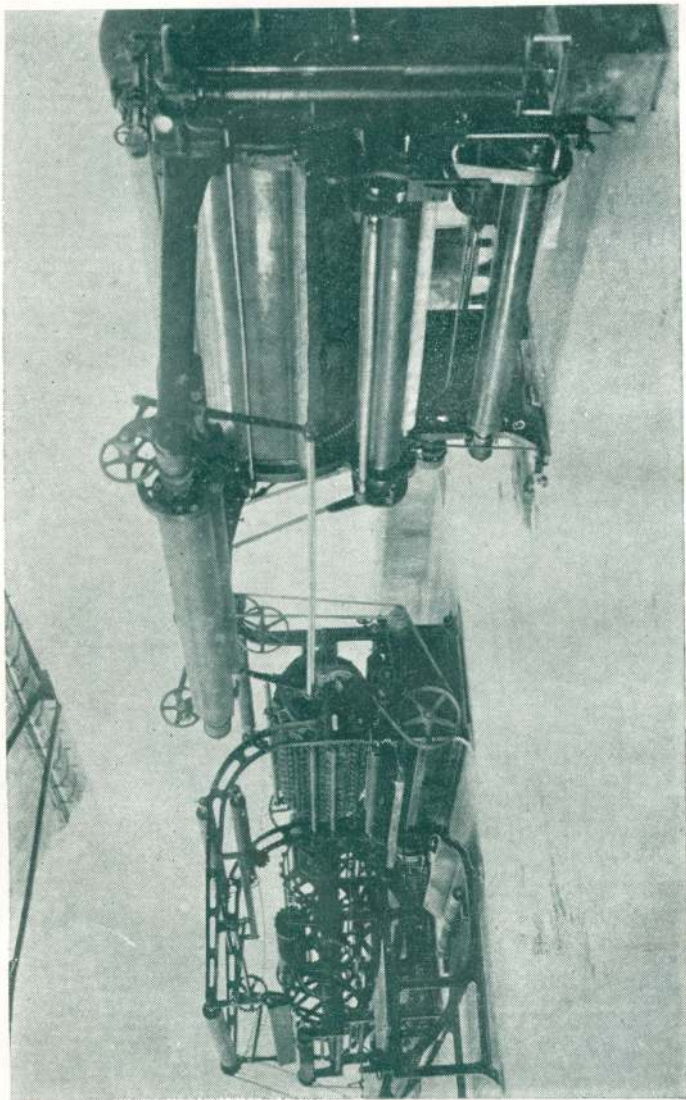
از عمرانات مهم و لایت هرات ، پل مالان
Le pont de Mâlân à Hérat



از موسسات مهمه عصر ظاهر شاهي : منظره عمومي فابريکه نغزاي و نساجي جبل السراج
Vue générale de la nouvelle usine de filature et de tissage à Djaboul-Séradj (Kaboul)

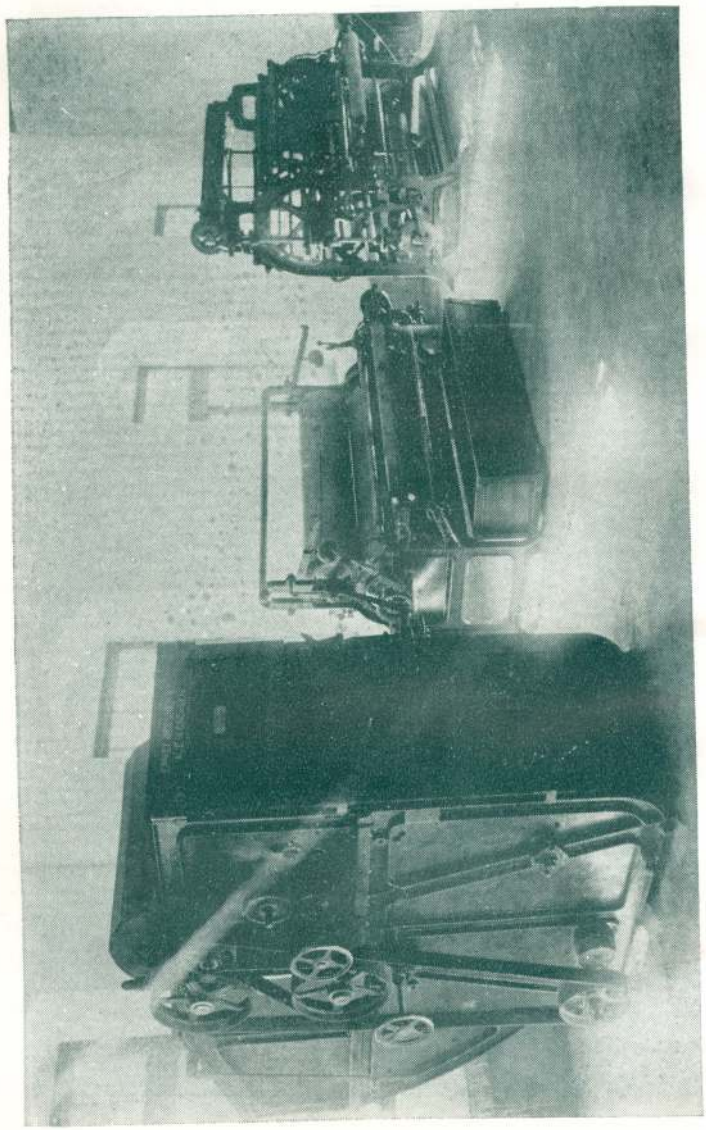


فابریکهٔ پشمینه بافی جدید هندهار، ماشینهای رنگ ریزی
Nouvelle fabrique de lainage à Kondohar: Les machines pour colorer la laine

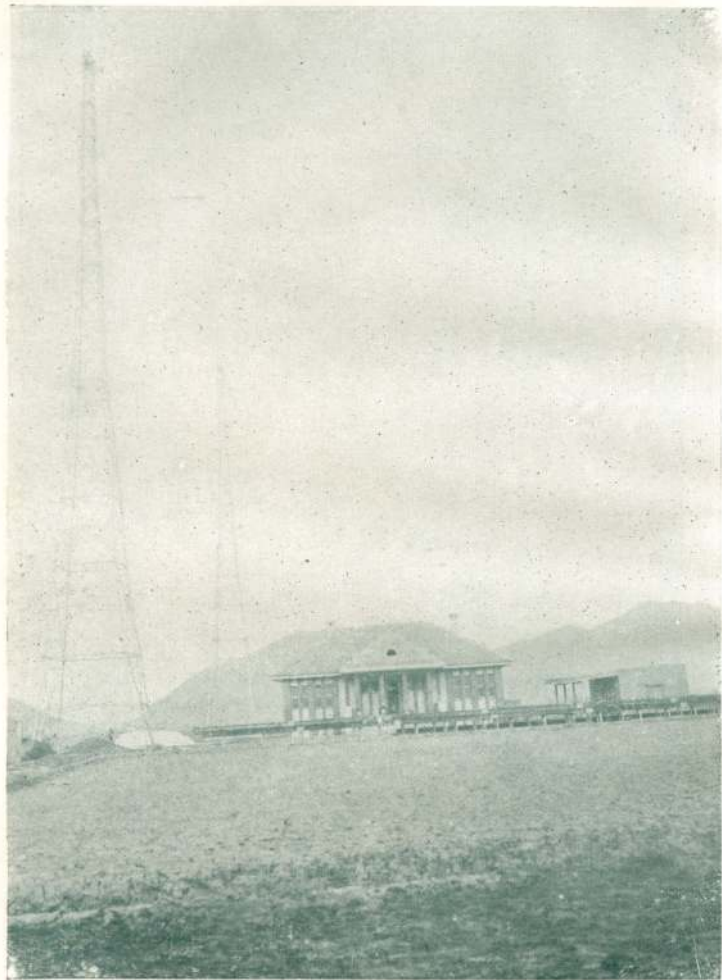


فا بریکه رشمینه بانفی جدید قندهار : ماشینههای مالش و آرایش خشک

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



فابریکه یشمینه با فی جدید قند هار : ماشینهای ماش و آرایش یشم بحال مرطوب
Nouvelle fabrique de laines à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine

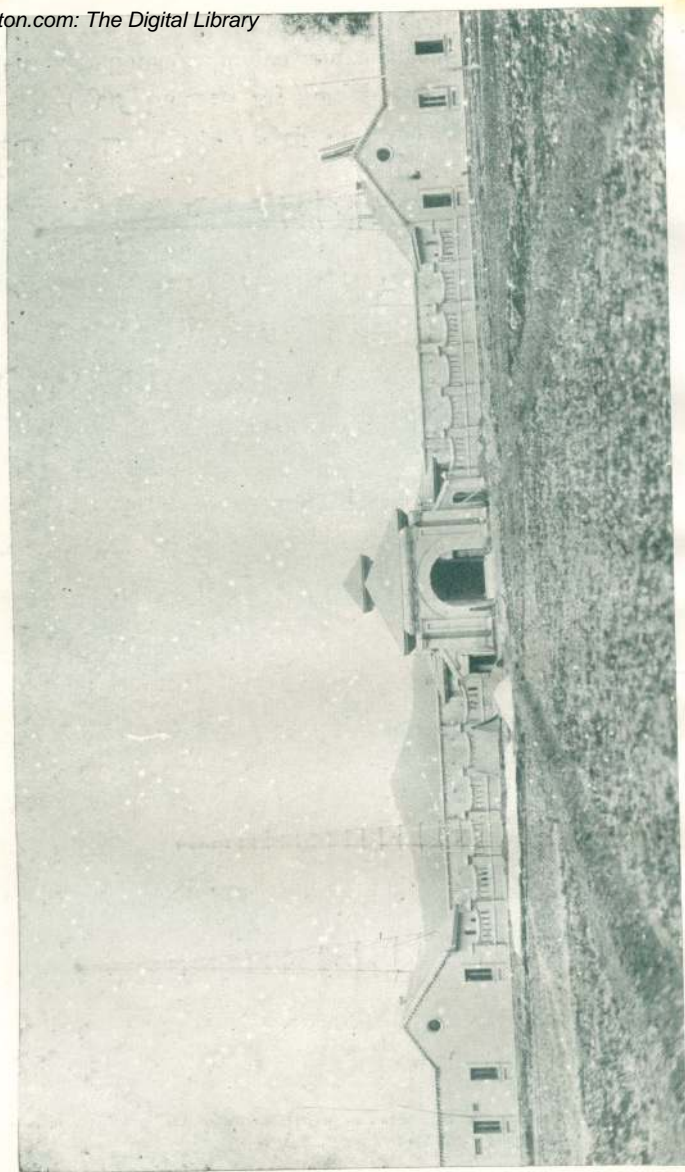


از موسسات مهمه وزارت پست و تلگراف و تليفون : مرکز آخذه تلگراف بيسيم

که با تمام دنيا نخبيره کرده ميتواند (واقع مهتاب قلعه کابل)

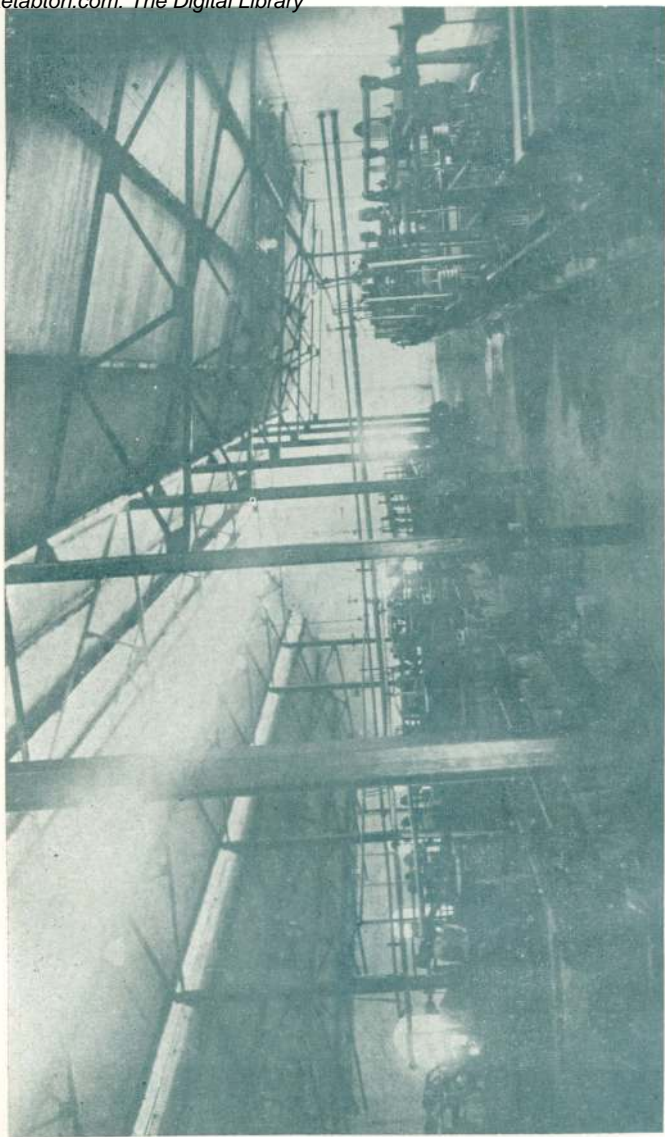
Station radiotélégraphique nouvellement construite à Kaboul

(centre récepteur)



ازموسسات مهیه وزارت پست و تلگراف ؛ مرکز صادره تلگراف بیسیم که با تمام دنیا خاربه کرده میتواند (واقع یکه توت کابل)
Station radiotélégraphique nouvellement construite à Kaboul (centre expéditeur)

2

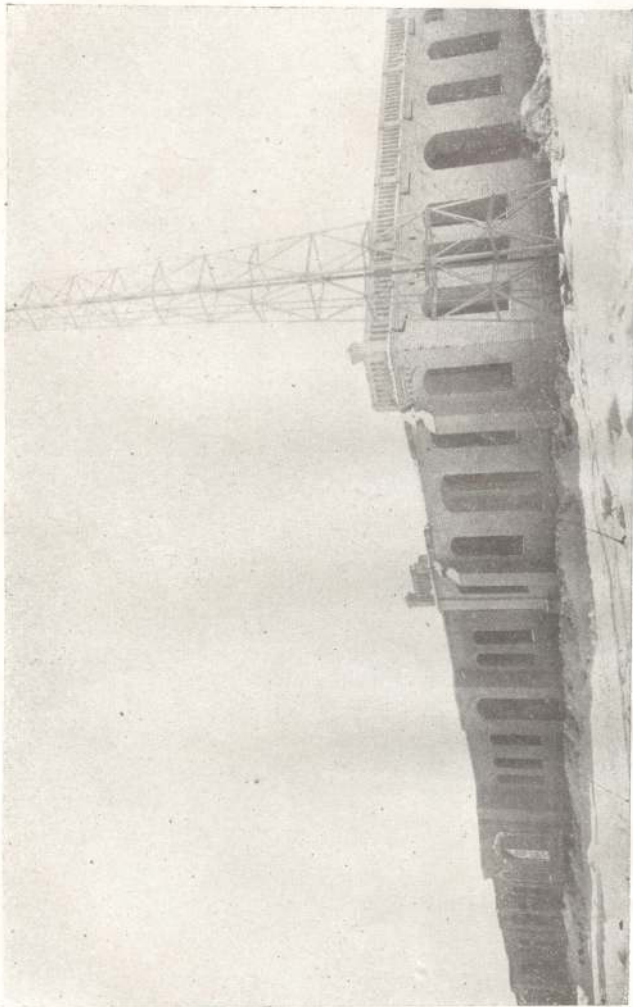


فابریکه بشمینہ بافی جدید قندھار : اطاق شوم شوئی مرکب از چهار قطار و هر قطار مرکب از پنج ماشین بوده هر قطار
بتر یقه موتر برقی علیحدہ بکار می افتد

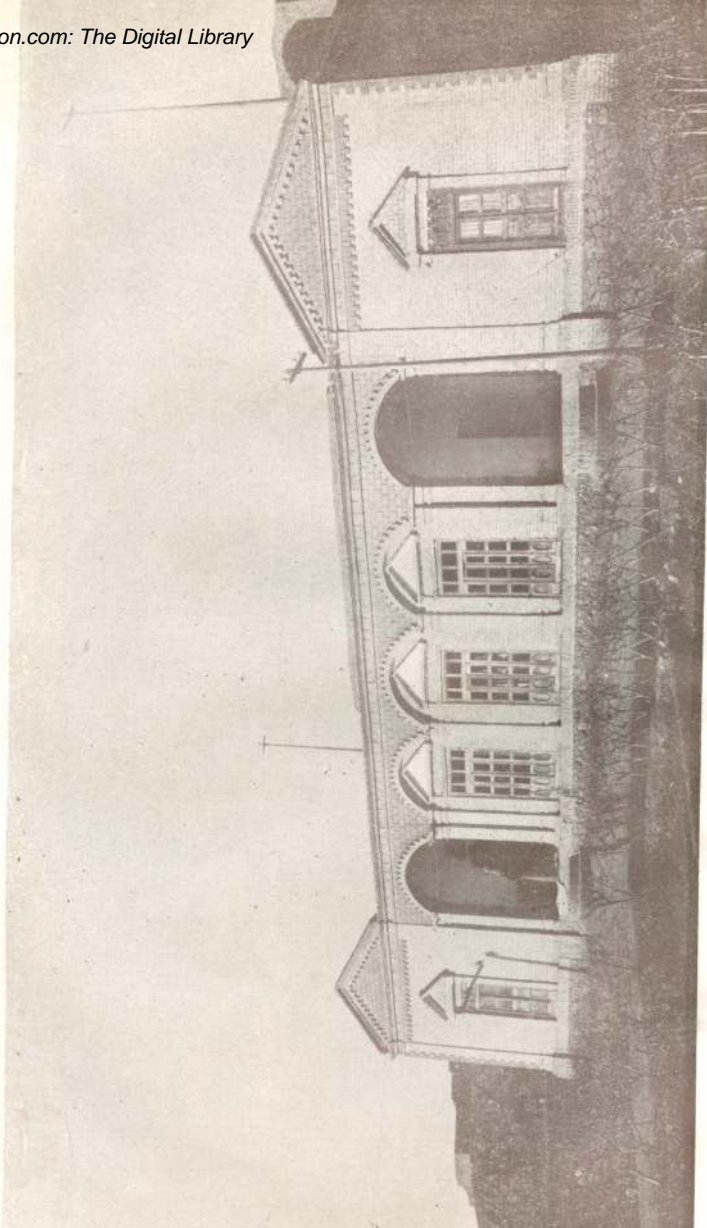
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: La salle de lavage de laine



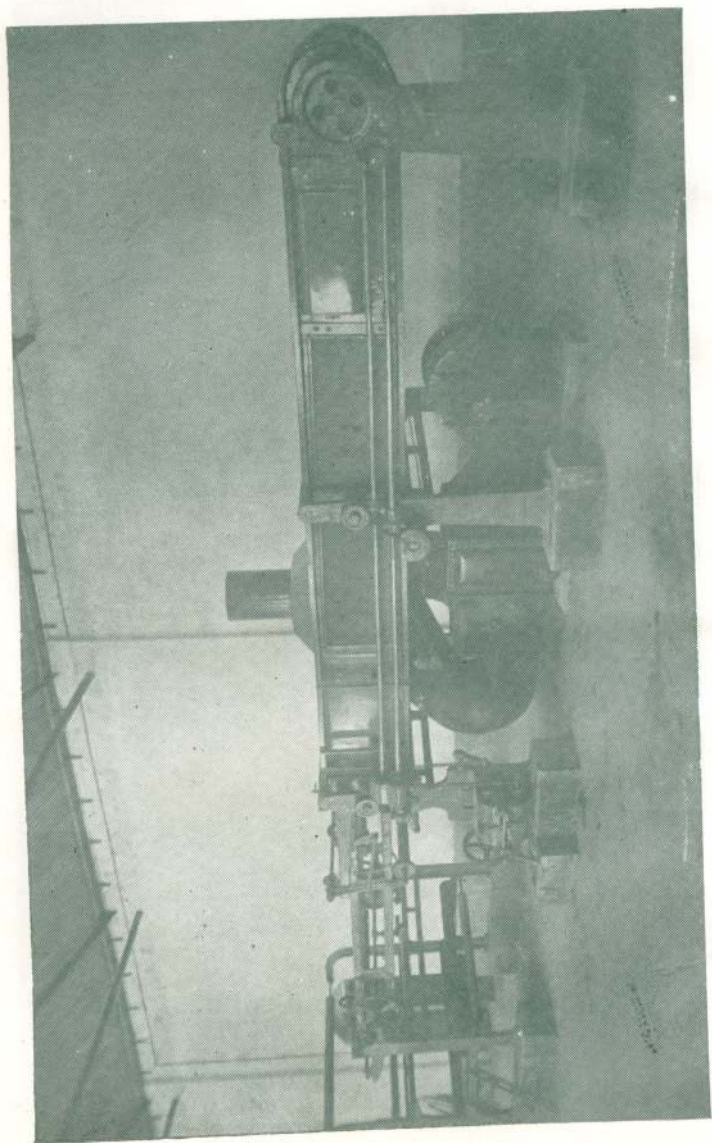
فابریکه بشینه بافی جدید قندهار ، ماشینهای مالش و آرایش دادن یا رچه بحال مسطوب
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



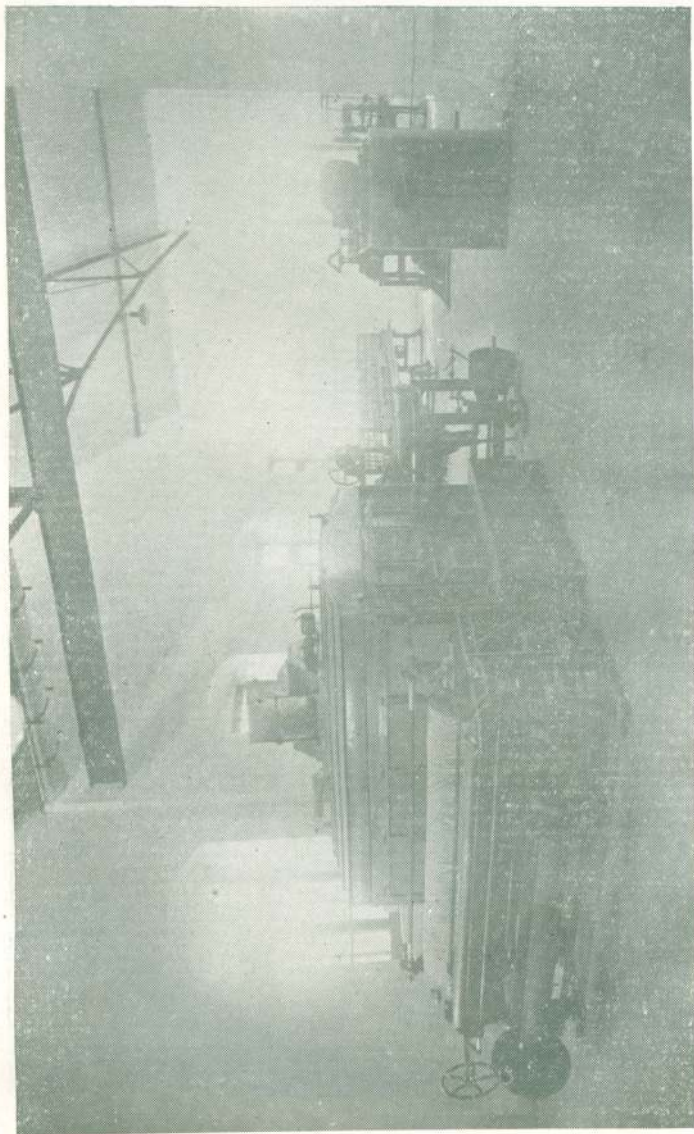
از عمراوات جدید ولایت هرات : منظره عمومی مرکز تیلگراف بیسیم در شهر نو
Vue générale des bâtiments de la nouvelle station radiotélégraphique à Hérat



از عمراآت جدید ولایت هرات : تلکرافخانه شهر نو
Nouvel immeuble des bureaux télégraphiques à Hérat



فابریکه یشمینه باقی جدید قند هار : حصه مالتی و آرایش خشک ماشین شکرچهارچو توسط بخار
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kaboul

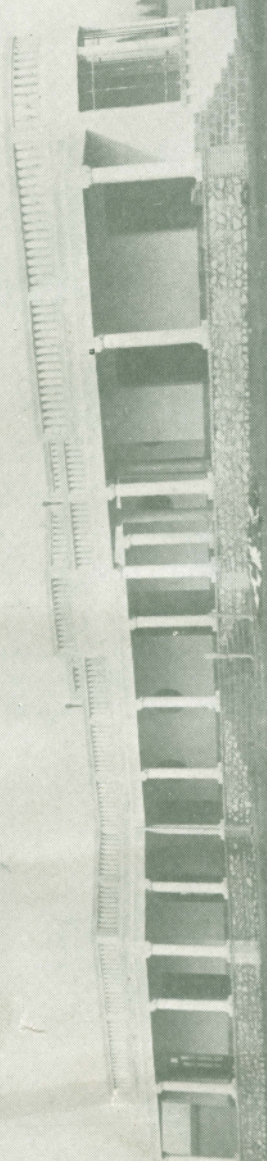


ماشین آهار دادن تارهای پشم توسط بخار و ماشین روچک ماکوهای بافت و ماشین بیلس نمودن تارهای پشم
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de la nage à Kandahar

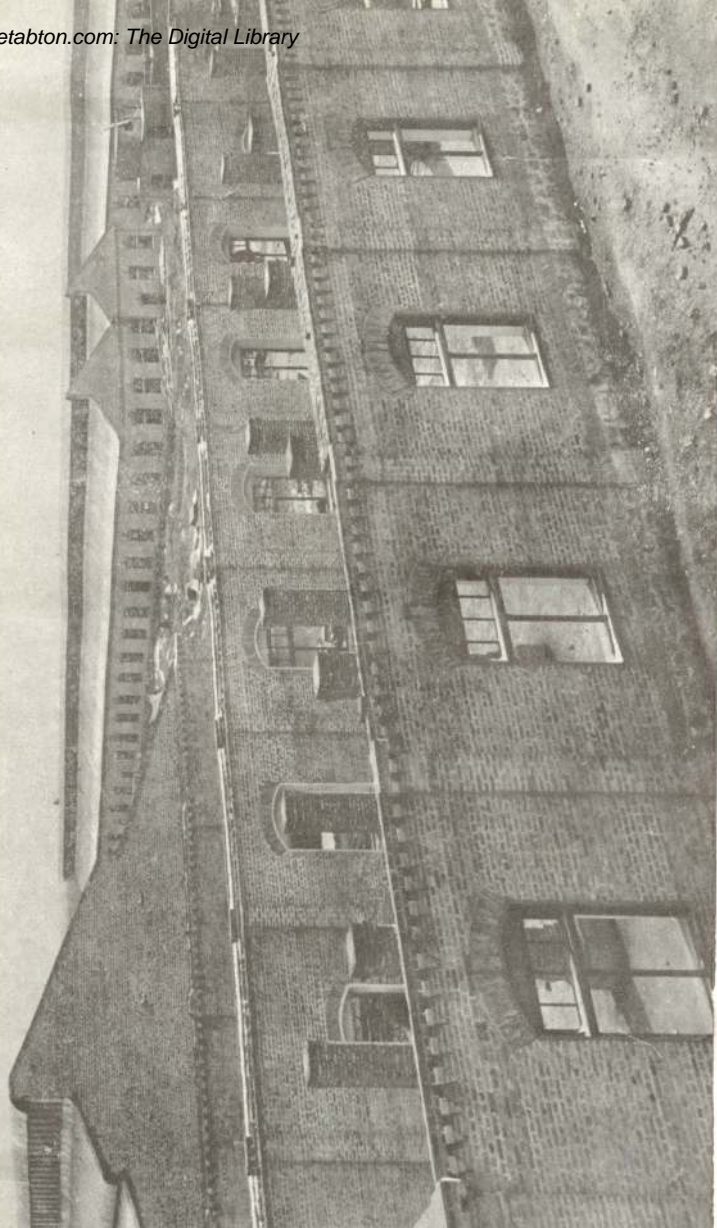


فابریکه ی شینه بافی قندهار : ماشین های فشاریشم

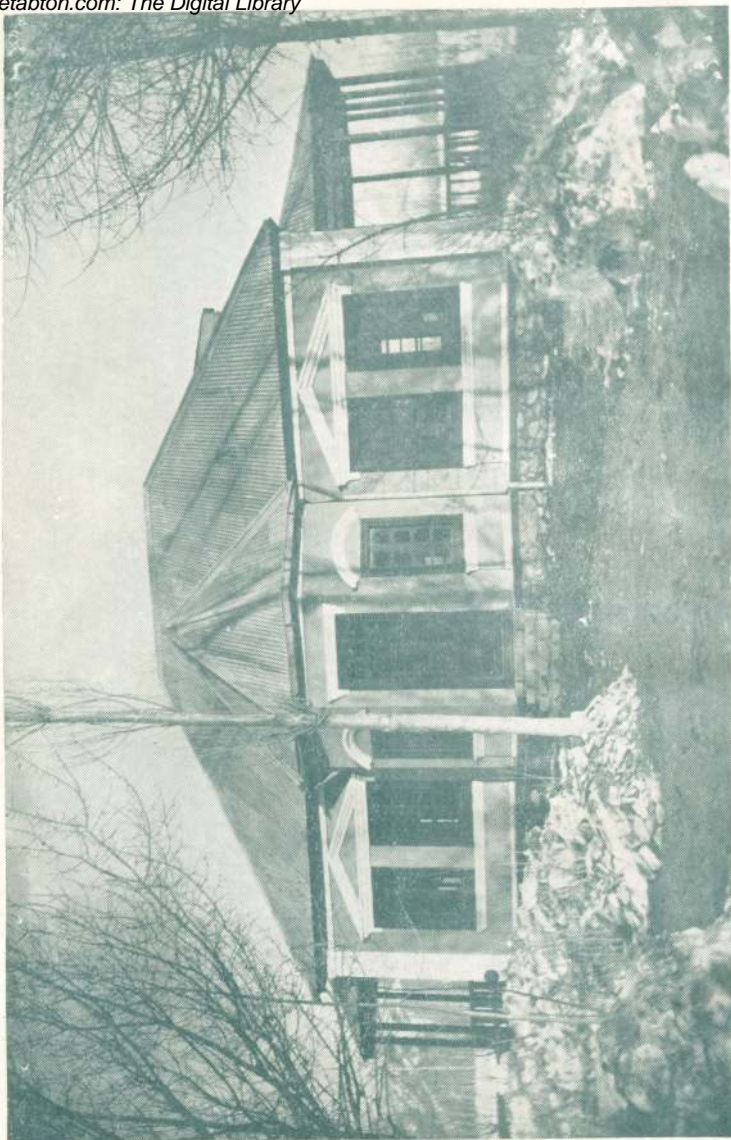
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines pour presser la laine



از عمارات جدید ولایت قندهار ، یکی از عمارات حکومتی که در عصر اعلیحضرت المتوکل علی الله ساخته شده
Immeuble des bureaux de gouvernement nouvellement construit à KANDAHAR

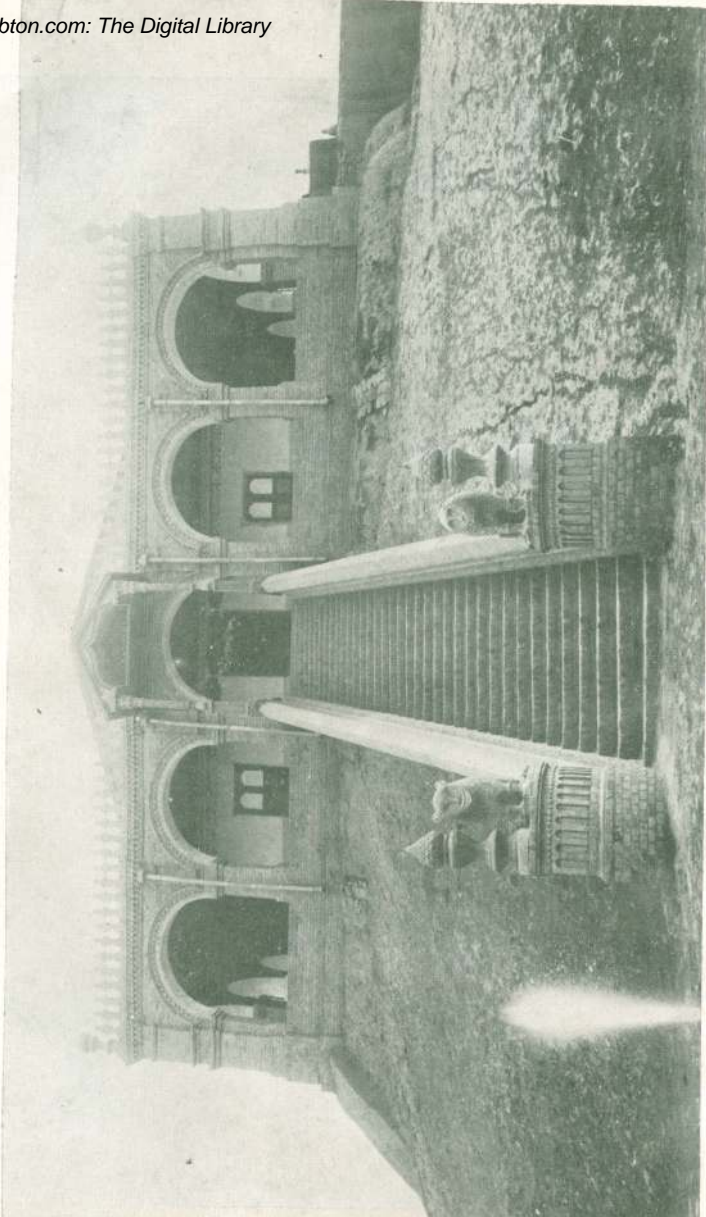


از عمرانات جدید ولایت قندهار : یک حصه از کارخانهٔ پشمینه بافی جدید التامیس
Nouvelle usine de lainage à KANDAHAR

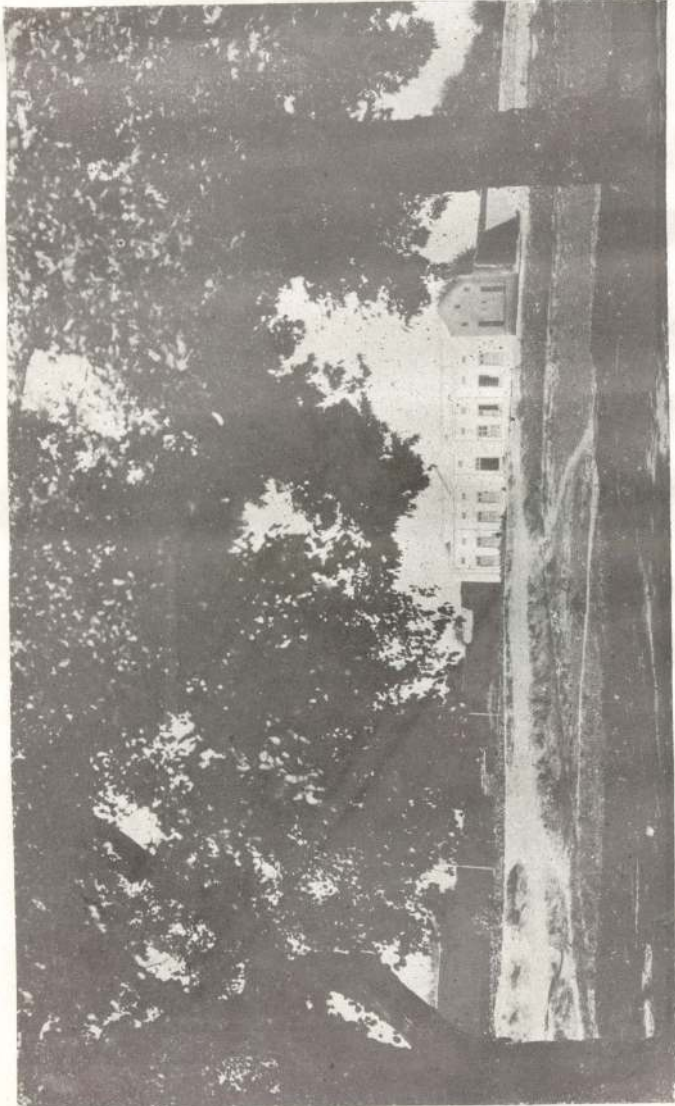


قهوه خانه جدید واقع دارالفنون

Café nouvellement inauguré à Daroul-Founoun (Kaboul)



از عمرات جدید حکومت اعلاى مینه : هتل عصرى در اندخوى
Hotel moderne nouvellement constr. à Andkhoy (Prov. de MAIMANAH)



از عمراوات جدید حکومت اعلاى مینه: هتل عصرى که در عهد سلطنت اعلیحضرت همايونى تعمیر شده
Hotel moderne nouvellement construit à Maimanah

اجرا آت دوائر مملکتی

۴ - در حکومتی درجه سوم چاه آب بدخشان امسال يك عمارت جدید تیار شده که این عمارت از حیث موقعیت و اصول ساختمان و وسعت آ بادی خود خیلی قابل توجه و دارای (۶۱) اطاق مختلفه و به وضعیت درستی آباد شده است علاوه ازان که در سلسله عمارات مذکور ادارات حکومت ، مالیه عدلیه ، خزانه ، کونوالی و غیره اقامت می ورزند يك عمارت درستی برای مکتب ابتدائیه آنجا هم بآن الحاق یافته است .

۵ - در حکومتی رستاق امسال يك عمارات جدید آباد و يك باغ موزونی به سلسله آ بادیهای آن علاوه گردیده که درین عمارت جدید گذارۀ همه مامورین حکومتی بوجه درستی میشود . علاوه بران يك باب مکتب ابتدائیه در قریب جای حکومتی تیار شده که این سلسله عمارت یکی از بهترین عمارات امساله ولایت فطغن و بدخشان شمرده میشود .

۶ - در علاقه داری خواجه غار مربوط حکومت تالقان يك بنای جدید به دارای يك سلسله عمارات منتظم است در مرور امسال آباد گردیده است .

۷ - تعمیر يك عمارت جدید برای علاقه داری برکه مربوط حکومت نهرین که مطابق نقشه عمارات قندوز و اشکمش يك سلسله عمارات قشنگ و متین برای علاقه داری مذکور آباد گردیده و نیز از هگدراینکه در منطقه برکه بازار درستی موجود نبود ، در ضمن ترتیب نقشه های علاقه داری بر حسب خواهش اهالی نقشه احداث يك بازار جدید مطابق نقشه عصری در جوار علاقه داری ترتیب شده این بازار که دارای (۴۰) دکان و (۲) کاروان سرای میباشد هم دوش جای علاقه داری آباد گردیده است .

د : حکومت اعلای مشرفی :

۱ - : در سال ۱۳۱۰ کار تعمیرات شهر نو جلال آباد پیشرفت زیادی کرده و قسمت بزرگ عمارات دولتی و رعیتی پدایه تکمیل رسیده است . چنانچه بعضی اهالی و دکان داران در آن جامه کون شده اند و نیز جاده های شهر مذکور که بصورت عصری اعمار یافته زیرکار گرفته شده و پخته کاری میشود .

۲ - : بنای سراج العماره که یکی از عمارات بسیار عالی و قشنگ جلال آباد است و در وقت انقلاب سوخته بود ، درین سال کار تعمیر آن آغاز و خیلی پیشرفت کرده است .

ه : حکومت اعلای میمنه :

۱ - : تعمیر مدیریت خارجه که مطابق نقشه مهند سین بصورت عصری ساختمان شده در ظرف سال تقریباً خاتمه یافته است .

۲ - : عمارت تیلگرافخانه که مطابق نقشه مهند سین تعمیر یافته در عرض سال ۱۳۱۵ تکمیل گردیده .

۳ - : تعمیر جدید حکومت پشتون کوت که مطابق نقشه و اصول عصری کار شده و تا آهنگن پوش رسیده عنقریب تکمیل میابد .

۴ - : تعمیر شفاخانه ملکی که بقرار نقشه مهند سین تحت کار است و کار تهذاب آن تا کرسی ا کمال گردیده .

۵ - : تعمیر دائره سر رشته داری اعلی مطابق نقشه و اصول عصری تحت کار آمده ساختمان آن تا کرسی رسیده .

۶ - : ساختمان یک عمارت عصری برای احتیاجات حکومت در داخل شهر میمنه که در سال ۱۳۱۵ مطابق نقشه اصولی اعمار و تکمیل گردیده و

اجرا آت دوائر مملکتی

- کوئی و موثر خانہ و بعضی ملحقات دیگر آن تحت کار میا شد .
- ۷ - بازار جدید بجانب غربی شهر مینہ کہ بہ اصول مہندسی تعمیر شدہ اکثریہ دکا کین آن اکمال یافتہ .
- ۸ - عمارت ہوتل جدید در اندخوی کہ بصورت عصری ترتیب شدہ .
- ۹ - بالاحصار مینہ کہ برای ساختمان عمارت حکومت اعلیٰ تعین شدہ و در سال ۱۳۱۵ تسطیح آن بعمل آمدہ .
- ۱۰ - بالاحصار اندخوی نیز کہ برای عمارت حکومتی آنجا در نظر گرفتہ شدہ کار ساختمان مذکور آغاز گردیدہ است .

شعبہ برق :

- ۱ - تاسیس یک فابریکہ برق آبی بزرگ بقوت (۳۰۰۰) کلبوات جهت تنویرات آیندہ شهر کابل و تدویر کارخانہ جات مختلفہ - و ساختمان بند آن بموضع درہ خوات چک وردک کہ درین سال از یکطرف برای خریداری فابریکہ اقدامات لازمہ بعمل آمدہ و از طرف دیگر کارات ابتدائی تعمیر مذکور مطابق نقشہ مہندسین شروع شدہ و تفصیل کارہای اجرا شدہ گی امسالہ مذکور قرار ذیل است :

- ۱ : خریداری اراضی کارآمد ساخت تحویلخانہ ہا .
- ۲ : تہیہ سامان تعمیر بہ اقسام پیل و کلند و جراثقال وغیرہ .
- ۳ : تہیہ مصالح از قبیل سمنت و جغلہ و ریگ و چوب ارچہ و تیرہای چوبی و آہنی وغیرہ .
- ۴ : گشتا ندن دریا از موضع اصلی کہ در زمین زراعتی بطول ۲۴۷ متر و عرض ۱۱ متر و ۹۳ سانتی و عمق ۱ متر و ۶۷ سانتی حفر و تمام شدہ .

۵ : کندن و صاف کردن تهداب حصه بندکه خاک رزاعتی مطابق هدایت مهندس کننده و صاف شده به طول ۳۰۵ متر و عرض ۵۶ متر تمام شده .
۶ : تحویل خانه‌ها و جای برای مامورین و جای رهائش برای مهندسین هم عنیجده ساخته و تکمیل گردیده .

۲ - تعمیر يك برج چپه (ترفسار سر) برق به پل سرک چون حضوری که به اصول جدید ساخته شده ، کار آن تکمیل گردیده .

۳ - اقدامات برای تاسیس يك فابریکه برقی آبی در جلال آباد چپه تنویر شهر مذکور و تدویر کار خانه های لازمه که فابریکه مذکور در جوار نهر شاهی جلال آباد ساخته خواهد شد .

۴ - اقدامات برای توسعه برج برقی فابریکه برق جبل السراج و خریداری یکپایه ماشین جدید بقوت (۹۶۰) کلیوات که در شرف نصب میباشد سپس ماشینهای مسابقه را میتوان کرد .

۵ - خریداری یکپایه ماشین دیزل بقوه (۳۰۰) اسب برای تقویت فوه برق کابل که عنقریب نصب خواهد شد چنانچه جای نصب آن نیز در سر کبز برق کابل ساخته شده .
مقررینها و ترفیعات جدید وزارت فوآئد عامه :

ص ، محمد حسین خان سرکاتب مدیریت عمومی فابریکات بمدریت گوگردسازی .

» ، امیر محمد خان مدیر گوگرد سازی بمعاونی مدیریت عمومی فابریکات .

» ، محمد ابراهیم خان مامور فابریکه نخ تابی جبل السراج بحیث مدیر فابریکه مذکور

» ، میر صاحبخان بمدریت اجرائیه فابریکه نساجی .

» ، محمد اسلم خان » » » بوت دوزی .

» ، مددخان سابق مامور معابر جنوبی بمدریت معابر مذکور که جدیداً بمدریت شده .

» ، محمد عمر خان مامور معابر ولایت قندهار ترفیعیاً بمدریت معابر ولایت هرات .

احرا آت دوائر مملکتی

- ص ، محمد اصغر خان بمدریت معابر ولایت قندھار .
- د ، غلام رسول خان مامور معابر مزار شریف بمدریت معابر مذکور که جدیداً مدیریت شده .
- د ، عبدالوکیل خان مامور معابر مشرقی بمدریت معابر مذکور که جدیداً مدیریت شده .
- د ، صالح محمد خان بمدریت جدیدالتاسیس معابر ولایت قطن .
- د ، محمد کبیر خان مهندس ترفیعاً بمدریت حصه ولایت کابل سرک مشرقی .
- د ، محمد حسن خان بماموریت جدید التاسیس فابریکه برق واقع وردک .

امور صحیہ

در جریان سال ۱۳۱۵ بتاسی از نظریه حکومت بهیخواه وزارت صحیہ تا جائیکہ توانسته به اجرا و تطبیق امور صحیہ عمومی توجه لازمه خود را معطوف ساخته آنچه نواقصیکه خلاف مقررات صحی به نظرش بر خورده در اصلاح آن از هیچگونه اقدامات خود داری نه نموده - و از طرف دیگر نظر به نقشه و پروگرام مجوزہ خود در رفع و از آله دو نوع مرض ساری و خیمه که شرح آن ها در آتی ذکر می شود به یاری خداوند کریم موفق آمده است ، علی هذا در اینجا از بیانات مشروحه صرف نظر نموده به بعضی ایضاحات لازمه پرداخته میشود :

۱ - در سال ۱۳۱۵ وزارت صحیہ توجه مخصوص خود را بطرف نشریات صحی معطوف ساخته و بر علاوه مجله صحی ، در هر ماه به تعداد زیاد نسخ مطبوع که حاوی مطالب مفید صحی بوده بصورت مجانی در معرض استفادہ

عمومی گذاشته است . یعنی برای اینکه افراد وطن عزیز از اثرات و خیمهٔ امراض ساری از قبیل ، سفلیس ، و با ، ، سرخکان و غیره مطلع شده و صورت دفاع آن را بفهمند وزارت صحتیه چنین تجویز نموده که در هر ماه از طرف دکتوران متخصص بلا اقطاع کنفرانس‌ها دایر و از طرف همان دکتور شفاهی توضیحات لازمه درین جمع کثیر اهلی داده شود . چنانچه در سال ۱۳۱۵ هفت کنفرانس صحتی از طرف دکتوران متخصص داده شده و همان طوریکه نسخ مطبوع کنفرانس‌های مزبوره در مرکز میان اهالی توزیع شده ، بهمین ترتیب یک تعداد زیاد نسخ مطبوع مزبوره به ولایات و حکومتی‌های اعلیٰ و کلان و غیره فرستاده شده تا در آنجا از طرف مدیر صحتیه برطبق مرکز کنفرانس ترتیب و سپس نسخ مطبوع مذکوره را توزیع کنند .

۲ : - ظاهر است که امراض ساری از قبیل تی فوئید (محرغه) سرخکان ، چیچک یاغی و غیره میان کتله‌های بشری در هر موقع موجود بوده و برخی از افراد عائله را مورد حمله قرار می‌دهد . از آنجائیکه عائله‌ها در مواظبت اینچنین امراض آشنا نبوده و از نقطه نظر صحتی نمی‌فهمند که با اینگونه مریض‌ها چه‌طور رفتار لازم است ؛ ازین رو وزارت صحتیه چنین تجویز نموده که یک تعداد محدود معاملات صنف قابله‌گی را بنام نماینده‌گان صحتی تحت تعلیم قرار دهد ؛ چنانچه برای آن‌ها پروگرام علیحده ترتیب شده و دکتوران متخصص هر فن بتدریس آنها مشغول می‌باشند . کورس این نماینده‌گان صحتی برای سه ماه تعیین شده و وظیفه آن‌ها تبلیغ و ارشاد صحتی به عائلهٔ مریضدار می‌باشد ، تا با مریض بدالقرار رفتار نمایند .

۳ : - چندی قبل در محال ایبک مرض مدهشی شیوع یافته و برخی

اجرا آت دوائر مملکتی

از دکتوران مربوط ولایت مزار شریف از نقطه نظر سریریات، مرض مزبور را طاعون تشخیص نموده و به وزارت اطلاع تلگرافی واصل آمد. وزارت صحیه باسناد اطلاعیه مزبور از مرکز يك تعداد دکتورها را با ادویه لازمه به ایک اعزام نمود. قبل از آنکه جراثیم مرض شیوع یابد مأمورین وزارت صحیه به رفع آن موفق آمدند. بعد از معاینه با کترو یوجی (میکروب شناسی) ظاهر گردید که مرض مذکور حمای لکه دار بوده و این مرض از جمله امراض مهلک بشمار میرود. نسبت به این مرض و چگونگی آن دایره بین المللی صحی پاریس توسط تلگراف طلب معلومات نموده کیفیت بدانجا معلومات داده شد. چون جهت جلوگیری از شیوع مرض اطاقی و البسه بعضی از ساکنین ایک سوختانده شده بود قیمت آن پرداخته شد.

۴ - در سال ۱۳۱۵ يك مسئله دیگری که توجه وزارت صحیه را نسبت به خود معطوف ساخت شیوع مرض کولرا (وبا) در زرمت و نواحی فریبه آن بود. مرض کولرا دفعاً در حصه زرمت کسب ظهور نموده و همینکه بوزارت صحیه اطلاع رسید يك هیئت منظم دکتوران مربوطه مرکز را با يك تعداد وافر واکسین (دوی تزریق) ضد کولرا برای مجادله به آن طرف اعزام نمود و در ظرف مدت قبلی تمام افراد زرمت و نواحی آنجا از دوی مذکور تزریق شده و به این ترتیب ساحة انتشار مرض محدود گردیده و بعد از مدت کمی بفضل خداوند مرض مزبوره بکلی مرتفع گردید.

۵ - چون تا کنون احصائیه صحیح امراض ساری و مخصوصاً مالیریا (تب لرزه) بدست نیامده که در کدام حصص و نقاط افغانستان همچو امراض بیشتر موجود بوده و کدام نقطه اولتر محتاج به مدافعه میباشد، از ینرو وزارت صحیه

چنین تجویز نموده است که يك هيئت طبي را که مرکب از دکتوران ماهر باشند بزودی ممکن در تمام نقاط افغانستان اعزام دارد تا هيئت مذکور را يور مفصلی در این باره ترتيب دهند و با اساس آن وزارت صحتیه بمداغه آغاز نماید .

۶ - نسبت به صورت واکسين ساختن تيفوئيد (محرقة) کولرا (وبا) و داء الكلب (مرض سگک دیوانه در یکی از عمارات دارالفنون که مطابق نقشه جداگانه تحت ترميم گرفته شده با ياره اصلاحات جزئی موسسه چيچک و واکسين گیری برای امراض فوق قائم شده است . چنانچه برای بکار انداختن آن استخدام سه نفر مستحضر از طرف حکومت متبوعه منظور شده . گویا بر علاوه آب چيچک که تا کنون طور فنی در موسسه با کتريولوجی گرفته میشود واکسين های متذکره سه گانه نیز ازین به بعد در مرکز بدست میآید .

۷ - چون معاینه صحتی کسبه از جمله ضروریات و حتمیات بوده وزارت صحتیه تماماً کسبه بازارهای شهر کابل را بمعاینه متخصصین مربوط رسانیده بعداً لمعاينه راجع به صحت آن ها (بورقه مطبوع تصدیق صحت قبلأ بهدایت وزارت صحتیه ترتيب داده شده بود) امضای متخصصین را بطور تصدیق گرفته صورت اعطای تصادیق صحت شان را برای استحضار ریاست بلديه ارسال نموده وبعد ازین معاینه کسبه دائماً بعمل میآید .

۸ - برای رفاه اهالی چنین تصویب شده که از جمله دواخانه های مرکز در ۲۴ ساعت شبانروزی دو دوا فروشی حتماً باز باشد ، چنانچه در اثر این تصویب هر شب دو دواخانه مفتوح بوده و قبلأ نوبت هر دواخانه که باشد ذریعه روزنامه جهة اطلاع عموم خبر داده میشود تا حاجتمندان بآن رجوع نمایند .

۹ - چون در مملکت عزیز ما در اکثر نقاط چشمه های آب معدنی

اجراآت دوائر مملکتی

وجود دارد وزارت صحیه ماهیت آب های مزبور را تحت تجزیه و دقت قرار داده خواص و فوائد آبهای مذکور را معلوم میدارد، ۱۰۰ ینکار در حال جریان است بعد از تحقیقات، آب های نفید در معرض استفاده گذاشته و طریق استفاده کردن و فوائد آن با اطلاع عموم رسانیده میشود.

۱۰ - چون در اکثر مواضع مملکت عنبر جراحان وطنی بصورت غیر فنی با جرای عملیات مهم جراحی مبادرت میورزیدند وزارت صحیه ایشان را مورد امتحان قرار داد. کسائی که اهلیت این کار را نداشتند از شغلشان مانع آمده تعلیم و اشخاصیکه نسبتاً درخور تعلیم دیده شدند آنها را برای تحصیل در نزد متخصصین گماشت تاپس از تحصیل اجازه نامه حاصل دارند.

۱۱ - راجع به اجرای کار آبله کوبهای وطنی وزارت صحیه ترتیبات اصولی اتخاذ نموده یعنی آبله کوب های مزبوره بمرکز آمده بعد از گرفتن تعلیم اصولی آبله کوبی از طرف وزارت صحیه آب چیچک بصورت مجانی برایشان اعطاء شده بکار خود شان مجاز میشوند وحق الزوجه از اهالی اخذ مینمایند.

۱۲ - در طول این سال وزارت صحیه به افتتاح مؤسسات صحی ذیل موفق شده است :

الف - افتتاح شفاخانه پیمان و تعین مأمورین و مستخدمین آن .

ب - افتتاح شفاخانه امراض عقلیه و عصبیه به عمارت جدید التعمیر آن در علی آباد و تعین مأمورین و مستخدمین آن .

ج - افتتاح سناتوریم زنانه در موضع دارالفنون و تعین مأمورین و مستخدمین آن .

د : - افتتاح مؤسسه دندان سازی مستورات درده افغانان کابل و تعیین مامورین و مستخدمین آن .

ز : - افتتاح ادویه فروشی مرکزی در دوا خانه عمومی در جاده شاهي .

س : - افتتاح يك كتابخانه در مرکز وزارت صحتيه .

۱۳ : - آب چيچك كه بوسيله اداره مربوطه آن ساخته می شود

(چنانچه شرح آن را در سال گذشته به سالنامه متذکر شده بودیم) از طرف وزارت صحتيه وقتاً فوقتاً جهت آبله کوبی اطفال و همچنان برای مبارزه بر علیه آبله های ياغی بولايات و حكومات اعلى ارسال میشود چنانچه اينكار تا اندازه خوبی مفيد واقع شده و از تلفات اين مرض موذی جلو گیری بعمل آمده است .

۱۴ : - برای رفاه و مراعات صحت عامه يك مقدار پول زياد از فیس يعنی

مواجب واجب الادای مريضانيكه مكلف به پرداخت اجرت شفاخانه ها بودند كم کرده شده و از اين رو خبلی به مريضانيكه پول مصارف ادويه و خوراکی می پرداختند سهولت پيش شده است .

۱۵ : - چون زهر نسكپور و كچله از طرف عطارها بفروش می رسد

وزارت صحتيه راجع بفروش هر دو نوع ادويه حسب اصول صحتی دستوری اتخاذ نموده ذريعه رياست بلديه کابل و مسيرت های صحتيه و لايات و حكومات اعلى و كلان اجرای آن را برای عطارها توصیه نموده .

۱۶ : - راجع به قطيئه حمامها كه در هر يك اطاق چند قطيئه برای

استحمام كننده گان موجود باشد وزارت صحتيه حسب مقررات صحتی ترتيبی را اتخاذ نموده بر رياست بلديه پيشنها داده است .

۱۷ : - راجع بمصايف امراض حاری وزارت صحتيه بدكتوران مرکزی

اجرا آت دوائر مملکتی

۱۸ - بلاغ نموده تا اقدام مریض که مرض مسری داشته باشد از صورت مرض و هویت مریض مذکور را پور بدهند که شخص مریض به سنا توریم ها ، و شفا خانه ها برای علاج خواسته شود .

۱۸ - چون حسب معمول جاریه خشکانیدن انبار بالای بام حمام های شهری از طرف عملة حمام ها بعمل می آید وزارت صحیه این عمل آن ها را خارج مقررات صحی دانسته توسط ریاست بلدیة آنها را از این نوع خشکانیدن انبار ممانعت نموده .

۱۹ - در موسم تابستان به ترتیب همه ساله از طرف بعضی اشخاص آبخوره ها در هر يك از مواقع شهر ساخته شده بود وزارت صحیه این آبخوره ها را خلاف مقررات صحی پنداشته ذریعه ریاست بلدیة آن ها را ممنوع فرار داده .

۲۰ - وزارت صحیه برای تحفظ اصولی میوه از ذرات و نشستن مگسها و انسداد فروش میوه خام و گندیده که بمضرت صحت عامه ذی تاثیر بوده مقرراتی صحی وضع نموده و بریاست بلدیة سپرده است .

۲۱ - حسب ضرورت اهالی وزارت صحیه ادویه فروشیها و دندان سازهارا بمواضع مختلفه شهر تقسیم نموده است .

۲۲ - اصولنامه دواخانه ها که در سال گذشتہ ۱۳۱۴ از طرف وزارت صحیه تدوین شده بود بعد از آنکه در این سال مراتب اصولی خود را طی نموده بمضای اعلی حضرت ملو کانه موشح گردید ، از طرف وزارت صحیه بدوائر وزارت ، ولایات ، حکومت اعلی و کلان و ادویه فروشی های شهری توزیع و اجرای مواد مندرجه اصولنامه مزبوره بعموم دواخانه ها نوصیه و تطبیقات آن تحت اجرا گرفته شده .

- ۳۳ - مطابق اصل (۲۶) اصولنامه‌ها فهرست اسامی دکتوران و معاونهای دکتور که به اجرای نسخه از طرف وزارت صحت مجاز شناخته شده‌اند ترتیب و بدواخانه‌ها ابلاغ گردیده تا با استثنای آن‌ها نسخه شخص دیگر را مرعی الاجرا ننشاند.
- ۳۴ - طبق ماده (۳۹) اصولنامه دواخانه‌ها بعد از سپری شدن سه ماه از انتشار اصولنامه مزبور از طرف اداره تفتیش مدیریت مشاوره فنی وزارت صحت تفتیشی از دواخانه‌های شهری بعمل آمده نتیجه تفتیش ذریعه جرائد و طلی برائی استحضار عامه بمنصه اشاعه رسانیده شده.
- ۳۵ - « وا کسین » و « سیرم » و ادویه‌های مفیده از طرف وزارت صحت برای حاجتمندان بدواخانه مرکزی بمعرض فروش گذاشته شده است تا بقیمت مناسب از آنجا باز یافت دارند.
- ۳۶ - راجع به تهیه و ساختن آب مقطر بداخل دواخانه عمومی که در سال گذشته وزارت صحت داخل اقدامات شده بود، بالاخره به ساختن آب مزبور به این سال موفق آمده بمقدار زیاد آب مقطر ساخته میشود و بدواخانه‌های شهری بفروش می‌رسد و هم بموم دواخانه‌ها آب مزبور مورد استعمال قرار داده شده است.
- ۳۷ - راجع به توريد ادویه مخدره و صورت مصرف آن وزارت صحت اصولنامه ترتیب داده است که بعد از طی مراتب اصولی در ساحت عمل گذاشته میشود.
- ۳۸ - درین سال یکعه فارغ التحصیلان دوره (دوم) مکتب طب از طرف وزارت صحت به امور صحتی بمراکز ولایات و حکومتات بصفت مدیر و مامور و معاون دکتور موظف شده و تنها دو نفر آنها برای تحصیلات عالی به فاکولته طبیبی شامل شده‌اند.

اجرا آت دوائر مملکتی

۲۹ - برای اینکه در مملکت عزیز بک موسسه اکسریز عصری با تمام آلات و ادوات آن قسمیکه در ممالک دیگر است موجود باشند وزارت صحیه در اثر توجهات قیمتدار حکومت متبوعه را جمع به تهیه و اشیاع آن از اروپا داخل اقدامات شده است که در سال آینده دارای اکسریز جدید و عصری علاوه بر اکسریز سابقه خواهیم بود .

۳۰ - چون به دواخانه‌ها ضرورت زیاد نداشتن کمیوندر (دواساز) محسوس شده بود وزارت صحیه نظر به ضرورت آتی آن‌ها بکده شاگردان کمیوندری شفاخانه ملککی و کمیوندران فعلی شفاخانه‌های مرکزی را در تحت تعلیم جناب دکتور انور علیخان روزهای معینه قرار داده کورس کمیوندری را مجدداً در دواخانه عمومی باز نمود چه در سال گذشته ۱۳۱۴ کورس مزبور افتتاح شده بود و بکده کمیوندران بصورت قناعت بخش از کورس مزبور امتحان داده کامیاب و داخل کار شده بودند .

۳۱ - باغ نباتات واقع علی آباد در سال ۱۳۱۴ در تحت کار گرفته شده بود ، بعد از آنکه سرته‌های باغ مزبور ساخته شد از طرف وزارت صحیه بسا نهالها و گل‌ها نیکه تخم آن از اروپا تهیه شده بود غرس و نمیه شده چنانچه باغ مزبور در این سال رونق تازه بدامنه کوه علی آباد بخشیده است .
۳۲ - راجع به کنترل و ادویه مخدیره که بعد از بن تاجران وارد کرده نمیتوانند از طرف وزارت صحیه مقرراتی وضع شده است .

۳۲ - برای استفاده اهالی ، وزارت صحیه را جمع به تعداد و تکثیر دواخانه‌های خصوصی در هر یک از ولایات و حکومت توجه تجار و اشخاص مستعد را معطوف ساخته وقتاً فوقتاً برای اجرای این منظور از هیچگونه تشویق خودداری

نموده است . تا اینکه دواخانه های متعدد در مرکز و ولایات هرات ، قندهار و حکومت اعلاى مشرقى و جنوبى ومیمنه و حکومت کلان شمالى و غزنى افتتاح و شروع به کار نموده اند .

۲۴ : - با ترتشویق مقام منیع صدارت عظمی و تحریک و اقدامات وزارت صحبه یکمقدار پول هنگفتی بطور اعانه برای اعمار شفاخانه های عصری از طرف ولایات و حکومتات متذیله جمع آوری شده است :

ولایات قندهار و حکومتات مربوطه آن (ارزگان ، قلات ، پشت رود) هرات و حکومتات مربوطه آن (بادغیسات ، غوروات ، غوریان ، سبزوار) مزارشریف و حکومت کلان مربوطه آن (شبرغان) فظفن و حکومت کلان مربوطه آن (بدخشان) مشرقی و حکومت مربوطه آن (کنرها) حکومت اعلاى میمنه ، حکومت کلان شمالی ، لوگر ، دایزنگی . چنانچه اعمار برخی ازین شفاخانه های ولایات و حکومتات در این سال تحت تعمیر بوده که بسال ۱۳۱۶ به پایة تکمیل خواهد رسید و بکار تعمیر بعضی دیگر به اوائل سال ۱۳۱۶ آغاز میشود . نقشه شفاخانه های حکومتات مربوطه ولایات موصوفه از طرف وزارت صحبه باصول فنی ترتیب و فرستاده شده است .

۳۵ : - راجع بمسئله آبله کوبی ولایات و حکومتات اعلاى و حکومتات مربوطه آن ها وزارت صحبه بهر یک سمت ، مامورین سیار آبله کوب را در این سال موظف ساخته تا در وقت شیوع چیچک در رفع و ازالۀ آن بکوشند و علاوه آبله کوب های وطنی را نیز به تعلیم اصولی آبله کوبی مجبور ساخته تا بعداً با مورین آبله کوبی کمک نمایند . آب چیچک بطور مجانی برایشان وقتاً قوتاً ارسال می شود .

اجرا آت دوائر مملکتی

- ۳۶ :- در سال ۱۳۱۵ وزارت صحیحہ خال زدن چیچک را عمومی قرار داده تمام ولایات و حکومتی های خورد و بزرگ دسائیر لازمه با یکمقدار کافی آب چیچک ارسال نموده تا بلا استثنا صغیر و کبیر خال چیچک زده شوند و گویا بدین وسیله وزارت صحیحہ می خواهد تا تمام نفوس افغانستان بخال زدن معتاد شده و نسل آینده بسهولت به طریقہ خال زدن معتاد باشند . در مرکز هم برای اشخاص صغیر و کبیر ترتیبات لازمه گرفته شده تا آن هائیکه مدت خال زدن شان منقضی شده باشد بار دوم و سوم به خال زدن مبادرت نموده و خود هارا از تهلکة مرض چیچک و بائی نجات دهند .
- ۳۷ :- در سال ۱۳۱۵ در مؤسسہ چیچک تحت نظارت جناب دکتور زهدی بیگ میکروب شناس کورسی افتتاح و در آن جا طریقہ گرفتن آب چیچک از گو ساله و صورت استعمال و خال زدن آن در اطفال عیناً مانند یک دا کتر به طلاب مز بوره تدریس و کورس مز بوره بصورت موفقانه تعلیمات خود را انجام داده و فعلاً برای انجام وظیفه حاضر میباشند . و باید خاطر نشان کرده شود که کورس مز بوره دایم بصورت مسلسل جریان خواهد داشت .
- ۳۸ :- وزارت صحیحہ در سال ۱۳۱۵ نسبت به آبله کوبی توجه مخصوص خود را مبذول نموده و در ظرف این سال تعداد خال زده گان آب چیچک بالغ به ۷۲۸۳۹ نفر می شود و علاوه آن برای تعداد (۴۲۰۰۰) نفر نازہ آب چیچک فرستاده است . گو یاسر جمع خال زده گان چیچک در ظرف سال ۱۳۱۵ بالغ بر یک (۱۰۵۰۰۰۰) نفر می شوند .
- ۳۹ :- استخدام دکتورس و شوپستر (پرستاره) آلمانی برای دفنا خانہ مستورات .

- ۴۰ :- افتتاح ماموریت های صحیحه جدید در سه حکومتی های ذیل :
- الف ، حکومتی کلان گرشاک مربوط ولایت قندهار .
- ب ، حکومتی کلان بدخشان مربوط ولایت فطغن .
- د ، حکومتی کلان کنرها (اسمار) مربوط حکومتی اعلائی مشرفی .
- ۴۱ :- اقدام نسبت به استخدام ۴ نفر متخصصین برای ولایات و سیاری .
- ۴۲ :- اقدام نسبت به استخدام ۳ نفر مستحضر برای توسعه موسسه باکتر یولوژی (میکروب شناسی) .
- ۴۳ :- اقدام نسبت به استخدام یکسفر « پرو تیزین » برای موسسه های دندان سازی مردانه وزفانه .
- ۴۴ :- استخدام شوستر « مارگا » برای رقی سناتوریم و عوض « مادام نیلی نایف » سر پرستاره سابقه که قرار دادش ختم ومرض شده .
- ۴۵ :- اقدام راجع به استخدام یکسفر پرستاره برای شفاخانه ملکی مرکزی .
- مقرر یها و ترفیعات جدید وزارت صحیحه :
- ص ، محمد علیخان کفیل مدیر صحیحه و معاون دکتور مدیریت صحیحه ولایت هرات بشفاخانه ملکی بصفه معاون دکتور وفعلاً بهمان صفت به کفالت مدیریت دواخانه عمومی مرکز .
- « ، نصرالله خان کفیل مدیریت صحیحه و معاون دکتور مدیریت صحیحه جنوبی بکفالت صحیحه و معاونی دکتور مدیریت صحیحه سمت شمالی .
- ص ، محمد نبی خان ، معاون دکتور شفاخانه ملکی بصفه کفیل مدیر صحیحه و معاون دکتور در مدیریت صحیحه اوگر .
- ص ، سلطان احمدخان کفیل مدیریت صحیحه و معاون دکتور فراه ب مدیریت صحیحه غزنی .

اجرا آت دوائر مملکتی

- ص ، عبدالنبی خان کفیل مدیر صحیحہ و معاون دکتور مدیریت صحیحہ غزنی بہ
صفت کفیل مدیر صحیحہ و معاون دکتور مدیر صحیحہ ہرات ،
- » ، میرزا محمد خان معاون دکتور شفاخانہ ملکی بصفہ کفیل مدیر صحیحہ
و معاون دکتور مزار شریف ،
- » ، عبدالرحیم خان کفیل مدیر صحیحہ سمت شمالی بکفالت مدیریت صحیحہ
و معاون دکتور ولایت قطن ،
- » ، عبدالغفور خان فارغ التحصیل سال جاری مکتب طبی بکفالت مدیریت
صحیحہ و معاون دکتور سمت جنوبی ،
- » ، میر محمد شریف خان معاون دکتور رفقی سنویریم بکفالت مدیریت صحیحہ
و معاون دکتور مدیریت صحیحہ مینہ ،
- » ، عبداللطیف خان ، معاون دکتور شفاخانہ ملکی مرکزی بصفہ کفیل
مدیر صحیحہ و معاون دکتور مدیریت صحیحہ فراہ ،

امور مخابرات

وسائل مخابرات کہ یکی از بزرگترین شعبات حیات مدنی را تشکیل میدهد
ہمانطوری کہ درین چند سال گذشتہ ترقیات شایان و بی سابقہ نموده در سال
۱۳۱۵ نیز مراحل ترقی و تکامل خود را پیموده و وزارت پست و تلگراف و تلفون
درین سال قدمهای بسیار مهم و جدی در راه تعمیر و وسائل مخابرات در تمام مملکت
برداشته است ، خلاصہ اجرا آت سال ۱۳۱۵ وزارت مخابرات ذیل است ،

الف - شعبہ ارتباط خارجی :

۱ - عقد مقاولہ تبادلہ تلگرافی راجع بہ حل مشکلات متعلقہ بہ محصولات
تلگرافی ہمراہ ہندوستان ،

۲ : - لغو پول دیوزت (پیشکی) که سابقاً برای مخابرات تلگرافی از راه هند ، درپشاور گذاشته میشد و بدون آن تلگرامها به ماورای هند صادر شده نمیتوانست . اکنون این تقیصه کاملاً در اثر اقدامات وزارت پست بر طرف و مقاوله مندرجه فقره اول حسابات جاری را ما بین دوا تر تلگرافی افغانستان و هند برقرار کرده است که آینده هیچ شخص مجبور به داشتن پول پیشکی در هند نخواهد بود .

۳ : - ترتیب فهرست محصولات هوائی صادره بخارج .

۴ : - ترتیب فهرست محصولات تلگرامها از راه هند .

۵ : - « « « مکاتیب وارده خارجه .

۶ : - « « « سامی دفا ترپستی افغانستان و اشعار آن بد فتر

یوستی بین المللی برن .

۷ : - تبدیل نرخ انتهای تلگرافی افغانستانی از ۲۵ سا تقیم به ۳۰

سا تقیم فرانک سویسی .

۸ : - حل مسئله عقد قرار داد پستی و تلگرافی با دولت علیه ایران .

۹ : - تهیه و ترتیب جداول پستی .

ب : شعبه تلگراف و تلیفون :

الف : ولایات کابل :

۱ : تمديد و توسيع خطوط تلیفون کیبل (از زیر زمین) در داخل شهر

که نسبت بسال گذشته بقدر (ثلث) اضافه شده .

۲ : نصب يك تعداد تلیفون های جدید بدوا تر دولتی و خانه ها

و مغازه های شخصی .

اجراآت دوائر مملکتی

- ۳ : تمدید سیم تلفون از سیم عمومی قندہار تا نقطه تعمیر فاریکه برق بمقام چک وردک بمسافه (۲۷) کیلومتر .
- ۴ : تعمیر یک عمارت عصری برای تلگرافخانه دایرنگی .
- ۵ : تعمیر یک عمارت بزرگ در بیکه توت برای نصب دستگاه ارسال تلگراف بی سیم که با تمام نقاط دنیا مصدر مخبره میباشد .
- ۶ : تعمیر یک عمارت بزرگ در مہتاب قلعه برای نصب دستگاه اخذ تلگراف بی سیم که با تمام نقاط دنیا مصدر مخبره میباشد .

ب ولایت قندہار

- ۱ - : تمدید سیم تلفون جدید از تیرین الی علاقہ داری چورہ ، و از علاقہ داری چورہ تا حکومتی گزrab به پایہ های چوبی و سیم ۳ ملی متره به مسافه (۱۱۵) کیلومتر . و نصب تلفون به علاقہ داری چورہ و حکومتی گزrab .
- ۲ : تمدید سیم تلفون جدید از مرکز قندہار تا علاقہ داری پنجوائی به مسافه (۳۰) کیلومتر به پایہ های سمنتی جدید سیم ۳ ملی متره (از پول اعانہ ملی) .
- ۳ - امتداد سیم تلفون جدید از آروزگان تا اجرستان کہ در سال گذشتہ شروع گردیدہ بود و در سنہ ۱۳۱۵ تکمیل گردیدہ بمسافه (۹۰) کیلومتر پایہای چوبی و سیم ۳ ملی متره . و نصب تلفون در مرکز حکومتی اجرستان .
- ۴ : امتداد سیم تلفون جدید از حکومت کلان قلات تا دایہ و چویان کہ در سال گذشتہ شروع گردیدہ بود و در سنہ ۱۳۱۵ تکمیل گردیدہ بمسافه (۱۰۵) کیلومتر به پایہ های چوبی و سیم ۳ ملی متره . و نصب تلفون در مرکز حکومتی دایہ و چویان .
- ۵ : تمدید سیم تلفون جدید از تیرین تادہراود کہ آنہم در سال گذشتہ

سالنامه « کابل »

شروع و در سال ۱۳۱۵ تکمیل گردیده به پایه های چوبی و سیم ۳ کیلومتره بمسافت (۵۰) کیلومتر . و نصب تیرافون در مرکز حکومتی دهرآود .

۶ : - تعمیر اطاق (ا میلفا تیر) یعنی آله بلند کنند ه صدا که تعمیر مذکور تکمیل و ماشین هم نصب گردیده چنانچه به نسبت آن مخبرات تیلیفونی بین قندهار و کابل بسهولت در جریان است و صدا نسبت به سابق خیلی بلند تر شده .

۷ : تعمیر اطاق (ا میلفا تیر) در مرکز قندهار (قریب اختتام است)

۸ : تعمیر اطاق (ا میلفا تیر) در گرناک (بتازگی شروع شده)

ج : ولایت هرات :

۱ : تکمیل عمارت تلگراف خانه بیسیم .

۲ : تکمیل عمارت مدیریت مخبرات .

۳ : تمدید سیم تیلیفون از حکومتی سبزوار تا کلاته نظر خان بطول (۱۲) کیلومتر .

۴ : تمدید سیم تیلیفون از حکومتی غور یان تا موسی آباد بطول (۸۵) کیلومتر .

۵ : تمدید سیم تیلیفون از اسلام قلعه تا دهنه ذوالفقار بطول (۵۰) کیلومتر .

د : ولایت مزار شریف :

۱ : تمدید یک سلسله سیم های تیلون در داخل شهر و نقاط اطراف

و نصب یک تعداد تیلیفون های جدید در مرکز مزار شریف بدوائر و غیره .

۲ : تعمیر یک عمارت عصری برای تلگرافخانه مرکز مزار شریف .

ه : ولایت قزاق و بدخشان :

۳ : تمدید سیم تیلیفون از دشت رو باه تا فرخار بطول ۱۵ کیلومتر .

۴ : « » « » از قندوز تا چهار دره « ۱۲ »

اجرا آت دوائر مملکتی

و : حکومت اعلیٰ سمت جنوبی :

۱ : تمدید سیم تیلفون از مرکز گردیز تا مرکز جاجی بطول ۷۵ کیلومتر .

۲ : تمدید سیم تیلفون از مرکز خوست تا علاقہ داری تنی بطول

۳۰ کیلو متر .

ز : حکومت اعلیٰ میمنہ :

۱ : تمدید سیم تیلفون از اندخوی تا علاقہ داری فرغان تعلقہ اندخوی

بطول ۱۸ کیلو متر .

۲ : تمدید سیم تیلفون از اندخوی تا خان چهار باغ تعلقہ اندخوی

بطول ۱۸ کیلومتر .

ح - حکومت اعلیٰ فراه :

۱ : تمدید سیم تیلفون از مرکز فراه تا مرکز حکومت گننگ کہ سیم

مذکور از سیم عمومی کہ در سال ۱۳۱۴ از فراه آغاز و در نظر بود کہ

به چخانسور منتهی شود درین سال به آنجا منتهی گردیده مسافت مجموعی

از فراه تا چخانسور اضافه از ۱۵۰ کیلومتر است .

۲ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز گننگ تا علاقہ داری چخانسور

بطول ۲۰ کیلو متر .

۳ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز گننگ تا نادعلی بطول ۲۰ کیلومتر .

۴ : نصب یکپایہ تیلفون در مواضع مسمی بہ (سلیمان) و (میل آرکی)

کہ سیم چخانسور از آنجا عبور نموده .

ج : شعبہ پست :

۱ : نظر بہ اینکه وترهای سابقہ پستی بنا بر کثرت تردد و استعمال

معیوب گردیده بود برای خریداری يك تعداد مكفی موتراهی رقم جدید بر طبق نمونه که از طرف وزارت انتخاب گردیده اقدامات لازمه بعمل آمده که عنقریب موتراهی مزبور توسط شعبه شرکت امریکائی (جنرال موتور) تهیه و وارد خواهد شد، ناگفته نمی گذاریم که در موتراهی مذکور از هر جهت اسباب و وسائل استراحت مسافرین سنجیده شده و در آن راجع به تهیه يك عدد صندوقچه مخصوصه نیز سفارش کرده شده بطوریکه صفحه خارجی صندوقچه مذکور برای نصب نمودن اعلانات و مقررات مسافرین و وظائف موتریان و غیره و حصه داخلی آن برای انداختن پرزه جاتیکه در آن مسافرین شکایات و صورت مشاهدات خودشان را نسبت به رویه موتریان و وقوع بعضی بیش آمده ها تحریر مینمایند تخصیص داده شود.

۲- چون وجود مواهیر پستی در جریانات فعلی و آتی پستی اهمیت زیادی دارد، يك تعداد مکفی مواهیر در آلمان فرمایش داده شده.

۳- نظر به تسهیلات امور پسته رسانی يك تعداد کیسه های چرمی مخصوص برای پسته رسانی بایسکل سوار و پیاده در خارج فرمایش داده شده.

۴- سابقاً که پسته بین مزار و اقیچه توسط پیاده حمل و نقل می شد و ازین رهگذر در توصل پسته فیما بین مقامات مذکور که اهمیت تجارتنی و غیره آن مشهور است تعویق به عمل می آمد اکنون سرویس موتور در بین نقاط مذکور دایر شده که در هشت ماه بهار پسته توسط موتور در چهار ماه زمستان بنا بر بارندگی و گل ولای و غیره توسط سوار چا پاره پسته حمل و نقل می شود.

اجراآت دوائر مملکتی

- ۵- : برای اینکه مضبوطات : جراید و مجلات بمقامات مرجع بعجله و سرعت توصل نمایند و در مفهوم فعلی انتشار و توزیع جراید و مجلات نظر بهمان اهمیت فعلی و آنی که در حیات اجتماعی امروز دارد تغییری بعمل نیاید ازین پس جراید معنوی تمام مراجعی که در خط سیر موثر بست واقع اند سر راست آدرس آن تعیین گردیده طور مستقیم بحکومات و محلات مذکور توزیع میشود یعنی آئینده جراید اول بدائرة محابرات مرکزی هر ولایت و حکومت اعلی و کلان نرفته بلکه ازین راه مرجعش سیرده میشود .
- ۶ : تعدیل و تعیین مقررات نسبت به معادلات پرزه های بازگشتی به میعاد مقررہ .

- ۷ : صدور متحد المالها را جمع به تجدید نرخنامه های ارسالات بیرنگ (مسوالاتیکه محصول آن را مرسل نیرداخته و یا کم تر از اندازة مقررہ پراخته باشد و محصول از مرسل الیه گرفته میشود) که جدیداً بمجلس بین المللی پست تصویب گردیده .
- د - : شعبه هتلها :

- ۱ : ساختمان یک هتل جدید بصورت عصری در قندهار که عمارت مذکور عنقریب تکمیل و افتتاح خواهد شد ، این هتل به علاوه هوتلی است که فعلاً در جوار عمارت متعلقه وزارت پست برای رهايش مهمانها با لوازم عصری تهیه و آماده است
- ۲ : تکمیل هتل گرشک که عمارت تمام و لوازم آن تهیه شده است .
- ۳ : تکمیل سامان لوازم هتل جلالآباد که بصورت عصری تهیه شده است .
- ۴ : شروع ساختمان یک عمارت عصری بقسم هتل در استانف که تهاداب

سالنامه « کابل »

گذاری آن صورت گرفته و مصالح تعبیه تهیه شده و در سال آینده کار آن انجام خواهد شد .

۶ : تعیین يك عمارت درخان آباد بران هتل که درجوار عمارت ریاست بلدیة واقع و درآن سامان و لوازم کافی برای رهائش مهمانها تهیه شده است .

۷ : تکمیل لوازم هتل کابل که برای همه قسم پذیرائی ها کفایت کرده بتواند واستخدام يك فرطبخ اروپائی از ایتالیا تاهوتل مرکزی بیش ازپیش وسائل رفاهیت مهمانان رافراهم سازد .

۸ : در سال ۱۳۱۵ بکفوه خانه در پغمان و بکفوه خانه در دار الفنون افتتاح گردیده است .

۹ : جاده و میدان مقابل هتل کابل پخته کاری شده .

۸ : کرایه اطاق های هتل کابل به مقصد رجوع مسافرین بشرح ذیل تقلیل داده شده است :

۱ : اطاق درجه اول که فی روز - ۴۰ افغانی کرایه داشت ، فی روز ۳۰ افغانی کرایه آن تعیین گردیده .

۲ : اطاق درجه (۲) که فی روز (۳۰) افغانی کرایه داشت فی روز (۲۰) افغانی آن تعیین گردیده ؛

۳ : کرایه اطاق درجه (۳) که فیروز (۲۵ و ۱۵) افغانی کرایه داشت فی روز (۱۵) افغانی کرایه آن تعیین گردیده .

۴ : سفارش يك مقدار سامان زیاد بغرض اكمال لوازم هتل های اطراف .

۵ : شعبه مامورین و تحریرات ؛

۱ . شعبه ارتباط خارجی و ماموریت محاسبات خارجه نظر به مطالعاتیکه بعمل

اجرا آت دوائر مملکتی

آمده در تشکیل سال ۱۳۱۵ بهم مربوط و هر دو شعبه بنام مدیریت ارتباط خارجی تشکیل گردیده است .

۲ : شعبه تلگراف و تلیفون که قبلاً سرکتابت بود در سال ۱۳۱۵ نظر بوسعت و پیشرفت امور تلگراف و تلیفون مدیریت تبدیل گردیده است .

۳ : شعبه پست قبلاً سر کتابت بوده نظر بوسعت و پیشرفت امور پستی در سال ۱۳۱۵ مدیریت تبدیل گردیده است .

۴ : شعبه هتلها در سابق بواسطه ابتدائی بودن کار، دارای تشکیلاتی نبوده امور مزبور بواسطه یک نفر کتاب اداره میشد ؛ چون اکنون کار هتلها به مقصد سهولت و تشویق سیاحت خارجیها و رفاهیت مسافران داخلی در تمام مملکت عمومیت و وسعت پیدا کرده ، بنابراین در سال ۱۳۱۵ در داخل وزارت يك ماموریت بنام « ماموریت هتلها » تاسیس گردیده است .

۵ : ماموریت ترمیم موترها که قبلاً بوزارت تجارت مربوط بوده در سال ۱۳۱۵ نظریه مطالعاتیکه به عمل آمده بوزارت پست مربوط گردیده يك سلسله اقدامات اساسی برای توسیع این موسسه سردست اجرا گرفته شده است که ذیلاً علیحده ذکر خواهد شد .

۶ : هشت نفر طلاب برای اخذ تعلیمات پستی در سال ۱۳۱۵ منظور و تحت اثر مشاور پست مشغول تعلیم شده اند .

۷ : عزت مند فون زیگنس در سال ۱۳۱۵ به عوض عزتمند بالدو به مشاوری امور پستی استخدام گردیده است .

و - : شعبه فابریکه ترمیم موترها ؛

۱ : مدرسه موتر رانی مربوط ماموریت فابریکه ترمیم موترها که در

سا لنامه « کابل »

اوائل سال دو ره سوم خود را افتتاح نموده بتاریخ اول جدی شروع به امتحان عملی و نظری نموده و نتیجه آن که بعد از امتحان بدست آمده بموقفیت و کامیابی نتیجه داده است .

۲ : در جوار عمارت سابقه فابریکه ترمیم موترها ساختمان يك عمارت عصری برای اداره و تحویل خانه ها و غیره در سال ۱۳۱۵ آغاز گردیده است و تعمیر مذکور قریب اختتام میباشد که در اوایل ۱۳۱۶ برای استفاده مطلوبه آماده میگردد .

۳ : برای رفع مشکلات کارگران فابریکه وبالآخره برای سرعت وصفائی کار يك عده ماشین ها و آلات لازمه ازخارج خواسته شده که يك مقدار بفابریکه رسیده و طرف استفاده واقع شده و يك عده آن هم در شرف ورود است .

ح - : شعبه اوراق :

اصول دفتر داری شعبه اوراق وزارت پست و تلگراف و تلفون در این سال نظر به مشوره مشاور امور پستی تعدیل گردیده و از اثر آن سهولت و انتظام خوبی در امور دفتر داری پیش شده که هیئت مخصوصی اهمیت و فایده این تعدیل را تصدیق کرده است .

مقرری ها و ترفیعات جدید وزارت پست و تلگراف و تلفون :

ص ، محمد سعید خان مامور محاسبات خارجی وزارت ترفیعاً بدیرت ارتباط خارجی وزارت .

» ، عبدالخالق خان از مدیریت مجابرات مزار شریف به مدیریت شعبه تلگراف وزارت .

» ، احمد شاه خان معاون شعبه محاسبات خارجی به مدیریت شعبه پست وزارت .

اجراآت دوائر مملکتی

- ص ، عطاء اللہ خان مدیر را دیو کہ فعلاً دزخارج مشغول تعلیم میا شد ، به
متخصصی را دیو .
- » ، امین اللہ خان باموریت شعبہ ہوتل های وزارت کہ درین سال شعبہ
مذکور جدید تشکیل شدہ .
- » ، نظام الدین خان مامور ارتباط خارجی ترفیماً بکفالت مدیریت
مخابرات ہرات .
- » ، عبدالفتاح خان ، کفیل مخابرات قطغن و بدخشان ترفیماً بمدیرت مخابرات
منار شریف .
- » ، گل احمد خان ، سابق مامو مخابرات جنوبی ترفیماً بہ مدیریت مخابرات
ولایت قطغن و بدخشان .
- » ، محمد نبی خان سابق کفیل مخابرات ہرات ترفیماً باموریت مخابرات جنوبی .
- » ، غلام غوث خان ، سرکاتب مخابرات بادغیسات ہرات ترفیماً باموریت
مخابرات حکومتی اعلائی مبعوث .

اعطای نشان

- ۱ ، اعطای نشان (المرآ علی) برای ج ، ع ، ج ، والا حضرت صدر
اعظم صاحب درائر خدمات قیمتداریکہ درین دورہ ۷ سالہ ریاست وزرائی
خود بہ مملکت نموده اند .
- ۲ ، اعطای نشان (سرداری عالی) برای ع ، ج آقای رونہ دولو
وزیر مختار (سابق) دولت بہیہ فرانسه مقیم دربار کابل .
- ۳ ، اعطای نشان (سرداری عالی) برای ع ، ج آقای یوگو سینتا
وزیر مختار (سابق) دولت بہیہ ایتالیا مقیم دربار کابل .

سالنامه « کابل »

علاوه برین بتقریب اختتام دوره دوم شورای ملی برای تمامی و کلای شورای ملی از حضور قرین الشرف ذات هما یونی یک یک قطعه نشان اعطا شده است به تفریق ذیل: برای (۲۰) نفر نشان عزت. و برای (۸۹) نشان خدمت.

اجرا آت دوائر ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۵ وارد سال سوم دوره دوم خود گردیده. دوره سالیانه آن بتاريخ ۱۴ جوزا از طرف ذات قرین الشرف اعلیحضرت همایونی رسماً افتتاح و آغاز گردیده نمایندگان ملت شروع بکار نمودند. و در طول سال عموماً به کمال وظیفه شناسی و صداقت و فعالیت مشغول اجرای وظائف محوله خویش بوده اند.

ذیلآ فهرست تصویباتیکه در سال ۱۳۱۵ از طرف مجلس عالی شورای ملی به عمل آمده درج میشود:

۱. تصویب بودجه سنه ۱۳۱۵ مملکت افغانستان.
 ۲. « اصولنامه تابعیت.
 ۳. « « استخدام مستخدمین خارجه
 ۴. « « پوسته.
 ۵. « « دواخانه ها.
 ۶. « « لایحه اخذ عسکر.
 ۷. « « تعداد ترویج نوتها در افغانستان.
 ۸. « « پروتوکول معاهده بیطرفی و عدم تجاوز مابین افغانستان و جاهیر.
- اشتراکیه شوروی.

اجرا آت دوائر ملی

- ۹: تصویب ترویج چلندنوت های یکصد افغانی و پنج افغانی .
۱۰: تصویب ضمیمه اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین که یکماه بعد از ختم هر سال تلف شود .
۱۱: تصویب راجع به تبدیل ایام جشن استقلال از برج اسد در هفته اول برج جوزای هر سال .

مجلس اعیان

اراکین این مجلس در طول سال ۱۳۱۰ به کمال و وظیفه شناسی و صداقت و سرگرمی مشغول کارهای محوله خویش بوده، علاوه بر تصویبات فوق که در قسمت کارررئی های مجلس شورای ملی ذکر شد، و عموماً در مجلس اعیان نیز به تصویب رسیده، یک تعداد امورات فیصله طلب را که از دوائر دولتی جهت غور و فیصله بقیه مذکور تقدیم شده بود، مورد دقت لازمه قرار داده، رای خویش را در اطراف مسائل مذکوره ابلاغ نموده است که این نیز اضافه بر وظائف اساسیه مجلس عالی اعیان بذات خود یک قسمت اجرا آت مهم و قابل ذکر می شمار میرود .
اعضای مجلس اعیان، ص، محمد اکبر خان - ص، سردار گل محمد خان ص، محمد یذیر خان .

امور بلدیة کابل

الف - دساتیر اصلاحی و عام المنفعه :

- ۱ - برای آنکه تمام اهالی شهر از اجرا آت و اقدامات اصلاحی بلدیة اطلاع داشته آرای خود را ظاهر کرده بتوانند ریاست بلدیة کابل مطابق اصولنامه خود برای سال ۱۳۱۰ ترتیب انعقاد مجلس سالانه بلدی را گرفته

سالنامه « کابل »

و در ماه حوت ۱۳۱۴ و ماه حمل ۱۳۱۵ چند مجلس بزرگ را در عمارت ریاست بلدیہ منعقد نمود که در آن تمام برجسته گان و عموم اهالی کابل دعوت شده و فقرات عمده اجراء آتیه و نظریات ریاست بحضور شان قرائت گردیده و در بعضی فقرات پس از مذاکرات لازمه تصویباتی نیز بعمل آمده که در اینجا فقرات تصویب شده مذکور و صورت اجراء آن بصورت فقرات مشخص در ضمن دیگر کارروائی های بلدیہ تذکار میگردد .

۲ - برای احداث تفرج گاه ها در نفس شهر از طرف ریاست بلدیہ در طول سال ۱۳۱۵ اقدامات بعمل آمده عجلالیه ؛ میدان در ؛ نقشه یر نفوس ساخته شده که در عین حال یک قسمت از کوچه های تنگ و نارنگ شهر را نیز ساختمان میدان های مذکور ازین برده و در آن گل کاری و غرس نهال و احداث چمن هم بعمل خواهد آمد ؛

الف : یک میدان در گذر علی رضا خان .

ب : » در گذر شمع ریز ها .

ج : » در گذر کلاب کوچه .

د : » در گذر حضرت صاحب واقع شور بازار .

۳ - در اوائل سال ۱۳۱۵ تقریباً ۱۲۴۶ نفر اصنافی کسبه که میان بازار مشغول کار میباشند و با مردم تماس دارند بفرص معاینه صحی بشفاخانه ملکی مرکز اعزام و حسب دستور وزارت صحیہ از طرف دا کتران شفاخانه موصوف اصولاً معاینه طبی شدند که اکثر آنها پس از اخذ جواز نامه رسمی بشغل و کار خود بجاز گردیده اند و این ترتیب بطور استمرار از طرف بلدیہ همه ساله مراعات خواهد شد . تعداد صنفی معاینه شده کی قرار ذیل است :

اجراآت دوائر ملی

قصاب ۱۵۰ نفر، خپاز ۳۵۸ نفر، سماوارچی ۳۰۵ نفر، فالوده یز ۱۰۲ نفر
طعام یز ۷۴ نفر، کبابی ۴۵ نفر، شیر و قیماق فروش ۲۰ نفر،
کله یز ۲۷ نفر، شیر یخ فروش ۱۰ نفر، داش کار و کلچه یز ۱۵ نفر،
دنبه فر و ش ۸ نفر، سلاح ۱۲ نفر، گاو کش ۱۲ نفر، حمامی و دلاک و
پای دو حمام ۱۰۸ نفر - جله ۱۲۴۶ نفر .

۴ - عمده ران هائیکه در اثر خلاف رفتاری مثلاً برداشتن اشخاص
اضافه از تعداد مقرره و یا خلاف اصول سواری در موتر و غیره از طرف
پولیس موقع مواخذة گردیده از طرف بلدیة تحت مجازات گرفته شده اند
عبارت از ۱۴۲ موتر ران ۲۴۶ نفر گادی ران میباشند .

۵ - صنفی هائیکه اجناس خورا که را از قرار نرخ معینۀ بلدیة کم داده
و در ارتعیبات ریاست بلدیة گرفتار و برای شان مجازات داده شده ۲۴۹ نفر
میباشند مثل قصاب ، خپاز ، بقال و غیره .

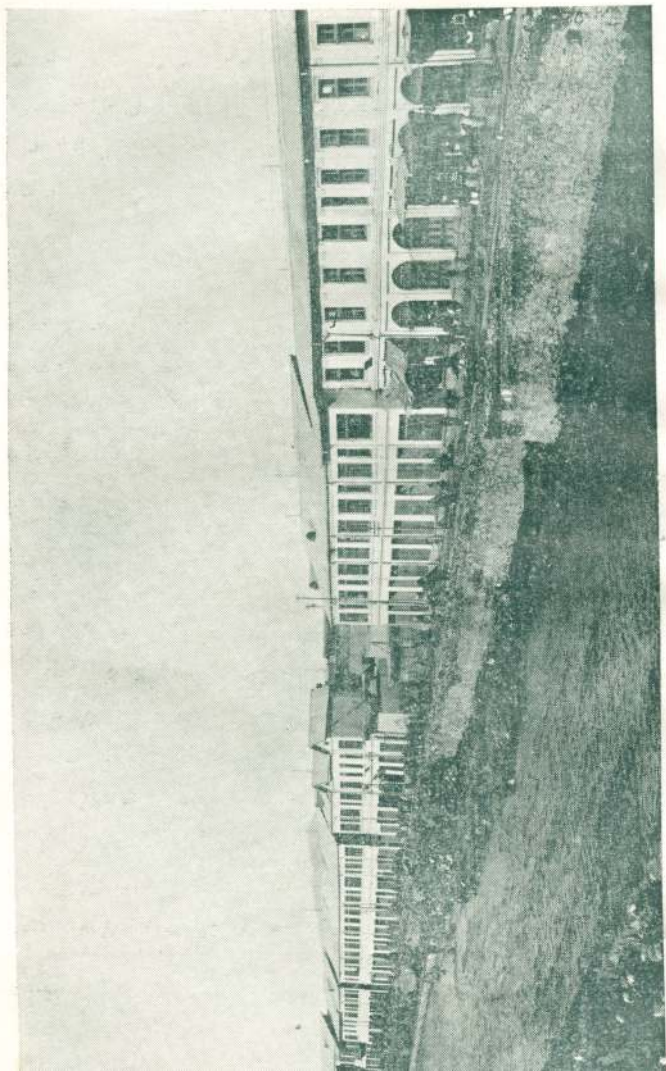
۶ - تأسیس یک شرکت ادویه فروشی بنام « شرکت ادویه فروشی ملی افغان »
که بتأسی افکار و نظریۀ عالی حکومت متبوعۀ ما و فعالیت و مساعی ریاست
بلدیة نسبت بمقاد عامه به یول و سهم یک عده اشخاص و بانک ملی
و ریاست بلدیة که سهیم شده اند و هم برخی اشخاص صاحب عاطفه طور خیریه
نیز امداد نموده اند در اوائل سنه ۱۳۱۵ مفتوح و در جریان آورده شده است
اگرچه این شرکت هنوز ابتدائی گفته میشود ولی یقین است که در اثر کوشش
و مساعی شرکای محترم آن روز. روز شرکت مذکور رونق و انتظام درستی را
بخود گرفته طرف استفاده عمومی واقع شود. این شرکت حاضرأ در بازار جدید
جاده خیابان لب دریا که یک نقطه مرکزی شمرده میشود، دایر میباشند .

سالنامه « کابل »

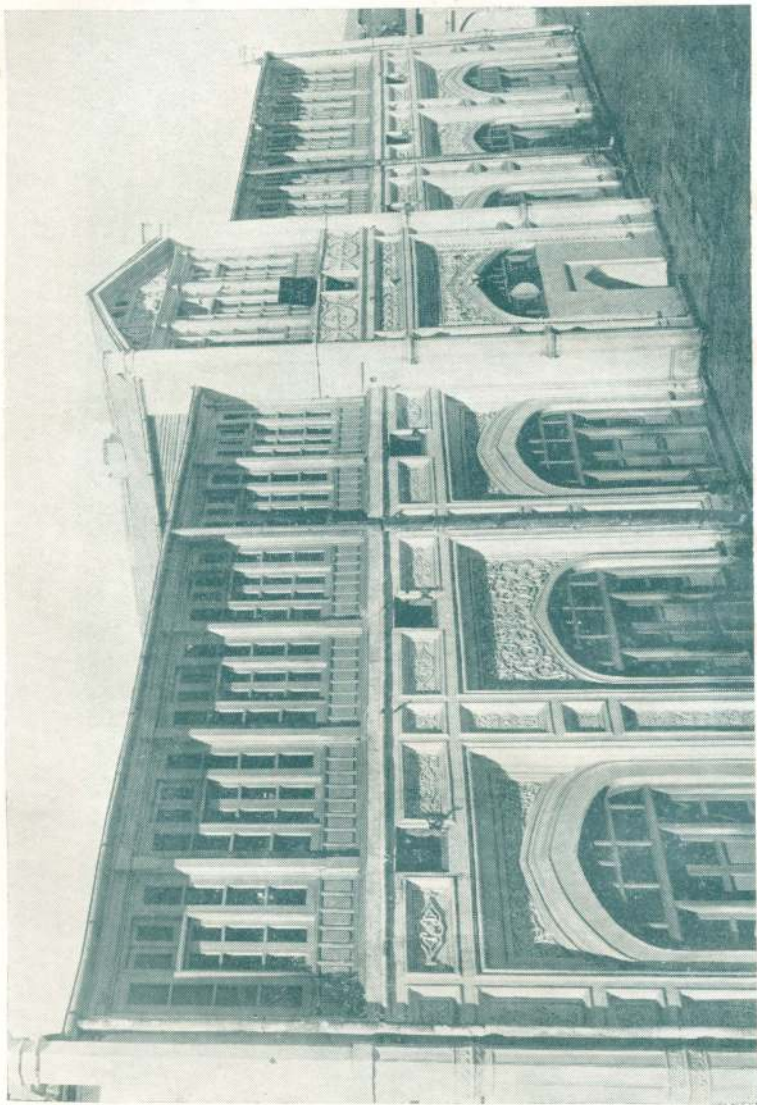
- ب ، عمراناتیکه در سال ۱۳۱۵ از طرف ریاست بلدیة کابل اجرا گردیده ،
- ۱ - تعمیر مسجد شریف پشت قلعه ده افغانان که بکلی تخریب و سرازنو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۲ - تعمیر مسجد شریف سنگ تراشی که تخریب و سراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۳ - تعمیر مسجد شریف گذر اچکزائی ها که تخریب و سراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۴ - تعمیر مسجد شریف گذر بلند شمع ریزها که تخریب و سراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۵ - تعمیر مسجد شریف گذر خارج قلعه ملا فیروز واقع عاشقان عارفان علیه الرحمه که تخریب و سراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۶ - تعمیر مسجد شریف میرحیدر شاه واقع هندو گذر که تخریب و مطابق اصول عصری سراز نو ساختمان شده .
 - ۷ - تعمیر مسجد شریف صاحبزاده های پایان چوک که پس از تخریب مطابق اصول عصری سراز نو ساختمان شده .
 - ۸ - تعمیر مسجد شریف محمد کاظم که پس از تخریب سراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۹ - تعمیر جدید آذان خانه مسجد قاضی فیض الله خان که پس از تخریب سراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .
 - ۱۰ - تعمیر ریخته کاری سرک ازحد میدانی مقابل وزارت ها تا موترخانه .
 - ۱۱ - تعمیر ریخته کاری دوطرفه جوی سرک عقب صدارت عظام .
 - ۱۲ - دیوار کتاره سنگی ازحد پل باغ عمومی تایوسه خانه



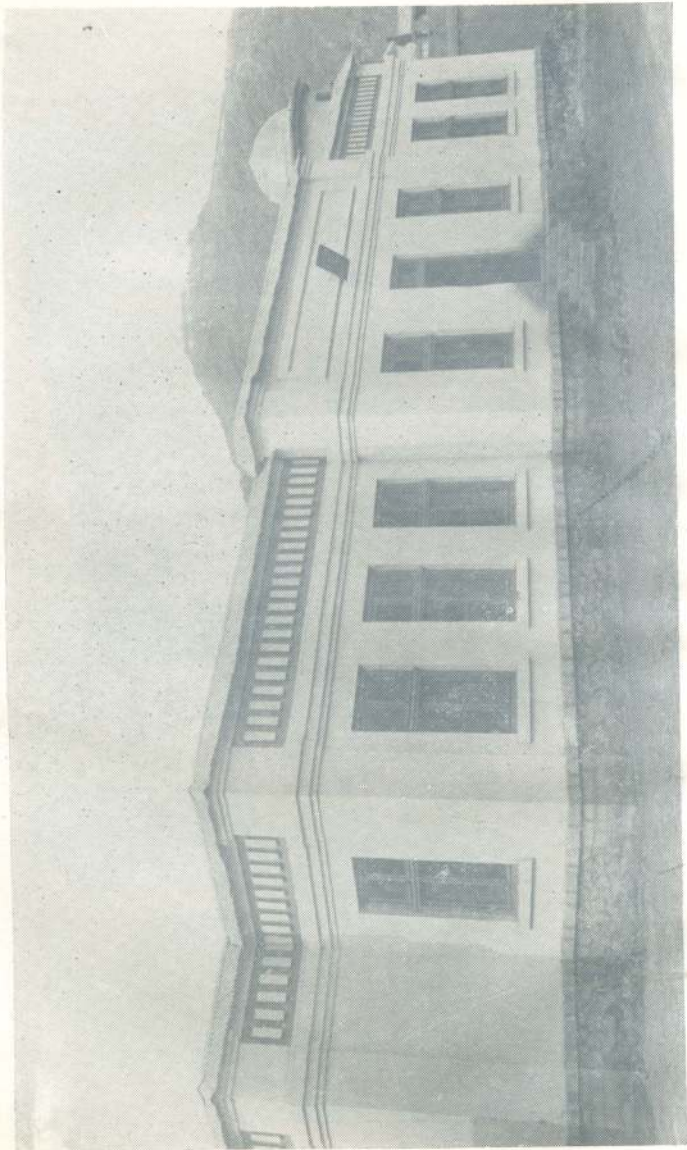
از عمرا تات مهم سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیه کابل و پات حصه از عمارت بازار جدید خیابان و تعمیر دیوار دریای کابل
Une partie des nouvelles constructions de Kaboul



از عمرانات مهمه سال ۱۳۱۵ ر یاست بلدیة کابل: منظره عمومی بازار جدید خیابان
Bazars modernes nouvellement construits à Kaboul

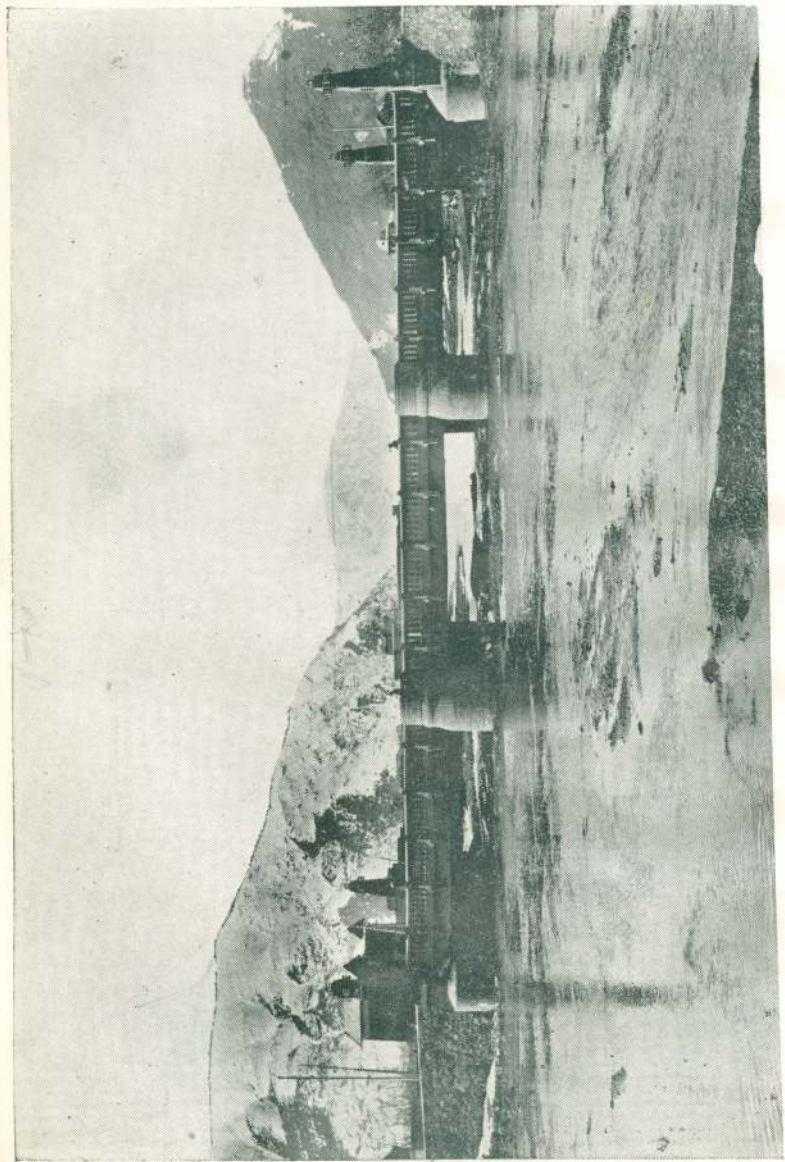


از عمرات سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیة کابل : نقشه مسجد جامع یل خشتی
Mosquée nouvellement restaurée à Kaboul



از عمائر نوات سال ۱۳۱۵ ر یاست بلدیة کابل و حمام عصری واقع قلعه باقر خان
Bains municipaux nouvellement construits à Kaboul

2



از عمرانات مهم سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیة کابل : پل قائمہ محمود خان
Pont nouvellement construit sur la rivière de Kaboul



از عمراوات مهم سال ۱۳۱۰ بلدیہ کابل : منظره عمومی جاده و بازار جدید باغبان کوچه متصل لہ دریای کابل
Bazars modernes construits le long du nouveau quai de Baghba-kotcha à Kaboul.

اجرا آت دوائر ملی

- و طرف مقابل از ییل باغ عمومی تا ییل خشتی .
- ۱۳ - تعمیر یخته کاری یل چهار راهی متصل سینما .
- ۱۴ - تعمیر یخته کاری سرک جدید مقابل بازار جدید باغبان کوچه از حد ییل باغ عمومی تا اخیر بازار مذکور متصل بازار سابق باغبان کوچه .
- ۱۵ - تعمیر چهار باب میرز عمومی در شور بازار ، ده افغانان ، مندوی آرد فروشی و مندوی خربوزه فروشی .
- ۱۶ - تعمیر سرای حاجی خانه که عمارت سابقه آن بکلی ویران و سراز نو مطابق اصول عصری آباد شده .
- ۱۷ - تعمیر بازار جدید عصری در حصه (خیابان) لب دریا که در طول سال عمارت سابقه آن ویران و مطابق اصول جدید دکانها و عمارات دو منزله بصورت بسیار قشنگ و زیبا ساخته شده و فریب اختتام میابد .
- ۱۸ - تعمیر یکرسته دکان و بالا خانها در جاده جدید خیابان (تعلق خود بلدیة) .
- ۱۹ - تکمیل بازار جدید باغبان کوچه (لب دریا) که از دو سال باینطرف جاری بوده و درین سال خاتمه یافته و در آن مغازه ها و اشخاص کرایه نشین سکونت اختیار کرده اند .
- ۲۰ - تعمیر دو دوره چاه در گذر عمده ها و عقب حمام میدانی ده افغانان .
- ۲۱ - ترمیمات و اصلاحات ۲۲ مساجد شهر .
- ۲۲ - ترمیم آبروهای گذرهای شهر .
- ۲۳ - ترمیم یانزده عدد یل و پلر سرک ها .
- ۲۴ - ترمیم شش باب دکان .
- ۲۵ - ترمیم پنج گنبد حمام در نقاط مختلفه شهر .

- ۲۶- تکمیل حمام جدید قلعه باقرخان که کار ساختمان آن با اصول عصری در سال گذشته شروع شده و در ماه قوس ۱۳۱۵ افتتاح گردیده .
- ۲۷- تکمیل حمام باغ علیردان که به اصول عصری در سال گذشته شروع شده بود و در ماه میزان ۱۳۱۵ افتتاح گردیده .

امور بلدیۀ چهار یکار

الف - عمرانات جدید :

- ۱ : تعمیر حوض ذخیره آب نل و حوضچه سرچشمه که مطابق نقشه مهندسی درین سال تحت تعمیر گرفته شده کار مذکور به پوشش رسیده است که در اوائل سال ۱۳۱۶ خاتمه خواهد یافت .
- ۳ : چون اهالی چهار یکار نسبت بآب مشروب دوچار مشکلات بودند در ۱۳۱۵ نل آب و غیره سامان ملحقات کار آمد برای تقسیمات گذرهای بین شهر تهیه و عنقریب نل مذکور بگذرهای بین شهر تقسیم خواهد شد .
- ۳ : در سال ۱۳۱۵ علاوه از کاربزرگ سال گذشته یک فئات کاربزرگ جدید واقع تکیه خواجه سیاران حفر شده که اکنون از آب مذکور اهالی چهار یکار استفاده مینمایند .
- ۴ : کتاره های مسجد شریف شاه مست علیہ الرحمہ از آهن جستی پوشش شده و تکمیل گردیده .
- ۵ : پنج باب مساجد شریف چهار یکار ترمیم و اصلاح شده .
- ۶ : ۴۳ باب دکا کین مذکویت بلدیۀ چهار یکار ترمیم شده .
- ۸- (۲۷۲۱) نهال و قلمه بدو طرف سرک بازار جدید و غیره نقاط لازم غرس شده .
- ۷ : سرک طرف تکیه خواجه سیاران که در سابق بی اصول و کج گردش های زیاد داشت اکنون تا حد امکان سرک جدید و مستقیم ساخته شده و بدو طرف مذکور نهال های توت غرس شده .

اجرا آت دوائر ملي

۹ : در جوار بازار چهاربیکار برای ایستگاه کادی هایک موضع معین شده
ب - تعمیر اینکه از طرف اهالی تحت نگرانی بلديه اجراء شده :

۱ : (۱۵) باب دکان و (۱۷) باب اطاق نشیمن و موتورخانه و بالاخانه و بیک حصه
سرای شخصی که بسرك عمومی مستقیم نبوده تحت نقشه آمده در سال ۱۳۱۵ عموماً
مهندس و سرك عمومی مستقیم برده شده است و علاوه آن به تعداد (۱۴) باب دکان مطابق
نقشه اصولی به استقامت بازار جدید ساختمان شده که موقعیت خوبی پیدا کرده .
۲ : دکان جدید یکی از طرف اهالی تحت نگرانی بلديه بر طبق نقشه
ساختمان شده (۳۷) باب .

ج - اصلاحات مدنی :

۱ : در سال ۱۳۱۵ چرمگرهای چهاربیکار به سبب اینکه کار
چرمگری اسباب اذیت اهالی را فراهم نموده مخالف حفظ الصحه هم بود حسب
نظریه بلديه به تعداد ۲۹ باب کار خانه تعمیر نموده از شهر خارج و در یک حصه
معینه به پیشه خود مشغول شده اند .

۲ : قبل ازین اصناف کسبه بازار چهاربیکار برای اجرای کسب و پیشه
خودها یک موضع معین نداشته متفرق بین بازار قدیمه صنعت خودهارا اجراء
می نمودند ، درین آوان برای هر صنف موضع علیحده معین و صنف خیاطی
و زرگری و غیره ب بازار جدید تعمیر رسنه سرك شاهی نقل داده شده .

مطبوعات و طن

جرائد و مجلات حاضر .

اسم
جریده اتحاد مشرقی - سال تاسیس
(نیم فارسی نیم پشتو) - ۱۲۹۸ شمسی جناب شمس الدین خان قلعه نسکی مدیر فعلی

سألأناة « كابل »

اسم	سال تاسيس	مدیر فعلی
جريدة اتفاق اسلامهرات	۱۲۹۹ شمسی	جناب میر محمد عثمان خان
« طلوع افغان قندهار (بزبان پشتو)	۱۳۰۰ »	« عبدالحی خان حبیبی
« بيدار مزار شريف	۱۳۰۰ »	« عبدالصمد خان
« اتحاد خان آباد	۱۳۰۰ »	« سيد محمد خان
« انيس كابل	۱۳۰۶ »	« محمد امين خان خوگياڻی
« اصلاح	۱۳۰۸ »	« برهان الدين خان كشككي
مجلة اردوی افغان	۱۳۰۰ »	« از رياست ارکان حربية عمومبه نشر ميشود
« آئينه عرفان كابل	۱۳۰۳ »	« هاشم خان شائق
« صحبة كابل	۱۳۰۶ »	« عبدالرشيد خان لطيفی
« الفلاح كابل	۱۳۰۹ »	« عبدالكريم خان
« اقتصاد كابل	۱۳۱۰ »	« محمد زمان خان تره كي
« كابل	۱۳۱۰ »	« تحت نظر انجمن ادبی كابل
« پشتو كابل	۱۳۱۱ »	« » » » پشتو
« ادبی هرات	۱۳۱۱ »	« » » » هرات
« بلدة هرات	۱۳۱۱ »	« صفر علی خان امنی

کور دیپلوماتیک متعین دربار کابل

سفارت کبرای دولت جمهوری تورکیه :

سفر کبیر : عالیقدر جلالتاب ممدوح شوکت (شیخ السفراء) .
مستشار : آقای وهبی لیب .

فهرست دیپلماتیک

- فونسل و مدیر فونسلگری و تابعیت : آقای حقی کنتلی .
- دکتور : آقای فواد اسمعیل توگور .
- ترجان : آقای عباس .
- سفارت کبرای دولت شاهمی ایران :
- سفر کبیر : عالیقدر جلالتمآب میرزا علی اکبرخان بهمن .
- سرکاتب و عهده دار مستشار : آقای شایان .
- آتشه : آقای عباس قلی حکیمی .
- سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه :
- سفر کبیر : عالیقدر جلالتمآب سکویر سکی .
- سرکاتب اول : آقای سیچوف .
- آتشه نظامی : آقای بینی دکتور .
- دکتور : آقای او انیسوف گای کاس اندریو ویچ .
- آتشه : آقای المازوف .
- وزارت مختاری دولت جمهوری المان :
- وزیر مختار : عالیقدر جلالتمآب دکتور کورت تسمکی .
- سکرتر : آقای فون شور نینس .
- آتشه : آقای کورول .
- وزارت مختاری دولت شاهنشاهی جاپان :
- وزیر مختار : عالیقدر جلالتمآب کیتادا .
- سکرتر : آقای کوربارا .
- آتشه نظامی : قوماندان کنتی میاراکی .

- د کتور : هيجی ایما گاو .
د دفتر دار : نو بو توشی اسا کورا .
وزارت مختاری دولت شاهي بریطانيا :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمام لفتنت کولونل فریزر تتر .
مستشار : آ قای میجر مبین .
آ تشه نظامی : د میجر لنکاستر .
د کتور : د کپتن فارل .
سکر تر : د میجر یار کس .
سکر تومشرفی : د خان بهادر سکندر خان .
وزارت مختاری دولت جواهر متحدہ امریکا :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمام و لیم ایچ هارنی بروک (در رخصتی) .
وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمام دو فور دولا پراد .
آ تشه نظامی : آ قای کپتن لکو .
سکر تر : آ قای بو نو .
وزارت مختاری دولت شاهي ایطالیا :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمام کوم پیترو کوارونی .
د دفتر دار : آ قای کری شینی .
پیش نماز : د گاسپانی .
وزارت مختاری دولت شاهي مصر :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمام ، عبدالرحمن عزام .

سفرائیکه در سال ۱۳۱۵

وارد کابل شده اند



۱- عالیقدر جلالتمآب بورس، نی
سکو برسی سفیر کبیر اتحاد جاهیر
اشتراکیه روسیه در دربار دابل،
عمر چهل و هشت ساله،
مومی الیه در محل او دیسا
در جنوب روسیه تولد و تعلیم گرفته
در سال ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ کنفیل
امور خارجه اقتصادی شرق
جمهوریت روسیه بود. در نومبر
۱۹۲۱ و فروری ۱۹۲۲ نماینده
شرق اقصای جمهوریت در کنفرانس
خلع سلاح بمقام واشنگتن اعزام
شدونیز در همان سال یعنی ۱۹۲۲

نماینده شرق اقصای روسیه در جاهیر متحده امریکا و در سال ۱۹۲۳ بعد از امتزاج
در ترکیب نژاد های مختلفه شرق اقصا با اتحاد شوروی، مومی الیه بحیث یک نماینده
غیر رسمی اتحاد شوروی در جاهیر متحده امریکا ماند و در ۱۹۳۳ مرادوت تمپیدی
را با حکومت جاهیر متحده امریکا اتمام نمود چنانچه کنفرانس (لیتوینوف -
روزولت) منتج به تاسیس روابط سیاسی بین جاهیر متحده و اتحاد شوروی گردید.
از نومبر ۱۹۳۳ تا فروری ۱۹۳۴ بحیث شارژ دافرا اتحاد شوروی در جاهیر
متحده امریکا بوده در فروری ۱۹۳۴ مستشار سفارت کبرای روسیه در جاهیر امریکا
مقرر گردید و بالاخره در اپریل ۱۹۳۶ بحیث سفیر کبیر اتحاد جاهیر اشتراکیه
روسیه در کابل مقرر شد.



۲- عالیقدر جلالآب ژورژ دوفور
دولایراد وزیر مختار دولت جمهوری
فرانسه در دربار کابل :

مشاریه در سال ۱۹۰۵ داخل
خدمت شده رتبه معاون ویس
قونسل در (سه ول) داشته در ۱۹۰۹
بحیث ویس قونسل در کانتون و در سنه
۱۹۲۰ قونسل در شانگهای و بعد در
فوته چرو و تقرر یافت. در ۱۹۳۰ در کانتون
جنرال قونسل مقرر شده سال دیگر بهمان
حیثیت در هانگ کانگ و در ۱۹۳۴
در میلان تبدیل شده در ۱۹۴۰ بر تبه وزیر مختاری ارتقا یافت و بالاخره در سنه
۱۹۳۶ بصفت نماینده فوق العاده وزیر مختار بدربار کابل اعزام گردید .



۳- عالیقدر جلالآب پیتر و کواردونی
وزیر مختار دولت شاهی ایتالیا در
در بار کابل :

مشاریه در سال ۱۸۹۸ در شهر
روما تولد یافته در موقع حرب عمومی
بحیث منصفدار احتیاطی در عسکر ایتالیا
خدمت کرده سپس در سنه ۱۹۲۰
داخل حیات سیاسی شده در سفارت
ایتالیا متعین استامبول ماموریت یافته
در سنه ۱۹۲۳ در سفارت بوینس آیرس
و در سنه ۱۹۲۵ در سفارت مسکو و

در سنه ۱۹۲۸ در سفارت ایتالیا متعین البانیا تبدیل شده در سنه ۱۹۳۱ بوزارت
خارجہ مراجعت نموده بحیث مدیر عمومی سیاسی کار نموده است. در سنه ۱۹۳۵ جنرال
قونسل سالونیک مقرر و بالاخره در ۱۹۳۶ وزیر مختار کابل تعیین گردیده است .

وقایع مهمه داخلی

نگارش جناب غلام جیلانی خان جلال

عضو انجمن

سال ۱۳۱۵ که اکنون با ختام رسیده برای مملکت عزیز ما افغانستان يك سال بسیار خوش و نیکوئی بود. چنانچه در طول این سال در سرتا سر وطن عزیز ما آرامی و رفاهیت کاملی حکمفرمائی داشته و علاوه آن نظر به حسن پذیرائی ملت و فعالیت حکومت وطن دوست ما در هر رشته از امور حیاتی پیشرفت ها و ترقیات رضائیت بخشی از قوه بفعل آمده و از همه جهت چرخهای فعالیت بسرعت بی سابقه در حرکت و گردش بوده است. از طرف دیگر درین سال اتفاقات قدرتی ناگوار از قسم زلزله ها و سیلاب ها و خشک سالی و امراض و غیره غوارض اتفاقیه که موجب تلفات و خسارهای قابل ذکری شده باشد الحمد لله واقع نگردیده است. اینک در ذیل این سطور مختصر گذارشات و وقایع عمده و قابل ذکر این سال را به ترتیب تاریخ از مطالعه خوانندگان گرام گذارش میدهم :

نهال شانی و غرس اشجار

شک نیست که حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه یاد شاه جوان بخت ما يك حکومت خیرخواه و خیر اندیش و خواهان هر نوع پیشرفت و سعادت ملت است و هم این مسئله بموم افراد ملت مبرهن گردیده که دقیقه

سالنامه « کابل »

از دقایق حیات اعلیحضرت همایونی و اعمام بزرگوار شان و دیگر رجال مملکت بجز از فراهم آوری وسایل اعزالی ملی و تهیه اسباب آبادی و سرسبزی این خاک پاک نمیگذرد و طوریکه دیده میشود درین عصر فرخنده به پیروی اعلیحضرت همایونی و اولیای امور حکومت کنونی کافه مامورین لشکری و کشوری و بالاخر تمام طبقات و افراد رعیت متفقاً دست و حدت و برادری با هم داده بکمال صمیمیت و فعالیت در راه سرسبزی وطن و بهره مندی قوم و پیشرفت امور بذل مجاهدت میکنند .

و چنانچه اشاره رفت طبعی است بوسیله این اشتراک مساعی و وحدت و اخوتیکه خورشیدخانه امهریز در تمام طبقات ملت و جمیع اجزای حکومت دیده میشود سر تا سر مملکت راحت و مسرت و اطمینان کماله حکم فرما بود آنآ فآ نأ در تحت پروگرام ها حکومت و وطن دوست ما ، اهالی این کشور در هر رشته اعم از امور معارف ، فلاح ، زراعت ، تجارت ، صنعت و دیگر منابع هواید ملی و مملکتی باوق مهیای سریمتری جانب ترقی و تعالی جلو میروند . از انجمله در اعداد دیگر اقدامات نافه حکومت متبوعه ما در ابتدای این سال ۱۳۱۵ از حضور اعلیحضرت همایونی راجع بفرس اشجار و تهیه وسایل سرسبزی و وطن ترتیبات مهمی گرفته شده دابر این موضوع اعلانی سزین به امضای ذات شاهانه صادر و در ضمن آن از فواید صحتی و عواید اقتصادی نهال شانی هدایات مکملی از صادر فتنه است ، علاوه از حضور ملوکانه بر حسب تقاضای آب و هوا تعطیل یکروزه ایام حمل را بنام میله قلعه کشی دزمرکز و ولایات و محالات افغانستان که بدان وسیله اهالی راجانب حسن زراعت و فلاح ترغیب میکند منظور و اراده فرموده اند .

وقایع مهمه داخلی

روز ۸ حمل که از حضور قرین الشرف شهریار در کابل و مناطق مربوطه آن برای میله قلبه کشتی تعیین گردیده بود دران عموم وزارت خانها و دوا یر دولتی و موسسات ملی تعطیل گرفته ذات شاهانه به نفس نفیس خود شان و والاحضرتین ج ، ع ، ج ، ۱۰۱ ، نشان صدراعظم صاحب و ع ، ج ، ۱۰۱ ، نشان سردار شاه ولی خان وکیل وزارت حربیه و عموم وزرا و مامورین دولتی و معزین مرکز در مناطق عمومیه ، و افراد زارع در اراضی شخصی خود شان به نهال شانی پرداختند ، هگذا به تاسی این اقدام شهریار جوان بخت ما ، در عموم ایالات و حکومتی های اعلی و کلان و حکومت ثلاثه و علاقه دار یها نیز دریکی از روزهای حمل تعطیل عمومی بعمل آمده در روز مذکور کافه مامورین کشوری و لشکری اطراف و افراد اهالی بغرس اشجار انهماک و رزیدند ، در نتیجه این حسن فعالیت نظر به احصائیه هائی که در مطبوعات وطن نشر شده در ابتدای سال مذکور باوقات مساعد بلبو نهال متمر و غیر متمر در نقاط مختلفه افغانستان غرس گردید است .

سواد منشور مبارک پادشاهی راجم به نهال شانی قرار آتی اقتباس میشود :

اعلان پادشاهی در موضوع غرس اشجار :

« ملت عزیزم ! »

« درین روزها که کوه و دشت و دره و صحرای وطن به تاثیر فصل ربیع و موسم بهار سر سبز و زیبا میگردد ، باران رحمت خداوندی ساحه مملکت را خرم و شاداب میگرداند بشما ملت عزیز خود توصیه مینمائیم تا از فصل بهار که موسم نزول آلالی بیشمار رحمت کردگار است برای آبادی وطن خود و برای سبز گردانیدن مملکت خود در توسیع غرس نهال ، احداث جنگلها ، افزودن

نخلستان های کثیر المنفعه اهتمام ورزیده ازین رهگذر در پیشرفت حیات اجتماعی وطن خدمت نمائید . »

« عزیزان من ! درین فصل، نهال شانی یکی از امور نافعۀ زندگانی شمرده میشود ، کثرت اشجار هوا را صاف مینماید در ملت تندرستی و صحت مندی بار میآورد ، سبب نزول باران میشود ، کوههای بلند شما را طراوت و سرسبزی و صحراها و درهای وطن تانرا لطف و زیبایی میبخشد . نهال شانی در ترقیات وطن شما (که آنرا دست قدرت بیشتر برای تربیۀ اشجار و زراعت مهیا فرموده) خدمت میکند . میوه آن در ثروت و سرمایه ملی تان می افزاید . »

« پیشبرد امور زندگانی در ساحت پهنای گیتی محصول اعمال و آمال بشری است . پس خوش بخت کسانی هستند که مساعی قیمت دارشان وسایل سعادت اجتماعی را تامین کرده آیندۀ جامعه را از زحمات امروزی خود مسعود و بر و مند مینماید . بنابراین بغرض توسعه نهال شانی و تشویق و توجه عموم باین مفکوره ملی به تمام رعایای عزیزم امر میفرمایم تا امسال تمام مراکز ولایات و حکومتات اعلی و کلان و حکومت های ثلاثه و علاقه داریها ، بروزیکه برای میله قلبه آشی رخصتی عمومی قرار داده شده . و در هر محل به تقاضای موسم معین میشود همه افراد اعم از مامورین کشوری و لشکری و اهالی اجتماع ورزیده در اختتام میله قلبه کشی کسانیکه اراضی شخصی داشته باشند در اراضی شخصی خود ها و باقی اشخاص ، بموضع قابل نهال شانی که متعلق بمقاد عمومی باشد هر یک فراخور حال نهال شانی کنند و این روز تفریح و میله را که محض آبادانی و سرسبزی مملکت تخصیص داده شده با کمال خوشی و مسرت گذرانیده هر فرد بنوبۀ خود در خدمت نهال شانی و سرسبزی وطن حصه بگیرد . درخاتمه از پیشگاه .

و قایع مهمه داخلی

صراحت خداوندی سعادت و ترقی ملت عزیز خود را نیاز و استعداء داشته اعتلای این جامعه اسلامی را خواستاریم .

« محل امضای اعلیحضرت همایونی »

تزیید معاشات مامورین ملکی و نظامی و افراد عسکری

حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه هیچ امری را بلند تر و مهمتر از صرفه الحالی ملت و آرامی مامورین و خدام صادق ملت و حکومت نمیداند و چنانچه بالمرئیه دیده میشود ذات شاهانه و اعمام شریف و نجیب شان شب و روز در فکر تحصیل و سایط سعادت و آرامی اهالی و طن انهماک دارند . باین جهت بعد از آنکه در عواید مملکت استعداد تکمیل مصرف تزیید معاشات عموم مامورین لشکری و کشوری و افراد عسکری را مشاهده کردند تا بران اراده سنیه ذات شاهانه متاسی از افکار عالی پدر نامور شان (اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید) متقاضی آن شد نادر ضمن ترتیب بودجه سالانه ، معاش عموم مامورین کشوری و لشکری و افراد عسکری افغانستان را بقدر ۲۵ فیصد تزیید فرمایند ، جهت ابلاغ این امر و اراده ذات ملوکانه بروز دوشنبه ۱۷ حمل در قصر دلکشا و الا حضر تین و عموم کابینه وزرا و و کلابی شورای ملی و اعضای ریاست عالی اعیان و دیگر مامورین بزرگ کشوری و لشکری حسب دعوتیکه از آنها بعمل آمده بود حضور بهم رسانیده بحضور شهریاری مشرف و اعلیحضرت همایونی راجع به تزیید معاشات مامورین ملکی و نظامی و افراد عسکری اراده سنیه خود شانرا در ضمن يك خطابه جامع و مهم چنین اظهار فرمودند :

عیناً خطابه ذات ملوکانه

« عزیزان من ! »

« خیلی مسروریم که امروز لله الحمد قدم دیگری در راه حصول رفاهیت عامه برداشته میشود و بازم در نتیجه سعی و جدیت مأمورین دولت پیشرفت نوی حاصل میگردد »

« چون پدر بزرگوارم اعلیحضرت شهید سعید در طول حیات پر زحمت خود بجز فکر رفاهیت افراد این خاک و اولاد این وطن اعم از طبقات مختلفه آن مقصد دیگری نداشتند و در زمره آمال و آرزوهای بهی خواهانۀ شان یکی افزودی معاش مأمورین کشوری و افراد و افسران عسکری بود چنانچه این منظور شاهانۀ شان را از همه اولتر برای افراد عسکری که بخد مت این خاک مجاهدت ورزیده اند ارزانی فرموده و در آغاز سلطنت خود در معاش عسکری بقدر لزوم افزودند ، در ایام سلطنت شان این مقصد در دایره وسیعتری نفوذ کرده و هر فرد بقدر وسع خویش به تعقیب این مفکوره کوشیده نتایجیکه ازان متصور بود چه در زمان حیات شان و چه در دوره حکومت مایگان یگان بظهور میرسد و بهمان اساس در بدو حکومت ما نیز در معاش افراد عسکری افزودی دیگری بعمل آمد و بعداً فعالیتیکه هیئت دولت و نمایندگان ملت درین چند سال اخیر برای پیشبرد حالت اقتصادی وطن بعمل آورده اند در حیات عمومی ملت عزیزم اثرات مفیدی بخشیده و امروز در جنبه های اقتصادی مخصوصاً در شعبه تجارت و زراعت روح تازه پیدا شده که برای رفاه عمومی خیلی باعث اطمینان و امیدواری است » .

و قایع مهمه داخلی

« در اثر همان جدیت در راه اقتصاد امروز ، حکومت به آن منزلی رسیده که برای طبقه مامورین عسکری و کشوری نیز کمکی کرده و معیشت شان را بصورت بهتری آماده بسازد . »

« برای این امر احکام لازمه صادر نمودیم تا از آغاز این سال بصورت عموم در معاش مامورین دولت و افسران و افراد عسکری افزودی لازمه کرده شود . »
« باید اظهار کنیم بهودی که درین شعب حاصل شده بجز نتیجه همکاری صحیح مامورین شعب مختلفه حکومت و یکسانگی افکار عامه چیز دیگری نیست . پس تو صیه میکنیم که این دو عامل بزرگ ترقی و تعالی را از دست نداده سعی بلیغ نمائید تا ازین راه به منازل بلند تر کامیابی نائل گردید . »

« در خاتمه سعی و کوشش سردار محمد هاشم خان صدر اعظم و وزرای محترم و رئیس و نمایندگان محترم شورای ملی را درین راه تقدیر نموده از درگاه خالق یکتا تعالی وطن محبوب و رفاه ملت عزیزم را التیام می نمایم . »
در پایان خطابه ذات شاهانه و الاحضرت صدر اعظم صاحب چنین معروضداشتند :

« اعلیحضرت محبوب ما »

« در مقابل این فرمایشات گران بهای اعلیحضرت شما از صمیم قلب از طرف خود و همکاران محترم خود و باقی مامورین مملکت و صاحب منصبان و افراد عسکری عرض شکران و امتنان مینمایم »

« هیئت مامورین هر کدام در اثر نیات مبارک شاهانه تنها وظیفه خود را برای پیشرفت مملکت ایفا نموده اند ولی این لطف و مرحمت اعلیحضرت که امروز در حق ما اظهار شده هر کدام را وادار میکنند که باتمام قوا در خدمات

سالنامه « کابل »

محوّله خودها ابراز مزید خدمت و جدیت کنیم و خوشنودی ذات شاهانه شما را اضافه بر اضافه حاصل نمائیم . »

درین شبهه نیست که آن احکام مبارک ملوکانه که به بنده عنوان شده در حیات آتیه مامورین اثر زیادی بخشیده و بهبودی معیشت هر کدام را به پاك نفسی و عقیده فداکاری بذات اعلیحضرت شما و خاک این وطن بیش از پیش راسخ و مستحکم خواهد ساخت مخصوصاً باعث شکران این خادم و باقی همکاران محترم من اینست که ذات ملوکانه نقطه مهم احتیاج مملکت را حس فرموده و نه تنها وسیله بهتری حیات طبقه مامورین و افسران و افراد عسکری را فراهم آوردند بلکه در نتیجه بهبود معیشت هر کدام را بر علاوه پاك نفسی و وظیفه شناسی وادار فرمودند «

» در خاتمه بحضور خدای قادر متعال دعای طول عمر و بقای سلطنت پادشاه معظم خود و ترقی و تعالی روز افزون وطن عزیز را مینمایم . «
(غریب و هلهله عمومی)

تحریرک و اعطای اعانه ملی

برای تقویّه شئون عسکری و صحی و عرفانی مملکت

در حالیکه اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه با پاك سلسله افکار و آمال متمدن و مقدسی بجان آئینده و ترقیات و وطن عزیز ما افغانستان نگریسته و در فراهم آوری اسباب بختیاری و ترقی جامعه از هیچگونه ایثار و فداکاری خود داری ندارند ، با ترمهین احساسات پاك طوریکه عامه هموطنان عزیز ما میداند ذات شاهانه از بدو جلوس همایونی شان بر اریکه افغانستان

وقایع مهمه داخلی

تا کنون چندین اقدامات بی نظیری از قبیل عفو محاصیل صرفیات داخله و محصول پلها و تزئید مشاھره عمومی و غیره بغرض تامین اسباب راحت عمومی نموده اند و در طی هر کدام از اقدام بزرگ ذات شاهان نه شان جامعه را بجا نب رفاهیت پیشرفت و ترقی جلو می برند .

اینست که هنوز ازان اراده بزرگ ذات شاهانه در تزئید معاشات که در حسن زندگی عمومی اثرات خوبی دارد کمی نگذشته که یک اقدام هستی بخش دیگری برای تامین اسباب بختیاری و سر فرازی و طن عزیز ما از حضور ملو گانه صادر و در آن اراده کرده اند که :

از معاش شخصی شان مبلغ (۲۰۰۰۰۰۰) افغانی جهت خریداری طیاره بوزارت حربیه و (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی جهت توسیع موسسات عمرانی بوزارت معارف و (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی جهت ترقی امور صحی بوزارت صحیه اعطاء فرموده اند .

بتاسی از رویه فرخنده همایونی ، علیا حضرت ملکه صاحبه و الده ماجده اعلیحضرت و والا حضرات همشیرهای اعلیحضرت همایونی نیز مبلغ (۱۳۶۰۰۰۰) افغانی جهت موسسات صحیه بوزارت صحیه مرحمت نموده اند . سواد فرمان مبارک ذات شاهان و علیا حضرت ملکه صاحبه ذیلاً اقتباس میشود :

سواد فرمان اعلیحضرت همایونی :

« ج ، ع ، ج عم محترم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم !
« از انجا که حضور ما برای پیشرفت مزید مملکت عزیز خود علاقه مندی تمام داشته و آرزوی حضور ما اینست که امور متعلق بحفظ شئون ملیه و فراهم

آوری وسایل اساسی رفاهیت عمومیہ یک پیمانہ و وسیع تری تامین گردیدہ باشد لہذا برای خریداری طیارہ و توسعه معارف و امور صحیہ کہ در صنوف ضروریات وطن ہر یک بنوبہ خود اہمیت مخصوصی را داراست، ارادہ فرمودیم کہ در ہذا السنہ ۱۳۱۵ - از یول مصارف شخصی ما مبلغ (۴۰۰،۰۰۰) افغانی بمصارف آتی صرف شود :

برای خریداری طیارہ (۲۰۰،۰۰۰) افغانی

برای توسعه معارف (۱۰۰،۰۰۰) افغانی

« امور صحیہ و شفا خانہ ہا (۱۰۰،۰۰۰) افغانی

شمارا امر است کہ مبلغ متذکرہ را از یول مصارف شخصی حضور ما تنقیص نمودہ بمصارف فوق تخصیص و ارادہ حضور ما را درین مورد بمقامات مربوطہ اطلاع بدہید تا خداوند بخواہد امور مذکورہ بہ پیمانہ و وسیعتری تکمیل و تامین شدہ و ازین تصمیم حضور ما وطن عزیز متمتع و مستفید گردد «

(محل امضای ہمایونی)

سواد فرمان عالیما حضرت ملکہ معظمہ :

« ج ، ع ، ج ، برادر عزیزم سردار محمد ہاشم خان صدر اعظم ! »

بشما معلوم است کہ من بغیر سعادت و رفاهیت ملت افغانستان در ظل حکومت اعلی حضرت محمد ظاہر شاہ سلمہ اللہ ملکہ و سلطنتہ دیگر آرزوئی ندارم . از پیشرفت و ترقی کہ بمرحمت الہی امروز در ہر شعبہ نصیب این مملکت شدہ خیلی مسرور بودہ از خدای یاک آمانا میکنم کہ اہالی این وطن ہموارہ در مہد رفاهیت و استراحت کباملہ زیست داشته و افغانستان بمدارج اعلی ترقی نایل آید۔ از انجا کہ حمایت و امداد بمؤسسات خیریہ مخصوصاً موسساتیکہ برای حفظ صحت عمومیہ و تداوی

وقایع مهمه داخلی

مرضای بی وسیله که ازهرحیث با ناگواری زندگانی دست و گریبانند، بوجود آمده وجبیه ذمت خود و خاندان شاهی میدانم، لہذا این موقع کہ ابتدای سال و در نظر است امور صحبیه مملکت بیک بیجانہ بزرگتری نامین شود تصمیم گرفته‌ام کہ مبلغ (۱۳۶،۰۰۰) افغانی از بول معاش خودم و همشیرهای اعالیحضرت از وزارت دربار اخذ و بفرام آوری ضروریات شفاخانه مستورات صرف کرده شود، شمار است کہراجع بہ تعمیل این نظریہ ام بمراجع مربوطہ امر دهید «
(محل امضای ملکہ معظمہ)

خوشبختانہ این اقدام قیمت داربحیثیک تحریک بسیار مفیدی در مملکت انعکاس نموده از طرف عموم بزرگان و تمام افراد مملکت استقبال خوبی گردید چنانچہ بدو موسسه ملی بانک در اثر اقدام فوق اعلیحضرت همایونی وقامیل نجیب شاهی کہ از معاش شخصی خود شان مبلغ (۵۳۶،۰۰۰) افغانی برای تقویہ امور عسکری و توسعه موسسات معارفی و صحی مملکت احسان فرمودند، با عطای مبلغ (۲۷۰،۰۰۰) افغانی بعنوان اعانه جهت خریداری طیارہ و صرف در توسعه موسسات صحی و عرفانی اقدام نموده بہ تفصیل ذیل :

- ۱ - بانک ملی (۱۵۰،۰۰۰ افغانی)
 - ۲ - هیئت مدیرہ از بول شخصی خود ها :
 - الف : رئیس بانک (۵۰،۰۰۰ افغانی)
 - ب : هیئت مدیرہ بانک (۵۰،۰۰۰ افغانی)
 - ۳ - باقی مامورین بانک ازدک معاشات شان (۲۰۰،۰۰۰ افغانی)
- جمله (۲۷۰،۰۰۰) افغانی

از طرف دیگر بنا بر احساسات وطن دوستی و علاقه مندی بہ شئون عسکری

سالنامه « کابل »

مملکتی که خاصه تمام افراد مملکت عزیز ما بوده ، مخصوصاً مامورین حساس بیشتر بآن متوجه میباشند ، کابینه محترم وزرا بنابر درخواستهای متعدد مامورین کالت و ترجمانی از حسیات و تمایل تمام مامورین لشکری و کشوری عریضه بحضور همایونی تقدیم و خواهش نمودند تا از معاش عموم مامورین مملکتی به تفاریق ذیل اعانه قبول شود :-

يك ماهه	از معاش وزراء
» نیم »	» معین ها و رئیس ها
۲۰ روزه	» مدیر های عمومی
» ۱۵	» مدیر های شعبه
» ۱۰	» مامور ها و سر کاتب ها
يك هفته	» کاتب ها

چنانچه حضور مبارك ملو کانه این عریضه خالصانه را پذیرفته اعانه مامورین مملکتی را بشرح فوق قبول و از احساسات نیک کافه مامورین وطن ممنونیت حضور شاهانه را اظهار فرمودند .

سپس دامنه تحریک اعانه و نهضت تعاون اجتماعی در سرتاسر مملکت امتداد و انتشار یافته بتدریج تمام طبقات ملت اعم از افراد عسکری و تجار و بسیاری از منولین و مؤسسات مختلفه داخلی و قسمت بزرگ افراد ملت مطابق استعداد خویش باعطای اعانه مبادرت کردند که تفصیل آن در جرائد داخلی درج گردیده . و البته از نظر ار باب دانش پوشیده نیست که بزرگترین عامل ترقی و پیشرفت يك مملکت عبارت از ایثار افراد و تعاون ملت و حکومت است که خوشبختانه تحریک عمومی اعانه نمونه بلندی را از احساسات وطن پرستی و ایثار و مفکوره تعاون ملت افغان نشان میدهد .

مرض حمای لکه دار در ایبک و دفع آن

در ماه ثور بملافة منقوظان ایبک مربوط ولایت مزار دفعته مرض نامعلومی ظاهر و بدو بعضی افراد از ان تلف شدند ، بتاريخ ۲۰ ثور اطلاع حدوث مرض مذکور واصل مرکز گردیده از طرف وزارت صحیه بصورت فوری یک هیئت مکمل صحی و طبی و سامان و اوازم کافی بمحل مزبور اعزام و بعد از انفاذ اصول فرانتین در اطرف علافة مبتلا بمرض ، میکر و بهای مرض محفوظاً بکابل آورده مورد تجربه دقیق طبی قرار داده شد و ثابت گردید که مرض مذکور (حمای لکه دار) است . متصل آن در خود منطقه شیوع مرض از طرف هیئت طبی وزارت صحیه تمام مبتلایان تحت مداوی گرفته شده اشخاص سالم جدا کرده شدند . در نتیجه این اقدامات فعالیت کارخانه در ظرف کمتر از ده روز مرض مذکور بکلی از علافة مزبور دفع گردید و از فضل خداوندی به هیچ یک نقطه دیگر سرایت نکرد .

افتتاح سال سوم دوره دوم شورای ملی

در آخر سال گذشته که نمایندگان شورای ملی بسبب تعطیل سالیانه مرخص و باوطنان خود مراجعه کرده بودند ، در برج ثور بمناسبت ختم دوره تعطیل دوباره بر مرکز رجوع نموده و در ظرف چند روز تماماً حاضر گردیده بودند بنا بران بر حسب مقررات اصول ، از حضور اعلیحضرت شهر یاری روز پنجشنبه ۱۴ جوزا برای افتتاح سنوی این مجلس عالی مقرر و در روز مزبور ساعت ۱۱ قبل از ظهر عموم وزرا و معین ها و وکلای محترم دارا لشورای ملی بو ارا کین مجلس عالی اعیان و رجال معظم و مامورین بزرگت ملی و نظامی

سالنامه « کابل »

بعمارت مجلس حاضر شدند. ساعت مقرر اعلیحضرت همایونی نیز تشریف آورده پس از ادای مراسم، نطق نهایت فصیح و بلیغی را ایراد فرمودند، در جواب خطابه شاهانه ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی معروضه مفصلی را راجع بشکریه از بیانات جامع اعلیحضرت بسمع همایونی رسانید و در خاتمه ج، ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت صدر اعظم صاحب نیز خطابه بلیغی دایر بر مراسم مخصوص اعلیحضرت همایونی نسبت بخدمات کابینه وزرا و مامورین ایراد نموده مجلس شورای ملی با ترتیبات مسرت افرا افتتاح و ذات شاهانه و مدعوین محترم معاودت فرموده نمایندگان شورای ملی بکار خود آغاز کردند.

افتتاح سناتوریم نسوان

در ماه جوزا ساختمان سناتوریم نسوان که بنادر الفنون تحت تعمیر بود تکمیل و لوازم کار آمد آن تهیه گردیده، باین تقریب از جانب وزارت صحیه بروز ۲۰ جوزا ترتیبات افتتاحیه آن فراهم آمده ساعت مقرر مدعوین حضور بهم رسانیدند. اخیراً ج، ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت صدر اعظم صاحب و ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان فاتح کابل وکیل وزارت حربیه نیز تشریف آورده سناتوریم مذکور به نطق غرای والاحضرت صدر اعظم صاحب افتتاح و مقابله ع، ج غلام بچی خا، وزیر صحیه بوکالات مامورین صحیه جوابیه مفصلی بمرض رسانید. بعد از آن با کف زدنهای عموم مراسم افتتاح سناتوریم نسوان که از موسسات مهم صحی عصر موجوده و اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست خاتمه یافت.

هژدهمین سال استقلال وطن

امسال باز بعادت همه ساله میله جشن هجدهمین سال استقلال وطن که بهترین یادگار مهم ترین خدمات تاریخی یک فرزند بزرگ و زعیم و وطن پرور افغانستان یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید و شهر یار نامدار فقید ما و بهترین محصول سر بازی و فداکاری او لادر شید و جسور این مملکت تاریخی است مانند سال گذشته از جانب عموم ملت و حکومت باعزت و احترام و تزیینات فوق العاده در مرکز و ولایات و حکومتی های اعلی و کلان و جوامع ملی پذیرائی و استقبال کرده شد.

جشن استقلال امساله وطن که سومین بار است بدوره زعامداری اعلیحضرت شهریار جوان بخت ما المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه مصادف میکنند در پای تخت (کابل) حسب اراده سنیه ذات همایونی و توجیحات مخصوص والا حضرت اشرف ج، ع، ج، ا، ا، نشان صدراعظم صاحب و ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان غازی و کیل وزارت حریه اقسام تزیینات و تجلیات فوق العاده را که شایان استقبال چنین روز با افتخار تاریخی است دارا بود و از شروع این روز مسرت اندوز تا روز اختتام آن همه نوع و سایل تفریح و ساعت تبری از قبیل رسم گذشت عسکری، انداخت، مسابقه های متنوع، نمایشات صنایع و ورزشکاران ها، بازیهای المپائی، هر قسم سرودهای ملی، موزیک های عسکری، جریان رادیو و دیگر ذرایع انبساط آور که تفصیل آن در مطبوعات مرکز نشر شده در تمام مناطق جشن آماده و مهیا گردیده بود. بروز اول جشن که مصادف بود باروز ۲۲ اسد جهت استماع خطابه اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه بسلاخانه عمومی هیئت معظم

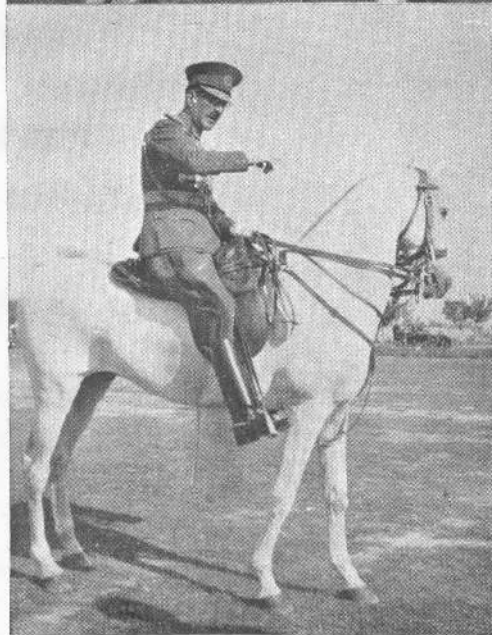
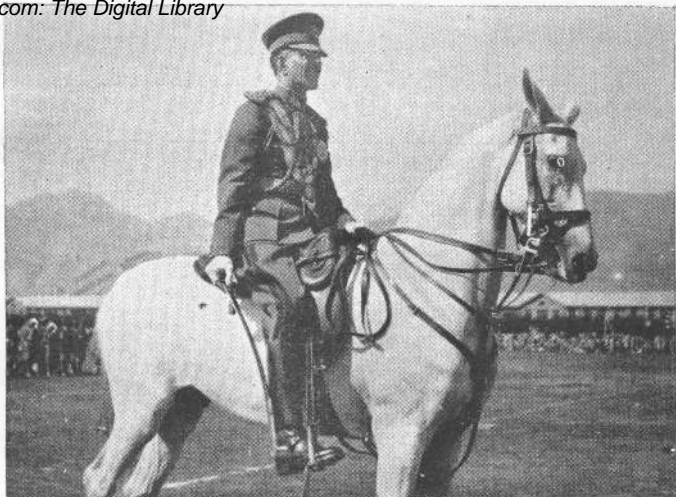
دولت و علما و فضلا و هیئتین مجالس شورای ملی و اعیان و مامورین بزرگ
عسکری و کشوری و کور دیلو ماتیک و دیگر معز زین حضور بهم رسانیده
جشن استقلال سال ۱۸ و طن به نطق بلیغ ذات ملو کانه افتتاح و با حرارت
و مسرت از جانب عموم طبقات مخصوصاً عرابض تبریکه هیئت شورای ملی و
نطق جوایبه والا حضرت صدر اعظم صاحب و کور دیلو ماتیک مقیم کابل
استقبال و پذیرائی گردید .

علاوتاً در طول ایام جشن و قبل و بعد از آن علما و فضلا و شعرای وطن بزبان ملی
پشتو و فارسی بسی خطابه ها و منظومه های فصیح و بلیغی را با استقبال جشن و
استفاده اهالی کشور عزیز ما در هر رشته سروده بوسیله رادیو و مطبوعات
منطقه و سایر جراید مرکزی در دسترس استفاده هموطنان دور و نزدیک
گذاشته شد ، همچنان نظر بمطالعه جراید اطراف ولایات افغانستان عیناً همین
روح قدر شناسی اهالی مرکز درین ایام مسعود تاریخی وطن انعکاس نموده
بهر جادرمراکز نائب الحکومه گی ها و حکومت اعلی و کلان از طرف مأمورین
حکومت و سایر طبقات ملی ترتیباتی بغرض پذیرائی جشن استقلال گرفته شده
در طول ایام جشن انواع مسابقه ها و ذرایع تفریح و مسرت و انبساط از قبیل
سرود های ملی و نشاید وطنی و نمایشات عسکری و غیره جریان داشته بهر
جا با جوش و خروش و پذیرائیهای عمومی میله مذکور خاتمه پذیرفت .

سالگره میلاد اعلیحضرت همایونی

و جشن نجات وطن :

امسال بعد از همه ساله بروز پنجشنبه ۲۲ میزان کور دیلو ماتیک مقیم کابل
وورای کابینه و نمایندگان ملی و باقی مامورین و معززین مرکز بقصر دلکشا



از مناظر جشن
استقلال سال قمری ۱۰۱۰

ع، ج ۱۰۱۰ نشان
والا حضرت سردار
شاه و لیخان غازی
و کیل وزارت حربیه
موقع اجرای رسم
گذشت از حضور
ملوکانه

والا حضرت افخم و کیل
صاحب وزارت حربیه
در موقع رسم گذشت
عسکری

وقایع مهمه داخلی

رفته بهترین تبریکات خود را بمناسبت سالگه تولدی ذات شاهانه عرض و بکتاب مخصوصیکه از طرف عالیقدر جلالتهاب سرمنشی صاحب حضورملوکانه برای پذیر فن نگارش تبریکات وضع شده بود تحریر و امضا نمودند ، همچنان بر روز جمعه ۲۳ میزان بموجب دعوتنامه هائیکه از طرف وزارت جلیله دربارقبلاً توزیع شد بود معززین فوق بساعت معینه در قصر دلکشا اجتماع نموده جشن هشتمین سال نجاه وطن « که یادگار روز تجدید سعادت و خوش بختی ملت بوده و به نبروی بازوی توانای یگانه فرزند فوق العاده افغانستان اعلیحضرت محمدنادرشاه شهید سعید و برادران رشید و نجیب شان و افراد فداکار وطن دران روز دوباره روابط اخوت و صمیمیت بین افراد و طبقات این ملت قایم شده است » به نطق بلیغ و جامع ذات همایونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه افتتاح گردید . چنانچه خطاباً ذات ملوکانه از جانب رئیس و نمایندگان مجلس شورای ملی و کفئه ملت افغانستان جداگانه و از طرف ع ، ج ، ا ، ۱ ، نشان و الاحضرت سردار شاه ولی خان غازی فاتح کابل و کیل صداره عظمی باصمیمیت و خلوصیت فوق العاده استقبال گردید .

همچنان بامسرت تمام در مرکز و عموم ولایات و حکومتی های اعلی و کلان با ترتیبات مجمل رسمی و ملی حفلات خوشی و چراغان بعمل آمد که در اثنای آن فرد ، فرد اهالی افغانستان بانهایت ، صمیمیت و نیاز بهترین ادعیه خالصانه خود را بروح پاک یگانه منجی وطن اعلیحضرت شهریار شهید و باقی سربازان معرکه این خدمت خجسته و با افتخار ، تقدیم داشته سعادت همیشه وطن و موفقیت و نیکنامی دارین اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان بخت افغانستان و اعمام رشید و شریف و تمام خاندان نجیب شاهی و دیگر

سالنامه دکابل >

خدام صادق وصیمی وطن که درین مرحلهٔ پرخطر صداقت و ملت دوستی خودها را بایثبات رسانیدند از درگاه حضرت احدیت جل شانه خواستار شدند .

مرض وبا در زرمتم و دفع آن

در فصل خزان امسال در علاقهٔ زرمتم مربوط حکومت اعلای جنوبی و بعضی قریه جات کتواز و علاقهٔ اندری مربوط حکومت کلان غزنی مرض وبا ظهور نموده در اول بعضی تلفات جزئی ازان بعمل آمد ولی همینه اطلاع عارضهٔ مذکور بر کوز بر کوز وارد شد بصورت معجلانه یک هیئت مکمل صحیح و عطبی باسامان و لوازم کافی از طرف وزارت صحیح به نقاط مذکور اعزام و بعد از نفاذ اصول قرائطین به معیت شفاخانه های سیار محلی شروع بمقابله و مداومهٔ مرض مذکور نمودند و در نتیجهٔ این اقدامات فعالیت کارانهٔ وزارت صحیح حرض مذکور بظرف کمی دفع و اکثر مبتلایان آن در اثر تداوی صحت یاب گردیدند و نیز از فضل خراوندی مرض مذکور بدیگر نقاط مجاوره سرایت نکرده جایجا در خود همان مواضع مبتلا بمرض خاموش گردید .

افتتاح شفاخانهٔ امراض عقلیه و عصبیه

در حالیکه ساختمانی عمارت شفاخانه امراض عقلیه و عصبیه (که در جناح چپ رفقی سناتوریم در نقطهٔ خوش آب و هوای علی آباد واقع شده) انجام گردید متصل آن ترتیبات افتتاح شفاخانهٔ مذکور از طرف وزارت صحیح تهیه و بروز یکشنبه ۹ عقرب حسب دعوت وزارت مغری الیها وزرا و رجال عالی رتبه لشکری و کشوری و اطبای مربوط وزارت موصوفه بعمارت شفاخانه حضور بهم رسانیده بساعت معین ۸ ، ۷ ، ۶ ، ۵ ، ۴ ، ۳ ، ۲ ، ۱ نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان

وقایع مهمه داخلی

غازی و کبل صدارت عظمی و وزارت جلیله حریه نیز تشریف آورده شفاخانه (امراض عقلیه و عصبیه) را توسط ایراد یک خطابه نهایت بلیغ و مفید افتتاح فرمودند ، بجواب نطق والا حضرت غازی ع ، ج وزیر صاحب صحبه نطق مفصلی بسمع مبارک شان رسانیده پس از تعاطی نطقها و تماشای مفصل عمارت شفاخانه و صرف عصر به مجلس منحل شد .

مسافرت والا حضرت صدراعظم صاحب و بازگشت مسعودشان

در فصل خزان امسال ج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم محترم ما بعلت تداوی مرضیکه از کثرت مصروفیت های شباروزی و مشاغل مهمه مملکت بوجود مبارک شان عارض شده بود بمشوره اطباء بتاریخ ۱۹ میزان از راه هند تشریف فرمای اروپا گردیده در شفاخانه های المان بوسیله عملیات جراحی معالجه شدند ، چندی بعد از عزمیت والا حضرت شان خوش بختانه مژده عودت صحت ذات سامی و عافیت کامله وجود مسعودشان را که خدایش پیوسته در حمایت خود داشته باشد ، از جرمنی ذریعه تلگراف حاصل داشتیم و جراید وطن قبلاً این مژده بزرگ را بعموم ملت افغانستان ابلاغ نمودند .

متعاقباً والا حضرت بمدوح پس از عودت صحت با سعادت شان بعض ممالک اروپا را که با ماعلاقه دوستی دارند و در سر راه مراجعت شان واقع بود بفرض استفاده بوطن سیاحت فرموده اخیراً از طریق هند مع الخیر و العافیه بتاریخ ۱۹ حوت وارد خاک پاک وطن شده از سرحد تورخم مشرقی تا خود کابل از جانب تمام طبقات ملت و حکومت یندیرائی بطور فوق العاده و بنا نهایت احترام و حرارت استقبال گردیدند ، تفصیل آنهمه قدر دانهای ملت و حکومت افغانستان را که در موقع ورود این

سالنامه د کابل

رجل نامی و فرزند فعال و فداکار صحیح افغانستان بمشاهده رسید ه شده قبلاً مطبوعات وطن انتشار داده اند .

والا حضرت سردار محمد هاشم صدراعظم محترم ما که قسمت عمده حیات با برکات شان شریفانه در راه خدمات مهمه و تهیه وسایل سعادت مملکت و ملت سپری شده مخصوصاً چه بدوره مصیبت و بدبختی انقلاب گذشته و چه بعد ازان بدوره صدارت با افتخارشان وجود مبارک آنها مصدر خدمات برجسته و فداکاریهای نسیان ناپذیری گردیده و ازین راه حقوق زیادی بر ذمه ملت ثابت کرده اند ، حقیقتاً علاء المزاج گرامر شان^{*} منتها درجه اسباب تاجر و اندوهگینی این ملت شده بود و اینسکه امروز می بینیم از فضل و عنایت ایزد پاک با صحت کامل و شفای عاجل دوباره وارد وطن گردیده زمام مهم امور صدارت عظمای افغانستان را بکف با کفایت خود گرفتند خیلی اسباب خورسندی عموم طبقات ملت بوده از حصول این نعمت عظمای خداوندی که بهترین وسیله مسرت و اطمینان خاطر ما گردیده است ، شکرانه لصف حضرت ایزد متعال را بجای آریم .

ورود مسعود والا حضرت وزیر صاحب حربیه

در اخیر سال گذشته ع ، ج ، ۱۰۱ ، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی وزیر حرب و سپه سالار معظم ما بسبب معالجه علائیکه از کثرت کار و زحمت بوجود مبارک شان عارض گردیده بود مطابق مشوره اطباء اروپا تشریف برده خوش بختانه طوریکه از خداوند تعالی در زمینه عودت صحت این فرزند نامی ورشید افغانستان آرزو داشتیم در شفاخانه های المان معالجه شدند ، خبر مسرت آور عودت صحت مبارک شان مکرر ذریعه تلگراف روشنی بخش دیده عموم ملت گردیده قبلاً ذریعه مطبوعات ملی بهر ض تسلی همکشان نشر شده بود .

بعد از صحت کامله والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی بدوره این

وقایع مهمه داخلی

مسافرت شان نظر بهمان عشق سر شار فطری که بسعادت و پیشرفت کشور عزیز خود دارند بغرض استفاده بوطن اکثر یای تخت ها و شهرهای مهم و جریانات عمده ممالک اروپا و آسیا که با ما علائق و داد و دوستی دارند و در خط راه مراجعت شان واقع بود نیز سیاحت فرموده در اثنای آن از طرف اهالی و اولیای امور هر مملکت محترمانه پذیرائی شدند . اخیراً از راه مملکت دوست و همسایه ما ایران مع الخیر و العاقبه بتاریخ ۲۸ عقرب از سرحد اسلام قلعه هرات وارد خاک و وطن گردیده از آنجا تا خود کابل باحرارت زیاد و فوق العاده بهر موضع از جانب عموم طبقات ملت و حکومت پذیرائی و بناریخ ۱۷ فوس به کابل تشریف آوردند . در مرکز نیز از جانب عموم طبقات و حکومت قدر شناس ما استقبال شایانی از والا حضرت شان بعمل آمده . متصل آن زمان امور وزارت حریه افغانستان را که در غیاب شان برادر بزرگوار شان والا حضرت سردار شاه و لیخان غازی کفالت میفرمودند بایک عزم قوی و صحت کامله بکلیف با کفایت خود گرفتند .

ما به تقریب این دومیّه مهمه که عرذت بوطن و صحت کامله این ذوات معظم و خدام صادق افغانستان یعنی ذات والا حضرت صدر اعظم صاحب والا حضرت وزیر صاحب حریه ماست از خدای مهربان خیلیها شاکریم .

نهضت زبان ملی پشتو

نهضت زبان ملی پشتو که باعث مسرت و افتخار عموم ملت افغانستان است درجه دیگر ترقیات علمی و ادبی و احیای آثار و افتخارات ملی از ملحوظات مقدس تاجدار فقید ما اعیان حضرت محمدنار شاه شهید سعید بود چنانچه از ابتدای جلوس مبارک شان براریکه مملکت متصل هم در ترویج و احیای این وسیله مهم وحدت

سالنامه « کابل »

و مفاهمه تمام ملت اقدامات نادرانه بعمل آمد ولی نهضت مهم و حقیقی این زبان ، در پهلوی احیای آثار و ادبیات فارسی کوه پایه های تاریخی وطن ، سرهون همت جوان و آراء و افکار بلند المتوکل علی الله علیه حضرت محمد ظاهر شاه تاجدار جوان بخت موجوده ماست که از بدو سلطنت پرمسرت شان بهمان نصب العین بزرگ و عالی پدر نامورشان علیه حضرت شهید سعید از قوه بفعل آمده بتاسی هدایات و نظریات جهان قیمت ملو کانه بعضی جراید ، کتب و آثار تازه تری درین زبان از جانب فضلالی وطن تحریر و مورد استفاده ابناى وطن قرار داده شده ، گذشته ازان تعمیم و فهمیدن این زبان را برای اولاد های مملکت بصورت ادبی اراده فرموده تدریس آنرا جزو پروگرام معارف قرار دادند و نیز بغرض وسعت و علمی گردانیدن لسان ملی موصوف انجمن ادبی پشتومر کب از فضلال و ادبای دانشمند وطن بمعاشات کافی تشکیل و در بیان این همه اقدامات قابل قدر پادشاه جوان بخت ما از لسان قدیم و تاریخی افغانستان بتاریخ (ماه عقرب) فرمان شاهانه صادر گردید که دران تامدت سه سال یاد گرفتن تکلم و کتابت پشتو بر کافه مامورین و وظیفه دار مملکت بصورت لازمی اراده و ارشاد رفته است بتاسی آن در سال جاری از جانب مامورین فعال و اهالی رشید وطن این اقدام و اراده شریف ذات شاهانه باصمیمیت و توجه فوق العاده پذیرائی گردیده در مرکز و ولایات مملکت کورسها و دیگر وسایل فردی واجتماعی تعلیم پشتو تاسیس و پیشرفت آن بجدت ملحوظ است . ذیلاً سواد منشور شهراری اقتباس میشود .

سواد فرمان ذات شاهانه

« ج،ع،ح، ۱۰۱ ، نشان عم محترم سردار شاه ولی خان غازی وکیل صدراعظم !
« مسلم است مسئله زبان در وحدت ملیه و حفظ آداب و شعایر یک ملت اثرات

وقایع مهمه داخلی

معنای داشته و توجه باین موضوع از جمله ضروریات حیاتیه يك مملکت بشمار میرود . چون در مملکت عزیز ما از طرفی زبان فارسی مورد احتیاج بوده و از جانب دیگر بعلم اینکه قسمت بزرگ ملت ما به لسان افغانی متکلم و مامورین هلی الا کثر بسبب ندانستن زبان پشتو دچار مشکلات میشوند ، لهذا برای رفع این نقیصه و تسهیل معاملات رسمی و اداری اراده فرموده ایم همچنانکه زبان فارسی در داخل افغانستان زبان تدریس و کتابت است در ترویج و احیای لسان افغانی هم سعی بعمل آمده از همه اول مامورین دولت این زبان ملی را بیاموزند و آنرا در محاوره و کتابت شامل کنند . شما بوزارات و نواب الحکومگی ها و حکام اعلی و قو ماندانیت های عسکری و تمام دوا بررسی امر بدهید که مامورین کشوری و لشکری مربوط خود را مکلف نمایند که تا مدت سه سال لسان افغانی را آموخته در محاوره و کتابت مورد استفاده قرار دهند تا خدا بخواتمه عموم مامورین افغانستان بزبان افغانی هم تکلم و کتابت توانسته در امور مملکتی تسهیل و برای آنها یور عایا از این جهت تکلیفی عاید نباشد .

(محل امضای اعلیحضرت همایونی)

عریمت والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی بارو

خوانندگان محترم اطلاع دارند که ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی فاتح کابل در سال گذشته از وزارت مختاری اعلیحضرت در فرانسه ، بقرض شرفیابی حضور شاهانه و دیدن وطن و ملاقات عموم ملت تشریف فرمای وطن گردیده دیده عموم ملت و جمیع خدمت گاران صادق این مملکت را بقدم م مسعود خود روشن گردانیدند ، و ز ما نیکه ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت وزیر صاحب حریره جهت معالجه عازم اروپا شدند ، والاحضرت

سالنامه « کابل »

فاتح کابل بوکالت وزارت حربیه تعیین و امور قشونی افغانستان را بکفایت خود گرفتند ، متعاقباً چون ج ، ع ، ج ، الاحضرت صدر اعظم صاحب نیز بغرض معالجه باروبا عزیمت فرمودند از حضور اعلیحضرت همایونی علاوه بروظایف و کالت وزارت حربیه کفالت امور صدارت عظمی هم باین ذات فعال و فرزند لایق افغانستان مفوض شد ، بنابراین فاتح کابل درطول مدت غیاب والا حضرتین معظمین وظایف اور وزارت حرب و مقام صدارت عظمای افغانستان را بوضع شان داری اداره نموده بسبب آن رضائیت حضور شاهانه و دعا گوئی تمام ملت را بیش از پیش حاصل داشتند ، در اواخر امسال که لله الحمد والا حضرتین معظمین صدر اعظم صاحب و وزیر صاحب حربیه مع الخیر و العاقبه متصل همدیگر وارد وطن و امور مفوضه خود شان را تسلیم گردیدند ، والا حضرت فاتح کابل که خدایش در همان خود داشته باشد ، بروزیکشنبه ۲۴ حوت درقصر صدارت عظمی ج ، ع ، ج والا حضرت صدر اعظم صاحب و الاحضرت وزیر صاحب حربیه و کابینه وزراء و مأمورین کشوری و لشکری و نمایندگان ملی و باقی ذواتیرا که جهت وداع شان حضور بهم رسانیده بودند خدا حافظی نموده بصوب ماموریت خود شان (وزارت مختاری اعلیحضرت درفرانسه) راه سیار گردیدند .

وفیات مهمه

جناب سید عبد الله خان : مرحوم سید عبد الله خان مدیر عمومی سیاسی که یکی از جوانان حساس و فاضل و خدمت گار صادق این وطن بودند از مدتها در وزارت امور خارجه افغانستان بعهده های مختلفه شرف امتیاز داشت بتاریخ ۲۹ قوس در اثنای خدمتیکه عبارت از معاینه امور سرحد داری ولایت قطن و بدخشان باشد و آن مرحوم از جانب وزارت امور خارجه بآن

وقایع مهمه داخلی

مامور گردیده اعزام شده بود بزمان عبور از رود خانه منشعبه آمو مفروق و برحت حق پیوسته انا لله و انا الیه راجعون .

همدرد بهائیکه از طرف حکومت خادم نواز ما بتقریب ورود اطلاع فوت این جوان لایق بمرکز ، در فاتحه داری و سوگواری این جوان نا کام بعمل آمد در خور شکر و سیاس گذاری است ما بنوبه خود از درگاه الهی برای آن خادم صادق حکومت و مملکت مغفرت استدعا نموده به باز ماندگان شان عرض تسلی مینمائیم .

جناب سید محمد شریف خان سریاور : جناب سید محمد شریف خان فرقه مشر و سریاور حریمی حضور مبارک همایونی که در تمام ادوار زندگی بوطن عزیز خود فدا کارانه و صمیمانه خدمت می نمودند و مخصوصاً در مرحله نجاته وطن بشرف معیت اعلی حضرت شهید سید ممتاز بوده مصدر خدمات شایانی گردیدند . این جوان نا کام در اخیر جدی بسبب سقوط از اسپ شدیداً صدمه یافته متعاقب آن برحت حق پیوست انا لله و انا الیه راجعون ، وفات حسرت آیات آن مرحوم خلیلهای باعث تأردوستان و عموم خدمت گاران این مملکت واقع گردید ، مخصوص از حضور مبارک اعلی حضرت همایونی و والاحضرتین سردار شاه ولی خان غازی و کبیل صداره عظمی و سردار شاه محمود خان غازی وزیر امور حرب در حادثه فوت مشار الیه اظهار تأثر و همدردی بعمل آمده مراسم فاتحه داری و سوگواری آن مغفور هم دروزاره امور حریه اجرا گردید

مابنوبه خود از حضرت احدیت جل شاناه برای این جوان نا کام و خادم صمیمی حکومت معظم خود طلب آمرزش نموده و برای بازماندگان شان عرض تسلیت مینمائیم . جناب آدم خان : جناب آدم خان مشاور صداره عظمی که یک شخص شریف و خادم صادق حکومت متبوع و وطن عزیز ما افغانستان بودند و در تمام ادوار حیاتی خود

صهیانه مصدر فعالیت گردیده مخصوصاً در مرحله نجات وطن هم بجزه مدافعین سهمی داشته است و بجایزه خدمات خود از پیشگاه حکومت خادم نواز، مدتی برتبه رفیعه معینی اول وزارت جلیله داخله و مشاوری صداره عظمی و حکومت کلان غزنی مقرر و رضائیت حضور مبارک اعلیحضرت همایونی را برای خود حاصل داشت، اخیراً در ماه دلو بسبب مرضی که از مدتی بآن دچار بود بجوار رحمت ایزدی شتافتند. انالله وانا الیه راجعون

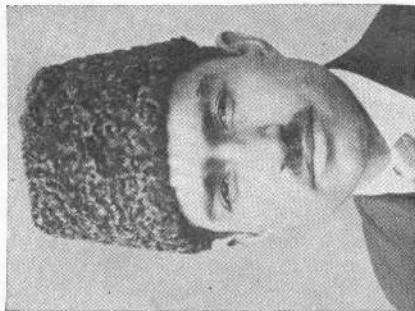
کذا جناب رمضان خان فرقه مشر مسعودی و جناب لال کی خان فرقه مشر وزیری و جناب خورشید خان مهمند والد امجدع، ج، ۱۰۱، نشان محمد گل خان وزیر داخله که هر سه تن از رجال مهم و صادق مملکت بودند - در طول این سال وفات یافته اند انالله وانا الیه راجعون که ما برای آن مرحومان طلب آمرزش و برای بازندگان شان تمنای صبر و تسلیت میکنیم.

اوضاع طبیعی جوی

امسال از مراحم خداوندی سال بسیار نیکو و متنها مبارکی بود چنانچه در تمام نقاط مملکت براسم مساعد برفها و بارانهای متوالی بس نفعی نزول و موجب آبیاری زراعت و آبیاری زراعت موجب فراوانی آب گردیده است و از قرائن طبیعی و تجارب همه ساله حدس زده میشود که این بارانها و نزول برفهای فراوان موسمی در تمام مملکت عزیز ما باعث کثرت آب رودخانهها و جویبارها و خوبی زراعت و شادابی اشجار و سرسبزی دشت و دامان کوه پایه های وطن شده سعادت زارع و مالدار و سائر افراد وطن را از همه جهت تامین خواهد کرد. همچنان از فضل ایزد متعال حوادث ناگوار طبیعی از قسم سقوط صاعقه ها و نزول سیلابها و دیگر واقعات جوی از قبیل سرمای مفرط و غیره که با کثرت برف و بارانها توأم میباشد خوشبختانه در هیچ نقطه از نقاط مملکت بوقوع نه پیوسته و نه موجب يك خساره قابل ذکر گردیده است.

از وفیات مهمه سال ۱۳۱۵

از وفیات مهمه سال ۱۳۱۵



مرحوم سید عبد الله خان مدیر عمومی
سیاسی وزارت خارجه



مرحوم آدم خان مشاور صدرت عظمی



مرحوم سید شریف خان سریاردرحریمی
حضور ملوکانه

از وفیات سال ۱۳۱۵



مردم سید حامد خان دوا ساز که
در موقع شیوع مرض حای لکه دار
در ایست فوٹ شد



مردم عنایت الله خان فارغ التحصیل
مکتب طبیبی که اخیراً با تر چیه شدن
موت فوٹ شد

گزارشات دنیا

در سال ۱۳۱۵
بقلم سید قاسم رشتیا
مہتمم سالنامہ

سال ۱۳۱۵ ہجری کہ مصادف با سال ۱۹۳۶ و چند ماہ ۱۹۳۷ میلادی بود، برای جامعہ بشری یکی از پر شور و شرتترین سالہای بعد از جنگ عمومی بشمار میرود و درین سال آنقدر وقائع مدہش و اسفناک اتفاق افتادہ کہ نظیر آن را در یک سال چہ، بلکہ در چندین سال گذشتہ نیز نمیتوان سراغ کرد مثلاً اختتام فاجعہ ناک جنگ حبشہ و اقدامات جدیانہ المان و انقلاب خانانامدوز ہسپانیہ و کشمکش ہای حزبی اروپا و تبدیلی غیر منتظر پادشاہان و زمامداران و فوت رجال بزرگ و واقعات مہم شرق اقصی و خونریزی ہای شرق قریب و کشیدگی ہای سیاسی دول و ممال و دستہ بندی ہای ممالک معاطق جذبات مسلکی و بالاخرہ دسیسہ بازی ہای دول مختلفہ و حادثات طبیعی متعدد و خسارت بخش و غیرہ و غیرہ واقعات مہمہ بقدری زیاد است کہ افق سیاسی و معاشرتی عالم مخصوصاً فارہ اروپا را بطور موحش تیرہ و تارجلوہ میدہد . اگر مختصر بگوئیم : در سال ۱۳۱۵ ارکان صالح و امنیت عالم بدرجہ آخر متزلزل و روح اعتماد متقابلہ تقریباً بکلی از بین ملل مرفوع گردیدہ است . چنانچہ جامعہ ملل کہ مہتمترین موسسات صالح و آشتی و حفظ حقوق و ہمکاری دول بحساب میرود ، درین سال با مشکلات فوق العادہ

سالنامه « کابل »

مواجه شده و در اثر یافشاری بعضی دول و مقاصد خصوصی برخی دیگر و نیز از جهت عدم مجربیت اساسات و قواعد خویش ، بالمره اعتبار خود را از دست داده و امروز بجز نام ، دیگر اهمیتی برای آن باقی نیست . با وجود این ، خوشبختانه در بعضی از قسمت های جهان علاوه بر آنکه شعله های مبارزه طلبی و باد های بی اعتمادی بلند نشده ، بالمقابل اقدامات مؤثری به نفع صلح و امنیت نیز بعمل آمده که مهم ترین آن عبارت از حسن روابط و نزدیکی مزید ممالک اسلامی آسیائی و اتحاد با همی دول امریکائی و غیره میباشد . و این اقدامات و تشبثات صلح جو یانه و آشتی کارانه بطور قطع تأثیرات مطبوعی بر بیکر امنیت جهان وارد خواهد کرد .

خلاصه واقعات عمده سال ۱۳۱۵ از روی شایعات جرائد و مطبوعات دنیا قرار ذیل است :

جامعه ملل

طوری که گفتیم درین سال جامعه ملل برخلاف امید هائی که در سال قبل نسبت به مجربیت اقدامات آن پیدا شده بود ، فوق العاده بی اعتبار و از اهمیت آن در نزد عموم ملل و دول کاسته شده است . با اینهم موضوعات مهمی که درین سال به پیشگاه جامعه تقدیم گردیده ، اعم از اینکه تصفیه یافته و یا نافاصله باقی مانده باینقرار است :

- (۱) نزاع ایتالیا و حبشه (۲) موضوع لوکارنو (۳) مسئله داتر بگ
- (۱) موضوع دردانل و تبدیلی معاهده لوزان (۵) خانه جنگی اسپانیه

گزارشات دنیا

(۶) مسئله امور مالی آستریا (۷) اختلاف نظر فرانسه و تورکیه در مسئله سنجاق (۸) اصلاح جامعه ملل .

نزاع ایتالیا و حبشه :

فضیه جنک ایتالیا و حبشه اگرچه در اوائل سال ۱۳۱۵ ، خاتمه پذیرفته حاکمیت ایتالیا بر مملکت باستانی حبشه یعنی یگانه مملکت مستقل افریقائی ، ثابت شد ، لیکن باز هم موضوع حبشه در تمام این سال موجبات مشغولیت جامعه ملل را فراهم و در حقیقت همین مسئله مهمترین عامل بی اعتباری آن مؤسسه گردیده است . جنک ایتالیا و حبشه را تا آخر سال ۱۳۱۴ فارین گرام در سالنامه ۱۳۱۴ کابل مطالعه نموده اند ، اینک ذیلاً وقایع ما بعد مذکور را بطور اختصار از نظر شان گزارش میدهم تا از رؤس مسائل سیاسی این قضیه مهم اطلاع کافی حاصل باشد :

در اواخر سال ۱۳۱۴ نظر به پیش نهاد فلانین وزیر امور خارجه (سابق) فرانسه نسبت به خواهش آغاز مذاکرات صلح از هر دو فریق ، کمیته تعاون جامعه ملل رئیس خود (ماد را یا گا) را اختیار داد تا درین موضوع با طرفین مفاهمه بعمل آورده نظریات هر دو جانب را معلوم و بهمدیگر شان ارا نه دارد . همان بود که ماد را یا گا (سفیر کبیر و نماینده اسپانیا در جامعه ملل) شخصاً درین موضوع با نمایندگان ایتالیا و حبشه داخل مذاکره شده ، وقتیکه پیش نهاد ایتالیا را نسبت به شرایط صلح ، به نمایندگان حبشه بتاریخ ۲۶ حمل (۱۵ اپریل ۱۹۳۶) تقدیم کرد ، حکومت حبشه از قبول آن اعراض نمود . و در عین حال نمایندگان حبشه بتاریخ ۲ حمل (۲۳ مارچ)

به هیئت ۱۲ نفره جامعه ملل نسبت به استعمال گاز زهردار از طرف فوج ایتالیا در حبشه شکایت نموده ایتالیا از تصدیق انکار و جواباً اسنادی را دایر بر ظلم و ستم حبشی‌ها که بر اسرای ایتالوی روم می‌داشتند، تقدیم کرد. سپس بتاريخ ۳۱ حمل (۲۰ اپریل) مادران یاگسا را پورت خود را به شورای جامعه پیش کرده مذاکره حبشه از نو شروع شد و درین مجلس (الوازی) نماینده ایتالیا مسئولیت عدم کامیابی مذاکرات صبح را بر عهده حبشه انداخت. مقارن این اوقات بود که کار پیشرفت عساکر ایتالیا در حبشه کسب سرعت نمود و بالاخره چون بتاريخ ۱۱ ثور (اول می) نجاشی از ادریس ابابا بیرون و ایتالویها وارد پای تخت حبشه شدند، و حکومت روماً بتاريخ ۲۰ ثور (۱۰ می) اعلان الحاق حبشه را به ایتالیا به جامعه ملل و در ۲۲ ثور (۲ می) به تمام ممالک ابلاغ نمود، با اثر آن شورای جامعه در ماه (جوزاء) اجلاس بهاری خود را منعقد و در آن (میلانسی) شاعرشاه حبشه شخصاً بحیث نماینده مملکت خود حاضر گردید و مذاکرات زیادی درین خصوص بعمل آمد. شورای جامعه پس از اظهار تأسف اعلان کرد که الحاق حبشه را به ایتالیا بر سمیت نشناستد ولی با اثر پیش نهاد فرانسه و انگلیس در همین اجلاس تجاویز تعزیری نیز من بعد بیفایده قلمداد شده از سر ایتالیا رفع کرده شد. و سپس در ماه میزان (سپتمبر) باز در موقع اجلاس عمومی جامعه ملل نمایندگان حبشه و شخص نجاشی به جینوا حاضر شده، اقامه دعوی کردند. نمایندگان ایتالیا از مجلس خارج و اعتراض نمودند که نمایندگان حبشه دیگر حق حضور را در جامعه ملل ندارند و هیئت مخصوص برای تحقیق این قضیه مقرر شده پس از مذاکرات طولانی بالاخره فیصله کرد که نمایندگان حبشه

گذرا شات دنیا

درین اجلاس نیز حق حضور را دارند و همان بود که از لحاظ نبودن نمایندگان ایتالیا ، و عدم تمایل دول باین موضوع ، مسئله حبشه دیگر زیر بحث نیامده اجلاس عمومی هم خاتمه یافت .

و گویا با تقسیم دول بزرگ فضیله حبشه را بی سر و صدای فیصله شده انگاشتند و گمان نمیرود که در آینده هم با وجود مساعی نجاشی و رفتاری او دیگر جامعه ملل باین موضوع التفاتی مبنیول دارند زیرا پس از اجلاس عمومی جامعه ملل ، بعد از آنکه از سبب بارندگی یک سلسله مشکلات برای ایطالو یها در حبشه پیش شد با لآخره در خزان ۱۳۱۰ یعنی تاریخ ۲۵ فوس (۲۷ نومبر) سال مزبور آخرین نقطه حاکمیت ملی حبشه که عبارت از مقام (گور) بود نیز بدست ایطالو یها افتاده ، بجز عده از خوانین بزرگ که بکو هستند دست نارسای متواری شده و وقتاً فوقتاً اقداماتی بر ضد ایطالو یها مینمایند دیگر نام و نشانی از حکومت بومی در آن جا باقی نمانده است . با این صورت گویا با وجود یاره اقدامات جامعه ملل که برای جلو گیری از تهاجمات ایطالیا در حبشه از سال گذشته با بنظر بعمل آورد ، باز هم بسبب عدم بجز بیت و عمومیت ندایشن تجاویز و اقدامات مذکور و یاره نظریات سیاسی دول درین موضوع ، مملکت مستقل حبشه که عضو جامعه ملل بود ، در ظرف کمتر از یک سال در اثر استعمال زور و قوه مضطیع ایطالیا گردید .

موضوع لوکارنو :

موضوع لوکارنو در حقیقت عبارت از یک سلسله کوائفی است که در ۱۸ ژانفو معاهده معروف لوکارنو (منقده ۱۶ اکتوبر ۱۹۲۰) از طرف

سا لنامه د کابل

المان بتاریخ ۷ مارچ ۱۹۳۶ (اخر سال ۱۳۱۴) صورت گرفت و طوریکه در سالنامه ۱۳۱۴ تذکار یافته باثر این واقعه فرانسه و بلژیک عمر ضحالی به جامعه ملل تقدیم و بموجب آن بتاریخ ۲۳ حوت ۱۳۱۴ (۱۴ مارچ ۱۹۳۶) اجلاس فوق العاده شورای جامعه ملل در لندن انعقاد یافته بتاریخ ۲۸ حوت (۱۹ مارچ) پیش نهاد جدیدی نسبت به تجدید معاهده لوکارنو از طرف فرانسه و بلژیک و انگلستان ترتیب یافت و در ۳۰ حوت (۲۰ مارچ) اجلاس شورای جامعه معطل گردیده ضمناً با تر مفاهمه هر سه دولت فوق الذکر مقرر شد که در صورت معطل شدن مذاکرات با المان، انگلستان ضمانت سرحدات فرانسه و بلژیک را بنماید و هم در همین موقع دولت فوق الذکر فیصله کردند که ریاسات از کان حرب شان باهم در خصوص اوضاع آئینده و چگونگی ضمانت انگلستان (از سرحدات فرانسه و بلژیک) مفاهمه نمایند چنانچه بتاریخ ۲۶ حمل ۱۳۱۵ (۱۵ اپریل ۱۹۳۶) مذاکرات از کان حرب سه مملکت شروع گردید. درین بین بتاریخ ۹ حمل (۲۹ مارچ) انتخابات مجلس شورای ملی المان (رایشستاگ) خاتمه یافته، رئیس مملکت المان (هتلمر) در خصوص معاهده لوکارنو و عوض کردن آن پیش نهادی حاوی ۱۹ نکته به ممالک ذی علاقه ارسال کرد. درین پیش نهاد، المان به طرح معاهده جدیدی که متضمن ضمانتاتی برای فرانسه و بلژیک یعنی در غرب اروپا باشد موافقت و اظهار آمادگی نموده بود. فرانسه بتاریخ ۱۹ حمل (۸ اپریل) بجواب پیش نهاد المان پیش نهاد جدیدی حاوی ۲۵ نکته ترتیب نموده جداً مطالبه کرد که باید در معاهده جدید المان نسبت به شرق اروپا نیز ضمانتاتی داده در معاهده مذکور مملکت شوروی نیز شامل باشد.

گذاراتات دنیا

و در اثر آن به ۲۱ حمل (۱۰ اپریل) مجلس ممالک لوکارنو فیصله نمود که هر دو نقشه (نقشه المان و نقشه فرانسه) به پیشگاه جامعه ملل تقدیم کرده شود و انگلستان مابین فرانسه و المان واسطه مذاکره قرار بگیرد . چنانچه حکومت انگلستان بتاريخ ۱۷ نور (۷ می) يك مجموعه سوالات را بنام حکومت المان فرستاده در بازه بسانکات از مملکت مذکور توضیحات خواست . درین بین شورای جامعه ملل انعقاد یافته اما چون جواب سوالات انگلستان از طرف المان نرسیده بود ، اجلاس مذکور برای مدت غیر محدودی معطل کرده شد . از طرف دیگر چون ایتالیا نیز بسبب تجاویز تعزیری و غیره ایجابات سیاسی در مذاکرات لوکارنو شامل نشد ، بنابراین فرانسه و بلژیک و انگلستان در ۳۱ سرطان (۲۳ جولائی) در لندن مجلسی منعقد و دران برای طرح معاهده پنج دولت یعنی فرانسه و المان و بلژیک و ایتالیا و انگلستان داخل اقدامات شدند و طوریکه دیده میشود ازین وقت به بعد گویا فرانسه و دیگران از شمول شوروی (بواسطه مخالفت جدی المان) انصراف ورزیدند . درین وقت بود که المان و ایتالیا نیز شمول خود را در مذاکرات طرح این معاهده وعده دادند و از هر طرف گمان میرفت که عنقریب بین مملکت مذکور معاهده جدید لوکارنو انعقاد خواهد یافت ولی مقارن همین زمان و پیش از آنکه کدام تماس مستقیم مابین ممالک مذکور بعمل آمده باشد ، المان مدت خدمت عسکری خود را در یکسال بدو سال ترفی داده و با اثر آن باز سوء تفاهم مابین او و ممالک لوکارنو از قبیل فرانسه و بلژیک و غیره تازه شد . از طرف دیگر با اثر وضعیت کشیده گی مانندیکه در اثر این واقعه در اروپائی شرقی تولید شد ، حکومت المان بتاريخ ۲۲ سنبله

سالنامه « کابل »

(۱۴ ستمبر) به حکومت انگلستان اطلاع داد که انعقاد مجلس ۵ دولت را معطل بسازد چنانچه مجلس ماه ستمبر (میزان) جامعه ملل نیز بسبب عدم آمادگی آلمان و ایتالیا و سرانجام ناشدن مذاکرات خصوصی که در نتیجه جواب وسوال لندن و برلین و باقی مالک لوکارنو جاری شده بود، موضوع لوکارنو را زیر بحث گرفته نتوانست. گذشته از این بتاريخ ۲۲ عقرب (۴ نومبر) آلمان شرایطین المللی بودن بعضی رود خانه های آلمان را که جز و معاهده (ورسای) بود باموافقه موقتی دریا نوردی رود رائن (منعقد ۱۴ ثور ۱۳۱۵ مطابق ۴ می ۱۹۳۶) ملغی قرار داده ، باثر آن فرانسه و لهستان اعتراض و باقی ممالک ذی علاقه تنها باظهار تأسف نمودند . و باین صورت گویا موضوع لوکارنو که عبارت از موافقت مابین فرانسه و آلمان در خصوص تمام مسائل سیاسی و ضمانت باهمی باشد ، تا اخیر سال ۱۳۱۵ همان طور نافیها مانده و باوجود میانجی گری انگلستان طرفین در خصوص موضوعات سیاسی باهمدیگر موافقت حاصل کرده نتوانسته اند .

مسئله دانزیگ :

موضوع دانزیگ عبارت اختلافی است که از دوسال باینطرف در اثر نهضت جدید باشندگان شهر آزاد دانزیگ ، مابین نماینده جامعه ملل و مجلس اعیان شهر مذکور (که پس از جنگ عمومی مجزا ، و برای استفاده دول شمالی اروپا بالخاصه لهستان بریر اداره جامعه ملل در آمده) رخ داده است . منشأ این اختلاف عبارت از خواهشات مردمان شهر مذکور است که میخواهند در اداره خویش آزاد بوده ، جامعه ملل را در امور اداری آنجا مداخله نباشد البته طوریکه ملاحظه میشود درین نهضت جدید ، تأثیرات نازی نیز شامل است چنانچه بیهمعده

گذارات دنیا

کرسی های نازیها در مجلس اعیان دانزیگ که تمام امور شهر در دست آنست اضافه شده میرود و ازین روضیه دانزیگ و اوضاع آنجا روز بروز نازک تر شده رفته وزود است که برای امنیت اروپا یک مسئله وخیمی خواهد شد. بهرحال موضوع دانزیگ درین سال تقریباً در تمام جلسات شورای جامعه ومجلس عمومی مذکور زیر بحث آمده و خلاصه رویتها واقدمات جامعه ملل درین باره قرار ذیل است :- در مجلس ماه جدی (جنوری) سال گذشته که موضوع دانزیگ پیش نهاد شده بود نا فیصله مانده و باز در اجلاس عمومی جامعه ملل در ماه میزان (سپتمبر) زیر بحث آمده جامعه ملل نماینده لهستان (بک) را به ترتیب را یورقی درین موضوع مأمور کرده ومشار الیه رایورت خود را در اجلاس جدی ۱۳۱۵ (جنوری ۱۹۳۶) تقدیم کرد که هنوز فیصله قطعی دران باره بعمل نیامده لیکن یک متار که موقتی بین نماینده جامعه ملل ومجلس اعیان دانزیگ روی کار آمده است. دول اروپائی بالخاصه انگلستان وفرانسه ولهستان والمان وغیره درین موضوع کمال علاقه مندی را ازخود نشان میدهند.

موضوع در دائل وتبدیل معاهده لوزان :

ناظرین محترم بخاطر خواهند داشت که حکومت جمهوری ترکیه در سال گذشته بعد از اعلان نظام اجباری از طرف المان ، یعنی پس از لغو شدن شرایط نظامی معاهده (ورسای) ، رسماً به جامعه ملل دلائل ثابتة خویش را نسبت به استحکام سواحل در دائل تقدیم وجامعه این موضوع را برای آینده موکول گذاشته بود - با آن حکومت جمهوری ترکیه در نزد حکومت ذی علاقه اقدامات مخصوصی نموده با آن تشبثات معقول حکومت موصوف در ظرف چند ماه تقریباً تمام دول امضا کننده معاهده (لوزان) که استحکامات در دائل بموجب

آن ممنوع قرار داده شده بود ، موافقت کردند که در بین باره تجدید نظر نمایند : همان بود که بتریح ۳۲ جوزا ۱۳۱۵ (۲۲ جون ۱۹۲۶) هر ۹ ممالک امضاً کنندۀ معاهدۀ لوزان بمقام موتر و (درسویس) اجتماع نموده راجع به خواهشات تورکیه ودلائل موجبۀ آن مذاکرات را شروع کردند - و این مذاکرات تا ۲۸ سرطان (۲۰ جولائی) دوام کرده پس از آنکه اختلافات زیادی مابین نظریات انگلستان وشوروی واتحادیۀ صغیر مخصوصاً (رومانیه) رخ داد ، بالجمله در تمام مسائل موافقت نظر عموم حاصل شده ، در ۲۸ سرطان (۲۰ جولائی) معاهدۀ جدیدی بنام « معاهدۀ موتر و » بمضاء رسید که بموجب آن تورکیه از یک طرف - حق استحکام سواحل دردانل را حاصل و از طرف دیگر ناظرین ومقتضین جامعه ملل از استامبول مرخص شد و نیز تورکیه حقوق زیادی را مبنی بر نظارت جهازات عبور کنندۀ خارجه مخصوصاً جهازات حربی و یا جهازاتیکه در وقت جنگ از آنها عبور کردن بخواهند ، دارا شده است که ازین رهگذر هم حاکمیت حقیقی دولت تورکیه بر معبر دریای سیاه بکلی تثبیت یافته - وطوریکه میگویند یک دولت دیگریکه از معاهدۀ موتر وفائدۀ خوبی گرفته عبارت از دولت شوروی است که سلسلۀ آمد و رفت جهازاتش در بحر مدیترانه سهولت زیادی پیدا کرده است . این معاهده بتاریخ ۱۷ عقرب (۹ نومبر) در پاریس تصدیق یافته . و باینصورت مملکت جمهوری تورکیه حقوق سابقه و حقۀ خویش را پس از سالیان درازی که در طلب آن بود ، از طریق صلح و مسالمت و از مجرای قانونی و داخل مقررات جامعۀ ملل ، حاصل نموده است .

گذارات دنیا

خانه جنگی اسپانیه :

انقلاب داخلی اسپانیه که دفعتهً در ماه سرطان ۱۳۱۰ (جولائی ۱۹۳۶) شعله‌های آن از مراکش اسپانولی زبانه کشیده ، بزودی سرتا سر مملکت مذکور را فرا گرفت ، در ظرف چند روز تاثيرات آن در ممالک خارجه رسیده ، دول وملل اروپائی بدو دسته تقسیم شدند - یکدسته که دارای مسلک فاشیستی وحکومت دیکتاتوری میباشند و یا نظریهٔ ایجابات دیگر طرفداری انقلابیون را مناسب میدانند ، بهوا خواهی و امداد متعربین اسپانولی که آنها هم سرشار جذبات فاشیستی هستند ، برخواستند - و دستهٔ دیگر که از روی مسلک و عقیدهٔ اجتماعی (سوسیالیست) محسوب میشوند و یا منافع سیاسی شان آنها را بطرفداری حکومت دست چپ ما درید میکشاند ، به پشتیبانی حکومت مادرید که به احزاب دست چپ تعلق دارد ، قیام کردند که طوریکه ملاحظه میشود در دستهٔ اول ممالک ایطالیا و المان و پرتگال و بعد ها اطیش و مجارستان و در دستهٔ دوم اتحاد شوروی و فرانسه و بلژیک و چکوسلواکی (و تا اندازهٔ) انگلستان و غیره رامیتوان شمار کرد - اگرچه در ماه اسد (اوائل اگست) بنا بر پیش نهاد فرانسه ، مجلس عدم مداخله بتاریخ ۷ سنبله (۳۰ اگست) درلندن تاسیس و ۲۳ دولت اروپائی دران رسماً داخل شدند ، و اولین جلسهٔ مجلس مذکور در ۱۷ سنبله (۹ ستمبر) تحت ریاست (لارد پلایموث) از رجال سیاسی انگلستان انعقاد یافت ، لیکن با وجود این بعضی حکومتات و برخی طبقات ملل مختلفه مداخلهٔ یولی حتی جانی (عبارت از اعزام نفرات) به مبارزین اسپانیه نموده ، جنگ داخلی را شکل مبارزهٔ مسلکی بین المللی پو شانیدند ، در اثر این کیفیت چون در اوائل امداد های خارجی بطرف

سالنامه « کابل »

متر دین زیاد تر بود ، بنا بران حکومت ما در ید در میزان (ماه ستمبر) عرضحالی به جامعه ملل تقدیم و نسبت به مداخنه امان و ایضا لیا شکایت کرد - اما موضوع مزبور چنانچه باید در جامعه زیر بحث گرفته نشده ، بلکه به مجلس عدم مدخله ارجاع گردید و چندی بعد چون مدخله خارجیها در اسپانیه خیلی شدت کرده و از اکثر مالک رضاکاران برای جنگ و وارد اسپانیه گردید بنا بران مجلس عدم مدخله در ۱۰ فوس (۲ دسمبر) بهر دو طرف مبارز پیش نهاد مصافقت محلی را نسبت به امداد های خارجیها نموده و نیز مقارن همین زمان دول بزرگ مخصوصاً فرانسه و انگلستان تجویز جدیدی پیش و دران منع اجازه رضاکاران را از مالک ، خواهش نمودند و نیز میانجی گری خودها را در بین مبارزین مذکور پیش نهاد کردند . ودول مختلفه پس از تردید زیاد بالاخر در ماه جدی (جنوری ۱۹۳۷) قسمت اول این پیش نهاد را پذیرفته ، وعده دادند که ترتیبات لازمه را جهت منع رضاکاران اتخاذ خواهند کرد چنانچه فرانسه و انگلستان رسماً رفتن رضاکاران را از مملکت خود بطرف اسپانیا ممنوع قرار داده برای مرتکبین ضد احکام مذکور جزائی تعیین کردند و هم در اوائل حوت (اواخر فروری) دول دیگر درین خصوص تعهداتی نمودند . و علاوه برین در همین وقت نگران هائی برای مصافقت بیطرفی دول در بنادر و سرحدات و بچرهای اطراف اسپانیه تعیین گردید . ممکن است در اثر این اقدامات اعزام رضاکاران خارجی و مواد جنگی و غیره به اسپانیه معطل گردد . اما موضوع میانجی گری دول را تا کنون مبارزین اسپانیه قبول نکرده اند .

با وجود این اقدامات ، مسئله انقلاب داخلی اسپانیه يك قضیه بسیار

گزارشات دنیا

نازکی شده و هر قسم امکانات ناگوار را در امور بین المللی در بر دارد. آنچه حقیقه آبر و خامت مسئله می افزاید، همانا از یکطرف معطلی عساکر متمر دین است در اطراف مادرید که از ۴ ماه با بیطرف به گرفتن پای تخت موفق نشده اند و از طرف دیگر دلچسپی و همدردی ممالک مختلفه است نسبت به متمر دین که در رأس آن (جنرال فرانکو) فرار گرفته و این دلچسپی و همدردی رسمی دولت عبارت از اعتراف رسمیت حکومت انقلابی یعنی حکومت جنرال فرانکو است که یرتکال بتاریخ ۳۰ میزان (۲۳ اکتوبر) و المان و ایضاً در ۲۶ عقرب (۱۸ نومبر) حکومت بر گوس (جنرال فرانکو) را برسمیت شناختند. آنچه میانجی گری دول بزرگ را در انقلاب اسپانیه لازم ساخته یکی ظلم و احقاقیست که طرفین بمقابل یکدیگر خویش روا میدارند و دیگر خود همین مداخلت های خارجیها و کشیدگی بین المللی است که با اثر مداخلت مذکور وجود آمده، لیکن بالمقابل آنچه اقدام مذکور یعنی میانجی گری دول را مشکل میگرداند نیز همین مداخلت دول خارجی است که نمیکند آرد دول تقریباً بیطرف، اقدامات مقتضیه را بعمل بیاورند. بنابراین جهات است که حاضرأ قضیه اسپانیه یک معمای لاینحالی شده که سیاستمداران اروپائی از حل آن خود را عاجز می بینند و حقیقه نسبت به عواقب وخیم آن دوچار هر نوع هراس میباشند

موضوع امور ملی آستریا :

حکومت آستریا نظر یاره ملاحظات با جلاس عمومی جامعه ملل در ماه سنبله اطلاع داده بود تا نگرانی مالی خود را از آنجا مرتفع سازد زیرا امور مالی مملکت شکل اصلاح بخود گرفته است، این پیشنهاد پس از یک سلسله مذاکرات قبول گردیده، نگرانی مالی جامعه ملل که با اثر قرض بین المللی جهت بهبود اوضاع مالی آن مملکت

از چند سال باینطرف بالای امور مالی مملکت مذکور جریان داشت اختتام پذیرفت .
 نزاع فرانسه و تورکیه :

در آخر جنگ عمومی که ممالک مربوطه امپراطوری عثمانی مابین متفقین تقسیم و اداره سوریه و لبنان از طرف جامعه ملل به فرانسه بصورت اراضی تحت قیمومیت واگذار کرده شد ، علاقه سنجاق اسکندرون و انطاکیه که در حواشی سرحدات تورکیه امروزه واقع و اهالی آن نزد ولساناً تورک میباشند نیز جز و شامات شناخته شده هر چند تورکیه این انتزاع را قبول ننکرده و همیشه نسبت به سرحدات خویش همراه فرانسه گفتگو داشت ، لیکن فرانسه فقط همیشه قبول نموده بود که زبان مردمان آن جا را احترام بکند اما درین اواخر که حکومت فرانسه اراده نمود تا به سوریه و لبنان آزادی اعطاء کند بنابراین حکومت تورکیه نسبت به این دو علاقه در اوائل زمستان ۱۳۱۵ (اخیر سال ۱۹۳۶) یاد داشتی بحکومت فرانسه تقدیم و دران خواهش نمود تا در صورت استقلال سوریه به علاقه جات سنجاق و انطاکیه آزادی داده شود . اما حکومت فرانسه این خواهش را نپذیرفته موضوع در اجلاس ماه قوس (دسمبر) شورای جامعه ملل از طرف تورکیه رویت داده شد و در اثر مذاکرات کوتاهی چنین فیصله گردید تا یک هیئت سه نفره به اصل محل اعزام گردیده مطالعات لازمه را نسبت بوضعیت جغرافیائی و موقعیت مقامات مذکوره و رأی اهالی مذکور بعمل بیاورد . همان بود که در ماه جدی (اوائل سال ۱۹۳۷) هیئت مذکور واپس به جنوا مراجعت نمود . و در عین زمان اگرچه یک مرتبه در روابط مملکتین کشیدگی پیدا شده و مخصوصاً تورکیه مظاهرات شدیدی درین خصوص نشان داد ، ولی بالاخره طرفین مذاکرات مستقیم را در پاریس شروع نموده ، موقعیکه در ماه جدی (جنوری) شورای جامعه اجلاس خود را

گذارات دنیا

منعقد ساخت ، دولتین موافقت خود را اطلاع و باینقسم اختلاف مذکور بطور مسالمت کارانه صورت جن بخود گرفت . یعنی حکومت فرانسه قبول کرد که زبان رسمی علاقه جات مذکور زبان تورکی بوده مدارس و نشریات شان به تورکی باشد و نیز بندر گناه اسکندرون برای استفاده تورکیه باز گذاشته شود و اداره تمام آن علاقه بزیر نگرانی جامعه ملل بعمل بیاید .

اصلاح جامعه ملل :

پس از سقوط حبشه و ناکامی اقدامات جامعه ملل درخصوص جلوگیری از اقدامات تسخیرکننده ایتالیا ، ممالک بزرگ اروپائی عدم مجربیت اساسات جامعه و مشکلات عملی مقررات میثاق را احساس نموده بفکر اقتادند تا اساسات جامعه ملل را طوری اصلاح کنند که بصورت یقینی از منازعات جلوگیری نموده بتوانند و نیز چنان ترتیباتی را اتخاذ کنند تا منازعات گذشته رفع شده برای آینده بین دول نزاعی باقی نماند - برای این مقصد فرانسه وانگلستان و ایتالیا و شوروی و غیره دول خورد و بزرگ نقشه های ترتیب نموده ، در موفم اجلاس عمومی جامعه در ماه میزان ۱۳۱۵ (ستمبر ۱۹۳۶) میخواستند تقدیم کنند ، لیکن موضوع حبشه و مشکلاتی که در آن وجود نمایندگان حبشه و اقدامات نجاشی بوجود آمد از تقدیم شدن پیش نهادات مذکور مانع آمد ، و تنها يك هیئت مقرر گردیده تا نقشه های مختلفه را مورد مطالعه قرار داده در اطراف اصلاحات مقتضیه اساسات جامعه راپورتی تقدیم کند . و تا هنوز راپورت مذکور به جامعه ملل راپورت داده نشده است . و نیز در همین موقع نظر بخواهشات دول مختلفه برای تقسیم منصفانه مواد خام از طرف جامعه ملل هیئتی تعیین گردیده تا موضوع را مطالعه کرده ، انعقاد يك کنفرانس بین المللی را تهیه به بیند .

اور بین المللی

کنفرانس بحری لندن :

کنفرانس بحری که در زمستان سال ۱۳۱۴ (۹ دسمبر ۱۹۳۵) بمقام لندن برای طرح معاهده جدیدی بعوض معاهده واشنگتن ، بشمولیت نمایندگان انگلیس فرانسه ، ایتالیا ، جاپان و ممالک متحده امریکا ، انعقاد یافته بود ، پس از آنکه در اثر اختلاف نظریات دول شامله خصوصاً جاپان و انگلستان و ممالک متحده امریکا چندی معطل و سپس در ماه جدی ۱۳۱۴ (بتاریخ ۱۵ جنوری ۱۹۳۶) جاپان ازان جارج گردید ، در ۱۱ دلو ۱۳۱۴ (۳۱ جنوری) دول باقیمانده طرح معاهده را مسوده کردند و چون ایتالیا نیز بتاریخ ۹ حوت ۱۳۱۴ (۲۷ فروری) از اشتراک در معاهده انکار و رزید ، بالاخره بتاریخ ۱۱ حمل ۱۳۱۵ (۳۱ مارچ) معاهده سه جانبه ۶ ساله مابین انگلستان ، فرانسه و ممالک متحده امریکا بامضاء رسیده ، بوسیله این معاهده ممالک مذکور موافقت نمودند که اطلاعات مربوطه به تسلیحات بحری خویش را مابین خودها مبادله کرده ، کمیت و کیفیت جهازات جنگی را نیز متناسب مقررات معاهده سابقه محدود فرار بدهند . و باینقسم دودول بزرگ از جمله پنج دولت امضا کننده معاهده بحری واشنگتن که عبارت از جاپان و ایتالیا باشد خود را از قیود معاهده بحر به خلاص کردند .

علاوه برین در ۱۴ عقرب ۱۳۱۵ (۶ نومبر ۱۹۳۶) یک پروتوکول بین المللی راجع به اجرای انسانیت کارانه جنگ تحت البحری بامضاء رسیده و المان نیز در اول قوس (۲۳ نومبر) دران شمولیت ورزید .

کنفرانس خلع سلاح :

موضوع خلع سلاح که از دو سال باینطرف بسبب مشغولیت فوق العاده تمام دول بسوی افزونی تسلیحات، بکلی معطل شده بود، در بن سال نیز همانطور معوق مانده هیچک جنسه برای مطالعه موضوع تقابل و تحدید اسلحه انعقاد نیافت. تنها در ماه میزان (ستمبر) موقع اجلاس عمومی جامعه ملل دلبو وزیر خارجه فرانسه پیش نهادی نسبت به افتتاح جلسات کنفرانس خلع سلاح تقدیم نموده، توجه ملل را بسوی این مسئله که از اثر مسابقه شدید تسلیحات روز بروز ضرورت و از و م آن بیشتر شده میرود، معطوف کرد. ولی با وجود این تا هنوز کدام اجلاسی برای موضوع تقابل و یا تحدید سلاح انعقاد نیافته است.

معاهده سه گانه پولی :

چند سال قبل که انگلستان و امریکا (اتازونی) در اثر بحران اقتصادی معیار طلا را ترک و نرخ مبادله پوند و دالر را تنزل دادند، فرانسه و چندین مملکت دیگر به معیار طلا مربوط مانده، باینقسم دول بزرگ به دو دسته تقسیم شده بودند که از اثر این تفرقه اوضاع پولی عالم دچار بحران گردیده بود. در ماه سنبله بنا بر مذاکراتی که ما بین فرانسه و انگلستان و امریکا بعمل آمد، هر سه مملکت باینکه معاهده پولی امضاء کردند که بموجب آن نرخ مبادله پوند و دالر و فرانک به نسبت بیکدیگر مستقل و نرخ مبادله فرانک ۳۰ فیصد تنزل داده شد. متعاقب این معاهده ایتالیا و چکوسلواکی و سوئیس و هالیند نیز نرخ مبادله پولهای خویش را باندازه های مختلف کم کردند تا معیار معیشت مابقی ترقی کرده در تجارت خارجی جلب توجه مشتریان را

بنمایند . از این معاهده اثرات مهمی را در بهبود اوضاع پولی و تجارت دنیا انتظار دارند که اولین نتایج آن عبارت از نزدیکی هر سه مملکت مذکور در زمینه اقتصادیات میباشد .

کنفرانس پان امریکن :

از سالها بود که ملل و دول امریکائی آرزوی تشکیل يك جامعه ملل امریکائی را داشته از همین جهت با جامعه ملل موجوده چندان دلچسپی نشان نمیدادند - این مشکوره در سال گذشته با اثری اعتباری جامعه ملل (در قضیه حبشه و لوکار نو و ورسای و غیره) بیشتر مورد توجه ملل امریکائی قرار گرفته ، (چنانچه چندین مملکت امریکائی مثل نیکاراگوا و کواتالا در طول سال از جامعه ملل خراج شدند) ، روز ولت رئیس جمهور ممالک متحده خود را مشوق و محرک این نظریه معرفی نموده ، پس از آنکه در اواخر سال گذشته بیطرفی اتازونی را در منازعات بین المللی اعلان کرده اعتماد ملل امریکا را بسوی خود جلب نمود متعاقب آن از تمام ممالک امریکائی انعقاد يك کنفرانس تمام امریکا را برای تامین صلح درین فاره خواش کرد و سپس بهمکاری رؤسای جمهور ممالک امریکائی جنوبی ، در ۹ فوس (اول دسمبر) بمقام بوینس آیرس (ارجنتائن) کنفرانس مذکور را که در آن نمایندگان تمام ممالک امریکائی حضور بهم رسانیده بودند ، افتتاح و مذاکرات لازمه را برای تامین صلح در امریکا ، جاری ساخت . چنانچه پس از يك سلسله مذاکرات در ۲۰ فوس (۱۲ دسمبر) میثاق عدم تجاوز عمومی ممالک امریکائی با مضا رسیده مذاکرات تطبیقه هنوز مدت ۱۱ روز دیگر دوام کرد و در اطراف تشکیل يك محکمه عدالت نیز مباحثه شده ، ولی موضوع مذکور به دومین کنفرانس پان امریکن که بعد ها در شهر لیما (پیرو) منعقد میشود ، موکول گردید .

مربوط بواقعات مملکت ایران



منظره افتتاح خط آهن ایران که ما بین نندر بهلوی (بحر خزر) و طهران کشیده شده اعلیحضرت بهلوی آخرین قید خط آهن را باز میفرمایند



والاحضرت شهزاده محمد رضا بهلوی
ولیعهد ایران

سربوط بواقعات مملکت ایران



داکتر شیخ وزیر اقتصاد المان که اخیراً
بایران مسافرت کرده



مرحوم آقای نظام الدین حکمت وزیر
ملکراف ایران



مرحوم آقای داور وزیر مالیه قفقذ ایران
که از رجال بزرگه آن مملکت بودند

گذارشات دنیا

دول آسیائی : ایران

مملکت ایران درین سال موفق به بسا اصلاحات مدنی و پیشرفت های عمرانی شده و مملکت مذکور قرین رفاهت و آرامش مسرت بخشائی زیست نموده یعنی از هیچیک رهگذر ، بامشکلات و واقعات ناگواری مقابل نگردیده است. در اوائل سال ۱۳۱۵ والا حضرت ولیعهد ایران تحصیلات خویش را در سو بس خاتمه داده بایران مراجعت فرمودند چنانچه پذیرائی مغزی الیه در بندر پهلوی و پای تخت با تشریفات مجلل بعمل آمد .

درین سال کار تعمیر خط آهن ایران که از بندر پهلوی تا طهران کشیده میشود و مقرر است که از طهران بخلیج فارس اتصال پیدا کند ، در قسمت شمال پیشرفت زیادی نموده و به (۶) کیلومتری طهران رسیده که البته در اوائل سال ۱۳۱۶ به پای تخت وصل می یابد . اعلیحضرت پهلوی در تعمیر و امتداد این خط آهن توجه خاصی مبذول فرموده مکرر کار ساختمان و پیشرفت مذکور را شخصاً نگرانی فرموده اند .

در موسم خزان يك هیئت اقتصادی بریاست جمال حسنی وزیر معارف سابق تورکیه از نقره برای مذاکرات اقتصادی وغیره خصوصاً راجع به اتصال خط آهن ایران و تورکیه وارد طهران گردیده با مامداران ایرانی داخل مذاکره گردید ولی نتایج این مذاکرات تا کنون معلوم نیست .

در ماه عقرب والا حضرت سردار شاه محمود خان وزیر حربیه افغانستان موقع بازگشت از مسافرت اروپا بصورت مسافرت دوستانه وارد ایران گردیده از طرف حکومت و ملت مملکت دوست و همسایه ما ایران بانهایت گرمجوشی پذیرائی گردیدند و مدت يك ماه دران جامه مان بوده مقامات مختلفه را معاینه و از ترقیات مملکت ایران

سالنامه « کابیل »

اظهار مسرت فرمودند و این مسافرت دوستانه سبب تشدید مزید روابط دوستانه که خوشبختانه مابین مملکتین موجود است گردیده حکومتین و ملتین را بیش از پیش بهم نزدیکتر مروط ساخته است .

دراواخر سال يك اقدام عرفانی بسیار مهمی در ایران بعمل آمده که عبارت از تشکیل و تاسیس جماعات (کلاسهای) مخصوص تعلیم اکابر است که برای تربیه نوده موجوده فوق العاده مفید واقع خواهد شد و تمام افراد در هر شهر و قصبه در اوقات فراغت یکی دوساعت را به تعلیم پرداخته سواد و معلومات لازمه را که دانستی آن از طرف نوده ملت برای پیشرفت يك مملکت کمال لزوم را دارد ، فرامیگیرند . در همین اوقات (دا کتر شخت) وزیر اقتصادیات المان در ضمن مسافرت شرقی خود ، وارد ایران گردید و يك سلسله فرار داد های تجارتی را نسبت به صادرات مواد خام ایران ، بالمان و صادرات اشیای مصنوعه المانی با ایران باز مامداران ایرانی امضاء کرد .

دراخیر سال بنابر نشریات نامناسب بعضی از جراند فرانسه که حکومت فرانسه بسبب نمودن قانون سگرانی مطبوعات از تلافی لازمه اعتذار نمود ، حکومت ایران وزیر مختار خود را از پاریس طلب نموده ، يك نفر کنار گذار را در آن جا باقی گذاشت . در ماه دلو فرار دادی مابین حکومت ایران و شرکت « دی لور » امریکائی برای استخراج نفت مناطق شمال شرق و شرق ایران با امضاء رسید که شرایط آن برای مملکت ایران مناسب میباشد .

اتحاد شوروی

ملك اتحاد جواهر اشتراکیه شورائیه در سال ۱۳۱۵ د نباله بیشتر فتهای اقتصادی خویش را تعقیب نموده ، در صنایع و تجارت و زراعت حائز موفقیت های زیادی شده است . لیکن از لحاظ موفقیت سیاسی بطوریکه مطالعه کردیم

گذارشات دنیا

بامشكلاتی مواجه شده و روابط او با ممالیکه کشیدگی پیدا کرده بود صورت حل بخود گرفته نتوانست وهم در زمینه او ضاع داخلی جریان دسیسه های مخالفت کبار آنه که از تخریکات داخلی و خارجی سر چشمه میگرفت ، فضای سیاسی این مملکت وسیع را تا اندازه پر آشوب نشان میداد .

در اوائل سال معاهده اتحاد نظامی که مابین شوروی و جمهوریت مغلستان خارجی انعقاد یافته بود ، وارد مرحله عمل شده جاپان ازان خیلی متأثر گردید و نیز دنباله واقعات سرحدی در سرحدات منچو کو و شوروی امتداد یافته ، برخرابی مناسبات مملکتین مذکور می افروید ، از طرف دیگر اظهارات تند زمامداران المان و جوابات شدید زمامداران شوروی که برخلاف همدیگر در مجالس مختلفه میگفتند ، مناسبات المان و شوروی را پیش ازپیش تیره و خراب میساخت ، تا آنکه در موسم خزان يك دسته المانهای مستخدم حکومت شوروی در مسکو بجرم شمولیت در دسیسه برای خراب کردن کارخانه جات و تخریک کارگران توقیف و محاکمه و محکوم باعدام شده ، بنابر اصرار بسیار جدی حکومت المان بالاخره جزای شان به تبعید تبدیل یافت .

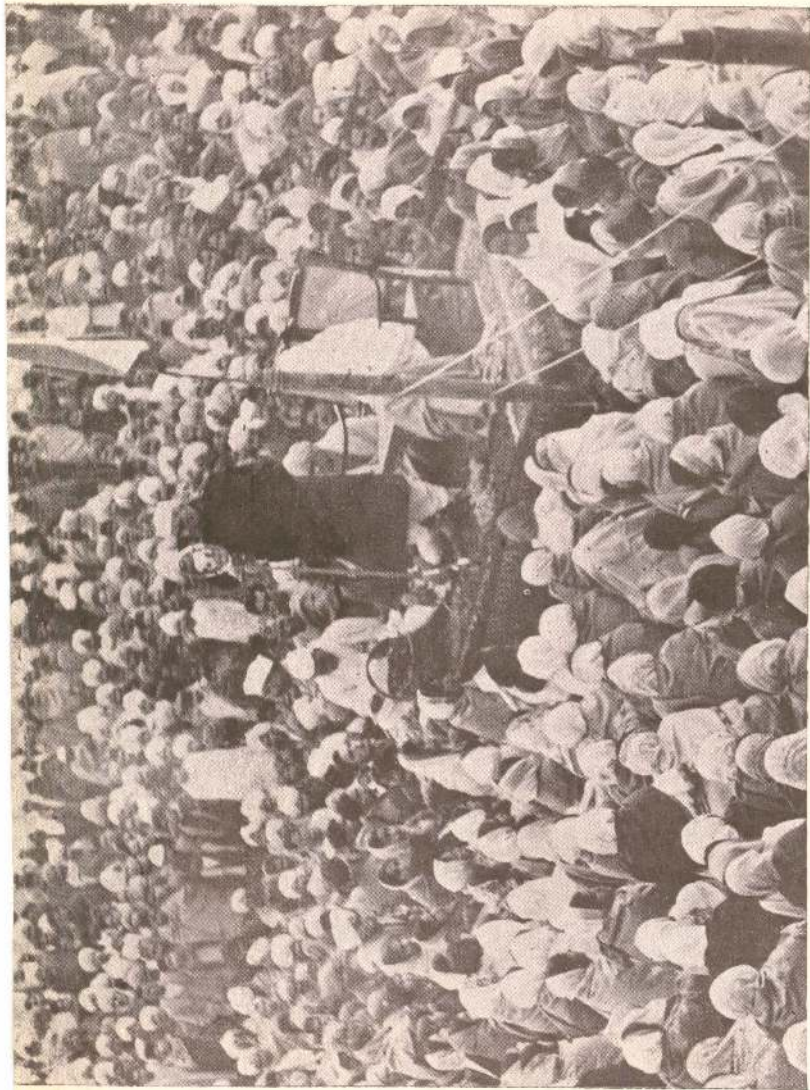
درطول این سال دودسیسه بزرگ داخلی دیگر نیز در روسیه کشف شده با ترآن عده زیادی از رجال بزرگ و کوچک توقیف و محاکمه شدند چنانچه دردسیسه اول « زینو ویف » و « کامینیف » ازرجال مشهور سابق و ۱۵ نفر دیگر اعدام و « رادک » و « سوکولنیکوف » و « سر بریا کووا » و « پیا تا کوف » که آنها نیز از زمامداران مهم بودند باچند نفر دیگر به حبس های مبعادی محکوم گردیدند و در دسیسه دومی که دراواخر سال مکشوف شده زیاده از صد نفر دیگر منجمله « ریکوف » رئیس الوزرای سابق و « یا گودا » وزیر داخله توقیف شدند که هنوز نتیجه محاکمه شان معلوم نیست . طوری که از مقالات جرائد فهمیده میشود

سالنامه « کابل »

دسیسه های مذکور مربوط به اقدامات تروتسکی زعیم سابق روسیه شوروی که چند سال پیشتر با اثر اختلاف نظر با زمامداران موجوده تبعید شده بود، و دیگر مخالفین داخلی میباشد وهم میگویند که المان ها و جاپانی ها نیز باین تحریکات د خیل هستند - حکومت موجوده برای قلع و قمع عناصر هنگامه جوی و مخالف مشغول اقدامات جدی میباشد

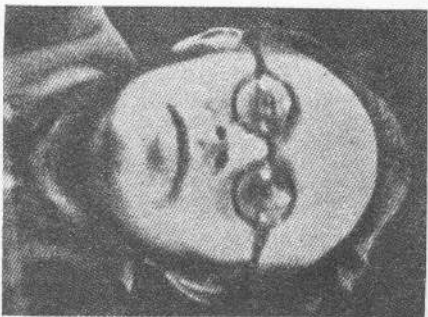
در جریان این سال مجلس کل اتحاد جماهیر شوروی در مسکو انعقاد یافته قانون اساسی جدید را که سال گذشته ترتیب یافته بود، تصویب نمود. این قانون جدید بسافشارهای سابق را که بحکم لزوم نافذ شده بود از مملکت مرفوع و قانون انتخابات و مساوات افراد و آزادی تجارت و امور مذهبی را مشابه قانون اساسی فرانسه، نافذ ساخته و حتی تاسیس یک حزب دیگر را در مملکت مجاز قرار داده است. درین سال حکومت شوروی اساس پول خود (روبل) را به پول فرانسه (فرانک) مربوط گردانیده نرخ مستقلی برای مبادله روبل معین کرده است. در قسمت روابط شوروی و جاپان طوریکه ملاحظه شد کشیدگی سابقه تا آخرین سال دوام کرده مخصوصاً انعقاد معاهده مبارزه با کمونیزم که مابین المان و جاپان در ماه قوس با امضاء رسید، بیشتر بر کشیدگی مذکور افزوده شوروی از امضای معاهده ماهیگیری که قبلاً مسوده شده بود انکار ورزید و پسان تر درین باره فقط یک موافقه موفتی یک ساله را امضاء کرد.

در قضیه اسپانیه هم قراریکه مطالعه میشود از همان اول انقلاب، ملت و حکومت شوروی همدردی زیاد به نسبت حکومت (سوسیالست) اسپانیه نشان داده ارسال پول نقد و آذوقه و جباخانه و افراد و صاحب منصبان مبادرت ورزیدند و میگویند شوروی با وجودیکه در مجلس عدم مداخله شامل است، امداد



از مناظر انتخابات عمومی هندوستان : جواهر لال نهرو رئیس مجلس ملی (کانگریس) هند باخانم او موقیبه،
برای انتخاب شدن خود درجائند هر نطق میکنند .

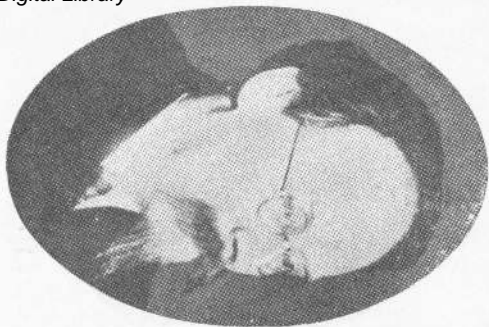
مربوط بواقعات مملکت اتحاد شوروی



رادک روز نامه نگار مشهور

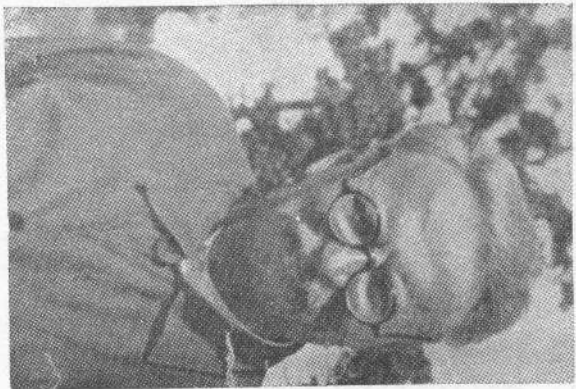


سو کولیکوف سفیر سابق شوروی در لندن



یانا کوف مدیر سابق خطوط آهن شوروی

م. بوط بواقتات مملکت اتحاد شوروی



زینوریف

نروتسکی زمامدار سابق اتحاد شوروی که در
سال ۱۹۲۸ از مملکت تبعید شده و حاضرأ
در مکسیکو بسر میبرد



کا مینف

گذارشات دنيا

های خویش را به نسبت رسیدن امداد های آلمان و ایتالیا و پر تگل و غیره (برای متمردين) ، معطل نکرده است .

با امقا بل روابط شوروی با فرانسه و انگلستان خوب بوده ، تصدیق یافتن معاهده امداد متقابل فرانسه و شوروی و انعقاد معاهده بحری انگلیس و شوروی شاهد آنست .

از طرف دیگر روابط شوروی با دیگر ممالک مشرقی درین سال بسیار دوستانه بوده ، مخصوصاً مناسبات مملکتین افغانستان و شوروی پیش از پیش خوشگوار و دوستانه بوده است چنانچه تمهید معاهده عدم تعرض و انعقاد قرار داد تجارتي و پذیرائی های گرم و خوبی که از والا حضرت وزیر حریه و وزیر خارجه افغانی در مملکت شوروی بعمل آمده شاهد آن میباشد . در قسمت امور اداری که اصلاً از تاثیرات و قایع بین المللی و موقعیت سیاسی مملکت میباشد درین سال يك اداره مستقل صنایع جنگی در روسیه شوروی تشکیل یافته ، توجه زیادی بسوی تسلیحات و تقویت فشون مبدول گردید چنانچه عده فشون سرخ به يك میلیون نفر ترقی و مدت نظامی افزوده شده است .

هندوستان

مملکت پهناور هندوستان در سال ۱۳۱۵ معروض حوادث پیشماری گردیده که عموماً اوضاع آن سرزمین را بر شور ساخته است .

در موسم بهار واقعات خونینی در بمبئی اتفاق افتاده مسلمین و هندو در سر مسائل مذهبی با هم نزاع کردند و دامنه این واقعات تا مدت درازی امتداد یافته از طرفین در حدود ۶۰ نفر مقتول و عده زیادی مجروح گردید .

در ماه سرطان (دبستانی رئیس حزب سوسیالیست) (اجتماعی) لاهور از آن جا اخراج گردید و حکومت بمقابل عملیات حزب اجتماعی مذکور اقدامات شدیدی را آغاز نمود، در تابستان « لارد لنتگو » نائب السلطنه جدید هند وارد دهلی شده، لارد ولنگتن به انگلستان رفت و نائب السلطنه نو برای تطبیق قانون جدید بیکه سر از بهار ۱۴۱۶ مری اجرا میشود، مشغول گرفتار تریبات لازمه شد.

در همین اوقات مرض و بادز علاقه جات پنجاب و صوبه سرحد وسند ظهور کرده تلفات زیادی وارد ساخت.

واقعه مهمیکه در اواخر این سال اتفاق افتاده و در حقیقت مهمتر بن وقایع سال ۱۴۱۵ هندوستان بشمار میرود، عبارت از ترتیبات اجراء و تطبیق قانون جدید است که قانون مذکور در ماه حمل ۱۳۱۶ (۱ اپریل ۱۹۳۷) تحت عمل گرفته میشود. قانون جدید که عبارت از اصول و فوایه (فدراسیون - مثل اتازونی امریکا و سویس و غیره) است، و در اثر مذاکرات چند ساله کنفرانس های میزمدور و اجراءات انجمن متحده منتهجه بوجود آمده برای هندوستان یک قسم حکومت داخلی را اعطاء میکنند که عبارت از ولایات نیم مستقل و دارای مجالس محلی و وزراء علیحده بوده، نمایندگان کل مملکت در دو مجلس عمومی یکی شورای ملی و دیگر مجلس شهبزادگان دهلی جمع میشوند و لی قوای عسکری و امور خارجه و امنیه و بعضی از شعب مهم دیگر در دست مامورین انگلیسی میباشد. مجلس ملی هندوستان (کانگریس) که موسس آن (گاندھی) معروف و رئیس فعلی آن (جوهر لال نهرو) است، و تمام حزب ایشان در ابتدا از تعاون باین قانون جدید

انکدر ورزیده ، و لی یسان تر که انتخابات عمومی آغاز گردید ، بلا حظه اینکه حائز اکثریت خواهند شد ، در انتخابات اشتراک نموده و برای پیشرفت حزب کانگرس در انتخابات تبلیغات وسیعی را آغاز گذاشتند چنانچه حالادر اکثر قاطب انتخابات به غلبه حزب کانگرس و هواخواهان آن تمام شده ولی هنوز حزب کانگرس در خصوص شمولیت خود در عهده های حکومتی فیصله قطعی نکرده است و نیز طوریکه میگویند در شروع سال ۱۳۱۶ انتظار وقایع مهمی میرود که اهمیت آن بسته به نتیجه همین انتخابات میباشد .

تور کیه

مملکت جمهوری تور کیه در سال ۱۳۱۵ در تمام زمینه های حیاتی خویش موفقیت های شایان تقدیری حاصل نموده و اوضاع عمومی مملکت مذکور بکمال آرامی و سعادت گذشته است .

در اوائل این سال حکومت تور کیه موفق به انعقاد مجلس (مونترو) برای مطالعه خواهشات تور کیه نسبت به دردانل و تعدیل معاهده لوزان شده ، مجلس مذکور در ۲۲ جوزا (۲۲ جون) بحضور نمایندگان ۹ مملکت بمقام مونترو (سویس) افتتاح شده ، مطالبات تور کیه را زیر بحث گرفت (و طوریکه قبلاً نوشتیم) در اثر مذاکرات طولانی از ۳۲ جوزا تا ۲۸ سرطان مطابق (۲۲ جون تا ۲۰ جولائی) که در طی آن اختلافات نظر زیادی مابین شاملین مجلس بظهور پیوست ، بالاخره برای تور کیه حق استحکامات سواحل دردانل و نگرانی عبور جهازات و طیارات خارجی در مواقع جنگ و غیره داده شده ، هیئت تفتیش جامعه ملل از استامبول مرفوع گردید . درین سال روابط تور کیه با اتحادیه بالقان بیشتر تشدید یافته زمامداران ممالک بالقان باهمدیگر دید و وادید دوستانه نمودند . از طرف دیگر تور کیه روابط خود را

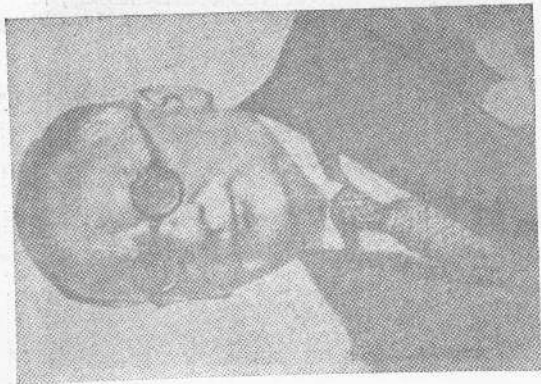
بانگلیستان دوستانه تر ساخته ایدورد هشتم پادشاه (سابق) انگلستان در اخیر تانستان به تورکیه آمده ، از طرف اتا تورک پذیرائی شد ومتعاقب آن عصمت پاشا رئیس الوزرای تورکیه بایک هیئت بزرگک به لندن رفته یک سلسله مذاکرات اقتصادی وغیره مابین مملکتین بعمل آمد . همچنین روابط تورکیه باالمان روز بروز بهتر شده درخزان دا کتر (شخت) و زیر اقتصاد المان به استانبول مسافرت کرده یک سلسله سفارشات تورکیه را که بیشتر به استحکامات در دائل ربط دارد ، از طرف حکومت تورکیه دریافت کرد .

در همین اوقات سیلا بهای مهبی در ولایت اناطولی ظهور کرده متأسفانه موجب تلفات قابل اعتنائی گردید .

در اخیر تیرماه والا حضرت سردار شاه محمودخان وزیر حربیه افغانستان موقع بازگشت از مسافرت اروپا بقسم دوستانه به تورکیه رفته ، از طرف حکومت وملت مملکت دوست وهمکیش ما تورکیه به نهایت درجه صمیمیت پذیرائی شدند ، همچنین تورکیه با دیگر ممالک اسلامی و شرقی نیز مناسبات خود را بیش از پیش دوستانه تر ساخته و منجمله وفدی برای مذاکرات اقتصادی وغیره به ایران اعزام نموده است .

در اخیر سال نسبت به مسئله سنجا ق و انطاکیه اختلافی ما بین تورکیه و فرانسه پیدا شده ، به تفصیلیکه در قسمت رویدادهای جامعه ملل ذکر شد به صورت دو ستانه فیصله گردیده ، مطابق خواهش تورکیه انجام پذیرفت و درین میدان نیز سیاست سنجیده تورکیه موفقیت حاصل نمود . همین قسم در اواخر سال روابط تورکیه با ایتالیا نیز بنا بر اقدامات صلح خواهانه حکومت انقره ، خوب شده موافقه بحر مدیترانه در ماه دلو در رو ما با مضاء رسید و

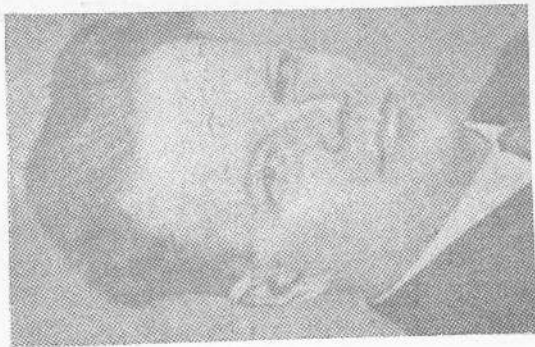
مربوط بواقعات مملکت اتحاد شوروی



لیتو یونوف کیمیسر امور خارجه شوروی که از ده سال باین طرف باین عهده بر قرار است



جلا توك کیمیسر ملی صنایع سنگین عوض اورجی نیکد زه فقید

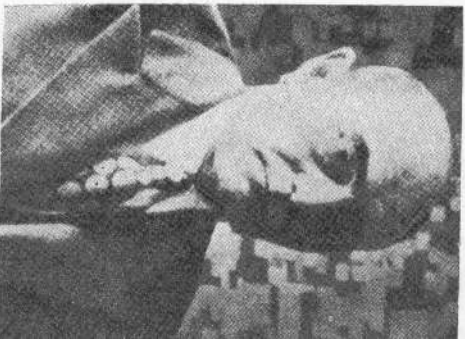


سمیر یونوف رئیس جدید نقشه پنجساله شوروی

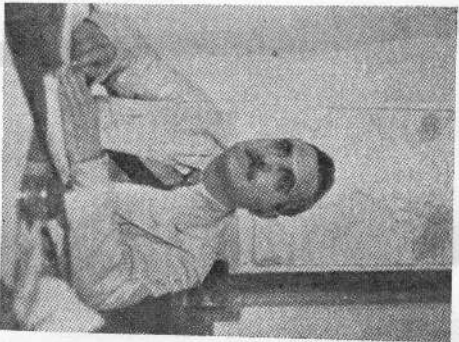
سر بوط بواقعات مملکت عراق



جنرال بکر صدقی محرک انقلاب اخیر عراق



گمت سلیمان رئیس الوزرای جدید عراق



یاسین بانداهاشی رئیس الوزرای سابق
عراق که اخیراً در سوریه فوت شد

گزارشات دنیا

با اینقسم کشیدگی که از مدت دو سال باینطرف ما بین مملکتین پیدا شده بود صورت حل بخود گرفت. مگر بینه حکومت تورکیه نسبت به استرداد موصل نبر داخل اقداماتی شده است ولی این موضوع تا هنوز بصورت واضح در مراکز ذی علاقه پیش نشده.

خلاصه حکومت جمهوری تورکیه درین سال در تمام مطالبات و مقاصد خویش فائز موفقیت گردیده و از طرف دیگر برای اصلاحات مدنی و ترقیات اقتصادی و ترقی عساکر خود مطابق نقشه پنجساله دوم اقدامات مهم و اطمینان بخش کرده است.

ممالک عربی

ممالک عربی درین سال روی هم رفته احوال خوشی داشته، اگر چه مزاحمت و هیجاناتی را طی کرده اند ولی علی الاکثر این بیقراری های ملل عربیه به نتایج گوارائی واصل گردیده که تمام عالم اسلام از آن خوشنود میباشد و برخی دیگر از ممالک مذکور که تا هنوز نتایج مطالبات شان معلوم نیست نیز امید زیادی برای پیشرفت مقاصد مشروع خویش دارند. مهمترین موفقیت های ممالک عربیه که درین سال بوقوع پیوسته عبارت از استقلال مصر و سوریا و حاضر شدن حکومت برطانیه است به مذاکره در اطراف مطالبات آزادی وغیره خواهشات اهالی فلسطین.

مصر:

از واقعات مهمیکه در سال ۱۳۱۵ در مملکت مصر اتفاق افتاده، یکی فوت اعلیحضرت مملک فواد اول است که بتاريخ ۹ ثور با اثر مرض دیرینه رحلت

نمودند و همان روز مطابق قانون وراثت شهزاده فاروق پسر شاه متوفی بنام ملك فاروق اول پادشاه مصر اعلان شدند و پس از چند روز از لندن که در آنجا مشغول تحصیل بودند وارد مصر گردیدند . چون عمر ملك فاروق هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده (و حاضرأ متجاوز از ۱۷ سال عمر دارند) بنابراین تا وقت ۱۸ ساله شدن پادشاه يك مجلس نیابت سلطنت بریاست شهزاده محمد علی پادشاه از اقرای ملك فواد مرحوم تعیین شده که کفالت امور سلطنت را بنماید . دومین واقعه مهمی که در مصر اتفاق افتاده عبارت از معاهده جدید انگلستان و مصر است که در اثر واقعات سال گذشته و مذاکرات جاریه بالاخره در ماه (اسد) در لندن با مضاء رسیده بموجب این معاهده انگلستان استقلال سیاسی مصر را اعتراف و نمایندگی اعلائی خویش را در مصر بسفارت کبری تبدیل نمود و علاوه برین عساکر خویش را از مصر کشیده به منطقه نهر سویز تمرکز داد و بالاخره در همین معاهده را جمیع به الغای امتیازات خارجیها نیز ذکر شده ، انعقاد کنفرانس بین المللی برای این منظور پیش بینی شده است که عنقریب در قاهره مابین دول صاحب امتیاز و نمایندگین مصری انعقاد خواهد یافت و امید میکنند که حقوق امتیازی خارجیها نیز که بگانه خلل استقلال کامل مصر بشمار میرود کاملاً مرفوع خواهد گردید .

در اوائل سال ، انتخابات عمومی خاتمه یافته حزب وفد حائز غالبیت گردید و بنابراین نجاس پاشا رئیس حزب مذکور بریاست وزرا تعیین و تقرر یافت (۲۰ ثور) و متعاقب آن مجلس اعیان مصر افتتاح گردید (۲۵ جوزا) . در اخیر سال حکومت مصر مبلغ معتدیهائی را برای خریداری اسحه و مهمات جنگی تخصیص داد . در ماه حوت حکومت مصر از جامعه ملل درخواست شمولیت نموده چندین مملکت منجمله افغانستان آن را تأیید کردند .

بطور عمومی درین سال مملکت مصر داخل يك دوره نهضت جدیدی

شده که از اثر آن در تمام رشته های حیاتی مملکت مذکور يك شور و فعالیت جالب توجهی پدید آمده است که با سالهای سابق ابدأ قابل مقایسه نمیشد .
عراق :

مملکت عراق در ضل این سال موفق به اصلاحات و پیشرفتهای خوبی شده و روابط او با سایر ممالک عربی و عموم ممالک شرقی خوب بوده است . واقعه قابل ذکر این سال عبارت از انقلاب مسلح عساکر عراق است که در ماه شرف در تجدید ریاست جنرال بکر صدقی و حکمت سلیمان برای اظهار مخالفت با مشی کابینه یاسین پاشا هاشمی اعلان تهر نمودند و در ظرف يك روز شهر بغداد را مورد گلوله پاری طیزه (محض برای تهدید) قرار دادند و مطالبه استعفاء کابینه را نمودند . چنانچه با اثر سیاست و تدبیر عقلائه اعلیحضرت ملک غازی و مشوره متاورین صحیح او ، کابینه هاشمی یا شا مستعفی و بعوض او بکر صدقی و حکمت سلیمان را به تشکیل کابینه موظف نمودند چنانکه با اثر این تدبیر عاملانه ، بلافاصله انقلاب رفع و حکمت سلیمان که از وزرای سابق است ، کابینه را تشکیل داد و در عین همین زمان وزرای سابق یعنی هاشمی یا شا رئیس الوزراء و نوری سعید بیگ وزیر خارجه و بعضی رجال مهم دیگر از مملکت برای مصلحت وطن بخارج فرستاده شدند (متأسفانه پس از چندروز هاشمی پاشا که از رجال بزرگ عراق بود درسوریه بطور فجائی فوت شد) وزیر در همین گیر و دار جعفر پاشا عسکری وزیر حربیه و رجل نامدار عراق در بغداد از طرف شخص نامعلومی بقتل رسید . خط مشی حکومت جدید در قسمت روابط خارجی عراق ظاهراً تغییراتی را در بر ندارد و تنها در اداره داخلی مخصوصاً در اداره قبائل با خط مشی حکومت سابق مغایر

میباشد. لیکن با وجود این وجوه اصلی و عوامل حقیقی انقلاب و تقیر حکومت عراق تا هنوز معلوم نشده است و گمان بیرون مسائل جدی تری این قسم یک تغییر فوری و کلی را بوجود آورده باشد.

درین سال روابط عراق با افغانستان بیش از پیش دوستانه بوده، و الاحضرت وزیر حریبه افغانستان را در آنجا بکمال صمیمیت پذیرائی کردند.
سوریه و لبنان :

سرزمین سوریه و لبنان در این سال موفق به بزرگترین کامیابی که عبارت از حصول استقلال است گردیده و این آزادی که حکومت فرانسه در ماه (فوس-دسمبر) بواسطه معاهده مخصوص برای سوریه و لبنان اعطاء نموده، در نتیجه اقدامات ملیون سوریه بوده، در ظرف سه سال تکمیل می یابد یعنی اداره فرانسه در سوریه خاتمه یافته تنها بعضی امتیازات عسکری در دست فرانسویها باقی میماند و سوریه و لبنان جمهوری مستقل متحد فرانسه تشکیل می یابد.

در اواخر سال، رئیس جمهور سوریه تبدیل گردیده هاشم بیگ اتاسی رئیس حزب ملیون که برای حصول استقلال سوریه خدمات زیادی را انجام داده، بریاست جمهور انتخاب گردیده مجلس ملی سوریه افتتاح یافت. و نیز مسئله سنجاق اسکندرون که مابین سوریه و تورکیه متنازع فیه بود، در مذاکرات فرانسه و تورکیه صورت حل بخود گرفته، تشکیل مخصوصی تحت نظر جامعه ملل برای علاقه جات ترکی زبان و ترکی نژاد مذکور منظور گردید.

فلسطین :

اهالی فلسطین درین سال متحمل مشقات فوق العاده گردیده، برای حصول آزادی و منع مهاجرت و اسکان یهودیها، در اوائل سال مطابق یک نقشه مرتب

که بمشورهٔ عمومی از طرف مفتی معروف بیت المقدس ترتیب یافته بود، باعتصابات و انقلابات عمومی پرداختند و مدت زیاد از چارماه سرزمین بیت المقدس در آتش انقلاب میسوخت و انگلیسها قوای مسلحی را از مصر و انگلستان برای رفع اعتصابات اعزام نموده، مبارزات خونین بعمل آمد و عدهٔ زیادی از اعراب فلسطین در میدان جنگ شربت شهادت نوشیدند. حکومت عسکری بکمال شدت انفاذ یافته، اعراب به قسم وطنی شبخون میزدند و راه های آهن را قطم و تهاه جات عسکری را تراج میکردند و از تبادیهٔ مالیات انکار ورزیده، مزروعات خود را خودشان آتش میزدند تا مالیات از آنها گرفته نشود. این هیجان ملی اعراب سبب شد که انگلیس به دیگر حکومتات عربی متوسل شده میانجی گری آنها را مطالبه نمود و برای این مقصد چند بار زمامداران عربی منجمله ملک ابن السعود پادشاه مملکت عربیه و ملک غازی شاه عراق و حکمران شرق اردن نمایندگان خویش را به بیت المقدس اعزام نمودند. و بالاخره پس از مذاکرات زیاد، در ماه (قوس) اعراب پس از حصول اطمینان از طرف حکومت برطانیه که برای مذاکرات اساسی آماده گئی خود را اظهار و اعزام هیئت شاهی مخصوص را از لندن و عده داد، و خصوصاً با اثر نمای حکمداران عربی، اعتصابات را خاتمه دادند و امنیت کم کم عود نموده و پسان تر هیئت انگلیسی وارد بیت المقدس گردیده اگر چه مابون عرب از مذاکره با آنها انکار ورزیدند، ولی مطالبات آنها به هیئت مذکور حالی کرده شده هیئت دوباره به لندن عزیمت نموده تا کثون نتیجه معلوم نیست. اما بعضی ها عقیده دارند که حکومت برطانیه پس از این مظاهرات مدهش اعراب برای دادن حقوق آنها حاضر خواهد شد و دیری نخواهد

گذشت که مشکلات مردمان فلسطین نیز مثل برادران سوریائی و مصری شان رفع و باقی شکایات آنها از رهگذر یهود و غیره هم صورت حل بخود خواهد گرفت .

عربیة سعودیه :

این مملکت در سال ۱۳۱۵ قرین آرا مش و رفاهیت زیست کرده و روابط او با سایر ممالک اسلامی و عربی بیش از پیش دوستانه گردیده چنانچه در ۲۰ فور معاهده با مصر عقد و در آن طرفین حقوق کامله الوداد را برای همدیگر خویش اعطاء نمودند . از طرف دیگر اعلیحضرت ابن السعود در داخل مملکت مشغول اصلاحات مدنی و زبانی گردیده که نتایج آن روز بروز بواسطه پیشرفت های مملکت مذکور عرض اندام مینماید .

یمن :

درین سال در داخله مملکت یمن و افعات مهمی رخ داده و اختلافات زیادی مابین اعلیحضرت امام یحیی و پسرش سیف الاسلام که نائب السلطنه است ، بروز کرده و بعضی از وزراء برای مقاصد غرض آلود خویش میان پدر و پسر کدورت و اختلاف ایجاد میکنند . در سیاست خارجی یمن نیز بیقراری مشاهده میسر شده هنوز نتایج قطعی این تغییرات معلوم نشده است .

جاپان

طوریکه مشاهده میکنیم سال ۱۳۱۵ برای مملکت جاپان بمثل سال گذشته يك سال خوبی نبوده ، اوضاع داخلی مملکت از رهگذر بحران اقتصادی و اختلافات فکری و حزبی خیلی پر آشوب بانظر می آید . در قسمت سیاست خارجی

مر بوط بواقعات مملکت مصر



ملك فواد اول ياد شاه فقيد مصر



ملك فاروق اول ياد شاه جوان مصر



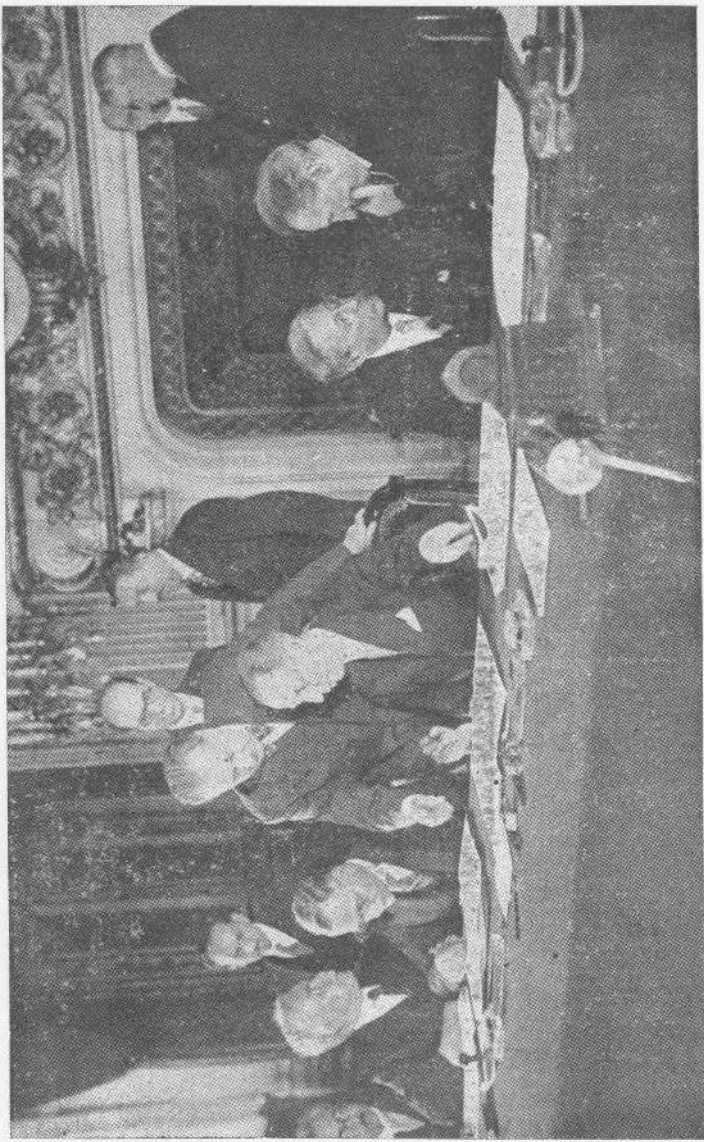
شهزاده محمد علي ياشا رئيس مجلس نيابت
سلطنت مصر



مر حوم سعد زغلول اولين محرك
استقلال مصر



امضای معاهده انگلیس و مصر در لندن : انتونی ایدن وزیر خارجه انگلستان
در وسط میز نشسته ، نحاس پاشا رئیس هیئت نمایندگان مصر مشغول ایراد نطق است



امضای معاهده استقلال سوریه در پاریس : شخصیکه امضاء میکند هاشم بیگ اتا سی رئیس جمهور فعلی سوریه به شخص عینکی که در گوشه میز نشسته مشغول صحبت است بلوم رئیس الوزرای فرانسه

گذارشات دنيا

جاپان درين سال دنباله سياست سابقه خویش را گرفته ، برای تحصیل آزادی تامه از فید معاهدات بین المللی ، در ماه حمل از کنفرانس بحری لندن خارج گردید و در حین زمان اقدامات آزاد ساختن ولایات شمالی چین و قلع و قمع کولونستی را در مملکت مذکور بشدت بیشتری تعقیب کرد . ولی تا اخیر سال از این قسمت نتیجه رضایت بخشی گرفته نتوانست و واقعات اخیر سال که منجر به گرفتاری جاپانگ آدانی نک دیکناتور بین و رهائی مجدد او گردید ، نیز تا جائیکه ملاحظه میشود برای پیشرفت مقاصد جاپان چندان امدادی نرسانید .

روابط جاپان و شوروی در بن سال در نتیجه واقعات سرحدی بیشمار و تمرکز قوای طرفین در سرحدت منچو کوچران آمیز بوده فقط در موقع بخزان امکاناتی برای رفع مناقشات مملکتین پیدا شده بود که انعقاد معاهده المان و جاپان (برای مبارزه با کمونیزم) امکانات مذکور را بر هم زد و تا هنوز روابط روس و جاپان خیلی کشیده بظار می آید .

روابط جاپان با امریکا (اتزانوی) و انگلستان در بن سال بصورت عادی گذشته واقعات تازه در بین مملکتین بوقوع نرسید .

ولی مهمترین واقعه که درین سال در جاپان اتفاق افتاد عبارت از اتحاد او با المان و زدیکوی اش را اعلان است که مذاکرات این اتحاد از یکسال پیش جاری بوده ، در ماه قوس منجر به عقد یک معاهده مهمی شد که مقصد از آن مبارزه متحده با کمونیزم و تشکیل یک مرکز مشترک مبارزه کمونیزم در بر این میباشد .

در قسمت اوضاع داخلی جاپان آنچه قابل ذکر است اینست که دنباله مناقشات حزبی و اختلافات حزب عسکر با زمامداران حکومتی که در اخیر سال

سالنامه « کابل »

گذشته منجر به واقعات خونین شده بود در این سال نیز ادا مه یافته در
اواخر سال بنا بر اختلافات مذکور در اثر کسر فاضل
بود چه و عدم آمادگی حکومت با افزودن مخارج عسکری، بحران سیاسی
در مملکت پدیدار گردیده اگرچه امپراطور بواسطه انحلال اجلاس مجلس
اعیان، خواست او ضاع را اصلاح کند، ولی بحران رفع نشده، کابینه
(هیروتا) استعفی داد و پس از آنکه مدت چند روز دیگر بحران سیاسی
دوام کرده کسی به تشکیل کابینه آماده و موفق شده نمیتوانست بالاخره
جنرال (هایاشی) وزیر حربیه سابق که در حزب عسکری دارای نفوذ زیاد و
شخصاً از سیاسیون مهم است؛ کابینه را تشکیل داد که وزیر حرب کابینه مذکور
پنابر عدم کامیابی در تسکین سراسر عسکری بزودی مستعفی شده، تاکنون
اوضاع سیاسی جاپان مانند اوضاع اقتصادی آن بحران آمیز معلوم میشود.

چین

مملکت بزرگ چین گو با دوره بدبختی و فلاکت و بحران خویش را
که از ۶ سال باینطرف شروع شده هنوز بیایان نرسانیده است زیرا با وجود
خاتمه جنگ با جاپان و انقلابات تورکستان چین و تبت و ولایات مختلفه آن
و انتزاع منچورستان و تشکیل مستقل مغلستان خارجی، هنوز هم مملکت
مذکور معروض عوارض ناگواری بوده، درین اوقات اخیر مخصوصاً رقابت
دو حریف پر زور یعنی جاپان و شوروی فضای سیاسی این مملکت را تیره
و تار ساخته است.

طوریکه دیدیم جاپان در سال ۱۳۱۵ تحریکات خویش را برای مستقل ساختن



جنرال چنگک هسولپانگ محرک انقلاب
اخیر چین



توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجه تورکیه



جنرال چوانگک کای شک دبکتاتور چین



جنرال هایاشی رئیس الوزرای جدید جاپان



امضای معاهده المان و جاپان در برلین : طرف راست سفیر جاپان در
حال امضا کردن، طرف چپ فون ریبن تروپ نماینده المان

گذارات دنیا

ولایات شمالی چین جهت استفاده از آن ها و تشکیل سدی بمقابل کمو نیز م شدت داده ، بسا دفعات به بهانه هیجانان داخلی قوای خوش را در داخل خاک چین سوق داد . همچنین کمونست ها از هر طرف علاقه جات مختلفه چین را مورد تاخت و تاز خویش قرار دادند - اما در ظرف این سال یکی از آنها نیز بموقیت های فیصله کن نائل شده نتوانسته اند . و این نیز بیشتر از برکت پیدا شدن حس ملیت و جذبات مخالفت با جاپان و اقدامات اعتدالیون مملکت است . در واقعات چین آنچه از همه پیشتر اهمیت دارد ، همانا طقیان جنرال (چیان هسولیا ننگ) است که در اوائل زمستان بسر کردگی فوج کمونستی بر شهر (سیانفو) تاختم بطور اتفاقی جنرال (چیاننگ کای شک) دیکتاتور معروف و زمامدار مسئول چین را که رئیس عناصر اعتدالی و اصلاح طلبان است اسیر گرفت . و لی پس از چنده روز جنرال مذکور بنا برعللی که تا کنون بخوبی مکشوف نشده ، چیاننگ کای شک را رها نموده خود را تسلیم او کرد ، و در محاکمه به ده سال حبس محکوم گردید . لیکن افواج کمونست دوباره بر شهر سیانفو تاختند و اکنون حکومت نا نکن برای سرکوبی آنها فوای اعزام کرده که مشغول کارزار میباشند .

خلاصه و وضعیت عمومی چین در طول سال فوق العاده بحران آمیز ، و دول رقیب دران جا مشغول نبرد آزمائی بوده اند که تا کنون نتیجه این زد و خورد بدرستی معلوم نشده است .

سیام

مملکت سیام درین سال به آرامی بسر برده و انقلابات و تفرقه هائی که درچند سال گذشته فضای سیاسی آنجا را تیره ساخته بود تکرار نیافته است .

دول اوروپا:

انگلستان

مملکت انگلستان درین سال ۱۳۱۵ اگر چه از نقطه نظر احوال عمومی و اقتصاد ملی قرین رفاهیت و بهبودی زیست کرده ، لیکن از جنبه سیاست داخلی و خار جی دوچار مشکلات مهمی گردیده که بزرگترین آن در قسمت سیاست داخلی همانا قضیه بحران قانون اساسی که منجر به خلع ایدورد هشتم شد و در قسمت سیاست خار جی عبارت است از سقوط حبشه و ناکامی سیاست تجاوز بر تعزیری که انگلستان بحرك و پشتیبان آن بود . باقی وقایع مهمه انگلستان که درین سال بزقوع پیوسته ذیلاً تذکار میشود :

• در اوائل سال ۱۳۱۵ سیاست انگلستان در باره حبشه که پشتیبانی از مملکت مذکور و اساسات جامعه ملل مینمود ، با تسقوط مملکت مزبور و کامیابی عساکر ایتالیا ، دوچار شکست فاحشی شده ، سیاسیون انگلیس طوریکه ملاحظه میکنیم این شکست سیاسی خویش را اعتراف نمودند و برای تلافی آن ، تیارهای جدیدی کرده ، تجاوز بر تعزیری را نیز از بالای ایتالیا برداشتند تا باین وسیله زمینه برای اصلاح مناسبات مملکتین آماده شود . چنانچه با ترمین اقدامات حکومت انگلیس بود که در اوائل زمستان (اواخر سال ۱۹۳۶)

بلاخره پس از مذاکرات طولانی ، یک موافقه مابین انگلستان و ایتالیا را جامع به بحر مدیترانه باجتماع رسیده طرفین احترام مفاد همدیگر خویش را در بحر مذکور تعهد نمودند . و گوئی این ترتیب کشیدگی که از یکسوم سال پیش تصرف در روابط مملکتین نزد قضیه حبشه و تجربه رخ داده بود ، پاندهزه زیادی رفع گردید . و علاوه بر آن انگلستان سفارت خود را در ادیس ابابا به فونسلگری تبدیل و هم طوریکه میگویند در سقوط حکومت ملی حبشه مقیم گوز اقدامات نمود .

گذرنامه‌ها و دنا

در ماه سرطان با تریبش نهاد حکومت شوروی، مذاکرانی مابین نمایندگان انگلیس و شوروی بمقصد طرح يك معاهده بحریه آغاز یافته در ۸ اسد (۳۱ جولائی) معاهده مابین مملکتین با مضاء رسید که مطابق آن انگلستان برای شوروی در بحیره بالٹیک داشتن همان اندازه قوای بحری را اعتراف نمود که در سال گذشته برای المان اعتراف کرده بود. چنانچه با اثر این واقعه در ۲۸ اسد (۲۰ اگست) ممالک اسکاندینا و یاه در ستو کهوم کنفرانسی منعقد و بر خلاف معاهده بحری انگلیس و شوروی رأی دادند و نیز در ۱۸ میزان (۱۱ اکتوبر) المان درین خصوص اعتراض کرد. و علاوه در همین آوان انگلستان ۴۰ ملیون پوند اعتبار (قرضه) را برای فرمایشات شوروی منظور نمود که تمام اینها نزد یکی مملکتین انگلیس و روس را تأیید مینماید.

در ماه اسد پادشاه انگلستان به مسافرت ممالک اروپائی پرداخته، پس از آنکه بمقام میمی (فرانسه) بنای یادگار مقتولین بخاربه عمومی را افتتاح نمود به تورکیه و مجارستان و آستر با که ممالک ستم دیده جنگک عمومی بشمار میروند، مسافرت رسمی دوستانه بهمیل آورد و این مسافرت به تشبیه مناسبات انگلیس و تورکیه اثر خوبی بخشید و همان رنجش جزئی را که در اثر اختلاف نظر تورکیه و انگلستان در موقع انعقاد کنفرانس (مونترو) در باره شرایط عبور جہازات از در دانیل، پیش شده بود با لمره مرفوع ساخت.

بتاریخ ۲۰ اسد (۱۲ اگست) معاهده جدید انگلستان و مصر که متضمن استقلال مصر و اعای بسا امتیازات انگلیسها و منجمله کشیده شدن فوج انگلیسی و تعیین فوج مصری و اعتراف بعضی حقوق مصر در سودان است، در لندن مابین وزرای انگلستان و نمایندگان مصری امضاء رسید. انگلستان نماینده اعلائی خویش را بدر قاهره بجهت سفیر کبیر مقرر کرد.

سا لنامه « کابل »

در ۲ میزان (۲۵ ستمبر) معاهده معروف یولی ما بین انگلستان و ممالک متحدہ امریکا و فرانسه بامضا رسیدہ ہر سہ مملکت نرخ مبادلہ مسکو کات خود ہا را مستقل قرار دادند چنانچہ بعد ہا چکو سلوا کیہ و ہالند و سویس و ایتالیا نیز بآن شرکت ورزیدہ ، نرخ مبادلہ مسکو کات خود ہا را تقلیل دادند .

در موسم خزان یکی از متمولین انگلستان مسابقہ ہوائی ما بین لندن و ملبورن (آسترلیا) ترتیب دادہ در آن چند تن از رشید ترین ہوا بازان انگلیسی شرکت ورزیدند و مسابقہ بموقیت انجام یافت .

در ہمین موسم علاقہ جات جنوبی انگلستان (ولایات ویلز) دوچار مصیبت و بحران اقتصادی شدیدی شدہ در ماہ قوس شاہ انگلستان رسماً برای معاینہ مقامات مصیبت رسیدہ مسافرت نمودہ ، اعانہ برای دستگیری از مردمان مصیبت رسیدہ مذکور جمع آوری شد .

و نیز درین آوان یکی از متمولین انگلستان « لارڈ نو فیلڈ » مبلغ ۷ و نیم میلیون پوند برای موسسات عرفانی و صحی و ادادی مملکت اعانہ تقدیم کرد .

در اوائل ماہ قوس ایدورد ہشتم پادشاہ انگلستان تامل خود را باز دواج یک زن امریکائی (خانم سمپسن) از طبقہ عوام اعلان نمودہ ، باثر آن بحران قانون اساسی بصورت بسیار شدیدی در انگلستان نمودار شدہ با وجودیکہ تودہ عوام و بعضی از ممالک امپراطوری بہ میل پادشاہ اظهار ہمدردی میکردند ، ولی چون احزاب مهم مملکت از قبیل حزب محافظہ کار برای قبول این مطلب ولو بصورت نکاح مورگاناٹک (کہ خانم پادشاہ ملکہ نباشد) موافقت نکردند ، بالاخرہ در ۱۸ قوس (۱۰ دسمبر) ایدورد ہشتم از تاج و تخت انگلستان و ممالک امپراطوری ماورای ابحار و شاہنشاهی ہندوستان از طرف خود-

مربوط بواقعات مملکت انگلستان



ایدورد هشتم پادشاه مملوک انگلستان



خانم سبین که ایدورد هشتم پادشاه انگلستان برای خاطر
او از تاج و تخت استعفی داد

خانوادہ سلطنتی انگلستان



جارج ششم ، ملکہ الیزابت ، شاہدخت الیزابت و لیعهد و شاہدخت مارگریٹ
دختر کوچک شاه

و اولاده خود و نیز از تمام القاب و عناوین خویش استعفی و صرف نظر نموده ، فردای روز خامخ خود بنام (آقای وند سر) از انگلستان خارج و به آستریا رفت و پروز ۱۹ فوس (۱۱ دسمبر) برادرش (دیوک آف یارک) مطابق قانون وراثت ، با اسم جارج ششم پادشاه انگلستان و ممالک ماورای اجار و شاهنشاه هند اعلان گردید و مشارالیه به برادر خود شاه مستعفی ، لقب (دیوک آف وندسر) را داد علاوه بر بجران و هیجان عمومی و صدمه که از تران واقع بافتخا رات ملت انگلستان وارد آمد ، یک اثر بد دیگر نیز از آن بظهور رسید که عبارت است از انکار آیر لیند از قبول رأی نایب الحکومه انگلیس در امور سلطنت و غیره .

در ماه دوازدهم اثر سوختن یک سینما در لندن ۸۰۰ نفر تلف و هم درین ماه سیلا بهائی که در انگلستان جنوبی جریان یافت موجب تلفات قابل ذکری شده است در خاتمه باید اضافه کرد که انگلستان در جریان سال ۱۳۱۵ یک نقشه بسیار وسیع تسلیحات و تجهیزات را روی دست گرفته ، مبالغ بزرگی (۵۰۰ میلیون پوند) را برای این کار تخصیص داد تا قوای حربی مملکت بدرجه اتم تکمیل بیاید چنانچه قرض داخلی بزرگی برای منظور اعلان و این نقشه خیلی اسباب اعتماد سیاسیون و طبقات عامه ملت انگلیس را فراهم نموده است

درین سال مناسبات مملکتین افغانستان و انگلستان بسیار خوب و دوستانه بوده رئیس الوزرا و وزیر حربیه افغانستان را در لندن پذیرائی خوبی نمودند . واقعات مهمی که در ممالک امپراطوری انگلستان و مستعمرات و اوتاق افتاده عبارت است از قانون جدید هندو زود خورد های بمبائی و اعتصابات فلسطین و غیره که هر کدام آن در ذیل اسم خود ممالک مذکور ذکر شده است .

فرانسه

اوضاع داخلی فرانسه درین سال تامدتی از سبب کشیدگی و نزاع احزاب مختلفه

بحران آمیز بوده ، پس از آن مسائل اسپانیه ، اختلافات داخلی مذکور را تا اخیر سال ادامه داده - از رهگذر سیاست خارجی نیز این سال برای فرانسه یکسال خوشی نبوده ، مشکلات فوق العاده که اسباب نگرانی و تشویش تمام ملت میشد سر بسر به وقوع رسیده ، لیکن با وجود این سیاست خارجه فرانسه درین سال موفق به بعضی پیشرفت ها گردیده و برخی ممالک را دوباره بخود مربوط کرده توانست که مهمترین آن یولیند و انگلستان و غیره است . و نیز فرانسه در طول سال مذکور برای حفاظت و اطمینان خود ، بسا ترتیبات نظامی و تسلیحاتی را سر دست اجراء گرفته که در سالهای قبل نظیری بخود نداشت حتی برای این مقصود بقروض داخلی و خارجی مهمی متوسل گردیده - از جنبه اوضاع اقتصادی مملکت فرانسه روز گذر خوشی داشته بحران اقتصادی با لمره مرفوع و تجارین زیادیکه از طرف حکومت سوء سیاست روی کار آمد اسباب امیدواری طبقات عامه شده است .

مهمترین قضایای آنی که درین سال برای مملکت فرانسه اتفاق افتاده همانا قضیه تقاضی معاهده لوکارنو است از طرف المان که فردای روز تصدیق یا قتن معاهده فرانسه و شوروی (۱۶ جوت ۱۳۱۴ مطابق ۶ مارچ ۱۹۳۶) المان عساکر خود را به منطقه خالی از نظامی راین لیند سوق داد ، چنانچه تقاضای این قضیه در قسمت رویدادهای جامعه ملل تدکبار گردید - خلاصه فرانسه بمقابل این اقدام بسا مظاهرات نشان داده ، به جامعه ملل عرضها کرد و بر دول ضمانت کننده یعنی انگلیس و ایتالیا فشار آورد . لیکن نتیجه عملی بدست نیامده و بالمقابل فرانسه تنها به افزایش قوای عسکری و تجهیزات خویش و از طرف دیگر به تشدید مناسباتش با متحدین خود پرداخته ، در عین حال پیش نهاداتی بالمآن تقدیم نمود بمعاهده جدیدیکه در آن شوروی نیز داخل باشد ، بجای

معاهده لو کارنو جهت تقویم امنیت اروپائی عقد گردد . اما المان از شمول روسیه در معاهده انکار و رزیده ، تا کنون قضیه نو کار نو خاتمه نیافته و اگر چه در اواسط سال دا کتر شخت وزیر اقتصاد و رئیس بانک دولتی المان به یاریس مسافرتی هم نموده راجع بامکانات نزدیکی فرانسه و المان مذاکراتی بعمل آورده ، و ضمناً خواهشات فرض رانیز پیش کرد ، ولی چون مابین نظریات مملکتین فاصله و تباین زیادی موجود بود ، نتیجه بدست نیامده چنانچه در اواخر سال که بازسخن از قرض دادن فرانسه ب المان در میان آمد ، فرانسه شرایط خویش را پیش کشید و تاهنوز روابط مملکتین از کشیدگی خود باز نمانده است و قضیه اسپانیه و معاهدات المان با ایتالیا و جاپان نیز این کشیدگی را بیشتر ساخته مبرود .

در شروع سال انتخابات فرانسه آغاز شده ، به غلبه احزاب دست چپ مخصوصاً سوسیالیست ها خاتمه یافت و بنابراین در ماه جوزا که انتخابات تمام شد ، (بلوم) رئیس حزب سوسیالیست به ریاست وزراء منتخب و کابینه مرکب از احزاب سوسیالیست و رادیکال سوسیالیست و برخی احزاب دیگر دست چپ تشکیل داد و آن را کابینه « جبهه عامه » یعنی اتحاد احزاب دست چپ نام نهاد . در این کابینه دلادیه وزیر امور دفاعیه و دلبو وزیر خارجه (هر دو نفر از حزب رادیکال) و (ونسان اوریول) « از حزب سوسیالیست » وزیر مالیه میباشد . بلوم بمجرد رسیدن بافندار دو کار مهم کرد : اول روی کار ساختن یک سلسله تجاویز برای بهبود حال کارگران و طبقات عامه ، از قبیل تعیین هفته ۴۰ ساعت کار و دادن معاش ایام رخصتی به کارگران و ملی ساختن کارخانه جات اسلحه سازی که این تجاویز در اثر اعتصابات بزرگ (که آنرا نیز به تحریک خود بلوم میدانند) تصویب گردید . و دوم انحلال حزب فاشیست که با اثر فشار زیاد بالاخره حزب مذکور بشکل بی سروصداً کلی مضمحل شده ، بعوض آن مطابق نظریه بلوم

حزب جدیدی بنام حزب ملی بسر کردگی همان (کولونل دو لا روک) رئیس سابق حزب فاشیست (کروه دو فو) تشکیل گردید .

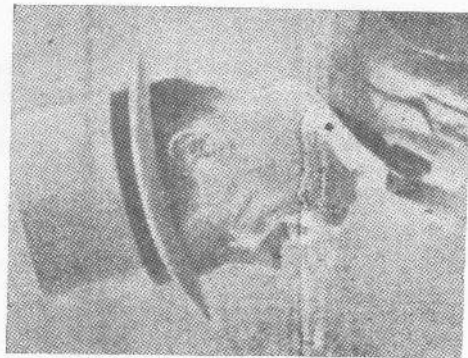
در اواسط سال مذاکرات فرانسه و سوریه که نسبت به دادن آزادی به مملکت مذکور از اول سال آغاز یافته بود ، منجر به یک معاهده گردید که در آن فرانسه استقلال سوریه را اعتراف کرده و این آزادی را در ظرف سه سال وعده نمود چنانچه تفصیل آن در ذیل نام سوریه آمده است .

در ماه میزان بلوم برای اصلاح اوضاع اقتصادی و تجارتي بین المللی ، اقدام مهمی کرد که عبارت از عقد معاهده پولی (معروف به معاهده سه گانه) با انگلستان و امریکا بود و در عین حالیکه بواسطه این معاهده هر سه دولت تناسب پولهای خویش را به نسبت یکدیگر خود معین ساختند ، فرانسه ۳۰ فیصد نرخ مبادله فرانک را تقبل داد تا در داخل معیار حیات بلند برود و در خارج از سبب کنترل قیمت فرانک بازارهای جدید برای مال التجاره فرانسه باز شود .

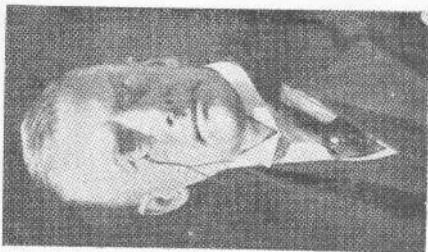
در ماه عقرب سالنگر و وزیر داخله فرانسه با نشریات مخالفانه جرائد داخلی که او را به جاسوسی آلمان در موقع جنگ بین المللی متهم میکردند ، رای اثبات عدم حقیقت این لکه بزرگ ، انتشار نموده مراسم جنازه او با تشریفات فوق العاده بزرگی بصورت ملی بعمل آمد .

آنچه برای حکومت فرانسه درین سال مشکلات زیادی فراهم ساخت همانا قضیه اسپانیه است. حکومت فرانسه از یک طرف بنا بر علائق همسایگی و هم مسلکی ، مهایل و مجبور به کمک حکومت مادرید بوده از طرف دیگر مداخله در امور اسپانیه را فوق العاده خطرناک و نتیجه آن را نزاع بین المللی میدانند چنانچه اولتر از همه حکومت فرانسه پیش نهاد عدم مداخله را نموده تا کنون اگرچه ملت فرانسه به رسم و رسم با حکومت مادرید همدردی میکند لیکن حکومت باوجود

مس بوط بواقعات مملکت انگلستان



لارڈ لنتکو نائب السلطنت ہندوستان



آسٹن چمبرلین سیاستمدار معروف
وزیر خارجہ سابق انگلستان کہ
اخیر آ فوت شدہ

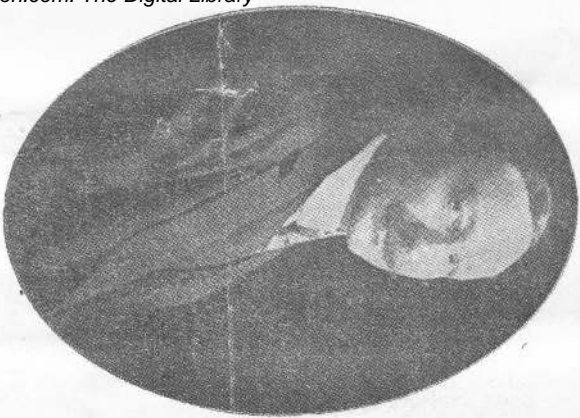


نیوا ٹل چمبرلین وزیر مالہ فعلی و
رئیس الوزرای آئندہ انگلستان

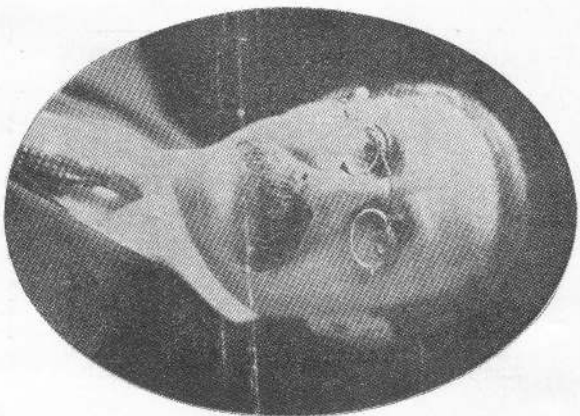
مس بوط بواقامت عملکت فرانسه



سانکر و وزیر د اخله فرانسه
که از اثر تهمت جرائدکه او
را جاسوس المان میخواندند
انتصار نمود



د ابو و وزیر خارجه فرانسه



لئون بلوم رئیس الوزرای فرانسه

گذارشات دنیا

فشارهای احزاب دست چپ خصوصاً کمونست‌ها، طرفدار عدم مداخله می‌باشد. درین سال روابط فرانسه با انگلستان روز بروز تقو به یافته با مقابل پس از عقد معاهدات بین ایتالیا و المان مناسبات او با ایتالیا و همچنین در اثر اعلان بیطرفی بلژیک با دولت مزر بورسست شده ولی از طرف دیگر در اثر سفر جنرال گاملن رئیس ارکان حریبه فرانسه به وارسا و سفر رید زسمگلی مارشال لهستانی و یک وزیر امور خارجه آن مملکت به پاریس، مناسبات فرانسه و لهستان برخلاف انتظار خیلی خوب شده و گویا باینقسم لهستان پس از دو سال دوری، باز بفرانسه مربوط گردیده، چنانچه در اثر همین مسافرتها، فرانسه ۲۶ میلیون یوند به لهستان قرض هم داده است. نظیر این فرانسه موفق شده که اتحادیه صغیر (رومانیه، چکوسلواکیه و یوگوسلاویه) را با وجود تمایلاتی که بالمان نشان داده اند، بخود وفادار نگه بدارد. تنها تورکیه در اثر نزاع کم دوامیکه در سر مسئله سنجاق اسکندرون با فرانسه پیدا کرده و با آنکه نزاع مذکور بزودی رفع گردید، باز هم در روابط ممکنین قدری سستی محسوس می‌شود که ممکن به نزدیکی تورکیه و ایتالیا منجر شود. درین سال در ممالک مستعمراتی فرانسه واقعات مهمی رخ نداده تنها در مراکش با اثر انقلاب اسپانیه هیجاناتی ظهور کرده که بزودی خاموش شده است.

المان

ممکت المان درین سال دنباله اقدامات اصلاحی خویش را در تمام زمینهای حیاتی تعقیب کرده و حائز بسا موفقیت‌های سیاسی و مدنی گردیده است. چنانچه پس از لغای معاهده لوکارنو که در اخیر سال گذشته صورت عملی پیدا کرد، حکومت المان در اول سنبله (۲۴ اگست) خدمت نظامی را از یکسال بدو سال ترقی داده متعاقب آن در ۲۲ عقرب (۱۴ نومبر)

سالمه « کابل »

شرایط بین المللی بودن رودخانه های المان (یعنی يك قسمت از معاهده ورسای) و موافقه موقتی تاریخی ۱۴ ثور ۱۳۱۵ (۴ می ۱۹۳۶) را که مربوط به دریا نوردی در رود راین بود ، ملغی قرار داد و درین هرسه موضوع به اعتراضات متواتر فرانسه و بلژیک و پولند که به خود او و جامعه ملل نمودند ، اعتنائی قائل نشد .

اما درعین زمان رئیس مملکت المان در موقع افتتاح مجلس سالانه حزب نازی به مقام نورمبرگ ، نقشه چهارساله آینده را اعلان کرد که مطابق اظهارات زمامداران المان بواسطه آن ، مملکت مزبور استقلال واستغنی کامل از مواد خام پیدا خواهد کرد . و نیز مشارالیه خواهشات مستعمراتی خویش را اظهار و عدم شمولیت خود را در معاهدات با کمونستها تکرار نمود . چنانچه این نطق هتلر ، ممالک بزرگ را با شتاب انداخته در اطراف نکات مذکور تصمیمی از المان خواسته شد و المان یاره تصمیماتی داده منجمله خواهشات مستعمراتی خود را در او آخر سال ، صریح ساخت و اخیراً نمایندگان المان مشغول اقدامات میباشد تا از یکطرف برای بهبود اقتصادات المان که از سبب نقشه های وسیع تسلیحات مواجئه بحران است ، از انگلستان و غیره ممالک قروضی حاصل و از طرف دیگر خواهشات حقیقی المان را در باره استرداد مستعمراتش به ممالک بزرگ حلی سازند . البته المان در مقابل حصول بعضی از مستعمرات سابقه خود و مقداری قرض ، حاضر خواهد شد که به فرانسه و انگلستان ضمانتی بدهد لیکن هیچ انتظار نمیرود که مطابق آرزوی فرانسه با شوروی نیز مفاهمه و معاهده به بندد . بنابراین یگانگی مشکلی که تا کنون در راه اجرای مقاصد مهمه المان باقی مانده همین عدم اتفاق نظریات او با فرانسه است که تا کنون بیک نتیجه نرسیده .

در واقعات المان آنچه از همه مهتر بوده اثرات آن نه تنها برای خود

مربوط بمقاله گذارشات دنيا



مارشال ریدیر سمکلی مفتش قشون
لهستان و جاشین مارشال یلسو دسکی



روزولت رئیس جمهور امریکا که بار
نوم بریاست جمهور انتخاب گردیده

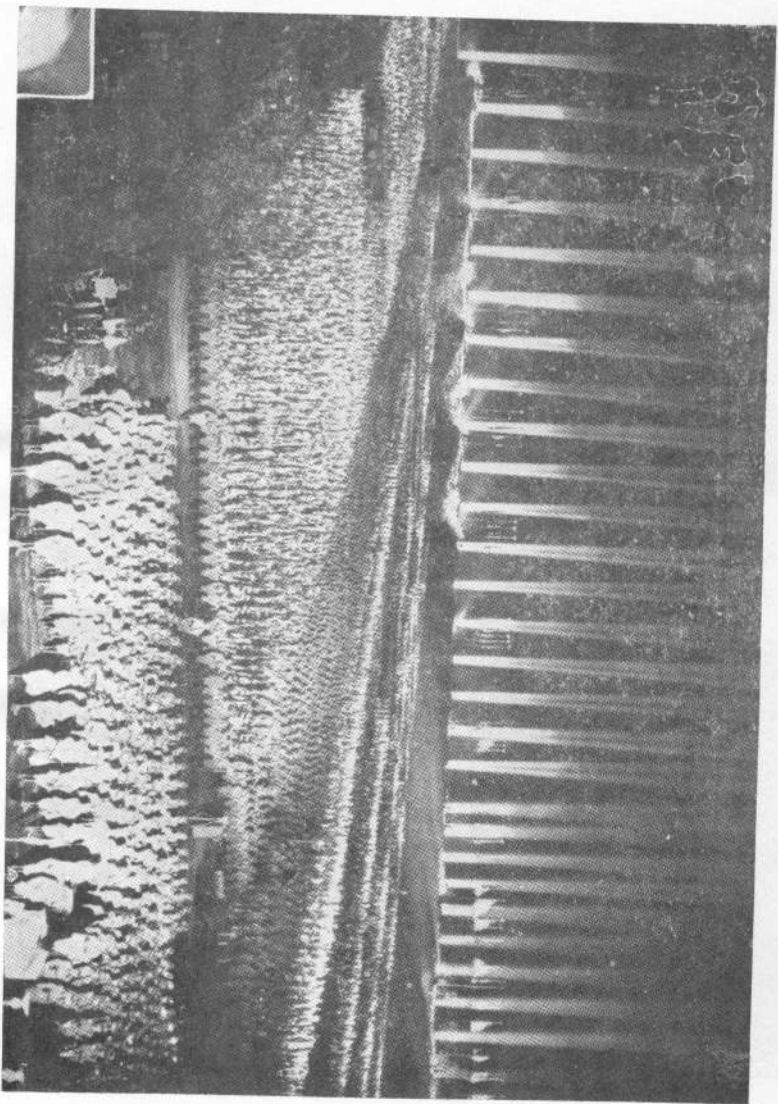


بک وزیر خارجه لهستان



شوشنگ رئیس الوزرای آستر یا

يك منظره از مجلس سالانه حزب نازی بهنام نورمبرگ در هنگام شب



گذر از شات دنا

المان بلکه برای سیاست اروپائی و اوضاع بین المللی دارای اهمیت زیادی میباشند همانا نزدیکی المان و ایتالیا است که این دو ملکت بنا بر نزدیکی مساک سیاسی و موافقت مقاسد ملی، مخصوصاً سیاست مطالبه، در اواسط سال ۱۳۱۵ بنای نزدیکی را با یکدیگر گذاشته، پس از ملاقاتها سیاسی و دوستانه که مابین رجال بزرگ مملکتین صورت گرفت (از قبیل سفیر افسری وزیر ایتالیا و امپراتور شهزاده ایتالوی و دختر موسولینی به برلین و مسافرت فرانک و جنرال ملش المانی به روما) بالاخره مملکتین تمام موضوعات متنازع فیهای موجوده را که مهمترین آن عبارت از قضیه آستریا میباشد، کنار گذاشته در موقع مسافرت کونت چیانو وزیر خارجه ایتالیا داماد موسولینی به برلین (از ۲۷ میزان تا ۳ عقرب مطابق ۲۰ تا ۲۶ اکتوبر ۱۹۳۶) بریر و تزکولی امضا نمودند که مطابق آن مملکتین در تمام موضوعات جاریه اتفاق نظر حاصل کردند و نیز در خصوص استخراج منابع طبیعی حیطه ایتالیا بموجب همین مفاهیم المان را با خرید شریک و امتدادهای لازمه را از او حاصل نمود و هم در همین موقع مملکتین مذکور متفقاً حکومت جنرال فرانکو را بر سمیت شناخته سفرای خویش را در نزد او اعزام کردند. و مقربن همین زمان بنا بر میانجی گری ایتالیا، المان و آستریا و بمارستان با همدیگر نزدیک شده از دعای سابقه خویش (شاید وقتاً) صرف نظر نمودند (معاهده عدم تعرض آستریا و المان بتاريخ ۱۹ سرطان مطابق ۱۱ جولائی با امضا رسیده اولی در ماه عقرب موقع کسفر آنس سه گانه وین و با ویرنا و سنت میکلاس رئیس جمهور آستریا و هورتی نائب السلطنه بمارستان با همدیگر نشیمن یافت) و برای مطالبه صورت عملی اتحاد ایتالیا و المان در اواخر سال جنرال گرونیگ سیاستمدار المانی به روما مسافرت کرده، بعضی جزئیات این اتحاد را فیسله نمود.

علاوه بر این المان در زمینه سیاست خارجی خود یک اقدام مهم دیگر نیز کرده که آن عبارت از نزدیکی با جاپان است که آثار آن از اول سال معلوم بوده ، ولی طرفین عقد معاهده اتحاد نظامی را تر دید مینمودند تا آنکه نزدیکی مذکور در ۳ قوس (۲۵ نومبر) ، بعقد یک معاهده مبارزه متحده با کمونیزم مابین مملکتین تثبیت یافته ، طوریکه ملاحظه میشود روابط المان و شوروی را کشیده ترساخت و کمی بعد ایتالیا نیز بصورت غیر مستقیم بآن شامل گشت و باینصورت دول فاشیست یک محاذ واحد را بمقابل کمونیزم تشکیل دادند . در اواخر سال در مملکت المان قلت خورا که رونما شده ، حکومت برای تقسیم منصفانه ارزاق سعی بلیغی بکار برد ولی هنوز هم موضوع خورا که یکی از مشکلات اجتماعی بزرگ المان بشمار میرود .

درین سال روابطه المان با افغانستان بسیار دوستانه و خوب بوده از رئیس الوزرا و وزیر حریبه افتان دران جا پذیرائی خوبی بعمل آمد .

ایتالیا

مهمترین واقعات سال ۱۳۱۵ ایتالیا عبارت از فتح مملکت حبشه است که در اثر اقدامات هشت ماهه (از ماه میزان ۱۳۱۴ تا ماه ثور ۱۳۱۵) به تصرف ایتالیا درآمده و تجار ویز جامعه ملل و اقدامات خصوصی بعضی دول مانع نظریات موسولینی شده نتوانست . در اوائل این سال اقدامات حربی ایتالیا که بنا بر مدافعه جدی حبشی ها و شرایط مخصوصه اراضی مملکت مذکور چندین دوچار سگته گی شده بود ، دفعه باثر تصمیم صاحب منصبان ایتالوی به اقدامات سریع و شدید ، پیشرفت زیادی نموده ، قوای حبشی ها در چندین نقطه (تمین ، غدیر اشانقی ، دیسانی) بمقابل حملات هوائی و گلوله باری آبادیها

گذارات دنیا

وسنکرها واستعمال غاز زهر دار و غبره عملیات حربی شدید هر یت خورده .
 مضمحل گردید و با اثر آن در ۱۱ ثور (اول می) وقتیکه قوای ایتالوی بطرف
 ادیس ابابا در حرکت آمد ، بنا بر تحریکات سیاسی که دریای تحت از طرف
 ایتالویها بعمل آمده بود ، شورش در ادیس ابابا ظهور کرده ، نجاشی
 مجبور به ترک وطن گردید و وزرای خویش را بطرف غرب حبشه در علاقه
 (گور) اعزام نمود و مار شال بادو گلیو بروز ۱۲ ثور (دوم می ۱۹۳۶)
 داخل ادیس ابابا شده ، حاکمیت ایتالیا بر تمام حبشه و پادشاه ایتالیا از طرف
 ملت و حکومت منبور بحیث امپراطور حبشه اعلان شده و اگر چه قسمتی
 از قوای حبشی هنوز در محاذ جنوبی میان سنکرها (هندنبورگت) موجود
 بود ، لیکن بهم خوردن نظام مملکت سبب شد که قوای مذکور نیز سنکرها
 را ترک نمودند ، و به تفصیلیکه در قسمت رویداد های جامعه ملل ذکر شد
 ایتالیا حبشه را متصرف گردیده اگر چه در ظرف چند ماه آینده حملات و خیمی
 از طرف خوانین حبشی بمقابل قوای ایتالوی بعمل آمد و مدتی راه جیوتی
 و ادیس ابابا قطع ویای تحت تقریباً محاصره بود ، لیکن بمجرد تمام شدن فصل بارانها
 عساکر ایتالوی به هر گوشه و کنار مملکت اعزام شده ، مقاومت مللی را در هم
 شکستند . آخرین قوت بزرگ حبشه عبارت از (راس ایرو) بود که میگویند
 با حرکت فونسنگری انگلیسی از مقام گور در ماه قوس بدست ایتالویها اسیر
 و در یکی از جزائر بحر مدیترانه محبوس شده ، باینصورت تقریباً تمام خاک حبشه
 بدست ایتالیا افتاد ، ولی بعضی خوانین هنوز در کوهستانات دشوار گذار شمال
 غربی مملکت پنهان میباشند که وقته فوقه اسباب مزاحمت مامورین ایتالوی را فراهم
 میسازند . چنانچه در او خرد لو بمبی در ادیس ابابا بالای (گرازیانی) نائب السطنه

ایطالوی افتاده مشارالیه و یک نفر جنرال دیگر را مجروح ساخت و با اثر آن حکومت
 عسکری بکمال شدت در سرتاسر خاک حبشه جاری گردیده که تهنوز دوام دارد.
 پس از فتح حبشه، ایطالیا اعتراضات جامعه ملل را گوش نداد، و بدول
 بزرگ فشار آورد، تا موضوع حبشه را یک موضوع طی شده تصور نموده، و تجاویز
 تعزیری را که بر اوضاع اقتصادی مملکت اثرات ناگواری وارد کرده بود، رفع
 نمایند، در آن صورت بالتقابل ایطالیا برای همکاری اهورین الملی و تقویت جامعه ملل
 و رفع اختلافات فرانسه و المان حاضر خواهد شد. در اثر همین اقدامات موقع
 شناسانه موسولینی بود که در ماه جوزا جامعه ملل تجاویز تعزیری را از سر ایطالیا
 مرفوع ساخت. و درینوقت ایطالیا دوباره روابط تجاراتی خویش را با تمام ممالک
 باایخاصه با المان و ممالک جنوب و مرکز اروپا قائم ساخته بموجب معاهده ماه تقرب
 همکاری المان را در استفاده از منابع اقتصادی حبشه چه از جنبه سرمایه و چه از
 رهگذر متخصصین برای خویش حاصل نمود و متعاقب این در ۱۰ افسوس (۲ دسمبر)
 با جاپان نیز موافقه عقد و حاکمیت جاپان را به منچو کو اعتراف و بالتقابل
 جاپان حاکمیت او را در حبشه برسمیت شناخته ایطالیا امداد اقتصادی جاپان را
 نیز برای خویش حاصل کرد.

از طرف دیگر موسولینی درین سال یک سلسله اقدامات سیاسی مهمی
 را سر دست گرفته بفرق افتاد تا متعینین زیادی را برای خویش پیدا کند
 چنانچه برای این مقصد وزیر خارجه ایطالیا در موقع مسافرت خود، معاهده
 اتحاد المیان و ایطالیا را در برلین (۳۰ میزان مطابق ۱۲۳ اکتوبر)
 و موافقه ایطالیا و آستریا و مجارستان را در وین (۱۷ تقرب مطابق ۹ نومبر)
 امضاء کرده درین مجلس اخیر الذکر ایطالیا حق تسلیت مجارستان را که

مربوط بواقعات مملکت ایتالیا



نطق معروف موسولینی در شهر میلان که در آن قوت و تسلط عظیم ایتالیا را اعلان و نیز خواہشات صلح طلبی خویش را ظاهر ساخت .



راس امر و مدافع ملی حبشه که اخیراً از طرف ایطالو بها دستگیر و محبوس شد



کونت چیانوداماد موسو لینی و زیر خارجه ایطالیا



راس تا سیو سردار معروف حبشه که



مارشال گراز یانی نائب السلطنه حبشه

گذارشات دنیا

ماهدات صلح سلب کرده بود) اعتراف نموده و با بصورت يك محاذ بز رگی را برای خود تشکیل داد ولی با وجود این ایتالیا در رفع نزاع فرانسه و المان یعنی موضوع لوکارنو هیچیک اقدامی ننموده روابط او با فرانسه روز بروز سست گردید - بر خلاف در او اخر سال، با اثر مذاکرات زیاد بالاخره موافقه ما بین ایتالیا و انگلستان در باره بحرمدیترا نه امضا شده روابط مملکتین مذکور را پس از يك دوره کشیده گئی ممتد اصلاح نمود. تنها تسلیحات مهم انگلستان اخیراً اسباب خوف ایتالیا فراهم نموده است. در موضوع اسپانیه طوریکه ملاحظه میشود ایتالیا از اول دلچسپی زیادی به طرفداری متمردين نشان داده، علی الرغم تردیدات رسمی که همیشه درین باره حکومت ایتالیا نموده، امدادهای مادی و معنوی زیادی از طرف ایتالیا به سپاه جنرال فرانکو رسیده، علاوه برین حکومت ایتالیا در ماه قوس حکومت جنرال فرانکو را برسمیت شناخت و سفیر خود را در بر گوس اعزام نمود. چنانچه همین امداد های ایتالیا (و المان و شوروی و غیره) است که خانه جنگی اسپانیا را اینقدر طول داده بآن شکل فجیع و باریکی بخشیده. تاجائیکه میتوان تصدیق کرد ایتالیا بی میل نیست که دیکتاتوری فاشیستی در اسپانیا روی کار آمده، سد بزرگی بمقابل انتشار کمونیزم در اروپا تشکیل بیابد و در عین حال این حکومت هوا خواه ایتالیا بوده بالواسطه معبر مهم جبل الطارق و مقامات بحر مدیترا نه غربی بزیر نفوذ ایتالیا بیاید. خلاصه ایتالیا درین سال علاوه بر موفقیتیکه در حبشه حاصل، و جامعه ملل را به رفع تجاوزی و تعزیری وادار ساخت، در عالم سیاست بسا کامیابی های دیگری را نیز بدست آورده که شمه از آن در فوق ذکر شده و مهمترین آن عبارت است از نزدیکی او با المان و جاپان و رفع کشیدگی با انگلستان و تورکیه و غیره و پیشرفت متمردين اسپانیه.

سالنامه « کابل »

در قسمت امور اداری درین سال موسولینی مجلس شورای ملی را لغو و مجلس فاشیست و مجلس اصنافی را عوض آن تعیین نمود و کارخانه جات را ملی ساخته خودش از تکفل چندین وزارت خانه و منجمله از وزارت خارجه و حریه و بحریه و هوائی و اصناف صرف نظر نموده ، تنها وزارت داخله و وزارت مدافعه عمومی را بعهده گرفت و داماد خود کونت چیانو (سیانو) را که اکنون در نزد او اعتمادی ترین و برگزیده ترین افراد حزب فاشیست است بوزارت خارجه منصوب نمود . از رهگذر او ضاع اقتصادی درین سال ايطاليا با مواجه با مشکلات باطنی زبانی بوده تجارت و صنایع و زراعت هر سه از اثر تجویز تعزیری و مخارج گراف جنگ حبشه ، تنزل فاحشی کرده بود که تنها قدرت شخصی موسولینی موازنه حیات معیشتی را نگهداری مینمود . لیکن اقدامات و سیممی که در طول سال برای اصلاح نواقص و رفع موانع مذکور بعمل آمده ، اطمینان بخش میباشد .

اسپانیه

مملکت اسپانیه که از سالیان درازی در گوشه گنما می افتاده و در حیات بین المللی چندان سهم بزرگی نیگرفت ، دوماً در سال ۱۳۱۰ ، صحنه واقعات مهم و مدهشی گردیده که تمام دنیا را کم و بیش بخود علاقه مند و نگران ساخته است . اصل حقیقت اینست که از مدت بند سال باینطرف عقاید ضد و نقیض و احزاب و ممالک مختلفه در مملکت مذکور مشغول اقدامات و کار زوائی شده هر یک برای پیش برد مقاصد خویش کوشش میکنند . چنانچه در اوائل سال ۱۳۱۰ موقع انتخابات عمومی معلوم شد که احزاب اجتماعی (سوسیالست) و فاشیستی بقره تقریباً مساوی در مملکت صاحب نفوذ میباشند ، ولی با وجود این با اثر تحریکات جدی اجتماعین بالاخره انتخابات بقلبه اجتماعین تمام شده اولین

گذارات دنیا

کار حکومت اجتماعی عبارت از عزل رئیس جمهور (زامورا) بود که متعاقب آن احزاب مذکور بنای تولید فشار را بمقابل احزاب فاشیست گذاشته حوصله فاشیست‌ها را تنگ تر ساختند و در عین حالیکه دول خارجه نیز امداد فاشیست‌ها را مینمودند انقلاب نظامی در ماه اسد از مراکش اسپانیولی آغاز یافته بزودی وارد خاک اسپانیا گردید و از آنوقت به بعد تا کنون مملکت مزبور در میان شعله‌های آتش خانه جنگی فجیعی میسوزد و تمام آبادیها و عمرانات و انتظامات مملکت خراب و ویران گردیده . طوریکه دیده میشود در اوائل ، از رهگذر اینکه قوای عسکری و ذخائر جنگی مملکت بدست متهمین (یاملیون) افتاده بود و نیز امداد های خارجی از المان و ایتالیا برای متهمین زیاد می رسید ، انقلابیون اسپانیه ، بر حکومت غالب بوده بسا نقاط عمده را اشغال کردند ولی پس از آنکه در نزدیکی مادرید (پای تخت) رسیدند ، معاونت های مهمی از طرف شوروی و فرانسه و غیره برای حکومت مادرید نیز رسیده ، جنو پیشرفت متهمین گرفته شد و از مدت ۵ ماه باینطرف مادرید همانطور در یک حالت نیمه محاصره باقی مانده . و اگر چه برای هر دو طرف امداد های مادی و معنوی از قبیل پول و نفقات (رضا کاران) و جیا خانه و آذوقه باوجود انعقاد معاهده پیطرفی فراوان می رسد ، جنگ بطور نامحدودی ادامه پیدا کرده است . در رأس حکومت انقلابی که المان و ایتالیا و پرتگال و آستریا و مجارستان آن را بر سمیت شناخته اند ، جنرال (فرانکو) و در رأس حکومت مادرید (آرانو) رئیس جمهور و (کابالرو) بحیث رئیس الوزرا و وزیر حریه قرار گرفته که برای موخرالذکر در اخیر سال اختیارات دیکتاتوری نیز داده شده است . نتیجه جنگ خانگی اسپانیه را

سالنامه « کابل »

از حالا حدس نمیتوان زد زیرا امکانات خسته شدن مبارزین بسبب امدادها و تحریکات خارجی و امکانات آشتی آنها بنابر اختلاف نظریات و جوش مسلکی آنها، خیلی کم میباشد و بلکه خوف آنست که جنگ داخلی اسپانیه به کدام جنگ بین المللی منتج نگردد (باقی تفصیلات انقلاب اسپانیه و اقدامات مجلس عدم مداخله در قسمت رویداد های جامعه ملل ذکر شده است) .

لهستان (پولیند)

این مملکت که از سبب واقع بودن در بین دو رقیب بزرگ یعنی المان و شوروی و نیز از جهت ترقیات روز افزون خود ، امروز تقریباً در قطار دول درجه اول اروپا قرار گرفته ، در سال ۱۳۱۰ در عین حالیکه اقدامات عمرانی وسیع خویش را در زمینه اقتصادیات و عرفانیات و غیره تعقیب کرده ، مشغول یک سلسله اقدامات برای تأمین امنیت خویش نیز گردیده و خوف تصادم دودسته مخالفیکه در اروپا تشکیل گردیده ، حکومت وارسارا ب فکر چاره جوئی انداخته تا دامان او درین گیر و دار همسایگانش گیر نیاید . مهمترین اقدامات سیاسی پولیند عبارت از نزدیکی مجدد او با فرانسه است که در اثر سفر رئیس ارکان حریره فرانسه بوارسا و متعاقب آن سفر جواییه جنرال ریدز سمگلی مفتش عمومی قشون لهستان ، در پاریس ، صورت حقیقت پیدا کرده فرانسه برای لهستان ۲۶ میلیون یوند سترلننگ فرض داد تا بوسیله آن امور عسکری مملکت مکمل تر و اقدامات عمرانی مقتضیه اجراء پذیر گردد . لیکن با وجود این لهستان علی الرغم مساعی فرانسه با شوروی و چکسلواکیه معاهده امداد متقابل را امضاء نکرد . و تنها با انگلستان (موقع سفر بک به لندن و مفاهمه موافقت کارانه او با زمامداران انگلیس) و بلژیک خود را قریب ساخته ، نظریات صلح خواهی و بیطرفی

گذارات دنیا

خود را به‌گمان آشکار ساخت . اما با وجود اینها مشکلاتی در روابط او با آلمان وجود نیامده بلکه طرفین دم از دوستی می‌زنند . و اخیراً جنرال کوپرنک وزیر آلمانی مسافرت دوستانه به لهستان نموده است .

درین سال کابینه کوسیاکوفسکی بنا بر مسائل شخصی و پاره مسائل حزبی استفاده کرده ، سوکلا کوفسکی یکی از جنرال‌های مهم مملکت ، زمام ریاست وزارت را به‌عهده گرفت ولی وزیرای عمده از قبیل (بک) وزیر خارجه تبدیل نیافتند .

در موسم خزان بنسبست سا لگرة تاسیس جمهوریت و استقلال پولیند برای «ریدز سملگی» رتبه مارشالی و در امور مملکت تقریباً همان حیثیت پلسودسکی داده شد .

در اخیر سال وزیر خارجه لهستان در مجلس ملی ، خط مشی حکومت خود را در زمینه سیاست خارجی ظاهر ساخته از نزدیکان با فرانسه و بهبود مناسبات خود با شوروی و حسن روابط با آلمان سخن رانده اما راجع به چکسلواکی و لیتوانیا چیزی نگفت . و نیز در همین وقت حکومت لهستان بصورت نیم‌رسمی مطالبات مسفمراتی خویش را آشکار ساخته مجبوریت و مشکلات خود را از رهگذر تزئید روزافزون نفوس و قلت مواد خام خاطر نشان کرد که این موضوع تا کنون بصورت واضح زیر بحث نیامده و ممکن بزودی در انجمن مخصوص جامعه ملل مطرح گردد .

در اواخر سال بنا بر مساعی وزیر خارجه لهستان که از طرف جامعه ملل بمطالعه قضیه (دانزیک) مقرر شده بود ، قضیه مذکور بموافقت نماینده جامعه ملل و مجلس اعیان شهر آزاد مذکور انجامیده ، شورای جامعه و مجلس اعیان دانزیک از مساعی مشارالیه که یکی از باریکترین قضایای اروپائی را بقیصه رسانیده ، تشکر نمودند . علاوه برین درین سال کشمکش‌های حزبی که در سال گذشته فضای داخلی مملکت را پر آشوب ساخته بود از برکت اقدامات حکومت مذکور رفع گردیده است .

آستریا

این مملکت که با وجود کوچکی در صحنه سیاست اروپا اهمیت بزرگی را حائز شده ، درین سال تغییرات مهمی را دیده که مهمترین آن عبارت از سقوط حزب شاه طلب و مخالف المان یعنی حزب هایموئر (فوج ملی) و رئیس آن شهزاده ستار همبرگک ، و انعقاد معاهده عدم تعرض با المان است (ماه سرطان) که تفصیلات آن بتکرار ذکر شده . و گویا آستریا در اثر مشورۀ موسولینی سیاست سه ساله خویش را که مبنی بر دشمنی با المان بود ، بعد از نزدیکی المان و ایطالیا ترک گفته ، و با المان از در آشتی پیش آمده ولی المان هم از مطالبۀ الحاق آستریا به خاک خود (شاید موقه) صرف نظر نموده است که با اثر این نزدیکی ها روابط آستریا با مجارستان نیز خوب شده است .

از طرف دیگر درین سال حکومت آستریا به تفصیلیکه در قسمت رویداد های جامعه ملل ذکر شد ، در دنباله اعلان نظام اجباری (بر خلاف معاهدات صلح) که در اواخر سال گذشته صورت گرفت ، نگرانی مالی جامعه ملل را نیز از سر خود رفع نمود - و به شوشنگک اختیارات دیکتاتوریه داده شد .

باقی ممالک اروپا

بعکم قلت صفحات و تراکم مضامین ، لاجرم از تند کار مفصل گذارشات باقی ممالک اروپائی صرف نظر نموده تنها بدگر ممالکیکه دران وقایع قابل ذکر ی اتفاق افتاده اکتفاء میورزیم .

پر تگال : حکومت فاشیستی پر تگال هوا خواهی از متدردین اسپانیه نموده ، امداد های زیادی بآنها بعمل آورده و روابط خویش را با حکومت



لار گو کا بالبرو رئیس الوزراء
و وزیر حریه حکومت مادرید
که اخیراً برایش اختیارات
دیکتاتوری داده شده



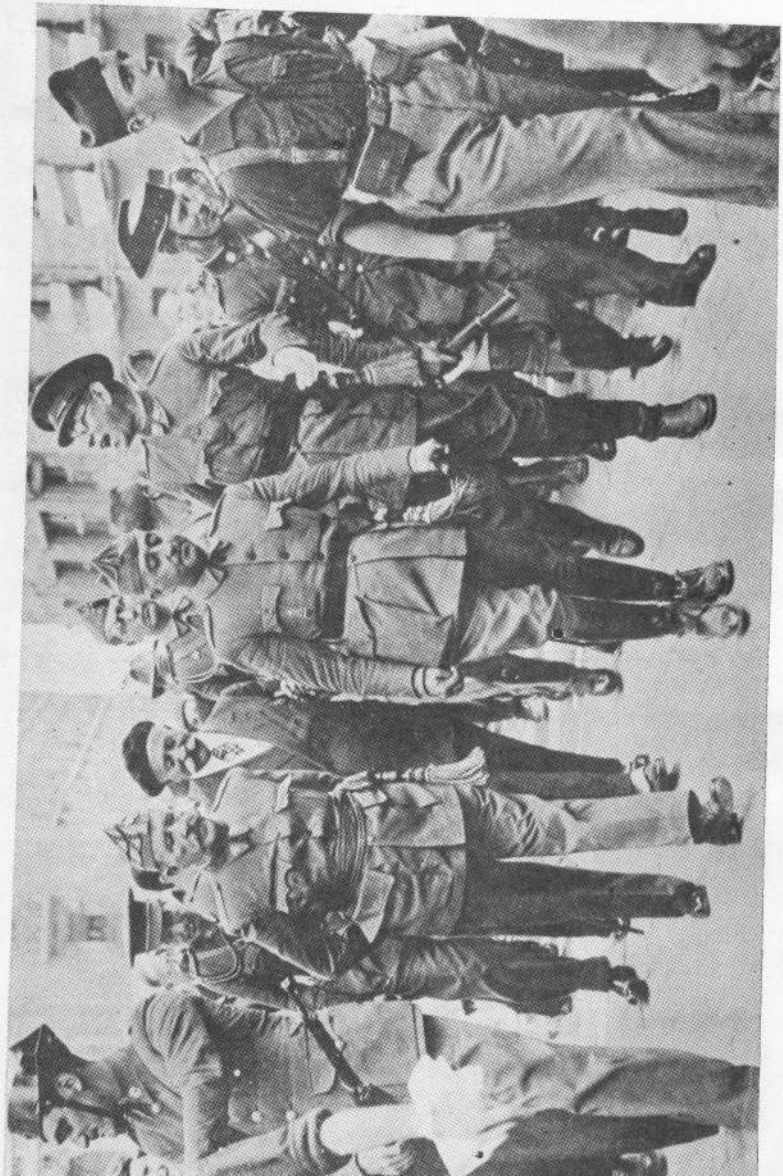
آزانا رئیس جمهور اسپانیه



دل ری ویرا محرک حقیقی انقلاب هسپانیه که موقع
آمدن باسپانیه طیاره اش در راه سوخته فوت شد.



جنرال فرانسسکو فرانکو رئیس درجه اول
متمردين اسپانیه



اولین ملاقات جنرال «فرانکو» و جنرال «مولا» زمامداران درجه اول انقلاب اسپانیه در شهر برکوس (در وسط جنرال فرانکو، طرف چپ او شخص عینک دار بلند قامت جنرال ایسیلیو مولا)

گذارشات دنیا

مادربند قطع و بالمقابل حکومت فرانکو را اعتراف کرده است. چنانچه عایق بزرگ اجرا و پدشرف قانون عدم مداخله در امور اسپانیه نظریات حکومت پر تکال شناخته میشود. لیکن عناصر اشتراکی در جریان سال چند مرتبه واقعات خونینی را در شهرهای پر تکال بوجود آورده اند.

بلژیک: واقعه مهم بلژیک عبارت از کامیابی سوسیالیست ها در انتخابات و دیگر اعلان بیطرفی است که پادشاه در اجلاس شورای ملی در ضمن نطق خود بآن اشاره نموده و این بیطرفی فرانسه را بسیار مضطرب و بالمقابل المان را بسیار مطمئن ساخته است. با وجود این بلژیک تسلیحات خویش را افزوده و علاوه در مسائل لوکارنو و مطالبات المان، پیروی فرانسه و انگلستان را رامینماید. اوضاع داخلی بلژیک درین سال از سبب زد و خورد های حزبی پر آشوب بوده، چندین کابینه تغییر و تبدیل شده است.

هالند: مهمترین واقعه هالند درین سال عبارت از عروسی دختر مملکه ولهبینا حکمران مملکت است که (ژولیان) نام دارد و ولیمهد مملکت میباشد و بایکی از شهزادگان خاندانهای سابق جرمنی موسوم به (هربرت) ازدواج نموده.

اتحاد صغیر: ممالک اتحاد صغیر یعنی چکوسلواکیه، رومانیه و یوگوسلاویه، از تسبیحات آستریا و مجارستان بهراس امتاده، شیرازه اتحاد خود را با وجود تمایلات خصوصی بعضی از آنها، تشدید نموده در مواقع لازمه متحدآ به نسبت تجاوزات ممالک مذکور از مقررات معاهدات صلح اعتراض کرده اند، اما بازم سلسله اتحاد مذکور از سبب تمائل چکوسلواکیه به شوروی و تمائل یوگوسلاویه با ایتالیا و المان متزلزل بنظر میرسد.

اتحادیه بالقان: اتحادیه بالقان که مرکب از یوگوسلاویه، رومانیه، یونان و ترکیه است درین سال آنها نیز بمثل اتحادیه صغیر روابط خویش را محکمتر ساخته،

سالنامه « کابل »

در اخیر سال بلغاریا را نیز بطرف خود متمایل ساخته اند و روابط یوگوسلاوا و بلغاریا برخلاف سابق خوب شده ولی الباقیه هنوز از این اتحادیه دوری میجوید .
ممالک اسکاندیناویا : این ممالک که عبارت است از سویدن ، ناروی ، دنمارک و فنلند ، در حال بیطرفی بسوی تسلیحات خویش توجه بیشتری کرده و در موقع انعقاد معاهده بحری شوروی و انگلستان بران متحداً اعتراض نموده اند . و هم ممالک مذکور با هالین و بلژیک و لوکزامبورگ و غیره نسبت باصلاح اقتصادیات خود بمقابل هاگک مجلسی منعقد نموده اند .
ممالک بالتیک : ممالک بالتیک که مراد از لیتوانیا ، لتونیا و استونیا است ، درین سال بطرف شوروی بیشتر دلچسپی نشان داده و از خوف المان ، اتحاد خویش را محکم تر ساخته اند .

دول امریکائی :

ممالک متحده امریکا

سال ۱۳۱۵ برای مملکت بزرگ جواهر متحده امریکا از حیث اوضاع داخلی و معیشت ملی یک سال خوشی نبود. چه در سرتاسر این سال بحران اقتصادی و فشارهای معیشتی مردمان امریکا را در عذاب داشته ، هیجانات مهمی ظهور کرده و علاوه برین بسا وقایع خوب و بد دیگر در آنجا اتفاق افتاده - بالمقابل از رهگذر سیاست خارجی ممالک متحده در کمال آرامی خاطر زیست نموده و تنها برای حفظ ماتقدم متشبث به افزودن قوای عسکری خویش گردیده تا در موقع لزوم بی قوت نباشد و نیز در جریان همین سال ممالک متحده مساعی بزرگ و قابل قدری برای تأمین صلح در امریکا بعمل آورده که تفصیل آن در قسمت امور بین المللی ذکر شده مختصری هم ذیلاً در ضمن دیگر وقایع ممالک متحده از نظر خوانندگان گرام خواهد گذشت .



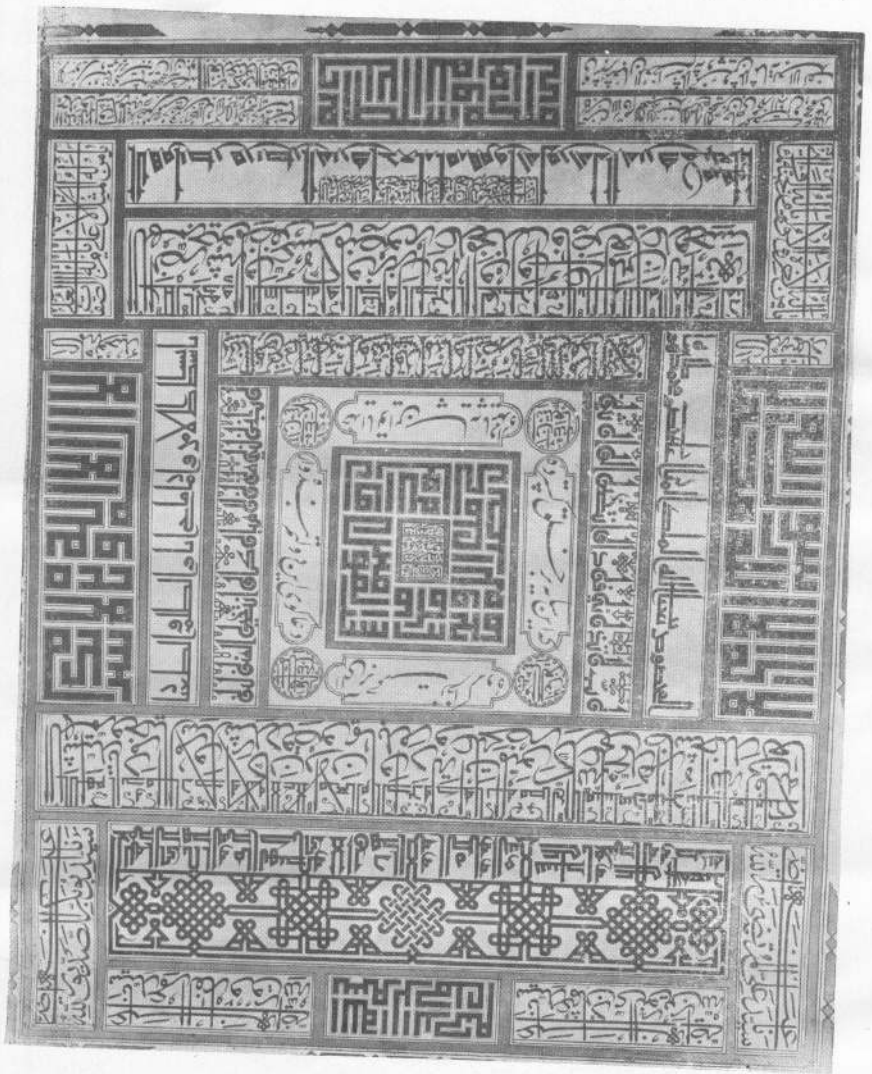
بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين
 صلوات الله وسلامه
 عليه وآله
 سنة ١٢٠٠ هـ

از آثار متبرک مزار شریف : لوحه چوبی صنعت نجاری فیروز نخجیر که در سال ۱۲۰۰ هـ ساخته و در روضه مبارک موجود است .

Inscription sur bois (19 é S.) ,au musée de Mazar-i-Charif

Specimen d'écriture d'un calligraphe contemporain d'Hérat

نوختہ خطاطی محمد علی خان سلطان ماسر و وطن کا بہت نام مختلف نام لاسی
املا حضرت محمد سلطان ماسر و وطن کا بہت نام مختلف نام لاسی



گذارشات دنیا

در ۱۵ حمل (۴ اپریل) « هویتمان » قاتل پسر لند بر گک هو ا باز
 که قضیه اختطاف و قتل مذکور در ظرف ۷ سال اسباب نگرانی تمام ملت
 اتازونی را فراهم کرده بود ، اعدام شده ، این قضیه پر پیچ و مطول خاتمه یافت .
 در همین اوقات حکومت امریکا معاهده جدید بحریه را امضاء نموده ، نسبت
 تسلیحات بحری خویش را بانگلستان و فرانسه تعیین نمود .

در اوائل سال انتخابات عمومی آغاز یافته ، در نتیجه حزب دیمو کرات
 که رئیس آن روزولت است ، غلبه یافت و روزولت در ۱۱ عقرب (نو مبر)
 دو باره بریاست جمهور بر فرار گردید و در ماه دلو رسماً دومین دوره ریاست
 جمهور خویش را آغاز کرد .

در ماه سنبله حکومت اتازونی معاهده بولی معروف را که مابین انگلستان
 و فرانسه و اتازونی منعقد شده بود امضاء کرده نرخ مبادله دلار را
 بمقابل فرانک فرانسه و پوند انگلیس مستقل ساخت .

بتاریخ ۲۰ قوس (۱۲ دسمبر) کنفرانس (پان امریکن) یعنی اتحاد
 امریکا بمقام بوینس آیرس (ارجنتائن) باثر اقدامات روزولت منعقد و میثاق
 ممالک امریکائی را تصویب نموده ، بوسیله آن ممالک امریکائی صیانت یکدیگر
 خویش را اعتراف و همکاری خود را در امور بین المللی امریکائی تعهد نمودند .
 در اوائل جدی اعتصابات مهمی در کارخانه جات مو تر سازی (جنرال
 مو تر) بوقوع پیوسته ، مدت درازی طول کشید و منجر به تصادمات
 خونین مابین اعتصابیون و عساکر حکومتی گردید . و بالاخره باثر دادن مراعات
 هائی که در اثر میانه روی حکومت از طرف مالکان کارخانه جات در حق کارگران
 وعده شد ، اعتصابات مذکور رفع گردید .

حالت نامه د کابل

در ماه دلو رود (مسی سی پی) طغیان کرده ، هزارها نفر را بیخانمان ساخت و میزان تلفات به میلیارها دالر بالغ گردید و آب خیزی مدت ۵ روز دوام کرده ، با اثر آن مجلس کبیر اتا زونی امداد معتنا بهائی را برای مصیبت رسیدگان آب خیزی و تلافی خسارات وارده منظور نمود .

در طول این سال روابط اتا زونی با تمام دول اروپائی و آسیائی خوب بوده ، مملکت مذکور قانون بیطرفی را که در اواخر سال گذشته ، اعلان کرده بود ، بدرستی مراعات نموده ، در موضوع حبشه و اسپانیه و غیره سهمی نگرفت - در اواخر سال نمایندگان فرانسه و انگلستان برای مذاکرات قروض حرب عمومی که به دوش شان باقی مانده ، و نیز جهت مذاکره در اطراف وسائل اصلاح ورقم موانع تجارت بین المللی و اقتصادیات عمومی با امریکاعزیمت کردند ولی نتیجه تا کنون معلوم نشده است .

خلاصه ممالک متحدہ امریکا در طول این سال با وجود پریشانی های داخلی خویش ، در راه حفظ و تأمین صلح و رفع بحران اقتصادی و مشکلات تجار تی جهان قدمهای جدی برداشته که جامعه بشریت آن را بنظر نقدیر مینگرد .

باقی ممالک امریکا

مهمترین واقعات سال ۱۳۱۵ ممالک امریکائی عبارت از انعقاد کنفرانس پان امریکن است که تفصیل آن علیحده ذکر شده و معاهده که در کنفرانس مذکور با مضاء رسیده ، بنیان صلح را ما بین ممالک امریکائی تحکیم نموده و اختلافات سابقه را بالمره مرفوع ساخته است .

موزه کابل

نگارش جناب احمد علیخان «کوپراد»

مترجم دارالتحریر شاهی

لفظ موزه اصلاً از کلمه یونانی « موزین Mouseion » گرفته شده و این کلمه در عرف یونانیان قدیم اصلاً به معبد « و میوزها Muses » یعنی ربه‌الانواع افسانه‌ئی صنایع و در عین زمان به این مناسبت به تبه که در شهر « آتن » منسوب به این ربه‌الانواع شده بود اطلاق میشد. یسان تر این کلمه کمی از معنی اساسی خود برآمده و در عصر بطلمیوس شاه مصر یک حصه از قصر اسکندریه که در آنجا علما و فیلسوفان بزرگ وقت را شاه مذکور جمع نموده بود و کتابخانه بزرگی هم داشت، داده شد. آهسته آهسته با مرور زمان و مقتضیات سیر مدنیت معنی این کلمه گشاده و جامع تر شده بار اول یک نوع مؤسسه‌هائی اطلاق میشد که در آن فقط آثار تاریخی قدما را جمع نموده بودند. به این معنی و به این وقت موزه فقط عبارت از یک عمارتی بود که در آن تنها یک‌کده اشبارا از نقطه نظر قدامت تاریخی میگذاشتند. کم کم با تحولات دیگر درین دایره اخیر هم معنی کلمه « موزه » انبساط یافته و موزه‌ها در شعبات مختلف زندگانی بمیان آمد. مانند موزه‌های زراعتی - فلاحتی - فضائی - بحری - موزه‌های متعدد و مختلف فنون و ادوات عسکری موزه‌های تخنیککی و اکتشافات قطعی و غیره و غیره. درین صورت اخیر

(موزه) و « کولکسیون » که پسان تر از ان کشاده تر صحبت خواهیم کرد در معنی مترادف هم شدند زیرا « کولکسیون » عبارت از « اجتماع يك عده اشيا » است و طوریکه دیدیم موزه های فوق هم هر کدام بجای خود يك « کولکسیون » بزرگی میباشد که یکده اشیا مربوط به يك موضوع معین در آن جمع گردیده است .

چون این موزه های اخیر اند که برخلاف موزه های قدیم مخصوصاً برای مطالعات و افزایش احاطه علمی شایقین تاسیس شده و مفهوم تازه‌ئی بخود گرفت بشکل مؤسسه نو در آن تغییراتی بعمل آوردند و قبل از همه کتابخانه مخصوصی به آن علاوه کردند . درین وقت موزه ها وضعیت رکود و خمود خود را از دست داده و در اثر مراجعه و مطالعه از باب ذوق شکل یکنوع مکتب یا دارالمطالعه مخصوصی بخود گرفت . چنانچه موزه خانه ها در عصر حاضر بهترین محل مطالعات تاریخی - ادبی - علمی - صنعتی - تخنیکي و غیره میباشد زیرا آثار و کتب مربوطه یکجا در دسترس شایقین است .

از نیمه اخیر قرن ۱۹ باینطرف یکده مؤسسات دیگر هم اگر چه به نام و نشان علیحده عرض اندام نموده اند در حقیقت کار موزه را مبدهند . این مؤسسات بنام های « گالری » ، « اکسپوزیسیون » ، « کولکسیون » و غیره یاد میشود . وظیفه اجتماعی آنها قرار آتی است : « گالری » که معنی لغوی آن اصلاً « دهلز » است امروز فقط به موزه هائی اطلاق میشود که در آن آثار خامه نقاشان و رسام های معروف را میگذارند و دیوار های بزرگ آنرا فقط به بلوهای مختلف مزین میکنند . « اکسپوزیسیون » که به اصطلاح امروزی به کلمه « نمایش » ترجمه

موزه کابل

میشود هم در حقیقت یکنوع « موزه موقتی » است که تنها اختصاص به آثار تاریخی ندارد بلکه بیشتر با داشتن جنبه تجارتي برای سراغ بازار مال التجاره و فروش اموال تاسیس میشود و محرك بزرگ آن درین اواخر بحران عالمگیر اقتصادی است چنانچه پست هم درین چند سال اخیر این نمایشات در شهرهای اروپا مروج شده و امسال بزرگترین آن بنام « نمایش یاریس » در پایتخت فرانسه افتتاح خواهد شد .

« کولکسیون » هم با مفهوم امروزی خود مترادف موزه شده و میتوان آنرا « موزه شخصی » یا « انفرادی » نامید و این عمومی ترین شکل موزه است که هر شخص مطابق ذوق و سلیقه و تخصص خود تشکیل داده میتواند چنانچه در اروپا و امریکا میلیون ها نفر از خود کولکسیون ها دارند و مطابق ذوق خود هر کسی از مسکوکات و تکت پسته گرفته تا پر وانه و حشرات و هزاران چیز دیگری که در فکر ما هم هنوز خطور نکرده است جمع آوری میکنند و این شوق در بعضی پول دارها با مرور زمان بدرجه زیاد شده که تمام دارائی خودرا درین راه وقف نموده اند چنانچه اکثر موزه های بزرگ دنیا که امروز بیننده را واله میسازد در اوائل کولکسیون شخصی کدام صاحب ذوق و روتمندی بوده که در زندگانی و یا بعد از مرگش بدست دیگری افتاده و یا از جنبه اهمیت، حکومت آنرا خریداری کرده و احاطه آن وسعت یافته و مبدل بیک موزه عظیم الشان گردیده است .

حالا که قرار فوق مختصراً معنی کلمه (موزه) و تحولانش گفته شد میر ویم به اصل مقصد که موزه در افغانستان چه وقت بمیان آمده و آثار موضوعه موزه فعلی که بل عبارت از چیست ؟

موزه از نقطه نظر شرق (عتیقه فروش) antiqueaire در افغانستان در زمانه های قبل الاسلام وجود داشت زیرا در بامیان که بر ای زوار خارجی مثل يك (موزه مذهبی) بود در مجاورت مجسمه های بزرگ دکنهائی وجود داشت که (بنام یارگار بامیان) هیکل های کوچک و مجسمه های بزرگ و میناتور های تصاویر رنگه و دیگر تصاویر عجائب نقاشی ، مهندسی رسامی این محل معروف را میفر وخت چنانچه نمونه های کوچک مجسمه های بزرگ بامیان ذریعه زوار تا به جایان هم رسیده است . همین طور هیچ شبهه نیست که در هده هم بوده باشد زیرا بزرگترین مکتب و کارخانه های هیکل تراشی این مقام حتماً معازره هائی داشته که مانند عتیقه فروشان امروز آثار گران بهای این جا را به زوار و ارباب ذوق میفر وخت .

موزه به معنی (کولکسیون شخصی) هم در افغانستان بی سابقه نیست بلکه از چندین قرن باینطرف همیشه صاحبان ذوق زیادی درین دیار زیسته و هر کدام به گردآوری آنچه علاقه داشته زحمات زیاد کشیده و اگر خوب موضوع کولکسیون ها مطالعه شود دیده میشود که مانند ذوق واحدی که تا این اواخر بیشتر در عالم شرق رواج داشت همه جنبه ادبی داشته مانند کولکسیون های کتب قلمی ، کولکسیون های اشعار نایاب در بیاض ها و جنگ ها ، کولکسیون های میناتور و عکس ها ، کولکسیونهای نمونه های خطی خوش نویسان بزرگ ، کولکسیون گل ها و نباتات فشنگ بالاخره کولکسیون البسه ملی و مسکوکات و تنگت پسته وغیره . يك چیز دیگری که بیشتر ذوق ملی و روح شهادت فومی ما را ارائه میکنند و بیشتر اختصاص به افغانستان دارد کولکسیون اسلحه است چنانچه

موزه کابل

از زمان قدیم این رویه معمول بوده و امروزه در اکثر خانه ها نتیجه کولکسیون اجزای آنها به سلیقه فشنگی موجود است. ذوق کولکسیون خوشبختانه در این سالهای اخیر در مملکت ما بیشتر تر شده و امروزه از باب ذوق بسیار چیزهای دیگری را که سابقاً به آن اهمیت داده نمیشد میخرند جستجو میکنند و با ذوق شخصی خود کولکسیون میسازند.

بالاخره موزه به معنی مختصه حفظ آثار تاریخی اگر چه بار اول در ۱۲۹۷ ه یعنی ۱۹ سال قبل تاسیس شده لیکن شاهان با ذوق افغانستان با سلیقه شاهانه خویش قبل از این تاریخ کولکسیون های بزرگ شخصی داشتند که هر کدام اهمیت یک موزه را حایز بود چنانچه « میخ زین ها » و « صندوق خانه های جنسی » بزرگ سلطنتی از موزه گران بها تر و چیزهای نادر و قیمت دار در آنجا پیدا میشد. و طوریکه ذیلاً خواهیم دید شالوده اساسی موزه فعلی کابل ما را همین کولکسیون های شخصی و آثار صند و فغانه های جنسی قدیم آنها تشکیل داده است.

موزه فراریکه بالا ذکر کردیم رسماً بار اول در سال ۱۲۹۷ هـ تاسیس و عمارت اولیه آن عمارت تاریخی « باغ بالا » بود که به سه کیلومتر غرب کابل بالای تپه در میان تاکستان قشنگ ۹ برج افغانه و تعمیر آن یادگار عصر سلطنت اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان مرحوم است. موزه در بدو تاسیس خود مربوط به « شاه آفاسی » حضور یاد شاه بوده و اولین مرحله مدیریت آن به جناب غلام محی الدین خان مدیر فعلی موزه و جشن سپرده شده بود و آثار اولیه آن را عموماً کولکسیون های شخصی شاهان افغان و محتویات صند و فغانه های جنسی تشکیل میداد.

سالنامه د کابل

یعنی آنچه در موزه دیده میشد تماماً کتب قلمی، زره و خود و اسلحه و البسه ملی شاهان و اقوام غیور افغان، زر دوزی ها، خامک دوزی ها مبل و اثاث البیت، علمهای جهاد، صندوق های عاج و چوبی منبت شده بساط های شطرنج، نمونه های خطی، ظروف و مسکوکات و غیره از بن قبیل چیزها بود. موزه در سال ۱۲۹۹ از دائره شاه افاقی شاه منفک و به وزارت معارف مربوط گردید چنانچه مانند تشکیلات سایر ممالک تاحال بوزارت معارف مربوط است.

در سال ۱۳۰۰ هـ. ش مطابق ۱۹۲۲ مسیحی پس از اینکه امتیاز حفريات به هیئت علمی فرانسه داده شد وضعیت محتویات موزه کابل تغییر کرد زیرا اقراریکه بعدها مفصلاً خواهیم دید از آن تاریخ بعد در اثر کاوش های علمی که شده رفت آثار گران بهائی از سینه خاک بیرون آمد طوریکه امروز یکجمله بزرگت اهمیت موزه مابه آن منسوب است.

در ۱۳۰۳ موزه کابل از (باغ بالا) تغییر محل داده و به نفس کابل در داخل ارگ شاهی در عمارت قشنگ و تاریخی دیگر که وجود آن از لحاظ ظرافت منحصر به فرد است و معمولاً (سراچه) یا (کوئی باغچه) خوانده میشود انتقال یافت. موزه شش سال حیات خود را در اینجا گذرانیده این زمانی بود که تازه سروصورت آن قشنگ شده بود زیرا علاوه اینکه آثار اسلامی و ملی آن بیشتر شده بود در اثر حفريات هده و بگرام و نتیجه فوق العاده که از نقطه اول الذکر بدست آمد قسمت آثار قبل الاسلام آن هم يك دفعه دوبالا شد زیرا بلا انتظار و تصور، طوریکه موسیو گودار میگوید (يك موزه آثار صنعت گریك و بوديك) مکشوف شده و هزاران مجسمه كك های قشنگ چونه ئی، سنگی و لوايح مهم تاریخی دیگر به

موزه کابل

موزه انزوده شد. اگرچه بواسطه عدم وقت ترتیبات اصولی آثار جدید فوق
عملی نشده بود معذالک موزه کابل درین وقت بلامبالغه یکی از غنی ترین و مهم ترین
موزه های مشرق حساب میشد. - انقلاب ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ طوری که اکثر مراکز
علمی، مکاتب - لابراتوارها « کیمیاخانه » - کتابخانه های ملی و شخصی و اکثر
عمارات تاریخی ما را به آتش خود سوخت موزه ماراهم امان نداد و چون این
موسسه در داخل ارگک سلطنتی بود بیشتر مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه آثار
گران بهای آن بدست های از خود و بیگانه افتاده و آخر کار به جاهای باز ناگشتنی
رفت. بعد از روزگار سیاه انقلاب خوشبختانه وضعیت بحران انگیز موزه مابعد
از تلفات زیاد خاتمه یافته و باحصر اصلاحات سلطنت اعلی حضرت محمد نادر شاه قاید
رحمت الله علیه جراحات دل یاره یاره این موسسه تاریخی هم روبه التیام گذاشت
و چون محل موزه در داخل ارگک سلطنتی مناسبت نداشت و از طرفی جای آنهم
بسیار خورده بود در اواخر ۱۳۰۹ یکی از بزرگترین عمارات جدید دارالفنون
به شش کیلومتری جنوب غرب کابل انتقال یافت این عمارت اساساً خیلی برای
موزه موزون است چه از حیث داشتن مدخل بزرگ، محوطه نیم دایره، دهلیز
های طولانی، زینه های پربر و عریض، اطاق های وسیع و روشن، طبقات متعدد
به مقتضیات این موسسه موافق است و بیننده را حتماً زیر تأثیر میگیرد.

برای جبران تلفات وارده پس از اینکه وزارت معارف مجدداً تاسیس شد از
طرف حکومت پول هنگفتی برای موزه هم اختصاص داده شد تا در دایره امکان
از آثار قدیم آن و اشیای جدید خریداری شود چنانچه در میان کتب و آثار اسلامی
بعضی چیزهای قدیم که بدست آمده دوباره خریداری شده است. از پول هنگفتی
که فعلاً درین سنوات اخیر، مخصوصاً در سال جاری در بودجه وزارت معارف

سالنامه « کابل »

برای موزه اختصاص داده شده بخوبی معلوم میشود که حکومت فعلی ما در حفظ آثار و افتخارات ملی چه در موزه و چه در حفاظت ائینه تاریخی اهمیت فوق العاده میدهد و بعلاوه بودجه مخصوص موزه درنگه داری عمرانات باعظمت گذشته ما از دیگر کمک های مادی و معنوی هم خود دارای نمیکند چنانچه درین چندسال خارج از بست وزارت معارف در مرکز ولایات مملکت مقبره شاعر و حکیم بزرگوار مشرق « سنائی » غزنوی و آثار باعظمت بامیان و مقبره شهشاه بزرگ افغان احمد شاه بابا و میرویس بابای هوتکی زعیم بزرگ ملی و مزار متبرک حضرت نمیم ، مقبره بابر شاه ، شهر تاریخی بلخ ، بالاحصار کابل ، مزار شاه دوشمشیره و بسیار عمارات تاریخی دیگر ترمیم و آباد شده و روی هم رفته علاقه حکومت متبوع ما را در حفظ شئون افتخارات ملی ارائه میکند .

روی هم رفته پولی که دره ۱۴۱ برای موزه در بودجه وزارت معارف منظوری یافته است مبلغ زیاد و معتنا است که برای اداره فعلیه موزیم کابل کافی شمرده میشود .



موزه کابل با تمام تحولات که درین عمر ۲۰ ساله حیات رسمی خود دیده و تلفات وارده و با اصلاحات و ترمیماتی که در آن بعمل آمده بصورت مجموعی از نقطه نظر عصری که اشیا بدان تعلق دارند به دو حصه تقسیم میشوند ؛ یکی حصه و یا آثار اسلامی و دیگر حصه و یا آثار قبل الاسلام . اگرچه عمارت دومنزله موزه ماده زمینه خوبی برای جدائی آثار این دو عصر فراهم کرده و بصورت عمومی تاجائی این منظور مراعات هم شده چنانچه آثار عصر اسلامی در منزل فوقانی و آثار عصر قبل الاسلام در منزل تحتانی میباشد .

آثار عصر اسلامی

آثار اسلامی موزه کابل که عموماً در ابتداء شالوده این موزه را تشکیل میداد و تا چند سال اولی غیر از آن چیز دیگر در موزه نبود عموماً عبارت است از : - قرآن های شریف قلمی بخط کوفی و عربی ، کتب قلمی و میناتور - اسلحه والبسه شاهان واقوام مختلف افغان ، نمونه های خطی ، ظروف مسی عصر تعالی غزنی و غور ، خامک دوزی و سوزن دوزی ، آثار نقاشی غزنی ، ظروف و اشیای سنگی قند هاری و غیره غیره - این طور اشیای چون قبل از انقلاب در موزه وجود داشت و چشم متهاجین هم به اهمیت آنها آشنا بود بیشتر صدمه کشیده و تلفات داده معذالک آنچه موجود است معروف ترین آن بصورت خلص قرار آتی است :

در منزل بالا در اطاق تبرکات اشیای مقدسه :

نمره ۸۳/۱ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا عثمان رضی الله تعالی عنه

نمره ۸۴/۲ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا علی کرم الله وجهه

نمره ۸۵/۳ : بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت امام حسن رضی

نمره ۸۶/۴ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط عربی در پرده دل آهو.

نمره ۸۷/۵ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت علی رضی

✽ تصاویر آثار مهمه موزه کابل در سالنامه های گذشته درج شده بنابراین از تکرار آن صرف نظر نموده تنها درج تصاویر تقسیمات داخلی موزه و حصص مخصوصه هردسته اشیاء اکتفاء گردید .

سالنامه « کابل »

نمره ۹۰ - - سه جلد قرآن شریف بزرگ که از روی قرآن خط کوفی حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه عکس گرفته شده .

نمره ۹۱ - - قرآن مجید مترجم رسم الخط کوفی کاغذ نباتی خا بنالغ از اول سورة شعرا و ترجمه آن بخط نسخ عربی که از نواحی خرابه های شهر غلغلہ بامیان در ۱۳۳۴ هجری قمری پیدا شده .

نمره ۹۹ - - عکس نامه حضرت سرور کائنات بنام مقوقس مصری .

نمره ۹۶ - - عکس نامه حضرت پیغمبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه و آله اسلام

عنوان منذ ز بن ساوی ملک بحرین بخط کوفی .

کتاب معتبر قلمی کتابخانه موزه (موزل باللا) :

هفده کتاب در یک و قایه :

این هفده کتاب عبارت است از آثار سه شاعر نامی بزرگ ، مولانا جامی - نظامی گنجوی - امیر خسرو دهلوی و اسمای آن قرآتی است : هفت ارونک جامی (سلسله الذهب - سلامان و ابسال - تحفة الاحرار - وسبحة الابرار - يوسف زلیخا - لیلی مجنون - خرد نامه اسکندری) خمسة نظامی (مخزن الابرار - خسرو شیرین - لیلی مجنون - هفت پیکر - سکندرنامه) خمسة امیر خسرو دهلوی (مطلع الانوار - خسرو شیرین - لیلی و مجنون - هشت بهشت - آئینه اسکندری) این مجموعه نفیس تماماً مصور و مطابلاً است و کتابت آن در ۱۸۹۹ ه تمام شده است .

مثنوی مولوی :

اثر مولانا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین بلخی است که در ۶۷۲ و فات نموده اند . این کتاب گران بها شامل شش دفتر - هفت دیباچه و شش فهرست و یک مقدمه است .

موزه کابل

دیوان بیدل :

خط نستعلیق و مجدول به آب طلا در قریه (غنجدان بخارا) در سنه ۱۲۷۸ هـ نوشته شده ، و از طرف سید عالم خان امیر بخارا بحضور یاد شاه افغانستان امیر حبیب الله خان شهید بصورت هدیه تقدیم شده است ،

دیوان خواجه حافظ :

مصور و مجدول به آب طلا - خطاط و مصور آن محمد محسن نام دارد و در ۹۰۷ هـ بنام سلطان حسین میرزا یاد شاه هرات نوشته شده است .

بهارستان جامی :

در سال ۸۹۲ تالیف و در ۹۸۳ هجری بقلم علی رضا نام تحریر شده .

بوستان شیخ سعدی :

به خط میر عماد الحسینی در ۱۰۱۳ هـ تحریر شده است .

عین الایمان :

جناب سعدالدین صاحب پای مناری متصوف قرن ۱۳ هجری بقلم خودشان .

بوستان سعدی :

مذهب و مجدول بخط علی الحسینی که در ۹۲۱ هـ تحریر آن تمام شده است .

تاریخ سلطان ابوسعید بهادر خان :

که یکی از یاد شاهان قرن ۸ هجری افغانستان است و در ۹۸۱ بقلم عبدالحمید نام نوشته شده .

یوسف زلیخاء :

ناظم هروری بخط شکست تر کستان .

جام بندی شیخ سعدی :

به خط نستعلیق خطاط معروف میر عطا محمد شاه آقای قندهاری متوفی در سنه ۱۳۴۱ هجری .

سالنامه « کابل »

کتاب غزلیات سعدی :

بخط میر محمد بن علی که در ۱۰۱۲ هجری و در ۱۳۳۷ هجری از طرف امیر بخارا بحضور امیر حبیب الله خان شهید یاد شاه افغانستان تقدیم شده .

میناتور و نمونه های خطی :

اگرچه در میان کتب فوق الذکر بسیاری مصور و حایز میناتور میباشند علاوه بر آن در موزه کابل در منزل تختانی دهلیز طرف راست یک اطاق برای آن مخصوص شده و بر علاوه به دو طرفه زینه که به منزل فوقانی میرود هم در میان چوکات های یک عده میناتورها مشاهده میشود . بد بختانه ازین قسمت ، موزه کابل بیشتر در انقلاب تلفات داده و مخصوصاً آثار گران بهای بهزاد هروی کپیاب شده . فعلاً آنچه در اطاق مخصوص و سر زینه دیده میشود اثر خامه سائر استادان هراتی - کابلی و طن و بعضی هم سبک هندی و بخارائی و معروفترین آن قرار آتی است :-

نمره ۵۹ قطعه میناتور حالات حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا و عمر بر مصر .
جلس امیر تیمور کورگان باوزرا و اراکین دولتش .

شبهه میر علی هروی متوفی در ۸۶۶ هجری .

شبهه ملا دو فیضه عالم معروف قرن ۱۱ هجری .

سواری شاه جهان بر فیل .

شبهه اکبر شاه ثانی و غیره غیره که در این جا تذکار آن بطول می انجامد .
از جمله نمونه های خطی معروفترین آن قرار آتی است که در دیوار

سمت راست محوطه نیم دایره دم مدخل موزه نصب است :-

موزه کابل

نمره ۴۹ رسم الخط میرعلی هروی - نمره ۴۶ قطعه خط عبد الرحمن الحسینی -
نمره ۵۱ قطعه خط حسن شابلو - نمره ۱۵۰ قطعه خط (کلمه شهادت) بقلم
جللی سید عطا محمد شاد قندهاری خطاط معروف عصر سراجیه وغیره وغیره .

ظروف و اشیای فلزی غزنی و غورات :

غزنی یا بتخت زبای سلطان محمود که در عالم اسلام در زمان ترقی و شکوه
خود با بغداد پایتخت خلفای اسلامی همسری میکرد بلاوه میناره‌ها و آبدات ،
مزارات و لوازمی که امروز در شهر قدیم آن مشاهده میشود آثار گران بهائی
از آن مدنیت مشعشع در دل خاک پنهان است چنانچه با وجودیکه هنوز حفاریات علمی
در آن نجانشده‌ها کتب محلی همیشه حین خاک کنشی و کشت و کار شواهدی دیده
و آثاری یافته اند . خوشبختانه آثاریکه از غزنی تاحال پیدا شده و میشود اکثراً
فلزی است و باین مناسبت در مقابل گزند زمان و اثرات ته زمین خوبتر مقاومت
توانسته اند . همچنین غورات که در مدنیت اسلامی همسر غزنی است ازین قبیل
آثار زیاد دارد که مشتمل نمونه خروار چند ظرفی تاحال به موزه کابل رسیده
است . آثاری که از غزنی و غورات بدست آمده در دهلیز طبقه اول موزه روی
میزهای آئینه دار گذاشته شده و مهمترین آن فرآرتی است :

میز اول دهلیز طرف راست :

نمره ۶۳ ك ت : پنده ترازوی برنجی : در وسط آن درمیان ۱۲ دائرة
کوچک اشکال بروج قمری و درحاشیه آن مضمونی بخط کوفی مرقوم است .
نمره ۲۸ ك ت : چراغ برنجی که از غورات بدست آمده .
نمره ۶۷ ك ت : چراغ کوچک دستی دسته دار تیل دانی نما که ۲ نیم انچ
بلندی دارد و از غور پیدا شده و اثر کار اوائل قرن ۶ هجری میباشد .

نمره ۱۱۵ : پایه چراغ بلند برنجی آثار قرن ۴ هجری غزنوی .
نمره ۶۶ ك ت : چراغ دستی ، دسته و پایه آن شکسته . خط کوفی هم
دارد و از غزنوی پیدا شده .

میز دوم :

نمره ۶۵ ك ت : کرائی بزرگ . قطر دایره آن ۳۷ سانتیمتر بلندی ۱۸
ونیم سانتیمتر : در قسمت داخلی درته آن مانند یله ترازوی فوق الذکر اشکال
بروج فمری و در حاشیه داخلی مضمون ذیل به رسم الخط کوفی تحریر است :
(البركة والبضاعة والثروة والسعادة والعظمة والسلامة والنصرة و النذرة
والنعمه والثمرة) - در قسمت خارجی در پشت کرائی هم مضمونی به رسم الخط
کوفی نقش بوده ولی خوب خوانده نمیشود . ابن ظرف از غزنوی پیدا شده
و کار قرن ۴ هجری است .

بطنوس منقش و برنجی که در حاشیه آن چیزی بخط لاتین قدیم تحریر است
و از غزنوی پیدا شده .

دوقاب نظیر هم ، کار قرن ۴ - ۵ هجری - در وسط تصویر شیر و در
حاشیه آن این مضمون بخط کوفی نوشته است : (باليمن والبركة والدولة
والسلامة والسعادة وتسود الكرامة) .

قاب ۱۶ رخ برنجی اثر کار قرن ۵ هجری - در وسط (بالعافیه)
نوشته است .

جام مسی : ر باعی در حاشیه خارجی آن بفارسی نوشته است که سه مصرع
آن بنحوی خوانده میشود :

موزه کابل

در سر هوس چو جام داری بالاله رخسان ارغوانی
ایام گل است و مهر بانی

این جام اثر دست مسگران هرات است و چندان قدیم معلوم نمیشود .
نمره ۶۰/۲۵۴ : - پارچه سنگ رخام : تکه قسمت فوقانی گلدسته ایست که
بهر دو طرف آن هنوز کلمه (الله) خوانده میشود . تنها پارچه سنگی است که بنای
باشکوه وزیرای (فصر فیروزه) غزنی را نمایندگی میکنند .
میزهای سمت چپ دهلیز :

نمره ۸۰ ک ت : ستوار برنجی ارتفاع ۲۸ سانتیمتر و عرض ۱۸ سانتیمتر .
در سال ۳۶۶ هجری مطابق ۹۴۷ عیسوی در غزنی ساخته شده و در حصه
فوقانی در سرپوش خود نوشته کوفی دارد .

نمره ۶۵ ک ت : دو ستوار بی دود رو برنجی سیاه شده که در ۱۳۱۲ از
شهر غزنی پیدا شده و در حاشیه سرپوش خود نوشته کوفی دارد .

از اقسام ظروف بعلاوه چیزهاییکه از غزنی و غورات پیدا شده از سائر
جاها هم بعضی تکه ها در موزه موجود است مانند بعضی سماوارهای بلخی بدخشی
و بعضی جام ها و ظروف دیگر که حین تسطیح سرک شکاری کشف شده است .
اسلحه :

موزه کابل برای حفظ اسلحه که صنعت آن در مملکت ما بر طبق
روحیات ملی همیشه ترقی شایانی داشته اطاق خیلی بزرگی در منزل فوقانی
موزه تخصیص داده . درین اطاق از ازمینه قرون وسطی گرفته تا حال زره -
خود - تیرو و کمان - شمشیر - کرج - تلوار - خنجر - سیلاوه - سیر - علم های
جهاد - تفنگ های مختلف که از حیث وزن نسل معاصر آنرا برداشته نمیتواند

سאלنامه « کابل »

باترتیب وسلیقه مخصوصی چیده شده که بر بیننده حتماً جذب به تولید میکند و در میان آن یادگارهای خوبی از شاهان سپاهی منش و عساکر و دلاوران ملی افغان موجود است و بعضی را درین جا بطور خلاصه یادمانی میکنیم :

سینه بند و خود برنجی اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم : خود مذکور در مقابل و دوطرف خود سه عدد نشان دارد و اشکال آن عبارت از روی شیر است که موهای گردن آن مثل خوشه گندم در اطراف حلقه بسته .

قبه بیرق امیر دوست محمد خان مرحوم : که به دوطرف خود نوشته دارد و سنه آن ۱۲۷۴ هجری است . طرف راست « یاحی یا قیوم - من صبر ظفر نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین سلام قولاً من رب الرحیم »

طرف چپ « بسم الله خیر السماء - یافتاح ، انا فتحنا پیشوا - نصر من الله از قفا - سالم رود نافع بیا - والله خیر حافظا .

نمره ۳۸ / ۴۰ پیش قبض امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم .

نمره ۳۶ / ۳۴ شمشیر امیر شیرعلیخان مرحوم .

نمره ۳۵ / ۲۲ خنجر وزیر اکبرخان غازی .

نمره ۳۷ / ۴۴ شمشیر امیر عبدالرحمن خان فاتح کافرستان

نمره ۲۷ / ۴۱ تفنگچه امیر عبدالرحمن خان مرحوم .

نمره ۷۹ / ۸۸ بیرق نظامی عصر امیر عبدالرحمن خان مرحوم . پارچه

آن سبز و سرخ و در وسط آن دایره پارچه سفیدی است که در وسطش محراب و منبر و اطراف آن در دایره دوم « بیرق افواج نظام دولت افغانستان » تکریر است .

مامورین شعبه عقیده شناسی که در حفريات اخيره با هيت فرانسوي همراه بوده اند
Les membres afghan de la mission archéologique qui ont dernièrement
dirigé des fouilles pratiquées au Seistan et au Koundouz.



ص، محمد اسلم خان عضو اداره
حفريات



ص، غلام محي الدين خان مدير موزه
و حفريات



ص، محمد عزيز خان رسام و
عضو اداره حفريات



اطاق آثار هده در موزه کابل
Musée de Kaboul : La salle de Hadda

نمره ۸۱ / ۹۰ علم سپاه عسکری یا گار مقدس جنگ استقلال در محاذ
وزیرستان و فتح « تل »

نمره ۲۱ / ۳۴: ۵ عدد بیرق های ملی اقوام افغان و یادگار کامیابی های
دلاورانۀ هموطنان ما در جنگ ۱۲۹۸ هـ « میوند » - متن پارچه های این
علم ها آبی، حاشیۀ آن سفید و در وسط متن آبی دایرۀ سفید دیده میشود -
نوشته ندارد .

علاوہ بر اشیای فوق بصورت متفرق طو پ های قدیمه - تفنگ های
طلا کوب شنگال - زره - سپر - خود - بارود دانی ها و غیره چیز های
متفرق زیاد است

اشیای سنگی قندهار :

قندهارهای همان طور یکی که در میان اهالی وطن ما به نظافت و خوشگذرانی
و سلیقه در تزئینات البسه ملی معروف اند در صنایع ظریف هم شهرت دارند
چنانچه خامک دوزی - زر دوزی - حجاری ظروف سنگی و اشیای لطیف و
قشنگ شاه مقصودی - ظروف مسی آن شهر زیبا از تمام مملکت ما شهرت
بسیار دارد - اگرچه بد بختانه موزه کابل در شعب مختلف فوق الذکر عجبالتاً
آ قدر اشیاء ندارد که بصورت کامل مقام ذوق صنعتی اهالی قندهار را نشان
داده بتواند زیرا برای این مطلب یک موزه مستقل ضرور است که بتازگی در قندهار تاسیس
شده معذالک بعضی آثاریکه اکثر آن سنگی است برای ارائه ذوق صنعتی اهالی قندهار
موجود است از انجمله دو تختۀ دروازه مرمری است که یکی از استادان
اخیر قندهار محمد حسن نام در ۱۳۰۰ هجری قمری ساخته و کمال مهارت
چکش و قلم او را ثابت میکنند . غیر از این سائر اشیای سنگی که در دهلیر

سالنامه « کابل »

قسمت فوقانی عمارت موزه گذاشته شده عبارت از کاسه‌ها - جام‌ها - غوری‌ها - بشقاب‌ها - سگرت‌دانی‌ها - گلدانی‌های سنگی یشم است که بدون نقش و نگار بصورت خیلی ساده ساخته شده و از حیث شکل و اندام و نازکی جدار و شفافی خیلی قابل تمجید است. در میان اشیای سنگی قندهار نکه مهمی که باید ذکر گردد و بعقبه بنده در میان اشیای عصر اسلامی موزه کابل خیلی مهم است يك ديگك بزرگ سنگی است که فرار احتمال پیش از عصر اسلام هم بصورت ساده موجود بوده و در عصر اسلامی در صفحات داخلی و خارجی آن شرح مبسوطی بزبان عربی نوشته اند و اطراف لبه خار جی آنرا به ۲۴ ضلع تقسیم نموده اند. از ترجمه مضامین عربی آن تاچائی که خواننده شده معلوم میشود که این ديگك بزرگ بکدام مدرسه قندهاروقف شده است. از خامک دوزی - زر دوزی - چکن دوزی - سوزنی و غیره کارهای دوخت که در قندهار و تمام افغانستان سر و ج و هر قبیله و نقطه افغانستان اختصاصات متمایزی دارند چیز زیاد در موزه نیست جز چند پارچه محد و دی که در يك اطابق مخصوص در منزل فوقانی گذاشته شده و عبارت است از : -
نمره ۲۰۹ ابر یشم دوزی اهالی وردک - نمره ۲۱۱ ابر یشم دوزی اهالی هرات که اصلا پارچه پیراهن زنانه بوده و آنرا بطنوس پوش ساخته اند .
نمره ۱۴۳ صنعت چکن دوزی بلخ - نمره ۲۰۸ سوزن دوزی اهالی میدان بالای پارچه پنبه‌ئی سفید به ابر یشم سرخ و آبی وزرد کار شده - نمره ۱۳۹ کمر بند و د و کیسه پول سوزن کاری اهالی غزنی نمره ۱۱۰ ابر یشم کاری اهالی وردک .
نمره ۲۰۷ پارچه بقدر ۲ سانیمتر مربع که از تپه سرانجان در ۱۳۱۲ در ضمن کشف مسکوکات طلای شاهان کوشانی پیدا شده و نظیر آن چندین عدد

موزه کابل

بود که در میان هردو سکه یکدانه ازان گذاشته شده بوده و مربوط به عصر قبل الاسلام است .

بافی اگرچه درین مورد چیزهای دیگر گفتنی زیاد است ، بواسطه ضیق صفحات این مقاله ازان صرف نظر نموده به ذکر بعضی آثار شق دوم موزه یعنی اشیای عصر قبل الاسلام می پردازیم :

آثار عصر قبل الاسلام

آثار عصر قبل الاسلام که در موزه کابل بعد از انقلاب روبه کثرت گذاشته و امروز قسمت بزرگ منزل تختانی موزه را اشغال نموده از سالهای اخیر زمان قبل از انقلاب هم به تعداد زیاد وجود داشت زیرا پیش از بحران ۱۳۰۷- ۱۳۰۸ هم چند جانی مثل هده - بگرام - یایتاوه - حفریات شده و آثار فوق العاده زیاد خصوصاً از هده و بگرام بدست آمده بود چنانچه تعداد آثار هده از صدها گذشته به هزارها رسیده بود ، از میان آثار نقاط فوق الذکر حین انقلاب آثار هده بیشتر تلفات داده و صدمه کشیده زیرا چون آثار این جا عموماً چونه می وزود شکن بوده نسبت به آثار سنگی بگرام و یایتاوه در اثر صدمات وارده زودتر شکسته است ولی چون تعداد آن زیاد بود باوجود تلفات هنوز نسبت به آثار و شواهد تاریخی تمام نقاط افغانستان اشیای مکشوفه هده بیشتر است و سه دالان بزرگ را در منزل تختانی موزه در دهلز سمت چپ اشغال نموده است .

بعد از انقلاب چون دامنه حفریات دوباره انبساط یافت و یک رشته کاوش های علمی در بامیان - نقاط اطراف کابل مثل تپه مرانجان - کوتل خیرخانه

سالنامه « کابل »

تپه خزینه - نجراب - لوگر - غوربند و غیره نقاط وطن بعمل آمده نتایج آن ذخیره آثار قبل الاسلام موزه را خیلی وسعت داد. روی هم رفته آثار عصر قبل الاسلام که امروز در منزل تختانی موزه چندین اطاق را اشغال نموده و عامل شهرت موزه کابل در نظر مدققین خارجی میباشد بلا استثنا از هر نقطه افغانستان که بدست آمده باشد تا حال فقط محدود به یک دوره مبینی است که از حوالی قرن اول مسیح الی قرن ۸ را در بر میگیرد و از نقطه نظر دیانت و مدنیت تمام آن به استثنای هیكل های چوبی نورستان که از آنها آتیا بحث خواهیم نمود و بعضی مجسمه گك های كوچك گل پخته که از شهر بانو و خلم قدیم حوالی تاشقرغان فعلی بدست آمده مربوط به دیانت بودائی است که مدت هشت صد سال درین سرزمین رواج داشت زیرا حفاریات فصداً تا حال در همین دوره مدنیت شده و آثار هم از همین دوره مبین تا حال در موزه جمع شده است.

(نا گفته نماند که حفاریات در دوره های مدنیت قدیم تر افغانستان تازه شروع شده و شواهدی که از ناد علی و سایر نقاط سیستان افغانی بدست آمده عجتاً تا ۴ هزار سال قبل از مسیح میرسد، لیکن تا حال هنوز پوره مطالعه نشده و به این لحاظ در موزه محفوظ و طرف نمایش هم قرار داده نشده است) . پس اگر خواسته باشیم که فهرست مکمل اشیای موجوده عصر قبل الاسلام افغانستان را درین مختصر محض نام ببریم امکان ندارد زیرا از گنجایش این مقاله برآید بماند تر است لذا با اختصار لازمه و با مراعات تاریخ حفاریات، آثار برجسته نقاط مختلف افغانستان را که فعلاً در موزه کابل موجود است ذیلاً بیان میکنیم :

موزه کابل

آثار هده :

هده که به ۸ کلمو متری جنوب شهر فعلی جلال آباد واقع و حفريات آن در سال ۱۳۰۲ به ايمای «موسیو فوشه» رئيس هيئت حفريات فرانسه ذريعه «موسیو گودار» شروع و «موسو برتو» آنرا ادامه داد، از نقطه نظر مواد دو دسته آثار داده است: گچی و سنگی. چون کار گچ سهل تر و قابل گیری هم دست هيکل تراشان را سبک تر ساخته است نسبت به آثار سنگی اشیای گچی خیلی متعدد و فشننگ تر اند. آثار هده مخلوط با اشیای بگرام و پایتاوه طوریکه بیشتر گفتیم در دهلین سمت چپ موزه در ساطاق چیده شده که دوی آن مهمتر است. اگر چه ما در نظر داشتیم که در اینجا بصورت مختصر آثار برجسته هر اطاق را علیحده ذکر کنیم ولی چون ترتیب فعلی بيک حال نمی مانند از ذکر جای اشیائیکه چندان اهمیت هم ندارد صرف نظر نموده با تذکر نمره هر پارچه بمطالعات آن می پردازیم:

(۱) آثار گچی :

نمره ۲۰۹ پارچه مکعب سنگگ گچ - طول ضلع آن ۳۰ سانتیمتر و ارتفاع آن ۲۴ سانتیمتر: این پارچه بچهار طرف خود قرار ذیل چهار صحنه دارد

(۱) بودا در حال رام کردن فیل -

(۲) بودا زیر درخت «بودهی» -

(۳) بودا و طفلی که پیشگوئی کرده میگوید که امیرا طور آشوکا

خواهی شد و بودا به او مشت خاک می دهد -

(۴) برهما - اندرا - و بودا

سالنامه « بابل »

نمره ۷۴۴ : مجسمه بزرگ بودا به ارتفاع يك متر و ۲۱ سانتی در بلان راهی .

نمره ۷۴۶ : مجسمه بودا که روی تخت نشسته و با انگشتان حرکت مراقبه را ادا میکند

نمره ۲۱۴ : صحنه که مطابق افسانه های بودائی ، بودا غول آدم خوار را از خوردن اطفال کوچک منع میکند

نمره ۳۲ : صحنه که بودا از اسپ خود خدا حا وظی میگیرد .

نمره ۲۵۳ : صحنه که چهار نفر تحفه دهندگان را که دوی آن حامل گل اند و بصورت نیم تنه زیر کانی که بشکل نعل اسپ است نمایش یافته اند نشان میدهد .

نمره ۲۸۹ : صحنه که رب النوع ثروت را نمایش میدهد و بدست چیش نیزه میباشد .

نمره ۲۶۱ : رب النوع ثروت شاخ فراوانی که علامه آنست در دست چپ گرفته ، طرف راستش يك رساله ئی و طرف چپش يك سر بازیاده ایستاده و در قسمت تحتانی صحنه دوشخص مشغول خالی کردن کیسه های پول میباشد .

نمره ۲۳۶ : سرباز - سر و پاهایش وجود ندارد خنجر عمیض و کوتاه بکمر آویخته است .

(۲) آثار سنگی :

نمره ۴ : صحنه تقسیمات خاکستر بودا بعد از وفاتش - یکی از نمایندگان قبایل بالای شترسوار باجمعه که جایز خاکستر است به ملك خود مراجعت میکند .

نمره ۴۳ : صحنه که رفتن بودا را نزدیک زاهد برهنه و قصه بت شدن مار او را در کچکول بودا نشان میدهد .

موزه کا بل

نمره ۳ صفحه که طفلی بودا و مراجعت او را از باغ تولدیش به شهرشاهی
(کتابی لاواستی) نشان میدهد .

نمره ۲۰۲ صفحه که یک نفر تحفه دهنده کوشانی را نمایش میدهد .

نمره ۸ : صفحه که « pancika پانسی کا » رب النوع ثروت را با کیسه
یولویک نیزه ارائه میکنند .

نمره ۸۴ : صفحه ملاقات یک شهزاده با یک نفر برهمن ،

نمره ۵۱ : صفحه نطق بودا در محضر شبان ها .

نمره ۶۲ یک نفر سر باز زره پوش .

نمره ۱ : صفحه جنگ ازامائی .

نمره ۱۰۵ : دوزاهد برهمنی به دست چپ خویش ظروف آب را گرفته اند

وزیر چیری که از شاخهای درخت تشکیل شده استاده اند .

نمره ۴۰ صفحه افسانه که پسرعم بودا قبیلی را کشته و برای آزار دادن بودا نمایش

اظهار در شهر انداخته است تا گنده شود و بوی بد دهد . بودا آنرا از بالای دیوار
شهر بیرون می اندازد .

علاوه بر صفحه های فوق الذکر در اطاق نمره دوم آثار هده به تعداد چندین صد

سرهای خورد و بزرگ موجود است چنانچه ۱۲ الماری اطراف دیوارها و یک

الماری بزرگ ۶ رخ و وسط اطاق را مملو ساخته . از میان سرها آنچه بدشتر قابل

تذکر است سر نمره ۲۱ و نمره ۱۷۰ است که روپه طرح موی آنها سبک جعد موی

مجسمه های لطیف یونانی را ارائه میکنند و برای مقایسه موسسوها کن عکس سرا اسکندر

« برتش موزیم » لندن را پهلوی آن نصب نموده . چون سرهای مجسمه بواسطه نازکی گردن از بدن زود جدا میشود و باز بواسطه پری کاسه سر زیاد دوام میکند نسبت به بدن تعداد آنها در موزه بیشتر است و اگرچه امروز بدن های آنها نیست از روی طرح موی و اشکال گوش و سایر اختصاصات سیما بخوبی فهمیده میشود که فلان سر متعلق به کدام نوع شخص است چنانچه اگر کسی در اختصاصات صوری اشخاص صحنه های بودائی معرفت داشته باشد ملاحظه میکنند که در میان سرهای اطاق دوم آثار هده از بودا گرفته تا « بودیس انوا » و راهب و شیطان و سر باز و روحانی و غیر روحانی و موسیقی نواز و گدا و غیره غیره همه موجود اند .

آثار پایتاه و بگرام :

پایتاه و بگرام بسمت شمال کابل اولی با فاصله ده کیلومتری جنوب شرق و دومی به ۸ کیلومتری شرق (چاریکار) افتاده است آثاریکه ازین دو نقطه جلگه فشننگ و زرخیز کاپیسا بدست آمده همه سنگی و در میان آنها یکنوع مجسمه بودا که از شانه هایش آتش و از کف های پایش آب می براید عمومیت دارد و معلوم میشود که این بودا در کاپیسا شهرت مخصوصی داشته چنانچه هیکل نمبر ۲۰۰ و نمبر ۱۹۶ آنرا ارائه میکند . پارچه دیگر پایتاه که ذکرش در اینجا خیلی ضروری است قعده یک صحنه است که بانمبر ۲۰۵ در اطاق اول آورده گذاشته شده . این لوحه صحنه تاریخی را نشان میدهد که داخل شدن کوشانی ها را در دیانت بودائی ارائه میکند چنانچه در اطراف « بودیس انوا » (میتریا) دو سه نفر کوشانی به لباس ملی و موزه های نمادی تحایف در دست معلوم میشوند

موزه کابل

برای تفصیل این صحنه و مجسمه های فوق الذکر پایتاوله در شماره ۲۳ مجله کابل به مقاله (هیکل تراشی یونان و بودائی در کاپیسا) بقلم موسیو هاکن و ترجمه نگارنده مراجعه شود.

بعضی آثار مهم دیگر این دو مقام که در موزه کابل موجود اند قرار آتی است:

نمره ۲۲۹ لوحه بزرگی که چندین صحنه مختلف زندگی بونانی بودارا نشان میدهد مانند صحنه تولدی - صحنه پیشگوئی بکنفر ساحر که فرار آن بودا پادشاه بزرگ خواهد شد، صحنه تهیه سفر بودا از خانه پدریش، ترک دنیا از گفتن او در یک باغ و غیره.

نمره ۱۹۷: نمایش کدام زن بوضعیت ملکه (مایا) مادر بودا.

نمره ۱۹۵: طفلی که به «هارتی Harti» رب النوع ثروت چیزی تقدیم میکنند.

آثار بامیان:

بامیان که فاصله ۲۴۵ کیلومتری شمال غرب پایتخت واقع است از نقطه نظر اهمیت آثار بودائی با داشتن مجسمه های بزرگ ۵۳ و ۳۵ متری خود چنان مقام معروفی است که شهرت آن بخود و بیگانه پوشیده نیست. تا سال ۱۹۲۰ میلادی بامیان با شهرت جهان گیر خود در موزه کابل اثری نداشت. پس از حفاریات ۱۹۳۱ و کشفیات دیگری که در دره ککرک بعمل آمد و در نتیجه تصاویری زیادی از یک معبد کشف شد، امروز اطاق آبر و متد بزرگی

که درخور مقام تاریخی او است درموزه کابل اشغال کرده - آثاراطاق آثار بامیان اگر چه کم و بیش بقایای تزییناتی دو سه معبد علیجده را نشان میدهد اما روی هم رفته تمام آنرا به دو دسته میتوان تقسیم نمود : - اول آثار زیر خاکی که از معبد (G) از مجاورت قریب پای هیکل ۳۵ متری در اثر حفاریات ۱۹۳۱ کشف شده عموماً عبارت از سرهای کوچک گلی - چوبی است که هنوز سبک یونانی رویه استادان ماهردهه در آن مشاهده میشود .

دوم تصاویر دیواری رنگه که از معبد دره کک (۵ کیلومتری جنوب شرق بامیان) در سال مذکور کشف شده و بهترین تابلوهای متقوس است که مهارت استادانه و قریحه بلند نقاشی و رسامی هموطنان ما را در قرن ۴ و ۵ مسیحی نشان میدهد ، آثاریکه از معبد (G) بدست آمد در سه الماری کوچک گذاشته شده مهمترین آن فراتی است :

نمره ۱۱۸ : سربک شخص بروتی که نظیر آن در میان قبایل افغان مازید دیده میشود . بروت های بزرگ افتاده او قابل ملاحظه است .

نمره ۷۴ : - مناسفه مقابل بدن شیر که پاهایش بصورت غیرطبیعی طرح شده و آثار الوان در آن مشاهده میشود .

نمره ۱۲۰ : سر شیطان که موهایش بصورت زبانه شعله آتش طرح شده و به این نسبت رنگ سرخ دارد .

نمره ۱۲۱ : سر یک نفر را هب که قسمت تحتانی صورتش شکسته است .

نمره ۸۱ و نمره ۹۲ : سرهایی که با وجود مسافت بامیان از مکاتب هیکل تراشی

موزه کابل

هده در طرح موی، اثر نفوذ یونانی را ارائه میکند.

تصاویر رنگه دیواری در الماری های شیشه فوق العاده بزرگ مخصوص قرار گرفته است. قرار احتمال، معبد دره کدک که این تصاویر از آنجا کشف شده تا زمان ورود مسلمان یعنی اواخر قرن ۹ مسیحی آباد بوده بودائیان چون هنگامه ورود عساکر اسلام را شنیدند دیوارهای متقوس معبد خود را به امید یک روز ورق کاه گل مالیدند تا چشم مسلمانان به آن نه افتد و عجالتاً آنرا خراب نکنند ولی به این خواب رفتند و فنا شدند و معبد همان طور از ورق گل تا ۱۹۳۱ میلادی پوشیده ماند و همین واسطه شد که بعد از یازده قرن سلامت بماند.

این تصاویر در خود معبد در میان ۸ دایره که یکی مرکزی است و ۷ دیگر دیوارهای اطراف را پوشانیده بود رسم شده بود چنانچه فعلاً هم تماشا کنند. درموره چندین دایره بزرگ آنرا مشاهده میکنند. موضوع تصاویر مذکور تصورات مذهبی یونانی بوده طوریکه در دایره مرکزی گنبد یک «بودیس اتوا» بزرگ و ۷ دایره اطراف اشکال متعدد بودا را متنظراً نشان میدهد.

آنچه از نقطه نظر تاریخی اهمیت فوق العاده دارد تصویر یک نفر پادشاه کوشانی قرن ۴ - ۵ بامیان است که از شکار توبه میکند و فعلاً در موزه با دو تصویر دیگر بودا در یک پارچه از دیوار کنده شده و محفوظ است. نتیجه تاریخی که از مطالعات دقیق آن بدست آمده این است که شاهان بامیان در تاج خود سه ماه نو طلایی و در میان هر کدام یک تابه قرئی را نصب میکردند و اگر

سالنامه « کابل »

این مواد با تاج شاهان دوسکه که از غزنی پیدا شده مقایسه شود معلوم میشود که واسطه و خویشاوندی بین آخرین شاهان کوشانی قرن ۴ و ۵ کابل زمین و بامیان قائم بوده. تفصیلات مزید درین مورد در اطاق بامیان بزبان فرانسه و فارسی تحریر است و شایقین برای معلومات مزید در مقدمه که بصورت اجمال تاریخی بقلم تنگ‌رنده در تمهید کتاب بامیان طبع شده مراجعه فرمایند. علاوه بر اشیای فوق که از دو محل معینه بامیان و چند چیز دیگر مثل تصویر گراز جنگلی و دو مرغی که مشترکاً در نول‌های خود گلو بندی را گرفته اند و از سقف برنده سموچ (D) بدست آمده بعضی نوشته‌های سانسکریت هم از زمین معبد (G) حین حفاریات کشف شده که قرار مطالعات موسیو « سیلون لوی » مستشرق فقیه و بکتای فرانسه به رسم الخط عصر اخیر (گوپتا) روی پوست نازک درخت نوشته شده فعلاً در اطاق آثار بامیان میباشد.

در اطاق آثار بامیان علاوه بر چیزهای محلی عکس‌های یک عده تصاویر رنگه هم موجود است که تاریخ آن به حوالی قرن ۸ - ۹ مسیحی یعنی بین صدی اول و سوم هجری نسبت میشود و « سر اورل استین » عتیقه شناس معروف معاصر انگلیس از مقام « تون هونگک » آسیای مرکزی کشف نموده در میان این تصاویر تند کر یکی آن بی مورد نیست و آن تبلوئی است که « هوان تسنگ » زائر معروف چینی را که در ۶۳۲ (قرن اول هجرت) به زیارت مقامات افغانستان و هند آمده بود با کتابهای نایابی که حین مراجعت

موزه کابل

از مملکت ما با خود می برد نمایش میدهند .

آثار کابل :

کابل پایتخت تاریخی ما که دامان کوهستان فشننگ و تپه های زیبای حصار آن قبل از جلگه فعلی محل بود و باش سا کتین آن بود در ادوار مختلف خصوص عصر بودائی که مصادف به سلطنت شاهان یونانی کابستان و کوشانیان و پهلواها و اسکائی ها میباشد در قسمت های مرتفع حصار فشننگ خود معابد باشکوه ، قلعه های مستحکم ، میزده ها و عمرانات مذهبی مهم دیگر داشته . علاوه بر آنچه در اینجا مختصراً در مورد کابل فعلی اشاره نمودیم کابل عصر بودائی در منطقه « شیوکی » به ۸ کیلو متری جنوب شرق پای تخت با تمام معانی شهر دیگری از خود داشت چنانچه تا حال اینجا بنام « خورد کابل » یاد میشود . پس کابل و حوالی قریب و متصل آن با مقامی که درین عصر و پیشتر داشته حتماً آثار زیادی در سینه خود دارد چنانچه از ۱۳۱۲ با بنظر حفاریات تپه مرانجان - تپه خزینه - کوتل خیر خانه نتایج زیاد داده و عجزاً تا حال آثار کابل در موزه خود در اطاق مخصوصی را اشغال نموده است .

آثار تپه مرانجان :

تپه مرانجان که به حاشیه شرقی پایتخت افتاده در اواخر حفاریات ۱۳۱۲ نتایج خوبی داده که بدینسانه يك حصه آن بواسطه خامی مواد گلی آن پس از کشف شکسته است ، بهر حال آنچه سلامت به موزه رسیده و در اطاق اول آثار کابل نهاده شده مجسمه بودا و یک مجسمه بزرگ و فشننگ شهزاده « بودیس اتوا » است که به انواع زیورات فاخره مزین است و کمال مهارت استاد هیکل تراش کابلی را در علم تشریح و تناسب اندام ارائه میکند . در اطاق دوم مخصوص آثار کابل از آثار

سالنامه « کابل »

تیة مرانجان مجسمه دونفر اعانه هنده وحشی هندی است (نمره ۹۷ و ۹۸) که هر دو شبیه هم به زانو نشسته اند یکی در دست چپ خود تاجی دارد و دست راست خود را برسم ادب روی سینه گذاشته دومی هر دو دست خود را به ترتیب سلام هندی پیش روی خود نگاه داشته ، لباس آنها یکنوع جامه نمدی یا چرمی است که مانند البسه امروزی هند به دو طرف خود چاک خورده ، علاوه برین دوسه ظرف کوزه نمایی دیگر که دران خاکستر و استخوان بود هم از تیة مرانجان کشف شده و در اطاق اول آثار کابل موجود است ، کوزه نمره ۱۰۳ ، واسطه اشکال آهو در میان دایره های کوچک و کوزه دیگر که بی دسته و نوله دار است بواسطه نقوش رنگه خود قابل ملاحظه است

آثار تیة خزینه ،

تیة خزینه که به یوزه غربی شهر فراز غلعه هزاره های چنداول واقع است از گوشه غربی حصار کوهستانی شهر آثاری داده که باعث رونق اطاق آثار کابل گردیده . این معبد قرار یکه از حفریات آن معلوم شده تاورد مسلمین معمور بوده و بدست آنها آتش داده شده چنانچه تمام مجسمه های آنجا که از روی مواد گلی میباشند در اثر آتش به تیکر بخته تبدیل شده و حتی بعضی را دود حریق سیاه هم نموده است . این آثار امروز بصورت سرهای کوچک و اشکال مرغ ها به تعداد تقریباً ۵۰ عدد در اطاق دوم آثار کابل چیده شده و تاریخ ساختمان آنها را میتوان بین قرن ۴ و ۵ مسیحی قرار داد

موزه کابل

آثار کوتل خیر خانه :

کوتل خیر خانه که به امتداد سړک کابل - کاپیسا بفاصله ۵ کیلومتره شمال - غرب کابل واقع است و حفاریات آن در روزهای اخیر سال ۱۳۱۲ شروع شده بود چند پارچه مهمی داده که وجود آن برای تاریخ مذهبی کابل زمین خیلی مهم است زیرا تمام آن از يك معبد بزرگ برهنی کشف شده و مربوط به این دیانت میباشد و مهمترین آن مجسمه رب النوع آفتاب است که تاریخ آن را موسیوها کن به اخیر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم مسیحی نسبت میکنند و تفصیلات آن بصورت مقاله مستقل بقلم نگارنده در شمارهات مجله کابل شایع شده است و کتاب مستقلی که اخیراً درین موضوع شایع شده بقلم شبوای دوست گرامی آقای رشتیا ترجمه شده و در زیر طبع است

علاوه بر آثار فوق بعضی نقاط دیگر افغانستان هم مثل «گردیز» «نجراب» «لوگر» «غور بند» «فندوز» و غیره بصورت اتفاقی بعضی آثار داده اند مانند سرمه سری که از مقام اول الذکر و سر سنگی که از نجراب پیدا شده و بودارا در حال روزه نشان میدهد و اولی در اطاق آثار هده و دومی در اطاق آثار کابل میباشد.

آثار چونی نورستان :

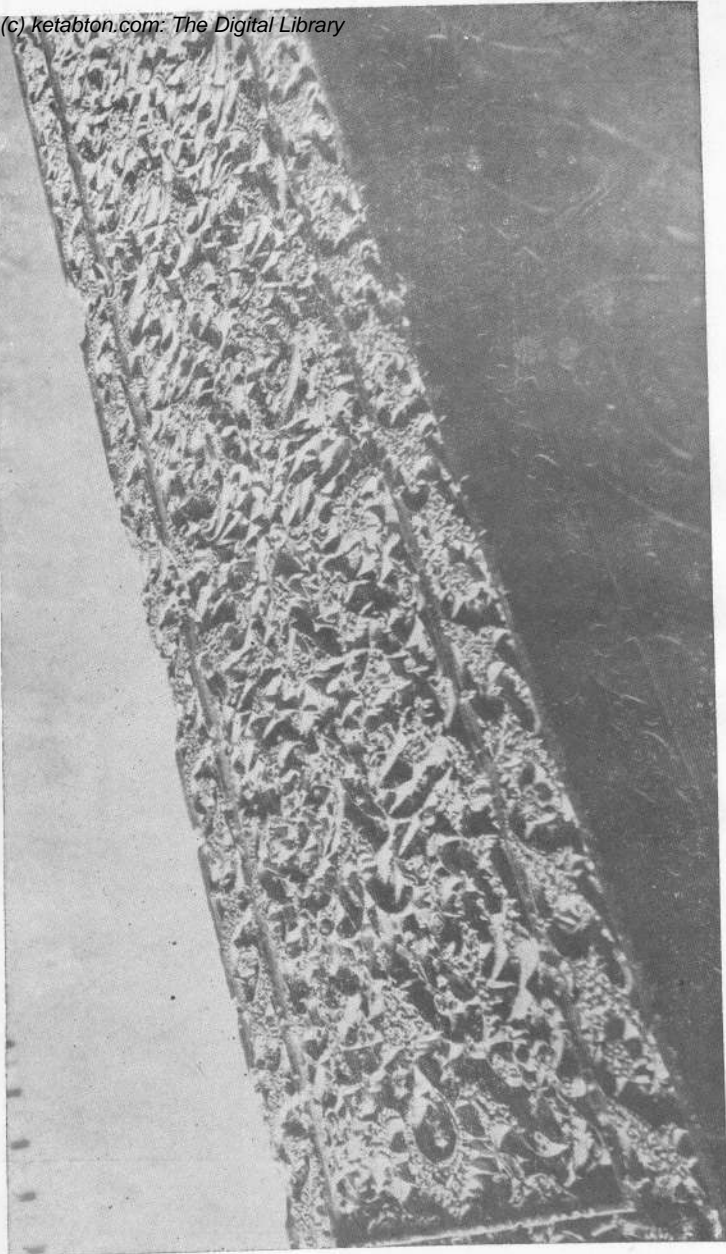
منطقه که بشمال غرب افغانستان بدامنه های جنوب سلسله هند و کوه مربوط حکومت اعلائی مشرفی امروز بنام نورستان و چهل سال قبل بنام

سالنامه « کابل »

کافرستان و نزد جغرافیه نویسان عرب با اسم لورستان یاد میشد در موزه کابل در اطاق مخصوص خود یکمده مجسمه های چوبی دارد که در هیئت هیکل های اشخاص متوفی است و بعد از فتح این منطقه در زمان اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان بدست آمده است .

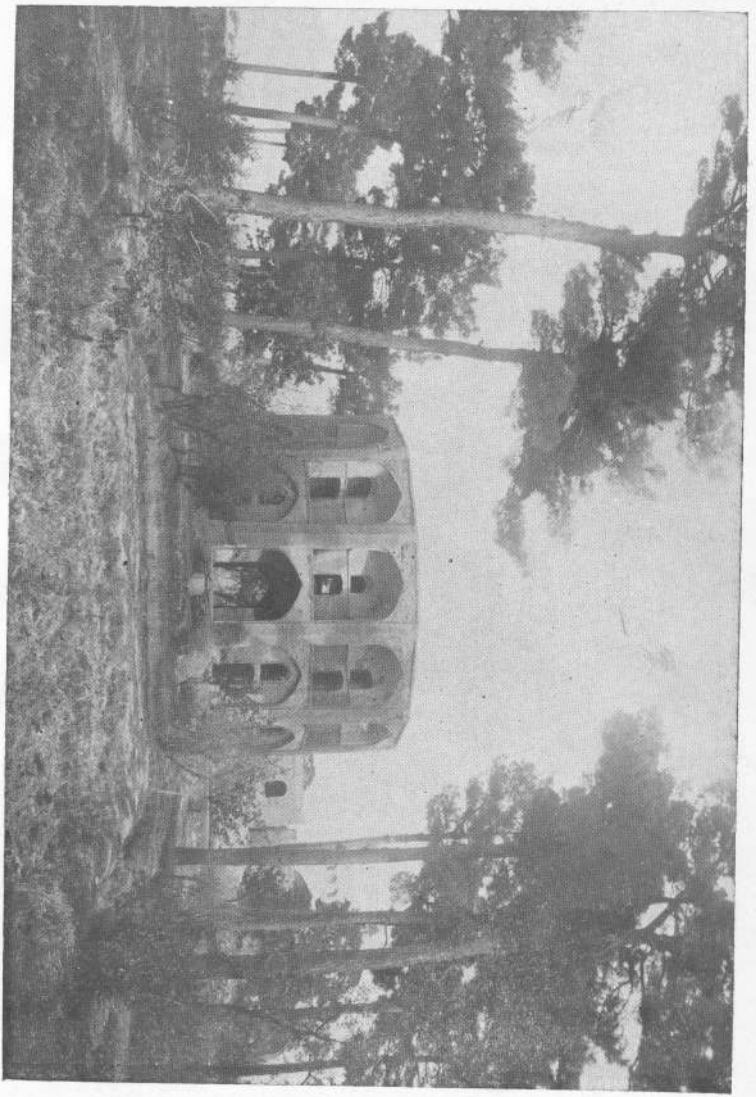
علاوه برین دو دسته آثار یکمده شرح مختصر آن فرار فوق ذکر رفت در موزه کابل یکمده اشیاء دیگر و مخصوصاً مسکوکات زیادی است از قبیل آثار بودائی و یونانی مکشوفه از غوربند (که شرح آن در شمارهات سال ششم مجله کابل بقمه موسیوها کن درج شده) و آثار مکشوفه از قندوز که بتازگی بدست آمده و غیره و غیره که در اینجا بواسطه تنگی وقت و ضیق صفحات مقاله مجبوراً از ذکر آنها صرف نظر نموده و در آتی با معلومات مفصلی که در دست است بشکل کتاب مستقل بنظر خوانندگان عزیز خواهد رسید .





از آثار تاریخی قیس هرات : سنگ هفت قدم در کارز کام.

Pierre tombale sur laquelle on a inscrit sept fois c'est à dire en sept étage de prof.n.d.cur (Hérat)

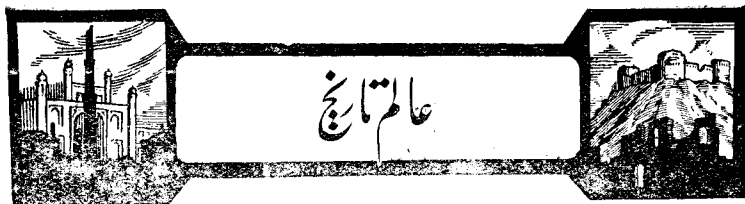


از ابنیه تاریخی هرات : عمارت نهمندان در باغ نو گازرگاه که از عمارات امیر علیشیر نوائی وزیر معروف است
L'ancien palais de Namakdan à Herat (15è. S.)

۱۰



سنگ تاریخی مصلاى هرات که در موزه خانه هرات موجود است
L'inscription, sur pierre, de la grande mosquée d'Hérat



هیکل سازی قدیم افغانستان

ترجمه جناب عبدالغفور خان
مترجم انجمن

بقلم جناب پروفیسر هنری ہراس معلم
دارالفنون بمبائی وعضو افتخاری انجمن

وفا کہ نخستین بار، مجسمہ ہا و کئدہ کار بہای مدرسہ گندہارہ در دسترس دانشمندان سابق فرنگک کہ در ہند کار میکردند، قرار گرفت علی الفور بدون کدام تردیدی تصدیق نمودند کہ آثار مزبور، نفوذ یونانی را عرضه میدارد۔ واقعاً ہموارہ یک چنین فاضل اروپائی وجود داشته است کہ در ہر چیز و ہرجا تاثیرات و نفوذ فرنگک را (بزعم خویش) مشاهده میکردہ۔ ولی خوشبختانہ امروز عدہ این جور علما رو بقت گذارده و دیگر مانند روزگار بدشین، عمومیتی ندارند۔ معذالک این را ہم بایستی اظہار کرد کہ حلات اسکندر مقدونی از گوشہ شمال غرب ہند، وجود سلطنت ہای یونانی در افغانستان و سرحد شمال غربی ہند و ستان، و بالاخرہ شہاستی

عنوان اصلی رسالہ جناب فاضل پروفیسر هنری ہراس رئیس موسسہ تنبغات تاریخی وعتیقہ شناسی بمبائی « مبدأ مدرسہ ہیکل سازی یونانی و بودائی گندہارہ » میباشد۔

سالنامه « کابل »

که ظاهراً این بعضی از صنایع این مناطق و صنایع یونان وجود داشته است
صدق این آراء سابقه را محتمل نشان میداد .

فاضل عتیقه شناسی که از همه بیشتر این مفکوره (پرویاگندنفوذ یونانی)
را اکتشار داده ، موسبو فوشه فرانسوی است (۱) .

و تئیه من سال گذشته در افغانستان بودم ، دیرهای بودائی ککرک
بامیان ، ایک و خصوصاً خرابه های باختر معروف را مشاهده نمودم - این
شهر در سابق جنان یک مرکز مشهور بودائی بود که آنرا « راجه گرهبه »
کوچک « (۲) میخواندند (۳) - همچنین در همان زمان مرکز سلطنت یونانی
شرق نیز شناخته می شد . بنا بر این من تصور کردم که در بلخ چندین مجسمه
یه قانی و بودائی را که حتی نسبت به مجسمه های لاهور و پشاور ، قشنگ تر
خواهند بود ، مشاهده خواهیم کرد . ولی بدبختانه ، نه در دیر های آن و
نه در ولایت قدیم باختر (که ولایت امر و زه مزار شریف باشد)
یک نمونه هم از مدرسه صنعتی قدیمه یافته نتوانستیم . راست است که به قول
هیون تسانگ زوار چینی ، باختر بودائی به مدرسه فکریه « هینایانا » تعلق
داشت (۴) ، ولی زوار موصوف این مسئله را نیز نوشته است که اگر چه
بودائیون باخترزمین ، برب و طریقه « هینایانا » بودند ، ولی مجسمه های
بودارا هم در دیرهای خود داشتند (۵) بهر حال ، در صوامع بامیان

(۱) کتاب « آغاز صنعت بودائی » - تالیف موسبو فوشه - طبع
۱۹۱۷ پاریس و لندن . (۲) کتاب « صنعت یونانی و بودائی گندهاره »
طبع ۱۹۰۵ و ۱۹۱۸ - ۱۹۲۲ پاریس تالیف فوشه . (۳) هیاکل یونانی و
یوانی (موزیم لوور - پاریس ۱۹۰۰) (۴) نیکارشات دنیای غربی - تالیف
بیل - ج اول - ص ۴۴ و ۴۵ (۵) ایضاً

هیکل سازی قدیم افغانستان

و ککړک ، راهبان بودائی محققاً « هینایانی » نبودند - بلکه مجسمه ها و تصاویر بودا بمقدار فراوان در آنجاها وجود داشت و هیچیک از نقوش مزبور که تا کنون پیدا شده ، نفوذ یونانی را نشان نمیداد .

اولین نمونه صنایع مدرسه یونانی و بودائی ، در جنوب هندوکش و کوه بابا ، در وادی زرخیزی که بجنوب شرق چار یکبار افتاده است یافت نمیشود ، فاصله ۱۲ میل از این شهر کوچک ، میدان وسیعی واقع است که موسوم به « بلگرام » بوده و محل قدیم « کاپیسا » شناخته شده است (۱) از این میدان تا اندازه که بمن معلوم است ، یک تصویر برجسته متعلق به مدرسه یونانی و بودائی را موسیو فوشه کشف کرده که بودای نشسته را مابین چهار مهر نشان میدهد و موسیو هاکن میگوید این منظره ، یا اولین ملاقات « بمبیساره » از بودا و یادعوت برهما (یا اندره) است برای وعظ (۲) در همین جایک تصویر دیگر نیز یافت شده که عمل « سراواستی » Sravasti را ارائه میدهد و حایله در موزم کابل موجود است مگر این تصویر به مدرسه یونان و بودائی تعلق ندارد .

یک تصویر برجسته دیگری هم در کابل هست که از کاپیسا یافت شده و قطعاً نفوذی از یونانی و بودائی را دارا نیست . این تصویر ، « میتریاودی ساتوا » را بین دو جماعه سه نفری بودائی نشان میدهد .

(۱) مقاله موسیو فوشه معنون به « از کاپیسا تا پشاور » ، منتشره در مجله مدرسه تحصیلات شرقی ، ج ۶ ص ۳۲۲

(۲) هیکل تراشی هندی و تبتی در هوزه گیمه - لوحه ۱۱ - تالیف هاکن (طبع پاریس - ۱۹۳۱)

سالنامه « کابل »

سه نفر جامعه اول سکائی و سه نفر جامعه دوم افغان است ، چنانکه از لباس شان بخوبی معلوم میشود (لوحه اول - الف) .

هرگاه بطرف کابل یا تین بیائیم ، نمونه های مدرسه یونانی و بودائی را بسیار تر می بینیم - از گرد استویه محروبه موسوم به تیه خزانه که بین شهر کابل و کوه شبر در وازه و نزدیک دریای کابل واقع است ، مدیر موزیم کابل ، یکعده سرهای گچی را کشف کرده که هر شخص تصدیق میکند به مدرسه گندهاره تعلق دارد . همچنین مجسمه هایی که از دور استویه تیه مرنجان (بمشرق شهر کابل) کشف گردیده ، همین مدرسه گندهاره متعلق است . از جمله این مجسمه ها فقط یکدانه سلامت مانده که کنون در موزیم کابل است ، و دیگر های آن چند دقیقه بعد از کشف ، از هم پاشیده شده . این مجسمه « میتر یا بودی ساتوا » را بحال مراقبه نشاق میدهد (لوحه دوم - الف) .

اما جایی که دران مجسمه های مدرسه گندهاره نه تنها از حیث تعداد ، بلکه از حیث حسن و زیبایی واقعاً فوق العاده اند ، همانا وادی جلال آباد و بخصوص فریه کوچک « هده » است (لوحه اول - ب) محل نگارهای قدیم ، که پای تخت قدیمه این مناطق میباشد ، مثل هده دارای صنایع زیادی نبوده است . هیون تسانگ زوار چینی ، هم هده را که دران زمان « هدهو » Hiddo خوانده می شد ، دیده و بعضی از دیر های آنرا نیز بیان کرده است (۱) - ولی کاوش های وسیعی که از طرف هیئت عتیقه شناسی فرانسوی درین موضع بعمل آمده ، نتایج خیلی شاینداری درین

(۱) ذکارات دنیای غربی - ج ۱ ص ۹۵ - ۹۷ تالیف بیل .

هیکل سازی قدیم افغانستان

ز مینه داده است. و البومی که حاوی عکس های هیاکل مکشوفه از این مقام میباشد، دارای یکصد و دوازده لوحه ۱۵ در ۱۱ انچی و یا جمعاً شامل ۴۹۷ عکس است (۱).

پس از آنکه از دره خیر عبور کنیم، همین قسم وفرت هیاکل مدرسه کندهاره را در میادین پشاور نیز می یابیم - وعده بزرگی از این ها که بسیاری آن از خود پشاور و دره خیر و بقیه از شهر بهلول و تخت بهی و چار صده (پشکلا و تی قدیم) و دیگر جاهاست، در موزیم پشاور گذارده شده (۲). معذک هر گاه این هیاکل موزیم پشاور را بدقت امتحان نمائیم، بزودی آشکار میگردد که اکثری از آن نه از حیث حسن و ظرافت و نه از حیث آثار حیات که از چهره آنها معلوم میشود، با مجسمه های هده همسری کرده نمیتواند؛ در واقع صنایع آن صفحات، شعبه کوچکی از صنایع مدرسه کندهاره است که مانند شعبه صنایع هده، نتوانسته احراز ارتقا و تکامل نماید. همچنین است مجسمه های تکسیلا (لوحه دوم - ب) و هیاکل موزیم لاهور و وادی سوات که با آثار هده برابری کرده نمیتوانند. و اگر بیشتر بطرف جنوب مشرق بروید، خواهید دید که اکثریت نمونه های موزیم «مادوره» که با مدرسه کندهاره متعلق اند، مظاهر خالصی از صنعت هده میباشند که انحطاط یافته و بان حد رسیده اند.

پس واضح است که مرکز صنایع مدرسه معروف به مدرسه

(۱) کتاب تصاویر حفاریات هده - ج ۳ - مجسمه های بزرگت و کوچک
البوم تصاویر طبع یاریس ۱۹۳۰ - اثر بارتو. (۲) رساله هیاکل موزیم
پشاور - طبع کلبکنه ۱۹۳۰ - تالیف «هارگریفر».

سالنامه « کابل »

گریکو بود يك گند هاره همین « هده » بوده که در افغانستان جنوب شرقی واقع است .

اکنون نتیجه را که از مشاهدات فوق بدست آورده ام ، از نقطه نظر جغرافیا و تاریخ ، زیر تدقیق مگیریم :

هرگاه از روی جغرافیا ببینیم ، مدرسه گند هاره ابدأ در شمال هندوکش ، در سلطنت قدیمه باختر که مراد از حکومت یونانی مشرق بود ، مظهري ندارد . بلکه کلیه نمونه های مکشوفه ، در جنوب هندوکش و در ولایت شمال غربی هند ، پنجاب و ولایات متحده که در آنها سلطنت های هدیو یونانی در قرن دوم و اول قبل المیلاد حکمفرما بود ، یافت گردیده است .

حالا همین قضیه را از نقطه نظر تاریخ مینگریم : آیدار کدام عصر و در عهد حکمرانی کدام پادشاه ، این مجسمه ها و نقوش برجسته و سر های گچی افغانستان جنوبی و هند شمالی ، ظهور نموده ؟ برای دریافت این مقصود ، بایستی به راپورهای مشاهدین قدیمه استویه های مناطق مرز بور و بعضی از راپورهای تازه ترین شعبه عتیقه شناسی مراجعه کنیم . کتیبه که دریای مجسمه بودای نشسته مکشوفه از بگرام دیده میشود ، وقت نگارش آن در عهد کوشانه ، در زمان حکمرداری « ویما کاد فریز » و یاد عصر کنشکا معلوم میگردد (۱) مجسمه های کابل هم همگان به دور کنشکا تعلق دارند - همچنین مسکو کاتی که از میان استویه تپه مر نجان ، دو سال پیش کشف گردیده ، همه از عصر کوشانیان متأخره ،

(۱) کتیبه خروشتی بريك نئش برجسته بگرام - ۱ - ج ۲۲ ص ۱۳ و ۱۴ - نگارش کوناؤ .

هیکل سازی قدیم افغانستان

و از زمانی می‌باشد که کوشانیان کابل در تحت سلطهٔ ساسانیان رفته بودند . استوپه هائی که در کابل و جوار آن ، توسط « هانگ برگر » و « ماسن » در نیمهٔ اول قرن ۱۹ کشف شده ، هیچک مسکو کی را جز مسکوکات عهد کنشکا و اخلاف نزدیک او نشان نمیدهد (۱) استوپه های وادی جلال آباد که بسیار پیش بذریعهٔ فضلالی مزبور معاینه گردیده ، هنوز نتیجهٔ دلچسپ تری را ارائه داده - و استوپه های قرآنی که بمحل شهر قدیم « نگار هاره » ویرامون آن ، بشرق و جنوب شرق جلال آباد امروزه ، وجود داشت ، فقط مسکو کات بعضی از حکمداران هند و یونانی و معاصرین و معقبین آنها یعنی بارتیان یه نانی شده (۲) را حاوی بود - در حالیکه استوپه های « هده » مسکو کات کنشکا ، هوشکا و بعضی از امپراطوران رومی قدیمتر را نهفته داشت (۳) .

آبدات یشاور و مضافات آن نیز بهمین عصر تعلق دارد . بسیاری از نمونه های موزیم یشاور از دیر « شاهچی کی دهره » (۴) گرفته شده ، یعنی از همان دیری که کنشکا وقف کرده و بهلوی آن (بقول هیون تسانگ) استوپه ئی برای دفن بعضی پاره های کشکول بودا تعمیر نموده بود (۵) .

در استوپهٔ بزرگ « مانی کبالا » واقع در پنجاب شمالی ، که توسط « ژنرال و نتوار » کشف گردیده ، مسکو کات کنشکا و هوشکا بایک مسکوک طلائی « یا سو وار من » شاه قنوج و بعضی از مسکو کات ساسانی

(۱) آرنای قدیم - ص ۱۱۴-۱۱۷ تالیف ولسن . (۲) ایضاً ص ۶۱-۹۹

(۳) ایضاً ص ۱۰۰-۱۱۳ (۴) راپور ادارهٔ آثار عتیقه - ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ ص

(۵) نگارشات دنیای غربی - ج اول ص ۹۸-۱۰۱ - تالیف بیل .

سالنامه « کابل »

و غربی قرن ۸ عیسوی ، یکجا بدست آمد . معلوم میشود که شاه قنوج ، استوئه اولیه « شاه هوشکا » را که بعد از مرور هفت قرن ، طبعاً رو بخرابی گذارده بود ، دوباره بنا نموده است (۱) - استوئه نمره ۲ « مانی کیلا » که « ژنرال کورت » کشف نموده ، محتوی مسکوکات « کاجولا کاد فریز » « ویما کاد فریز » و « کنشکا » و یکچند دینار رومی اوائل قرن اول عیسوی بود (۲) همچنین استوئه نمره ۱۵ که آنهاهم بذریعہ ژنرال موصوف پیدا شده ، یک یک سکه از ساتراپ (نائب الحکومه) بارتی موسوم به « ژوینیسز » و « کاجولا کاد فریز » را در خود نهفته داشت (۳) . و چون کوشانیان بعد از پارتیان ظهور نموده اند ، پس بایستی قبول کنیم که این استوئه نیز در عهد کوشانیان بنا یافته است .

از آنچه گفتیم بایست تسلیم کنیم که اولاً لا اقل اکثریت آبدات بودائی این سرا کر که در آنها مدرسه یونانی و بودائی گند هاره رونق و فروغ داشت ، در دوره کوشانیان کبیر ظهور نموده - و ثانیاً اینکه وقتی آبدات یک موضع به زمان قدیمتری متعلق بوده - ما نمونه صنایع مدرسه مزبور را در آن جا نمی یابیم . ولی ممکن است این اعتراض وارد شود که اگر چه حکمدارانی که در تحت سلطه ایشان مدرسه مزبور ترقی داشت ، یوانی نبوده باشند ، باز هم محتمل است ، هیکل سازان زمان آنها یونانی و یا اخلاف یونانهای اولیه بوده باشند ؟ در جواب میگوئیم : درست است . از نقطه نظر حقیقت ، فقط یکسفر از اخلاف یونانیان مزبور را میشناسم ، که بحیت هیکل ساز در عهد

(۱) راپور آثار عتیقه - ج ۲ ص ۱۵۹ و ۱۶۰ اثر کنتنگهم .

(۲) ایضاً ص ۱۶۲ (۳) ایضاً ص ۱۶۶-۱۶۸

هیکل سازی قدیم افغانستان

حکمرانی کنشکا کار میکرد و نامش «اجیسی لوس» Agesi laos و عنوانش «نگران کارهای و هاره (۱) کنشکا که مخصوص آموزگاران مدرسه «سرواستی وادن» است» میباشد (۲) - و یکی از آثارش که دارای نام و نشان او میباشد پس از ۱۹ قرن باقیمانده و آن عبارتست از قطعی یاصند و فچیه که حاوی بقایای کشکول بودا میباشد. حال ممکن است تصور کنید که این صندوقچه شاه کارگر یکو بود یا خواهد بود؟ مگر چنین نیست - بلکه اثر مربوط یکی از آثار معمولی سبک هند بوده و نشانه از کار یونانی دران معلوم نمی شود (لوحة ۳ - الف).

باز هم ممکن است بگوئید: «هیکل سازی که در خدمت کوشانیان کبیر بودند، شاید هنسی باشند، ولی از نمونه های سبک یونانی که برای تقلید آن میکوشیدند، متأثر شده اند». جواب اینست که این نمونه ها که فقط از یونان ممکن بود بیاید، ابداً نه در افغانستان و نه در هند یافت گردیده و یگانه اثری از صنعت اصلی یونانی که در افغانستان و هند شمالی کشف شده، عبارتست از «پاتیره Patera (یکنوع پیاله کلان) که فتح بیکوس Bacchus بروی آن معلوم میشود (۳) و مسکوکات عدیده خود یونان، شاه سلوسی سوریه و سلاطین یونانی باختر - و بروی این مسکوکات، تصاویر نیم تنه و دیگر اشکالی وجود دارد که با مهارت فوق العاده و با مفکوره های بلند زیبایی، بعمل آمده. ولی هیچیک از موشگافان و خرده گیران هنرهای زیبا، گاهی

(۱) دیربودائی یا باغچه اطراف آن. (۲) رساله های کل موزیم پشاور ۴۷ - یاورقی - تالیف «هارگریفر». (۳) تاریخ صنایع نفیسه هند و سیلون - ص ۳۶۰ - لوحة ۷۶ - تالیف سمث (طبع آکسفورد - ۱۹۱۱).

سالنامه « کابل »

جداً باین فکر نخواهید افتاد که این اشکال کوچک و مجسمه های برجسته ، موجب و موجد چنین مدرسه عالیة هیكل سازی مثل مدرسه گندهاره ، شده میتواند .

گذشته ازین ، هرگاه مجسمه های مدرسه گندهاره ، بدقت معرض امتحان قرار گیرد ، بخوبی آشکار میگردد که نصب العین و مفکوره های هر دو مدرسه (مدرسه یونانی و مدرسه گندهاره) بکلی ازهم اختلاف دارد :

صنعت گران یونانی میخواستند ، بدن انسان را نه بقسمیکه درد نیای حقیقت وجود دارد ، بلکه بقسمی که درخیال گنجبیده میتواند ، بسازند - و این فکر شان بکنوع مسلیکی را که باساس طبیعت و آمیخته با خیالات عملی است ، بوجود آورد - و در نتیجه این مفکوره ، تصاویر یونانی نه مانند آن تصاویر رومائی میباشد که جزئیات حقیقی قیافه شخص را عرضه میدارد ، بلکه تصاویر آنها بیشتر خیالی بوده و قهرمانان را نه بقسمیکه بوده اند ، بلکه هر طوریکه خود ایشان خواسته ، تصویر کرده اند - مثلاً وقتیکه « لی سی پوس » آغاز به تصویر اسکندر مقدونی نمود ، قیافه وی را مانند یک هیكل ساز معمولی ، تشکیل نداد ، بلکه او را بحیث آخرین فرد نژاد قهرمانان که آماده فتح جهان است ، رسم کرد (لوحه ۳ - ب) . و بهمین دلیل بود که « پلو تارك » افسانه ذیل را در کتابی که راجع بحیات اسکندر تالیف نموده ، نوشته است : وقتیکه « لی سی پوس » نخستین بار ، تصویر اسکندر را بساخت و روی او را بطرف آسمان ، چنانکه اسکندر عادة با گردنی متمایل به یک

هیکل سازی قدیم افغانستان

طرف ، می نگریست ، قرار داد ، کسی یاد داشت ذیل را بقسم لطیفه منظومی
بنگاشت :

آدم طونجی مثل کسی است که بسوی « زیوس » می نگرد و وی را
چنین خطاب میکنند : ای زیوس ! من زمین را در تحت پای خویش می گذارم
تو بر او لیس اجرای حکومت کن .

« بهمین دلیل ، اسکندر حکم نمود که فقط لی سی یوس ، تصاویر او را
بسازد . چه قرار معلوم تنها لی سی یوس بود که وضع طبیعی اسکندر را
بدرستی در طونج ارائه داده و شجاعت وی را بشکل مرئی تصویر نمود
در حالیکه دیگران ، از بس متوجه نشان دادن خمیدگی کردن و نگاه نافذ
چشمان اسکندر گردیدند ، قیافه عضلاتی و شبروش وی از ایشان فرو گذار
شد (۱) »

نتیجه دوم این مسلك خیالی یونانیان در هیکل تراشی های شان ، این شد
که مجسمه های آنها در تناسب و کاملیت جسمانی و وضع بدن حقیقه خیالی زیبا
گردیده ولی اکثر از این مجسمه ها ، حتی آنها نیکه و ضعیف جدی و محرک از
خود نشان میدهند ، مرده و بی روح مانده اند چه آدمی که اصلاً از نقطه
خیال و آرزوی بشر کامل باشد ، درین دنیا وجود ندارد . بلکه در دماغ
صنعت گر و نقاش است . (لوحه ۴ - الف) .

علاوه بران ، هیکل سازان یونانی نمی خواستند آدم خیالی و کامل
خود شان را بواسطه افزودن زیورات ، خراب کنند . حتی در مجسمه های
که برهنه نیستند ، لباس و کلاه بسیار ساده پوشانده اند . مجسمه « تیک »

(۱) حیات اسکندر ، قسمت ۴ - تالیف پلو تارک .

سالنامه « کابل »

Tyche (رَبَّةُ النُّوعِ طَالِعِ) انطاکیه که کنون در موزیم و اتیکان است، این اصول را کاملاً آشکار میسازد - چه یک تاج ساده که تصویر دیوارهای شهر انطاکیه است، سر او را زینت میدهد - و بدنش با یک قبای ساده مستور گردیده - و از جواهر اثری نیست.

بالاخره همین مقصود که صنعت گران یونانی میخواستند حسن جسمانی را با ساس خیال کامل بسازند، ایشان را از ارائه جنبه خالص روحانی آن باز داشت. بلی در نهضت و ارتقای متأخره این مدرسه، احساسات برای تصویر مظاهر جسمانی احیا گردید، مگر گاهی نتوانستند تأثیرات درونی و حقیقی روح را نشان بدهند. اینست که شما در مجسمه های « لاؤ کون » در موزیم و اتیکان: انفعلات و آلام جسمانی یک پدر و دو پسر بد بخت را مشاهده می کنید، مگر از سیما آنها، تأثیرات روحی شان را کشف کرده نمیتوانید.

اما مميزات صنعت مدرسه « گندهاره » از سابق الذکر بکلی اختلاف دارد - درست است این مدرسه نیز تمثیل حسن جسمانی انسان را مد نظر داشته، چنانکه از معاینه بعضی مجسمه های بودا و « بودهی ساتوا »، بخوبی معلوم میگردد - ولی این حسن جسمانی بقسم خیالی نشان داده نشده است مثلاً مجسمه های بودا بلباس رهبانی و مجسمه های « بودهی ساتوا » بلباس شهزادگی تجسم یافته، لیکن نه بصورت پهلوانانی که نموه جسمانی خویش را نمایش میدهند. در اکثر ازین مجسمه ها آن قسمت بدن که از لباس بیرون و برهنه مانده، دارای محاسن جسمانی است - ولی ظاهر است که این اثر، زاده احساسات خیالی هیکل ساز نبوده، بلکه از افکار طبیعی وی

هیکل سازی قدیم افغانستان

تراوش نموده است. پس مدرسه گندهاره را، مدرسه حقیقیونی میتوان نامید که مسلک حقیقیون را که مخالف مسلک خیالی طیبیون مدرسه یونان است، پرورش داده اند.

نمونه خوبی از این مسلک مهمه مدرسه گندهاره، همان مجسمه تفکر و صوم بودا بمقام «گایا» است که کنون در موزیم لاهور میباشد، هیکل ساز درین مجسمه خواسته است، نقاقت و لاغری جسمانی را که در اثر روزه به بدن بودا تولید شده نشان بدهد. این مجسمه از نظر تشریح بدن (انatomy) فوق العاده بلند. مگر از نقطه ایسکه منتها درجه مسلک حقیقیون را رعایت کرده، شاید قدری کراهت انگیز باشد. چنین تمثالی را هیکل ساز یونانی ابدأ بوجود نیاورده است (۱).

همان یارچه کوچک مجسمه گچی موزیم کابل که از قرن اول عیسوی بوده و مرگک را نمایش میدهد، نیز خیلی حقیقی است و معلوم میشود که همین مجسمه عبوس، پیشاهنگک تمام همان مجسمه های مرگک که در پرده معروف «رقص مرگک» تصویر و نقاشان قرون وسطی میباشد، بوده و چنان مجسمه ایست که قطعاً بدماغ هیکل ساز یونانی نگذشته است.

یکی از نتایج این مسلک حقیقیون، همانا صادق بودن تصاویر گندهاره است. هرگاه مجموعه باشکوه سرهای مکشوفه ازدهه را که در موزیم کابل است از نظر بگذرانیم، باسانی معلوم میشود که مجموعه مزبور محتوی تمثیل نژادهای

(۱) یک مجسمه دیگر که نظیر این مجسمه و شاید نقل آن باشد، در موزیم پشاور موجود است. مگر متأسفانه شکسته و ریخته شده. رجوع به کتاب «رساله هیاکل موزیم پشاور» - لوحه ۳ - اثر «هارگریفر».

سا لنامۀ « کابل »

مختلفه ایست که از میان افغانستان عبور کرده اند و بعضی از ایشان درین سرزمین
توطن گزیده و بذریعۀ هیکل سازان این دیار تجسم یافته اند ؛ ازین جمله
بعضی نمونه های آن بد صورت و نفرت آور است - و اینک يك چندی از ان را
شرح میدهیم :

یکی ازین نمونه ها ، تمثال یکنفر راهب بودائی است که دارای ریش
تراشیده ، قیافۀ صوفیانه ، خاموش ، آرام و مودب بوده یعنی مظهر حقیقی
سپای همان برهن جوانی است که کیش گوا تا مالا (بودا) را اختیار نموده است .
نومنه دوم : عارت از یکنفر روما ئی است که بر و ته های اصلاح شده و موی
جمعد و ا کلیلی از گل عشقه پیچان بسر دارد - نفس پرستی و از چشمان بی فروغ
و دهان منحنی اش معلوم میشود . این نمونه ، مجسمه ملت امپراطوری روما
است - مغرور است ولی معدك تخم تباهی آمدنی را نزدیک نشان میدهد
(لوحه ۵ - الف) .

نومنه دیگر يك نفر ترکی شرق اقصا یا یکی از سلاطین کوشانه است که
با دیدگان فریب کار و الاشه های خوش ترکیب خویش ، مردی سرکش و
صاحب سجبۀ نا فرمان بنظر آمده و از ا کلیل باریکی که بدور موهای اندك
خود دارد ، معلوم میشود ، تایلای یونانی داشته ولی همیشه بهمان ریاست چادر
نشینان آسیای مرکزی باقی مانده است (لوحه ۵ - ب) .

دیگر یکنفر اسکیت ، یا سا کائی خون خوار و بیرحمی را نشان میدهد
که آثار شرارت و ظلم از چشمانش پدیدار ، و بدن مستحکم و آهیننی را
دارا ست . پیشانی تنگش ، افکار و دماغ رشد نا کرده وی ، و چشمان
کوچک و ز نخ خوردش ، مشاعر حیوانی او را ارا نه میدارد . ولی موهای مرتب

هیکل سازی قدیم افغانستان

وشانه کرده اش ، جنبه دلچسپ قیافه کریمه او یعنی غرور و نخوت طفلانه اش را نمایندگی میکنند (لوحه ۶ - الف) .

یکی هم از زیبا ترین این مجسمه ها ، تمثال يك نفر افغان سالخورده است که بحال قهرمان میباشد . و سرش با يك دستار ساده که شمله آن از گوش چپ او آویزان است ، پوشیده شده ، چشمانش بحال غضب بردشمن دوخته و چین و شکن بسیاری را بروانش پدید آمده . دهان بی دنداننش اندکی باز است و گوئی بشدت ، مقابل را توهین میکند (لوحه ۶ - ب) . دیگر ، یکنفر برهنه را نشان میدهد که زناری بروی سینه بطور عمایل انداخته و لوله مملو از آب در دست دارد - و این لوله بقدری سنگین بوده که با دست راست ازدهن آن محکم گرفته و دست چپ را بریر آن قرار داده است کلاه آن نهایت دلچسپ بوده و گره موی سر او را امروز بعضی سادوها تقلید میکنند (لوحه ۷ - الف) .

تمثال دیگر یکنفر ایرانی است که کلاه مخصوصی پوشیده و بادیدگان زرنگی مینگرد . گویا آدمی دارای سجایای خاص و اراده قطعی بوده (لوحه ۷ - ب) .

نمونه دیگر ، یکنفر را حیوت است که موی سر خود را بطرف راست جمع کرده و شخصی تنومند ، و دارای بینی پهن و چشمانی فتنه انگیز معلوم میشود . ریش وی بدون تردید ملیتش را نشان میدهد (لوحه ۸ - الف) . مجسمه دیگر از یکنفر چینی است که کلاه مخصوص و چشمان متمایلی داشته (لوحه ۸ - ب) . چینیان بسیاری در کابلستان از زمان آخرین شاه یونانی ، « هرما بوس » زندگی کرده اند ، چنانکه از مسکوکات

سالنامه « کابل »

« هر مایوس » که حاوی نوشته جات چینی است این حقیقت بخوبی آشکار میگردد (۱).

تمثال خیلی قابل توجه ، همانا از یکنفر مرد است که ریش کوسه و پروتهای موج داشته - و چشمان کوچک و فریب کار و کلاه عجیب یک شاخه اش ، چهره او را محوف و شیطنت انگیز جلوه میدهد. اگر این سر را امروز میساختند ، بنام « میفس تو فلیس » موسوم میکردند (لوحه ۹ - ب) .

تمثال دیگری از یکنفر عسکر است که با خود زیبایی سر خود را خوب پوشیده و از قیافه اش نو جوانی معلوم میشود که هنوز خط بگرد عذارش ندمیده ، و از فنون جنگک تجربه نیا موخته (لوحه ۹ - ب) .

تمثال ذیل که از قریه شهر بهلول واقع در میادین پشاور مکشوف گردیده عبارت از سر یکنفر درویش بودائی است که ججه گنبد نمای او ، بردماغ عالی و ذکای بلندش دلالت میکند و دیدگان کوچک و با فروغش ، زرنگی طبیعتش را میرساند و بینی عقاب مانند او تمایلش را به مداخلت در امور دیگران ارائه میدهد - و بالاخره لب ها و زنج متناسبش ، از فیصله خلل ناپذیر او در اجرای افکارش نمایندگی میکند. پس از روی این خصوصیات چهره که آثار اخلاق هم ازان پدیدار میگردد ، میتوانیم صاحب آنرا یکنفر یهودی بخواییم که در سر حد شمال غربی هند ، در قرن اول عیسوی زندگی داشته است (۱) . و چون فرق سر خود را طوریکه خاصه مسلک رهبانیت است ، تراشیده ، او را راهب

(۱) رساله مسکوکات شرق - ص ۳۶۳ تالیف مارگن . (۲) و جو د

یهود درین صفحات ، از سابق بذریعه منابع تردید ناپذیری برای دنیای عام و فضل معلوم بود .



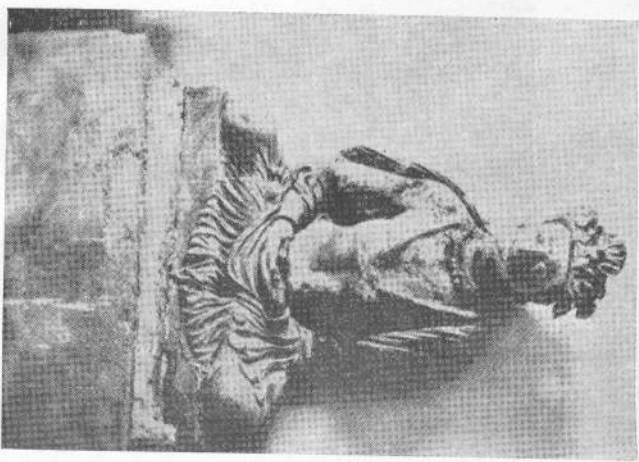
لوحه اول الف-ه مایتریا بودی ساتوا با پیروان او که از کاپیسا
کشف و کنون در موزیم کابل موجود است
Pl.I - a. Kapisa. Maitreya Bodhisattva entouré
de ses fidéls (Musée de Kaboul)



ب- : تمثال ایثار بودا - از هده یافت شده و کنون
در موزیم کابل موجود است
b. Hadda, Buddha grand renonciation
Musée de Kaboul



ب : تمثال بوداها پندور ياك استوپه كه از تكسيلا
 يافت شده
*b. Taxila. Buddhas en dhyana-mudra autour
 d'un stupa*

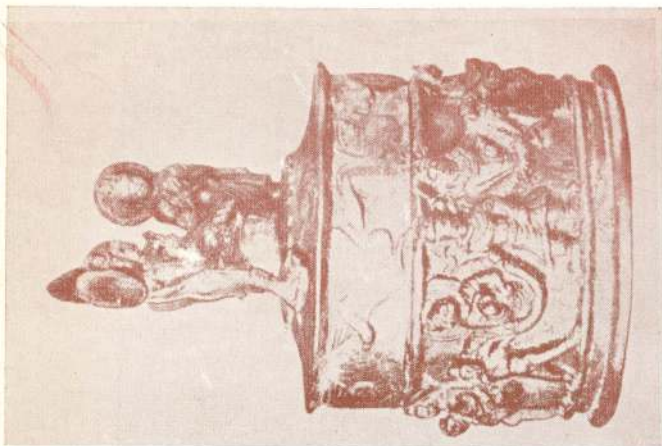


لوحة ۲ الف : تمثال مينتر يا بودي ساتوا كه از
 كابل يافت شده و كتون درموزيم كابل موجود است
*Pl. II - a. Kaboul. Maitreya Bodhisattwa
 Musée de Kaboul*



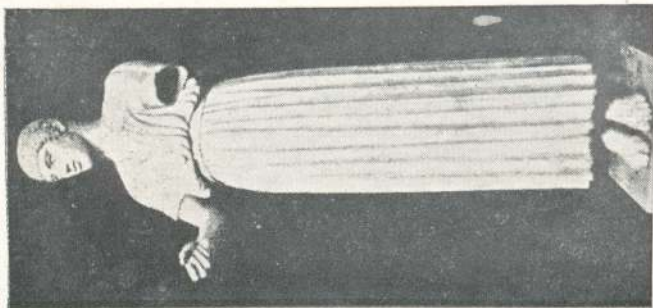
ب : سر اسکندر بزرگ (بتقلید ایسی پوس)
در موزیم برطانیا

b. Tête d'Alexandre le Grand
British Museum



لوحة ۳ الف : صندوقچه کنشکا که حاوی
بقایای بودا است . از شاه جی کی دهره یافته شده و
در موزیم پشاور موجود است

Pl. III - a. Shahji-ki-Dheri. Caisse de
Kanishka contenant les reliques de
Buddha (Musée de Peshavar)

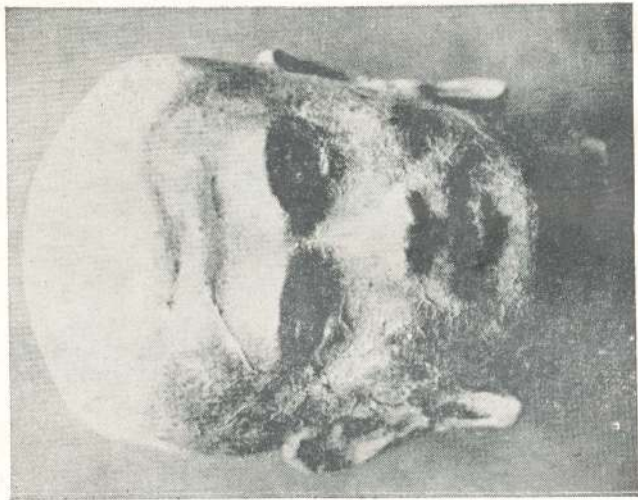


لوحة ۴ - الف : گادی ران در

موزیم دلفی

PL.IV a. *Le cocher*

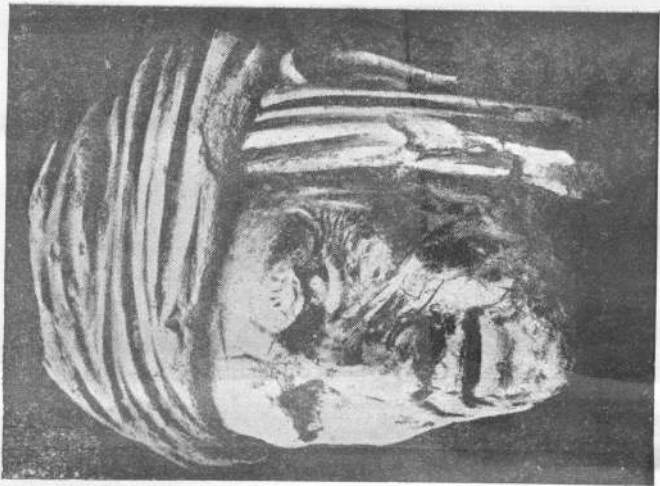
Musée de Delphi



ب- سر یکتفربهکو (راهب) در حال سرافته - از
هده مکتوف و کنون در موزیم کابل موجود است

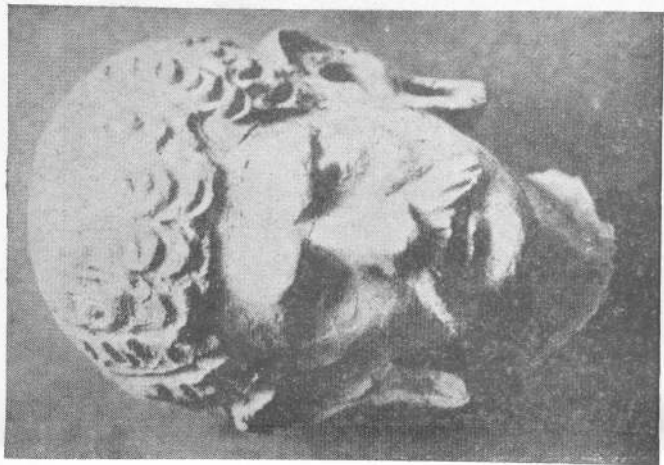
b. *Hadda. Tête d'un bhikkhu en méditation*

Musée de Kaboul



ب : سر یکنفر افغان - از هده مکشوف و در موزیم
کابل موجود است

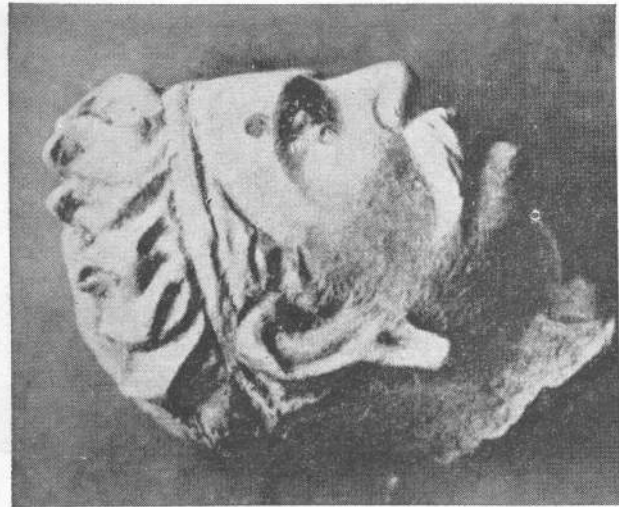
b. Hadda. Tête d'un Afghan (Musée de Kaboul)



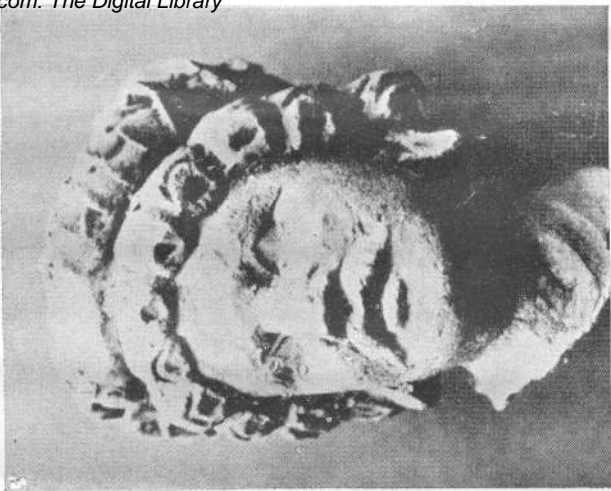
لوحه ۶ الف : سر یکنفر ساکائی - از هده مکشوف
و در موزیم کابل قرار دارد

Pl. VI - a. Hadda. Tête d'un Saka

Musée de Kaboul



ب : سر یکسفر از حکمداران کوشانی - از هده
مکتوف و کتون در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un roi Kushana
Musée de Kaboul

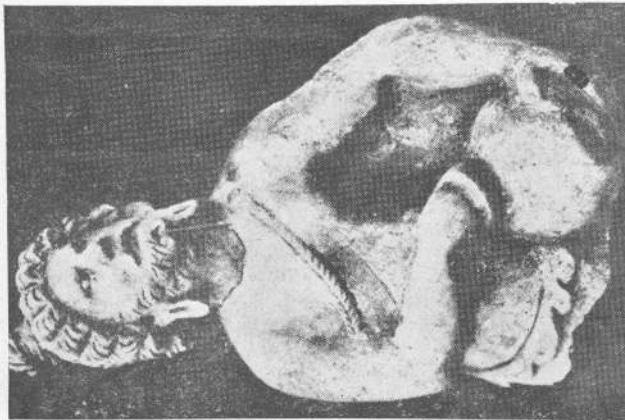


لوحه ه الف : سر یکسفر رومانی - از هده مکتوف و در
موزیم کابل موجود است
P.I.V - a. Hadda. Tête d'un Romain
Musée de Kaboul



ب : سر یکسفر ایرانی - از هدهه مکشوف و در موزیم کابل موجود است

b. Hadda. Tête d'un iranien
Musée de Kaboul

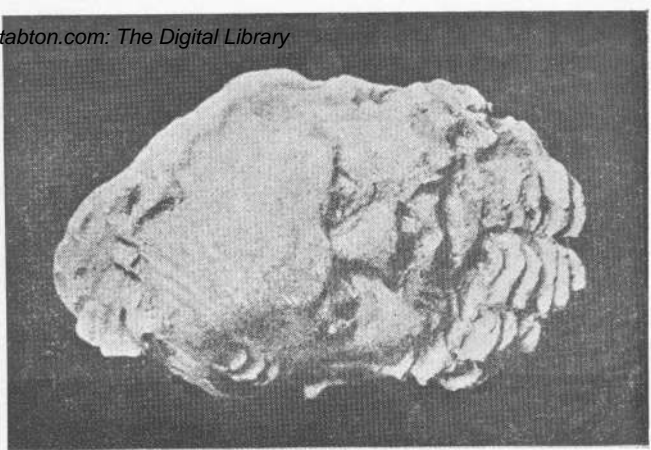


لوحة ۷ : الف : تمثال یکسفر بر همین کالوته وادگر داشته از هدهه مکشوف و در موزیم کابل موجود است

Pl.VII. a Hadda. Brahman portant un
lota (Musée de Kaboul)



ب سر یکتفر چینی - از هده مکتوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda, Tête d'un chinois (Musée de Kaboul)



لوحه الف ، سر یکتفرا جیوت - از هده مکتوف
و در موزیم کابل موجود است
Pl.VIII a. Hadda. Tête d'un Rajput
Musée de Kaboul

بودائی هم گفته میتوانیم - یعنی یکسفر یهودی بوده که آیین بودا را اختیار و اخیراً شامل « سانگها » (مجمع راهبان بودائی) گردیده است - (وجه ۱۰ - الف). در جمله این مجموعه مجسمه های قرن اول عیسوی ، بالاخره تمثال يك نفر حبشی است که دارای پیشانی رشد نا کرده ، بینی پهن و لب های بیش برآمده بوده ، میزات نژاد حبشی بکلی در و آشکار است . این حبشی که از افریقای مرکزی آمده ، هوای سرد افغانستان را احساس کرده و برای اینکه خود را گرم نگاه دارد ، پوستین را بسر خود مثل یک دهاقین مملکت تاکنون استعمال مینمایند ، کش کرده است .

حبشیان متعدده می بی شبهه از افریقا بحیث غلامان تا جران رومائی ، وارد افغانستان گردیده است . مگر این مجسمه از نقطه نظر تخنیک ، بیشتر قبا بل ملاحظه است : این شخص بلند بالا ، سر تا پای خود را با پوستین طوری چسب پیچا زیده که شکل بدنش از ان بخوبی معلوم میشود . وضعیت خمدار بدنش که گویی از درد درونی و ناقابل گفتن و تحمل ناپذیری نمایندگی میکند ، و شکل تیره و غیر واضح تمام جسمش (که هیکل ساز ، آنرا باستانیای سر ، ظاهراً نامکمل گذارده) بعضی از آثار صنعتی معاصر ، از قبیل مجسمه های ساخت اپستین Epstain را بخاطر آورده ، و اذنان را طبعاً بحیرت می اندازد که صانع آن کدام شخص بوده که افکار امر وژه صنعتی را ۱۴ قرن قبل ، بصحنه عمل نمایش داده (۱) - (وجه ۱۰ - ب) . اینک در اثر اتحاد این مسابک حقیقت بوده ، که صنایع مدرسه کند هاره

(۱) موسیو ها کن (L'oeuvre de la Delegation) کارهای

هیئت - هفازی - ص ۱۲ و ۱۳) عقبه دارد که این مجسمه ، تمثال يك دیو است .

ملو از حیات است . فقط به يك مقایسه فرق ابن صنعت آشکار می شود ؛ در موزیم « لیتران » واقع در روما ، يك مجسمه فشننگ سرسبزین قرار دارد كه جوان چهارشاهه موسوم به « اتی نوس ورتنوس » Antinous Vertemus را در حالیکه يکدامن گل (شاید بمقصد هدیه بعبد) با خود داشته است نشان میدهد . (لوحه ۱۱ - الف) . درین مجسمه ، مفکوره ، زیبا و طرز عمل ، مسرت آور است ، ولی اگر بی غرضانه مجسمه مزبور را معرض امتحان قرار دهیم ، خواهیم دید که فقط يك مجسمه است و بس به روحی دارد و نه خون در شرايينش در جریان است - بلکه بکلی فاقد حیات است . دو سال پیش ، يك مجسمه شکسته کچی در « هده » کشف گردید که آنرا نقل اصلاح شده مجسمه جوان واتیکانی گفته میتوانیم (لوحه ۱۱ - ب) .

درین مجسمه نیز همان مفکوره عملی گردیده ، و طرز عمل هم عالی است - مگر معذلك ملاحظه نمائید این دو مجسمه چهقدر از هم متفاوت اند باوجودیکه مجسمه هده شکسته است ، معذلك منقدین و موشکافان صنعتی آنرا بر مجسمه « واتیکان » ترجیح خواهند داد ، چه ، مجسمه هده ملو از حیات است . بعلاوه ، وضیعت موهای فرق سر مجسمه هده بیشتر طبیعی است ، در حالیکه از مجسمه واتیکان ، با آنکه فشننگ و زیبا است ، عاریه بنظر می آید . همچنین سنگهای (قطیفة) که از شاهه های جوان هده آویخته و فقط سینه را برهنه گذاشته است نسبت به قطیفة سست و کشالی که بدور کمر « اتی نوس » گرفته شده برابری بسیار جلوه می کنند .

نمونه دیگری از مجسمه های « هده » (لوحه ۱۲ - الف) بخودی خود

فرق بین عضو مرده و بی روح و عضو زنده بدن انسانی را ارائه می نماید .
 مریسو بارتو (۱) و موسیوها کن (۲) این اثر صنعت هیکل تراشی را «دیو»
 می خوانند . ولی من خیال دارم ، مجسمه مذکور یکی از پیروان جدی و مجذوب
 بودائی است که مانند « سری سنگها بودهی » Sirisanghabodhi پادشاه
 سیلون (۳) یا « ناگار جونہ » Nāgārjuna (۴) ، سر خود را به « بودا »
 میدادند تا در نسل آینده مقام بودائیت را بدست آورند . این شخص متقی ،
 سر خود را بادودست خود ، به بالا کشانده جدا میکند - ودو قسمت نطاع او ،
 در اثر کش شدن ، گوئی منبسط و بیجا شده بوضع مہیبی معلوم می گردد .
 دست های آن در حالیکه سر را محکم گرفته و بطرف بالا فشار میدهد ، زنده
 و باروح معلوم میشود . سر آن ، سر مرده را نشان میدهد . چشمانش مثل کسی
 که تازه جان داده ، کمی بسته است - وبوست رخسارش بطرف پائین کشال
 شده ، و در نزدیک چشم ها و بینی ، چین تولید کرده است ، بالاخره این مجسمه
 نا مطبوع ، درعین مرگ مملو از حیات است .

از حیث تزئین و پیرایه نیز مدرسه «گندهاره» بکلی از مدرسه یونانی اختلاف
 دارد : صنعت شرقی در تزئینات ، همواره بکثرت بکار رفته است و بنا بر آن
 ذوق و سلیقه مدرسه گندهاره ، از مفکورهای خیالی آتہ که راجع به حسن

(۱) اثر مذکورہ « بارتو » ص ۱۰۰ - (۲) « کارهای هیئت
 عتیقه شناسی فرانسوی در افغانستان » - اثر موسیوها کن - از ۱۹۲۲ تا
 ۱۹۳۲ - ج ۱ شکل ۲۰

Mahāvamsa, Lxxxv, 73.77 (۳)

Kathā Sarit Sagara, vii, 7 (۴)

وزیائی داشتند ، خیلی دور است . یونانیان میگفتند : حسن طبیعی ، زینت بکار ندارد . مگر صنعت گران گندهاره عقیده داشتند که حسن طبیعی بواسطه زینت دو بلا می شود . این زینت و تجمل ، مخصوصاً در کلاهای تمام مجسمه های بودائی دیده میشود (باستانیای مجسمه های خود بودا ، چه بودا بقرار مسلك خود ، اشپای تجملی را در بر کرده نمیتواند) - در موزیم پشاور يك مجسمه « بودهی ساتوا » وجود دارد که از معائنه آن حقیقت فوق تأیید می گردد (لوحه ۱۲ - ب) - این تمثال ، بودهی ساتوارا بصورت بکنفر شهنزاده (عیناً مثلیکه « کاتاما » بقرار روایت بودائیون ، موقع قطع علایق ازدنیا بود) نشان داده است . مگر تاج آن ساده نبوده بلکه اصلا شرقی و باجوهرات ، گل ها ، اشکال حیوانات و فیه ها مزین گردیده . بعضی از این گونه تاجها یا کلاه ها ، مجسمه کوچکی در پیشروی خود داشته (لوحه ۲۴ - ب) و آغاز رسم « تانترا » Tantric (یعنی نهادن مجسمه بودا بر سر رب النوع ، بدین مفهوم (باطل) که رب النوع مزبور از نشئه ذات بود اخلق شده) از آن معلوم میشود . این وفرت زینت ، مخصوصاً در مجسمه های « بودی ساتواها » کامل دیده میشود - و یکی از این مجسمه ها که از مقام « شاه بازگرهی » کشف شده و کنون در « موزیم لور » است ، نمونه خوبی از این ممیزات صنعتی مدرسه گندهاره بشمار میرود (لوحه ۱۳ - الف) - لباس این مجسمه قطعاً ساده نیست و تاج آن منتها درجه پیچیده است - گردن بند و زنار آن ، سیئه برهنه اش را تقریباً پوشانده بازو بند و انگشتر در بازو و دست های او معلوم میشود و گوشواره ها در گوش دارد حتی چپلی های آن قیمتی بوده و استادانه کار شده . و در پایه

مجسمه در هر چند اینچ فاصله ، یک مجسمه یا شی مزین منقوش است . هر کز صنعت گری در یونان ، چنین مجسمه را که در همه جهات تماماً هندی میباشد ساخته نمیتوانست .

چهارمین اختلاف مدرسه گندهاره از مدرسه یونان که آنهم ناشی از اتخاذ مسلک حقیقت میباشد ، اینست که صنعت گران گندهاره همواره می کوشند احساسات و عواطف عمیق روحی یعنی صمیمیت و جذبات اصلی قلبی را موقع مراقبه و تفکر ، و سکون روحی آنهائی را که ترک نفس گفته اند ، و نفرت از غرور و علائق دنیوی و غیره را میخوانند تجسم دهند . مثلاً هرگاه سرهای بودا را که در حال مراقبه است ، مطالعه نمایند (لوحه ۱۴ - الف ، ب) تأثیرات روحی را در دیدگان نیمه باز ، در لب هائی که بلامت بسته است ، و بالاخره در تمام قیافه آرام و ساکت آن مشاهده خواهید کرد ، چنانکه گویی در حال بی خودی است . حال اگر این سرها را با بعضی از سرهای «بودهی ساتواها» یعنی روحانیون نیکه هنوز به تمام صفات بودائی متصف و کامل نکرده مورد تطبیق قرار دهید ، خواهید دید که در یکی از بن سرها غرور ، در دیگری غم و در سومی اضطراب و هیجان روحی پدیدار است . همچنین ملاحظه خواهید نمود که در مجسمه های فقیرها و فقیره های بودائی ، برخی مملو از صمیمیت و زهد و ندامت و بعضی دیگر حتی در موقع اجرای وظائف مذهبی مغرور و آشفته حال بوده (لوحه ۱۳ - ب) و یا اثری از سرور روحی از چهره آنها میتراود . در یکی درد و الم روحی در حالیکه چشمان را به آسمان به استعانت برداشته (لوحه ۱۵ - الف) هویدا و در دیگری سکون روحی موقع عبادت آشکار است (لوحه ۱۶ - الف) - زنی اوضاع و اطوار زنانه خود را ابراز

میدارد (لوحه ۱۵- ب) و دختری با وجود پیچیدگی و پرکاری کلام خویش، محبوب و باحیا معلوم میشود (لوحه ۱۶- ب) - مجسمه دیگری تمثال یکسفر ممتحن مذهبی است که مردمان را به تفکر بالای مرگ دعوت نموده و ضمناً به ججمه که بدست چپ دارد، اشاره میکند. چهره های تازه و جوان آنها در حین تبسم، ثمره روحی این تفکر و نیز این مسئله را که در اثر پشت یا زدن غرور و لذات دنیائی، چقدر مسرور اند، نشان میدهد (لوحه ۱۷- الف).

ممکن است بگویند اندکی از بن مجسمه ها، نفوذ یونانی را لا اقل در بعضی جزئیات (مثل طریق آرایش موی، نمرخ بودن بعضی چهره ها، طرز گرفتن بودا سنگهاتی (قطیقه) را در بغل راست، و غیره) نشان میدهد. اینک این خصوصیات را جدا جدا معروض امتحان قرار میدهم -

طرز آرایش موی و افعاً خبلی غریب است: در جمله سرهای گچی که تازه از هدهه مکشوف گردیده، چند سر از فریجی ها (۱) و وجود دارد که موی سر آنها مانند موی مجسمه نیم تنه اسکندر کبیر واقع « در برتش موزیم » میباشند. دیگر سرهای هدهه، موهای مجعد دارند - از انجمله است مجسمه که از مقام « امرواتی » توسط پروفیسر « ژو و دو بروی » فرانسوی ساخته شده و کتون در « موزه گیمه پاریس » است. بهمین سبب بوده که این سر را با سر « هارمودیوس » واقع در « موزیم ملی ناپل » طرف مقایسه قرار داده اند (۲). حال، اول از همه بایستی قایل شویم

(۱) اهالی قدیمه صفحات شمال غربی آسیای صغیر. (۲) کتاب کارهای هیئت حفاری فرانسوی در افغانستان - ص ۱۰ مقایسه شود با The Pallaves اثر « ژو و دو بروی » ص ۱۰ و لوحه آ.

که وضعیت موهای سرهای مکشوفه از هده با اندازه متفاوت و متنوع است که بعضی اوقات این موها متوج و برجسته و گاهی برعکس - و زمانی دراز و آرایش داده و به پشت سر انداخته شده - و در برخی از احوال ، کوتاه بوده و مختلف حصص آن مجعد ساخته شده است . چنانچه از روی تصاویر مقاله ، این تنوع پدیدار است . پس جای تعجب نیست که درین قسم کلاه های زیاد و گوناگون ، بعضی از هیکل سازان هندی در طرز ساخت ، با بعضی از ازهیکل سازان یونانی شباهت پیدا کند . بلکه خیلی ممکن است هر دو هیکل ساز ، بر سیل توارد ، یکطرز را پیروی کرده باشند .

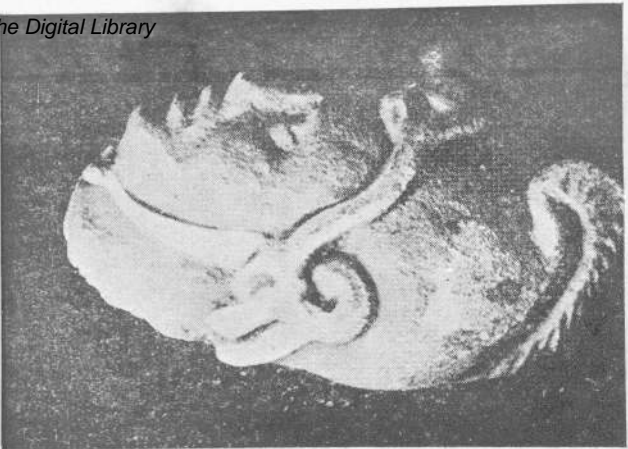
راجع به موهای مجعد و مجسمه سابق الذکر ، در ظاهر و افعاً يك شباهت موجود است ، ولی اگر تدقیق شود ، فرق بزرگی بین هر دو وجود دارد یعنی موی مجعد مجسمه بودا یکی از علامات ممیزه « مها پر و شالکشانا » بوده و بقرار نوشته جات قدیمه بودائی ، این جعد از چپ به راست میرود ، درحالیکه در مجسمه « هارمود یوس » جعد موی از راست به چپ میرود .

اما مجسمه های نیم رخ بودا ، با مجسمه های قدیمه یونانی ، شباهت خیلی برجسته بهم میرساند (لوحه ۱۸ - الف) مگر این شباهت اینطور نیست که بالضرور از مجسمه های یونانی متأثر شده باشد - از طرف دیگر این مجسمه های یونانی طوریکه فوقاً اشعار یافت ، در افغانستان و هند شمالی یافت نشده است - در واقع این گونه قباچه در یونان قدیم عمومیت داشته و بسیاری یونانیانی که بهند آمدند ، بدون تردید دارای همین نوع چهره بودند - و بعضی از اخلاف آنها در هند لا اقل در آغاز دوره مسیحی ، با احتمال اقرب

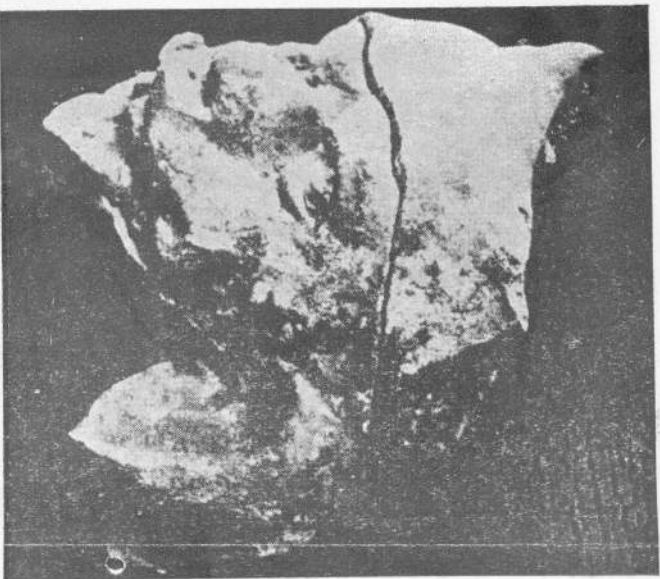
این خصوصیات قیافه را بهیچاثر بردند. حتی در اثنای مسافرتهم در افغانستان اثر آنها را در چهار نفر افغانستانی که یکی از اینها در سفارت ایتالیا مقیم کابل، باغبانی میکرد، یافته توانستم. بنا بران دور نیست که هیکل سازان عصر کوشانه در مجسمه های خویش بعضی از این خصوصیات چهره را که در حقیقت در بین همسایه های آنها وجود داشت، نقل کرده باشند.

بالاخره طرز پوشیدن سنگماتی (قطیغه)، مخصوص وخیلی غریب است (لوحه ۱۳ - ب). در موزیم کابل، پهلوی یکی از مجسمه های بودا که بهمین اسلوب ساخته شده يك عکس از مجسمه معروف وکلا سیک « سوفوکلز » برای ارائه شباهت بین هر دو اسلوب، نهاده شده است. من درین مجسمه، نفوذ یونانی را علی الفور قبول میکنم. ولی نه اینکه این نفوذ مستقیماً از صنایع یونانی پیدا شده باشد. بسیاری یونانیها در این مناطق، چند قرن پیش سکونت داشتند. و بو میان مناطق مزبور بی شبهه این اسلوب پوشیدن قطیغه را تقلید نمودند. حتی امروز چوینهای افغانی در زمستان، شالهایی را می پوشند که از بالای شانته راست وزیر بغل چپ گذشته و دست آنها بهمان اسلوب مؤقری که در مجسمه « سوفوکلز » (۱) دیده میشود، بیرون میآند صنعت گر گندهاره. حیات واقعی را در مجسمه های خود تمثیل میکرد. پس عجب نیست که مجسمه بودا را بهمان اسلوبی که در زندگی روزانه خود دیده اند، لباس پوشانده اند.

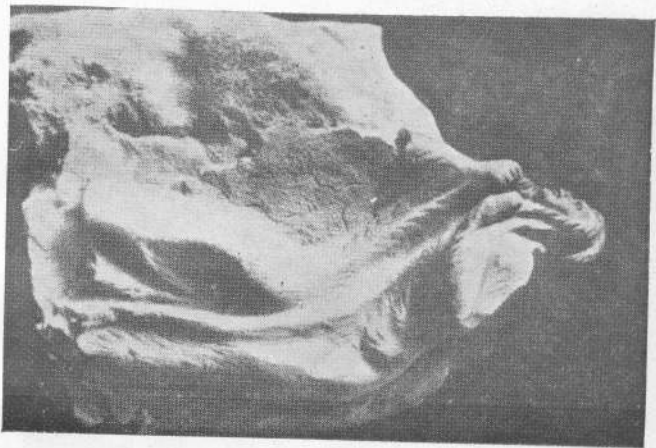
(۱) در نطقی که در انجمن ادبی بتاریخ ۳ نومبر ۱۹۳۴ ایراد داشتم تذکر داده ام که مردم افغانستان هنوز لباس خود را بهمان وضع مؤقر یونانیان قدیم در بر میکنند. رجوع شود به روزنامه اصلاح - مورخه ۵ نومبر ۱۹۳۴.



ب : سر یک پلتر سرباز یونانی - از هدهده مکتوف
و در موزیم کابل موجود است
Hadda. Tête d'un soldat grec
Musée de Kaboul



لوحه ۹ الف : سر میستوفیلس - از هدهده مکتوف و در
موزیم کابل موجود است
Pl. IX a. Hadda. Tête de Mehistofelès. (?)
Musée de Kaboul



ب : یکفر حضرت که بوستین پوشیده است - از هلمه

* مکتوف و در موزیم کابل موجود است

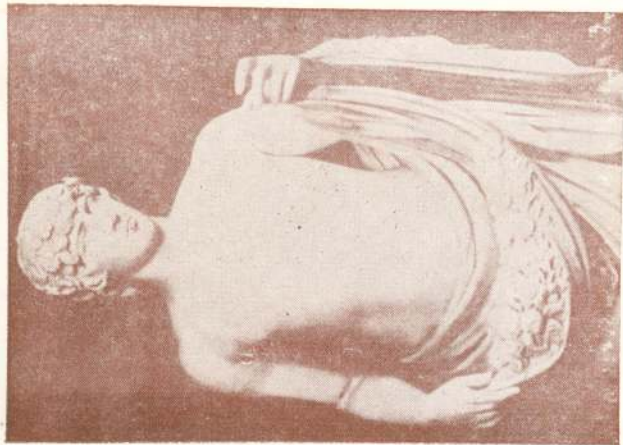
b. Hadda, Monstre couverte d'une fourrure
Musée de Kaboul



لوحة ۱۰ الف : سر یکفر بود - از شهر بهاول

مکتوف و در موزیم پشاور موجود است

Pl.X a. Shahr-i-Bahol, Tête d'un juif
Musée de Peshawar



لوحة ۱۱ - الفانتینوس ورتوموس - در موزیم لیتران
Pl. XI - a. Antinous Vertumnus
Musée de Latéran



ب : جوانی است که گل باش میدهد - از عهد مکتوف
و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Jeune homme dispersant les
fleurs (Musée de Kaboul)



ب : سر یکسفر بودی ساتوا - از شهر بهلول مکتوف
و در موزه کابل موجود است

b. *Shahr-i-Bahlol, Tête de Bodhisattva*
Musée de Peshawar



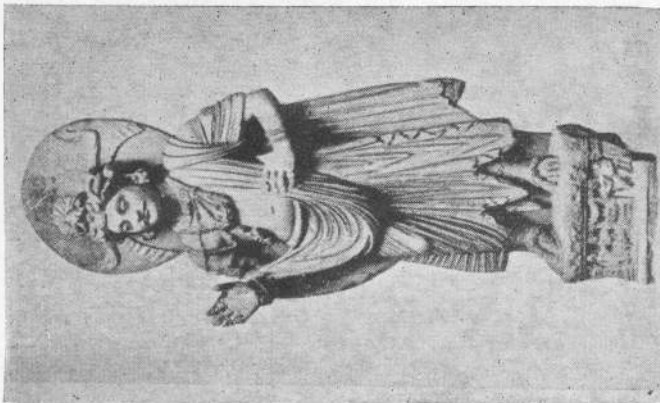
لوحة ۱۲ الف : یکی از مستندین بودا در حالیکه سر خود را
برای بودا میدهد . از هدیه مکتوف و در موزه
کابل موجود است

Pl.XII a. *Hadda, fidél offert*
sa tête à Buddha. (Musée de Kaboul)

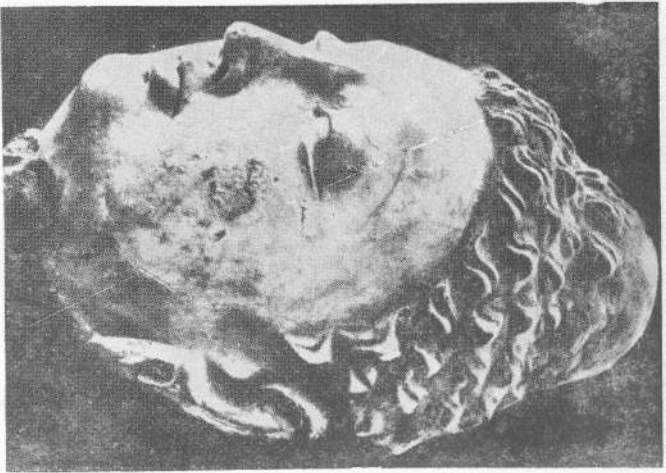


ب - راهب و راهبه بودائی : از هدهه مکتوف و در
موزیم کابل موجود است

b. Hadda, Bhikkhus et Bhikkhuni
Musée de Kaboul



لوحة ۱۳ الف : مجسمه یکتفر بودی ساترا : از شاهباز
کرهی مکتوف و کینون درموزه لورلو پاریس وجود دارد
Pl. XIII-a, Shahbaz-Garhi. Statue d'un
Bodhisattva. (Musée du Louvre, Paris)



ب : سر بودا - از هدهه مکشوف و در موزیم کابل

موجود است

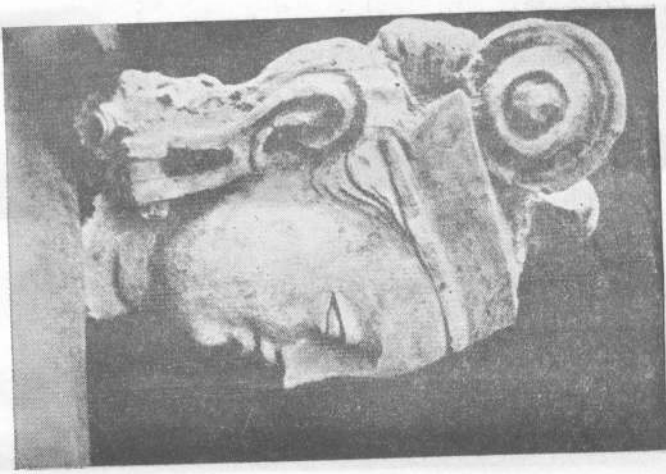
b. Hadda. Tête de Buddha (Musée de Kaboul)



لوحة ۱۴ الف سر بودا - از هدهه مکشوف و در

موزیم کابل موجود است

Pl. XIV a. Tête de Buddha (Musée de Kaboul)



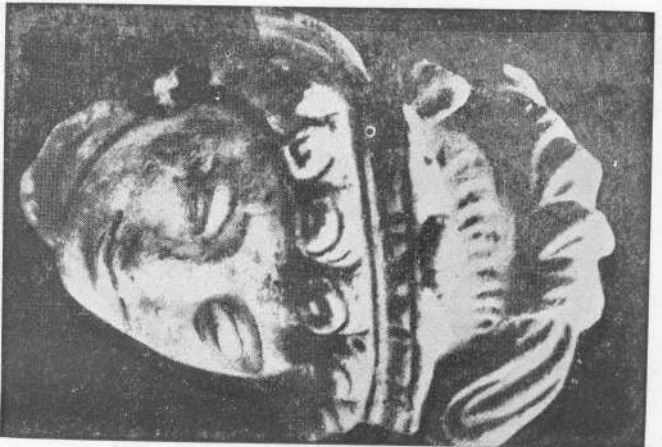
ب ، سر يك دختر - از هدهه مکتوف و در موزيم
کابل موجود است

d. Hadda, Tête d'une fille
Musée de Kaboul



لوحة ۱۵ الف : یکی از بیرون بودائی در چین و صا
از هدهه مکتوف و در موزيم کابل موجود است

Pl. XV a, Hadda, un Buddhist religieux
en prière (Musée de Kaboul)



ب : سر ياك دختر مکتوبه - از همه مکتوبه و در

موزيم کابل موجود است

b. Hadda. Tête d'une fille timide

Musée de Kaboul



لوحه ۱-الف : تمثال ياك دختر پرهيز کار - از

همه مکتوبه و در موزيم کابل موجود است

Pl. XVI a. Hadda. Une fille religieuse

Musée de Kaboul

هیکل سازی قدیم افغانستان

مطالعه این جزئیات و خصوصیات مجسمه ها بامی فهماند که هیا کل گندهاره قطعاً یونانی الاصل نوده بلکه برعکس اکثر از آنها اصلاً هندی میباشند. قبلاً تذکار رفت که پیچ و تاب موی مجسمه بودا بقرار نوشته جات قدیم بودائی، خاصه موی «لکشاناس یعنی انسان کامل بوده». «اوشنوسا» یا برآمدگی ججه که در تمام مجسمه های بودا دیده میشود نیز واقعاً از مجزات یونانی نه بلکه یکی از علائم مخصوصه همین «لکشاناس» است. نه تنها بعضی از مجسمه های بودا، بلکه عملاً تمام مجسمه های آن، علامت دیگری هم از لکشاناس را ارائه میدهد که عبارت از نرمه گوش است که تاشانه ها کشال شده و این چیزی است که هیچ صنعت کار یونانی گاهی جرئت به تمثیل آن ننموده، بلکه از این قواره خیلی بد برده و آنرا وحشیانه مینداشتند. نیز اگر سرهای مکشوفه ازدهه را ملاحظه نماید، ملتفت خواهید شد که چشمان اکثر از آنها آن چنان صادقانه که درد نیای حقیقت وجود دارد، نیست (لوحه ۱۷ - ب) بلکه قبلاً تمایل به بادامی شده اند، چنانکه از هیا کل و تصاویر تمام هند از قرن ۵ تا ۱۳ مسیحی این حقیقت پیداست. بنابراین واضح گردید که مدرسه معروف به «مدرسه یونانی و بودائی گندهاره»، قطعاً یونانی نبوده و نه از هیکل سازان یونانی متأثر گردیده است - بلکه بکلی یک مدرسه خالص هیکل سازی وطنی (افغانستان) بوده و مفکوره ها و مجزات جداگانه داشته که از مفکوره های هندی متأثر شده است.

لاکن درینجا طبعاً سوال ذیل پیدامیشود: پس هیکل سازان گندهاره که بودند؟ و چنین صنعتی را که از حیث مجزات هندی خود نسبت به صنعت

سا لنامہ « کابل »

وہیا کلی کہ بعد ہا درہند در زمان کلا سیکہ آن عرض اندام نمودہ ، ایتقدر متفاوت است ، کہ ایجاد نمود ؟ در واقع ہمین عدم شباهت و تفاوت بزرگی کہ بین ہیا کل گند ہارہ و ہیا کل بقیہ حصص ہند از زمان « گپتا » تا عصر « ہری سالا » و حتی عہد « جایانا گارا » وجود داشتہ ، علت اساسی این مسئلہ گردیدہ کہ اکثر از مورخین و منتقدین صنایع فنیسہ متہایل شدہ اند صنایع مزبور را در اراضی شمالی ہند از نفوذ یونانی متأثر بشنا سند .

و این در حقیقت عقدہ مہم تمام مسئلہ است و ما آنرا بطور عمومی زیر بحث میگیریم : برای این کار اینک اولاً تدقیق میکنیم کہ سا کنین صفحات شمالی ہند کہ بودند ؟

قبل از ہمہ در اینجا آریہا ئی بودند کہ از زمان ہجوم و مہاجرت آریہ ، اگلا ۲۰۰۰ سال پیش ، سکونت اختیار کردہ - و با اہالی آن دیار ، مثل دیگر مقامات دراز منہ قدیم ، آمیزش یافتند . مگر این نژاد مختلفہ « ہند و آریہ » هنوز ہیکل سازان خوبی ثابت نشدہ بودہد . چنانکہ در « رگ و ویدا » یک کلمہ از مجسمہ تذکار نیافتہ (۱) و نہ مجسمہ (قراریکہ معلوم میشود) در آن زمان وجود داشتہ است . - بلکہ مجسمہ چند قرن بعد ، شاید در اثر نفوذ « در اویدی ہا » پیدایش یافت (۲) چنانچہ از جملہ سہ مجسمہ کہ در یک نوشتہ تاریخی تذکار یافتہ ، دوی آن مجسمہ از باب انواع دراویدہاست کہ شامل

(۱) اینکہ از مجسمہ « اندرا » در « رگ و ویدا » تذکر رفتہ باشد ، خیلی مشکوک مینماید . (۲) مقالہ « ظہور فن صورت گری ہنود قدیم » بقلم میکدونل در مجلہ انجمن شاہی آسیائی سنہ ۱۹۱۷ ص ۶۰۲ - انحراف از پرستش بودا بہ بت ، قراریکہ معلوم میشود ، عقیدہ آریائیہای قدیم را بمقابل نفوذ خارجی نشان میدہد .

هیکل سازی قدیم افغانستان

معبودان آریائیها بود۔ « پاتن جلی » در قرن دوم قبل المیلاد در ضمن شرحی که در باب « یانینی » نموده از نمایش رب النوع شیوا - سکاندا، و « ویشا که » حرف میزند (۱) ازین معلوم میشود که نمایشات مذکور، لا اقل در روزهای « پاتن جلی » در قرن ۲ ق. م و حتی شاید دو قرن بیشتر در زمان حیات « یانینی »، بوقوع پیوسته است. این عمل هیکل تراشی بی شبهه تسلسل و زیادت پذیرفت، چه از اواسط قرن اول مسیحی، از باب انواع هندو در مسکوکات هندی با چهار دست تمثیل گردیده اند (۲) یعنی هیکل تراشی اصلاً خیلی از پیش مورد استعمال و پرستش بوده که در آغاز دوره مسیحی بدان پایه رسیده است. معذک همچکدام ازین هیاکل باقی نمانده و بما نرسیده است قدیمترین مجسمه رب النوع آریائی که تا کنون معلوم است، همانا مجسمه « سریا » واقع در معبد « پارا سرامسوارا » بمقام « گودی مالان » در علاقه آرکوت شمالی، میباشد (۳) و همین مجسمه هم از مراکز مملکت دراویدی یافت گردیده و با احتمال اقرب به اواسط قرن دوم مسیحی، یا اوائل قرن سوم تعلق داشته است.

یکقرن پیش تر ازین، مجسمه های مدرسه گندهاره ظهور داشت. برای تکمیل این صنعت مدرسه گندهاره، حتماً این فرضیه پیدا میشود که فن

(۱) « تبصره بر استعمال مجسمه در هند قدیم » - کتاب Indian Atiquarry « عتیقات هند » ص ۱۴۹. (۲) مقاله « ظهور فن صورت گری هندو قدیم » منتشره در مجله انجمن شاهی آسیائی - طبع ۱۹۱۶ ص ۱۳۰ بقلم میکدونل. (۳) « اصول صورت گری هندو » ج ۱ قسمت ۲ ص ۲۱۲ و ۲۱۳ تألیف کوینا تاراؤ.

سالنامه « کابل »

مجسمه سازی مدرسه گندهاره سابقه قدیمی داشته خواهد بود - ولی از چنین ادوار طولی که مهارت هندو آریائی ها را در مجسمه تراشی نشان بدهد ، بظاظر نداریم .

پس آیا مردم دیگری هم در سرزمینی که این صنعت گندهاره انکشاف پذیرفت ، وجود داشت ؟ برای این مقصد هر گاه ورفی چند از قدیمترین تاریخ هند برگردانیم ، می بینیم که در « ویدا » نوشته است : بجنوب دریای « کبها » Kubha (کابل) تا به دهانه آن در دریای سند قبیله بزرگی مسکون بودند که « گندهاری » نام داشتند (۱) . در « آتهار اویدا » نوشته است که این گندهاری ها با اقوام « موجا وانت » و « آنکا » و « ما گاده » متحد بودند (۲) - پس ، همانطوریکه « آنگاها » و « ما گاداها » سرحدات شرقی مقبوضات آریائی را تشکیل میداد ، « گندها رپها » و « موجا وانت ها » سرحدات شمال غربی آن را ارائه می نمود . از روی این تقسیم ، طبعاً چنین معلوم میشود که « آنگاها » و « ما گاداها » و همچنین « گندها رپها » و « موجا وانت ها » مردمانی پیش از آریین بوده اند . و این نتیجه از نوشته « آتهار اویدا » هم تأیید میشود - چه « آتهار اویدا » میگوید خود اوتکن (تب) را از مردم آریین به مردم « موجا وانت » که قبایل شمال غربی دشمن آریین ها بودند ، اخراج و نقل داد - ورنه (تکمن) به آنها فرستاده نمی شد . درحقیقت گندها رپها ، نسبت به آریین های مسطور در « رگ ویدا » خیلی قدیمتر معلوم می شوند . چنانچه در یک مدحیه که

(۱) Altindische Leben (حیات قدیم) - تالیف زمر - ص ۳۰

و ۳۱ - (۲) « آتهار اویدا » - قسمت ۵ - بند ۲۲ .

هیکل سازی قدیم افغانستان

بنام شاه « بهاویا » Bhavya حکمران سو احل سند ، سروده شده ، یک بیت به وزنی مختلف از وزن مدحیه وجود دارد که اشاره به گوسفندانی مینماید که « گندارها » پرورش میدادند (۱) . و امروز این بیت را قسمتی از سرود مطول تری می‌بندارند که وجهه عشقی داشته و طبعاً با یستی نسبت به سرودهای خود « رگ ویدا » قدیمتر و بنابراین از مهاجرات آریین ها بیشتر باشد (۲)

علاوه از قبایل کوچکی که آنها هم قبل الاریین معلوم می‌شوند از قبیل مدراسی‌ها - سیواها - بالیکاها - بهالاناها و غیره ، با یستی دو قبیله دیگر را نیز که قرار معلوم نسبت به سابق الذکر ، رول مهمتری در اراضی شمال غربی هند بازی کرده اند ، تذکار نمائیم - این دو قبیله « کبوجه‌ها » و « تاکهاها » (یا تکشاها) می‌باشند . می‌گویند سابق الذکر بزبانی غیر از زبان آریین ها حرف می‌زدند (۳) و آخر الذکر (که یک مرتبه توسط « سوداها » در جنگ « ده یاد شاه » مغلوب شده اند) بقول « مهاهارته » به نژاد « ناگه » Nogas تعلق داشته و بنابراین « در اویدی » بودند (۴) . تمام این قبایل که اصلیت در اویدی داشتند ، برور زمان آریائی شدند - ولی همسایه های آریائی آنها ، بسیاری رسوم و عادات قدیمه غیر آریائی را که قبائل مذکور تا امروز دارا میباشند ، پذیرفتند - از انجمله « رساکشتریه » که از قبول رسوم رهبانیت (۵) که در بین مدراسی های آن زمان معمول

(۱) رگ ویدا قسمت ۱ - بند ۱۲۶ (۲) کتاب « بعضی قبائل کشاتریه در هند قدیم » تالیف « لا » ص ۲۵۵ و « سرودهای مذهبی رگ ویدا » اثر « گرف فت » ج ۱ ضمیمه ۱ ص ۶۴۸ (۳) Nirukta قسمت ۲ ص ۲ (۴) مهاهارته - آدی یار وایشیا - ص ۳ (۵) مهاهارته - کارنا پاروا - ص ۴۵ -

سائمه « کابل »

بود ، استنکاف ورزیدند - و قبایل « بالهکها » که در ظرف چوبی و گلی طعام میخوردند (۱)

حال آمدیم باینکه آیا این قبایل در اویدی قابل این بوده اند که چنین آثار صنعتی را که نمونه های مدرسه گندهاره شمرده میشود ، از خود بچود بیاورند ؟ اولاً بخاطر باید داشت که در اویدی ها در زمان هجوم آراین دران مملکت ، تمدن عالیتری را مالک بودند (۲) - برعلاوه ، در اویدیها در بین خود راجع به فن هیکل سازی و مفکوره های بلند زیبایی خویش روایت خیلی قدیمی دارند - و اولین آثار صنعتی که انکشاف و ترقی مهمی را در فن هیکل سازی از خود نشان میدهد ، از مقام « هرپ په » و « موهنجو دیرو » بدست آمده .

کنون جای آن نیست که ثابت کنیم تمدن وادی سند قبل الاین بوده . چه این حقیقت را « سرجان مار شال » و « مسترار نست میکی » و دیگران بقدر کفایت ثابت کرده اند و دلایل آنها را تا کنون کسانیکه تمدن آریائی را در دوشهر مذکور میخواهند کشف نمایند ، تر دید و یا ضعیف ساخته نتوانسته است . همینقدر در اینجا می گوئیم که اسب را که حیوان معروف آریائی هاست باشندگان « موهنجو دیرو » نمی شناختند و بر عکس نرگا و - بز - گاو میش - اسب يك شاخه داستانی - پلنگ ، قیل و شاید دیگر حیوانات در نزد شان معلوم بود - پرستش « لنگه » (آله تناسل مرد) هم قرار بیکه معلوم میشود نزد آنها رواج داشت ، پرستش درخت خیلی عام (۱) ایضاً ص ۴۴ - (۲) هنود قبل التاریخ وهنود قرون اولی هندوستان ، ص ۱۲ - ۱۴ تألیف « بانرجی » .

هیکل سازی قدیم افغانستان

بود. و یکی از عام ترین علائم مهرهای « موهنجو دیرو » (که دا کتر پرن ناتھ (۱) آنرا « گاو » میخواند و منشأ علامت برج ثور معلوم میشود) در یکی از ظروف سفالی قبل التاریخی در قریه « والا لور » در علاقه « کوتم باتور » واقع در قلب مملکت دراویدی ، یافت شده است (۲) .

نیز دو مجسمه کوچک سنگی شکسته ، از « هرپ په » مکشوف گردیده است (لوحه ۱۹ - الف ، ب) و سرجان مارشال (۳) راجع به آنها بیان ذیل را ایراد نموده :

(وقتا که نخستین بار این مجسمه ها را مشاهده نمودم ، نمیتوانستم آنرا قبل التاریخ بخوانم . این مجسمه ها تمام افکار و نظریات را جمع به صورت مقدماتی را برهم زده چنین طرحی دردنیای قدیم تا عصر تمدن صنعتی یونانیان مجهول بود و بنا بران خیال کردم که یقیناً کدام غلطی در تاریخ صنعت قدیم روی داده است و این مجسمه ها به عصر « هندو یونا نیا » ، سکئی ها و یاپارت های پنجاب تعلق داشته و به میادین قریب ۳۰۰۰ سال بیشتر نسبت به مجسمه های خود میادین مذکور ، نشر و اشاعت یافته . و این نظریه ، اولین نظریه آنانی خواهد بود که بتاریخ هیکل سازی مقدماتی ، معرفت دارند .)

ولی سرجان مارشال را باسانی فانج ساختند که مجسمه های مذکور نظریه

(۱) مقاله « طلبیة نگارش هند » اثر « ناتھ » منتشره در جریده مصور هفته وار هند - تاریخ ۱۳ - اکتوبر ۱۹۳۵ ص ۲۰ و ۲۱ و ۳۲ . (۲) کتلاک عتیق قبل التاریخ ، موزیم حکومتی مدراس ، لوحه ۳۵ - اثر « بروس فوته » . (۳) موهنجو دیرو و مدنیت وادی سنده - ج ۱ ، ص ۴۵ - تالیف مارشال .

سالنامه « کابل »

چگونگی کشف و شواهد و براهینی که خود مجسمه های موصوف بدست داد ، حتماً به از منته قبل التاریخ تعلق داشته است .

یکی ازین دو مجسمه ، بدون سر و دست و پا بوده و از سنگ سرخ نفیسی ساخته شده است . و سر جان مارشال راجع به وضع ساخت آن میگوید : « این مجسمه کامل (بعکس نیمرخ) بوده و شانه های متناسب و قدری به عقب و شکمی اندک برآمده داشته . ولی حسن آن اینجاست که حصص گوشت دار بدن آن خیلی حقیقت کارانه و اعلی طرح شده مثلاً سرین ها بمهارت کاملی هموار گردیده و فرورفته گی های قسمت خلفی و بالای ستون فقرات حد کرده ها خیلی هنر مندانه تمثیل گردیده است . این اثر صنعتی چنان اثری است که صنعتکار یونانی قرن چهارم مسیحی ممکن بود بران افتخار کرده آنرا بخود نسبت دهد - ولی وضعیت مجسمه و شکم اندک برآمده آن ، از میراث هندی است نه از یونانی - و حتی اگر نفوذ یونانی هم درین صنعت ثابت شود ، طرز عمل آن را میتوان هندی گفت (۱) .

اما راجع به مجسمه کوچک دومی که از سنگ سلیت ساخته شده ، چنین میگوید : « این مجسمه ، تمثال یکنفر رفاص است که پای راست ایستاده و بدن آن از کمر بالا بطرف چپ متمایل و خمیدگی داشته و هر دو دست آن به یکطرف دراز گردیده و پای چپ آن از زمین بلند و بطرف جلو آورده شده . » (۲)

سر جان مارشال ، پس از وصف دو مجسمه مذکور ، تنقید اخیر و قطعی در باب این دو اثر حیرت انگیز قدیم نموده ، ما را ازان اختلافاتی که اساساً

(۱) ایضاً ص ۴۶ - (۲) ایضاً ص ۴۶

هیکل سازی قدیم افغانستان

بین صنعت یونانی و این شاهکارهای صنعت کاران هندی، (که بنظر سطحی متشابه معلوم میشوند) وجود دارد، یاد دهانی کرده میگوید: «این دو مجسمه، از حیث شکل (نه از حیث جوهر و اصلیت) اثر صنعت یونانی معلوم می شود. و در بادی نظر، نمونه های خوب آثار یونانی را که این دو مجسمه تا یک اندازه از روی آنها نقل شده، بخاطر می آورد. ولی علاوه از خود مزایائی هم دارد که بکلی خالی از نفوذ یونانی میباشد، و آن عبارت است از تمثیل حقایق تشریح البدنی که درین دو مجسمه بقدری برجسته و ممتاز است که شخص را بشک می اندازد که شاید صنعت یونان اصلاً تقلید از هیکل سازان مسکون در سواحل سند بوده باشد (۱) - این صنعت گران که صنعت گران یونانی آثار آنها را حسن استقبال نمودند، هیکل سازان دراویدی بودند.

هیکل سازان دراویدی مزبور، در تحکیم اشکال حیوانات بر روی مهرها هم مثل ساخت دو مجسمه فوق الذکر، مهارت داشتند. مثلاً راجع به بزگا و کوهان داری که بر روی یکی از مهرهای مکشوفه از موهنجودیر و کنده اند (لوحة ۲۰ - الف) سر جان مارشال میگوید: «حکاک این تمثال، و اضحاً در موضوع خود مطالعه عمیقی نموده، و اثر درستی بر روی کار آورده است. بر علاوه کار مهم دیگری هم نموده - یعنی در عین حال، کوشش نموده حقایق را جلوه گر سازد، و بنابراین حیوان مزبور را به چنان شکوهی ساخته که مختص و منحصر به چشم و دست صنعت کار ماهر مییاشد.» (۲) این شکوه حیوان مذکور از حیث اظهار

(۱) ایضاً ص ۴۶ و ۴۷ (۲) ایضاً ص ۴۳

سالنامه « کابل »

جنبه روحی، که یکی از ممیزات مدزسه کند هاره است، با مجسمه فوق الذکر مطابقت تامی دارد.

چون این آثار صنعتی خیلی قدامت دارد، نمیتوانیم خط سیر نمو و تکامل آنرا سال بسال تعقیب کنیم. بر علاوه، اکثر از آنها واسطه ناپاید از بودن ماده که آثار مزبور از آن ساخته شده (مثل چوب و گل) بکلی از بین رفته و نشانی از آن ها بدست نیست. بالاخره محارباتی که در هند شمالی در نتیجه هجوم آریین بر روی کار آمده، و نیز محاربات مذاقبة « کروک سیترا » Kruksetra و جنگهای اسکندر و چند را گیتاموریا، صنعت کاران در اویدی را موقف نداد که مظاهر تازه مدرسه ملی خود را بصحنه عمل عرضه نمایند. مگر در قرن چهارم ق. م مطابق به عصر امنیتی که « آشوکا » بعد از جنگ با « کالنگاها » بوجود آورد، ناگهان به دوسر کوی چکی بر میخوریم که مجدداً صنعت مدرسه مزبور را در اذهان جایگیر می سازد. این دو سر که از گل پخته ساخته شده، از یک بجه و یک دختر است که شاید خواهر و برادر باشند و هر دو در ضمن حفاری « پتلی پوتره » یافت گردیده و کنون در « موزیم پته » جای دارند. یکی تمثال حقیقی یک دختر جدی و فکور است که بین ۱۰ و ۱۲ سال عمر دارد و تمثال دیگر که جالب تراست، از یک بجه بوده (لوحة ۲۱-الف) و اگر کلاه خارجی (غیر هومی) او را که از طرف دیگر بایستی نقل صحیح از کلام معمول بین بجه های آن وقت باشد مستثنی نمائید، تمثال بجه مذکور را میتوان اثر صنعتی عصری و با اثر صنعتی دور «زنسانس» دور (احیاء مجدد علوم و ادبیات)، محسوب نمود، لیکن صنعت کار یونانی ابدأ شبیه شخصی را بچین و ضم سرور آمیزی، تمثیل نکرده

هیکل سازی قدیم افغانستان

این بچه ۷-۸ ساله خندان است. ولی بچنان وضع عقیف و پر شوری میخندد که به ریزش قطرات آب فواره در حوض سر مرین بیشتر شباهت دارد. این تمثال، عفت و سرور قلبی پسر مزبور را بوضاحت اظهار مینماید.

آیا این دو تمثال، اثر صنعت کاران در اویدی است؟ بلی بدون شبهه « پتلی بوتره » از زمان « ننداها » پای تخت « مگده » بود. و معلوم است که « رشی ها » چقدر به نفرت و کراهت از « مگده ها » حرف میزدند در واقع « مگده » سلطنت در اویدیهای بود که از آریانی شدن، خیلی نفرت داشتند. سلاطین که در جنگ « مهابارته » در « مگده » حکومت میکردند آریائی نبودند. و « جراسنده » که در انوقت « راجه گریه » پادشاهی میکرد، شخصاً در اویدی بود. در زمان سلاله « موریه » مگده بسیار آریائی شد. مگر عنصر در اویدی هم بدون شبهه وجود داشت و شاهان موریه بدون تردید، هیکل سازان در اویدی را که مهارت سابقی داشتند استخدام کردند.

گذشته ازین، خود این سرهای مکشوفه مبدأ مذکور را تأیید میکنند؛ این تمثالها، تمثالهای حقیقی حیات است، ولی حالت روحی را بطور حیرت انگیزی ارائه میدهند. سببه ثابت دختر و اخلاق بچه گانه پسر جوان از روی آن بخوبی معلوم میشود. پسر اکنون میخندد مگر ممکن است، یک لحظه بعد بگرید. درین سرهای گچی مکشوفه از هده، یک سر است که آنرا نقل این مجسمه پسر، میتوان گفت (۲۱-ب) - موجدین این دواتر، با اینکه صد ها میل از هم فاصله داشته و پیش از ۴ قرن باهم فرق دارند، حتماً یک مدرسه تعلق داشته اند.

طوریکه فوقاً تذکار یافت، آشوکا بعد از آنکه فیصله کرد دیگر جنگ

سالنامه « کابل »

نمی‌کند، حتماً بسیاری از صنعت کاران در اویدی را استخدام نمود - چه بسیار آثار صنعتی این مدرسه، در حصص مختلفه قلمرو او پدید آمده. از انجمله بعض ستونهای فرامین او را که اشکال حیوانات بهمارت زیادی در آن کنده شده، بزیر مطالعه میگیریم، شیرهای سر ستون « سار ناتهه » واقعاً از حیوانات زنده وانمود کرده و از نقطه نظر تخنیک از شیرهای « پریسپوس » (اصطخر) و شیرهای هندی سنوات ما بعد، اختلاف کلی دارد. ازین شیرها بهتر وهالی تر، همانا سه حیوانی است که بطور برجسته در همان سر سطور طرح گردیده. و یکی از آن يك اسب است که در حال دویدن نشان داده شده و مملو از فعالیت است. حیوان دیگر يك قبل است که آرام، مقتدر و منزوی بنظر میآید (لوحه ۲۲ - الف) و صنعت کار در نشان دادن چین و شکن پوست سست زیر گردن و خرطوم و عقب پاهاى بیش آن، خیلی زحمت کشیده حیوان سوم، نرگاوی است که آنهم به مهارت حیرت انگیزی تمثیل و طرز عمل آن از نقطه نظر تخنیک، کمتر نظیر دارد (لوحه ۲۲ - ب) نرگاوی که در سر ستون آشو کادر « رامپوره » بوده و کنون در « اندین موزیم » واقع در کلکته است، بانرگاوی « سار ناتهه » هر دو دنباله رسم قدیمه حیوان تراشی صنعت گران ماهر « موهنجو دیرو » بوده است.

در موزیم « متهورا » يك سر شکسته و جود دارد که آنهم بهمان دوره تعلق داشته و واضحاً از همان مدرسه بوده است (لوحه ۲۲ - الف) و این مسئله نهایت درجه اهمیت دارد - چه « متهوره » که در زمان « مدیهه دسیله های » قدیم، مرکز تمدن صنعتی آراین بود، بما نشان میدهد که صنعت کاران در اویدی به سلطنتی که خالصاً آریانی است، نیز انتشار یافته اند. ازین مجسمه

هیکل سازی هدیم افغانستان

بد بختانه فقط قسمت بالای سر باقی مانده و غالباً زنی بوده که سر پیچی مزین به هلالی در پیشرو، داشته است. این سر پیچ ساده، در گند هاره خاص نیز خیلی معمول بوده (لوحه ۲۳ - ب) و ممکن است پیشانی، چشم ها و تیغه بینی او را، هیکل ساز هده ساخته باشد.

بعد ازین ها، تمثال هائیکه از سابقه این مدرسه نمایندگی میکند، همانا تمثالهای افغانستان جنوبی، پشاور، تکسیلا و لاهور میباشد. آیا علت تجدید و احیای ناگهانی این صنعت در گوشه شمال غربی هند چه بوده؟ درین صفحات، جنگ ها و مهاجرات، لا اقل ار زمان جمله اسکندر، یکی پی دیگری روی داده و البته صنایع گچی در صحنه تصادمات خونین، جلوه و فروغی یافته نمیتواند. ولی در قرن اول مسیحی، « ویماکاد فریز » دومین شاه کوشانه کشور هند را لا اقل تا دریای جنتا تسخیر نموده پسرش: کنشکا که شاه منور و دارای ذوق صنعتی بود، پس از او جانشینش گردید. و در اثنای سلطنت او، بهترین آثار صنعتی مدرسه گند هاره، بوجود آمد. مگر این صنعت درخشان و بارونق در اویدی تخم زوال و فساد را نیز در خود نهفته داشت. چه برای تزیین معابد و دیوارها، مجسمه های بسیاری بکار بوده و بنا بران جهت ساخت آن از صنعت گران در جهه دوم هم استفاده کردند و همین مداخلت صنعت کاران در جهه دوم، علت تنزل مدرسه مذکور گردید. این حقیقت که تنزل این مدرسه مخصوصاً در « متهورا » و پنجاب جنوبی دیده میشود، شخص را با شتاب می اندازد که شاید این تنزل بواسطه آن عنصر آریائی که درین رشته نه سابقه داشته و نه دارای مفکوره های صنعتی بودند، بظهور پیوسته باشد. بهر حال، تنزل صنعت سر بور، چندی بعد در « گند هاره »

سالمه « کابل »

نقوذ نمود - و برای شرح انتشار آن در گندهاره فقط مطالعه يك نمونه صنعتی واقع در موزیم پشاور کفایت میکند (لوحه ۲۴ - الف) و این نمونه مشتمل است بر تمثال « پانچیکا » رب النوع تروت ، و تمثال « هریتی ؛ ربه النوع حاصل خیزی - و یکده اطفال که بدور ربه النوع مسرور جمع شده اند . قدمهای هردو تمثال خیلی کلان و بی تناسب بوده و پاهای آن ها که از درون لباس میتوان تشخیص داد ، خراب و بدون شکل و مثل چوبهای عاری از عضلات ، معلوم میشوند . بالاخره درین نمونه صنعتی مدرسه گندهاره که فساد کلی دران روی داده ، هیچیک چیز بر جسته و مهمی نمیتوان یافت .

قبل از اختتام مطالعه این سابقه صنعتی ، با یست يك نمونه دیگر از این مدرسه را که از معبد قدیمی واقع در « گودیمالام » مکشوف گردیده ، نیز تذکر داد ؛ این نمونه عبارتست از مجسمه ایسناده « سیوا » که پهلوئی « لنگه » (تمثال آله تذکیر) جا داشته و به قرن اول ق . م متعلق اند . تمام مجسمه (و نیز « لنگه » مذکور که از سنگ سرخ رنگ آتش فشانی ساخته شده) خیلی زنده معلوم میشود - « سیوا » با پاهای دور از هم به شانه های يك « رکشاسه » (دیو) ایستاده و لنگی بدور کمر دارد که از بس شفاف است ، پاهای خوش ترکیب او از زیرش معلوم میشود - و چین و شکن وقتهائی که در لنگ از يك ران تاران دیگر دیده میشود ، به سلیقه و لطافت مخصوصی ساخته شده . تنه مجسمه نشان می دهد که صنعت کار آن در مطالعه تشریح البدن انسانی ، تدقیق زیادی بکار برده این مجسمه دودست دارد - بدست راست ، قچی را از پاهای عقبش گرفته ، چنانکه سر آن فرو آویخته است - و بدست چپ ، ظرف مخصوص آب موسوم به « کمند لو » « پرشو »

هیکل سازی قدیم افغانستان

دارد. مگر جالب ترین قسمت این مجسمه، سر آنست - چهره آن واضحاً مغولی بوده و گوئی زنده است، و باعث فتحی که بالای « رکشاسه » حاصل نموده، مسرور مینماید. دو عدد تسبیح از همان گونه که درهند از زمان قبل التاریخ معمول بوده است، جای گوشواره هارا گرفته - و نرمة های گوش اوتا بشانه فرو آورخته و کلاه مخصوصی باموی های بافته بسر دارد.

تمام مجسمه « سیوا » و نیز از « لنگه »، بطورزیبائی مثل ستونهای معروف آسوکا و درون غارهای کوه بجه های « باربر » جلاداده شده و اگر ازین جلای فوق العاده آبدات مذکور، (که تا کنون در نزد منقدین صنایع و عقیده شناسان امر وزی، معمای لاینحل مانده) چیزی استخراج وثابت شود، فقط و فقط اسرار صنعت کاران مقداتی در اویدی را که بافقدان مدرسه منبور، در پس پرده مانده، مکشوف خواهد ساخت.

این تمثال بر جسمه « سیوا » که معاصر هیاکل گندهاره و یا اندکی بیشتر ازان است، آخرین محصول صنعتی مدرسه قدیم هیکل سازی در اویدی (که نمونه های اول آن به ۳۰۰۰ سال قبل المیلاد، تعلق میگیرد، بوده و مدرسه گندهاره، شعبه خیلی فوق العاده این مدرسه میباشد. انحطاط مدرسه گندهاره بسرعت تمامی تا عصر « گپتا » ادامه یافت - آنوقت صنعت هیکل سازی دوباره احیا گردیده ولی تمایلات بکلی بر خلاف خط مشی سابق بود. در زمان تالیف « شلیا شاسترا » و خصوصاً « مانساره »، که آنهم در همین عهد صورت گرفت، صنعت قدیمه مدرسه گندهاره بکلی ببرد - و هیکل سازی کلاسیک هند ابدأ به آن نمونه ها نیست. برای احیای مجدد مدرسه مذکور در قرن ۱۶ مسیحی در

سالنامه « کابل »

۱. یالت جنوبی از جزیره نمای هند، در عهد حکمرانی « کرشایه نیسا که »
باشنده « ما دوره »، مساعی بعمل آمد (۱) ولی منجر به ناکامی گردیده
و مدرسه هیکل سازی در اویدی بکلی خاتمه پذیرفت .

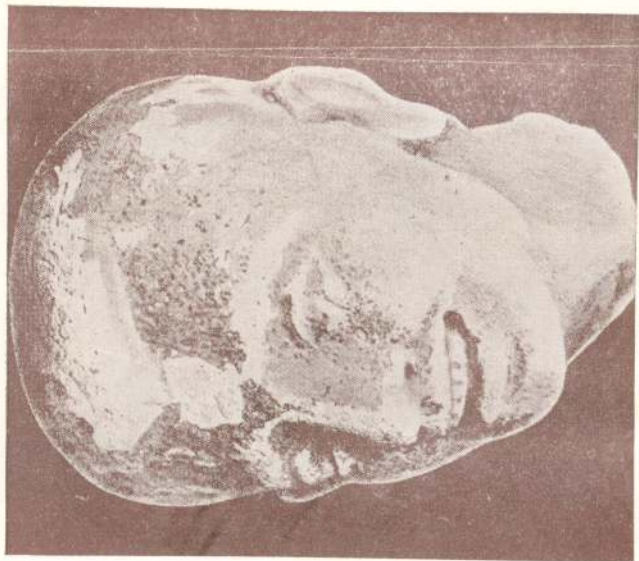
نتایجی که ازین مطالعات عمیق و ممتد بدستم آمد قرار ذیل است :

۱ - مدرسه معروف به مدرسه « گریکو بودیک » یعنی یونانی و بودائی ،
در مرکز مقبوضات یونانی شرق ، انکشاف و ارتقا پذیرفته ، بلکه در صفحات
جنوب هندوکش (افغانستان) و ولایات شمال غربی هندوستان ، رونق و فروغ یافته است .

۲ - مرکز این مدرسه ، « هده » معلوم میشود که بمبادین جلال آباد
فاصله ۶ میل بجنوب شهر مذکور واقع است .

۳ - مدرسه گریکو بودیک گندهاره ، ابدأ از افکار و صنایع یونان

(۱) بنده بعضی از شاهکارهای « مدرسه ما دوره » را در مقاله
A Realistic School of Indian Sculpture in
the 16th century. « مدرسه هیکل سازی حقیقه: پسند هند »
منتشره در مجله یونیورسیتی بمبئی (قسمت تاریخ) ج ۱ ص ۱۳-۱۸ بین
نموده ام و در انوقت برای تعبیر ظهور ناگهانی آن هیاکل که حقیقت کارانه
و مملو از حیات تمثیل یافته ، نفوذ اروپائی را دخیل میدانستم ، لاکن
حالاً میفهمم که سهو نهوده ام و هیاکل مزبور ، نتیجه طبعی افکار زیباییاتی
تراویدی بوده . درواقع ، جمع کنندگان آثار طونجی هندی ، خوب
میدانند که آن مجسمه هائی که از زمین خالص دراویدی مکشوف گردیده
بالموم خیلی استادانه و ماهرانه تر است نسبت به مجسمه های مکشوفه از ولایات
شمالی که تمدن صنعتی آراین درانجا نفوذ بیشتری داشت .



لوحة ۱۷ - الف سر یکتفر در ویش بودائی ، در حال سرور
از هده مکشوف و در موزه گیمه پاریس موجود است
Pl. XVII a. Hadda tête d'un bhikkhu riant
Musée guimet, Paris



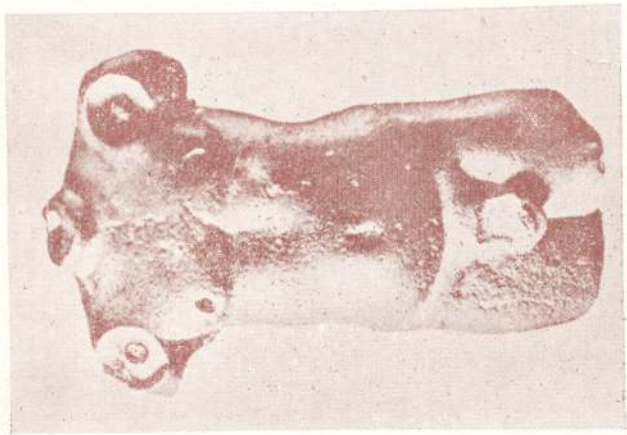
ب : سر یکتفر دختر که چشان بادامی داشته ،
از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'une jeune fille ayant des
eux en forme d'amande (Musée de Kaboul)



ب : مجسمه بودا - که عابرا به طرز یونانی پوشیده
از هدده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
*b. Hadda. Statuette de Buddha portant
le sanghati à la façon grecque
Musée de Kaboul*



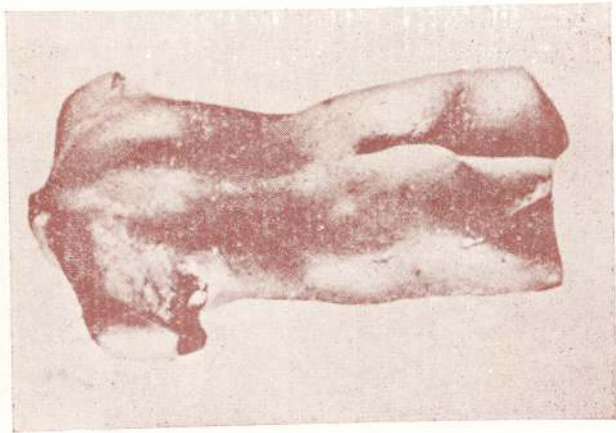
لوحه ۱- الف : سر بودا - از هدده مکشوف و
در موزیم کابل موجود است
*Pl. XVIII a. Hadda. Profile de la tête de
Buddha (Musée de Kaboul)*



لوحة الف: مجسمه شکسته که از هرب په کشف شده.

Pl. XIX a. Torse trouvée à Harappa

Copyright. Archaeological Survey of India



ب : پشت مجسمه شکسته مکشوفه از هرب په

b. Torse trouvée à Harappa (l'envers)



لوحة ۲۰ الف: مهر مکشوفه از موهنجو دیر و
Pl. XX a. Mohenjo Daro: une scelle
Copyright. Archoeological Survey of India



ب: مها یر بنی پانا - از سوات کشف و در موزیم لاهور موجود است
b. Swat. Le Mahaparinibbana (Musée de Lahore)



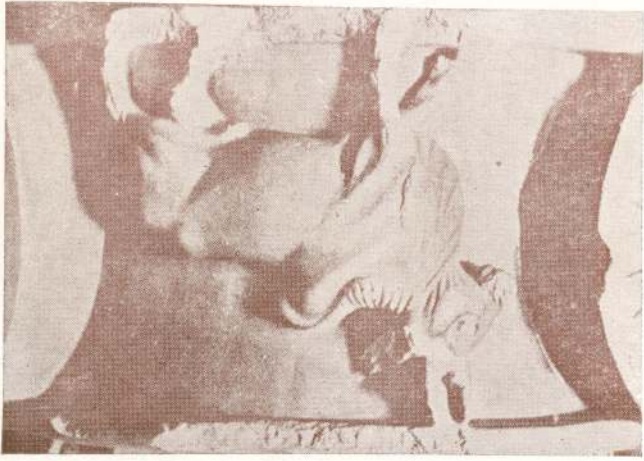
ب : سر يك پچه - از هده كشف و در موزيم كابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un garçon (Musée de Kaboul)



لوحة ۲۱ - الف : سر يك پچه - از ياتلي پوترا كشف و در
موزيم يتته موجود است

Pl. XXI a. Pataliputra. Tête d'un garçon
Musée de Patna

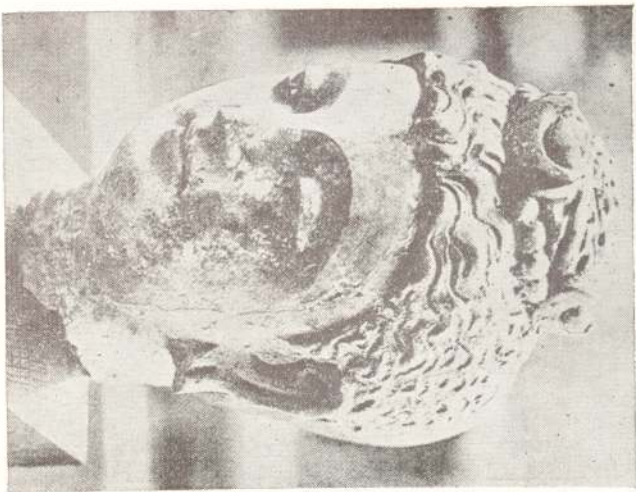
ب : ستالیک بولک : بولک : ستون ۲ جوتای بولک داره - و از
کاره کتبی منه



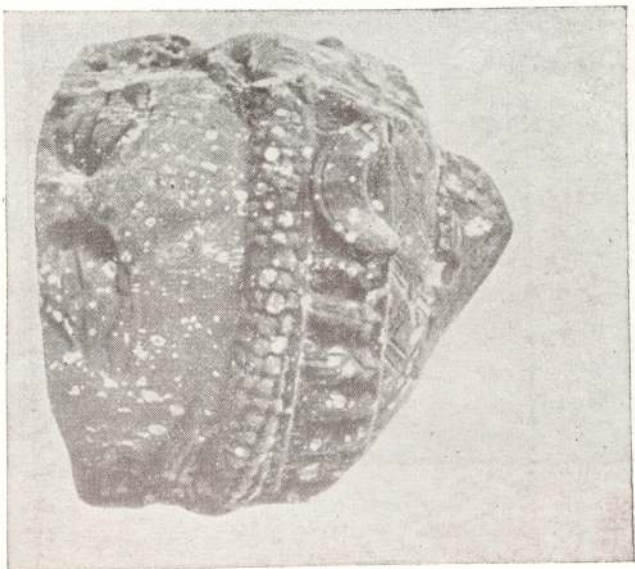
Pl. XXII a. Sarnath. Elephant debout sur le pilier d'Asoka
Copyright. Archaeological Survey of India

نوعه ۲۲ الب : ستالیک بولک : بولک : ستون ۲ جوتای بولک داره





ب : کلاه‌هی که با چند هلال، زینت یافته - از هند
مکتوف و در موزیم کا بل موجود است
b. *Hadda. Coiffure ornée de croissants*
Musée de Kaboul



لوحه ۲۳- الف : کلاه‌هی که با هلالی مزین گردیده
(موزیم ماتورا)
Pl. XXIII a. *Coiffure ornée de croissant*
Musée de Mathura



ب : کلاهی که با تمثال انسانی زینت یافته - از همد
کنف و در موزه گینه، پاریس موجود است

b. Hadda, Coiffure ornée d'une figure humaine
Musée Guimet, Paris



لوحة ۲۴- الف : پانیکا و هرتی - از پشاور

کنف و در موزیم پشاور قرار دارد

Pl. XXIV a. Peshawar. Pancika et
Hariti (Musée de Peshawar)

متأثر نگردیده - و با اینکه آثار صنعتی گندهاره ، ظاهرأ با آثار صنعتی مدرسه یونان متماس معلوم میشود ، مگر از نقطه نصب العین و طرز عمل بکلی ازهم اختلاف دارند .

۴ - هدف و آمال مدرسه گندهاره ، تمثیل حقیقت بوده ، نه فقط حسن جسمانی انسان - اینست که مدرسه گندهاره چنان احساسات و عواطف روحی را در آثار خویش ارائه داده که هرگز در تجربه مدرسه یونان نگذشته است .

۵ - مدرسه گندهاره ، فقط دنباله صنعت قدیمه ملت دراویدی میباشد که نخستین نمونه های صنعتی معلومه آنها از مقام « هرپ به » و « موهنجودیرو » بدست آمده .

۶ - مدرسه گندهاره ، در اثر حمایت مخصوص کنشکار رونق یافت . و انحطاط صنعت مدرسه مزبور ، بیاعت دخالت صنعت کران آریائی در بین هیکل سازان دراویدی ، صورت گرفت .



مادرعین حالیکه زحمات نویسنده فاضل را که درین مقاله نسبت به روشن ساختن تاریخ قدیم ما متحمل شده اند ، تقدیر مینمائیم ، اما مسئولیت نظریات مذکور را به خود نگارنده محترم میگذاریم - « انجمن »

تاریخچه ادبیات افغانستان

قسمت دوم

دوره دوم: عصر مغول و تیموریان

بقلم جناب محمد کریم خان نریهی عضو انجمن

عصر مغول:

در اوائل قرن هفتم هجری مس از آنکه شاهنشاه افغانستان شهاب الدین ابوالمظفر محمد بن سام غوری در دهک (۱) (از قرای غزنه) بقتل رسید، (در ۶۰۲ هـ) فتور بزرگی در امور سیاسی و مملکتداری این سرزمین واقع شد. قلم رو و کشور پهناي شاهنشاهی وی از هم پاشیده، بین بازماندگان و دست نشاندهگان او تقسیم یافت. فیروز کوه، بامیان، غزنه و هندوستان هر یک مجزی و علیحده شدند. و در هر یک از این سرزمین سلطنتهای جداگانه تاسیس یافت، چنانکه سلطان غیاث الدین محمود بن محمد بن سام (برادر زاده وی) در فیروز کوه و ملک جلال الدین علی بها و الدین سام آخرین ملوک غور بامیان در بامیان و تاج الدین یلدرز و قطب الدین ایبک از غلامان سلطان مذکور در غزنه و دهلی خود را پادشاه و سایه خدا خوانده، علم استقلال برافراشتند و مملکت وسیع و پهناور شاهنشاه با عظمت غور تجزیه گردید.

و چندان بران نگذشته بود، که زرگترین قوهای آنروز آسبا خوارزم شاهیان از موقع استفاده نموده بفکر تسخیر افغانستان برآمدند. و مقتدرترین یادشاهان آنزمان علاءالدین محمد خوارزم شاه با لشکری انبوه بافغانستان هجوم آورده، در ۶۰۷ هـ فیروزکوه را تسخیر نمود و بهاءالدین سام پسرغیاثالدین آخرین یادشاه غوری آن دیار را اسیر گرفت. و سپس ازان کمر بزم استیلای بامیان بسته، آنسرزمین را نیز به تصرف خویشتن درآورد و جلالالدین علی بن بهاءالدین سام یادشاه آن دیار را از زیر تیغ بیدریغ گذراند. و بسطتت غوریه فیروزکوه و بامیان یکجا خاتمه داد (در ۶۰۹ هـ).

هنوز شیرازه امور از هم گسیخته این مملکت ستم دیده بهم نیامده و خوارزم شاهیان نفسی باسراحت در افغانستان نکشیده بودند، که در (۶۱۶) سیلاب خانما نسوز مغل از ماورای سیردریا سرازیرگشته بآنی ماورالنهر را یامال و قلمرو و سبع خوارزم شاهی رازبرور و ساخت. چنگیزخان پس ازتسخیر ماورالنهر با لشکر انبوه و پشمار آمو دریا را عبور نموده روی بافغانستان نهاد، ابتدا ترحندسپس بلخ رامعاقب یکدیگر قتل عام نموده چون کف دست هموار ساخت، و از آنجا پسر خود تولیخان را که با او همراه بود به تسخیر خراسان گماشته. خود عزیمت طالقان نمود. اردوی سفاک مغل بقیادت تولی خان هرات را استیلا نموده. پس از غارت و چپاول آنصفحات بازگشت و در حدود طالقان بچنگیزخان به پیوستند. و متحد آهر دو اردوی مغل، طالقان و بامیان را بخرابه زاری بدل ساخته به تعاقب جلالالدین مینکبرنی بغزنین و تاساحل شط سند شتافتند و در عرض راه بهر شهر و معموره نیکه

ر سیدند از آبادانی اثری نگذاشتند، همه را چور و چپاول، غارت و یغما نموده با خاک سیاه برابر ساختند. (۶۱۸) ششصد و هزده.

بنا بر بزرگترین خبط سیاسی که علاء الدین محمد خوارزم شاه مرتکب شد، استیلای مغل در افغانستان نیز بمثل سائر اسبای مرکزی بدیهی بود. ولی پناه گزینی جلال الدین خوارزم شاه در افغانستان و توطئه های عسکری و سیاسی او بر ضد چنگیز، مقاومت های سر دانه اهالی این سرزمین و بالاخره کشته شدن یکی از شهزاده گان چغتائی در بامیان، هر یک بجای و ثبوت خود چنگیز و اردوی خونخوار او را عصبانی ساخته بشدت او افزود و در نتیجه چنان شد که مغل تمام قوت و بربریت خود را صرف تسخیر و تخریب افغانستان نموده از هر نقطه این سرزمین که عبور نمودند به نسبت سائر دیار بیشتر بغارت و چپاول آن کوشیدند. و چنانکه در بالا تذکر رفت، شهرهای بزرگ و غمده افغانستان را که هر یک در آن عصر از بهترین مراکز علمی و ادبی دنیا بشمار میرفت با فجع ترین صورتی منهدم و لگد کوب سم ستوران خویش نمودند، اهالی را از خورد تا بزرگ از پیر تا برنا بقتل رسانده طوری بانهدام تمدن و احای معارف فعالیت نشان دادند، که زمانه نظیر آنرا بیاد نداشت.

پس از مرگ چنگیز در سال ۶۲۴ ششصد و بیست و چار مملکت و سبع او بین اخلاف و بازماندگان او تقسیم یافت و قرعه استملاک افغانستان بنام پسر دوم او چغتای خان برآمد، حکومت ماورالنهر و قسمت مهم افغانستان یعنی بلخ، تخارستان، کابل و غزنه تا کنار رود سند تعلق بوی گرفت. ولی با آنهم افغانستان بصورت ملوک الطوائفی اداره میشد.

تا ظهور تیمور پان هرات (که ذکر آن گفته آید) سلطنت مقتدری در

افغانستان وجودنداشت که بمنثل سامانی ها ، غز نوپها و غوری ها مملکت را در زیر اداره و نظام واحدی بیاورد . باستانی ملوک کورت از امرای بومی نیز چنان اشخاصی ظهور نکرد که در باری از خود داشته باشند و به تربیه و پرورش شعرا و نویسندگان اهتمام نموده بواسطه تشویق و بخششهای مالی هم باحبابی نام و هم باستواری ادبیات کوشند و کاخ در شکسته آنرا که رو باهدام میرفت بقدر وسع ترمیم نمایند .

بناء علیه این دامنه بدبختی و این اوضاع نکبت آلود تا قرن نهم هجری کشید . افغانستان بحال فلاکت و افلاس ادبی دوچار شده با بکمال مصائب و بدبختی دست بگریبان بود . شیرازه امور اجتماعی ازهم گسیخته ، اوضاع اقتصادی در هم و برهم ، مدنیت و عمران خراب و ویران ، علما و فضلا همه از بین رفته ، کتب و آثار علمی و ادبی نایاب و مفقود بود ، در عوض یک بی انتظامی راحت فر سائی در سر تا سر مملکت حکم فرما گشته بازار علم و فضل را کساد ساخته بود .

همانست که این مدت دو قرن رازمان فترت و دومین دوره بدبختی افغانستان باید شمرد . و باز هم در اوایل این دوره گلهای چندی که در بستان بی آب خشکیده ادبیات این سر زمین دیده میشود ، از تاثیرات از منته گشته است که در قرن هفتم بصورت گلهای خود رو روئیده و بکمال رسیده اند .

قرن هفتم و شعرای آن :

یکانه آفتاب درخشان افق گرد آلو ادبیات قرن هفتم ، حضرت مولینا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین خطیبی بگری بلخی است معروف بهلای روم

که از اعظام عرفا و اکابر فضیلتی دوران بود. چنانکه نه تنها در قرن هفتم بل در قرن سابق و لاحق بیابیم بزرگی، فضل و عرفان او کمتر کسی بنظر میرسد.

و پیش از آن که ترجمه حال این عارف نگاشته آید، اگر شمه از احوال والد بزرگوار او با کوائف مهاجرتشان از بلخ به پردازیم بی مناسب نخواهد بود.

پدر مولینا که اسمشان محمد و لقبش بها الدین و معروف به بها الدین ولد است، از عظام علما و رجال بانفوذ بلخ بود. در علوم نقلیه و عقلیه مرتبه ارجمند داشت و همیشه در تدریس و افاده علوم بسر برده، بیهسته در امر و نبی از منکرات موعظه مینمود. چنانکه در بلخ جماعت بزرگی از خواص و عوام دریای منبر او حاضر شده استماع مواعظ او می نمودند. و از ته دل و جان بسخنان حکمت آمیز او گرویده بودند. تا آنکه رفته رفته این نفوذ او با ازادات و اخلاص مردم به نسبت وی سلطان علاء الدین خوارزم شاه را که نو در افغانستان تسلط یافته بود، در باره وی متغیر نموده، بحسد و رشک و ادا ساخت و بمعادات مولینا برخاست. مولینا بها الدین از بن او ضاع نا هنجار او رنجیده خاطر گشته، در صدد مهاجرت افتاده، با پسر خود جلال الدین (که هنوز بلوغ نرسیده بود) و سایر اهل و عیال و اصحاب یکجا از بلخ خارج گردیده بز یارت بیت الله و ادای فریضه حج روانه شد و سوگند یاد نمود، که تا محمد خوارزم شاه بمسند حکمرانی قائم است به بلخ نیاید. و همان بود که از راه هرات و نیشاپور بصوب مقصود پرداخت، و در نیشاپور مولینا را با شیخ زمان فرید الدین عطار ملاقات دست داد. و در آن دید

و وادید جلال الدین با وجود صغر سن توجه شیخ را بخود جلب نمود . چنانکه شیخ کتاب اسرارنامه را بوی هدیه داد و درباره او بمولینا گفت « زود باشد که این پسر آتشی در سوختگان عالم زند » .

مولینا پس از عزیمت از نیشابور در هر شهر و ولایت که میرسید بزرگواران آن دیار مقدم او را عزیز و غنیمت شمرده با احترام او می گماشتند و استفاده های ظاهری و باطنی از وی می نمودند . تا آنکه بادای فریضه حج نائل آمد . ویس از ایفای فریضه ، آهنگ مسافرت بدیار شام جهت زیارت انبیا علیهم السلام نمود . و از آنجا بسرمین روم (آسیای کوچک) افتاده و در بلده لارنده از مضافات آسیای کوچک متوطن شد و هم در آنجا یسر خود جلال الدین را بسن هژده سالگی که خدا ساخت تا آنکه در سال ۶۲۳ شصصد و بیست و سه درانشهر پرسی خدا بجلال الدین بخشید که آن راسلطان ولد نام نهادند . ویس از ولادت آن مولود مولینا بهاء الدین محمد باجمع اهل بیت و متعلقین خود از لارنده بقونیه تشریف برد ، و در آنجا اقامت گزید و این مصادف بود با روز گاردولت سلطان علاء الدین کیتباد از سلاجقه روم . و اهل آن دیار قدوم او را گرامی و مبارک شمرده با کمال بهجت پذیرفتند و بانتهای درجه مرید و معتقد او شدند . و هم چنان سلطان زمان نیز از هیچ یک نوع ارادت و اخلاص درباره او کوتاهی نکرد . انعام و اکرام زاید الوصف درباره وی معمول داشت ، چنانکه مولینا جلال الدین در مثنوی اشاره بدان میکند .

و مولینا بهاء الدین او اواخر عمر خویش را در آسیای کوچک قرین احترام و اعزاز گذراند . سمته پیشوائی و تقدم بر جمیع علما و فضیلتی آن دیار داشت تا آنکه در سال ۶۳۱ شصصد و سی و یک هجری بجزوار رحمت ایزدی پیوست .

مولینا جلال الدین ، اسم مبارکش محمد ولقبش جلال الدین است . و باتفاق مورخین در ششم ربیع الاول سال ۶۰۶ ششصد و چهار هجری قمری در بلخ زینت افرای عالم هستی گردید و چنانکه در ترجمه حال والد بزرگوارش تذکار یافت در خورد سالی از وطن اصلی خود بلخ بمعیت والد خود خارج گشته ، پس از ادای حج و سفر حجاز و شامات درلارنده متهل گشت و زمانی بعد از آنجا نیز بهمراهی والد خود روانه قونیه گشته در آن سرزمین متوطن شد تا آنکه پس از فوت پدر و صلاحیت ذاتی خویش جانشین او گشته ، پیشوای اصحاب او گردید ، کمال و فضیلت ظاهری و باطنی که او داشت در احترام و وجاهت او بین الخواص و العوام افزوده ، از پدر نیز گوئی سبقت ربود . و از سلطان تا گداهمه ربه اعتقاد و اطاعت او را در گردن داشتند . و همیشه بتدریس علوم و تربیه انبای آند یار میرداخت چنانکه منقول است در محضر درس وی فزون تر از چهار صد طالب العلم حاضر میشدند .

تا آنکه رفته رفته شور عشق و هوای درد دامنگیر او گشته ، قناعت او را به نسبت اینهمه جاه و جلال ظاهری سلب نمود و از عالم ظاهری حضوری نمی یافت . و دست بدامن تصوف و عرفان زده ، بمعالجه درد و تسکین آلام درونی خود بر آمد . و قلباً تشنه صحبت نفوسی بود که بتواند از فیض ایشان التهاب روحی خود را فرو نشاندند چنانکه بکمال ظاهری رسیده است بسر حد معنی نیز رسد . و با وجودیکه در اوائل حال مرید سید برهان الدین ترمذی بود ، باز هم از جستجوی اهل حال نفسی با ستراحت نمی کشید تا آنکه در سال ۶۴۲ ششصد و چهل دو هجری روزی شمس الدین محمد معروف بشمس تبریزی در عرض راه بوی بر خورد و شکار خرد

میخواندند. و شب و روز بسماع اشتغال داشت و همواره اشعار عاشقانه و شور انگیزی در عشق و فراق او میسرود. چنانکه مجموع آن ابیات را از سی و شش هزار تا پنجاه هزار و بیشتر از آن گفته اند.

مولینا و شیخ احسام الدین: مولینا پس از جدائی از پیر خویش شیخ شمس الدین تبریزی در اواخر نیمه اول قرن هفتم مدت درازی بحالت جذب بود، تا که در اوائل نیمه دوم قرن هفتم مصاحبت شیخ العارفین حسام الدین ضیاء الحق چلبی قونوی بوی دست داد و هر دو گر ویده همدگر گشته، شب و روز متمادی باهم بسر می بردند.

مثنوی و حسام الدین: مولوی مثنوی معنوی را بنا بر التماس و خواهش اوبشیوه الهی نامه و منطق الطیر عطار برشته نظم کشید و هر دو از اول شب تا طلوع فجر باهم می نشستند. مولینا املا میفرمود و شیخ می نوشت.

مقارن انجام دفتر اول زوجه شیخ حسام الدین وفات یافت. و بنا بران مدتی شیخ بخدمت مولینا رسیده نتوانسته در تالیف مثنوی سگته و توفقی حاصل گشت و بقول صاحب خزینه الاصفیا این سگته کی تا مدت دو سال دوام نمود. ولی باز شیخ دو باره بخدمت مولینا رسیده باو پیوست و مولینا مجدداً باصرار او شروع بنظم دفتر دوم نمود. چنانکه خود در ابتدای دفتر دوم اشاره به تعویق افتادن مثنوی نموده میفرماید:

مدتی این مثنوی تا خیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد

و نیز نسبت بغیاب شیخ میفرماید:

چون ضیاء الحق حسام الدین عنان باز گردانید سوی آسمان

چون بهراج حقایق رفته بود بی بهارش غنچه ها نشکفته بود

چون ز دریا سوی ساحل باز گشت چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
بلبلی زینجا برفت و باز گشت بهر صید این معانی باز گشت
و بطوریکه خود نیز بعد ازان میفرماید (مطلع تاریخ این سو داو
سو د - سال هجرت ششصد و شصت و دو بود) ظاهراً شروع مولینا بنظم
دفتر دوم مثنوی در سال ۶۶۲ بوده است .

و بدین تقریب اگر قول صاحب خزینة الاصفیا حقیقه داشته و بواسطه
فوت عیال شیخ دو ساله تعطیلی از اتمام دفتر اول تا آغاز دفتر دوم رو
داده باشد ، مستلزم آنست که اتمام دفتر اول در سال ششصد و شصت
هجری بوده است .

و بر علاوه مدت دو سال که شیخ بواسطه وفات زوجه خود دوچار
شکنجه آلام و مصائب فراق بود . باز هم تا اتمام دفتر دوم نقاهت طبعش
بکلی زائل نگشته ، اثر این فراق و آتش سوز و گداز آن هنوز در
شهرستان وجودش حکمفرما بود چنانکه از دیباچه دفتر سوم معلوم میشود
که مشارالیه را تسلی داده چنین می گوید :

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سوم دفتر که سنت شد سه بار
بر کشا گنجینه اسرار را در سوم دفتر بهل اغذار را
و هم چنان باز به بیوفائی حیات و طبیعی بودن سرگت اشاره نموده
شیخ را بخلود اهل عقبی صبر و تسلیمت داده می فرماید :

جمله عالم آکل و ما کول دان با قیا نرا مقبل و مقبول دان
این جهان وسا کنانش منتشر وان جهان وسا کنانش مستمر
این جهان و عاشقانش منقطع اهل آن عالم مخلد مجتمع

و اینکه مولینا مثنوی را بنا بر خواهش شیخ حسام الدین منظوم نموده. چای شبه نیست چنانکه خود مولینا در آغاز دفتر چهارم بدان تصریح فرموده و از شیخ منت گذاری نموده میگوید که علت و باعث نظم مثنوی تو بوده. نه چیز دیگری و در اثر شوق و همت تو بود که مثنوی بوجود آمد (ایضاً الخ

می کشد اینرا خداوند کجا	همت عالی توای مرتجا
مبکشی آنسو که تو دانسته	گردن این مثنوی را بسته
تا بد بد از جاهلی کش نیست دید	مثنوی یویان کشته ناید
گر فزون گردد تو اش افزوده	مثنوی را چون تو مبدأ بوده
میدهد حق آرزوی منتقین	تو چنان خواهی خدا خواهد چنین
تا که کسان الله له آمد جزا	کسان الله بوده در ماضی
در دعا و شکر کفها بر فراشت	مثنوی از توهناران شکر یافت
فضل کرد و لطف فرمود و مزید	در لب و گفتش خدا شکر تو دید
آنچنانکه قرب مزد سجده است	زانکه شا کر ز یادت وعده است
قرب جان شد سجده ابدان ما	گفت و اسجد و اقرب یزدان ما
نز برای بوش و های و هو بود	گر ز یادت میشود زینرو بود
ای امیر صبر مفتاح الفرج	خوش بکش این کار و انرا تا بحج

و هم چنان باز در ین باب دفتر پنجم را چنین آغاز مینماید :

(شه حسام الدین که نور انجم است طالب آغاز سفر پنجم است)

و هم چنان باز مولینا میل خود را بنظم دفتر ششم ضاهر ساخته ، در آغاز دفتر مذکور خطا با بشیخ میفرماید که جذب تو بود تا مثنوی گرد آمد . و این.

قسم ششم را من به پیشگاه رضای تو پیشکش میکنم . وهم چنان درد فتر ششم
مثنوی را حسامی نامه مو سوم ساخته در بشارت میفرماید :

ای حیات دل حسام الدین بسی	میل هیچو شد بقسم سادسی
گشت از جذب تو چون علامه	در جهان کرد این حسامی نامه
پیشکش بهر رضایت میکنم	در تمام مثنوی قسم ششم
پیشکش میآرمت ای معنوی	قسم سادس در تمام مثنوی
ششجهت را نورده زین شش صحف	کی بطواف حواله من لم یطف

خلاصه اینکه مواینا مثنوی را بتشویق و بنا بر التماس یار و مصاحب عرفان
خود شیخ حسام الدین منظوم ساخته و ازین رهگذر خدمت بزرگی بعالم
عرفان و ادبیات فارسی نمود .

ناگفته نماند که مولوی د فتر ششم را تمام نکرد بلکه قصه شهزاد گانرا
نیز ناتمام گذاشته دفعه اب ازسخن سرائی فرو بست و علت حقیقی آن معلوم
نشده ، که چه بود . ولی اینقدر سلطان ولد در خاتمه مثنوی که از او است
میگوید : چون دیدم که قصه شهزادگان ناتمام مانده و مدت است که یدرم با تمام
آن نمی پردازد . لهذا علت ازو جو یا شدم و گفتم که چرا دیگر سخن نمیگوئید
و در علم لدن را بروی مردم بستید . در جواب گفت که نظرم ازین پس چون
شتر بغفت و باقی شرح این در درون بطوری بسته شد که دیگر بیرون نیاید .
و اکنون وقت رحلت نزدیک شده و گفتگو با عمر یکجا با آخر رسیده ،
و بقیه این قصه در دل آنانیکه نورجان دارند یعنی از عرفان باخبر اند بدون
امداد زمان ظاهر و تاثیر خود را خواهد بخشید .

و اینکه دولت‌شاه مینویسد که مولینا ابتدا دست ارادت بشیخ صلاح الدین زرکوب و بعد از آن باخی ترک و سپهر، شیخ حسام‌الدین داده، بانها مرید شد. یا آنکه اخیر سر دو چار شیخ شمس الدین تبریزی گشته بدینا پشت یازد و همچنان باز مینویسد که وفات مولینا قبل از وفات مرشد و پیرش شمس الدین واقع شده، جمیع آنها خالی از حقیقت تاریخی است. چه اول از همه شیخ صلاح الدین زرکوب (که بعقیده او پیر مولینا بوده) بقرار روایت صاحب خزینة الاصفیا و دیگران بالعکس مرید مولینا بوده و از مولینا تریه دیده و استفادهای معنوی کرده و مدت دو سال بخدمت مولینا بسر میرده تا آنکه در خدمت مولینا از پنجپان ارتحال نمود.

دوم اخی ترک که دولت‌شاه او را شخصی علیحده و حسام الدین را شخص علیحده دانسته است، از جمله اشتباهات است که نه تنها دولت‌شاه مرتکب آن شده بلکه صاحب خزینة الاصفیا نیز بهمین سهو دو چار گشته اخی ترک را والد جد حسام الدین نوشته است، و حالا آنکه (برعلاوه کتب دیگر) از مقدمه عربی دفتر اول مثنوی که بقلم خود مولیناست، ظاهر است که اخی ترک لقب حسام الدین بوده و مشارالیه بدان شهرت داشته است. چنانکه در آنجا میفرماید: (اجتهدت فی تطویل المنظوم المثنوی، . . . لا ستد عا سیدی . . . ابوالفضائل حسام الدین حسن بن محمد بن حسن البلیخی المعروف ابن اخی ترک)

وسیوم: مسئله شخص حسام الدین است که در آن نیز دولت‌شاه دوغلطی فاحشی را مرتکب شده (الف) مولینا را مرید حسام الدین دانسته و (ب) خصوصیت و داد مولینا را با او قبل از رسیدن مولینا بصحبت شمس تبریزی تصور کرده است. (الف) راجع مسئله مرید شدن مولینا بشیخ حسام الدین همان است که حقیقتی

نداشته چه اگر چنین چیزی میبود. ناممکن بود که مورخین و تذکره نویسان در آثار خود ازان تذکاری نمیکردند. و حال اینکه بغیر از تذکره دو لکشاه در هیچ يك کتاب و تذکره دیده نشد که مولینا را مرید حسام الدین نوشته باشند و بلکه بالعکس همه مولینا را پیر و حسام الدین را مرید او مینویسند و بر علاوه از دیباچه عربی مثنوی که در آنجا مولینا راجع به وصف شیخ حسام الدین میفرماید (لاستد عاسیدی وسندی ومعتمدی ومکان الروح من جسدی ذخیره یومی وغدی وهوشیخ قذوة العارفين الخ . .) بخوبی روشن است که مولینا مرید حسام الدین نبی بلکه برعکس شیخ حسام الدین مرید او بوده. زیرا که اطلاق ذخیره یومی وغدی از طرف پیر بر مرید مقبول و بالعکس از جانب مرید به پیر خطا است و هیچگاه مرید پیر خود را ذخیره فردا (یعنی خلف خود) نخواهد خواند.

(ب) تنها در باره معرفت مولینا با شیخ حسام الدین چیزی گفته نمیتوانیم و شاید که شناسائی ایشان با هم، قبل از رسیدن مولینا بخدمت شمس الدین تبریزی صورت گرفته باشد. اما اینکه مولینا قبل از شمس تبریزی با وی وداد و خصوصیتی داشته قابل اعتبار نیست. چه بر علاوه اخباریکه جسته جسته در بعضی از کتب مانند ایماق مغل، مفتاح و خزینة الاصفیا و غیره و غیره بنظر رسیده و همه آن ناقض قول دو لکشاه است، باز هم يك سلسله اطلاعات موثقی نیز از مطالعه خود مثنوی و تتبع در احوال مولینا بدست می آید که هر يك در جای خود ضعف و سقم گفته دولکشاه را ثابت نموده بهترین دلیلی است بر ابطال قول او که عبارت است از خصوصیت مولینا با حسام الدین قبل از شمس.

زیرا که از همه اول از شروع مولینا بنظم مثنوی که تاریخ آغاز دفتر دوم آن بقول خود او در ۶۶۲ ششصد و شصت و دو بوده، هم چنان از تذکره کار مولینا

(باستثنای دفتر اول) درجیع دفاتر مثنوی از حسام الدین ، و بالاخره از تصریح سلطان ولد پسر مولوی درخاتمۀ مثنوی که میگوید والدیم قصۀ شهزادگان را ناتمام گذاشته از شعر گفتن بس کرد و بعد ازان تا آخر حیات لب بشعر نکشود ، و هکذا از وجود دیوان غزلیات مولوی (که بنام شمس تبریزی معروف بوده و در حقیقت اشعاری است که مولینا در عشق و فراق شمس گفته و کسی ازان انکار نموده نمیتواند) و بالاخره از اینکه مینویسند چون حسام الدین اسرار نامه والهی نامه را بدید ، از مولینا خواهش نمود که از غزل گفتن بس نماید و بشبوه مثنویهای مذکور مثنوی بسازد ، بخوبی واضح و مدلل میشود که خصوصیت او داد مولینا یا حسام الدین یقیناً بعد از شمس بوده ، و شرح آن بقرار ذیل است که ما خلاصۀ آنرا در اینجا مندرک میشویم :

چون مولینا بواسطۀ آنشیکه شمس تبریزی در کانون قلب او افروخته بود ، همیچگاه آرام نداشت ، و همیشه برای تسکین خاطر آشفته خویش ب جستجوی اهل حال و چنان اشخاص با دردی بود ، که کم از کم بوی شمس را از وی دریافته ، از حضور ایشان حزن و اندوه او بکاهد و همان و لذات روحی و معنوی که از صحبت شمس بوی دست میداد از مصاحبت آنها نیز حاصل نماید ، تا آنکه با حسام الدین بر خورده او را بطور دلخواه یافت و چنانکه در ایماق مغل نوشته آمده ، از او ضاع و اطوار او شاد و بصحبت او متسلی بود . و آلام دیرینه را بدان تسکین می بخشید و مثنوی را بخواش او ساخته تا آخر عمر با وی بود .

اما ادعای آخرین دولتشاه که مینویسد وفات مولینا قبل از وفات شمس تبریزی بوده ، نهایت مضحک و خنده آورست . چه باصح روایات و اجامعایات

تاریخ وفات یا ناپدید شدن شمس تبریزی در سال (۶۴۰) ششصد و چهل و پنج هجری قمری است. و حال آنکه مولینا مدت مدیدی بعد از آن در قید حیات بوده، و هفده سال بعد از آن تاریخ شروع بدفتر دوم مثنوی نموده است. و این نیز بجای خود یگانه دلیللی است بر اینکه خصوصیت مولینا با شمس تبریزی بسالها قبل از خصوصیت و دوستی او با شیخ حسام‌الدین بوده. و بعقیده دولتشاه بالفرض اگر وفات مولینا قبل از شمس تبریزی بوده و مشارالیه در هنگام تألیف مثنوی حیات میداشت، پس چگونه میشود که مولینا با آنهمه ارادت و اخلاصی که در باره او داشته و همیشه بدرود او میسوخت در مثنوی از او یاد نمیکرد؟

ولی ناگفته نماند که ابن پیری و مریدی مولیا و حسام‌الدین نیز از قبیل پیری و مریدی دوروزه انای روزگار نبود، بلکه متضمن هزاران باریکی و نکته هائست که عارف حقیقی میتواند آنرا ادراک نماید. و همچنانکه حسام‌الدین مولینا ارادت و اخلاص داشته، مولینا نیز او را بمنتها درجه احترام می نموده و بنظر بزرگواری می دیده و ازو همیشه بحرمت یاد کرده و در هر جازبان به تحسین او کوشوده و علو منزلت و مقام بلند او را بطوریکه شایسته شان اوست بدیگر ان ارائه و ظاهر میسازد. و همان است که در دفتر چهارم در تلخیص او بضیاءالدین میفرماید:

زان ضیا گفتم حسام‌الدین ترا که تو خورشیدی و این دو وصفها
کین حسام و این ضیا یکیست هین تیغ خورشید از ضیا باشد یقین
نور از آن با نباشد وین ضیا آن خورشید این فرو خوان از نیا

شمس را قرآن ضیا خواند ای پدر و انقمر را نور خواند این را نگر
شمس چون عالی تر آمد خود ز ما یس ضیا از نور افزون داشت جاه
یس کس اندر نور مه منهج ندید چون بر آمد آفتاب آنشدیدید
ویس از چند بیتی باز اورا بکلمه استاد یاد کرده در وصف مشارالیه گوید :

دیده غیبت چو غیب است اوستاد کم مباد ازین جهان این دیدو داد
و همچنان باز اورا استاد خطاب نموده ، در تعریف وی در دفتر پنجم گوید :

ای ضیا ، الحق حسام الدین را د	اوستا دان صفارا اوستاد
گر نبودی خلق محجوب و کشف	ور نبودی خلقها تنگ و ضعیف
در مدیحت داد معنی داد می	غیر این منطق لیبی بکشاد می
شرح تو عیب است بر اهل جهان	همچو راز عشق دارم در عنان
مدح نو حیف است باز ندانان	گویم اندر مجمع روحانیان
مدح تعریف است و تخریق حجاب	فارغ است از مدح و تعریف آفتاب
قدر تو بگذشت از درك عقول	عقل در شرح شما شد بو الفضول
نور حقی و بحق جذاب جان	خلق در ظلمات و همد و گمان
شرط تعظیم است تا این نورخوش	گردد این بیدیدگانرا سر مه کش

وفات : وفات مولینارا بعضی در ۶۷۰ ششصد و هفتاد و بعضی در ۶۷۱ ششصد
و هفتاد و یک هجری قمری نگاشته اند و صحیح آن است که در پنجم
جماد الاخری سال ۶۷۲ ششصد و هفتاد و دو هجری قمری در قونیه از بنجهان
گذشت و سن مبارک در حدود (۶۹) شصت و نه سال بود . و همدرا آنجا
مدفون است . و مرقد او ز یار تنگه خاوص و عوام و اینکه در تند کرد .

دو لکشاه و فات او بارقام هند سی در سنه ۶۶۱ ششصد و شصت و یک نوشته آمده ظاهراً ناشی از تحریف ارقام و یا اشتباه نا سخ خواهد بود. چه در صورتیکه تولد مولوی در ۶۰۴ ششصد و چهار، و فات او بسن ۶۹ شصت و نه و همچنین شروع او بنظم دفتر دوم ۶۶۲ ششصد و ششت دو بتحقیق و روشن است چگونه میتوان قبول کرد که دو لکشاه دیده و دانسته مرتکب چنین خطاء فاحشی گشته باشد. و هکذا شبر خان نیز در مرآة الخیال بروایتی و فات او را بسال ۶۶۱ نوشته معلوم است که مأخذ او نیز دو لکشاه بوده و بدون شبه او نیز فدای سہو قلم کتاب گشته است.

گذشته ازین چیزیکه بیشتر به تعجب و حیرت ما افزاید، متاسفانه سہو (و یا ازحسن ظن) بی التفاضل تمیاز است که ازما سوف علیه «ادورد براون» درینمورد صا در شده. در صورتیکه از شان او بسیار دور است. و مشارالیه با آنهمه دقتی که در تصحیح تذکره دو لکشاه مطبوعه آیدن بکار برده چنانکه خود در مقدمه آن مینویسد، باز هم ملنفت ابن غلطی نشده، و دران و فات مولینا سال ۶۶۱ ششصد و شصت و یک هجری یعنی بدون تصحیح بهمان غلطی که در اصل نسخ دو لکشاه است بطبع رسیده. و بر علاوه جمله «بسن شصت و نه سالگی» نیز در کتاب مذکور از قلم افتاده. در حالیکه جمله مذکور هم در نسخه مطبوعه بمبئی در (۱۳۰۵) و هم در نسخه قلمی که دردسترس من فرار گرفته، موجود است. و ظاهراً ازان چنین استنباط میشود که گویا طابع و مصحح ماسوف علیه قصداً از جمله مذکور ظفره رفته. و بدین وسیله یکنوع تصحیحی در کتاب نموده است والا چگونه میشود که جمله باین بزرگی سہواً از قلم افتاده باشد. زیرا که از

گفته خود او در مقدمه کتاب واضح میشود که مشار الیه بر علاوه سه نسخه خطی، تذکره دولتشاه کتابخانه جامه کیمبر بیج و یک نسخه قلمی مال استاد « سردنسن راس »، نسخه مطبوعه بمبئی (در سال ۱۳۰۵) را نیز هنگام تصحیح در دست داشته بلکه یکی از ماخذ او بوده است. و بالفرض اگر جمله مذکور در نسخ خطی ماخذ او موجود نبود در نسخه طبع بمبئی که موجود بوده، و ازین بخوبی صحت و سقم سایر قسمت های دولتشاه طبع لیدن را قیاس توان کرد!

مشوی : هر چند بیکه هویت مشنوی و شهرت عالمگیر آن بلندتر از انست که در وصف آن چیزی نوشته آید. ولی بنا بر اقتضای وقت و مقام اگر سطری چند درین باب سپرد خامه شود خلاف نزاکت نخواهد بود. مشنوی اکثر از حوضه های ادبی و فلسفی شرق و اروپا را بانداره متأثر و گردیده خود ساخته که ازین حیث کمتر کتابی از مؤلفات بشر با او همسری کرده میتواند. و صرف نظر از عقیده و مذهب، قسمت مهم از علماء متفکرین دنیا برانند. چنانکه خود مولینا از اجله متصوفین و حکما و بوده در قطار رهنمایان حقیقی عالم بشریت قرار گرفته مشنوی معنوی او نیز از بزرگترین شاهکار های ادبی و فکری بشریت بشمار رفته یگانه کتاب جامعی است در حکمه و عرفان که تا کنون هیچ یک فریجه به تهیه فظیر آن کامیاب نشده.

هر حکایتی از ان حکمتی است که روزنه از بهارستان توحید بروی خواننده میکشاید و هر فیه از ان هدایتی است که او را بصراط مستقیم رهبری میکند کلام او را با اشعار دیگران مقایسه نمی توان کرد چه آن مجموعه الهامات است که بر ضمیر او از عالم قدس وارد شده و از زبان او بصورت شعر تراوش

کرده ، و موضوع آن بجز از توحید و معرفت در اسرار زندگی و کائنات چیز دیگر نیست .

لہذا تاثیرات آن نیز در عمیق ترین زوایای افکار بشر بصورت عام و قطعی بوده هر کسی را بخاطر خواه او از معاوضات خود بهره مند می سازد ؛ یا عاشق پیشگان از عشق بامتصوفین از عرفان و توحید ، بفراسفہ و حکما از حکمت و فلسفہ با ادبا از ادب و ادبیات و هکذا با هر شخص بقدر منظور و استعداد او حرف میزند و مطابق سلیقہ و ذوق وی صحبت میکند . چنانکہ خوانندہ پس از مطالعہ بیستی چند بقوہم آن می افتد کہ گویا در مقابل حکیمی دانا و نہایت شفیقی نشسته تمامی راز و اسرار نہانی خود را بمیان گذاشته است . و حکیم یکایک بحل مشکلات و عقد های قلبی او پرداختہ اورا برسدن بہدفع مقصود و آمال ہدایت و رہبری میکنند . و ہمیشکہ از مطالعہ فارغ شد ، یک انقلاب و تطور غریبی را در ذہنیت خود احساس می نماید . جمیع آلام و اضطرابات روحی او زائل گشته ، در عوض یک اشراح قلب و یک استراحت باطنی بوی دست میدہد کہ خارج از حد وصف و بیان است . و این یگانہ امتیاز است مشورہا بہ نسبت سائر کتب ادبی و تصوف و غیرہ کہ با انعکس تاثیر آنها بطبقہ مخصوصی از بشر منحصر است و بس . و ہمین است کہ آنرا قرآن یارسی خوانندہ اند .

سبک و اسلوب : سبک متنوی سبکی است سهل و ممتنع و ہر چند یکگاہ گاہ بعضی اضطراب و تشنجاتی ہم در کلمات و الفاظ آن دیدہ میشود . با آنہم ایانش سادہ و طبیعی و با کمال سلاست و انسجام است ، مشکلتترین مضامین حکمتی چنان در قاب الفاظ عذب و روانی جا یافته و بدون تکلیف با ندادہ شستہ ادا شدہ کہ گوئی با انسان محاورہ و صحبت می نماید . عبارات

با معانی برابر ، استحکام ترکیب ، حسن تمثیل و تحکیه که نمایندگی از پخته گی سبک و قریحه توانای شاعر می نماید به بهترین وجهی از تمامی ایات آن نمایان است . و هم چنان صدق عاضفه و صراحت لهجه از خلان اشعار آن می تابد . بخصوص دیباچه های آن بجدی مطبوع و سوزناک افتاده که از هریت آن یکعالم گرفتاری و رفت قلب می تراود . و هر مصرع ازان مضرابی بخاطر آشفته عاشق می نوازد . و گذشته از همه چیزیکه قابل بیشتر ستایش است اسلوب نهایت دل نشین آن است که تاثیر کلام را دوچند ساخته و آن چنان است که ابتدا زمینه يك مدعا را طرح می کند . و سپس از برای اثبات موضوعهای بدیع و دلکشی را از مسائل حیات بدست آورده و با يك لهجه نهایت ، پر از صداقت و شور انگیزی شروع بحکایت می نماید و در آخر قصه را بقسمی بهدق مقصود رسانده خاتمه می بخشد ، که هیچ يك قشنگترین رومان اجتماعی چه از لحاظ شیرینی موضوع و چه از حیث جذابی طرز افاده و تاثیر بیایه آن رسیده نمیتواند .

این بود خلاصه عقاید و افکار ما در خصوص این بزگوار و مثنوی معنوی او . و هم چنان فضلی غرب را نیز در ینباب عقائد و آراء مخصوصی است که دلالت بر علمومقام و جلالت شان مولینا و مثنوی او مینماید . چون « برگسن » فیلسوف مناصر فرانسوی ، « ورته » مستشرق معروف المانی صاحب تاریخ ادبیات فارسی وغیره وغیره را . و بعلتیکه این مختصر گنجایش تفصیلی بیشتر ازین را نداشت ، از نوشتن عقاید ایشان صرف نظر کرده شد .

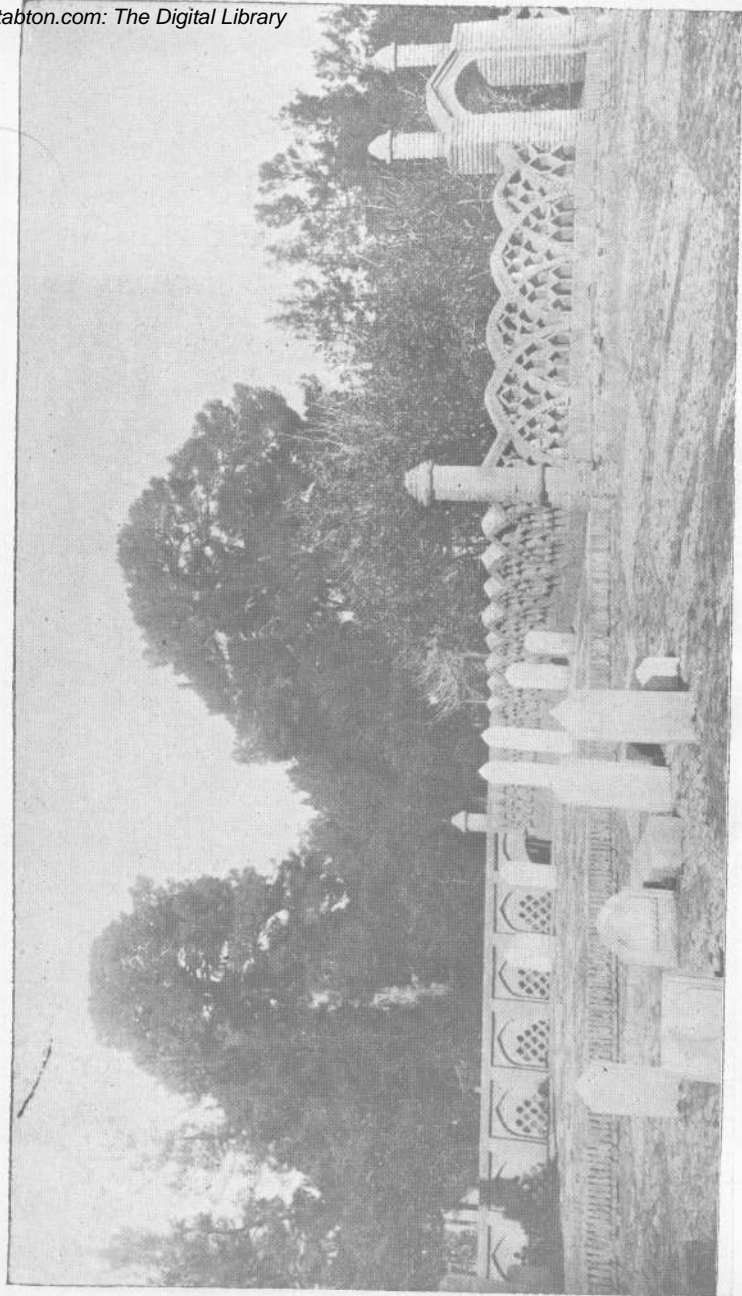
و دیگر از شعرای عصر مغل (قرن هفتم) شمس الدین بلخی است که در سمرقند میبود ، و صدرالدوله نظام الملك وزیر سلطان جلال الدین در بآراء

وی التفاتی تمام داشت واز او همیشه حمایت و دستگیری مینمود . و با هم يك جا حیات بسر میردند . از سار تواند و وفانش اطلاعی بدست نیست . ولی ازینکه محمد عوفی صاحب لباب الالباب او را ملاقات نموده است معلوم میشود که مشارالیه یقیناً تاعشره دوم قرن هفتم هجری بحیات بوده . زیرا که عوفی از نویسندگان قرن هفتم بشمار رفته و تالیف تذکره او لباب ظاهراً بسال ۶۱۷ ششصد و هفده هجری قمری است . وهم چنان از اشعار صاحب ترجمه نیز چیزی باقی نمانده است جز دو رباعی که در اکثر از تذکره ها دیده می شود .

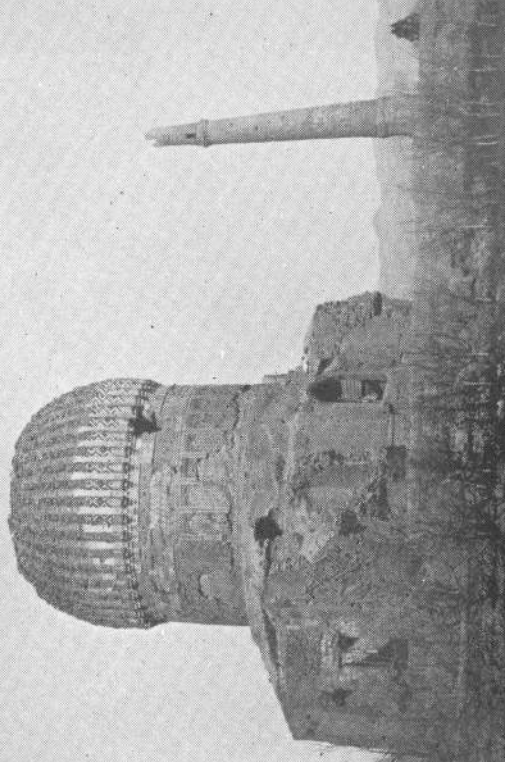
و دیگر از عرفای قرن هفتم هجری که هم شاعر بوده ، شیخ رضی الدین علی بن سعید معروف بعلی لالای غزنوی است . که دولتشاه و مرحوم علی قلی خان داغستانی در ریاض الشعرا او را عمزاده عارف شهر حکیم سنائی غزنوی نوشته اند . و گویند که پدر او همراه حکیم عزیمت کعبه کرد و در عرض راه در خسرو شهر از اعمال جوین متاهل گشته و علی لالا همدرا نجا تولد یافت مشارالیه ازاجه عرفا و متصوفین عصر مغل واز مریدان شیخ نجم الدین است در شعر نیز طبعی موزون و قریحه توانائی داشته . اکثر بسبک خواجه عبد الله انصاری هروی رباعیاتی میسروده است که بر علاوه مزیای شعر از چاشنی تصوف نیز بی بهره نبوده است . وفانش بروایتی بسال ۶۴۳ ششصد و چهل و سه هجری و بروایتی ۶۴۲ ششصد و چهل دودر اصفهان باتفاق پیوسته و بقول واله داغستانی همدرا نجا بمکانی که مشهور بگنبد لالا است ، مدفون است ، و نا گفته نماند که در غزنه نیز مقبره اوبه نزد عوام و خواص آندیار مشهور است و الغیب عند الله . و سن او را بعضی هفتاد و شش و برخی هفتاد و نه نوشته اند . واز موالید افکار او جز چند رباعی که در بعضی از تذکره ها بنظر میرسد ، چیز دیگری باقی نمانده و از ان

بخوبی علوهمت وجودت طبع مشار الیه نمایان است .
و دیگری از ستاره‌های درخشان آسمان ادبیات عصر مغول سعد الدین هروی است که دولتشاه سمرقندی و صاحب ایماق او را سعید نوشته اند . و شاید که سعد الدین اسم و سعید تخلص شعری باشد . مشار الیه از فحول شعرای قصیده سرا و از سخنوران شیوا بیان قرن هفتم هجری است ، که از معاصرین وهم قطاران شمس الدین طبری و یور بهای جامی بوده . و با ایشان معاشرت و دوستی داشته ، و یکجا بسر می برد . و از بزرگان عصر خواجه عزیز الدین طاهر فریومدی را که در زمان چنگیز خان و هلاکو وزارت خراسان داشت در باره وی التفاتی بتمام بود . و او نیز در باره خواجه قصائد غرائی دارد و هم چنان مشار الیه را قصائد بلند بالائی است در مدح و منقبت شاه ولایت مآب که هر یک دلیلی است بر قوت طبع و نازک خیالی های او . و گویند کلیات اشعارش به پنجهزار بیت میرسد ، که متاسفانه امروز جز عدّه قلیلی ازان بنظر نمیرسد . و فاش بروایت مرحوم علی قلی خان داغستانی (در ریاض الشعرا) بسال ۶۴۵ ششصد و چهل و پنج هجری قمری و بقول مرحوم هدایت طبرستانی (در مجمع الفصحا) بسال ۶۴۹ ششصد و چهل و نه و داده است .

و دیگر از شعرای آن عصر شیخ سیف الدین باخرزی است ، که از عرفا و کاملین سلسله صوفیه بشمار میرود . وی در تصوف از مریدان شیخ نجم الدین است . و در خدمت آنجناب بمدارج عالیّه عروج و ترقی نمود چنانکه نویسنده در یک اربعین بمرتبه خلافت رسید . این بود مگر از توجه پیر کامل او . سلاطین و بزرگان عصر همواره از او احترام

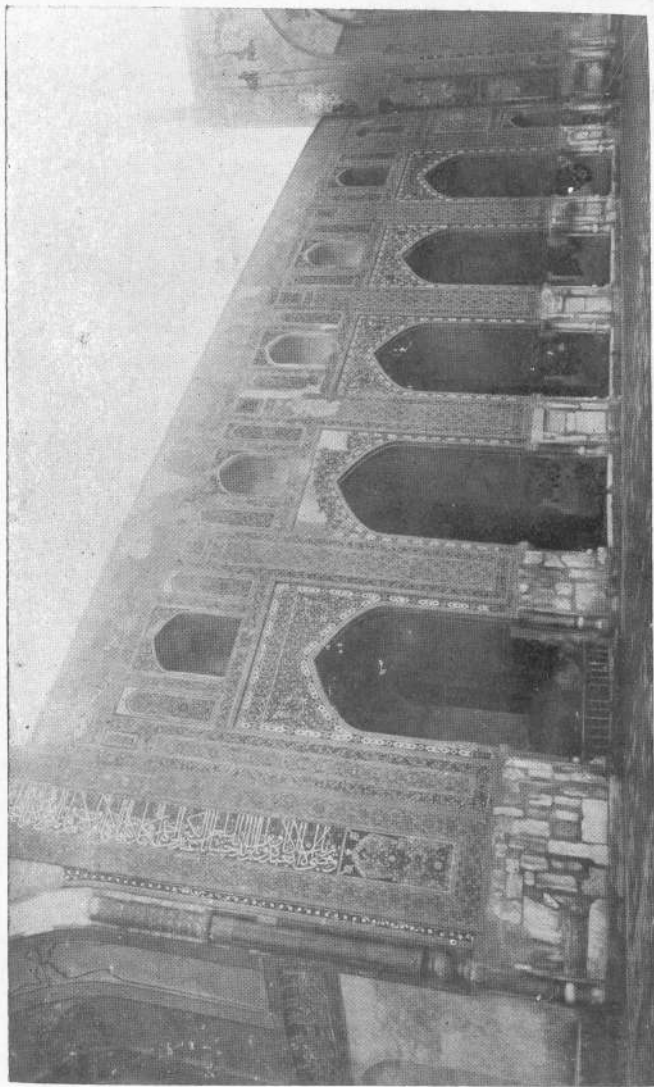


از مزارات هرات ، مقبره حضرت مولانا عبد الرحمن جامی و پیر بزرگوارشان حضرت مولانا سعدالدین کاشغری
Tombeau du grand savant afghan Diâmi (15 é.S.)

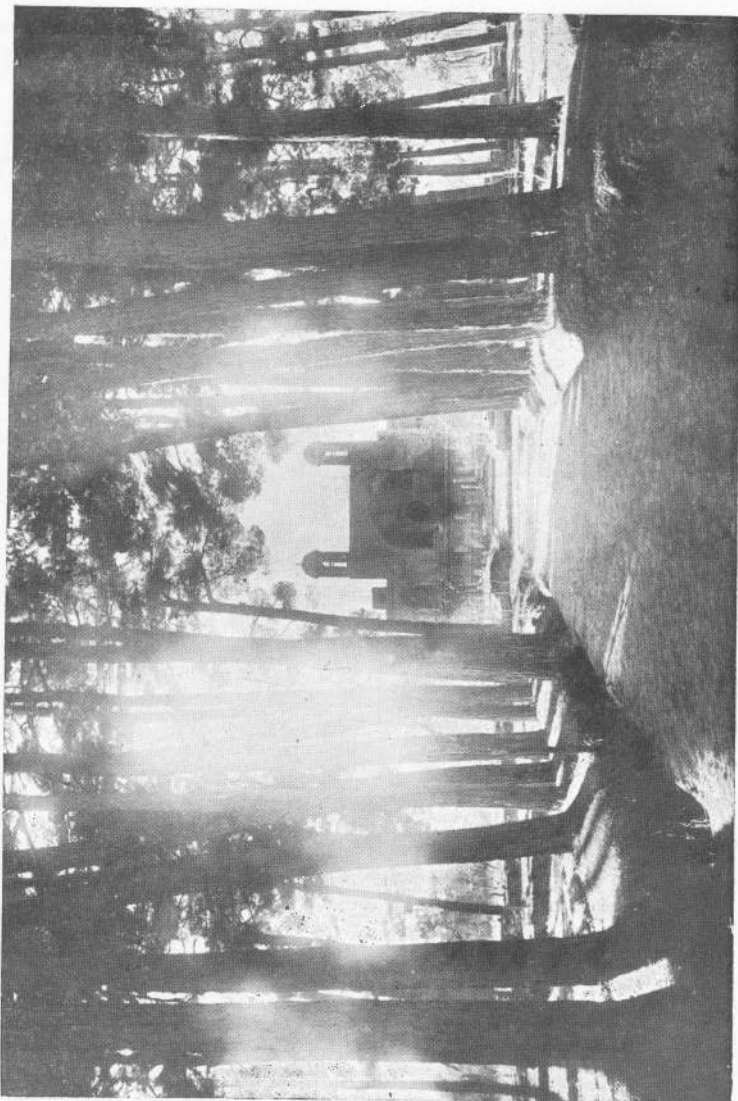


از اینه تاریخی هرات : کبده مقبره اولاد بایستق میرزا و مهد علیا کور شاد بیکم

Un des monuments historiques d'HÉRAT : Mausolée des descendants de BAISANKAR MIRZA (15^e S.)



از آثار تاریخی هرات : سمت جنوبی مسجد جامع
Une partie de l'ancienne mosquée d'Herat



از انبوه زیبای هرات : مسجد و باغ صوفی اسلام ندر کرخ
Une vue de l'ancienne mosquée et du jardin de Soufi Islam à Hérat

تاریخچه ادبیات افغانستان

میکردند. و بوی ارادت و اخلاصی بتمام داشتند. و بطوریکه منقول است بر کابش پیاده میرفتند. و بآن مفاخرت مینمودند. و در بجا را بسال ۶۵۸ ششصد و پنجاه و هشت هجری قمری ازینجهان گذشت. و باوجود اینکه رباعیات زیادی داشته، متأسفانه امروز جز از دوسه رباعی ملیح او که در ریاض الشعرا مسطور است از دیگران سراغی نیست.

و دیگر از بزرگان شعرای معروف عصر مغول اسلامی هروی است. کنیه وی ابو عبدالله و اسمش محمد بن ابی بکر بن عثمان است. وی باوجود وفور علم و فضل در شاعری نیز از سر آمدان این فن بشمارفته و از معاصرین مجدالدین همگر و شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی است. و در صنایع شعری و محسنات بدیع مهارتی بسزا داشته. چنانکه مجدالدین همگر او را بر سعدی مرهج و برتر میدانند. و این ترجیح او بعقیده دولتشاه تنها از ر هگنذ شیوه بدایع و صنایع شعری بوده نه از لحاظ سائر جهات شعری. تولد وی در هرات است و همدرانجا نشو و نما یافته و اوائل حیات را بمدح امزای آندیار بسر می برد تا آنکه در او آخر عمر بکر مان رفته در انجا توطن گزید و در دربار اتابکان آن سر زمین می بود و در مدایح ایشان قصاید غرائبی سروده است. و همچنان از فخرالملک وزیر خراسان نیز تریه و پرورش دیده درمدح او قصائد متعددی دارد. و نظر بر روایت دولتشاه سمرقندی خاندان او در هرات بعلم و فضل مشهور بود و از اخلاف و احفاد او علمای زیادی بر آمده اند چنانکه تازمان صاحب تذکره، قضات هرات از نسل او بوده اند. وفات او بسال ۶۶۷ ششصد و شصت هفت هجری قمری در اصفهان بو قوع پیوسته و تقریباً در حدود دوهزاریت مجموعه از اشعار و قصائد او در دست است.

و دیگر از شعرا و خطاطان معروف عصر مغل فخرالدین خطاط هروی است . که از سخنوران و خطاطان نامی آن عصر بشمار میرود . و او بر علاوه شاعری در خوش نویسی مسلم زمان بوده و خطی بغایت نیکومی نوشته و قطعات او در آن عصر نهایت قدر و قیمتی داشته است . و هم چنان در وعظ نیز از مشاهیر و عاظم زمان خود بوده در خطابت مهارتی بسزا داشته . و بلکه از سر آمدان و نخبه اهل این فن است و بروایت علی قلی خان داغستانی عوفی صحبت او را دریافته است و از آن معلوم است که تا اوائل قرن هفتم هجری بجات بوده . از سال تولد و وفات او اطلاعی بدست نیست . صاحب روز روشن صاحب ترجمه را پسر ملاحسین واعظ کاشفی نوشته و یک پیتی از آن که در ریاض الشعر امسطور است آنرا نیز گرفته است . ولی از تتبع کتب تاریخ معلوم میشود که بنام فخرالدین علی ، ملاحسین مذکور نیز پسری داشته که همواره در جامع هرات بعد از فوت پدر بوعظ می پرداخته ، ولی اینکه او را خطاط نوشته باشند بنظر نرسید .

ملوک کورت :

در اواسط قرن هفتم هجری شخصی موسوم بشمس الدین که نسب وی بجز الدین عمر از بنی اعمام سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری میر رسید ، هوای بزرگی بسر داشت . و همواره در تلاش و جستجوی آن بود ، تا مقامی حسب دلخواه خویش احراز نماید . تا آنکه اقبال با او مساعد افتاد و رفته رفته بسایه فضل و دانش ، و فور شجاعت و مردانگی که داشت ، توجه منکوقا آن را بخود جلب نمود . در سال ۶۱۳ ششصد و چهل و سه هجری قمری بامارت هرات منصوب گردید . حکمرانی و اداره ولایات غور ،

تاریخچه ادبیات افغانستان

غمر جستان ، اسفراز ، فراه و سیستان همگی با و نفویض یافت ؛ و بنام ملک شمس الدین محمد بن ابی بکر کرت معروف گشت . اوست مؤسس سلسله ملوک کارتهای هرات و از اولاد او نیز هشت نفر بامارت رسیده در هرات حکمرانی نموده اند ، که در تاریخ بنام ملوک کرت معروف است . و روزگار حکمرانی ایشان تا ۷۸۳ هفصد و هشتاد و سه هجری قمری دوام داشت .

ملوک کرت در عصر مغل یکی از مقتدرترین امرای داخلی افغانستان بشمار رفته و بسببیکه خود نیز اهل فضل و دانش بوده اند ، همواره به تربیت و پرورش فضلا و سخن سرایان صرف همت نموده ، حتی المقدور از هیچ یک نوع حمایت و دستگیری در باره آنها دریغ و خود داری نکرده اند . علی الخصوص ملک شمس الدین محمد اول مؤسس این سلسله که خود نیز از فضلا و کتاب معروف عصر بود ، و طبعی بغایت موزون و روان داشت ، و اشعاری بس نیکومی سرود . چنانکه بعضی از رباعیات وی در بعضی از کتب تاریخ و تذکره ها بنظر میرسد .

و هم چنان هرات که و مرکز حکومت ایشان بود در انعصر ملجأ و پناگاه فضلا و اهل دانش گشته ، از هر طرف بدان سرزمین رومی نهادند . و به نوازش و التفاتهای بزرگانه این خاندان علم پرور نائل گشته ، زبان بمدح و ستایش آنها گشوده اند . بخصوص فضلا و سخن وران خراسان که از ایشان کمتر کسی خواهد بود ، که از امداد های مادی و معنوی این خاندان بهره ور نشده باشد . و بدین تقریب دوره امارت و حکمرانی ایشان در هرات و توابع آن ، مقام مهمی را در تاریخ ادبیات افغانستان حاضر بوده و در دوره تاریخ استیلای مغل درین سرزمین یگانه ستاره نیست که در فضای تیره و تاریک آن عصر می درخشید .

سالنامه « کابل »

شعرای این دوره : از شعرای بزرگ این دوره مولینا صدراالدین خطیب معروف بریعی است . اصل وی از فوشنج از توابع هرات است و همدرانجا تولد و نشو و نما یافته و بعلتی که با مر خطابت اشتغال داشت ، معروف بخطیب بود . مشار الیه بواسطه جودت طبع و حدت درسلك ند ما و خواص ملك فخرالدین محمد كرت انتظام داشت . و ملك را در باره وی نظر خاصی بوده ، از هیچ نوع احسان و انعام دریغ نمیکرد . چنانکه نویسنده ، ماهانه هزار درم زر نقد از خزانه بوی میدادند . و لی بعلتیکه بی نهایت عیاش و معر بد بود ، هر چه بدستش می افتاد صرف عیش و شاهد نموده و همواره در تقاضای انعام و بخششی بیشتر بسر می برد . و كرت نامه را نیز بر و زن شاهنامه در کار روایتهای ملوك غور با اشاره ملك موصوف بسلك نظم در آورد . تا آنکه رفته رفته در اخیر منافرتی بین مادح و مدوح رو داده ، ربیعی بدون استیذان و رخصت از هرات بر آمد . و بپهستان رفته در آنجا بخدمت شاه علی بن ملك نصیرالدین سیستانی پیوست . ولی محیط آنجا نیز با طبع سرکش و مغرور و بی سازش کار نیفتاده ، و سائل انفکاک وی را از آن دیار فراهم نموده ، مشار الیه راه نیشاپور پیش گرفت و از آنجا در حینی که عزیمت عراق داشت ملك فخرالدین او را بوعده های جمیل فریفته بواسطه مکاتبیکه بقلم خود مینوشت آمدن او را به هرات خواش نمود . و مشار الیه واصل هرات شده مجدداً بقطارندمای او منسلك گشت و بدر بار بسر میرد . تا آنکه طبع بهانه جوی ملك مذکور و سائل اتهام بریعی را فراهم نموده ، مشار الیه را به بهانه جرمی محبوس و در زندان بینداخت . و بعد ازان کسی را اطلاعی باحوال او نیست که عاقبت او چگونه شد ؟

و دیگر از شعرای معاصر ملوک کرت، ملک الکلام محمد بن حسام هروی است. که دولت‌شاه اسم‌آورا محمد، و غیاث الدین خوند میر، جمال الدین نوشته است. او از معاریف فضلالی عصر خود و از شعرای ذواللسانین است. بفارسی و عربی شعر میگفت و اشعار او نهایت مطبوع و پسند اهل زمان بوده، چنانکه او را برمولینا مظفر هروی که از اقران او است تفضیل داده اند. و از اشعار عربی او قطعه ایست که در جلوس ملک شمس الدین محمد بن ملک غیاث الدین (پنجمین ملک از ملوک کرت) گفته و در اکثر جاها بنظر میرسد. وفات او در سنه ۷۳۶ هفصد و سی و شش و یا ۳۷۷ سی و هفت درهرات بوده. بروزگار ملک معزالدین حسین بن ملک غیاث الدین کرت. و اینکه دولت‌شاه و فاتش را در زمان ملک شمس الدین محمد مذکور نوشته خالی از اساس است. چه وفات ملک شمس الدین مذکور در سال ۷۳۰ هفصد و سی یعنی هفت سال قبل از وفات صاحب ترجمه بوده و از اشعار او امروز چیزی بنظر نمیرسد.

و دیگر از شعرای مبرز این دوره افضل المتأخرین مولینا مظفر هروی است که او را خاقانی ثانی نیز خوانده اند، وی مرد دانشمند و بغایت فاضل بود. در شاعری و علمی الخصوص در قصیده سرائی باندازه توانا و چیره دست بود که گویند از متأخرین کسی بمثانت او سخن نگفته است. همیشه با شعرا معارضات داشته، و بر اشعار ایشان اعتراضات میگرفته و انتقادهای پسندیده می نموده و در روزگار ملک معزالدین حسین کرت بسر می برده در مدائح او قصائد غرائبی دارد، که از لحاظ اغراق، تشبیهات و نازک خیالی، مسلم زمان است. و کمترین قصیده از معاصرین او بپایه آن رسیده توانسته است.

سالمه « کابل »

و هم چنان مشار الیه با وجود آنهمه فضل و سخن وری که داشت از عرفان نیز بی بهره نوده ، بلکه از ارباب سلوک و تجرید عصر خود خود بود . از کمال بی اعتنائی که بدنیاء و زخرف آن داشت ، همیشه قلندرانه زندگی بسر می برد ، و بنا بران در انظار مردم خوار می نمود . و هر چند که او را فضلی معاصر و اردات مندان ازین شیوه منع می نمودند سودی نمی بخشید و میگفت : « بظاهر من ننگرید بز بیائی معنی بنگرید » . و متاسفانه با آنهمه شهر تیکه در عصر خود داشت ، امروز از اشعار وی چیزی بنظر نمیرسد . علت آنرا چنین نویسند که در وقت سرگد دیوان خود را بآب انداخت که بعد از مظفر قدرسخن او را کس نخواهد دانست . و بلکه معنی آن را هم فهم نخواهد کرد . از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست . ولی اینقدر معلوم میشود که در روزگار ملک معز الدین حسین بوده است و سلطنت او سالهای ۷۳۲ هـ قصدوسی و دو تا سه ۷۷۱ هـ قصدو هفتاد و یک را در بر میگردد .

و دیگر از شعرای آن سامان مولینا حسن مشهور بحسن متکلم است . و از بیت آخر قصیده بائیه او که بر تتبع قصیده معروف سلمان ساجی گفته و در مجمع مسطور است ، معلوم میشود که اصل وی از آل سامان بوده چنانکه میگوید (منم از نژاد بزرگان سامان - که بودند شایان چتر و موا کب) وی از فحول شعرای قصیده سرای آنزمان و معاصر مظفر هروی است و بلکه بروایتی شاگرد او بود ، و در مدائح ملک معز الدین و ملک غیاث الدین پیرعلی از ملوک کرت قصائدی داشته که امروز بکلی از میان رفته ، جز اندک ازان باقی نیست . ولی از تتبع در آن معلوم میشود ، که مرد فاضل و درعلوم عربیه صاحب استعداد کافی بوده و حتی الوسع کوشش داشته تا قصائد خود را :

تاریخچه ادبیات افغانستان

بطرز شعرای عرب موزون سازد. خاصه ذوق فوق التصور او در ایراد کلمات حتی جمله های عربی بکلام او یک صبه مصنوعیت بخشیده از روانی و طراوت موضوع کاسته است ولی باز هم از فربه تونا و ملکه قوی شعری او انکار نمی توان کرد. از وفات او اطلاع صحیحی بدست نیست ولی اینقدر میتوان گفت که یقیناً تا سال ۷۷۱ هـ. ق. و هفتاد و یک که سال جلوس غیاث الدین پیرعلی کورت باشد و چندی بعد از آن بحیات بوده زیرا که نظر بقول دولتشاه حسن نسخه در صنایع شعری بنام ملک مذکور تالیف نموده و بنابراین از شعرای نیمه دوم قرن هشت هجری است. و اینکه در ریاض الشعرا اصل او را سید نوشته اند نظر بگفته خود او چنانکه در بالا متذکر شدیم بی اساس است.

و دیگر از عرفای شاعر معاصر ملوک کورت، شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی است، که از عرفای بزرگ بود و در بین مردم و جاهت و نفوذ و آفری داشته و بزرگان عصر از و احترام می کرده اند. و ملک غیاث الدین پیر علی کورت را درباره وی ارادت و اعتقاد بسیار بوده. چنانکه شیخ موصوف همیشه از و دیدن می نموده و بوی اندرزها میداده و از ظلم و اعتسافات بیجا او را مانع می شده. و هم چنان امیر تیمور گورکان را نیز با و اخلاصی بود. و فاتش به هفصد و نود و یک (۷۹۱) هجری قمری است. و از اشعار او چیزیکه باقیست همان چندر باعی است که در بعضی از تذکرهها دیده میشود.

و هم در آن زمان بزرگوار دیگری نیز بدنیا بشت یازده، در یک گوشه از شهر هرات بعبادت مشغول بود، او ست سید العارف حسین بن عالم بن حسن الحسینی غوری هروی معروف بامیر سید حسینی سادات. که از اجله بزرگان هرات و معارف عرفای آندیار است. اصل آنجناب از غور و

امارت را ترك داده و دست بدامن فقر زده در هرات توطن گزیده و سالها در آن دیار بسلوک و ریاضت اشتغال داشت .

مشار الیه قسمت اول از حیات خود را بسیاحت گذشتا نده و بخدمت بسیاری از عرفا و بزرگان زمان رسیده و از فیض مصاحبت ایشان با استفادهای معنوی نائل آمده و بعد ارج بلندی از عرفان رسیده بود . مرحوم هدایت طبرستانی او را از مریدان شیخ بهاء الدین زکریای ملتانی مینویسد .

ولی نظر بروایت دولتشاه و مرحوم علی قلی خان داغستانی ، وی از معاصرین شیخ العارف فخرالدین عراقی و شیخ اوحدالدین کرمانی بوده و هر سه از مریدان صاحب طریقت شیخ شهاب الدین سهروردی است . چنانکه نویسنده هر سه در کرمان بخانقاه شیخ اوحدالدین از بعینی نشسته و هر یک درصدد تالیف کتابی برآمده اند ، تا بطور ار معان بخدمت پیر خود تقدیم کرده باشند .

و همان است که سید موصوف زادالمسافرین خویش را در آن عالم منظوم ساخته بحضور پیر خود اهداء و عرضه نمود . و گویند کتاب نهایت مهمی است در تصوف و دیگر از مثنویات اوسی نامه است .

و میر بر علاوه شاعری در نثر نیز از نویسندگان مقتدر و توانائی بوده و در تصوف صاحب تالیفات عدیده است . چون نزهت الارواح ، صراط المستقیم طرب المجالس ، کتوز الرموز ، و هم چنان بروایت دولتشاه کتاب دیگری نیز در معارف و حقایق داشته بنام عنقای مغرب . و اوست صاحب هفده سوال گلشن راز در تصوف که آنرا در خر اسان برشته نظم کشیده ، بعراق فرستاد و شیخ محمود شبستری بران جواب منظوم کرد .

وفات : مشارالیه در روز گلر غیاث الدین محمد بن ملک شمس الدین

محمد کهن از ملوک کرت بقولی در ۷۲۳ هفصد و بیست و سه و بقولی در ۷۱۷ هفصد و هفده و یا ۷۱۹ هفصد و نوزده در هرات وفات نمود .

و همچنان دران زمان چندتن شعرای دیگری نیز بوده اند ، که مورخین و بعضی از تذکره نویسان از آنها اسم برده اند چون بهاء الدین محمد معروف بسطان ولد پسر مولینا جلال الدین بلخی و ابو الفضل حاجی عثمان هروی از شعرای اوائل قرن هفتم و شیخ صفی الدین هروی از شعرای اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم که بر علاوه شاعری از ارباب وجد و حال بود . قاضی شمس الدین طبری ساکن هرات که از شعرای معروف قرن هفتم است ، و بدرالدین هروی که او نیز از شعرای مائه هفتم است و محمد عوفی صاحب لباب صحبت او را دریافته و مولینا باطنی بلخی و حمید الدین قندزی که در اوائل قرن هفتم و اواخر قرن ششم زندگانی داشت . و امام شرف الدین محمد بن محمد فراهی که از فضیله عصر خود بشمار میرفت و خواجه حافظ علی بن مولینا نورالدین محمد غوریانی که اکثر قصائد مصنوع سلمان ساوجی را جواب گفته و شمس الدین محمد کاتب بلخی که مداح عین الملک بوده و با عوفی صاحب لباب خصوصیت تمامی داشت و ابن الرشید غزنوی که از شعرای شیرین کلام بود و در اسفر از متوطن گزیده و از ملک الوزرا علاء الملک تربیه دیده و جمال الدین محمد معروف باز هروی که از فحول شعرای اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم بود ، ضیاء الدین بلخی که بر علاوه شاعری در خطابت و وعظ نیز مردی چیره دست بود ، و در بلخ خلق را موعظه می نمود و محمد عوفی بملاقات او نائل شده . و حکیم ابو بکر بن محمد بلخی معروف بواعظی بلخی که مردی شاعر و واعظ بود و در بلخ همیشه بوعظ می پرداخت و غیره و غیره .

قرن نهم و عصر تیموریان :

بعد از وفات امیر تیمور کورگان در سنه ۸۰۷ هجری یسروی. شاهرخ میرزا که حکومت هرات داشت جا نشین پدر گشته، هرات را مرکز سلطنت خود قرار داد و در مدت (۴۳) سال یاد شاهی خود (از ۷۰۷-۷۵۰) بر علاوه آنکه خرابیهای پدر را ترمیم نمود، درباره علم و ادب نیز توجه خاصی گذاشته، همواره به اعزاز و اکرام فضلا و اهل دانش میرداخت و از شعرا و دانشمندان حمایت و دستگیری نموده، به اشاعه و نشر علوم و ادبیات شوق و دلچسپی زیادی داشت و بنا بران دربار او مرجع فضلا و دانشمندان روزگار بوده و شخص او یکی از بهترین اخلاف تیمور و جانشینان او بشمار میرود. و هم چنان دیگر از شاهان کورگانی که مرکز سلطنت آنها در افغانستان بود، سلطان حسین میرزا بایقرا است که او نیز از لحاظ خدمات خود در عالم ادب و ادبیات کم از شاهرخ نبوده بلکه بمراتب از او بلند تراست و مدت سلطنت و حکمرانی او که از سالهای (۸۷۲ تا ۹۱۱) یعنی مدت (۳۹) سی و نه سال بود، یکی از روشن ترین دورههای ادبی افغانستان بشمار میرود، که بعد از غزنویها در افغانستان بروی کار آمد. در بار وی مجمع فضلا و دانشمندان عصر بود و یاسی تخت آبن شهر هرات یکی از بارز و نقزین مراکز ادبی بحساب میرفت. و از هر سو دانشمندان و شعرا بدر باروی رو آورده، از خوان احسان و اکرام او فیض ها میبردند و بصلات و جوائز گران بهائی نائل میشدند، و زبان بمدح او گشوده تا کنون نام او را جاوید و زنده گذاشته اند.

و بر علاوه سلطان حسین میرزا خود نیز از اهل ذوق و ادب بود، طبعی موزون و فریحه سر شاری داشت و اشعار نیکو میسرود، چنانکه در اکثر از

تاریخچه ادبیات افغانستان

تذکره‌ها اشعار بنام وی دیده میشود. و همچنان از بزرگان آندوره که خدمات شایانی به‌عام علم و ادب نموده وزیر نامی او امیر نظام‌الدین علی شیر نوائی (فقائی) است که از سر آمدن شعرا و دانشندان عصر بود. بیشتر مفاخر دوره سلطان حسین بوی غاند است. وی در حسن تدبیر و امور جهانبانی چنانکه از وزرای با کفایت آسیا بشمار میرود هم چنان در ادب پروری و فضل نیز یکی از رجال امی و معروف آن عصر دنیا است. و گمان نمیرود که از شعرا و فضیله آندوره و آن عصر کسی باشد که از خوان احسان و مرحمت او حصه نگرفته، از حمایت و دستگیریهای ادب پرورانه وی استفاده‌ها نه برده باشد. میر علی شیر چنانکه خود شاعر و اهل فضل بود، شعرا و اهل دانش را نیز بغایت دوست داشت و حتی المقدور از تهیه و مسائل استراحت و خرسندی آنها خود داری نمیکرد و بانواع و مسائل در فراهم آورده خوشنودی و رضای قلبی آنها می‌کوشید. و ازین راه لحظه آرام نمیکرفت و ازان روست که شعرای زمان او پروانه وار در اطرافش تخشد نموده، در سایه الطاف و مهر با نیهای بزرگانه او ابسر. می‌بردند و در مدائح او قصائد غرائی سروده اند علی‌الخصوص بزرگوارى بمثل مولینا عبد الرحمن جامی که در مدح مشار الیه قصائد گفته و از اوستایش فراوان نموده همیشه او را بنام نیک یاد میکنند. خلاصه اینکه اگر در دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی بوجود وزیر با کفایت و دانشمندی چون خواجه نظام‌الملک طوسی رونقی داشته و بدان می‌نازد، دربار سلطان حسین نیز بداشتن وزیر دانشمند و کار دانی چون امیر نظام‌الدین علی شیر مباحثات و افتخار نماید، بجاست *

قرن نهم و شعرای آن :

یکی از شعرا و نویسندگان دوره شاهرخ میرزا مولینا یحیی سبک است که از افاضل خراسان بود. در نظم و نثر مهارتی تمام داشت و گویند هیچگاهی فارغ نبوده همواره به تصنیف و تالیف می پرداخت. مشارالیه ابتدا تفاحی تخلص می نمود و بعداً تفاحی را بفتاحی مبدل ساخت و هم چنان در بعضی موارد خماری و اسراری نیز تخلص نموده است. وا کثر با استقبال خواجه بر آمده بسیاری از غزلهای آن جناب را جواب گفته است وفات مشارالیه در سال ۸۵۲ هشتصد و پنجاه و دوی هجری با تفاق پیوسته، آثار زیادی از خود بیادگار گذاشت که امروز تقریباً بکلی از بین رفته. چون مثنوی خواب نامه اورد تمبیر رؤیا و در نثر کتاب شبستان خیال و حسن دل که در آن عصر نهایت اشتهار داشته است.

و دیگر از شعرای زمان شاهرخ مولینا محمود عارفی هروی است، که از مشاهیر شعرای دربار بود، و بواسطه قوت طبع و استعداد بیکه در شعر داشت در نزد معاصرین خود بسلمان ثانی ملقب و معروف بود و چنانکه معلوم میشود دیوان غزلیات او نهایت مشهور بود. و همچنان در مثنوی سازی نیز به نهایت درجه مهارتی داشته مثنویات متعددی دارد که از مشاهیر آن ها مثنوی بوده بنام گوی و چو گان در نهایت جودت و روانی که بد بختانه امروز تقریباً همه بر باد رفته هیچ چیزی از آن باقی نیست و هم چنان نظر بروایت دولت شاه مالا بد حنفی مذهب را نیز نظم کرده و ده نامه بنام خواجه پیر احمد که از وزرای شاهرخ میرزا است نیز گفته و در آن غزلیها و مقطعات ملائم درج نموده بود. و دیگر

تاریخچه ادبیات افغانستان

از شعرای آندوره جنوبی اند خوئی است که در هرات توطن گزیده بود . و بنا بر خوش طبعی و بذاه گوئی که داشت اکثر از امرای آن عصر هوا خواه او بوده حجت او را از ته دل میخواستند و بدو گوشه خاطری مرعی میداشتند ، بخصوص امیر غیاث الدین سلطان حسین بن فیروز شاه را در باره وی توجه و التفات خاصی بود . و امروز از اشعار او نیز چیزی بدست نمی آید . و هم چنان شاعری دیگر نیز در آن زمان بود معروف بمولینا یوسف امیری . مشارالیه از شعرای معروف عصر شاهرخ بود و در آن عصر اشتہار کاملی داشت . و چنانکه مینویسند قناعت بدرجه اتم داشته آبروی خویش را در پیش هر کس و نا کسی نمیریخت ، نان خشک و زند گدائی غریبانۀ خود را بر طعمۀ گوناگون و حیات با احتشام دیگران ترجیح میداد . و با کمال استغنا زند گدائی بسر می برد . و قصائد غزائی در مدح شاهرخ و بایسنقر میرزا و سائر شاهزادگان تیموری داشته که امروز جز اندکی از آن باقی نیست .

و دیگر از شعرای آن سامان بابا سودائی است . که اصل وی از ایبورد بود . ابتدا خاوری تخلص داشت ، لکن جذبۀ بوی رسیده ، چندین وقت در صحاری و بیابانها مجنون وار بسر میبرد . و بدان سبب به بابا سودائی اشتہار یافت . در اواخر بدر بار اتساب یافته در مدح شاهرخ زبان بقصیده سرائی کشود .

هم چنان بنا بر ادب پرور بهای شاهرخ شعرا و فضیای دیگری نیز آوازه او را شنیده از اطراف و حوشی خراسان و دیگر ممالک دور دست رو بهرات آورده در خدمت او پیوستند و یا اینکه از دور با وزرا ، شاهزادگان و بزرگان سلطنت او ربط و خصوصیتی داشته اند و از جمله مشاهیر آنهاست مولینا غیاث الدین شیرازی که مرد دانا و شاعر فرزانه بود و آقاملک بن جمال الدین فیروز کوهی معروف به

« سالنامه » کابل

امیر شاهی سبزواری که شاعری مجید بود چنانکه در وصف اشعار او گویند که سوز کلام او دیده میشد و مولینا حسن سلیمی و سید شرف الدین رضائی سبزواری و یادگار بیک و مولینا محمد کاتبی نیشاپوری که از اجله شعرای آن عصر بوده در ملازمت شاهزاده بایسنقر میرزا بسر میرد. و مولینا علی شهاب الدین ترشیزی که مردی فاضل و هم شاعر بود و در زمان شاهرخ بمنتهای اعزاز و احترام زندگانی داشته و بخدمت شاهزاده محمد جوکی بیادر چندی در قندهار نیز بود حافظ حلوائی و طالب جاجرمی صاحب مناظره گوی و چوگان که مشنوی مدد کور را بنام شهزاده علاءالدوله میرزا بن ابراهیم سلطان برشته نظم کشیده بود و خواجه محمود بر سر که او نیز از مادحین شهزاده علاءالدوله موصوف بود و مولینا سبمی نیشاپوری که شاعری بغایت توانا و طبع نهایت روانی داشت چنانکه گویند در مشهد در محضر عمومی در عرصه یک شبانه روز بدون آنکه از جای خیزد سه هزار بیت منظوم ساخت. و همچنان از خطاطان آن زمان نیز بشمار رفته به شش قلم خطی بغایت نیکو می نوشت. و لطفی شیرازی که از تربیه شده های بایسنقر میرزا بود و اشعاری بغایت موزون و شیوا می سرود و قنبر نیشاپوری ساکن هرات. و طاهر بخاری و غیره.

و دیگر از نویسندگان آن دوره شرف الدین علی یزدی است صاحب ظفرنامه در وقایع سلطنت تیمور. مشالیه در خدمت ابراهیم میرزای پسر شاهرخ میرزا میبود و ظفرنامه را با اشاره و خواهش او تالیف نمود.

و بر علاوه یکمده عرفای دیگری نیز در آن زمان بهرات آمده در انشهر

تاریخچه ادبیات افغانستان

اقامت گزیده بودند. چون سید قاسم انوار و شیخ نعمت الله کهنیانی و شیخ فخر الدین حمزه آذری که مشار الیه از معارف عرفای قرن نهم و بزرگان شعرای متصوفین بحساب میروند.

و دیگر از عرفای زمان سلطنت شاهرخ است، خواجه محمد یار ساو و پسر او ابونصر و خواجه لطف الله و شیخ زین الدین ابوبکر خوافی و سید صدر الدین یونس حسنی و امیرغیاث الدین محمد و غیره. و همدران زمان عالم زبردستی در دربار شاهرخ بمرمیرد معروف به یوسف او بهی، اصل وی از او به (علاقه هرات) و از نخبه تلامذ علامه سعد الدین تغنا زانی صاحب (مطول) بود و در سلک مدرسین ذمی مدرسۀ شاهرخ (واقع در محاذی قنعه اختیار الدین) انسلک داشت و چنانکه مینویسند بامر شاهرخ دران مدرسه نخستین مرتبه درس او گفت و هم چنان مشار الیه را با شمس الدین محمد جزری که از اکابر علمای آن عصر است معارضات بوده و در سال ۸۳۳ هشتصد و سی و سه هجری در هرات وفات نمود. و هم چنان یکصد و پنجاه علمای دیگری نیز دران زمان بدر بار انتساب داشتند که بعضی آنها از افغانستان و برخی از ممالک دیگر بودند. چون شیخ محی الدین غزالی و رکن الدین محمد خوافی و ابوالوفاء خوارزمی و کمال الدین حسین خوارزمی و صابن الدین علی اصفهانی و مولانا جمال الدین عبدالفقار سمرقندی و فصیح الدین محمد بن محمد بن علاء خراسانی و خواجه محمد اصغر و قاضی صدر الدین محمد بن فاضل الدین قطب الدین عبدالله امامی هروی و جلال الدین محمد قاینی و خواجه عبدالقادر گوینده و شمس الدین محمد او حد خطیب و شمس الدین محمد بن علی و عماد الدین عبدالعزیز ابهری و شهاب الدین عبدالرحمن لسان و برادر اعیانی مشار الیه جلال الدین عبدالرحیم صدر و مرتضی صحاف محتسب و غیره و غیره.

سالنامه « کابل »

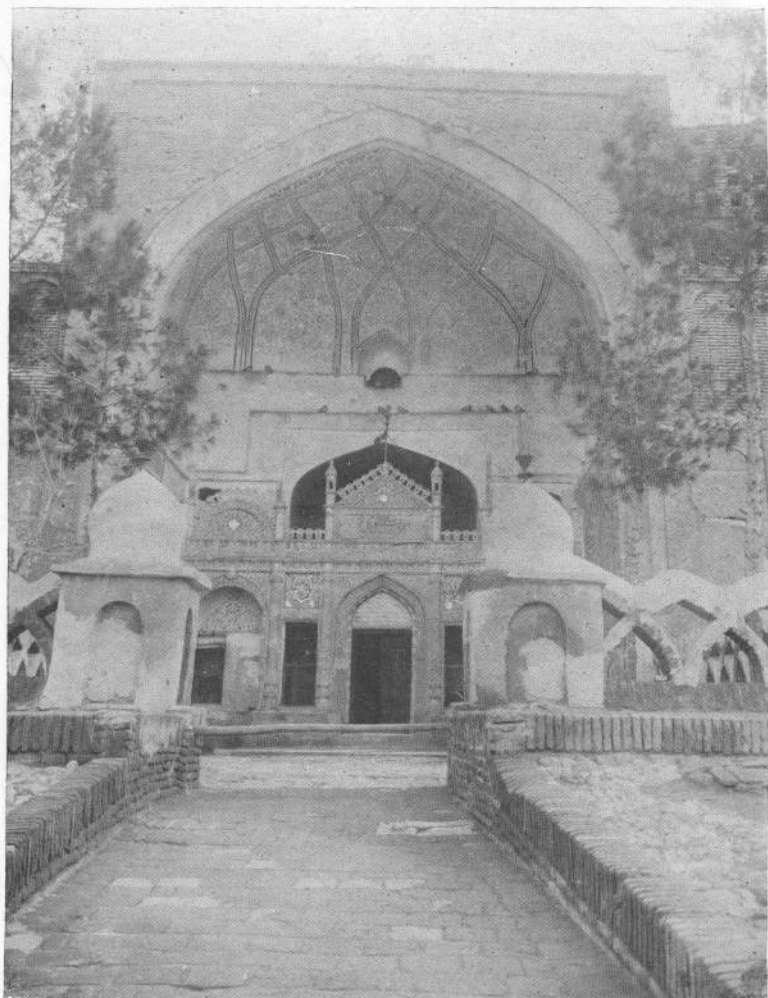
و همدران زمان دو نفر خطاط دیگری نیز بنام شمس‌الدین و جعفر در هرات زندگانی داشته در حواشی در بار بسر می بر دند که آنها را نیز نباید فراموش کرد .

شمس‌الدین خطاط هر وی شاگرد مولینا معروف خطاط ، از مشاهیر خطاطان آن دوره بود . و گویند در اثر تشویق و توجه بایستقر میرزا باندازه در حسن خط ترقی نمود و طرف توجه قرار گرفت که قطعات او دست بدست نمیرسید . و اکثر از خطوط خویش را بنام یاقوت مستعصمی کرده باهل این فن وامی نمود و بواسطه شباهت کلی که خط او بخط یاقوت موصوف داشت کس ملتفت این نکته نگردیده قبولش می فرمودند .

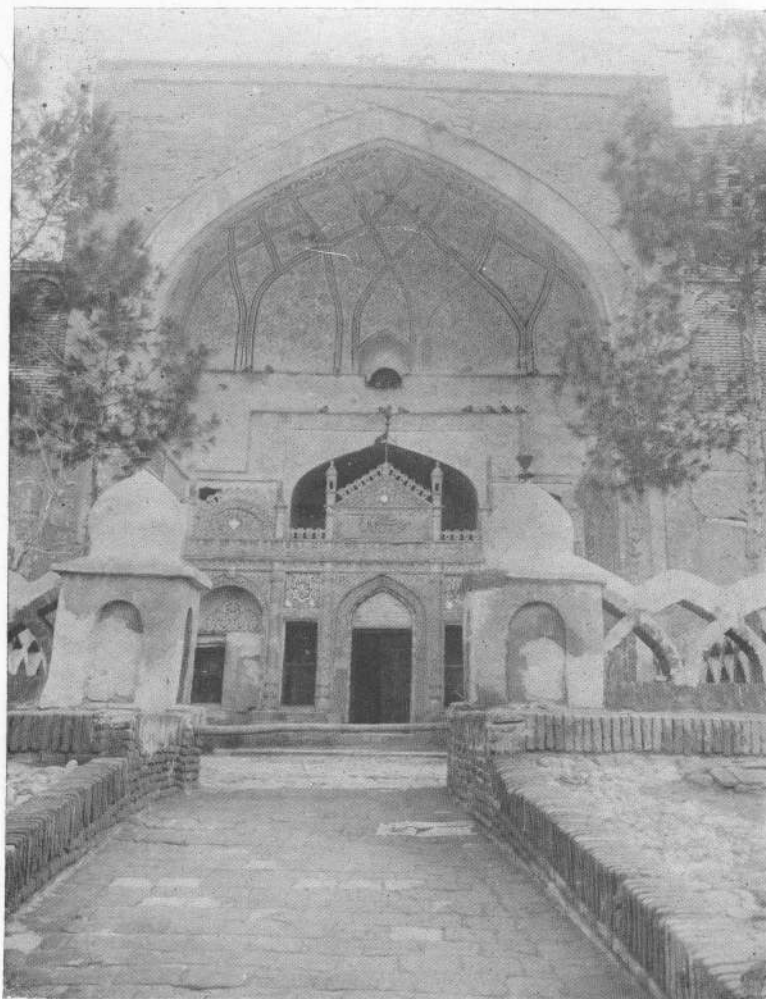
و هم چنان جعفر تبریزی که در انواع خط درجه کمال حاصل داشت . به تخصیص در نسخ و تعلق نظیر او کسی دران زمان دیده نمیشود و همه بخوش نویسی او اعتراف داشتند .

و دیگر از شعرای قرن نهم افغانستان صاحب بلخی است ، که بشریفی اشتهار داشت و دولت‌شاه او را ملک‌الشعرا نوشته مشارالیه مردی فاضل و در انواع علوم ادبیه و شعر مهارتی بسزا داشته و هم چنان از طب و موسیقی نیز بی بهره نبوده . و بخدمت شاهان بومی بدخشان (که بالاخره بدست ابوسعید گورگان منقرض شدند) بسر می برده و در مدح ایشان قصیده ها گفته و هم چنان در مدح سادات ترمذ نیز قصائیدی داشته که حوادث سوء روزگار همه را از بین برده جز اندکی ازان باقی نگذاشته است .

و دیگر از شعرای آن زمان علی بن اسد بدخشانی ست که مرد فاضلی بوده و مداحی شاهان بدخشان کرده است و تنها يك بیت ازو دیده شد .

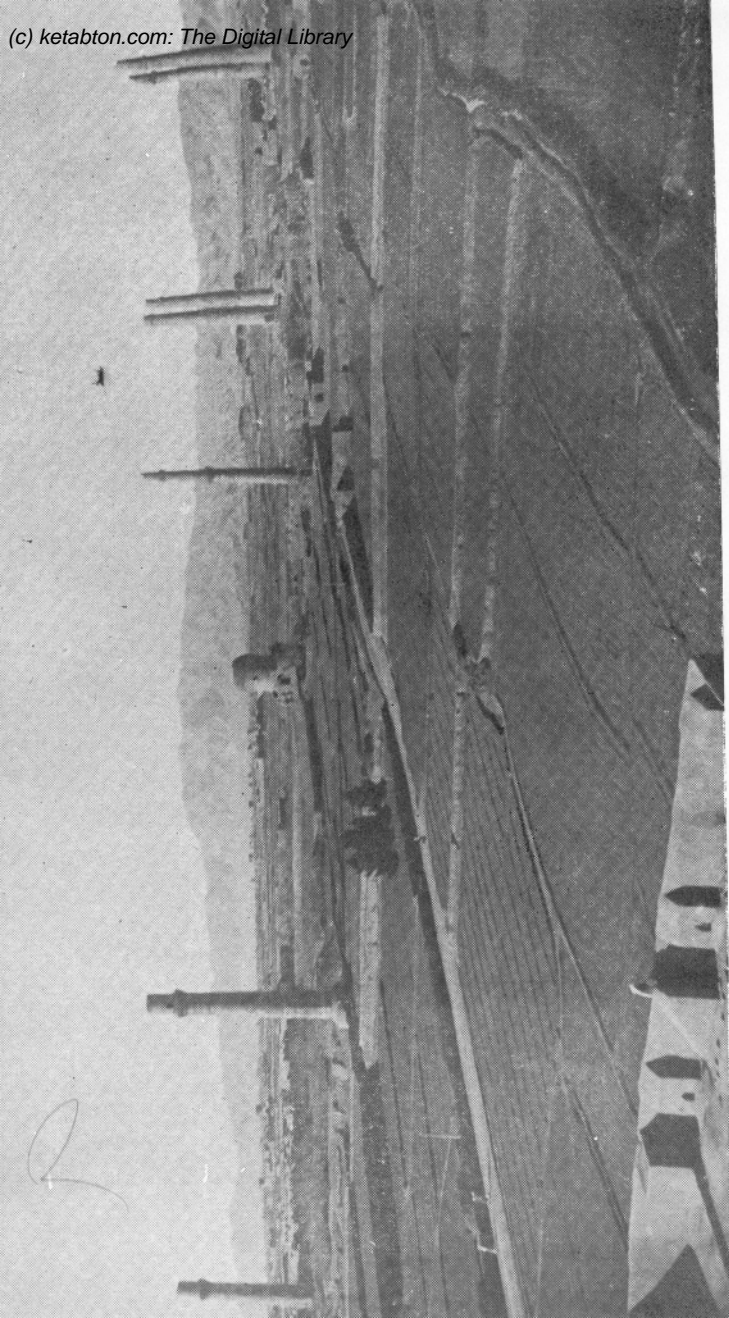


از مزارات متبرک هرات : مقبره حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه بن عبدالله
بن حضرت جعفر طیار رضی الله عنهم
*Mausolée d'un prince arabe Abdullah (du temps de la conquête
musulmane) à Hérat*



از مزارات متبرک هرات : مقبره حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه بن عبدالله
بن حضرت جعفر طیار رضی الله عنهم

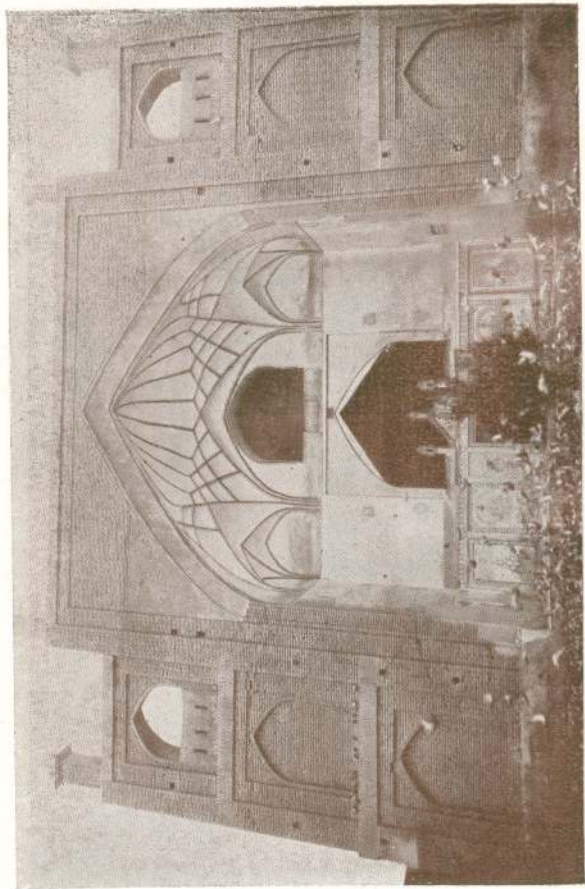
*Mausolée d'un prince arabe Abdullah (du temps de la conquête
musulmane) à Hérat*



از ابنیه تاریخی هرات : منظره عمومی مینارهای معلاهی شهر قدیم
Vue générale des colonnes monumentales de l'ancienne mosquée d'HERAT

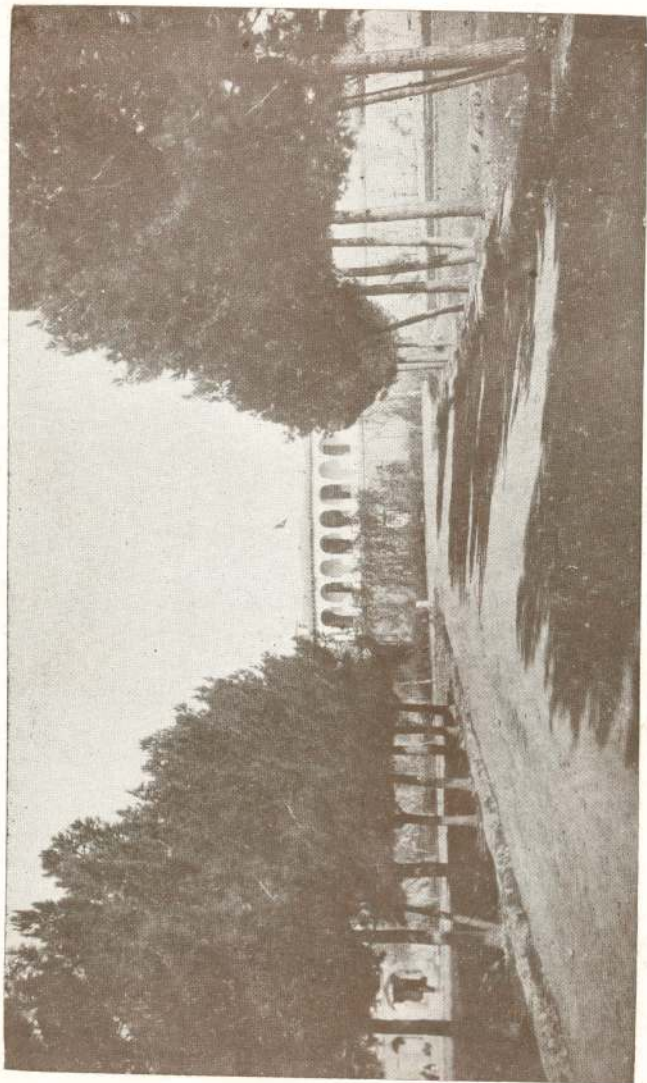


از مزارات هرات ، مقبره حضرت خواجه عبدالله انصار رحمة الله عليه
Tombeau du grand savant Khadjia Abdullah Ansar à Hérat (II è S.)

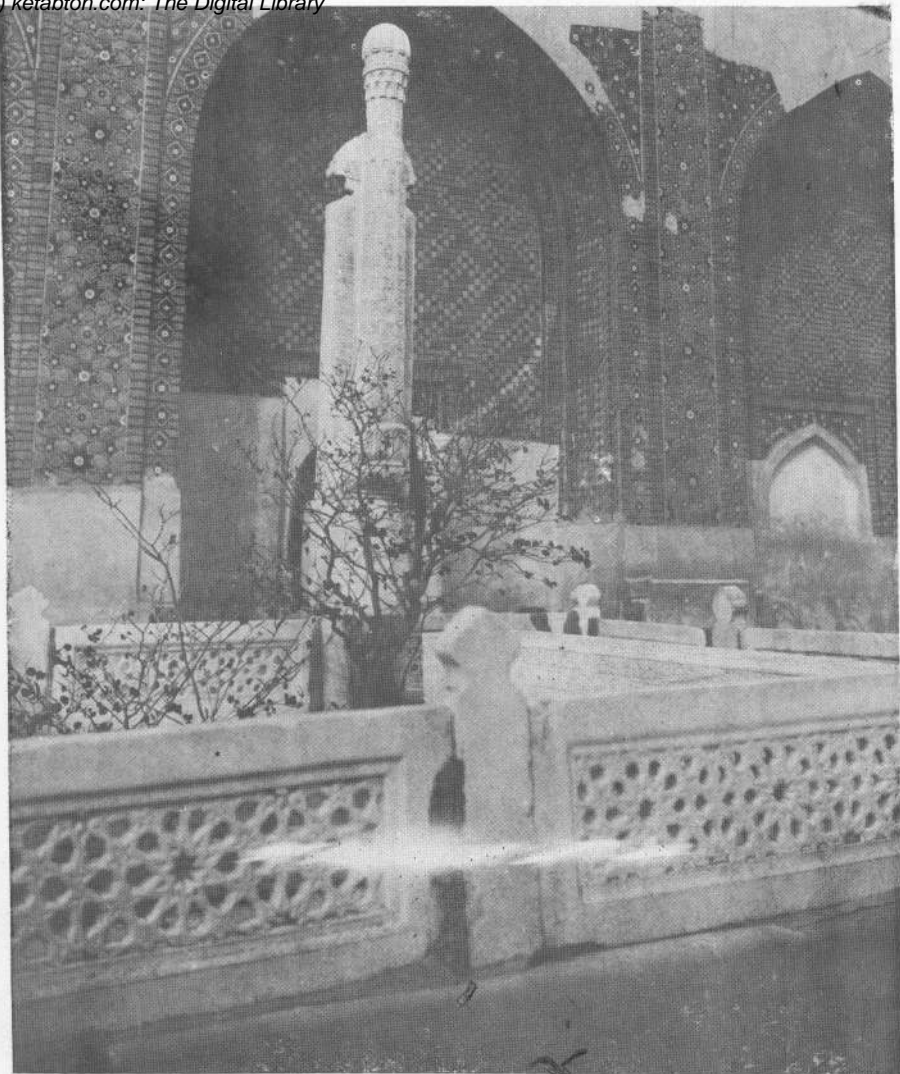


از مزارات متبرک هرات : مقبره حضرت مير عبد الله الواحد شهيد بن زيد بن امام
حسن رضى الله عنهم

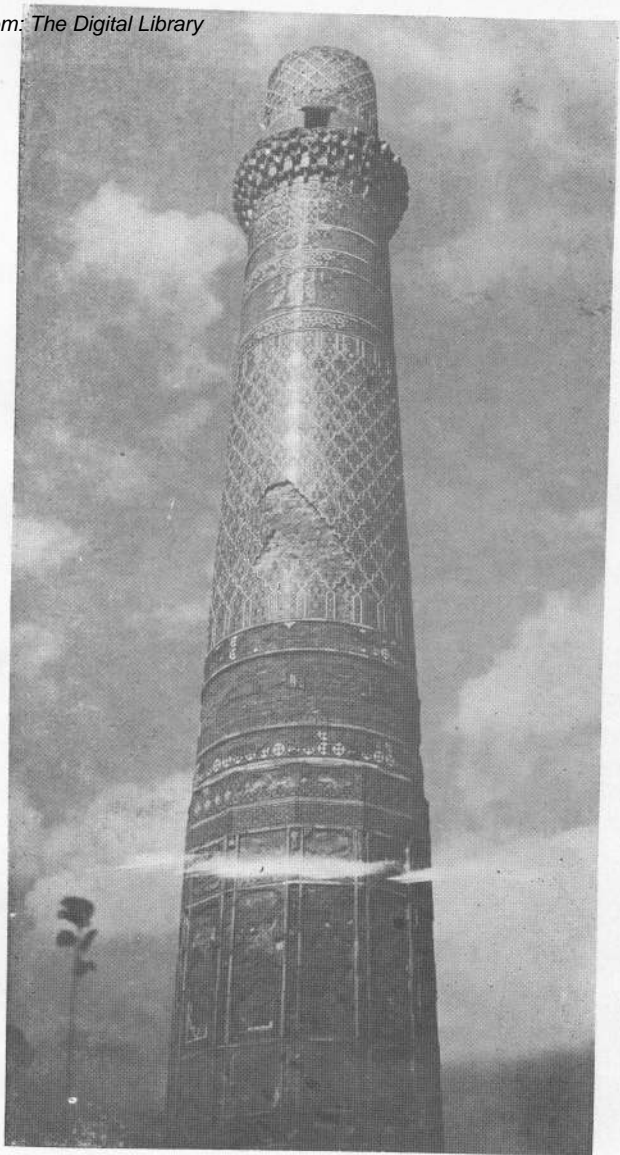
*Mausoleé d'un prince arabe, Abdallah-ul-Ouahed (du temps de la conquête
musulmane) à Hérat*



یکی از عمارت فنشک هرات ، باغ شاهی و عمارت آن که در عصر وزیر کهنه‌زار ساخته شده .
Un joli villa à Hérat



از مزارات هرات : مقبره اعلیحضرت امیر دوست محمد خان
Mausolée de l'Émir Dost Mohammed Khan (19^e. S.) à Hérat



از آثار تاریخی هرات: یکی از مینارهای مصلاهی قدیم
Un des minarets de l'ancienne mosquée d'Hérat

تاریخچه ادبیات افغانستان

و هکذا دیگر از شعرای قرن نهم افغانستان مولینای بد خشی است . که از جمله فضیلت نامدار عصر خود بود . پادشاه و بزرگان عصر او را مسلم مداشتند و هم چنان در سخن وری رتبه بس عالی داشته از سر آمدان شعرای دربار الغ بیگ بشمار میرفت . اصل وی از بدخشان است و بروز کار الغ بیگ کورگان در سمرقند رفته در آنجا توطن گزیده و در دربار وی انتساب یافت و زبان به ستایش او گشوده ، قصائد غزائی در مدایح وی دارد . از انجمله است قصیده ردیف آفتاب او که به نهایت روانی و جودت بوده بهترین گواهی است بر لطافت طبع و قدرت فوق العاده او در چکامه سرائی و از اشعار او نیز بغیر از اندکی در دست نیست .

سلطان حسین میرزا و دربار او : یگانه وزیر دانشمند سلطان که هم شاعری نهایت بلیغ بود امیر نظام الدین علی شیراست . پدراو کچکینه بهادر از بزرگان الوس چغتائی بوده در زمان ابوالقاسم بابرتیموری و ابوسعید کورگان از مقرران دربار و درسنگ معتمدین شخص پادشاه انسلک داشت . امیراز او ائیل جوانی و عنفوان شباب ذوق مخصوصی بادرک فضل و فراهم گرفتن علوم ادبی داشته و باوجود احتشام و گرفتاریهای اداری همواره از مطالعه دمی نیاسودی و بگفتن اشعار از حد فزون رغبت داشتی و همیشه از مصاحبات ارباب فضل و دانش استفا دها بردی و از گفته های آنها ذخیره های گران بهادر گنجینه سینه و دماغ اند وختی . تا آنکه در عرصه قلیلی استعداد ذاتی و ذوق سرشار او انکشاف نموده در همان آوان شباب و ربیعان جوانی در جمیع فنون ادب و صنایع شعری لیاقتی بهم رسانده ادیب و هم شاعر زبردستی گردید و در هر دو زبان فارسی و ترکی که در دربار آنوقت رواج کلی داشت ملکه شعری اوقوت گرفته ، در سرودن انواع شعر

سالنامه « کابل »

مهارت و کفایتی بسزا یافته در ردیف شعرای بزرگ و نامور این
دو زبان احراز شخصیت نمود ، و همان است که در فارسی فنائی و یافائی
(وهو الاصح) و در اشعار ترکی نوائی تخلص می نماید . از آنجائیکه شخص
با بر میرزا یادشاهی سخن شناس و هنر پرور بود توجه خاصی درباره این امیرزاده
دانشور مبذول داشت و از هر حیث دوره سلطنت وی در باره او میر مساعداقاده
و امور زندگانی امیر رونق گرفته و هلال اقبال و طالع مشار الیه رو به تربیع
گذاشت تا آنکه رفته رفته در عصر سلطان حسین میرزا به منتها درجه اعتبار
عروج نموده به بزرگترین منصب آن زمان که عبارت از وزارت باشد نائل آمد
و زمام امور جهانبانی و اداره ممالک محروسه بکف با کفایت وی سپرده شد .
از مزایای شگفت انگیز مشارالیه همان است که برخلاف زمامداران عصور
آخره ، این رتبه بزرگ و وفور مشاغل اداری و سیاسی هیچگاهی او را از اشغال
در علم و ادب مانع نیامده ، سگفته در پیشرفت علمی و مطالعات ادبی این مرد بزرگ
وارد نکرد و او را از انجام مفکوره های ادبی باز نداشت . و با وجودیکه در اثر
تراکم امور اداری فرصت سرخاریدن نداشت باز هم میبینیم که او از
کوچکترین فرصتها استفاده نموده بهترین آثار ادبی خود را که لیلی مجنون
است در آن زمان و در خلال همان مشاغل و گرفتاریهای انبوه برشته نظم
در آورد .

و هم چنان بطوریکه در بالا گفته آمد ، لحظه در پرورش و استمالت فضلاء
و دانشمندان عصر خود اهمال نمی نموده ، هر فاضل و شاعریکه اندک احساس
دست تشنگستی و فاقگی در خود کرده بود ، بدروازه باز او رومی آورد

تاریخچه ادبیات افغانستان

و هیچ نبود که نا کام برگردد. و بنابراین شخصیت او مرجع علما و فضلا بود. و دانشندان از دور و نزدیک به آستان او رو آورده، بمقاصد و آمال خود نائل می آمدند. و از خوان اکرام و احسان او بهره می بردند و هیچ شاعری از شعرای آن عصر نیست که بخدمت او نرسیده و در مدح او قصائد نگفته باشد و همچنان اگر دقت شود دیباچه اکثر از کتب معتبره تبک دران عصر تالیف یافته مزین بنام نامی این راد مرد بزرگ است. چنانکه از معاریف نویسندگان معاصر او دولت شاه سمرقندی در تذکره و غیاث الدین در حیب السیر بقایت درجه از او مدح و توصیف مینمایند و مرحوم میرخواند روضه الصفار با بصواب دید او تالیف نموده دیباچه آنرا موشح و مزین بنام او ساخت و در آنجا وهم در مقدمه و خاتمه های هر مجلد آن زبان بمدح او کشاده بایک لهجه غربی از او و ادب پرور یهای او صحبت میکنند. و از اوصاف و صفات پسندیده وی تمجید می نمایند و او را ولی نعمت خود خوانده حقوق مادی و معنوی و پرا بدمه خود التزام می نمایند - و پرضاهر است که اینهمه وصف و ستایش ایشان از میر هیچ یک جنبه سیاسی و غیره نداشته معری از هر گونه مداهنه و تملق بوده - و علت آن همان بزرگواری و شخصیت ممتاز میر است که ایشان را وجداناً مکلف بادای فریضه وجدانی و اظهار حقیقت نموده است. میر را از فضایل معاصر بمولینا عبدالرحمن جامی نسبت شاگردی بود. و در باره او طرفه ارادت و اخلاص داشته، همیشه او را بنظر احترام دیده و بلکه پیشوای خود میدانند. چنانکه از تحفه الافکار او معلوم است. و همچنان مولینا را نیز با او چنان دوستی مستحکم و بانهایت صمیمیت بود، که با دوستی اینای این زمان قیاس نمیتوان کرد. و هم چنان میر را از عرفا و سخن سرایان گذشته به نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی نیز ارادت و عقیدتی بتمام بود و چنانکه از اشعار ترکی مشارالیه معلوم میشود، همیشه این هر سه بزرگواری را

سالنامه « کابل »

بچشم اعظام دیده ، همه جا از اظهار اخلاص در باره آنها خود داری نمیکند و از روحانیت آنها استمداد نموده ، توقع حمایت و دستگیری مینماید . و از همین جهت است ، که امیر در اشعار فارسی خود بیروی از سبک آنها نموده بسبک آنها فصائد و اشعار خود را می سراید . و هم چنان مبتنی بر اخلاص اوست در باره شیخ نظامی گنجوی ، که باستقبال خمسه نظامی بر آمده و بروایت دولت شاه امیر نوائی نخستین کسی است ، که بر چنین فضلی اقدام نموده و هم چنان قصیده معروف « بحرالابرار » امیر خسرو را جواب گفته و در جواب آن بمنتها درجه کامیاب گشته و آنرا به « تحفة الافکار » موسوم ساخت چنانکه بدون شبه میتوان گفت که تا کنون کسی باین رفاقت الفاظ ، استحکام ترکیب ، روانی عبارات ، پخته گی و متانت مضمون قصیده مذکور را جواب گفته باشد نیست . و بعقیده بنده این قصیده یکی از شاهکارهای بزرگ ادبی آن عصر بوده و بهترین برها نیست بر ذوق سرشار ، وسعت خیال و قریحه توانای اودر قصیده گوئی . امیر مذکور در تحفة الافکار (که هفتاد و سه بیت از آن بهار سیده) بایک لهجه صدق آمیزیکه حاکی از قلب رفیق و روح متأثر او است ، شکایت از حیات نموده و بایک زبان پردرد و سوز ناکی پرده از روی حقایق بر گرفته ، دنیا و اراجیف آنرا که بشیزی نمی ارزد ، به نظر عبرت و حقارت دیده ، شروع بیک عده نصایح و اندرز های حکیمانه می نماید . و در همه آن ادعای خود را بطور مثل اثبات نموده گریز بمدح مولینا عبدالرحمن جامی می زند . و او را دین یناه خطاب نموده از تعداد او صاف او عقل خود را عاجز و قاصر می شمارد و در عین حال درد فقر و تمنای خود را بوصول در خاک آستان او اظهار نموده ، و در آخروجه تسمیه این قصیده را به تحفة الافکار بیان کرده میگوید که « این قصیده

تاریخچه ادبیات افغانستان

را تحفه از بحر فکر تم گویان بخد مت اهداء مینمایم « و حقیقه در این فصیده خود که بر مذاق تصوف و اهل درد سروده است ، قیامتها کرده و داد سخن و سخن سرائی را داده است .

ولی دروغ که سلطان حسین قدرچین آدمی را ندا نسته در او اخر بنا بر سعایت اهل غرض او را از چشم انداخت و به بهانه از دربار دور نموده بوزارت ولایت استرا باد مقرر کرد .

وبرعلاوه آنهمه فضل و دانشی که میر را بود ، در امور خیریه و فوائد عامه نیز خدمات قابل ستایشی نموده و همواره فواضل مال خود در امور مذکور صرف نموده و محض جهت بهبود احوال بنی نوع به احداث تعمیر و بقاع خیر و غیره و غیره میپرداخت . و از انجمله احداث مسجد جامع ، مدرسه ، خانقاه ، دارالشفاء و حمامی و غیره در متن شهر هرات و هم چنان تعمیر قسمتی از رباطات منازل در اطراف هرات و احداث بقعه و تعمیر روضه عارف معروف شیخ فریدالدین عطار و شاه قاسم اوار و غیره و غیره که مفصل ذکر آنها این مختصر را نشاید .

تولد و وفات او : تولد میر علی شیر در سال ۸۴۴ هشتصد و چهل و چهار هجری قمری بود و وفات او مقارن است بصبح یکشنبه یازدهم جمادی الاولی سال ۹۰۶ نپصد و شش هجری قمری . و از آثار گزیده اوست - برعلاوه غزلیات و قصائد فارسی و ترکی - مجالس النقایس (در ترکی) که اخیر الذکر عبارت است از تذکره در شرح احوال شعرا و فضلا و عرفای معاصر او و مرتب است به (۸) هشت مجلس و آن در (۸۹۶) هشتصد و نود و شش هجری قمری اتمام یافته است و دیگر خمسة او در فارسی که باستقبال خمسة نظامی سروده شده و گویند از بین متنیات خمسة

او از همه بهتر لیلی و مجنون او است که با کمال شیوایی و لهجه شور انگیزی منظوم شده .

و دیگر از فضیلتی آن عصر امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی است . که بعضاً سهیل و سهیلی نیز تخلص مینموده . وی از بزرگ زادگان چغتایی است که خاندان وی از زمان تیمور تا عصر سلطان در دربار منسویت داشته متکفل امور ووظایف بزرگ دولتی واداری بودند . مشارالیه یکی از فضیلتی دربار سلطان حسین میرزا بوده ، در شاعری نیز استعداد و توان کافی داشت و همچنان از تصوف و عرفان نیز بی بهره نبوده ، رو بهمرفته بعد از امیرعلی شیر دومین شخصی از امرای دانشمند و ادب پرور دربار سلطان حسین بشمار میرود . مشارالیه در آن جوانی بخدمت شیخ آذری رسیده و از همت آن بزرگوار در یوزه کرده و بصلحت و فرموده اوس سهیلی تخلص خود را گذاشته است . سهیلی یکی از امرای نامی آن عصر بوده و همواره درباره اهل فضل و دانشمندان نظراً لتفات داشته و همیشه بآن گروه محشور بوده ، و از مقاضات ایشان بهره ها انداخته و هیچگاهی در حمایت و پرورش آنها کوتاهی نکرده است ، بنا بران چنانکه در دربار قرب و منزلت تمامی داشت ، در نزد اهل علم و فضل نیز معزز و مکرم بوده همه بنظر احترام بوی می نگریستند . سهیلی یکی از شعرای مقتدر و توانای آن عصر بوده و در فارسی و ترکی غزلیات و قصائد سروده و دارای دودیوان یکی فارسی و دیگری ترکی بوده است و هم چنان شعرای زمان نیز بوصف او زبان کشوده در مدح او قصائد بسیاری گفته اند . و از معارف مولفین عصر ، حسین واعظ کاشفی باشاره او کلبله و دمنه را با تلخیص و تهذیب مجدداً از عربی فارسی ترجمه نموده و بقلب او موسوم ساخته انوار سهیلی نام نهاد .

تاریخچه ادبیات افغانستان

و دیگری از امرای فاضل و شاعر در بار سلطان حسین میرزا خواجه افضل‌الدین محمود است که برتبه وزارت رسید و شعر فارسی نیکو می‌گفت. و دیگر خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید که او نیز رتبه وزارت یافته به‌عضور سلطان تقرب کاملی جست و اشعار فارسی او در بعضی از تذکره‌ها بنظر میرسد. و دیگر امیر حسین جلایر است که از امرای آن سامان و شاعر خوبی بوده. و همدران زمان فاضلی دیگری در بار بوده معروف بخواجه آصفی که دولتشاه اورا وزیر زاده و املح الشعرا مینویسد، و از معزین هرات بود و در بار بکمال احترام میزیست و هم چنان آبا و اجداد او نیز همه در ازمته تیموریان برتبه وزارت رسیده، از حواشی و اطرافیان پادشاه بشمار رفته از اهل قلم و دیوان بودند. آصفی از امرای با کفایت و صاحب نفوذ در بار سلطان حسین است. سیاست و ادب یکجا در شخصیت او اجتماع نموده و شاعر توانائی نیز بود و اشعار آبداری داشته است، که امروز جز اندکی از آن باقی نیست.

و دیگر از امرای آن سامان فصیح‌الدین صاحب است که از فضیله عهد خود بوده در انشاء تشریف‌نظم قدرتی بسزاداشت به تخصیص در فن تعمیه یکی از سرامدان این فن بشمار رفته، و هم چنان در بازی شطرنج مهارتی بهم رسانده بود. ابتدا با میر نظام‌الدین علی‌نوائی بسر برده از جمله ندما و خواص او بود. و چون مردی خوش خلق و خوش صحبت بوده در مزاج گوئی نظیری نداشت. همان است که اخبار ظرافت طبع وی بسامعه یادشاهی رسیده، کارش بالا گرفت تا آنکه در حضرت پادشاهی تقرب و اختصاص یافته، کتابداری کتب خانه

یاد شاهی بوی تقویض گردید . و بدین تقریب کسب اعتبار نموده معزز و محترم میزیست .

وفاتش بسال ۹۱۷ نهصد و هفده هجری قمری دراسترا اباد و قوع یاقت . مشار الیه راقصیده غرائی بوده در مدح امیر علی شیر که از یک مصراع آن تاریخ ولادت و از مصراع دیگر تاریخ وفات او می برآمد .
و دیگر از شعرای آن عصر مولینا کمال الدین بنائی است . وی از سرامندان فضلا و هنر مندان عصر بشمار رفته در اکثر از فنون ادب و شعب مختلفه علوم متداول آن زمان از هم کنان گوی سبقت ر بوده بود . به خصوص در غزل سرائی و مثنوی سازی طبع روانی داشته از شعرای متقن و ناز کخیال است . و از چندیتی که ازو در بعضی از تذکره ها بنظر میرسد ، اقتدار شعری او بخوبی آشکار گشته ، سبک او همان سبک هلالی و معاصرین غزل سرای اوست .

و بروایت مرحوم واله در ریاض الشعراء ، هزار بیت از مثنوی بهرام و بهروز ازواست که آنهم اشتها در ذیل چهار هزار بیت دیگر مثنوی موصوف منسوب بنائمی گشته است . و الغیب عندالله . و هم چنین بروایت واله در دو بیت مرثیه عجیبی دروفات سلطان حسین گفته در روز مرثیه خوانی شعرا بخواند و همه را بخنده آورده ، مجلس ماتم و سوگت را بمجفل شادی و سرور مبدل ساخت .
و دیگر از شعرای معروف آن عصر بنائی هروی است ، که بروایت خوند میر درجیب السیر ، پسر استاد محمد سبز معمار بوده و بدان سبب بنائی تخلص نموده است . و این سواى کمال الدین بنائی است . مشارالیه از شعرای مقتدر آن عصر است و بعلتیکه نهایت درجه هزال و شوخ طبیعت افتاده بود ، همه ازوی رنجیده

تاریخچه ادبیات افغانستان

خاطر گشته ، هیچکس نبود که از زخم زبان او محفوظ مانده و غبار کدورتی ازو بخاطر نداشته باشد . و این جسارت او بجدی بود که حتی بزرگان آن عصر نیز هدف او گشته از تیر زهر آلود زبان وی بدون جریحه نمانده اند . چنانکه گویند وقتی قصبه در مدح امیر نظام الدین علی شیر ساخته از نظروی گذرانید و بعلتیکه صلّه دلخواه نیافت ، مجدداً همان قصبه را پس از اندک تحریف و تغیر الفاظ ، بنام سلطان احمد میرزا (که از اقربای سلطان حسین میرزا بود) نموده ، از او صلّه دیگر دریافت و چون این قصبه بمیر علی شیر رسید ، طبیعی بود که از وی رنجشی نموده اظهار شکوه نماید و همان بود که بنائنی به تقریب این رنجش و گرفتگی خاطر مبر بیش از پیش متاثر و بغضب آمده قطعه معروف خود را در هجومیر ساخت و خود روانه تبریز گردید و در آنجا بسطان یعقوب پیوست . و تا حیات یعقوب در تبریز و بخدمت او میبود . و پس از فوت سلطان یعقوب مجبوراً بوطن اصلی خود هرات باز گشت . و چون دید که هنوز گرد کدورت از خاطر مبر بر نخاسته است ، بهراس افتاده مجدداً تن بجلای وطن داده و این مرتبه بماوره الشهر شتافت و بسمرقند بخدمت سلطان محمد میرزا پیوسته با او بسر می برد . تا آنکه پس از فتح آند یار بدست محمد خان شیبانی در زمره خواص و مداحان او داخل گشت و هم چنان بعد از مرگ محمد خان با اولاد و احفاد او بود . تا آنکه در واقعه قتل عام قرشی که در اثر استیلای امیر نجم ثانی (از سرداران اسماعیل صفوی) ظهور یافت در سال ۹۱۸ هجری قمری و هژده هجری قمری بقتل رسید . راجع به کشته شدن بنائنی در واقعه قتل عام قرشی همه اتفاق دارند . ولی اینکه غلامه میر غلام علی آزاد بلگرامی در ترجمه حال بنائنی (در خزانه عامره)

سا لنامه « کابل »

واقعه قتل عام مذکور را در ۹۲۸ نهصد و بیست هشت نگاشته است ، جای تعجب است و شاید که غلطی مذکور ناشی از سهو کتاب باشد و بقراریکه مینگارد در آن زمان دیوان اشعارش در ماوراءالنهر و خراسان مشهور بوده ولی اکنون همه ازین رفته بجزاندکی ازان باقی نیست . و خوندمیر مینو یسد که بنائی دراواخر حیات به تتبع دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی پرداخته ، در غزلیات استقبالیه خود حالی تخلص می نمود .

ودیگر ازفضلی آن زمان مولینا کمال الدین عبدالواسع نظامی بن جمال الدین مطهر باخرزی است که ازفضلی زمان بودودرفن انشا و تخریر مکاتیب و مناشیر مهارت کامل داشت . چنانکه دراوائیل حال به تخریر وقایع و حالات سلطان حسین مؤظف گشت . و چون درایراد تشبیهات واستعارات از حدفزون مبالغات می نمود ، سلطان سبک انشاءوی راه یسندید واورا ازین وظیفه سبکدوش ساخت . مولینا بر علاوه مهارتیکه در تثر داشته از کتاب و منشیان زبر دست بشمار میرفت ، دارای طبع موزون وقریحه شعری نیز بوده ، در مدح بعضی از بزرگان عصر چون خواجه رشیدالدین عبدالملک و خواجه کمال الدین حسین پسران خواجه نظام الملک فصائد دارد . که بامنتهای بلاغت و فصاحت سروده شده . وهم چنان از آثار مشهور او ترسلا ت می است که بنام خواجه زادگان مذکور تألیف نموده ودر انصبر اشتهار کاملی داشته است .

ودیگر ازفضلی آن عصر مولینامیر حسین معما می است . که مدتها در مدرسه اخلاصیه ساکن بوده ، درفن معما عدیل و نظیری نداشت . ودر اثر ممارست و انهماک او درعلوم عقلیه و نقلیه ، معمایات او نیز اکثر علمی بوده . حل آن به نهایت درجه مشکل و صعب می نمود . وفات مشار الیه در ۹۰۴ نهصد و چهار

تاریخچه ادبیات افغانستان

هجری قمری در اثر مرض اسهال بوقوع پیوسته . از آثار او رساله بوده در فن معما که جمیع قسمتهای منظوم و منثور آن از نتایج افکار شخص مؤلف بشمار رفته و با کمال ذقت و بلاغت نگاشته شده بود .

و دیگر از شعرای معروف آن عصر مولانا حسن شاه است که از بلغای شعرای آن زمان بوده و در بستن مضامین ظرافت آمیز استعداد عجیبی داشته و هنگامه ها بر پامی نموده و هم چنان در مزاج گوئی و ندیمی به شیوه آن عهد ، گمانه دهر بود و در ایام جوانی بملازمت سلطان محمد بن بایسنقر میرزا بسر میرد . و بعد از شهادت شهزاده مو صوف متوطن هرات گشته ، همواره با سلاطین عصر و بزرگان زمان طریق اختلاط می پیمود . و بفرات خاطر زندگانی بسر میرد . تا آنکه بروز گارسلطان حسین بخدمت میرعلی شیر پیوسته ، از جمله خواص و ندمای او گشت و بجهت تشجید خاطر میر در موارد مختلفه اشعار ظریفانه میسرود ، و طبیعت مشارالیه را بدان خوش میداشت . و فاتش در سال ۹۰۵ نهصد و پنج هجری قمری روی داده گویند متجاوز از صد سال عمر دیده بود . از اشعار او جز پنج شش قطعه که در بعضی از کتب تاریخ دیده میشود چیزی دیگری باقی نیست .

و دیگر از شعرای آن عهد مولانا ریاضی است . وی از مشاهیر شعرای خراسان بود و در نظم فتوحات و رؤس وقایع ایام سلطنت سلطان حسین می برداخت و قسمی از آنرا منظوم ساخته بود . و هم چنان مشارالیه در علم فقه نیز واقفیت تمامی داشته و مدتی بقضا اشغال داشت . از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست . و همچنان فتوحات نامه او نیز بکلی از میان رفته .

سائنامۀ « کابل »

و شاعری دیگری نیز در آن زمان بود معروف بمولینا بدخشی که از اساتذۀ فن معما بشمار میرفت. و بر علاوه دسترسی که در تعمیم داشته اوقات خود را بسرودن معميات احصر نموده بود، در غزل نیز استعدادی بهم رسانده اشعاری با کمال بلاغت و شیرینی موزون میساخت و بدین جهت مدت سی سال در خدمت امیر علی شیر نوائی گذشتانده و چندین رساله در فن معما و قواعد آن تالیف نموده بود که امروز بکلی از بین رفته حتی کسی نیست که نام آنرا بخاطر داشته باشد.

و دیگر از شعرای آن زمان خواجه ناصر الدین ابونصر مهنه است و نسبوی به خواجه مؤید مهنه میرسد. مشارالیه در لطف طبع و صفای ذهن یکتای عصر بود و بنا بر وفور فضیلت و علم نسبت بسائر مشایخ خاندان سلطان ابوسعید ابوالخیر امتیازی داشته، در خراسان بعزت و با احترام زندگانی بسر میبرد و همچنان از عالم ادب و ادبیات نیز بی بهره نبوده بعضاً به انشای شعر می پرداخت و غزل های شیرینی و روانی موزون میساخت چنانکه بعضی اشعار بنام او دیده شده.

و دیگر از شعرای آن عصر خواجه ضیاء الدین میرم است. وی مردی شاعر و هم نویسنده بود، در علم سیاق مهارت کلی داشت. و در دیوان به سمت نویسنده گی حیات بسر برده، در بزه گوئی و حسن خلق زبانزد خواص و عوام بود. و در سرودن شعر نیز استعداد و توانائی داشته و اشعاری آبداری گفته است. که از لحاظ سلاست الفاظ و دقت معانی در آن عصر مشهور بود.

و دیگر از شعرای آن عهد مولینا کمال الدین شاه حسین کامی است. که در فضیلت و ادب مترات بلندی داشته، و مسلم معاصرین وهم قضاوان بود. بخصوص در نظم شعر و معما از سر برآور دگان آن عصر بشمار رفته، امیر علی

تاریخچه ادبیات افغانستان

را در باره وی التفات خاصی بود. و همواره از او حمایت و پرورش نموده پذیرفته احسان و اکرام نامبرده را خوش و مشغوف میداشت. مشارالیه در اواخر عمر از هرات انتقال مکان نموده در اوبه بزندگانی دهقانی اشتغال ورزید و تا آخر عمر در آنجا بود. از اشعار وی جز اندکی باقی نیست.

و دیگر از شعرای آن زمان حافظ علی بن مولینا نور الدین محمد غوریانی است. مشارالیه در حسن خلق و لطافت طبع متصف بود، چندی بمنصب صدارت و استادی ابو تراب میرزا انتصاب داشته باشهزاده موصوف یکجا بسر می برد. حافظ علی در حدت ذهن و وجودت طبع موصوف بود، در علم عروض و صنایع شعری ید طولائی داشته، از فحول متخصصین این فن بشمار است. و قصیده مصنوع سلمان ساوجی را چهار نوبت تتبع نموده و چند صنعت بر صنایع آن قصیده افزوده است. و هم چنان رباعیات و قطعات مزین به محسنات لفظی بسیار داشته که اکثر محتوی یک یادو یاسه صنعت از صنایع مذکوره بوده. از قبیل انواع صنعت تقلیب، تجنیس و مقطوع و موصول (بدو حرف و سه حرف و چهار حرف) و غیره و غیره.

و دیگر از شعرای معروف زمان سلطان حسین میرزا باقرا، مولینا شهاب الدین احمد حقیری است. که وی از شعرای معروف آن عصر بوده، بسرودن انواع شعر مهارتی بسزا داشت. علی الخصوص در فن تمعیه که از اساتذۀ آن فن بود. چنانکه در معما و قواعد آن رساله منظوم تالیف نموده که بهترین دلیلی است بر قوت طبع و مملکت شعری او. و هم چنان مشارالیه از بزرگان شعری قصیده سرای قرن نهم است. و قصائد متعددی از او در دست است.

که با کمال استادی و منتهای بلاغت و انسجام منظوم شده و حاکی از پخته گی
طبع و مهارت کامل اوست در فصیده سرائی .

و دیگر از مشاهیر شعرای آن عهد سید قطب الدین جنابدی است که در فصاید
میر جاج و در غزل انسی تخلص می نمود . وی در کمال استمنا و بی تعلقی
زندگانی داشته ، در گوشه منزویانه بسر می برد . و دامن از جمیع علایق
و آلائشات دنیوی برچیده ، بدینا و مافیهای آن قیمتی نمیگذاشت . و تنها
بمداحی اهل بیت اکتفا نموده ، فصائد رشیقی در مدح و منقبت ایشان سروده
است . میر جاج باندازه در سخن وری و بدیهه گوئی اقتداری بهم رسانده بود
که گویند روزی در مجلس مولینا عبدالرحمن جامی سخن از فصیده گوئی و مهارت
او بمیان آمد . جمعی گفتند که وی بفرز سرائی کمتر اهتمام و توغل و رزیده
مولوی در اثر آن چهل غزل از دیوان امیر خسرو انتخاب نموده بوی فرستاد
تا آنها را جواب گوید . میر تمامی غزلهای مرسوله را چنانچه باید تتبع نموده
موسوم به اربعین ساخت و بمولینا ار سال داشت .

لینا مولینا بواسطه میرعلی شیر از سلطان حسین میرزا خواهش مند
جائزه شد تا بمیرصله گوینان داده شود . و همان بود که سلطان درصه آن یک
طبق زر سرخ و یاره ابریشم و سه چهار غلام بتوسط میرعلی شیر بمیر جاج
فرستاد . ولی او قبول نکرد . از سال تولد و وفات او اطلاعی بدست نیست
و بعضی از فصائد او که از دستبرد روزگار محفوظ مانده در بعضی از تذکرها
بمنظر میرسد .

و دیگر از شعرای آن عهد مولینا خورمی هروی است . اصل وی از هرات
و همدرانجا نشو و نما یافته بامولینا جامی و میرعلی شیر نوائی معاصر بود و با ایشان

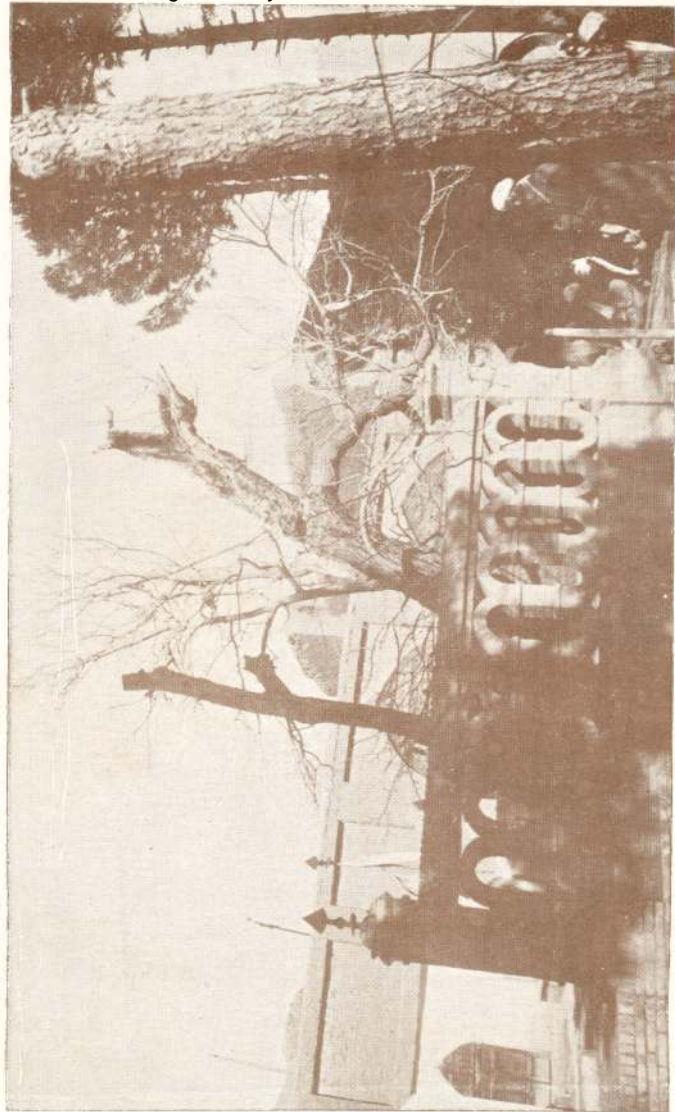
معاشرت داشته ، و یاد شاه واعیان روزگار اعزاز وی میکرده اند . و محترمانه زندگانی بسر میرد . وفاتش نیز در هرات است . از اشعار او بجز چند بیتی باقی نیست . و دیگر از شعرای آن زمان میر محمد صالح که بعضی او را امیر محمد صالح نوشته اند . وی از اخلاف امیر نور سعد بوده و در هرات تولد و همدرا نجا نشود نما یافته . در امور اداری اشتغال ورزیده . از امرای نامدار عصر سلطان حسین میرزا بشمار میزود . و هم چنان در شعر از تلامذۀ مولینا عبدالرحمن جامی بوده و فنون ادب را از نزد آنجناب فرا گرفته اشعار نیکو میسروده است .

چنانکه میرعلی شیرنوائی از توصیف مینماید . بروایت مرحوم والۀ داغستانی اسم او میر محمد و صالح تخلص شعری اوست . وفاتش در سال ۹۴۱ هجری قمری است . و بعضی از اشعار او در بعضی از تذکره ها بنظر رسیده .

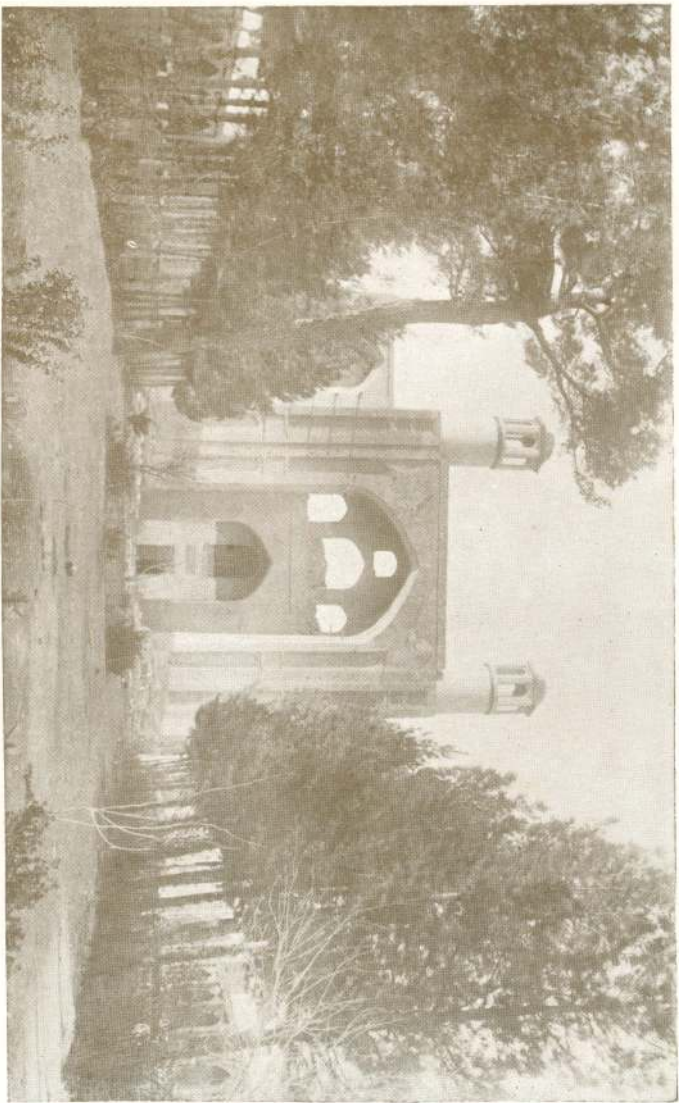
و همدران زمان بزرگوار دیگری نیز در هرات زندگانی داشت . معروف بمولینا نورالدین عبدالرحمن جامی . تولد وی بقراریکه خود میفرماید در جام است و این در سیوم شعبان سال (۸۱۷) هشتصد و هفده هجری قمری بود . و بدان سبب جامی تخلص میکرد . مشارالیه در هرات نشو و نما یافته و همدرا نجا تحصیل نموده و براه سلوک و عرفان افتاده و در مالک ماوراءالنهر ، عراق ، حجاز و شامات سیاحتها نموده و فریضه حج ادا کرده و بخدمت بزرگان زیادی از فضلا ، علما ، عرفا و مشایخ رسیده و از مصاحبات و مذاکرات آنها بهره گرفته ، و مدت های مدیدی در خدمت آنها بسر برده و ریاضات شاقه کشیده ، و راه سلوک و معرفت پیموده تا آنکه خود نیز به مقامی رسیده است . و از جمله معارف شیوخ اوست ، یکی شیخ الاسلام سعدالدین محمد کاشغری که در سمرقند بخدمت آنجناب مشرف گشته و دست ارادت داده و دیگری خواجه عبدالله احراری نقشبندی .

جامی از بزرگان شعرا و نویسندگان قرن نهم هجری بوده و در علوم مختلفه دارای فراوان تصانیف است . و هر چند یکه مبتکر نیست باز هم یکی از علمای متبحر و مولفین ولود زمان خویش است . که هیچ يك از معاصرین او در جامعیت و تقلید از قدمای پایه او رسیده نتوانسته و یا بمنزل او کامیاب نگشته است و در جمیع شعب علوم و فنون متداول آن عصر و زمان بطوریکه ممکن بوده است لیاقت و مهارتی بهم رسانده و در اکثریه از آنها تالیفات مناسبی از خود بیادگار گذاشته که نمیتوان آنرا فراموش نمود . و بدینجهت است که مصداق نگیته درستی از الماس در بین هم قطاران و معاصرین فاضل خویش میدرخشد و تا با مروز نام او زنده و جاوید مانده و به نزد هر طبقه محبوب و شهرت کاملی دارد .

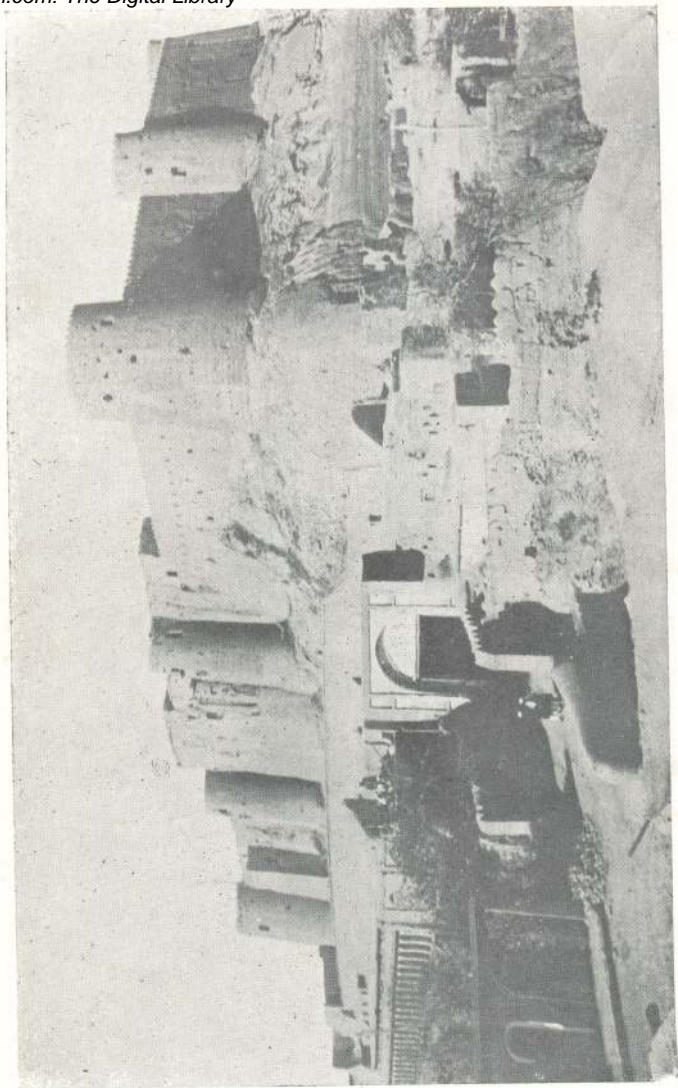
جامی از علمای با فیض عصر خود بود و اکثریه از معاصرین او نسبت شاگردی بوی رسانده و از حضور او استفاد های علمی و ادبی نموده و بدان سبب مراجع خواص و عوام بود . و همه دلهزیز بسر میبرد . و در همه جا به نسبت سائر معاصرین فاضل خویش تقدیم داشته و همه بنظر احترام بوی مینگریسته اند . چنانکه یاد شاه وقت سلطان حسین بایقرا نیز به نسبت او کمال ارادت و اعتقاد داشت و همیشه او را به بزرگواری و نظر اعتماد و اعتبار میدید . و از همه پیشتر از بین رجال و اعیان روزگار سلطان موصوف امیر علی شیر است ، که بر علاوه نسبت شاگردی بوی از معتقدین و مریدان او بود ، ارادت و اخلاص فراوانی بوی داشته ، و چنانکه از حضور او بهره های علمی و ادبی گرفته از روحانیت او نیز استمداد مینموده ، خود را کمترین اخلاص کیشان و بلکه خاک آستان او دانسته و بدان افتخار میکنند . و بهره مقامیکه رسیده است همه را از فیض و برکت التفات او میداند ، و وی را



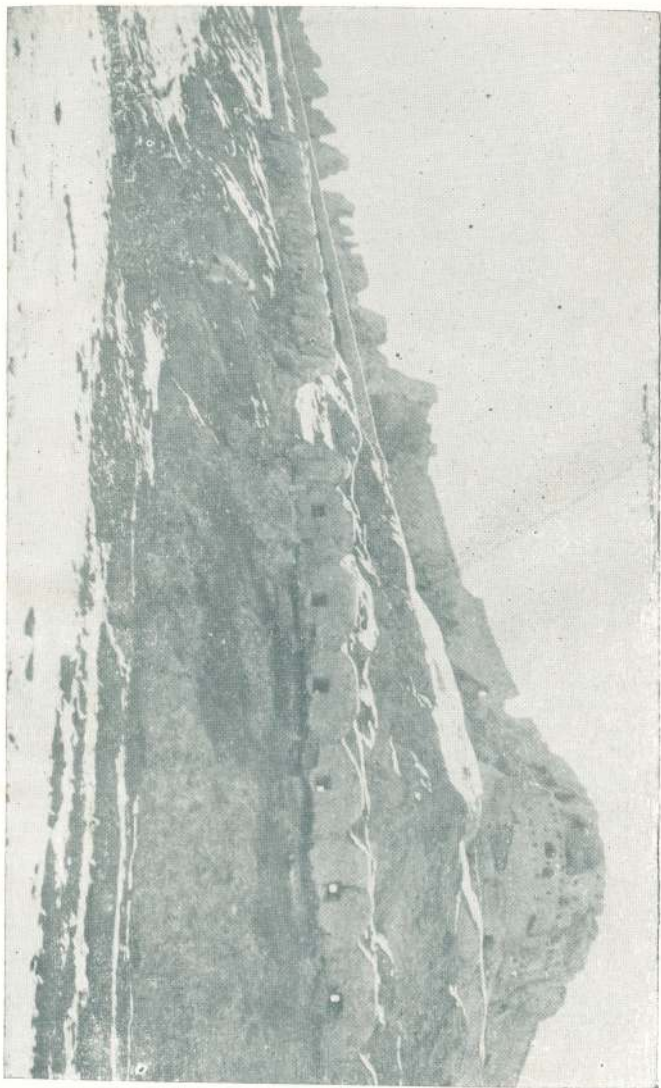
از مزارات هرات ، زیارت حضرت سلطان سید احمد کبیر (قدس الله سره الزیر)
Mausolée de SULTAN SAID AHMAD KABIR à HÉRAT (15^e S.)



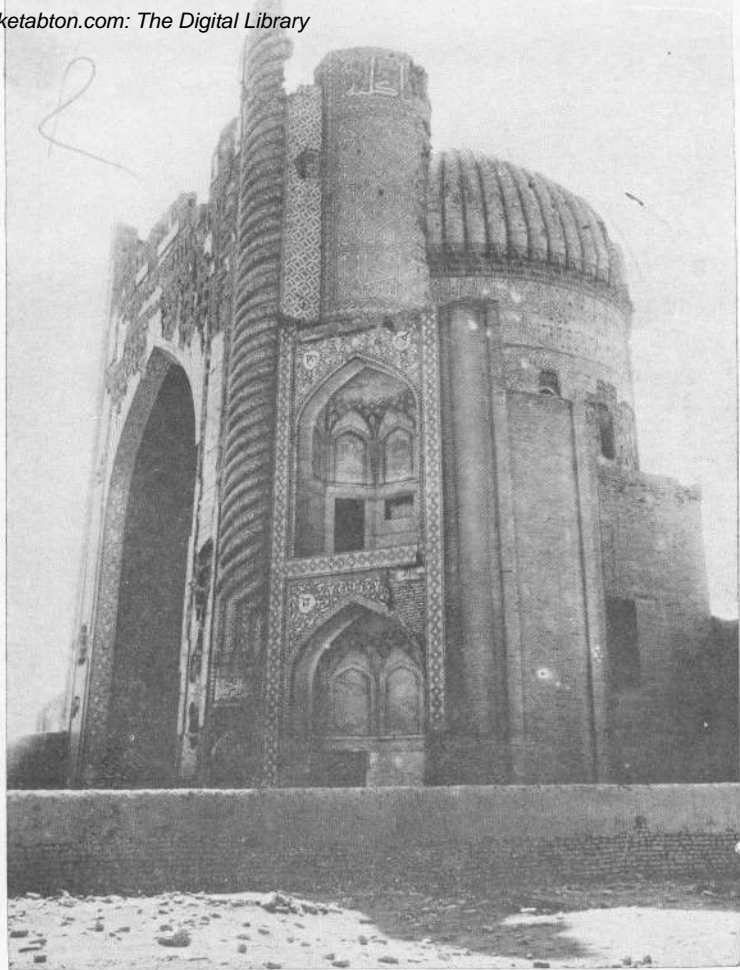
اذاينيه تاريخي هرات ، زيارت خواجه عبدالوليد احمد بن رجا، الهروي متوفي در سنه ۷۳۲ هـ عمارت آن منسوب به امير عليشير نوابي
Mausolée du théologien afghan du 9 è. S., KHADJA ABDUL WALID, à HÉRAT



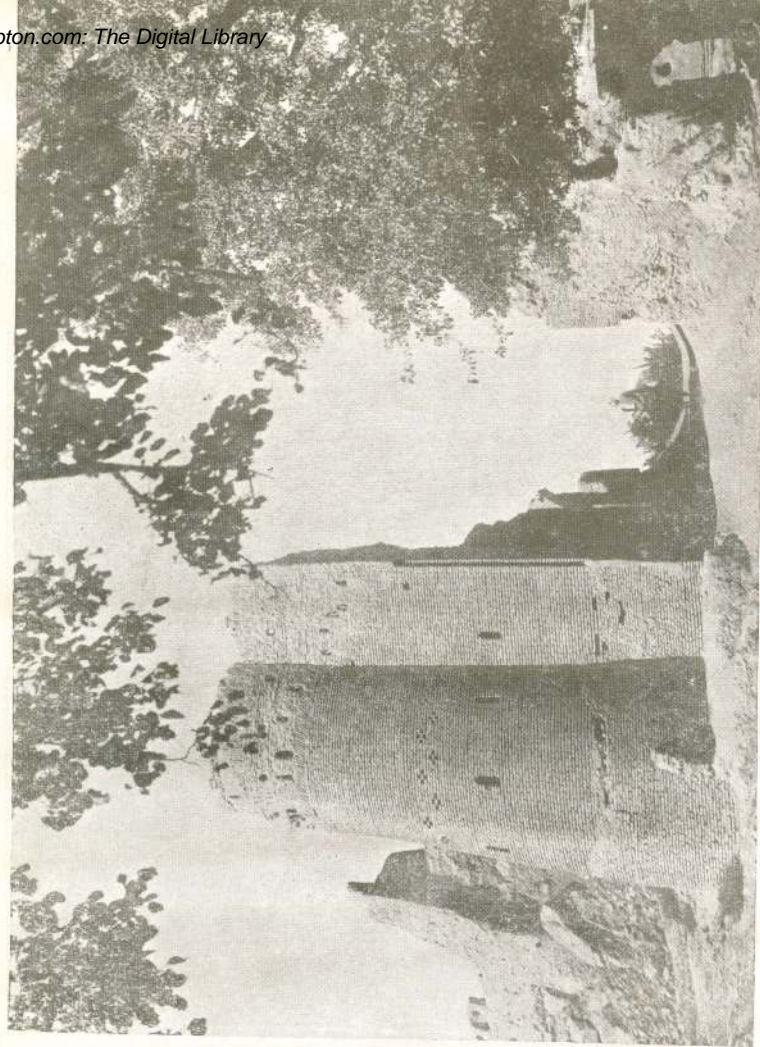
از اینه قدیمه هرات : قلعه اختیارالدین و ارک هرات
L'ancienne citadelle d'Herat



از آثار تاریخی هرات : منظره عمومی دیوار شهر قدیم
Une vue de l'ancienne muraille de la ville d'Herat



از ابنیه تاریخی بلخ : يك قسمت از گنبد مقبره خواجه محمد یارسا در بلخ که بزمان
عبدالله خان اوزبک تعمیر و در عصر عبد المومن خان پسر اوزبکیم شده (۸۰۸ هـ)
Mausolée de Sultan Mohd Parsa à Balkh (16 è.S)



از ابنه تاریخی بلخ ، دروازه نوبهار واقع سمت جنوبی شهر
Ruines de l'ancien portail de Balkh nommé Nao-Bahar



از ابنیه تاریخی ولایت مزارشرف : بالا حصار قدیمی تاشقرغان (خلم قدیم)
L'ancienne forteresse de Tachkorghan (ancien Kholm)

تاشقرغان نام قدیمی خلم است که از بلاد معمور و متمدد

تاریخی افغانستان و در جوار بلخ واقع بوده .

«هونتسین» زائر معروف چینی درحدود ۱۳ قرن

پیش ، از آبادانی و تمدن آن تگ کار وهم در

زمانه اسلامی دارای شهرت زیادی بوده

علماء و فضلاء معروف مثل ابوالاوجاع

(سعید) و (عثمان الخلیلی) از آنجا

برآمده اند - تاشقرغان امروزی

بعوض سرکر قدیم خلم در

اواسط قرن ۱۸ میلادی

ارطرف اعلیحضرت

احمد شاه غازی

تعمیر یافته

است

تاریخچه ادبیات افغانستان

چه از لحاظ ادب و چه از حیث سلوک و عرفان از هم قطاران شیخ نظامی کنجوی و امیر خسرو دهلوی دانسته ، مساوی و همسر ایشان می‌شمرد .
و هم چنان از نویسندگان معاصر او چون صاحب روضه الصفا و دولت‌شاه سمرقندی و غیره و غیره نیز در آثار خویش از وی نهایت وصف نموده و بدح او تر زبانند .

و علت اینهمه و جاهت او در آن عصر احترام او در بین معاصرین خویش و وصف و تمجید فراوان از وی همانا رجحان و برتری او است به نسبت سایرین اعم از اینکه علمی و ادبی باشد یا اخلاقی و غیره . چه اگر در تاریخ عصر او دقت شود ، با جود وفور فضلا و سخن سرایان باز هم از لحاظ جامعیت و اقتدار علمی و ادبی و کثرت تالیف در علوم مختلفه ، بغیر او کس نیست که حقیقه مستحق چنین وصف و ستایشی باشد . و با فرض اگر شخصی از معاصرین بوی فضیلت داشته است تنها از یک لحاظ و یک جنبه بوده در صورتیکه مشارالیه بچندین چیز دیگر به نسبت وی فاضل تر و باخبر تر است و بنا بر این هر آنچه که در باب او در آن عصر گفته اند ، همه بجا است و بلکه حق او را ادا کرده اند .

جامی تنها شاعر نیست . بلکه شخص او را یکی از نوابح علم و ادب در آن عصر باید شمرد و هیچ یک شعبه از علوم متداول آن عصر نیست که مشارالیه در آن تالیفی ننکرده باشد .

و چنانکه در ادبیات فارسی از مبرزترین شعرای عصر خود بوده دارای آثار بزرگ و گران بهائست در آن ، در عربی و ادبیات آن نیز استعداد و مهاوتی بسزاداشته ، گذشته از شاعری در نحو که از امهات علوم ادبیه

سالنامه « کابل »

است . یکی از نجات بررگ و بلکه از ائمه آن بشمار میرود . چه از شرحیکه بر کافیه ابن حاجب بهر بی نوشته ، و معروف بشرح ملاست بخوبی میتوان احاطه و تبحر او را درین علم و زبان عرب در یافت .

تعداد تالیفات او را مطابق به عدد تخلص او جامی ۵۴ پنجاه و چهار کتاب نوشته اند که از مشاهیر آن است مثنویات سبع (معروف بهفت اورنگ) و نفعات الانس و مثنوی در تعریف مکه معظمه و غیره و غیره در فارسی . و شرح جامی در عربی و غیره و غیره . و هم چنان او را کلیات اشعاری است در فارسی که مرکب از چهار قسمت است ، که از حیث عدد و بت الفاظ ، حسن ادا ، رقت موضوع و روانی کلام از اشعار معاصرین او ممتاز است . و هم چنان در تتر فارسی نیز مشارالیه مقام مخصوصی دارد و آثار مشهور او را از حیث بی تکلفی و بساطت و روانی عبارات ، بهترین نمونه تتر آن عصر باید انگاشت . وفات او با تفاق مورخین در هرات بسال ۸۹۸ هشتصد و نود هشت هجری با تفاق پیوسته و همدر انجامد فون است .

چون آوازه ادب بر وریهای سلطان حسین عالم گیر گشته در اکثر از نقاط آسیا فرار رسید ، هیچ شاعری فارسی زبان در هیچ نقطه از ممالک همجواری نبود که خیال مسافرت هرات را بسر نداشته و آرزوی رسیدن بدر بار سلطان حسین را در دماغ نمی برورانید و بطوریکه غزنه در دوره سلطان محمود و بسر او مسعود مرجع اهل علم و ادب گشته هر شاعر و فاضلی از ممالک دور دست بزیرت اومی شتافت ، همان است که هرات و در بار سلطان حسین نیز توجه اهل فضل و سخن سرایان را بخود جلب نمود ، از هر طرف ایشانرا بسوی خود میکشید . و بهر وسیله که بود عمده بزرگی از دانشمندان

تاریخچه ادبیات افغانستان

و شعرا از ممالک دیگر رو بهرات آورده ، بحضرت او میر سیدند . و زبان بمدح سلطان عصر و سائر اراکین سلطنت کشوده ، از انواع احسان و اکرام بزرگانه آنها کامیابی گرفتند . و از صلوات و بخششهای شاهانه بهر هائی بردند . و در ان شهر طرح توطن ریخته ، حتی حیات خود را در دربار و مدح آنها بآخر رسانده اند .

از ان جمله است : هلالی چغتائی استرابادی . نام او بدرالدین وازاعیان اتراک چغتای بود . مولدش استراباد است و همدرانجا نشو نما یافته ودر جوانی بهرات آمده وچنانکه مشهور است بخدمت میرعلی شیر رسید و اظهار موزونیت نمود . و از اشعار خود مطلعی برخوردارند . میرزا بیت او پسند افتاده از تخلص او جوایب شد . گفت هلالی . امیر گفت نه « بدری بدری » . همان بود که امیر وی را مورد التفات قرار داده بطوریکه سزاوار بود ، درباره او احسان نمود و مکرمت ها فرمود .

وایشکه مرحوم واله داغستانی در ریاض الشعرا مینویسد (که او در اوایل حال اشعار هرزه و بیمعنی میگفته و مجلس آرایان اشعار او را در مجالس بر سینل مضحکه میخواندند . تا آنکه امیر علی شیر ازین امر مطلع شده ، جهت حفظ شئون ادب ، اورا تنبیه نموده مانع میشود که بعد ازین چنین اشعار بیمعنی نگوید و ازین رو متاثر گشته سفر اختیار و چند سال به اکتساب ادب می پردازد تا کفایتی بهرسانده واپس بهرات مراجعت و بخدمت میر میرسد و میرازو سوال می کند که درین مدت شعری گفته است و او همان مطلع معروف خود را میخواند و میر مطلع او را پسندیده می پرسد چه تخلص میکنی او میگوید هلالی الخ و بعد از ان میر وجه معیشت او را بقدر کفاف مقرر نموده

بمدرسه که خود ساخته بود به تحصیل او را می‌گمارد و بمدرس تا کید میدارد. که هیچ یک نوع تقصیری در تربیت وی نکنند و مشار الیه مدت چهارده سال در آن مدرسه به تحصیل می‌پردازد. تا آنکه با کسب فضایل و کمالات ادبی نائل آمده بین اقران ممتاز و سر بلند میگردد. (معلوم نشد که واله از روی چه آنرا نوشته و مآخذ آن چه بوده است؟ و ظاهر آگمان کرده میشود که جنبه افسانوی آن به نسبت حقیقت بیشتر میباشد. چرا که در هیچ یک تذکره و تاریخی راجع بهلالی چنین چیزی نوشته باشد بنظر نرسید. والقیب عندالله.

رویه‌مهرفته هلالی از شعرای مبرز غزل سرای آن عصر است. و طبعی بغایت لطیف داشته و در بستن مضامین بدیع و دلکش عشقی، شیوانی ادا، دردناکی لهجه و رفقت احساسات و تخیل در ردیف شعرای مبرز غزل سرای آن عصر قرار گرفته و با جرئت میتوان گفت که کلام هیچ یک از معاصرین او در ین باب بسوی رسیده نمیتواند.

نا گفته نماد هلالی یکی از بدبخت ترین شعرائی است که ما باحوال ایشان اطلاع داریم. و مشارالیه با اینهمه استعداد و لیاقتی که داشت همیشه در معرض هجوم مخالفین خویش قرار گرفته، هدف طعن‌ها و افتراهای هم‌چشمان و ابنای روزگار بود. و همواره چون سیاه پایکعالم اضطراب و پریشانی بمرمی برد. گاه در خراسان و گاه در عراق میبود خراسان او را رافضی و عراقیان سنی اش میخواندند و چه استهزا و حقارت‌ها نبود که در حق وی معمول نمیداشتند. تا آنکه در زمان استیلای عبد الله خان ازبک در هرات کر، وهی از مخالفین او را اتهام برفض نموده بخان مذکور رساندند که او را فضا است و هجو خان نیز گفته. فرمان قتل او صادر شد. و هر چندیکه مشارالیه در عذر خواهی خویش فصیده غرائی

تاریخچه ادبیات افغانستان

در مدح خان موزون کرد، صد افسوس که چائی را نگرفت و همان بود که در چهار سوی هرات بسال ۹۳۰ نهصدوسی هجری قمری خون او را ریختند. هلالی بر علاوه غزل سرائی در مثنوی سازی نیز مهارتی داشته و از عهده آن بخوبی برآمده است. چنانکه بغیر از دیوان غزلیات او که مرتب است دارای سه مثنوی میباشد، که از مشاهیر آن است: صفات العاشقین و شاه درویش. و دیگر از چنین شعرا مولینا اهلی است که صاحب ایماق مغل او را ترشیزی نوشته و مرحوم والہ داغستانی خراسانی. وی سوای اهلی شیرازی و از شعرای مشهور سلطان حسین میرزا است و در دربار بر علاوه شاعری سمت ندیمی نیز داشته و از مقربان او بوده است. و هر چندیکه در سخن بمولینا اهلی شیرازی نمیرسد، باوجود آنهم یکی از اساتذہ و شعرای مقتدر آن زمان بود و از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست. و هم چنان از اشعار وی نیز جز اندکی باقی نیست.

و دیگر از آن شعرا، آهی ترشیزی است که از ندمای سلطان حسین میرزا بود. و در خدمت وی اعتبار یافته حتی گویند که بامارت رسید و آخر الامر در تبریز از پنجان درگذشت. از اشعار وی بغیر از چند بیت باقی نمانده است.

و همچنان یکمده شعرای متوسط الحال نیز در آن عصر زندگانی داشتند که بعضی از آنها از افغانستان و برخی از مالک دیگرند و در هرات آمده و بعضی متوطن و برخی چندی دران دیار بوده باز بمواطن خود مراجعت نموده اند. چون اصغر مبرز که پسر خواجه غیاث الدین عزیز است. و شیخ فضل الله جمال الدین دهلوی که دران عصر چندی بهرات آمده و بخدمت جامی رسیده

سالنامه « کابل »

و ایس بوطن خود مراجعت نمود. و خاکی که معلوم نیست از کجاست ؟ و صفائی خرسانی و غضنفری که از معاصرین صفائی است و قدسی و امانی مشهدی و بابا شهیدی که از شعرای امیر یعقوب تبریزی بود و بعد از فوت او بهرات آمده و بخدمت سلطان و جامی رسید و از سلطان التفات بسیار دیده و جامی او را استقبال نموده بالاخره بهند و ستان رفته و در گجرات و فات نمود. و قاضی مسعود قمی که از اعیان عراق بود و در زمان سلطان حسین بهرات آمده و ملازمت امیر علی شیر اختیار نموده و چون در نظم اشعار مهارت داشته بنظم احوال سلطان حسین پرداخته و در آن باب در حدود دو هزار بیت برشته نظم کشیده و همچنان مثنویات دیگر بنام یوسف و زلیخا، مناظره شمس و قمر و تیغ و قلم نیز دارد. و یوسف بدیمی که از ولایت اندجان است و در وقت سلطان حسین بهرات آمده و از التفات و اکرامهای شاهانه مستفید گشته و در عروض و صنایع شعری و فن معما و قوف داشته و در تبیین قواعد معما رساله نیز تالیف نموده و کمال الدین مسعود شیروانی که از علمای معروف بود و در مدرسه گوهر شاد بتدریس می پرداخت و بر علاوه طبع شعر نیز داشته. چنانکه از اشعار او مطلعی در مجالس النفاث مسطور است. و فاتش در ۹۰۵ نهصد و پنجاه هجری. و فخرالدین علی پسر کمال الدین حسین واعظ کاشفی که منظومه بنام محمود و ایاز داشته و در ۹۱۱ نهصد و یازده و فات نمود و سیفی ماورالنهری که در آغاز جوانی بهرات آمده و بخدمت میر علی شیر پسر میرده و گاه بگاه ملازمت آستان سلطنتی نیز میرسیده و در اواخر و ایس بوطن اصلی خود مراجعت نمود. و محمد طالب که در فن معما از سرامدان عصر بود و سالهای درازی بخدمت بدیع الزمان میرزا بود. و حسن علی که در سلك فضلا

تاریخچه ادبیات افغانستان

و شعر امنسوب بود و اشعار سلیس و روانی داشته و واله هروی و ویسی هروی و یقینی هروی که مولد و منشاء هر سه آنها هرات است . و مولینا مجنون بن کمال الدین محمود رفیق مشهدی که بر علاوه شاعری به ظرافت طبع و حسن خط نیز معروف بود . دوست سبز واری که در مدح سلطان حسین قضا نندی داشته . و زلالی هروی و صبجی اوبهی که از مصاحبین هلالی و هاتقی بود . و هاتقی جامی همشیره زاده مولینا عبدالرحمن جامی و مولینا فناوی و محمد جامی برادر کوچک مولینا عبدالرحمن جامی و سلطان محمد حافظ ندائی که مردی نهایت متقی و پرهیزگار بود ، اصل وی از اسفزار هرات است و در عهد سلطان حسین بشهر هرات آمده توطن گزیده و بدان سبب هروی معروف گشته . او راست مثنوی بنام راز و نیاز . و سرکش هروی که باهلالی مشاعرات داشته و برخی اورا ابهری نیز گفته اند . نظمی خراسانی و هراتی که با امیرعلی شیر معاصر بوده . و خواجه ایوب نمد کلاهی و مولینا اسمی و رضای کاشی که در هرات آمده بروزگار سلطان حسین فوت شد . و شمسی بدخشانی و صفی الدین یسر حسین واعظ کاشفی و صانع و صبجی و صدقی شاعر ساکن هرات . یوسف و صوفی مازندرانی که بهرات آمده و در آنجا کتساب ککالات نموده و میر نظام الدین ضیائی و عشقی ساکن هرات که زمان ابوسعید و سلطان حسین هر دورا دریافته . و عهدی که از کاتبان مشهور و معاصر جامی است . و سائل همدانی و سامی خراسانی و عالی خراسانی و فضلی هروی که با گلخنی در خیابانهای هرات بمهاجرات و مناقشات می پرداخته . و قیولی که مردی فقیر بود . و میرزا ابراهیم که بنسایر مهارتیکه در نواختن قانون داشت بقانونی معروف گشته و بر علاوه شاعری از نویسندگان آن عصر است . و قانعی و گاهی شاگرد ملا محمد بدخشی که شاعر

سالنامه « کابل »

بسیار نیز طبع بوده و کاتبی مشهدی و مائلی تاشکندی و مجاور میرزا و حافظ میر سیستانی و مولینا زاهد و نامی سبز واری که دستگاه تمامی در فن انشا و خط داشت و نقلی ساکن هرات و قاضی نظام الدین خراسانی و یقینی که از شعرای ذواللسانی است ، در فارسی و ترکی اشعار زیادی داشته و جلالی و غیره و غیره .

و همدران زمان چند تن از خطاطان معروف نیز در دربار سلطان حسین میرزا بسر می بردند . که از جمله معاریف آنهاست : یکی مولینا سلطان علی مشهدی ، مشار الیه در خط نسخ و تعلیق با اندازه چیره دست و ماهر بود ، که گویند قطعات قلمی او بخطوط استادان متقدمین پشت یا میزد . و بروزگار سلطان حسن میرزا بنا بر اشارت سلطان و التماس امیر علی شیر بکتابت نسخ شریفه میرداخت . وفات او در ۹۱۸ هجری در مشهد با اتفاق پیوسته و هم چنان طبع شعر نیز داشته و گاهی بنظم اشعار اشتغال میورزید .

و دیگر از خطاطان مشهور آن زمان سلطان محمد بن مولینا نورالله است که از عمده نستعلیق نویسان عصر خود بود و هم چنان سلطان محمد خندان که سالها در هرات بسر برده و در آنجا توطن گزیده بود . و بکتابت نسخ شریفه مصروف بود . و یوسف شاه خطاط هروی که از خطاطان مقرر هرات و معاصر امیر علی شیر است و طبع شعر نیز داشته و کاتب تخلص میکند . و دیگر از مذهبین و نقاشان چیره دست آن عصر ، حاجی محمد نقاش است که مریدی ذوقنون بود و در امور نقاشی و تذهیب و سایر شعب آن مهارتی بسزا داشت . و بخد مت میر علی شیر مدتی گذشتا نده ، بلکه چندی بسمت کتابداری او منصوب بود . و در باره فضائل او می نویسند که چند گاه در

تاریخچه ادبیات افغانستان

صد پختن چینی ففوری بر آمده پس از ارتکاب مشقت های بیشاری درین راه تا اندازه بمقصد خویش نائل آمده . توانست ظروف و آوانی سازد که با چینی ففوری از اکثر جهت شبیه بود . وهم چنان نویسنده از جمله مخترعات اودران عصر صندوقی بود در کتابخانه امیرعلی شبر معروف بصندوق ساعت و دران مجسمه کوچکی تعبیه نموده بود که چوبی در دست داشت . و چون یک ساعت از روز میگذشت آن پیکر یک نوبت چوب مذکور را به نقاره می که در پیش او بود میزد . و در ساعت دوم دو مرتبه و در ساعت سوم سه مرتبه و قس علیهذا . از وفات وی اطلاعی صحیحی در دست نیست .

و دیگر از هنرمندان و مذهبین آن زمان خواجه مرک نقاش است . که در تصویر و تذهیب مثیل و نظیری نداشته و در فن کتابه نویسی از سرامندان عصر خود بود . اکثر از کتابه های عمارات آنوقت هرات بخط او است

و دیگر از مذهبین معروف و نقاشان چیره دست آن عصر استاد کمال الدین بهزاد است . که از سر بر آوردگان این فن بشمار رفته ، مسلم زمان و مشاهیر دوران است . مشار الیه بخدمت امیر علی شیر انساب داشت و به یمن توجه و تریه آن راد مرد بزرگ در فن خود بمتها درجه ترفی و پیشرفت نائل آمد . تا آنکه یکی از اساتذه و نوابغ فن تصویر و تذهیب و سایر شعب آن گردید . و یاد شاه وقت سلطان حسین میرزارا نیز در باره او التفات مخصوصی بوده . همواره مشمول عنایات خسروانه خویش قرار میداد .

و همدران زمان عدّه کثیری از علما و فقها در هرات وجود داشتند که بعضی ایشان از افغانستان و برخی از اطراف و ممالک دور دست بهرآه آمده در آنجا بسر می بردند و بمقامات و مناصب بزرگ علمی و روحانی رسیده

سالنامه « کابل »

بسیایهٔ مراجع ماو گانهٔ سلطان زیست می نمودند :

چون امیر سید اصیل الدین عبدالله الحسینی که از وطن اصلی خود شیراز بهرات آمده رحل اقامت افگند و هفتۀ یکبار بمدرسهٔ گوهر شاد آغا بموعظۀ و نصیحت خلائق میپرداخت . و در علم تفسیر و حدیث و انشاء بی نظیر بوده از مؤلفات اوست : کتاب درج الدرر در سیر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و رسالۀ مزارات هرات . وفاتش بسال ۸۷۳ هشمصد و هفتاد سه هجری قمری . و مولینا شمس الدین محمد تباد گانی که از خلفای شیخ زین الدین خوانی است . مشار الیه از افاضل روزگار بود ، قصیدهٔ برده را مخمس نموده و بر منازل السائرین شرح نوشته و همچنان در سرودن اشعار فارسی نیز استعدادی داشته بسال ۸۹۱ هشمصد و نود یک هجری وفات یافته و در خیابان هرات مدفون است .

وقاضی نور الدین محمد امامی که پسر بزرگ قاضی صدر الدین محمد بن قطب الدین عبدالله بود . مشار الیه از فقهای معروف آن عصر و در فیصل قضایای شرعیه مهارتی بسزا داشته و امانت و دینداری نهایت معروف بود . و بروزگار سلطان حسین میزاقضای هرات داشت . و با کمال جاه و جلال و پرهیزگاری آن وظیفه را یش می برد . در ۸۹۱ هشمصد و نود یک وفات کرد . و همچنان دو پسر مشار الیه صدر الشریعه نور الدین محمد و جلال الدین محمود نیز از جملهٔ معارف آن عصر بشمار رفته ، سلطان وقت را در بارهٔ ایشان التفاتی بنام بود .

وقاضی شمس الدین عبدالله بن جلال الدین ابو سعید بن شمس الدین عبدالله بن قاضی جلال الدین محمود امامی که مدتی بروزگار سلطان حسین بقضای

تاریخچه ادبیات افغانستان

هرات منصوب بوده و بعد در مدرسه سلطانی به امر تدریس اشتغال داشت .
و حافظ غیاث الدین که از عمده محدثین آن زمان بوده ، از بزرگان ار باب
علم و عرفان بشمار میرفت . و همیشه در هرات بروز کار سلطان موصوف بافادات
علمی مصر وقت داشت (وفات ۸۹۷ هشت صد و نود و هفت ه - ق) .

و خواجه رضی الدین احمد جامی نامقی که تولیت اوقف مزار شیخ الاسلام بوی
تعلق داشته در (۹۰۸) نهصد و هشت وفات نمود . و خواجه ناصر الدین عبدالعزیز جامی
که از عرفا و اهل سلوک بود و فاتهش در (۹۲۰) نهصد و بیست هجری قمری .
و قاضی نظام الدین محمد بن شرف الدین حاجی محمد فراهی که اصل وی از فراه
و پدرش از اعظم فقهای زمان ابو القاسم بابر میرزا بود . مشارالیه همیشه بازهد
و تقوی بسر می برد . و برا کثر از علمای سلطای حسین تفوق داشته ، ابتدا
در مدرسه غیاثیه و در مدرسه اخلاصیه هرات به تدریس قیام می نمود .
تا آنکه در اثر و فور تکلیف سلطان عهده دار فضای هرات گردیده ، تا آخر
عمر بدان و وظیفه اشتغال داشت و فاتهش بسال (۹۰۰) نهصد هجری قمری .

و مولینا معین الدین فراهی برادر قاضی موصوف که در بسیاری از فضائل
و کمالات دسترس داشت و خط بغایت نیکومی نوشت . و همیشه ایام جمعه بعد
از ادای نماز بمقصوره جامع هرات بموضع می پرداخت . و بعد از فوت
برادر مدت یکسال فضای هرات را بنا بر تکلیف سلطان قبولدار گشته بعد ازان
استمفا داد . از مؤلفات او ست معارج النبوة و فاتهش در سنه (۹۰۷) نهصد و
هفت هجری .

و مولینا شرف الدین اسقرائینی متوفی در (۹۰۰) نهصد و شمس الدین محمد بن
شرف الدین عثمان معروف بمولینا زاده عثمان که از سرآمد علمای ماوراء النهر

سالنامه « کابل »

بود و پس از ادای فریضه حج بهرات آمده در آنجا توفین گزید و سالیان درازی در مدرسهای سلطانی و اخلاصیه بتدریس اشتغال داشت . وفاتش در (۹۰۱) نهصد و یک هجری .

و قطب‌الدین محمد آدم طیب و شیخ‌الدین حبیب‌الله طیب و نظام‌الدین عبدالحی طیب سمرقندی که از اطبای مخصوص شاه‌ی بوده در علم طب و تدوین امراض مشکله کمال حذاقت داشتند و شمس‌الدین محمد روحی از معاریف مشایخ و خلیل‌الله یسرمولینا فاضل سمرقندی و عبدالجلیل از دانشمندان و نظام‌الدین عبدالحق از مقتیان معروف هرات و شیخ صوفی علی از عرفا و نور‌الدین محمد زیارتگاهی از مدرسین معروف مدرس سلطانی و شیخ الاسلام سیف‌الدین احمد که در فقه و تفسیر و حدیث یگانه عصر خود بود . و خواجه عماد‌الدین عبدالعزیز مشتهر بمولینا زاده ابهری که از محدثین و فقههای معروف بوده در فقه شافعی و حنفی دسترسی تمام داشت . و بنا بر اشاره میر علی شیر مشکوة را شرح نوشت و بنام او هدیه کرد . و امیر کمال‌الدین حسین ابیوردی و امیر صدرالدین یونس بن امیر رضی‌الدین عبدالدول بن امیر معین‌الدین مر نضی حسینی که از مدرسین نامی مدارس بدیعیه و غیاییه و سبزیرامان بود . و امیر صدرالدین ابراهیم مشهدی از مدرسین مدرس سلطانی ، بدیعیه و خاقان اخلاصیه و مولینا فصیح‌الدین محمد نظامی که از حکما و ریاضیون معروف بود و حاشیه بر بالای هدایة الحسکه میندیدی نوشته وار بعین امام نودی و مآنه عوامل عبدالقاهر جرجانی را شرح نموده و حواشی بر بالای مختصر المعانی و مطول تقنازانی نیز داشته . و مولفات وی در انحصار بغایت درجه اشتہار یافته و همیشه طلبه از مطالعه مولفات وی استفاده‌هایی برند . و شیخ جلال‌الدین ابوسعید پورانی و شیخ

تاریخچه ادبیات افغانستان

فصیح الدین محمد و امیر نظام الدین عبدالقادر از مشایخ و عرفا . و امیررضی الدین عبدالاول بن نور الدین محمد امین بن امیر رضی الدین عبدالاول حسینی از مدرسین مدرسه غیاثیه و بدیعیه . شیخ نورالدین محمد خوانی و شیخ ابوالوجد فارغی از مشایخ که طبع شعر نیز داشته . و صدرالدین محمد که بوفور فضاثر و کمالات موصوف بوده در سلك مدرسین مدرسه غیاثیه و اسلامیه انسلک داشت . و زین الدین محمود و شیخ جلال واعظ و قاسم علی و شمس الدین بردعی و اسماعیل تبریزی و حاجی تبریزی و عصام الدین ابراهیم بن عمر بشاه اسفرائینی و امیر جمال الدین عطاء الله رازی . و امیر نسیم الدین محمد معروف بمیرک شاه و خواجه عبدالرحمن شمس الدین محمد حنفی و غیره و غیره که از اجله علمای آن عصر بودند . و چون این مختصر گنجایش معصل احوال آنها را نداشت تنها بتذکار نام ایشان اکتفا رفت .

احوال نشر و نشر نویسندگان در عصر تیموریه : پس از جلوس شاه رخ میرزای تیموری در هرات چنانکه دیدیم در اثر توجه و تشویق مشارالیه و باز ماندگان اهل او ، ادبیات این سرزمین نفس دوباره کشیده ، آهسته آهسته باز رونق گرفت . شعرا و سخن سرایان سر از نو بازار سخن سرائی گرم ساختند و بدینوسیله نظم فارسی را که بهتر و بحالت نزع افتاده بود توانستند با اندازه استوار و از انقراض آن جاوگیری نمایند . و به تخصیص در عصر آخرین جهانیان این سلسله چنان این فن تعمیم و رواج یافته مورد توجه قرار گرفت ، که یکنوع پیشه و ممر معاش مردم بشمار رفته ، و سیله پیشرفت عامه الناس را فراهم میکرد . و هر کس جهت رسیدن بمقاصد خویش جز این چاره نمی اندیشید و چون بدین وسیله سهل و آسان بود ، در جستجوی راه دیگری نمی برآمد بنابراین بعضی طبقات برجسته ارادی و برخی غیر ارادی باعث پیشرفت و حیات

سالنامه « کابل »

دوباره نظم بخصوص غزل سرائی گشته صرف نظر از بعضی نقایصی که در جایش گفته آید ، خدمت معتابانهائی به عالم ادبیات کردند .

و چون هیچ سلطنتی بنا بر مقتضیات و احتیاجات خویش از دواوین رسالت و مالی و غیره مستغنی شده نمیتوانست ، و هم چنان پیشبرد امور دیوانی ممکن نبود مگر بوسیله منشیان و نویسندگان لایق و با کفایت . لهذا توجه و اهتمام سلاطین و پادشاهان در باره تشریح و مترسکین از واجبات و دارای جنبه مجبوری و احتیاجات آنی بود . بر خلاف شعر و شاعری که همیشه جنبه تفریحی و تقلیدی داشته ، منتها جهت ابقای نام و نشان از نوافل و جزه تزیینات دربار بشمار میرفت ، آنهم در صورت تأمین احتیاجات ضروریه و فراغت از سیاسیات و سائر امور کشوری .

همان بود که سلاطین و شاهان گذشته در اثر همین سابقه طبیعی همیشه احتیاج به نویسندگان و دبیران زبردست داشته و در باره آنها اعتنای کاملی می نمودند و در بار آنها هیچ گاه خالی از وجود چنین اشخاص فاضلی نبود . و همین گروه نویسندگان و دبیران بودند ، که در یسانها علاوه بر ایفای وظایف دبیری و انشاء ، به تحریر و نگارش و قایم بزرگ زمان سلطنت و تاریخ سلاطین منسوبه خودها پرداختند و بدین وسیله تهداب تترقاری را گذاشته از عوامل حقیقی تکون آن بشمار میروند . تا آنکه رفته رفته طبقات دیگر به تقلید آنها برخاسته چیز نویسی در تترقاری عام گردید و هر کس بقدر استعداد به نوشتن مولفات خویش پرداخته ، در نتیجه در قرن ۵ و ۶ تتر و وسعت گامی یافت ، و در آن آثار قابل اعتنائی گرد آمده بود که ناگهان سبب خروشان مغل همه را از بین برد .

بنابران در دوره تیموریه هرات چنانکه نظم حیات دوباره ا کتساب نمود . به پیشرفت امید افزائی نائل آمد ثر نیز جنبشی نموده ، در مورد توجه قرار یافت . نویسندگان چندی پا به عرصه حیات گذاشته ، مجدداً با حیات سنت و شیوه گذشته گان برداختند . و بهمت ایشان آثار گران بهائی در شرفراهم آمد که نمیتوان آنهارا فراموش نمود .

و از جمله این نویسندگان که به نسبت سائرین حق قدامت داشته ، اول تر از همه مستحق تذکار است ، مورخ شهیر نورالدین لطف الله معروف بحافظ آ برو است . اصل وی با تفاق مورخین از هرات است و همدردان نجا تولد یافته و در همدان نشو و نما نموده و تحصیلات خود را باتمام رسانده ، ابتدا بخدمت امیر تیمور کورگان پیوسته وامیر را درباره وی التفات بی پایان بود . همواره او را در مجالس خاص پادشاهی بار داده وباسترضای خاطرش می کوشید .

پس از وفات تیمور بملا زمت شاهرخ شتافته ، در سنک ند ما و خواص شهزاده با یسنقر میرزا انسلاک یافت و بخدمت او معززانه میزیست وزبده التواریخ با یسنقری را بنابر خواهش و التماس شهزاده موصوف برشته تحریر کشید و معظم حوادث و وقایع جهان را از اقدم عصور تا سال (۸۲۹) هشتصد و بیست و نه هجری قمری بر سبیل تفصیل دران درج نمود . زبده التواریخ یکی از مهمترین کتب تاریخ است . که در عصر تیموریان تالیف یافته . وفات مشارالیه در شوال سال ۸۳۴ هشتصد و سی و چهار هجری قمری در زنجان با تفاق پیوست .

و دیگر از نویسندگان معروف آن عصر کمال الدین عبدالرزاق بن

سالنامه « کابل »

جمال الدین اسحاق سمرقندی است. پدرش جلال الدین اسحق سالها در اردوی شاهرخ میرزا بمنصب قضا اشتغال می ورزید و هم چنان امامت و پیش نمازی پادشاه نیز مخصوص وی بود. و در دربار بر علاوه توضیح مسائل، بعضاً بقرائت رسائل نیز می پرداخت. و در همان روزگار صاحب ترجمه عبدالرزاق در هرات تولد یافت و این مقارن بود با دوازده شعبان سال ۸۱۶ هشتصد و شانزده هجری قمری.

عبدالرزاق پس از فوت پدر بسال ۸۴۱ هشتصد و چهل و یک هجری بیکي از رسائل مولفه قاضی عضدالدین الجلی که در معنی حروف و اسماً اشارت بود شرحی نوشت. و دیباچه آنرا بنام شاهرخ میرزا موشح و مزین ساخته. بدین تقریب باستان بادشاهی تقدیم و بانواع ملاطفات شاهانه مشرف گردید. و درقطار دربارن و اعیان آن عصر بسر میبرد.

تا آنکه در اواخر ایام شاهرخ میرزا، برسات در دربار بیجانگر ماموریت یافته، بصوب هند شتافت و دران سفر حالات و قایع شگفت انگیزی بمشاربیه رو داده، پس از گذشتانیدن چندی دران سرزمین اسرار آلود واپس بهرات مراجعت نمود. و بعد از شاهرخ در زمان جانشینان او عبداللطیف میرزا و ابوالقاسم نیز جز و اعیان و اطرافیان سلطنت بوده، معرزانه مراحل حیات می پیود. تا که در جماد الاولی سال ۸۶۷ هشتصد و شصت و هفت هجری قمری بروزگار سلطان ابو سعید کورگان بمنصب شیخی خاتقاه شاهرخ میرزا انتصابات یافته مدت (۲۰) بیست سال بدان امر اشتغال داشت. و فائش درجماد الاخرای سال ۸۸۷ هشتصد و هشتاد و هفت هجری قمری وقوع یافته، تاریخ مطلع السعدین ازوست.

تصاویر شاهان افغانستان

از سلسله سلاطین افغانستان : شاهان قدیم

Un des anciens souverains d'Afghanistan .



او تدم دوم یکی از شاهان باختر (بلخ)

(در حدود ۱۶۰ ق - م)

Euthydème II: un des rois de

Bactérienne (environ 160 av I. C.)

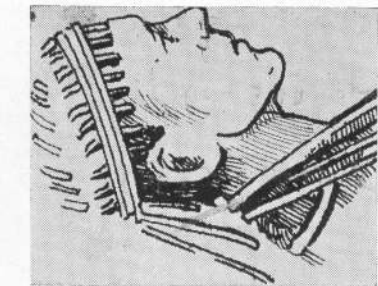
انجمن ادبی در نظر داشت تصاویر تمام شاهان وطن عزیز را از قدیمترین ادوار تا امروز جمع آوری و در سالنامه نشر نماید - اما چون تعداد شاهان افغان خیلی زیاد و انجام این کار مشکلات زیادی داشته وقت زیادی لازم دارد فعلاً به نشر همان قسمتی که جمع آوری شده بود * پرداخته امیدواریم که در آینده به تکمیل سلسله شاهان وطن بتدریج توفیق بیاییم - تاریخها تیکه در ذیل اسم شاهان نشان داده شده سالهای جلوس میباشد .

Nous nous sommes efforcé de publier les portraits des souverains d'Afghanistan depuis l'antiquité jusqu'à nos jours.

Nous publions ici les documents que nous avons pu réunir, et nous nous proposons de compléter notre série - qui est d'ailleurs assez vaste - dans l'avenir. Nous nous contentons de donner les dates de l'avènement des souverains.

از سلسلهٔ سلاطین افغانستان : شاهان قدیم

Les anciens souverains d'Afghanistan.



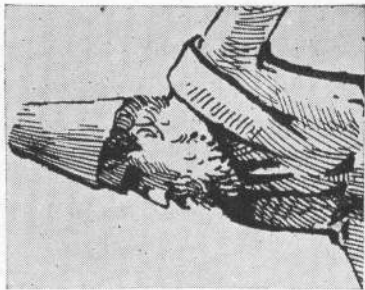
هرمایوس (در حدود ۲۵ ق - م)
Hermaïos (env. 25 av. J.C.)



هلیو کلس (در حدود ۱۳۰ ق - م)
Hélioclès (env. 130 av. J.C.)

از سلسله سلاطین افغانستان : شاهان قدیم

Les anciens souverains d'Afghanistan.



کانشکای کبیر (از سلسله کوشانی)

« در حدود ۷۱ میلادی »

Kanishka de la dynastie des Kushanas
(env. 71)



میناندر (در حدود ۱۴۰ میلادی)

Menandre (env. 140)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays



سلطان غیاث الدین غوری شهنشاہ افغان (۱۱۹۲ ق.م.ق.)
Sultan Ghiassouddine le Ghouride
Empereur Afghan (1192)



سلطان محمود غزنوی شهنشاہ افغان (۳۸۸ ه.ق.)
Sultan Mahmoud le Ghaznévide
Empereur Afghan (998)

ار سلطنت کردہ اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays

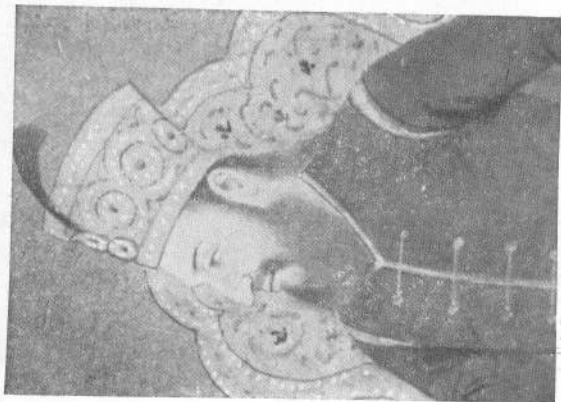


سلطان قطب الدین ایبک (۱۲۰۶ - ق)
Sultan Kotboddine Aibak (1206)



سلطان شہاب الدین غوری شہنشاہ افغان (۱۱۷۳ - ق)
Sultan Chahabuddine le Ghouride
Empereur afghan (1173)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois Afghan ayant régnés aussi en
dehors du pays



سلطان شمس الدین التمش (۱۲۱۰ هـ - ق)
Sultan Chmsuddine Oultatmèche (1210)

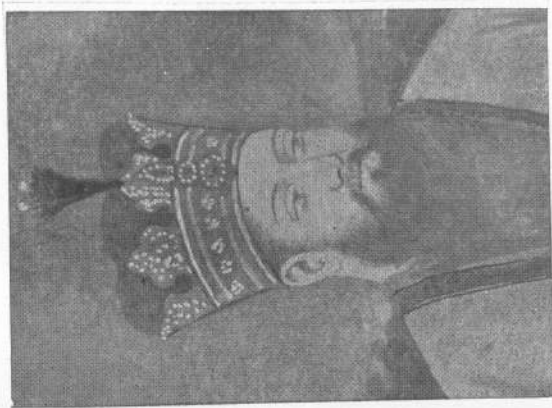


سلطان آرام شاه (۱۲۰۷ هـ - ق)
Sultan Aram Chah (1210)

از سلسله شاهان افغان و سلاطين افغانى که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant
régnés aussi en dehors du pays



ملکه رضیه (۱۲۳۶ هـ - ق)
La Reine Raziah (1236)



سلطان رکن الدین فیروز شاه (۱۲۳۵ هـ - ق)
Sultan Ruknoddine Ferouz-Chah (1235)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays



سلطان علاء الدین مسعود شاه (۶۳۹ هـ ق)
Sultan Ala-Uddine Mass-Oud Chah (1241)



سلطان معز الدین بهرام شاه (۶۳۷ هـ - ق)
Sultan Moëzzodine Bahram-Chah (1239)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays

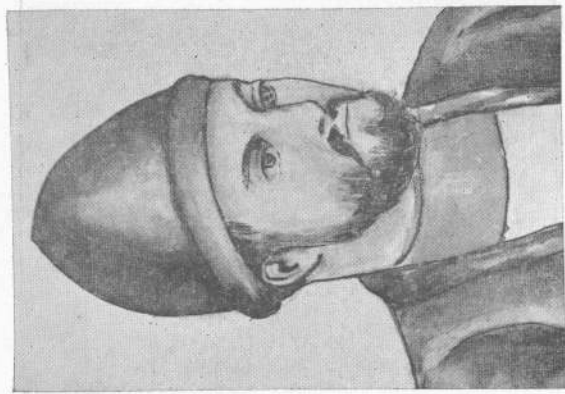


سلطان غیاث الدین بلبن (۱۲۶۵ هـ - ق)
Sultan Ghiassouddine Balabanne (1265)



سلطان ناصر الدین محمود شاه اول (۱۲۴۶ هـ - ق)
Sultan Nassérodine Mahmoude Chah (1246)

ار ساساء شاهان افغان وسلاطين افغانى كه در خارج هم سلطنت كرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en
dehors du pays



سلطان علاء الدين خالجي شاه اول (۱۶۹۵ هـ - ق)
Sultan Ala-Ouddine Kheldji (1295)



سلطان معز الدين كيقباد (۶۸۲ هـ - ق)
Sultan Moëzzodine Kaikobad (1287)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghanya ant régnés
aussi en dehors du pays



شیر شاه سوری شهنشاہ افغان (۹۴۶ هـ - ق)
Cher Chah Souri Empereur Afghan (1539)



سلطان ابراهیم لودی (۹۲۳ هـ - ق)
Sultan Ibrahim Loudi (1517)

از سلسله شاهان افغانستان : هوتکی ها

Les souverains d'Afghanistan Les Hotokis



شاه محمود هوتکی شهنشاه افغان (۱۷۲۵-۱۷۲۲ ق)
*Chah Mahmud Hotoki Empereur
Afghan (1722)*



میر وئیس خان بابای هوتکی موسس سلسله
هوتکی ها (۱۷۱۷-۱۷۱۴ ق)
Mir Ouais Khan Hotoki (1714)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین سدوزائی

Les rois d'Afghanistan: Les Sadouzaïdes



اعلیحضرت تیمور شاه غازی شاهنشاه افغان (۱۸۷ هـ - ق)
S. M. Timour Shah Emperor of Afghanistan (1773)



علیحضرت احمد شاه غازی شاهنشاه افغان (۱۶۰ هـ - ق)
S. M. Ahmad Shah Emperor of Afghanistan (1747)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین سدوزائی
Les rois d'Afghanistan: Les Sadouzaides



اعلیحضرت شاه شجاع (۱۲۱۶ هـ - ق)
S. M. Chah Choudja (1801)



اعلیحضرت شاه زمان (۱۲۰۷ هـ - ق)
S. M. Chah Zaman (1739)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین محمد زائی

Les rois d'Afghanistan : Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر شیر علیخان (۱۲۸۰ هـ - ق)
S. M. Amir Cher Ali Khan (1836)



اعلیحضرت امیر دوست محمد خان (۱۲۴۷ هـ - ق)
S. M. Amir Dost Mohammad Khan (1826)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین محمد زائی
Les rois d'Afghanistan, Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر محمد اعظم خان (۱۲۸۴ ه - ق)
S. M. Mohammad Aazam Khan. (1867)



اعلیحضرت امیر محمد افضل خان (۱۲۸۲ ه - ق)
S. M. Amir Mohammad Afzal Khan (1865)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین محمد زائی
Les rois d'Afghanistan: Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان (۱۲۹۶ هـ - ق)
S. M. Abdur-Rahman Khan (1879)



اعلیحضرت امیر محمد یعقوب خان (۱۲۹۶ هـ - ق)
S. M. Amir Mohammad Yakoub Khan (1879)

از سلسله شاهان محمدزائی افغانستان
Un des souverains d'Afghanistan



اعلیحضرت امیر حبیبالله خان شهید (۱۳۱۹ هـ - ق)
S. M. Habibullah Khan (1901)

این کتاب یکی از بزرگترین و مهمترین کتب تاریخی است که در عصر تیموریان تالیف یافته و مشتمل است بر وقایع و حوادث روزگار از زمان سلطان ابو سعید بهادرخان آخرین فرد دودمان چنگیز تا هنگام قتل سلطان ابوسعید کورگان و مولف بدینجهت آن را بمطلع السعدین موسوم ساخت .

و دیگر از مورخین و نویسندگان زبردست روزگار سلطان حسین سید فخرالدین برهان الدین خاوند شاه بن کمال الدین محمود هر وی بلخی بخاری است معروف بامیر خواند . که در زمان خود بو فور اطلاعات تاریخی مشهور و از سر بر آوردگان انشا و اهل قلم بشمار میرفت . و چنانکه از دیباچه روضه الصفا استنباط میشود ، مشارالیه بنا بر کثرت ذوقی که در تاریخ داشت ، همان است که در اواسط زندگی بمطالعه کتب مختلفه تاریخ جهان اشتغال ورزیده ، بجمع آوری اطلاعات نفیس تاریخی در حافظه می پرداخت . و بفراخور حال و استعداد خویش درین فن اکتساب شهرت نموده ، درجمع فضلا و ارباب دانش بنوادر حکایات تاریخی معروف گردیده همواره مورد استحسان و ستایش ایشان واقع میشد . تا که جمعی از دوستان خواهش مند نگارش تاریخی از وی شدند و مشارالیه پس از چندین بنا بر التماس آنها و صوابدید امیر علی شیر وزیر (که صاحب ترجمه را در باره وی ارادت عظیم بود) اقدام بتالیف تاریخ خویش (روضه الصفا) نمود و بطوریکه خود گفته کوشش داشت تا عبارات ساده و بی تکلف خالی از هرگونه حشو و زوائد ، استعارات و تشبیهات ناموزون بسلك تحریر کشید . و همان است که نظر بقول مرحوم کاتب چلبی (در کشف الظنون) درمدرسه اخلاصه واقع در کنار نهر انجیل که از مبنای خیره

سالنامه « کابل »

امیرعلی شیر بود ، بنوشتن آن مشغول گردید .

مؤلف ، این کتاب را تائیمه جلد ششم بدون عارضه و بیش آمدی نوشته میآید . تا آنکه در شروع تحریر وقایع جلوس شاهرخ و بعد از آن ، چنانکه خود در خاتمه جلد شش مینویسد ، بعلاات ناگوار و درمان ناپذیری مبتلا گشته ، ضعف جگر و درد کرده باندازه بوی استیلا یافت که مجال نشستن بخود نمی یافت . اطبا بمعالجه وی پرداخته ، بیش از حد و اندازه او را به پر هیز مقید ساختند . و روزانه سوای ۲ سیر (۱) گوشت و همان مقدار شوربا و یک عده انار چیزی دیگری باو نمیدادند . وهم چنان بجای آب ، عرق کاسنی بوی فرموده بودند . ولی باوجود آنهم در حالیکه علاات مزاج و شدت درد روز بروز از توان وی کاسته هردم به تحافت جسم و ضعف قوای او می افزود ، این مجلد را که وقایع سلطان اوسعید گورگان منتهی میشود ، باتمام رسانید .

لاکن بروایت غیاث الدین خوندمیر در جیب السیر که نبیره دختری میرخواند بوده ، سمت شاگردی بوی دارد ، همان است که مشارالیه در اواخر حیات بعلتیکه میل ازوا و گوشه گیری بوی غلبه نموده بود ، از اختلاط و معاشرت با ابنای روزگار کناره گرفته ، مدت یکسال در گازر گاه باسراار حیات مشغول بود . و بعد از آنکه در ماه رمضان ۹۰۳ نهصد و سه هجری قمری در اثر مرض سوء القنیه بشهر مراجعت نموده پس از انتضای دو ماه در بستر ناتوانی در دوم ذیقعدة سال مذکور زخت بعالم آخرت کشید . عمرش در حدود (۶۶) شصت و شش سال بوده درمنار شیخ بهاءالدین عمر دفن گردید .

(۱) سیر هرات ۲۴ مقال است .

و دیگر از نویسندگان عصر سلطان حسین، معین الدین محمد اسفزاری است. که از عمده مترسلان عصر خود بود، در انواع انشاء لیاقتی بهرسانده و از حسن خط بهره به تمام داشت، نستعلیق بغایت نیکو مینوشت و اکثر اوقات خویش به تعلیم قواعد خطاطی می گذراند. و هم چنان طبع شعر نیز داشته و به نظم اشتغال میورزیده و اشعار او دران زمان معروف بود. از آثار او ست یکی تاریخ هرات موسوم بروضات الجنات (فارسی) که در ۸۹۷ هشتصد و نود و هفت هجری تالیف شده و دیگر رساله بیست متضمن منشآت مناشیر و مکتوبات او که دران عصر بغایت اشتهار داشته و در میان مردم متد اول بود. و دیگر از نویسندگان و مولفین آن عصر کمال الدین حسین واعظ کاشفی است. که مرد جامعی بوده به تخصیص در انشاء و نجوم از جمله سربرادران بشمار میرفت. و اکثر از روزهای هفته را در مقامات معینه بوعظ می پرداخت. آوازی بغایت خوش و دلکش داشت. و همچنان طبع شعر نیز داشته و اشعار نیکو میسروده. چنانکه امیر علی شیر نوائی در مجالس النقایس مطلعی از او نقل کرده است.

وفات مشارالیه در سال ۹۱۰ نهصد و ده هجری بوقوع بیبوسته دارای مولفات متعدده بیست در موضوع های مختلفه چون: جواهر التفسیر (معروف به تفسیر حسینی) و مواهب علیه، روضه الشهداء، مخزن الانشاء، اخلاق المحسنین، اختیارات و انوار سهیلی.

نا گفته نماند: نخستین کسیکه به ترجمه کلمیله و دمنه پرداخت، نویسنده معروف عبدالله بن مقفع بود. که برای ابو جعفر منصور خلیفه عباسی آنرا از فارسی به عربی ترجمه نمود. پس از ان در خلافت مهدی در (۱۶۵) یکصد و شصت پنج هجری

عبدالله بن هلال اهوازی مجدد آ نرا برای یحیی بن خالد بر مکی از فارسی
 عبری نقل کرد . و همچنان در عصر سامانیان به امر نصر بن احمد سامانی
 (از ۲۰۱-۳۳۱ هجری) یکی از علمای آن عصر که اسم مشار الیه معلوم
 نیست بترجمه آن از عربی بفارسی پرداخت و شاعر معروف سامانیان
 رودکی آن ترجمه را نیکو برشته نظم کشید . و بعد از آن در زمان غزنویان
 ابو المعانی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مجدداً با امر بهرام شاه غزنوی (۵۱۲-
 ۵۴۴) از ترجمه عربی عبدالله بن مقفع آنرا بفارسی ترجمه نمود . چنانکه مشهور
 است به کلبه و دمنه بهرام مشاهی . و چون این ترجمه خالی از اطناب نبوده دارای
 الفاظ مغلیه بود ، همان است که مولینا حسین واعظ کاشفی ترجمه مذکور را
 با تلخیص و تهذیبی که مناسب میدید تجدید نموده بنام امیر نظام الدین سهیلی
 (سابق الترجه) انوار سهیلی نام گذاشت .

و دیگر از مورخین و نویسندگان معاصر سلطان حسین ، غیاث الدین بن
 همام الدین معروف بخواند امیر است . که نبیره دختری امیر خواند مؤلف
 روضه الصفا بود . تولدوی در هرات است و همد را نجا نشو و نما و تربیه یافته
 و در سلك ادبا و نویسندگان روزگار بسر میبرده و چنانکه از سیاق کلام او
 (حبیب السیر - واقعه وفات امیر علی شیر نوائی) استنباط میشود ، بخدمت
 امیر علی شیر میر سیده و تا آخر حیات میر در سلك اطرافیان او انسلک
 داشته و از او تربیه و نوازشها دیده و غریق بحرا حسان و انعام او بوده . و بعد
 از وفات میر سرئیة او را نیز گفته .

مشازالیه بعد از اقراض سلسله تیموریان نیز مدتی در هرات بسر میبرد .
 تا آنکه از ناگواری محیط آن عصر هرات و فشار روحی و جسمی آن ببتگت
 آمده ، او نیز بمثل سائر هموطنان فاضل خویش بهوای مهاجرت افتاده ، در

تاریخچه ادبیات افغانستان

اواسط شوال سال ۹۳۳ هجری قمری آنسر زمین را وداع گفته روانه قندهار گردید و پس از مدت تقریباً هفت ماه سکونت در آنجا مجدداً آماده مسافرت هند شد، و بتاریخ دهم جمادی الاخری سال ۹۳۴ هجری قمری و چهار از قندهار خارج گشته، پس از گذشتن مدتی در عرض راه و سیاحت، در چهارم محرم سال ۹۳۵ هجری قمری و پنج هجری وارد آگره (که پای تخت ظهیرالدین محمد بابر بود) گردید. و چنانکه محمد قاسم هند و شاه فرشته (به نقل از رساله واقعات ببری) مینگارند، در هشتم ربیع الاول همانسال در بزم طوبی که بابر بشکرانه شفا یافتن خود از تب لرزه (که در جمعه بیست و سیوم صفر سال مذکور برایش عارض گشته بود) در باغ هشت بهشت آراسته بود، مشارالیه با مولینا شهاب الدین معانی و میرزا ابراهیم قانونی که از هرات آمده بودند، یکجا بحضور پادشاهی بار یافته، نوازشات دید و در ردیف مقرران منسلک شد. و تا آخر حیات در سرزمین هند بخوشی و فراغت می گذراند. تا آنکه در سفر نصیر الدین محمد همایون بمندوکه وی نیز جزو ملترمین رکاب بود. در سال ۹۴۲ هجری قمری و دو هجری بمرض اسهال از پنجان در گذشت و حسب الوصیه نعش او را بدلهلی آورده، در جوار مزار شیخ نظام الدین اولیا و امیر خسرو دفن نمودند. از جمله مؤلفات اوست: خلاصه الاخبار و اخبار الاخبار، منتخب تاریخ و صاف مکارم اخلاق، مآثر الملوك و دستور الوزرا و حیب السیر. و بر علاوه چند تن نویسندگان دیگری نیز در آن عصر بوده اند. چون معین الدین فراهی صاحب معارج النبوة و مولینا نور الدین عبدالرحمن جامی و غیره و غیره که تذکباری از آنها در بالا کرده آمد. «نا تمام»

قسمت اول این مقاله با فهرست مآخذ آن در سالنامه ۱۳۱۴ کابل نشر شده

مبحث صنعتی

مکتب صنایع نقیسه

بقلم جناب محمد فدیرخان ترهکی

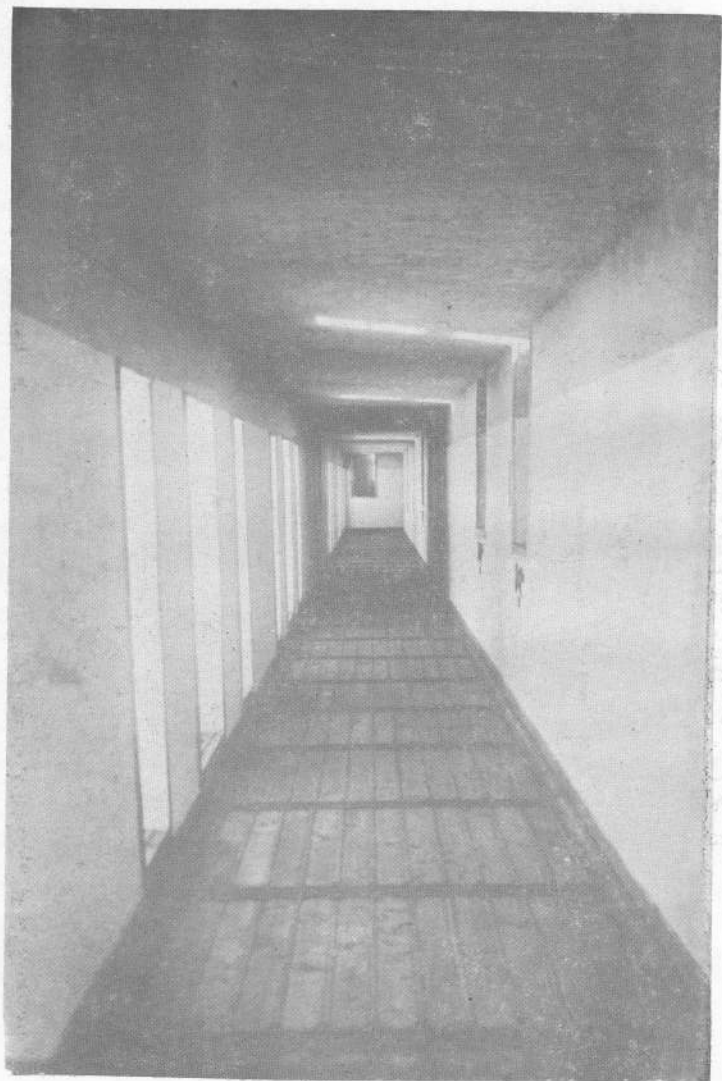
اهمیت صنعت :

هر دوره که از حیات انسانها در سطح زمین میگذرد بر ذخائر فکریه و ماده‌ای آنها افزود میگردد. انسانهای اولیه چون دارای ذخائر فکری و مادی نبودند یعنی در افکار آن‌ها چنان وسعتی که به تدریج آن خود را از بلیات و آفات حیات نجات بدهند و در لوازم حیات ایشان ذخائری که حوائج میرمه آنها را رفع کند، وجود نداشت، لهذا منازل شان مغاره‌های کوه و اسباب و آلات آن‌ها از سنگ بوده است، ولی وقتی چندین قرن از عمر انسان بشر در روی زمین گذشت، تجارت بزرگانی که مولود حوادث نیک و بد روزگار است بر ذخائر فکریه (تعلیمات و تجارب حیاتی) و ماده (اسباب و آلات مصنوعی که بذریعه آن حوائج خود را رفع مینمودند) آن‌ها افزود. ایشان رامقتدر نمود تا بقوه همان اتساعی که در فکر آن‌ها موجود بود بعضی آلات ابتدائی اختراع و سپس بدستباری همان آلات سامان بزرگتر و نفیس‌تری اعمال نمایند مثلاً تا وقتی انسان‌ها آفرودختن آتش دست نداشته از گداختن فلزات هم عاجز بودند ولی وقتی موفق به کشف آتش شدند بوسیله آتش موفق

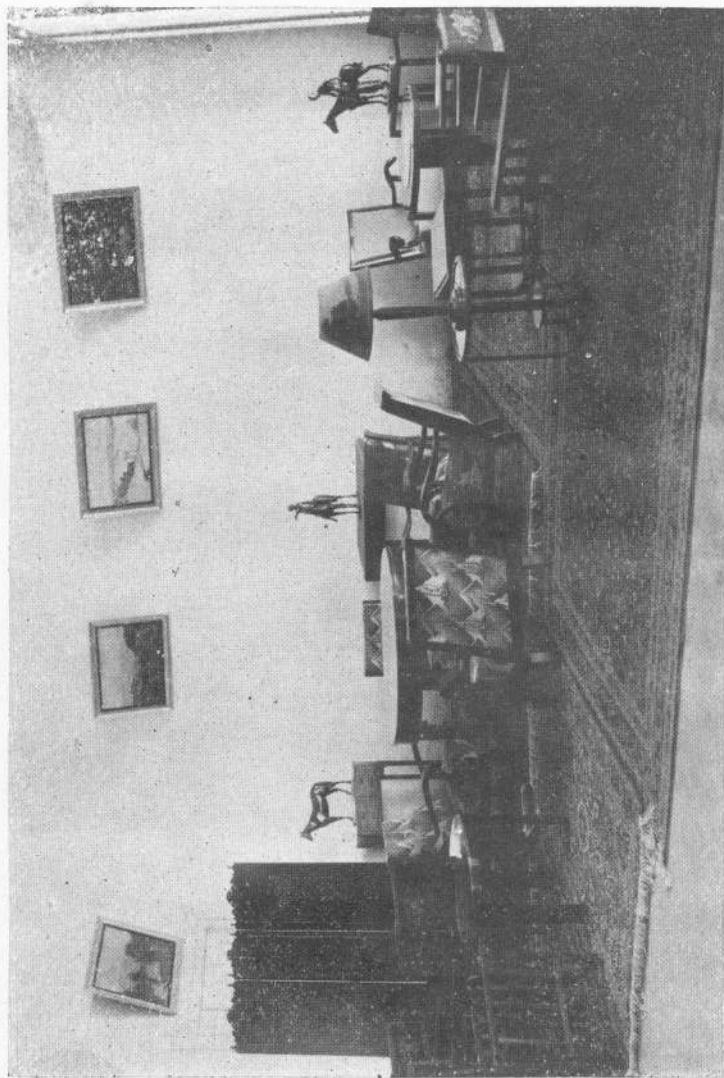


از عمرا فات مهم وزارت معارف : منظره عمومی مکتب صنایع در کابل
Vue générale des batiments de l'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul.

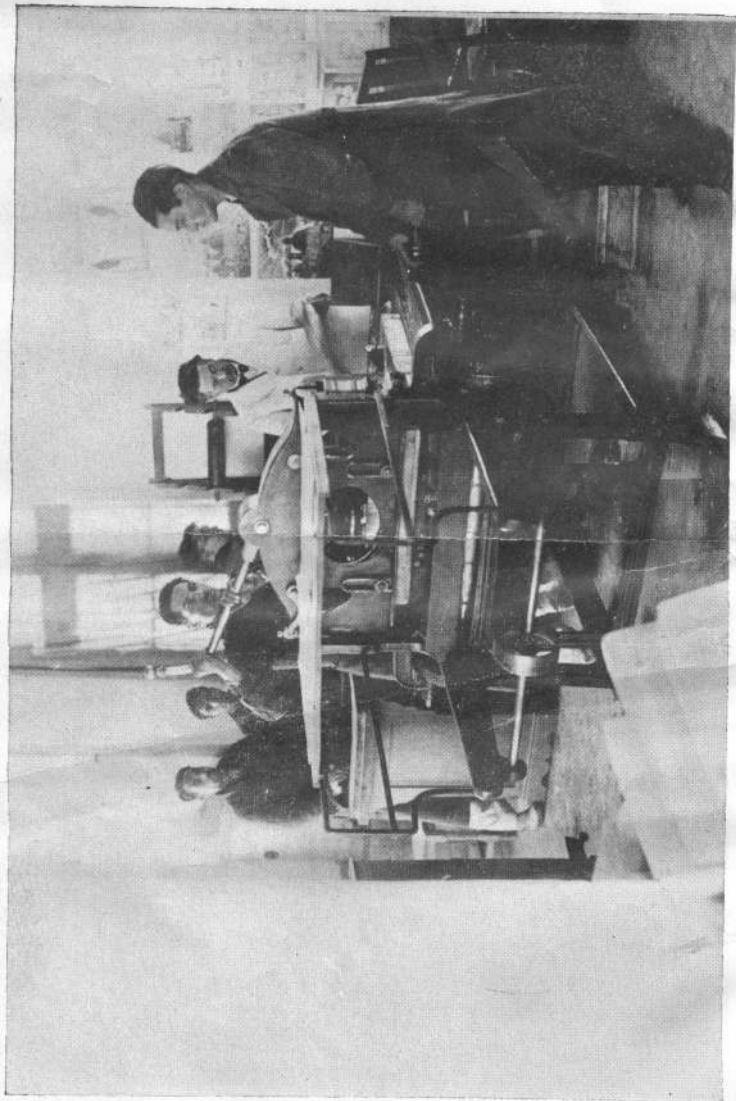
از عمارة جدید وزارت صنایع و معادن
Corridor supérieur de l'École des Arts et Métiers à Raboul



Photographie de l'École des Arts et Métiers à Raboul

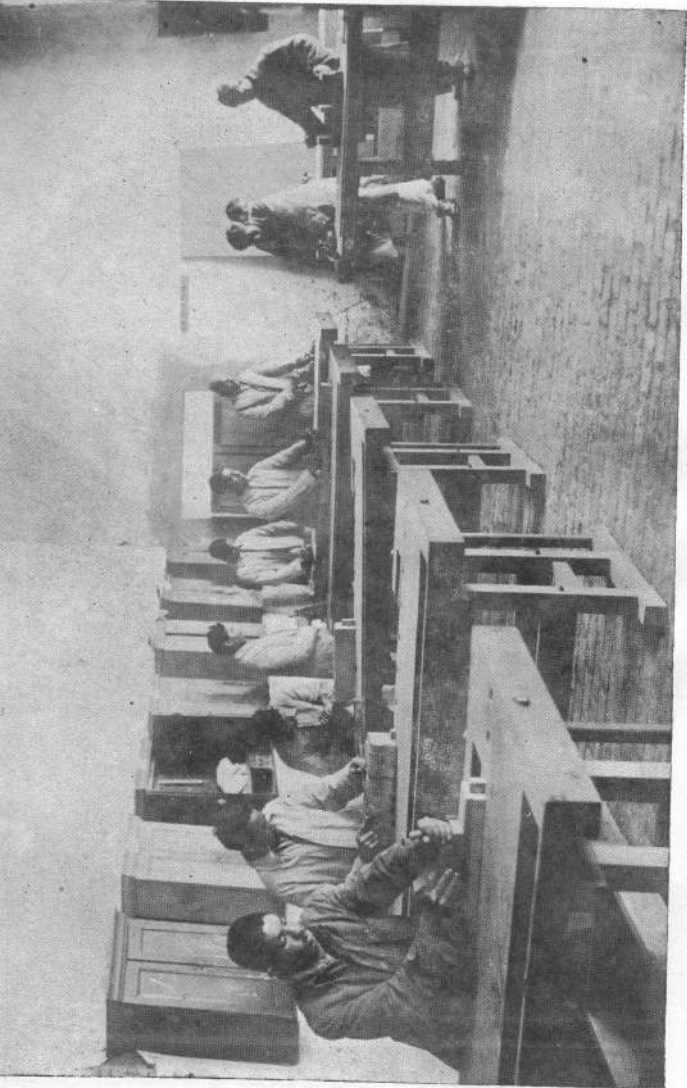


از کار و روانی های وزارت معارف : اطلاق فابریک مکتب صنایع
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Une vue la salle d'exposition.

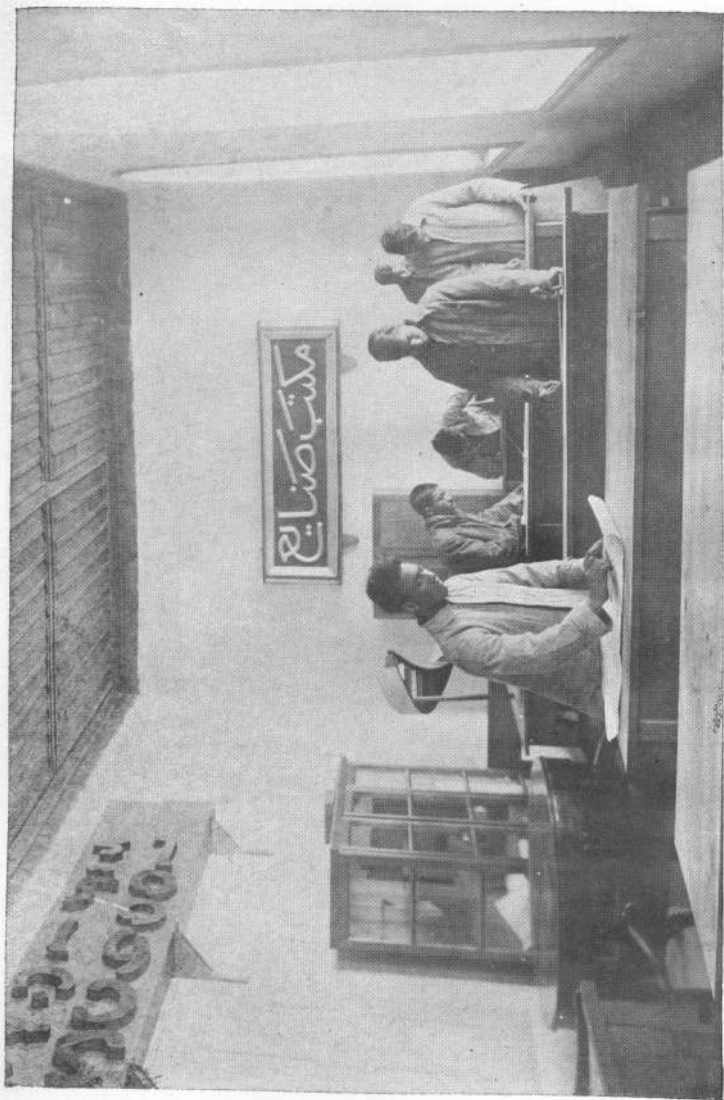


از ککار روانی های وزارت معارف : شعبه جدید التامیس لیو کراف مکتب صنایع در وقت چاپ ذریعه ماشین

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul; Les élèves de la classe de littographie en plein travail



از کار روائی های وزارت معارف : شبۀ نجاری مکتب صنایع در وقت کار
L'Ecoles des Arts et Métiers à Kaboul: La classe de menuiserie



از کار روائی های وزارت معارف : اطاق رسم شعبه نجاری مکتب صنایع
L'Ecoles des Arts et Métiers à Kaboul: La classe de dessin.



از کادر روانی های وزارت معارف : شعبه رسامی مکتب صنایع

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de la peinture en plein travail



از کارروائی های وزارت معارف : صنف رشدیه اول فالین باقی مکتب صنایع در حال کار
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe supérieure de tapisserie en plein travail

به گذاختن فلزات شده بآن سبب در اعمال تمام ما بحتاج کامیاب آمدند و این کامیابی ایشان از یک طرف حیات آن‌ها را معنا و ماده مستریح گردانید و از طرف دیگر بانسانها نیرو داد تا بر همان وحوش و سباعی که قبلاً برایشان میتاخت غالب آمده راز طبیعت را تا حد ممکنه کشف و تمام مواد مخلوقه را به مفاد خود مورد استفاده قرار بدهند ، بعد ازین رفته رفته تمدن رویه ترقی رفت و سیادت و عظمت ازان افراد و مللی شد که مرتبه علمی و صنعتی آنها به نسبت سائرین عالی تر بوده است زیرا صنعت تجارت را بوجود آورد و تجارت عامل تجمع پول شد و پول هم یگانه عامل عظمت و قدرت افراد و ملل معرفی گردیده و جیزه را که : « توانا بود هر که دانا بود » مصداق بخشید .

این است اهمیت صنعت ولی حالا به بینیم که (صنایع نفیسه) درزندگانی ما چه تاثیر دارد ؟ « داروین » فیلسوف انگلیس میگوید « ذوق زینت و تجمل بر سائر حوائج دیگر در نزد انسان ها مقدم است چه من در ضمن تجارب خود که در اقوام وحشی مینمودم روزی با یک جمعیتی از انسان های بدوی برخوردیم و بر سیبل تجربه پارچه سرخ (ماهوت) را که در نزد خود داشتیم یکی از آنها دادم و انتظار میبردم که شاید آن فرد وحشی پارچه مذکور را در مقام لباس به بر کرده جسم خود را از تابش آفتاب سوزان برهاند ولی بر خلاف انتظار دیدم که پارچه مذکور را تکه تکه نمود و با قارب خود داد و آن ها همه آن را به موهای خود شان آویخته در مقام زینت و تجمل استعمال کردند . »

طوریکه از گفته بالا فهمیده میشود ، انسان فطرتاً فریفته جمال و زیبایی است و همیشه میل دارد چشمش از مناظر زیبا و وجودش از البسه نفیس و منزلیش

سالنامه « کابل »

از لوازم و اثاثیه فاخره سهم داشته باشد زیرا بهمان اندازه که انسان حواجج مادی دارد هم چنان دارای حواجج ذوقی و معنوی است و این حواجج او را (از يك جنبه) صنایع نفیسه رفع میکنند. و ازین جهت است که در هر دوره از مدنیت های بشر به صنایع نفیسه اهمیت زیادی داده شده و در عصر حاضر هم اهمیت بزرگی بدان میدهند و روز بروز نواقص آن را رفع و زمینه ترقی مذکور را حاضر میکنند.

غیر از اهمیت بزرگی که بصنایع نفیسه از نقطه نظر اقتصادی و تجارقی میدهند صنایع نفیسه که فعلاً در دنیا مورد عمل است و خوش بختانه مکتب صنایع نفیسه ما هم در تحت همان دساتیر و اصول بر روی کار آمده است به شالوده های دقیق و متین فلسفی و علمی اتکاء دارد چه :

از وقت مدنیت یونان یعنی از همان آوانیکه افلاطون ، ارسطو و . . . نظریه استتیک (بدیعیات) خود را در صنایع اظهار نمودند ، باین طرف تا اکنون همیشه در زمینه صنعت دو فکر اساسی جریان دارد که یکی آن میگوید « صنعت برای زندگی است » یعنی صنعت باید طوری باشد تا هر کدام آن در يك يك زمینه حیاتی ما تأثیری داشته حواجج ما را که در همان زمینه موجود است رفع کند و دومی میگوید « صنعت برای صنعت است » یعنی صنعت را بواسطه اینکه صنعت است و مظهر زینت و زیبایی بوده روح ما از آن خط میبرد دوست داریم و از صنعت دیگر فائده مد نظر ما نیست .

رو بهمرفته هر دوی این افکار بر مبنای دقیق فلسفی و اجتماعی اتکاء داشته میتوان از هر کدام آن مطالب مفیدی که برای زمینه مذکور روی دست داریم بیرون آورد . چه اگر ما فرضاً صنعت را از روی رفع حواجج زنده گانی اهمیت بدیم

مکتب صنایع نفیسه

و به تعبیر ارباب نظریه اول صنعت را برای حیات بدانیم از جنبه اینکه صنعت تمام حوائج روز مره ما را رفع و خط فاصلی را بین زندگی بدوی و حیات مدنی تشکیل میدهد، دارای اهمیتی است که شاید هیچ منکری نداشته باشد. و بالعکس اگر به نظریه دوم متکی شده بگوئیم که صنعت برای صنعت است و بآن بهمین نظر نگاه کنیم اهمیت معنوی آن زیاده تر از اهمیت مادی مذکور بوده موضوع صنایع نفیسه را مقبول تر و مفید تر جلوه میدهد چه دارندگان این نظریه میگویند:

انسان طبعاً متمایل به نفاست و زیبایی است و همیشه ذوق دارد اوقات خسته گی دماغ را به نظاره چیز هائیکه زیبایی و جمال در آن منعکس بوده مظهر تجلیات روح بشری باشد، سیری کنند و ازین جهت است که وقتی انسانی در برابر یک منظره فشنگی که قلم یک صنعت کار ماهر و زیر دستی آن را بوجود آورده طبیعی ترین وضعیت زندگی انسانی و عناصر دیگر مخلوق خداوندی را نمایش بدهد، قرار میگیرد و یا از مقابل بنائیکه دست مهندسین صاحب تخصص آن برابر یا نموده باشد، رد میشود و یا با لوازم و اثاثیه که با جدیدترین و نفیس ترین طرزى ترتیب داده شده باشد مقابل میشود، تمام خسته گی های دماغی او که مولود مشاغل شاقه زندگی است، رفع و ساعتی عاری از آلام و مصائب دنیوی بسر میرد.

مطالعه جمال و زیبایی در اخلاق و طرز حیات اشخاص هم مؤثر است چه وقتی انسان به مطالعه یک اثر نفیس صنعتی میردازد، احساسات او رفیق تر و ذوق بدیم او نمونوده، مساوت قلب و انجمن دماغی او رفع و به عوض آن غریزه رأفت و عطوفت و استعداد ابتکار و ابداع در او تولید و وسعت

سالنامه « کابل »

می یابد، و غیر از این فوائد و محاسنی که صنایع نفیسه از نقطه نظر فردی دارد، دارای فوائد اجتماعی دیگری هم میباشد که اینک ملخصاً بدان پرداخته میشود:

در جامعه که آثار نفیس صنعتی زیاد باشد و در هر گوشه و کنار آن اشخاص دارای این فن وجود داشته‌اند، از خود بگذارند، رفته رفته افرادی که دران مملکت زندگی دارند، بهمان گونه اذواق نفیسه معتاد شده، نظافت، پاکیزگی و صدها گونه عادات دیگری که همه آن‌ها در نزد قوانین شرعی، اخلاقی، مدنی از اعمال حسنه و پسندیده میباشد ملکه ایشان میشود.

این بود نهدی از فوائد اقتصادی، تجارتی، اجتماعی، بدیعی، اخلاقی صنایع و صنایع نفیسه که بدان‌ها اشاره شد و البته مطالعه این سطور میتواند تا اندازه اهمیت مکتب صنایع نفیسه را که طرف توجه مخصوص حکومت متبوعه ما میباشد به مطالعین محترم خاطر نشان کند.

ابتدای تاسیس این مکتب و ترقیاتیکه دران بوجود آورده شده:

مکتب صنایع یکی از موسساتی است که بانی آن اعلیحضرت شهید غفرالله له میباشد چه اعلیحضرت شهید بمناسبت علاقه و ارتباطیکه طبعاً به ترقی تمام شعب مملکت داشتند بتاريخ ۲۵ قوس سنه ۱۳۰۸ هجری، شمسی این مکتب را بامید اینکه یکمده اولاد وطن درین موسسه علمی و صنعتی تربیه شوند، تاسیس فرمودند. و امیدوار بودند که این مدرسه و سیله خوبی برای ترویج صنایع عصری در افغانستان خواهد گردید. این مکتب در همان سالیکه تاسیس کرده شد تنها دارای یک شعبه رسامی بوده است که عبارت از چهار صنف رشديه بوده و عمارتیکه

مکتب صنایع نفیسه

دران طلاب مذکور مشغول اخذ تعلیم بودند عمارتی بود در صحن همین عمارت موجوده مکتب که دارای هشت اطاق بود. و مدیر آن مرحوم پروفیسر غلام محمد خان مقرر شدند که مشار الیه حقیقتاً در راه پیشرفت و ترقی این موسسه مطابق نظریات حکومت ترفیخو ما زحمات زیادی کشیده و تا زمان فوت خود (زمستان ۱۳۱۴) در موسسه مذکور صرف مساعی مینمودند .

در سنه ۱۳۰۹ یک شعبه دیگر مسلکی هم تأسیس شد که آن شعبه عبارت از شعبه نجاری بوده است و برای این طلاب جدید در سمت غربی همان عمارت سابقه مکتب صنایع ، چند اطاق دیگری هم تعمیر شده دران اطاق ها ، یک عده اولاد وطن برای آموختن صنعت نجاری بدست معلمین ماهر نجاری سپرده شد .

در سنه ۱۳۱۰ متصل همان اطاقها بسمت جنوبی عمارت سابقه مکتب صنایع چند اطاق دیگر هم برای شعبه قالبین باقی تعمیر و در سنه ۱۳۱۱ اطاق های فوقانی عمارت مذکور نیز تکمیل و چند نفر معلم لائق قالبین باقی از خارج برای آموزش گناری صنعت قالبین باقی بسبب جدید استخدام کرده شد و در همان سنه یعنی سنه ۱۳۱۱ یک عده زیادی از طلاب برای آموختن صنعت قالبین باقی به تحت هدایت و تعلیم معلمین مذکور به مکتب پذیرفته شدند. و در مدت سه سال تعلیم یک عده زیادی از ابنای وطن حسب تعلیم آموزش گاران خارجی صنعت قالبین باقی را باصول عصری آموختند. تا اینکه امر وز خوشبختانه دیده میشود که تمام آن طلاب بدون معاونت معلم و آموزش گاری بکمال رشادت و مهارت تمام امور تعلیمی و فنی قالبی باقی را از قبیل نخ تابنی ، بافت ، انتظام دستگاه و رنگ ریزی باین و بافتن قالبین های برجسته گل و گلیم و شترنجی

سالنامه « کابل »

و بر حسب اجتهاد و ابتکار خود دستمال های گردن و صورت نمونه بعضی پارچه های لباس هم میافند و هنوز دامنهٔ ابتکارات شان درین زمینه ادامه دارد و انشاءالله تعالی عنقریب دارای يك عدهٔ زیاد صنعت کاران ماهر قایلین باقی و لوازم دیگر آن شده ترقی محسوسی را درین شعبه مشاهده خواهیم نمود .

در سنه ۱۳۱۲ فکری که در توسیع دادن شعب مکتب صنایع بود ایجاب میکرد تا اولاً عمارت مکتب وسیع تر تعمیر گردد که بتواند حوائج شعبات دیگری را هم رفع نموده برای تعلیم طلاب زیاده تری گنجایش داشته باشد همان بودا که نقشهٔ عمارت فعلی مکتب ترتیب یافته به صحهٔ اعلیحضرت همایونی و اصل و در همان سال از سمت جنوبی آغاز به کار گردیده متدرجاً در دو سال و چند ماه کار لاینقطع ، اطاق های فوقانی و تحتانی مذکور - بجز بعضی چیز های جزئی - اتمام گردیده بشکل يك عمارت جدید و عصری تعلیمی خیلی بزرگ در آمد .

در سنه ۱۳۱۲ شعبهٔ مستعجلهٔ نجاری و معماری هم تأسیس و مربوط مکتب صنایع گردید . این دو شعبه علاوه از تعلیم عملی نجاری و معماری ، دروس فارسی ، ریاضی ، حسن خط و رسم هم میخوانند و پروگرام این دو شعبه از سه الی چهار سال سنجیده شده است . و این طلاب درین دورهٔ تعلیمی خودها علاوه از اینکه به يك مقیاس زیادی از صنعت استفاده مینمایند ، يك دورهٔ تعلیمات ابتدائی را هم فرامیگیرند . و مقرر گردیده است که برای این شعبه طلابیکه پذیرفته میشوند باید اشخاص فوی و تنومندی بوده سن شان از ۱۸ کم و از ۲۵ زیاد نباشد .

در سنه ۱۳۱۴ يك شعبهٔ دیگر بیکه عبارت از شعبهٔ مهندسی باشد تأسیس گردید و برای تعلیم آن يك نفر مهندس جرمنی استخدام گردید و از آن وقت تا اکنون

مکتب صنایع نفیسه

يك عده طلاب برای تعلیم مهندسی به مهندس مذکور سپرده شده است و قدغن شده که باید برای این شعبه طلاب بسیار ذکی و مستعدی قبول کرده شود که در ریاضی دارای مهارت مخصوصی باشند و درجه تعلیمات ایشان نارشدیه سوم باشد - موعد تحصیل و پروگرام این شعبه ۸ سال است .

يك شعبه دیگری بنام لیتو گرافی یعنی چاپ ساده و رنگه هم تاسیس و برای آموزش آن يك نفر آلمانی صاحب تخصص در این زمینه ، استخدام شده و مشغول کار می باشد و ۱۵ نفر طلاب و چهار نفر ماشین کار و ریک زن بر طبق هدایات متخصص مذکور در شعبه موصوف مشغول اخذ تعلیم اند .

این بود تقریباً اینکه مکتب صنایع نفیسه از بدو تاسیس خود تا اکنون که عارت، از ۷ سال می باشد بآن نایل شده و چون مکتب صنایع نفیسه فعلاً دارای شعباتی است که هر کدام آن بعد از آن که حوائج مملکت در نظر گرفته شده، بوجود آمده است، لهندا لازم می افتد برای اینکه خوبتر توانسته باشیم نصب العین مکتب مذکور را به مضالمین محترم وانمود نماییم، هر کدامی از شعب مذکور با وظیفه که در نظر دارند انجام بدهند، یگان یگان زیر مطالعه در آریم :

و ظائفیکه از هر شعبه مکتب صنایع انتظار برده میشود :

۱ - شعبه رسامی :

شعبه رسامی دارای دو صنف است : چهار رشدی و چهار اعدادی این شعبه بعد از طی ۸ سال تعلیم، جوانانی بیرون خواهد داد که تمام باریکی های علمی و فنی رسامی ما هر بوده بهترین مناظر دل را و قشنگک این

مملکت کوهستانی را که دارای مناظر دلربای طبیعی بوده صاحب امتیاز مخصوصی میباشد، رسم و از وضع طبیعی و بی ساخت و ستایشا نیکنه باریقه حقیقت و لعمه استقامت و راستی از سیمای آنها تراوش میکند، بدنای مدنی نمایندگی و بالاخره سبب معرفی نمودن صدها عوامل دلربای طبیعی و بشری این مملکت مبتکر و دست ناخورده که تا کنون بادت هیچ رسامی آشنائی ندارد، خواهند شد؛ زیرا منظره که در تابلوی مرسمه یک رسام وطنی دیده می شود غیر ازان مناظری است که دست صنعت کار خارجی آن را رسامی نموده باشد. چه صنعت کار بومی چون به عوامل روحیه افراد داخلی و اوضاع مناظر خود پوره آشنا است، باریقه طبیعت و جدا بیت آن را به مراتب بهتر از صنعت کاران خارجی درک میکند و همان مدارکات خود را به نوك خامه بروی صفحه کاغذ رسم نموده عواملی بر میانگیزاند که از قلم خارجی ها ساخته نیست - از این جاست که مناظر زیبای وطن و چهره های مردانه و معصوم رجال تاریخی و فعلی این سرزمین که با دارائی و قاروهیت مخصوصی امتیاز دارند، هم برای صحنه های تئلیک در آتیه درین جا بوجود آورده خواهد شد، وهم برای کلبکسیو نرهای خارجی و داخلی، محتاج یک عده صنعت کاران ماهر و رسام های زبردست داخلی است. و همین است انتظاریکه از شعبه رسامی مکتب صنایع نقیسه برده میشود.

۲ - شعبه رنگمالی :

درین هیچ شك نیست که این مملکت هم چنانکه با دارائی فلزات مهم صنعتی امتیاز مخصوصی دارد هم چنان به حائر بودن نباتات و اشجاریکه ازان ها الوان مختلفی به عمل میاید، دارای مقام بلندی است والبته اگرهم چنان که اکنون

سنجیده شده و در مکتب صنایع نفیسه یک شعبه رنگمالی را تاسیس کرده اند، اولاد این وطن بتوانین فیزیکی و کیمیاوی و صورت امتزاج و اختلاط الوان و بدست آوردن الوان مخلوطه و متنوعه پی ببرند، دران وقت شاید محتاج نشویم تا همان مواد ابتدائی را بخارج فی سیر یک افغانی فروخته و بعد از ساختن رنگ همان ماده را بصورت مصنوع دو باره مقال یک افغانی خریداری نمائیم؛ چون افغانستان خود سنجتنا نه متدرجاً یک مملکت صنعتی میشود و به انواع الوان احتیاج تامی دارد لهذا این شعبه مکتب صنایع یکی از غنایم قیمتدار روزگارا است که اخیراً از توجهات حکومت مقبوعه بوجود آمده است.

۳ - شعبه نجاری :

شعبه نجاری بدو شعبه منقسم است : از قبیل شعبه مستعجله و شعبه مسلکی ؛ شعبه مستعجله نجاری دارای چهار صنف ابتدائی است و اشخاصیکه ازین شعبه خواهند بر آمد امور نجاری را بصورت معمول و سرجی انجام خواهند داد و چون غیر از نجاری مضامین فارسی ، خط ، ریاضی ، و رسم را هم درس میخوانند لهذا یک نجار با سوادی خواهند بود ولی شعبه مسلکی نجاری ؟ این شعبه دارای چهار صنف رشدی است و علاوه از نجاری مضامین : فارسی ، ریاضی ، مواد چوب ، رسم ، پروژکسون (فن نمایش در سطح) را هم درس میخوانند و نجاری که درین شعبه یاد داده میشود بصورت ظرافت و نازک کاری خواهد بود .

افغانستان چون مملکتی است که جدیداً آغاز با اصلاحات امور عمرانی و بلدی خود نموده است و از یک طرف حکومت با تمام قوا مصروف اصلاحات است و از طرف دیگر افراد مملکت هر کدام بواسطه تما سیکه اخیراً یاد نیای مدنی نموده اند روز بروز بر عده منازل و مبانی عظیمه و عصری مفاخر آیند

لهذا وجود اینگونه نجاران در مملکت کمال لزوم و اهمیت را دارد و این جهت است که باین شعبه مکتب صنایع نفیسه میتوان اهمیت بزرگی داد .

۴ - شعبه معماری :

این شعبه دارای دو صنف است و علاوه از کار عملی گل کاری ، دروس فارسی ، خط ، حساب ، و رسم رامیاموزند و این شعبه مخصوص برای اجرای امور تعمیرات دولت میباشد .

۵ - شعبه مهندسی :

این شعبه يك شعبه بزرگك تعليمی است كه دران طلاب خیلی ذكي و دارای استعدادی كه درجه تعلیمات آنها تا صنف رشديه سوم باشد و در ریاضی دارای سلطه و ملكه خوبی باشند پذیرفته میشوند .

میعاد تعلیم و پروگرام این شعبه ۸ سال است و درین مدت طلاب مذکور تمام علم مواد تعمیر را بصورت عملی و نظری یاد گرفته تعلیمات : ستاتیک (علم تعادل و توازن) فن عمران ، الجبر ، حساب ، هندسه ، نقشه ، پیمایش ، برآورد تعمیر ، را میاموزند و هم تمام عملیاتی را كه مربوط به يك تعمیر جدید و عصری باشد عملاً با اصول فنی فرا میگیرند و باین صورت این اشخاص میتوانند بعد از فراغ دوره تحصیلات هشت ساله خود شان بطور مهندس و نگران تعمیر مستقلاً در تعمیرات مصروف كار و خدمت گردند .

طرز تعلیمات عملی و نظری این شعبه مقتبس از اصول و طریقہ ایست كه در اروپا مورد عمل میباشد .

چون عملیات عمرانی در افغانستان درین اواخر مخصوصاً در قسمت

تعمیرات رسمی و دولتی از قبیل ساختمان مؤسسه های بزرگ صنعتی و فنی و تعلیمی و اعمار شهرها و منازل مهمه اداری و امثال آن به مقیاسی روی دست است که با سابق هیچگونه قابل مقایسه نیست، لهذا مجبوری است تا مبنای و عمارات مذکور با اصول فنی و طرز جدید مهندسی باشد و الا درعین اینکه بیم انهدام آن به مدت کمی متصور میباشد منازلیکه با اصول فنی بنا نشده باشد شاید بعد از یک مدت کم احتیاجی در انهدام آن و دوباره تعمیر کردن مذکور احساس شود چنانچه این خطر را اکثری از اشخاص حس کرده اند چه بسا دیده شده است که شخصی در وهله اول که تهداب عمارتی را می گذاشت تمام مسائل مهندسی آن را نه سنجیده بود ولی وقتی بسائقه کدام احتیاجی خواست آن را اصلاح کند مجبور گردید عمارت قدیم را خراب و سر از نو بنای آن را بگذارد. رویهرفته چون امروز دنیا دنیای علم است و هیچ شعبه از شئون زندگی دنیای دیده نمی شود که از علم بی نیاز باشد، لهذا وجود مهندسی و معماران صاحب فن و عالم به پیشه و مسلک، همان طوریکه برای تمام دنیا ضرورت دارد برای افغانستان هم که تازه دارد درین راه قدم بر میدارد، از جمله ضروریات اولیه شمرده میشود. باینکه از همین باعث است که در مکتب صنایع نفیسه شعبه را مختص بهمین امر نموده یک عده نو باوگان را به تعلیم معماری و مهندسی داشته اند تا در آتیه فریبی افغانستان را ازین شعبه حیاتی اش بی نیاز گردانند.

۶ - شعبه قالبین بافی :

این شعبه در اکثری ممالکی که دارای رمه و گله های گوسفند میباشد یکی از شعب بزرگ صنعتی و بزرگترین منبع عواید ملی بشمار میرود

شعبه که برای این صنعت در مکتب صنایع نفیسه تخصیص داده اند يك شعبه مهم صنعتی بوده عبارت از ۷ صنف است که ۳ ابتدائی و ۴ رشدی میباشد. درین شعبه تمام فنون و صنایعیکه به صنعت قالیان بافی را بطه دارد به طلاب یاد داده می شود و علاوه ازان طلاب مذکور، مضامین فارسی، حساب، رسم و حسن خط راهم درساً میاموزند تا بعد از فراغ مکتب بر علاوه صنعت قالیان، تعلیم متوسط عرفانی هم داشته باشند. طلابیکه ازین شعبه فارغ التحصیل میشوند میتوانند مطابق خواهش خود کارگاه های قالیان بافی در هر جا ساخته بطور آزادانه به صنعت خود مشغول گردند.

بخيال عاجز و شاید به عقیده اکثری از مطلعین بعلم اینک و ضعیف طبیعی و محیط جغرافیائی این مملکت برای پرورش رمه و گله های گوسفند بسیار مساعد است و محصولات پشم در افغانستان جزء عمده محاصيل ملی ما را تشکیل میدهد، تربیه صنعت قالیان برای اولاد افغان دارای اهمیت بسیار بزرگی میباشد زیرا اگر اولاد افغان این صنعت را طوریکه زعمای امور مملکت خواهش دارند و شعبه مخصوصی را در مکتب صنایع نفیسه برای تعلیم این صنعت ایزاد فرموده اند، کماحقه بیاموزند و مواد ابتدائیه پیدا وار این وطن (پشم) رنگهای طبیعی را درین صنعت مصرف کنند، یقین است که بلبه صادرات مادر برابر تور بدات دیگر بسیار سنگین خواهد شد.

علمای اقتصاد میگویند: « بهترین موقع شناسی رای ملل همین است که آن ها از مواهیکه خداوند در ممالک ایشان عطا فرموده است حسن استفاده نمایند.» بلی راست میگویند. تاریخ شهادت میدهد که هر مملکت در هر دوره تاریخی

مکتب صنایع نفیسه

در زمینه پیش رفت شایان تقدیری نموده است که وضعیت طبیعی و نبض ارضی مملکت مذکور برای پرورش مواد ابتدا ئیه همان زمینه مساعد بوده است و این خود يك قانون طبیعی است که در تمام ملل گذشته و دول امروزه و شاید ممالک فردا مورد تطبیق داشته و خواهد داشت ، از این جهت است که بنده آئینده درخشانی را برای این شعبه صنایع نفیسه مشاهده میکنم .



این بود شعب موجوده و مرام مکتب صنایع نفیسه که برای وصول بآن شب و روز مصروف مساعی است و لی حالا لازم میآید بنده این مکتب در آئیه هم خواهان ترقی و اتساعی هست ؟

طوریکه جناب برشنا مدیر باقریج و ذوق مکتب صنایع نفیسه به بنده معلومات داده اند ، این مکتب بهمان اندازه که درین عرصه هفت سال به ترقیات غیر قابل فیاسی نائل شده است در نظر دارد که دامنه ترقیات خود را تعقیب نموده در سال های آئینده نیز هم چنان متدرجاً رو به تعالی و ارتقا سیر کند چنانچه مواد آئیه در نظر است که سر از سال جدید سه ۱۳۱۶ مورد عمل گرفته شود .

شعبه خیاطی :

شعبه خیاطی در مکتب صنایع نفیسه تاسیس و عنقریب به تحت تعلیم يك نفر خیاط متخصص جرمنی که درین نرد یکپهها میرسد آغاز کرده خواهد شد و این شعبه بذریعه ماشین ها و سامان جدیدی آغاز به کار خواهد کرد .

شعبه بسته کاری :

در نظر است که در سال آینده (سنه ۱۳۱۶) دوصد نفر طلبه برای شعبه بسته کاری که جدیداً زیر اثر مکتب صنایع نفیسه تاسیس میشود پذیرفته شده در تحت معلمی چهار نفر متخصص آلمانی که در سنه مذکور وارد میگرددند، به تعلیم واداشته خواهند شد. چنانچه برای این مأمول در سمت مشرفی مزار اعلیحضرت تیمورشاه و قسمت شمالی ریاست بلدییه (باغ عمومی سابق) يك عمارت بزرگی جهت مکتب مذکور تهداب گذاشته شده که انشاءالله تعالی در سال آینده هم آن عمارت مکمل خواهد شد و هم طلاب مذکور تحت هدایت معلمین جبر منی آغاز به تعلیم خواهند نمود.

شعبه زرگری :

سنجیده شده است که در سال آینده يك شعبه زرگری هم برای تعلیم صنف ظروف سازی و ساختن اشیای لوکس (زینت) به سائر شعب مکتب مذکور ایزاد خواهد گردید. و با اثر آن فن زرگری در وطن عزیز ما بصورت عصری تعدیل و هم عمومیت لازم را پیدا خواهد کرد.

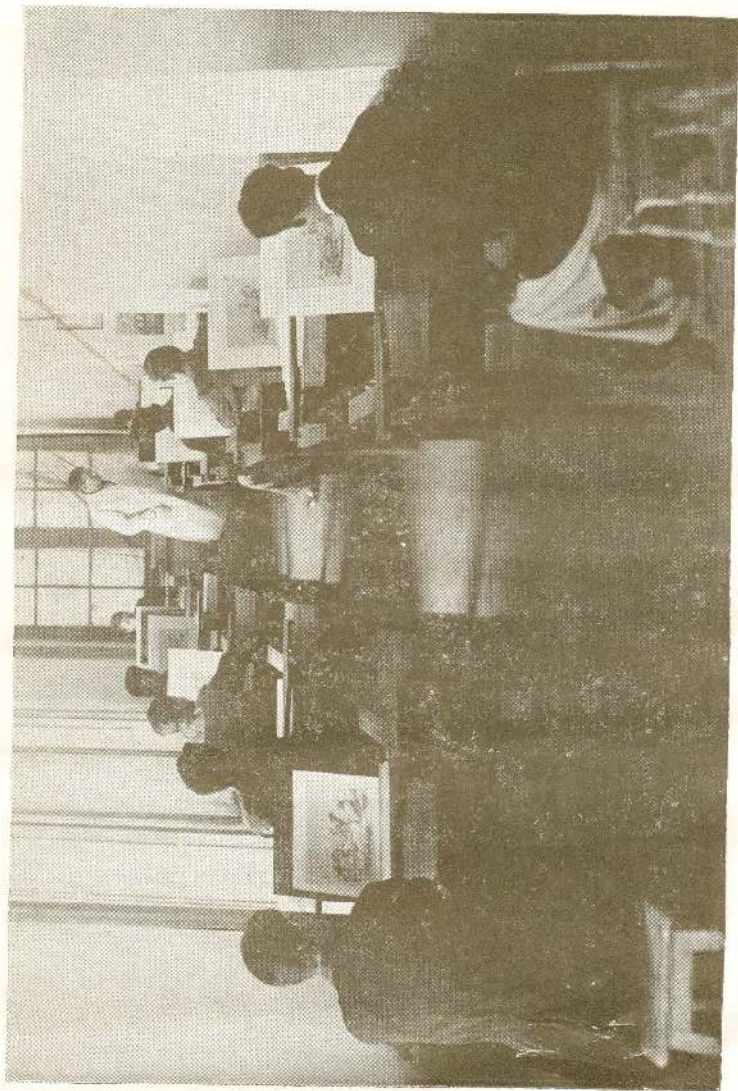
اگر مطالعین عزیز دقت فرمایند میتوانند درک نمایند که هر کدامی از این شعب چون در اثر حوائج مملکتی بر روی کار آمده و میاید لهذا هر کدام آن در حیات ملی و امور مملکتی تاثیرات مهمی خواهند داشت.



از کار روائی های سال ۱۳۱۰ وزارت معارف ، شبیه اینوا تراقی (چاپ سنکی) مکتب صنایع (معلم المانی و یکی از شاگردان در وقت کار)

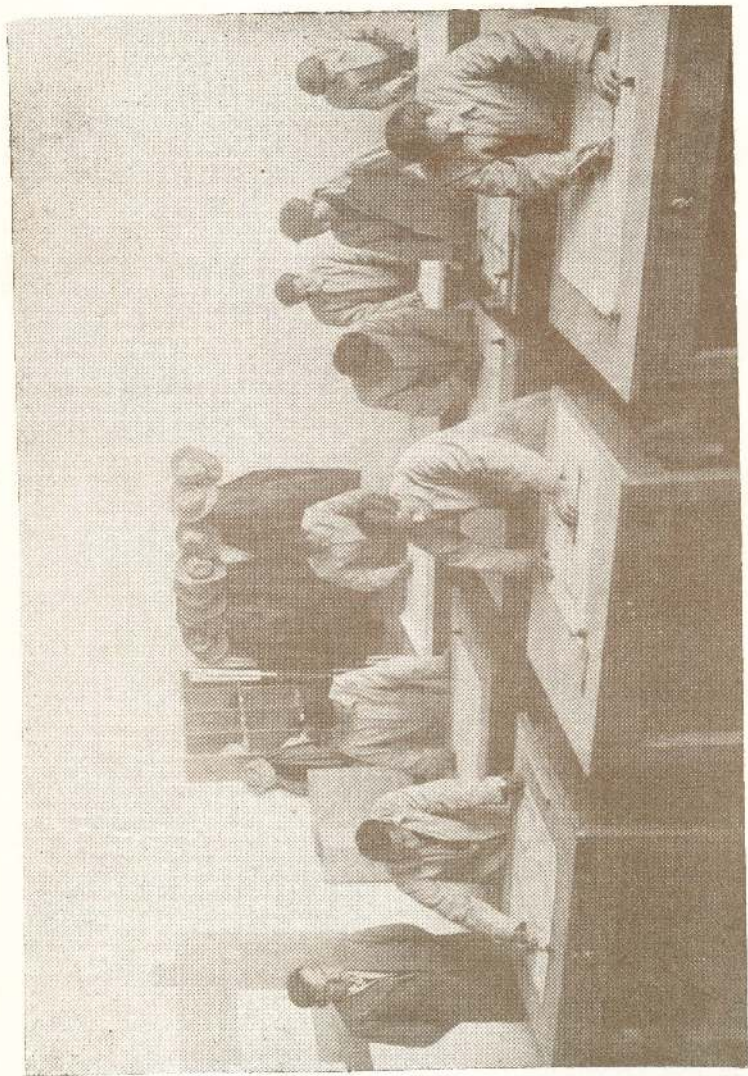
L'Ecole des Arts et Métiers à Kabouli: Le professeur allemand avec un des élèves de la classe de lithographie.

9

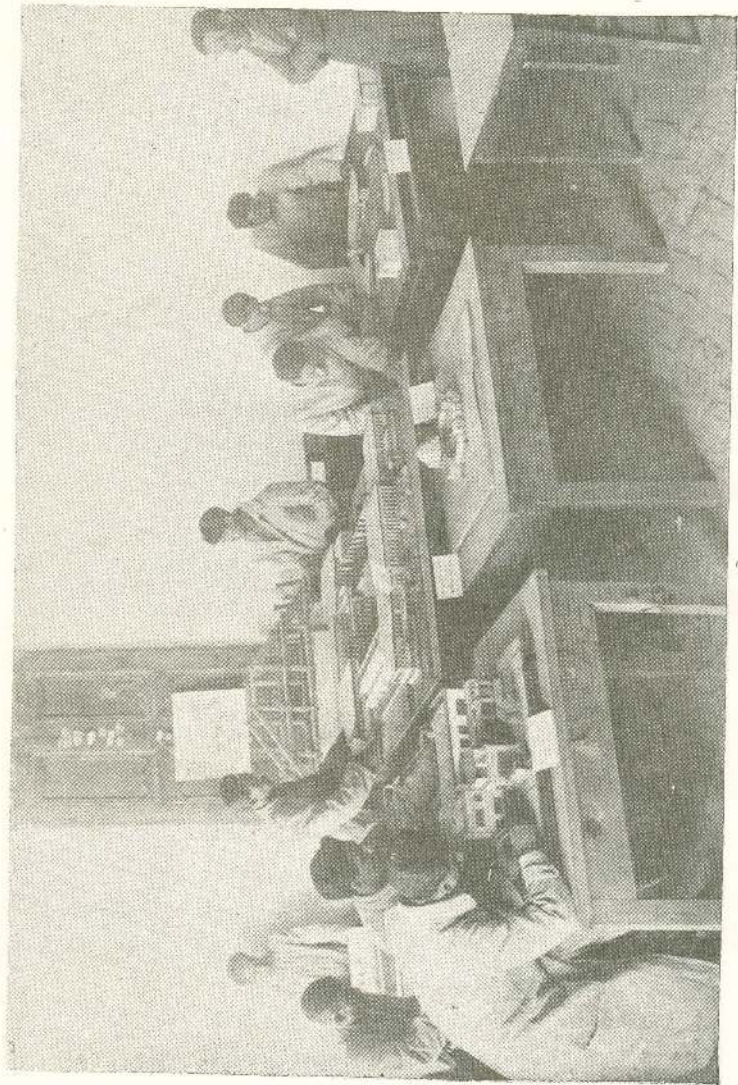


از کلاس روائی های وزارت معارف ؛ شبۀ جدید التاسیس لیتوگرافی (مشق بالای سنگه)

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de lithographie en plein travail



از کار روائی های وزارت معارف ، صنف مهندسی مکتب صنایع در وقت کار
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de l'architecture en plein travail



از کار رواتی های وزارت معارف و شبیه مهندسی مکتب صنایع در وقت ساختن نمونه های عمارات

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de l'architecture en plein travail

مکتب صنایع نفیسه

این بود خالص معلوماتیکه میتوان از مکتب صنایع نفیسه به عرض فارین رساند، و چون این مکتب از یک طرف مورد توجه مخصوص ذات شاهانه میباشد و از طرف دیگر در راس آن جناب عبدالغفور خان « برشنا » که یکی از جوانان حساس و مطلع این خاک بوده اهلیت دارترین فردی برای این کار میباشند، جا دارند، میداست همچنان که از بدو تقرر خود تصور محسوسی را در تمام شعب این مکتب بود آورده اند، در آئینه قریبی مأمولی را که حکومت متبوعه و او دلا حساس این وطن ازین قبیل مؤسسات عمده انتظار میبرند بسر آرند.



صنایع ظریفه هم مظهر و تجلی جلال طبیعت وهم معرف ذوق و مهارت افراد بشر است.

« یکی از علمای معاصر »

نباتات مشهور و معلومات طبقات الارضی مخصوصاً مختلفهٔ نباتات افغان

بقلم جناب محمد زمانخان متخصص
و مدیر عمومی زراعت

مقاله که در ذیل این سطور درج میاید ، يك قسمت معلومات مفیدی را نسبت بزراعت و اوضاع طبقات الارضی حصص مختلفهٔ افغانستان در برداشته ، این معلومات را نویسندهٔ محترم در اثر گردش و معاینهٔ شخصی خویش و یارهٔ اطلاعات موثوق دیگر و از روی کتب معتبره فراهم نموده اند ، تنها درین مقاله را جمع با اوضاع زراعتی و طبقات الارضی ولایت کابل و ولایت مزار شریف و حکومت اعلاى میمنه ذکرى نیست که انشاء الله تعالی برای سال آینده نویسندهٔ موصوف معلومات آن حصص را نیز گرد آورده ، برای درج سا انامه ۱۳۱۶ حاضر خواهند فرمود . بنا بران ذیلاً به ترتیب جغرافیائی حصص مشرقی و جنوبی و مغربی افغانستان را پی هم تذکار مینمائیم . « انجمن »

چند کلمه بقسم مقدمه

درجه تمدن و طرز معاشرت انسانها آتقدرها با استعداد و حاصلات نباتات آن علاقه مندی دارد که از دانستن انواع نباتات و خصوصیات زراعتی يك مملکت میتوان به چگونگی ثروت و صنعت و تجارت آن مملکت پی برد. ساختمان طبقات الارضی يك مملکت نیز بالای نوع صنعت و مشاغل ملت اثر دارد. ممالیکه در آن از فیض و مساعدت آب و هوای معتدل و بارانهای متواتر شرایط نموی نباتات گوناگون فراهم شده است فی الحقیقت ممالیکی اند که در تهیه اسباب معیشت و وسایط ترقی ممکنه دست ندرت بنا آنها کمک زیادی نموده است.

اگرنگاهی به ترقیات صنعت و تجارت موجوده دول متمدن نمائیم می بینیم که کارخانه های بزرگ صنعتی و معاملات مهم تجار تی محتاج بمواد اولیه کار که آنرا مواد خام نامند، بوده، تنها ایجاد کارخانه های بزرگ برای يك مملکت کافی نیست، بلکه مهم ترین همه مسائل مسئله تهیه مواد خام است که بیشتر از همه جلب توجه رامینماید، حال آنکه اکثر مواد خام که امروز بتوسط آن فابریکه های دنیا بحرکت و محور تجارت عالم بر آن استوار است مدعا از انواع مواد حیوانی و نباتی بوده چون زندگی حیوان نیز بحیات نبات منوط است، میتوان گفت که اساس ترقی موجوده تجارتی دنیا تهیه مقادیر بزرگ مواد نباتی بوده ترقی امور زراعتی يك مملکت منتج بترقی امور صنعتی و تجارتی آن مملکت میگردد.

سالنامه « کابل »

وطن عزیز ما افغانستان از جهت اینکه در منطقه متعده کرة ارض واقع بوده و سايط نموی اکثر نباتات در آن مهيا است ، از ممالکی است که از نقطه نظر زراعت خیلی مهم بوده مساعی که در توسعه امور فلاحتی درین خطه یاک از توجهات حکومت ترقی پرور ما بعمل می آید ذرايع فلاح و آرامی هموطنان مارا تهیه خواهد نمود .

نباتاتیکه بحالت طبیعی دریک منطقه دیده میشوند نباتاتی اند که از توسعه زرع آن فوائد بزرگی به انسان رسیده زحمت انسان به هدر نخواهد بود . بالعکس آن قسم نباتاتیکه مصنوعاً از یک محیط دیگر داخل یك وطن کرده میشود از لحاظ مخالفت آب و هوایقین کلی نیست که از ترویج زرع و اعتیاد مصنوعی آن بمحیط وطن نتیجه مثبتی ازان گرفته شود . در یک ناحیه زراعتی که آب و هوای مخصوصی دارد تنها آن نوع نباتات را در آن زرع باید نمود که بحالت طبیعی در آن ناحیه دیده میشوند . مثلاً آب و هوای قطن و بدخشان برای زرع پنبه ، کونکنار ، بادام و غله جات مستعد است از همه بیشتر باید دران نواح زراعت اقسام نباتات فوق را ترقی بدهیم . لهذا برای دانستن خواص زراعتی یاک زمین و شرایط آب و هوای آن اول تراز همه باید دانست که نباتات طبیعی ومشهور آن زمین کدام اند . درین نگارش بحث ما بالای این نکته مهم که (نباتات مشهور افغانستان کدام است) بوده امید میرود که زحمت ما منتج به استفادۀ قارئین محترم گردیده بیحاصل نماند . ضمناً بعضی معلومات طبقات الارضی نیز در مقاله هذا تحریر میشود .

۱ - حصص شمال شرقی افغانستان

ترکیب کمیای و خواص طبیعی و ساختمان طبقات الارضی بکحصه زمین آنقدرها بالای تفریق و تعیین نباتات آن اثرانداز است که بدون دانستن مسائل فوق استعداد و قابلیت زراعتی آن زمین را فہیدن مشکل است. یکی از عوامل مهمہ حیات نباتات یک ناحیہ شرایط آب و هوای آن ناحیہ است کہ نوعیت و ماہیت نباتات آن را بدون دانستن آب و هوا نیز کسی فہمیدہ نمی تواند؛ لہذا بیشتر از تشریح اقسام نباتات لازم است راجع بہ اوضاع طبقات الارضی چیزی بنویسیم.

نواحی قطن و بدخشان:

از نقطہ نظر طبقات الارضی نواحی قطن و بدخشان را مربوط بہ تشکیلات دورہ جدید (Néogène) کہ متعلق بزمانہ ثالث Tertiaire است دانستہ در خصوص قابلیت و قوہ زراعتی اراضی حصص فوق چون ہر کدام آن بکحصہ ہای متعدد و مختلف طبقات الارضی منقسم است، معلومات کافی کہ ہمہ را دربر گیرد دادہ نتوانستہ اینقدر گفتمی توانیم کہ دورہ نیوزن بد و حصہ منقسم است: - (۱) میوسن Miocène و (۲) پلیوسن Pliocène. ساختمان طبقات الارضی بدخشان متعلق بہ طبقہ ہلو یسیان میوسن Helvétien de miocène است لہذا عموماً اراضی بدخشان از (Fluns) یعنی طبقہ ہا رنگ ہای آہکی Grés et Conglomérats تشکیل یافتہ کہ بعضی اوقات دانہ ہای آن باہم چسبیدہ بصورت گولہ ہای نمک خصوصیت دارد چنانچہ نمک زار بدخشان شاہد آن است. اراضی بدخشان برای زراعت

نباتات تجارتي از فيل گندم و کونگار و بلبلوی قندی و اقسام ديگر غله جات خيلي مستعد است . از نقطه نظر طبقات الارضي اراضي قطن با اراضي بدخشان با بعضی استثنا آت محلی مشابه است و از عهد ميوسن Miocene محسوب ميشود . ترکيبات طبقات الارضي شهر خان آباد و اطراف آن نیز مانند بدخشان از حيث خواص تحت الارضي بطبقه (هلويسيان ميوسن) متعلق و داراي ويگه های آهکی و نمک زار است . رنگ نمک مذکور خاکی بوده ضخامت آن تقريباً بده متر ميرسد .

از حيث زراعت در ولايت قطن و بدخشان دو قسم زراعت ديده ميشود : يکی زراعت طبيعي که به آب باران بعمل آمده بواسطه رود بار آب ياری نمی شود و آن را زراعت للمی می گویند . و ديگری زراعت مصنوعی که آبیاری آن ذریعه انسان بعمل آمده بدون دادن آب رودبار امکان پذير نیست که زراعت آبی نام دارد .

علاقه جات سر بوطه قطن :

در خان آباد حصه للمی کاری به نسبت آبی کاری زياده تر است . لاکن زراعت آبی کاری رو به ترقی است . للمی کاری بدخشان عموماً بالای تپه ها بعمل می آید و آبی کاری آن درمیدان ها می شود . در میدان های آبی گندم و جو و برنج لك و باریک و ماش و جوار و نیشکر و پنبه و زغر و حنا زرع می شود .

زراعت سبزیکاری نیز معمول است . لاکن شالی کاری زياده تر است . در اراضي للمی : گندم ، جو ، نخود ، کنگد ، زغر زراعت ميشود . چیز يکيه

نباتات مشهور افغانستان

مهم است فاليز للمی خربوزه و تربوز است : خربوزه للمی که بزمین های وسیع (ده ویران) زراعت میشود نسبت بمقامات دیگر خوب تر و ناز کتر و شیرین تر میشود. درنواحی خان آباد اراضی جنگلی که بالتدریج ذریعه اهالی به اراضی زراعتی تبدیل شده مبرود زیاد است. لاکن محلاتیکه در آن جنگل های طبیعی و درختان قوی دیده می شود ، امید است بتوجه حکومت ترقیخواه ما بتوسیع و ترقی آن بیشتر پرداخته آید. در خان آباد از قبیل قوا که توت و گیلاس و زرد آلو و آلوچه کوك سلطانی و بهی و آلو بالو و سیب و ناک و عناب و سنجد یافت می شود. لاکن مقدار سیب و ناک اندک است. امیداست در غرس اشجار مذکور و تربیه آنها توجه بیشتر کرده شود .

برنج باریک خان آباد مشهور است . درین اواخر از فیض توجه حکومت متبوعه مازراعت ینبه و کونار در نواح فطن و بدخشان ترقی زیادی نموده است و بهزار ها خروار تخم ینبه رایگان ذریعه بانک ملی باهالی توزیع و زرع ینبه عملی شده است .

در بغلان که برای زراعت لبلبوی قندی از حیث داشتن آب وافر و حرارت کافی و میدان های زراعتی و وسیع خیلی مساعد است لبلبوی قندی جنس چکسلواکی و آلمانی بقسم تجربه زرع شده و نتیجه محصوله اطمینان بخش بوده است. مقدار قند در لبلبوی مذکور هر ده و نیم فیصد بوده برای اینکه تعمیر فابریکه قند مفید ثابت شود خیلی اطمینان بخش معلوم می شود. نقشه (تکبو متر یک) بغلان نیز ذریعه وزارت تجارت گرفته شده شرایط موفقیت بغلان برای زراعت لبلبوی قندی و تعمیر فابریکه قند سازی که حصه بزرگک احتیاجات قند مملکت را رفع کرده میتواند خیلی مساعد است .

سالنامه « کابل »

در ده ویران و شوراب با اینکه ماش و شالی و جواری و دیگر انواع نباتات بطوریکه لازم است میروید اما چنانچه بیشتر ذکر نمودیم مخصوصاً قالیزکاری و خر بوزه های آنجا از قبیل فندک و امیری و بخشی بیگی و تاش محمد کوسه و غیره شهرت تامی دارد .

اندراب :

ما بین دهات اندراب و سمندان سنگ های ساقی یعنی گرانیت Granites که سنگ خارا نیز نامیده می شود بمقدار زیاد موجود است . در بین گرانیت ها یمند کور سنگ های سلیت Shiste به ضخامت یک دسی متر تا چند متر مشاهده میشود .

به نزدیک سمندان سنگ سلیت و سلیت ابرک دار به استقامت جنوب و مغرب بمقدار مهم بملاحظه رسیده است . در سنگهای سلیتی مذکور بقایای حیوانی دیده نمی شود . علاوه بر احجار فوق یک گونه سنگ دیگر نیز دیده شده است که ریولت نام دارد و اجزایش کوارتز Quartz (لعل بدل) و آرتوز Orthose و البیت Albits است . در اراضی اندراب کانلگو میرا Conglomérats یعنی ریگ و سنگ که بواسطه آهک با هم عجیب شده زیاده است و اگر اجزای اراضی مذکور ریزه باشد زراعت اشجار مثمر و غیره نباتات نتیجه خوب میدهد .

ارتفاع محال اندراب (۵۶۲۰) ف و حرارت تابستانش ۹۵ درجه فارن هایت است . خوست و فرننگ و خنجان و رباط نوبهار و رباط دشت شیر و تل میرغاز رباط های مشهور و جاهای صیفیه بشمار میرود ، تل میرغازی بسیار سرد و

بالای آن حوض مصفا و در خت‌های بسیاری است. در فشلاق سراب اندراب چشمه موجود است که از بدایع طبیعت و آتش جوشان است که تخم مرغ را در ظرف چهار دقیقه می‌پزد.

در املاک آبی آن: گندم، جو، شالی، برنج لك، جواری، باغلی، ارزن، مشنگ، شاخل و شرشف زراعت می‌شود. در زمین‌های للمی آن گندم للمی و جو و نخود للمی می‌کارند. لیکن املاک آبی اندراب به نسبت للمی آن بیشتر است. زراعت للمی اندراب مانند للمی کاری خان آباد و نواح آن حاصل فراوان نمیدهد.

اندراب سیت وناک بسیار خوب و انگور و چهار مغز و زرد آلو و شفتالو و توت و خربوزه و تربوز وافر دارد، آلوچه کوک سلطانی، آلوبالو بمقدار کمتر موجود است. اهالی اندراب اکثر از زراعت کسب معیشت می‌کنند، هوای اندراب سالم و حتی به اندازه کابل تخمین کرده می‌شود، آب آن بسیار خوشگوار است. در مقامات بلند اندراب پیاز و سیر کوهی ورواش و شقافل پیسته و بادام تلخ و سمارق و فوزه فرنی و کدوگک که اهالی آنرا جوش داده و نمک زده مانند کچالو میخورند موجود است هنگ (انگوزه) که نباتیست طبی نیز پیدا میشود. بته‌هنگ ازده تابیست سائیمتر از زمین بلندشده برکهای طولیل و برش دار دارد، از دور بوی بته مذکور محسوس میشود. اهالی بته مذکور را از حد ساقه قطع نموده بدور حصه مقطوع سنگها را میگذارند تا محفوظ مانده از حصه قطع شده لعابی می‌برآید نسواری رنگک که در اثر تماس هوا منجمد شده قابلیت جمع شدن را پیدا میکنند. ماده نسواری رنگک مذکور هنگک است که بمقابل بسا امراض معدوی خصوصاً کرم معده و کرم

سالنامه « کابل »

بروده خیلی مجرب است ، در اندراب و مر بوطات آن چمن های خوب و علف زار های مهم نیز موجود است که برای تربیه حیوانات اهلی مفید میا شد . شهرت اسپ های اندراب نیز از همین حیث علف زارهای و سبوع کوهستانا نش می با شد .

خوست و فرنگک :

خوست از چهار طرف محدود بکوه ها بوده خودش نسبتاً در زمین پست واقع شده است هوایش چندان خوشگوار نیست در سردی سرد و در گرمی خوب گرم بوده ارتفاعش از سطح بحر (۵۴۵۰) فت میا شد لاکن چیزیکه مهم است این است که در اطراف و نواحش جنگلهای ارچه و دولانه و پشال زیاد است . در فرنگک جنگلهای مذکور کمتر بنظر میاید لیکن آب و هوای فرنگک نسبت بخوست خوبتر و مرغوب تر و ارتفاعش از سطح بحر (۵۸۵۰) فت است . درخوست و فرنگک زراعت للمی موجود نبوده هر چه است آبی است . جو و گندم و شاخل و ارزن و شالی و برنج لك و رشقه در آنجا زرع میشود . توت ، گلاس ، زرد آلو ، شفتالو ، انگور ، سیب و چهارمغز بمقدار زیاد و بهی بمقدار کم موجود است .

غوری :

درجه حرارت غوری در تابستان (۹۹) فارن هایت (۱) و بلندی دهنه غوری (۲۵۰۰) فت است . اکثر اهالی غوری زراعت پیشه اند . سرتاسر غوری آبهای جاری دارد و در اراضی آن عموماً گندم و جو ، ارزن ، باقلی و مشنگک

(۱) مقیاس یامعلوم کننده درجه حرارت .

نباتات مشهور افغانستان

شاخل و پنبه و برنج باریک و غیره میروید از قسم میوه : انگور ، سیب ، توت ، ناک ، زرد آلو ، شفتالو ، تربوز ، خربوزه یافت میشود ، پسته و بزغنج و هنگک نیز دارد که اهالی آن راجع نموده تجارت میکنند . آب و هوای غوری نهایت خوشگوار ، اما هوایش در تابستان نهایت گرم است و پشه بسیاری دارد که مضرت که آن بدرجه است که خون اسپ ها را مکیده آنها را ضعیف و لاغر میسازد . بغلان از نقطه نظر زراعت و انواع نباتات باغوری مساوی است لاکن شالی کاری برنج باریک دران زیاد تر میباشد .

دوشی و کینه گی و تاله و برفک :

ارتفاع تاله و برفک از سطح بحر (۴۳۳۰) فت است . زراعت دوشی و کینه گی و برفک با زراعت غوری مشابهت دارد اما در دوشی برنج لك خوبتر میشود . قریب دوشی طبقات آهکی و تاباشیری دیده میشود .

حضرت امام صاحب :

حرارت موسم تابستان این ناحیه ۱۰۴ درجه فارن هایت است . املاک للمی کاری در اینجا معمول نبوده از جمله مزاروعات آبی کاری جو ، گندم ، شالی ، جواری ، ماش و باجره ، زغر و رشقه و نخود و کنجد و پنبه و غیره انواع ترکاری و فالیز تر بوز و خر بوزه است .

از اقسام فوا که مشهور ، توت ، زرد الو ، شفتالو بسیار و انگور اندك موجود است . به نزدیک دریای آمو به علاقه حضرت امام صاحب جنگل بزرگی است که تقریباً ۶۰ کیلو متر طول و از ۳ تا ۶ کیلو متر

عرض دارد. در میان جنگل مذکور شکار آهو و گوزن و شبر و مرغ
دشتی و خرگوش و غیره ممکن است.

قندوز:

در موسم تابستان حرارت شهر قندوز و نواحی آن به ۱۰۳ درجه
فاران‌هایت می‌رسد. مثل شهر بیکه میگویند: گنگ می «مرکچواهی قندوز
برو» از حقیقت عاری است زیرا که قندوز از نقطه نظر موقعیت و خوبی
آب و هوا و قابلیت زرع اراضی خیلی جالب توجه است. قندوز کهن مدعا از قلعه
کهنه است که در جای بلندی واقع بوده، در سه طرف آن خندق‌ها و علائم
برج‌های کهنه و دروازه‌ها و بالا حصار به نظر می‌رسد. و نهر (کور تپه) مشهور
بسیاه آب از بین قلعه و بالا حصار مذکور میگذرد و با آب خان آباد متصل
شده بدریای کلان یکجا میشود. لاکن فی الحال از توجهات حکومت ترقی
پرور ما شهر جدیدی در قندوز تعمیر شده که دارای جاده‌های وسیع و دکان
های جدید و عمارات متعدد دی میباشد.

آینده عمرات شهر جدید قندوز رو به ترقی است. اراضی قندوز برای زراعت
هر گونه نباتات خیلی مستعد است. و املاک مذکور آبی است، زمین للمی
در قندوز پیدایش ندارد. در قندوز یک نهر از دریای خان آباد و دو نهر
از دریای غوری آمده اراضی آن را آب میدهد، در قندوز موسوم باغی بیاغ
چهل دختران موجود است که باغ مذکور خیلی قدیم و متعلق به دولت بوده
در وسط خود صفاً وسیع دارد که وسعت آن ۳۰ متر بوده و ۵ متر ارتفاع آن است.
از قسم غله جات گندم آبی و جو و جواری و برنج میکارند و حاصل فراوان
میردارند. علاوه بر آن در زراعت نخود و کسجد و پنبه و بعضی ترکاری‌ها نیز

نباتات مشهور افغانستان

مشاغل مبورزند . زراعت پنبه در قندوز روه ترقی است . اقسام میوه نیز در قندوز یافت میشود مثلاً انگور بسیار اعلی و سیب و ناک و انجیر و خر بوزه و آلوچه کوک سلطان و توت و غیره . به لحاظ ایشکه املاک و آب و هوای قندوز برای زراعت بسیار قابلیت دارد ، زراعت این ناحیه نیز ترقی زیادی حاصل خواهد نمود ، قندوز ، جنگلهای متعددی دارد یکی از جنگلهای آن شرقاً واقع بوده ۸ کیلومتر طول و ۸ کیلومتر عرض دارد . بطرف شمال قندوز دو جنگل دیگری است که یکی ۱۶ کیلومتر در ۳ کیلومتر است و دیگر آن ۱۰ کیلومتر دره کیلومتر . در جنگلهای مذکور شیر و شغال و گریک و مرغ دشتی و مرغابی و قاز و لگک و روهاب بکثرت وجود دارد . علاوه بر آن در جنگل کلان که تا رود آمو امتداد یافته است گوزن هم دیده شده است . بلب دریای خان آباد در نواحی قندوز شکار سنگ آبی نیز بعمل میآید . ماهیان بزرگ حتی بوزن دوازده سیر (۸۰ کیلومتر) هم در دریای خان آباد شکار میشود . در کوه (قره ماتور) که بین قندوز و بغلان واقع است ، جنگل پسته موجود است .

تالقان :

موضعی است . وسیع و آب هوای آن معتدل است . با وجود بیکه در زمستان چند دفعه برف هم میبارد لکن به زودی آب شده اتری از آن باقی نمیماند . آب های جاری و باغ های متعدد و میوه های زیاد دارد . باغ مشهور و وسیعی دارد که انواع اشجار در آن موجود و دارای حوض های مصفا است . به نزد یک تالقان در یائی عبور میکند . زراعت نواحی تالقان دو نوع میباشد . یکی آبی و دیگری للمی .

سالنامه و کتاب

در املات آبی اکثر شالی‌کاری میشود، جو کمتر زرع میکنند، جواری و گندم و ماش میکارند. در اراضی للمی جو و گندم و زغر و ارزن و فالیز خربوزه و تر بوژ و بنه و گنجد زرع میشود. لاکن خر بوزه تالقان بهتر و اعلی است.

مذراطراف فریب تالقان کسب همومی اهال دهقانی است. یکی از مروطان تالقان موضع نمک آب است که بقرب آن یک جنگل از چه و بادام تلخ و زرشک و غیره موجود است. زرع گندم للمی و جو و زغر و فالیز کاری در اینجا رواج دارد.

گلفگان:

موضع دیگری است که از نواحی تالقان محسوب و ۴۰ کیلومتر دورتر از تالقان بموضع شمال واقع است، هوای گلفگان سرد و لطیف است و آبهای آن از چشمه هاست. زراعت این موضع للمی است و جو گندم و زغر و فالیز کشت میشود. مناسبانه باوجود استعداد زمین و خوبی هوا غرس اشجار درین ناحیه بقدر کافی نشده است.

فرخار و ورسج:

این دو موضوع علاقه داربهای مربوط حکومت تالقان است. درجه حرارت این دو مقام ۹۲ درجه فارن هاست. فرخار آب و هوای خوب و تکامل مشابهت دارد از ارتفاع آن از سطح بحر تقریباً ۴۴۵۰ فوت و فاصله ۴۰ کیلو متر از تالقان واقع است. کوههای فرخار دارای جنگلهای بسته و بادام تلخ و ارچه و ارغوان و بید و گز و زرشک است. شکار آهونیز در نواح فرخار ممکن است. درخت سیب و زردآلو و گیلاس و شفتالو و ناک و انگور و چهار مغز و سنجد

نباتات مشهور افغانستان

و آلوچه و بهی به تعداد کافی در قرخار موجود است. املاک قرخار آبی و لئی است و مزروعات آن گندم و جو و ارزن و زغز و نخود و شاخل و شالی است.

ورسج نیز آب و هوای مرغوب دارد و میوه های خوب در آن جا پیدا میشود. در نواح ورسج دره موسوم به دره (طرش) موجود است. از طرف مغرب دره مذکور آبی می آید که آبشار مرتفع و بزرگی را تشکیل میدهد که برای فابریکه برق اهمیت زیادی دارد.

کوه های ورسج دارای جنگلهائی است که در آنها ارچه سرخ و تخمن و بمقام دره کتو و بیوا سفیدارهای کلان و قوی بر از چنار بسیار است. مرغابی زیاد در ایام سرما در حوضهای ورسج شکار می شود. یک گونه لاله سفید هم در ورسج موجود است که اهالی بیخ آنرا که مشابه به پیاز است جوش میدهند و بعد ازان آنرا پوست کرده میگویند تا که برنگش بشناسته قوام گیرد. ماده نشاسته رنگ مذکور را بعد ازان در شیر جوش میدهند، یک خوردنی شیرین و خوش مزه ازان مانند شیر برنج و غسل بعمل می آید. علاوه بر آن کرفس و سمارق قرنی نیز در ورسج پیدا میشود. اهالی ورسج اکثر بهدقانی مشغول اند. لئی کناری شان کم و زراعت آبی شان زیاد است. جو و گندم و باقلی و مشتک میکارند. فوا که در اینجا به نسبت قرخار کمتر است.

سرین:

در موسم تابستان حرارت نهرین ۹۸ درجه است. موقعیت و آب و هوای مرغوبی را داراست، جنگلهای پسته نیز زیاد دارد لکن بادام در جنگلهای مذکور

سالنامه « کابل »

اندک است ، اراضی اکثر للمی و بیکمقدار کم آن آبی است . درهٔ خواجه هجران یکدرهٔ تنگی است که مسافت ۱۰ کیلومتر دورتر از نهرین وقوع داشته دارای یک معدن زوغال سنگ است ، زمین های خواجه هجران با عموم للمی و کمی از آن آبی است .

چال و اشکمش :

اراضی وسیع و چمن های بسیار و علف زارهای خوبی در چال و اشکمش موجود است ، جنگلهای ارچه و دولانه و بادام کوهی و پستهٔ زیاد نیز دارد ، اراضی مذکور زیاده تر للمی است و کمی آبی . در اراضی مذکور گندم و جو و زغر ، نخود و شالی و پنبه و جواری میکارند . از قبیل میوه ها : توت ، زرد آلو ، انگور و سیب یافت می شود ، شفتالو و خربوزه و تربوز نیز موجود است .

علاقه جات مربوطهٔ بدخشان :

بدخشان یکی از علاقه جات مشهور افغانستان است که بسمت شمال مشرقی واقع بوده دریای پنج که دریای آمویه نیز نام دارد ، بجوار آن جریان دارد . در بدخشان اقسام پیدا وار مهم گندم و جو و نخود و باقلی و کوکنار و زغر و کلکول و مشتکک و ارزن بعمل میآید . حصهٔ اراضی للمی کاری زیاد است و در بعضی مواضع اراضی آبی نیز دیده میشود . اما امتیاز مهم اراضی بدخشان این است که در زمین های للمی آن تقریباً هر گونه نباتات زراعت شده میتواند و هر رقم غله و هر قسم میوه خصوصاً در جرم و بهارک و زردیو و اشکمش و شفتان موجود است ، در بهارک و رستاق سیب آن شهرت زیادی دارد .

نباتات مشهور افغانستان

از حیث آب و هوا، بدخشان دارای جمع شرایط مطلوبه بوده هوایش سالم و آبش خوشگوار است. بنابراین درین منطقه امراض کمتر دیده میشود، و مواشی از هر نوع مثل بز، و گوسفند و اسب و غیره تربیه می شود، گو سفند رقم (کدک) در بدخشان مشهور و به نسبت فطعن زیاد تر است.

بدخشان دارای کوهستان های زیاد است خصوصاً در اطراف شمالی و جنوبی خود، لهذا مواضع برف گیر و سرد بسیار دارد.

از قسم معدنیات، بدخشان شهرت زیادی دارد. معدن لعل و لاجورد و چوذن و سرب و گوگرد در آنجا موجود میباشد.

در محال راغ و یفتل و در واز زیره که پیداوار خیلی باقیمت است وجود دارد. و در نواحی رستاق و در واز عموماً پسته و بزغنج زیاد تر است.

در بدخشان خصوصاً در علاقه در واز گرگک و رباه و سیاه گوش و خفک زیاد موجود بوده پوست آن از جاه اشیاى تجارتنی باقیمت بشمار میرود، کبک و چرده در تمامی مر بوطات بدخشان خصوصاً در حدود کشم و درانم بسیار شکار میشود. در حصص هموار جرم افسنتین و در حصص بلند آن شقاقل بقدر زیاد موجود است، نباتات مذکور در طب اهمیت زیادی دارد.

بنفشه و سمارق در جمیع نقاط بدخشان دیده میشود. زرشک و قره قات نیز در ملحقات بدخشان خصوصاً در زر دیو زیاد تر موجود است. مبره که برای امراض چشم خیلی مفید است در یامیرات و بروغیل و زر دیو و شغنان و پوشیوه وافر است. و گیاه ریوند هم به نظر میرسد.

در تمام نقاط بدخشان گیاه (گور) نیز موجود است که برای معالجات طبی خیلی مهید ثابت میشود. چیزیکه مهم است این است که در بدخشان و نواح

سالنامه « کابل »

آن اراضی قابل اصلاح که بعد از مصرف و توجه لازمه قابلیت زراعت را پیدا کنند زیاد است و مادر اینجا مشهورترین مواضع آن را تحریر میداریم :

۱ : در موضع بهارک چائیس که مشهور بدشت آفراخ بوده تقریباً ۱۰ کیلومتر طول و ۷ کیلو عرض دارد، و آوردن آب از دریا (وردوج) برای مزروع ساختن اراضی مذکور امکان پذیر میباشد.

۲ : در مقام جرم یک دشت به نزدیک شاه ناصر مشهور بدشت (نیولج) معروف است که اراضی هموار و مرغوب دارد و از رود (یرغسن) بر آن آوردن آب ممکن است. در تحت آب مذکور اگر آورده شود تقریباً از ۱۰ تا ۱۲ هزار جریب زمین آباد و قابل لزوع میشود.

۳ : در اشکاشم زیاده دشتی است که آب هم دارد اما قدری توجه لازم است که جویش وسیع تر و آبش زیاده تر شود.

۴ : در مشهد کشم دشتهای فراخی است که آب وافر هم دارد و در تحت آنها بمذکور گنجایش آبادی زیاد است.

حده طبقات الارضی بدخشان متعلق به عصر نیوزن وسطی است *Neogene moyen* که بطور صریح تر بنام دوره (پلیوسن *Pliocene*) یاد میشود. چنانچه طبقات نمک بدخشان این نظر به رایات میرساند

در بعضی جاها اراضی دشتی و ریگی که در آن سنگریزهای زیاد موجود است دیده میشود که مخصوص نیوزن علیا *Neogene supérieur* است که بطور صریح تر بنام میوسن *Miocene* یاد میشود. و در اکثر جاها اراضی از آهک ریگی (یعنی ریگ و آهک بلغم عجین) ساخته شده است.

نابات مشهور افغانستان

اینچنین اراضی متعلق به نیوژن وسطی یعنی پاپوسن میباشد .
اراضی نیوژن یا جدید با شرط بودن آب بجمله اراضی
حاصل خیزو قابل الزراعة محسوب است . چنانچه اراضی بد خشای و ملجقات آن
این نکته باروشن وثایت میسازد .
مرکز بد خشان فیض آباد است که ۴۵۰۰ فـت ارتفاع دارد و هوای
تابستان آن ۱۰۰ درجه فارن هایت بوده زراعت فیض آباد تماماً للمی کاری است
اما فواکه و اشجار هم دارد .

ناحیه (ارگو) که ۵۹۳۰ فـت بلندی دارد و هوایش به نسبت فیض آباد سرد
تر است ، اراضی بسیار حاصلخیز دارد . اکثر للمی کاری در آن مروج است .
گندم للمی و اکثر درمیزان و کتدر در حمل ثور و جوزا میباشد و نخود و زغری
و فالیز تر بوز و خر بوزه را نیز طور للمی میکنند ، و حاصل آنرا در ماه سنبله
و میزان میر دارند . در ارگو فواکه کتتر است ، هوای ارگو سرد
و یرف گیر میباشد .

دره یفتل که از سر بوحدات فیض آباد است ، املاک للمی که در آن گندم
و جو زرع میگردد زیاد دارد . و زراعت آنی کتتر . آبدهی فیض آباد هر
خصوص غله از نواحی یفتل و ارگو و درانم است .
کشم و درانم و تشگان :

ناحیه کشم از موقع کیفگان فاصله ۳۶ کیلو متر بسیت شرقی واقع است
و ۲۸۰۰ فـت ارتفاع دارد و هوای خوب و سالم و فواکه مرغوبی را داراست .

سالنامه د کابل

توت وزرد آلولی آن از همه جا بهتر است ، زراعت جو و گندم وز غر و غیره نیز مروج است .

موضع مشهد بمسافه ۱۲ کیلو متر از کشم دور تر واقع است و دراز منه سابق اراضی مزروعه و حاصلخیزی رادار ا بوده است . کنون بواسطه بی اعتنائی اهالی به جبه زارها و چمن زارها وجنگلها تبدیل شده است . امید که از توجه حکومت بزودی اصلاح و دوباره باراضی مزروعی تبدیل داده شود .
ناحیه تشگان :

در میان دره واقع است که در آن دریا جریان دارد و دو طرف دره مذکور درخت ها و آبادی دیده میشود . هوایش برای زراعت مناسب است اما اراضی که در آن کشت و کار شود بمقدار کافی موجود نیست ، در ائمه ناحیه دیگری است که نسبتاً زمین های مزروعی خوب تری دارد . لاکن اکثریه آن بصورت جبه زارهایی بوده هوای خوب ندارد ، در جبال در ائمه پیازوسیر کوهی هم موجود است . زراعت در ائمه به نسبت زراعت تشگان مهم تر و زیاده تراست ، در تشگان و در ائمه و کشم علاوه بر گندم و جو و فالینز کاری و شالی کاری و زراعت پنبه و نخود و ماش و شرف و شلغم نیز مروج است توت و گیلاس و زردآلو و آلوچه و آلو بالو و آلو بخارا و سیب و ناک و انار و بهی و انگور و خر بوزه و تر بو ز نیز در محلات مذکور پیدایش دارد و فوا که مذکور به فیض آباد برده می شود .

ناحیه راغ :

در راغ املاک للمی زیاده و املاک آبی کمتر و اراضی مذکور حاصل خیز است ، جو و زغر و ارزن و کهنجد بصورت للمی زرع می شود . از جمله

نایات مشهور افغانستان

ترکاریها شلغم و ترب نیز دارد. در فشلاق یا وان که مربوط به راغ است و آب از دریا بزمین های شان میرسد، توت، زردآلو، شفتالو، خر بوزه، تر بوز نیز یافت میشود، و در فشلاقیهای دیگر که زراعت شان للمی است فوا که فیست، لاکن درخت های پید و عمر عمر دارد.

مال داری و تربیه حیوانات نیز در راغ سر و ج است و از شیر آن روغن، فروت کشیده تجارت آن را به فیض آباد می کنند.

علاقه جرم:

علاقه جرم بمفاصله ۴۸ کیلو متر از فیض آباد دور و بجنوب آن واقع است و ارتفاعش ۵۶۵۰ فو است. اراضی وافر و هوای مرغوب و آب و هوای سرد دارد، زراعت اهالی جرم اکثر گندم و کونار و زغر است. در بین جرم دریای کوچکی که اهالی در آن زرشوئی می کنند، روان است. اشجار و باغات کثیری در جرم دیده می شود. فوا که لذیذی دارد مثلاً توت و زردآلو و سیب و ناک و شفتالو و گیلاس و آلو بالو و چهار مغز و آلوچه و شاه توت و غیره میوه ها در آن بسیار است. انگور و خر بوزه و تر بوز آن کمتر است و اراضی آن خیلی حاصل خیز میباشد. ناحیه جرم آبشارهای زیاد دارد.

یکی از علاقتهای جرم دره خاش است که تقریباً بمفاصله ۲۴ کیلو متر از جرم دور تر بالای کوهی واقع بوده ۷۱۱۰ فو ارتفاع و آب و هوای سردی را دار است. اشجار میوه دار ندارد و تنها درخت پید و سفیدار در آنجا موجود است. زراعت شان گندم و جو است و للمی کاری به نسبت زراعت

سالنامه « کابل »

آبی زیاد تر بوده مرغزارها و چمنها و چراگاههای خوبی را مالک است. زراعت کونکتر نیز رواج دارد. در این منطقه کونکتر در تپه‌ها و در دامنه‌های کوه‌ها و در ارتفاعات جرم محسوب است. جو و گندم و باقلی و ارزن و مشنگ و کبلول در برج حمل و ثور زرع می‌شود. در بهارک و دره زردیو:

بهارک با ارتفاع ۵۵۰۰ فوت و به مسافت ۱۲ کیلومتر راه دور از میخوج زردیو بیک مقام مرتفع و وسیع و آب و هوای خوش واقع است. در پای زردیو در عرض راهش دیده می‌شود و علاوه بر آن براه مذکور یک جنگل زرشک و سیاه خار و دیگر درختان جنگلی نیز موجود است. در جنگل مذکور خوک نیز دیده می‌شود. علاوه زردیو شمالاً و جنوباً واقع بوده آبریزه اش از سرگلان و یا غرده می‌آید. در بهارک و زردیو توت و زرد آلو و شفتالو و آلو بالو و بهی و سیب و انگور و ناک بسیار خوب پیدا می‌شود. توت و گیلاس آن در آخر ماه چورا بخته می‌شود، در سرگلان تنها چهار مغز حاصل می‌دهد و دیگر فوا که ندارد، و ممکن که دیگر فوا که نیز در آنجا در صورتیکه غرس اشجار آن شود به‌خصل برسد.

گندم و جو و شالی در بهارک کمتر می‌شود، اما زراعت کونکتر زیاد تر است و در سرگلان بنا بر سردی هوا زراعت کونکتر ممکن نیست لکن گندم و جو و ارزن و باقلی بیشتر است.

زیباک:

ارتفاع زیباک ۹۲۵۰ فوت است. از زیباک تا اشکاشم ۳۶ کیلومتر مسافت

نباتات مشهور افغانستان

است. بنابر سردی هوا و پاد‌های مختلف ۱ کثیر مه‌رو عات این غلافه تلف می‌شود. فواکه در آنجا پیدا نمی‌شود و تنها درخت بید و عمر عمر و سپاه خار یافت می‌شود. در این منطقه کثیر از گیاهان دارویی یافت می‌شود.
اشکاشم :

این علاقه ۹۴۵۰ فوت ارتفاع دارد و ۲۰ کیلومتر از زیباک دور است. در اشکاشم یکدشت کلان بزیر فشلاق تربت قابل آبادی است در اشکاشم گندم و جو و زنبه و زغر می‌کارند. در این منطقه کثیر از گیاهان دارویی یافت می‌شود.
واخان :

هوای واخان سرد است و برف و باد بسیار دارد. به ایام توز و جوزا اهالی آن مشنگ و گندم و جو و باقلی و کملول می‌کارند و در اخیر ماه سنبله و میزان حاصل می‌بردارند. اکثر چون بارندگی زیاد با سردی شدید و صاف گردد حاصلات اراضی اکثر تلف می‌شود. در این منطقه کثیر از گیاهان دارویی یافت می‌شود.
پامیر خورد :

که شرقی و غربی افتاده علف زارها و چرا گاهای بسیار درینحصه موجود است. لیکن کشت و زراعت و درخت مطلقاً دیده نمی‌شود چون برف و سردی زیاد دارد امکان ندارد که درخت به پخته‌گی برسد و همچنین زراعت غله جات لامکن است.

مقام شور خورد اولین منزل پامیرات و ۱۲۶۵۰ فوت ارتفاع ورود پاری دارد که بدو طریقه آن درخت‌های طوس و بید جلب توجه را مینماید.

سا لنامۀ « کابل »

لنگر ، منزل دومین آن است که ۳۵ کیلو متر از شور خورد دور تر واقع و ۱۲۹۲۰ فوت ارتفاع و موقعیت وسیع و چمن های بسیار را مالک است . بعد از لنگر محل (برای گنبد) است که در آن هفت گنبد دیده میشود . اراضی وسیع و چمن های کلان دارد .

اندمین :

منزل چهارم پامیر است که ۱۳۸۰۰ فوت ارتفاع دارد و بقا صله ۴۵ پلومتر از گنبد دورتر است خود اندمین یک مقام وسیع در یکدشت وسیع و چمن های زیاد واقع است .

پامیر کلان :

پامیر کلان نیز مانند پامیر خورد مدعا از یک دره وسیع است که دارای علف زارها و چراگاههای زیاد بوده درخت ندارد .

شغنان :

از سر بوطات حکومت واخان و پامیرات است . آبادی شغنان بدامنه کوه واقع و زمینداری و زراعت شان اندک بوده فوا که در آنجا موجود است ، توت ، زرد آلو ، سیب ، ناک ، شفتالو و چهار مغز است ، گندم جو ، ارزن ، باقلی ، مشنگ و کول در ثور و جوزا زرع و در سنبله و میزان درو میشود . در شغنان علف را بصورت عجیبی حفاظت میکنند ؛ علف را بالای بامها به طرز درستی چیده همان طور میکنندارند تاموسم سرما بالای آن برف بیارد ، همان حصه بامرا که علف بر آن است از طرف زیرسوراخ نموده علف را ذریعۀ سوراخ مذکور برای حیوانات خود میکشند باینقسم علف تقریباً تازه میماند .

نانات مشهور افغانستان

لورسج :

ناحيه است مربوط به شغنان و ۸۸۵۰ فـت بلند و ۲۴ كيلومتر دور از شغنان است . اراضي وسيع و غله خيزي را دارا مي باشد .

انداج :

محل ديگري است كه ارتفاع آن ۸۶۵۰ فـت است و مسافتش از لورسج در حدود ۳۰ كيلومتر است و علف زارها و درختهاي سياه خار و زرشك و يخنم و بيد بسيار دارد .

درواز :

زراعت مردم دروازا كثره گندم و جو و ارزن و بافلي و مشنگه است و در بعضي جاها پنبه نيز زرع ميشود . توت و گيلاس و آلو بالو و ناك و انگور و انجير و بهي نيز بكثرت بهلا حظه ميرسد .

رستاق :

رستاق ۴۷۷۰ فـت ارتفاع دارد و حرارت تابستانش ۹۵ درجه فارن هـايت است . در رستاق گندم ، جو ، زغر ، پنبه ، خر بوزه و تر بوز بطور للمي كشت ميشود . هر قدر كه در زمستان برف و در حمل باران زياده شود زراعت رستاق خوبيتر مي باشد . توت و زرد آلو و گيلاس و آلوچه و آلو بالو و سيب و ناك و انگور و بهي و خر بوزه خوب و تر بوز و افر دارد .

چاه آب :

بدون فـتلاق نخني در چاه آب قطعاً آب جاري موجود نيست و زراعت

سا لنامه الا کتابی

مر دم للمی است و آب خورا کته شان از جاه است . گندم ، جو ، پنبه ، زغر و نخود زراعت میکنند .

بنگی قلعه :

املاک وسیع و جنگل زار دارد ، شالی کاری و زراعت گندم و جو و زغر و جواری در آنجا مروج است ، و فالیز کاری نیز میشود . از حیث معلومات طبقات الارضی چیز بکه راجع به نواحی ، بخشان بیشتر تحریر داشته ایم بالای تمامی علاقه جاتیکه فوقاً به تذکار خصوصیات زراعتی و اقسام نباتات آن پرداختیم ، قابل تطبیق است .

حصن مشرقی افغانستان

به نسبت کمی ارتفاع (۶۰۰) متر و قریب بودن به هند که از ممالک حاره میباشد آب و هوای جلال آباد گرم است ، اکثر نباتات مناطق گرمسیر در آنجا یافت میشود که مشهور ترین آن قرار ذیل است :

۱ . نارنج : نارنج جلال آباد ترش است بنابراین مصرف کم دارد ، لاکن دردیگر ممالک اقسام شیرین آن که خیلی لذیذ است موجود میباشد . ممکن است تخم انواع شیرین را بجلال آباد بکاریم و یا نارنج های ترش را از نوع شیرین پیوند کنیم و یا نهال های نارنج شیرین را بخراییم . از آب نارنج ترش يك قسم تیزاب *Acide oxalique* (اسید اوگزالیک) میتوان کشید که بعد از متبلور نمودن آن را قیمت بلند بخارج میتوان بفروش رسانید . پوست نارنج ترش

نباتات مشهور افغانستان

وطني ما يك مقدار زياد عطر دارد كه ماده ذهني است كه بفرانسوي (اسانس) ميگویند و درميان سلول های پوست نارنج بوده در اثر فشار بيرون مي چيد ، در خارج از آن عطر و بعضی مواد ديگر ميكشند .

۲ : درخت ليمو : در جلال آباد دو قسم ليمو ديده مي شود كه بكي آن خورد بوده شكل مدور و پوست نازك و بوي خيلى تيز دارد ، تحفظ آن تا دير مدت امكان پذير است و فوائد طبي خيلى زياد و تجارت آن در خارج اهميت بسيارى را داراست ، درختان اين نوع در جلال آباد كم است و اميد ميرود كه در آينده در از دياد نباتات مفيد جلال آباد توجه مخصوصي بكار برده شود . قسم دوم ليمو ، في الحقيقت (سيترن) نام دارد و رنگ زرد دلگش و اكثراً شكل مخروطي و بر سطح پوست خود دانه های برجسته متعدد دارد . پوست اين نوع چندان بوي تيز ندارد ، كلفت است و ليموي مذكور خواص طبي نوع اول را دارا نيست .

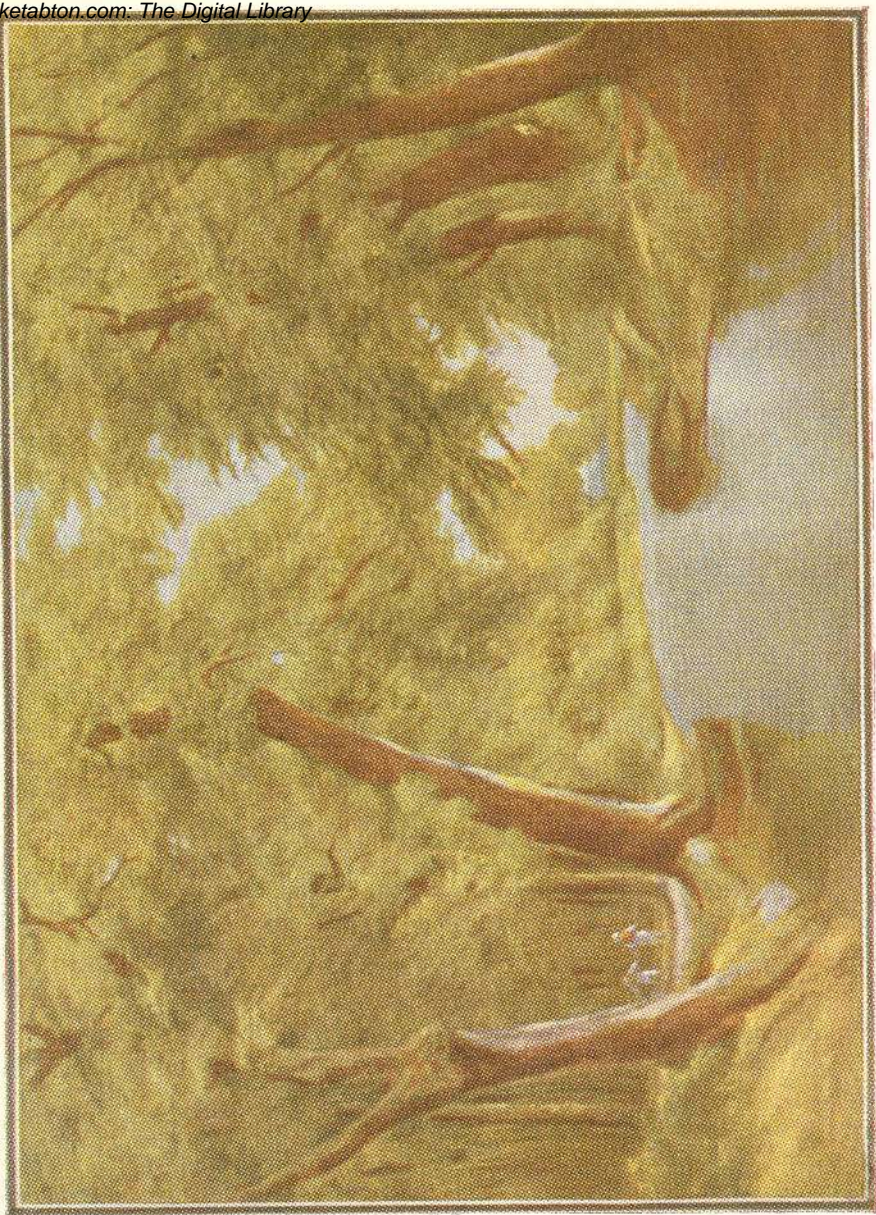
۳ : درخت خرما : اين درخت حرارت زياد و كمى آب بكار دارد . از ۱۰ تا ۲۰ متر ارتفاع و برگ های طويل شانه مانند دارد . اگر بواسطه دانه بخوانند كه درخت مذكور را حاصل نمايند بعد از ده سال حاصل خواهد داد .

درخت خرما دو جنس دارد يعنى جنس نر آن عليحده و جنس ماده آن عليحده است . بسا اوقات جنس ماده و يا جنس نر آن به تعداد چند درخت در كدام ناحيه موجود بوده ، دائم الاوقات لا حاصل مانده است كه مردم سبب آن را ندانسته اند ، بنا بران بالای درختان ماده اكثر آلات تدبير درخت نر را جدا نموده مي آورند ، نادانه های زرد مني نباتي مذكور باعث بار آوري درختان

ماده گردد . نوده های بیخ جوش خرما بعد از چهار سال سر حاصل می آید
درخت خرما از ۶۰ تا ۹۰ سال قابلیت حاصل دادن را دارد .

در یکجریب زمین از ۴۰ تا ۵۰ اصله درخت غرس شده می تواند و فی
درخت ۵ سیر حاصل میدهد . باین حسات فیسال از یکجریب ۲۰۰ سیر خرما
که قیمت آن تقریباً ۳۰۰۰ افغانی شود حاصل می توان کرد ، هیچ یکد درخت
شمر همچو حاصلی داده نمی تواند ، جم اوسط حرارت روزانه که برای درخت
خرما لازمی است از جوزا تا عقرب مجموعاً پنج هزار سانتی گرید میباشد . در جلا آباد
و در باغهای دولتی بطور متفرق یک یک درخت آن دیده می شود که اکثر آن
میوه نمی دهد ، یعنی میوه اش بدرجه اخیر پخته گی نمیرسد . بنابراین درختان
مونث غرس شود و نیز چون درجه رطوبت هوا در میان باغات زیاد بوده روشنی
و حرارت کافی برای درختان خرما ی جلال آباد نمیرسد ، لهذا باید که آنها
را در خارج شهر در میدانها وسیع بر حرارت و بر روشنی غرس نمایند . در یکی
از باغات جلا آباد ملاحظه نمودم که میوه ها را بیشتر از پخته شدن در میان
خریصه های بور یائی داخل میکنند و سر خریصه ها را میدوزند . باینصورت
درجه حرارت زیاد شده خرما پخته میشود .

۴ - درخت زیتون : درخت زیتون نیز حرارت زیاد و رطوبت کم
لازم دارد ؛ در هر جا که تاك و انجیر نتیجه خوب میدهد و اگر زمستان
آن سردی زیاد ندارد ، درخت زیتون حیات کرده میتواند . در یکی از باغات
دولتی جلال آباد یک پایه فوی و سالم درخت زیتون دیده شده که ثابت
میسازد که زراعت درخت زیتون در مشرفی امکان پذیر است ، میوه آن
به سنجید مشابیهت و رنگت سبز دارد ، و چون فشارش دهند ازان تیل زیتون



از مناظر کابل ، اثر خامه یکی از محصلین شعبه رسمی مکتب صنایع
Paysage de Kaboul: Peint par un des étudiants de l'Ecole des Beaux Arts.

نباتات مشهور افغانستان

می بر آید که خیلی خوش طعم و گواراست و هاضم غذا و مشتبهی و یک اندازه مسهل نیز میباشد. وزن خسته میوه (۲۵/۱۰۰) است و وزن حصه نرم آن به ۱۰۰/۷۵ میرسد. در جلال آباد و قندهار و تگاب و بعضی حصص سمت جنوبی از زراعت درخت زیتون نتایج بسیار خوبی بدست خواهد آمد. ارتفاع لازمه اراضی زیتون از ۷۰۰ و ۸۰۰ متر تجاوز میکنند. انواع آن زیاد است چنانچه در فرانسه زیاده از صد قسم آن وجود دارد.

زمین های گرم و آفتابی را زیاده تر دوست دارد. از نقطه نظر طبقات الارضی اراضی صوانی و زمین های آهکی را یکسان می پسندد تنها زمین های رستی و مرطوب را دوست ندارد.

علاوه بر اشجار فوق درخت سنتره، مته، ماله، چکوتره و نهال نیشکر و غیره موجود است. در زراعت نیشکر باید کوشش زیاد شود زیرا نیشکر جلال آباد که از آن شکر کشیده میشود اگر یک کارخانه قند سازی در جلال آباد نصب شود قند و شکر اعلی ازان بدست خواهد آمد. چنانچه نصب کارخانه مذکور از طرف حکومت مقبوعه ما زیر نظر است.

از جمله نباتات زینتی و خوشبو اقسام ذیل دیده میشود:

- ۱ - غلاسکی - نباتیست که برگهایش با برگ بید مشابهت دارد و برای کناره های جویها و حفاظت باغات خیلی مفید است.
- ۲ - درخت پیبل - درختی است که تنه بزرگ و سرخ رنگ دارد و برگهایش با پنجه مشابه است.

سالنامه « کابل »

- ۳ - درخت پنبه :- که از میوه های دراز مخروطی شکل آن ماده پنبه مانند که از آن در امور نساجی کار گرفته میشود، حاصل میشود .
- ۴ - درخت هزار ریشه :- از بالای درخت مذکور ریشه های متعدد جدا می شود که مانند طناب ها بطرف زمین آویخته میباشد .
- ۵ - درخت گل بید :- برگهایش باید مشابهت دارد و گل های سرخ گلاب مانند می کند .
- ۶ - درخت بلوط آستر یا :- برگهای خیلی خوش ساخت و موزون دارد . میوه اش بصورت قرص های پهن و مدور بنظر میخورد ، گلپایش برای قوه باء مدد می کنند .
- ۷ :- درخت کیکر - درختی است زینتی که گلپهای مجرعی زرد و گلوله دارد . برگهایش با برگهای اکاسی مشابه است .
- ۸ - درخت سرچ :- برگهایش مرکب است و شکل شانه را دارد . میوه هایش بصورت خوشه های تسبیح مانند دیده می شود .
- ۹ - درخت کچ نیال :- درختی است زینتی و بدرخت ارغوان مشابهت دارد . بعضاً میوه اش را پخته میخورند و در طب نیز از آن کار میگیرند .
- ۱۰ - درخت سری :- برگهایش با برگهای درخت اکاسی مشابهت دارد و گلپهای خوش رنگ آبی نمای نر م داشته برای زینت باغات سر وچ است .
- ۱۱ - درخت جو کلنده :- برگهایش مرکب بوده دودفمه مقطوع است و خیلی خوشنما میباشد ، میوه اش بصورت قرص های مدور بنظر می آید .

نباتات مشهور افغانستان

۱۲- درخت مجنون بید : - شاخچه های آویزان و میوه خوشه‌ای و نسیج مانند و مقبول دارد .

۱۳ درخت ناچو : - قسمی است از صنوبر برای زینت باغها خیلی خوب است. دائم سبز بوده اکثر اقسام آن را بصورت چوب و هیزم می سوزانند .

۱۴- درخت جامنو : - دارای میوه های مخصوص انگور مانند است .

۱۵- درخت اپلتیس (او کلیتوس) : - درختی است خیلی فوی و بلند و عمر دراز دارد . برگهای آن با برگهای درخت بید مشابهت دارد لاکن به نسبت برگ بید طویل تر بوده اکثر بصورت قوس خمیدگی دارد . برای خشک ساختن اراضی مرطوب و خندقی خیلی مهم است ، در برگهایش بک خوشبوئی بسیار خوب موجود است که ازان عطر هم درست میکنند . برگهای اپلتیس برای دفع ریش و ضیق النفس خیلی مفید است .

۱۶- مور یا ننگک : - که مانند صنوبر دائم سبز است و میوه های مدور سخت دارد و برای زینت باغها بکار میرود .

۱۷- درخت گندیری : - که با درخت بید مشابهت دارد و دارای گلهای خیلی قشنگ و برگک کلفت است .

۱۸- بر بمله : - این درخت بدبو ارهاو درختها بالا میشود و مانند ارغوان گلهای سرخ دارد .

۱۹- درخت پام - : بادرخت خرما مشابه است لاکن قدش پست تر و برای زینت درباغها و گلخانههای بزرگ تربیه میشود .

علاوه بر نباتات مناطق گرمسیر که در فوق ذکر شد ، در حصص مشرقی افغانستان

سالنامه « کابل »

اکثر نباتات مناطق معتدله از قبیل گندم و جو و جواری و ارزن و باقلی و مشنگ و غیره و از قسم میوه جات توت و آلوچه و زرد آلو و انگور و امثال آن نیز بعمل میآید ، انگور جلال آباد از سبب زنبور خیلی صدمه مینماید ، اصول تربیت انگور چنان است که تا کهارا بدرخت های نر توت بالا میکنند . تا کستانها بیشتر در علاقه ربگک شاهمرد خان که نزدیک جلال آباد است وجود دارد . لیکن در مزارعات سمت مشرقی آنچه از همه مهمتر میباشد ، برنج است که در حصص جلال آباد و نوسود و لغمان و کنرها و غیره بمقدار کثیری کشت میشود و حاصل آن در کابل و باقی حصص افغانستان ارسال میگردد ؛ برنج باریک جلال آباد از جمله برنج های خوب تمام دنیا بشمار میرود و با اکثر برنج های اعلی هند همسری میکنند .

در کوه های خوشگیا نی و ما ما خیل و حصارک و غیره جنگلات مهم بلوط کوهی و خنجرک و صنوبر و سرو و غیره به پیمانۀ کثیری وجود دارد که برای ساختن زوغال و سوخت بمصرف میرسد .

سرخ رودکنر ها و رودات علاقه جات سرسبز و شاداب سمت مشرقی بشمار میرود و دارای مزارعات مناطق معتدله میباشد ، در کنر برنج لک بیشتر و جواری زراعت عمده محسوب میگردد .

علاقه لغمان :

لغمان خیلی حاصل خیز و شالی کداری در آنجا زیاد است ، در درۀ لغمان انگور کوهی وجود دارد که خود رو و پوست آن کلفت تر از انگور اهلی است . در لغمان و اکثر حصص مشرقی کار زراعت بواسطه گاو و میش اجرا میشود .

نورستان :

که مشتمل بر دره های متعدد و دامنه آن تا بالای پنجشیر بسمت شمال افغانستان امتداد یافته ، علاقه کوهستانی بسیار دشوار گذاری است که قسمتی از آن که عبارت از حصص اسمار باشد پوشیده از جنگلات نشتر و ارچه و بلوط و غیره است ، و باقی حصص نورستان رانده های سبز کوهستانی تشکیل داده ، اراضی مزروع خیلی کم میباشد ، در دره های نورستان نیز درختان بادام کوهی و جوز و انار خود رو بمشاهده میرسد .

در جلال آباد و سرخ رود و علاقه جات خوگیا نی و اکثر حصص سمت مشرقی تریه زنبور عسل رواج داشته حاصلات مذکور را تجارت میکنند .

حصص جنوبی افغانستان

از لحاظ تقسیمات جغرافیائی ، افغانستان بسه حصه مختلف منقسم است :
اول سلسله کوههای شمالی . دوم سلسله کوههای جنوبی . سوم سطح مرتفعبکه میان سلسله کوههای شمالی و جنوبی واقع است .

قسمت اعظم آن بنام دشت یاد میشود . در یای هلمند این سطح مرتفع دشتی را بدو حصه تقسیم میکنند : - بطرف مشرق ریگستان و بطرف مغرب دشت مرگو و اراضی سیستان که نسبتاً سطح اراضی آن پست است . بطرف جنوب مغرب سیستان ، آب استاده هامون هلمند و گودزره دیده میشود . بسیار ممکن است که این هر دو غدیر در ابتدا یکی بوده بعد از آن در اثر تبخیر زیاد آب و حرارت بلند ، بکحصه آبمفقود شده باعث ایجاد يك قطعه خشکه مفصله

سالنامه « کابل »

مابین غدیر های مذکور گردیده باشد. منبع غدیرگود زره از آبخیزی های هامون هلمند است در وقت سیلابها .

نابت شده که سیستان پیش از ترکتازی های چنگیز خان و تیمور از جمله قطعات حاصل خیز سرسبز و آباد ایشیا محسوب بوده و در اثر حمله های ناگهانی و مخرب فاتحین فوق الذکر بند ها و نهر ها منهدم شده اهالی آن یریشان و منتشر و باطراف عالم مهاجر شده بلاد معموره طرفین دریای هلمند بصورت دشت های ریگی بی حاصل مبدل گردید است .

به حصص کوهی جنوبی بعضی جنگلها موجود است که در توسعه و حفاظت آن باید توجه لازمه شود .

از حیث طبقات الارضی اراضی سیستان و قندهار و بعضی حصص دیگر جنوبی متعلق به عصر تباشیری متوسط *Cretacé moyen* است . عصر تباشیری یکی از تقسیمات سه گانه زمانه ثانوی است . و یکجمله سیستان و قندهار دارای اراضی متعلقه عصر *Pliocène* زمانه ثالث نیز می باشد که اسم علمی آن *Pontien de pliocène* است چنانچه سنگریزه زار ها و کاسنگلو میرات های اراضی مذکور شاهد آن است .

سمت جنوبی

در اراضی هموار سمت جنوبی گندم و جواری و جو میکارند . زراعت ترکاری بیشتر چندان مروج نبود . لکن توسعه و ترقی آن هر سال زیاد شده می رود . پس در اینجا چیزیکه مهم است تکسار

انواع اشجار جنگلی و نباتات وحشی است که در جنگلات سمت جنوبی پیدا می شود. دانستن اقسام درختان جنگلی خیلی مهم است زیرا که جنگل بالذات ثروت بزرگی است که بسا احتیاجات نوع بشر توسط آن تأمین می گردد. بهزار ها خروار چوب سوخت و مقدار کلی چوب چهار تراش و مقادیر مهم زغال که از سمت جنوبی وارد کابل می گردد منبع دیگری بجز جنگلهای جنوبی ندارند. قباس کشید که در انهدام و ضیاع جنگلهای سمت جنوبی چقدر خسار د بوطن عاید خواهد شد و در ترفی و تجدید و توسعه جنگلهای مذکور چقدر بر ثروت طبیعی وطن خواهد افزود. از همین رهگذر منافع زیاد جنگل است که مال راقبه در حفاظت آن يك اداره یوایس مخصوص و انضباط و انتظام مکملی ترتیب داده اند.

در کوه های جنگلی سمت جنوبی نباتات جنگلی متعدد و مختلف بصورت غلو یافت می شود:

در محلات مرتفعه جبال مذکور (۴۰۰۰ تا ۸۰۰۰) فوت، درختانی که به نظر میخورد از جمله نباتات مخروطی الا شمار اند. لفظ نخر و طی الا شمار از آن جهت به اشجار موصوف اطلاق یافته که میوه های شان بصورت مخروطی میباشد درخت سرو و صنوبر و ایسیسیا و ملز از جمله درختان نخر و طی الا شمار بشمار میرود و در علاقه جات جنوبی پیدایش دارد.

یکی از درختان مشهور سمت جنوبی درخت جلفغوزه است (Chilgosa pine) که نام لاتینی آن (Pinus Gérardiana) میباشد.

دیگر از اشجار مهم جنگلات کوه های جنوبی درخت صبر است

Paris chacey . درخت بلوط Duercus-balot نوع دیگر درخت جنگلی

است که چوب آن از حیث سوخت خیلی با حرارت و با دوام میباشد .

ارچه Larix Harch که مقدار های مهم آن از سمت جنوبی و ارد
مرکز شده بصرف سوخت و تعمیرات میرسد درختی است خیلی مفید و مهم که در
از دیاد تعداد و توسعه جنگل آن باید کوشید .

علاوه بر اشجار فوق بحصص جنگلی سمت جنوبی در بعضی نقاط چهار مغز و ناک
وحشی نیز موجود است . یکی از درختان مفید ، درخت زرشک است که میوه آن برای رفع
مرض یرقان خیلی مفید میباشد . میوه خشک مذکور را چون میوه کنند به میوه
غوره انگور مشابیه دارد . و در طعام مانند ماده مشتبه استعمال می شود .
لیمو و بادام و حشی نیز در جنگلات مذکور پیدا می شود .

درخت چهار مغز و بلوط وحشی نسبتاً با ارتفاع کمتر و بدرجه دوم دیده
می شود .

تاک و حشی و درخت استرا گل و درخت نیل با یکدیگر بطور مخلوط
باقت می شود . از بعضی اقسام استرا گل يك قسم گند می کشند و یسج
يك نوع آن برای دفع مرض پیچ بکار میرود . تخمیناً با ارتفاع ۳۰۰۰
فت درخت زیتون جنگلی و اقسام گل و حشی مثلاً گل کلاب و حشی
و غیره پیدا میشود .

درخت ا کاسی (Acacie) « اقا قبا » و درخت کیکر و درخت
حناب به مقدار زیاد موجود است . در حصص شرقی کوه سفید درخت یام نیز
موجود بوده برای دفع بعضی امراض مفید است .

نباتات مشهور افغانستان

بعضی اقسام گل و حشی مثلاً جرین وحشی، گل کلاب وحشی نیز یافت میشود. درخت ارغوان که درختی است زینتی نیز در جنگلات مذکور پیدا می شود. بمقامات پست ترین حصص غربی کوه های مذکور، بدون علف و بعضی بته های خورد چیز دیگری دیده نمی شود. در حصه های میدانی بعضی بته های خاردار مثل شترخار و بته اشقار و غیره موجود است که از نقطه نظر زراعتی چندان اهمیتی ندارند. بعضی نباتات طبی مثل حرمل که برای دفع وجع مفاصل بکار می آید و افسنتین که بمقابل تب لرزه و امراض معده استعمال میشود نیز بملاحظه پیوسته است. در اراضی مزروع علاوه بر گندم و جو و جواری، بعضی درختان میوه دار از قبیل توت و چهار مغز نیز موجود است.

چون حصص مهم زراعت سمت جنوبی درین کوه های جنگل دار و سرسبز آن میباشد، معلومات قلیلی که بالای جنگلات آنستیم داشتیم فوقاً تحریر نمودیم. اراضی هموار زراعتی خیلی کم است. ثانیاً اقسام نباتات مزروع آن خیلی محدود بوده، منحصر به گندم (خیلی کم) و جو و جواری (بمقدار بیشتر) است. در سمت جنوبی مقدار زیادی عسل جمع آوری میشود که مردمان جنوبی برای تجارت بکابل و غیره نقاط میفرستند.

ولایت قندهار

چنانچه بیشتر تحریر نمودیم، بکحصه مهم قندهار از حیث طبقات الارضی متعلق به عصر تباشیری متوسط (Crétacé moyen) است. بکحصه اراضی قندهار برمانه ثالث نیز متعلق میباشد. شهر قندهار که از دریای ارغنداب اراضی آن آبیاری میشود آب فراوان و هوای گرم دارد و گندم و جو

و جواری و ارزن و باقلا و مشنگک و انواع ترکاری از قبیل سلغم و کچالو و پیاز و بادنجان رومی و زردک و لبلبو و بادنجان سیاه و غیره در اراضی مذکور زرع میشود - گندم و جو درتیر ماه کشت میشود و در ماه جوزا درو میافتد. ولی هوای قندهار برای دومرتبه بعمل آوردن غله جات گرمی کافی را ندارد. درموسم تابستان باران خیلی به ندرت میبارد لیکن در زمستان و اوایل بهار باران های فراوان باریده بعضاً موجب حدوث سیلابها نیز می شود، و در اول بهار است که رود های مهم و لایت قندهار از قبیل رود ترنگ و رود ارغسان و رود ارغنداب و رود هلمند و غیره شعبات آن پر آب و بعضاً طوفانی می شود.

شهر قندهار :

آب و هوای نسبتاً خوشگوار دارد. درجه حرارت در تابستان به ۱۰۷ درجه فارن هایت و در زمستان به پنج درجه بالغ می گردد. برف خیلی به ندرت می بارد، یخ بندی صحیح هیچ گاه اتفاق نمی افتد. باران زیاد می شود و در طول سال ارتفاع آب باران به (۱۰۵) سانتی متر بالغ میگردد.

شهر قندهار در حقیقت عبارت از يك منطقه آبادی است که در میان دو حوضه دشت وریگستان (یعنی ریگستان سمت جنوبی و دشت سمت شرقی آن) افتاده و فوق العاده شاداب و سرسبز میباشد. قسمت بزرگ این حوضه آباد پوشیده از نخلستان ها و تاکستانها است و باقی آن را اراضی کشتی تشکیل داده. در اراضی کشتی که تقریباً بالتامام آبی است غله جات و سبزی کاری مختلفه که در فوق ذکر شد بکثرت بعمل می آید، و نخلستان های قندهار که مهم ترین آن نخلستان پنجوائی واقع در غرب شهر و نخلستان

نباتات مشهور افغانستان

ار غنداب است مرکب از درختان شمر از قبیل درخت انار و انجیر و ناک و زرد آلو و آلوچه و سیب و شفتالو است. در حوالی قندهار، باغ در ظرف ۳ و ۴ سال سر حاصل می آید و عموماً در ساختن باغها چنین ترتیب میگیرند که یکدرخت زرد آلو یا انار و یکدرخت شفتالو غرس می کنند و درخت شفتالو از همه زودتر بر سر حاصل آمده مدت ۶ و ۷ سال عمر می کند و بعد پیر شده قطع میگردد و ناآنوقت دیگر درختان انار و زردالو بر سر حاصل آمده دوام مینمایند و بعضاً درجای درختان مقطوعه، درختان شفتالوی جدید شانه می شود؛ چون درخت شفتالو طبعاً کوچکتر بوده، جای کمی را میگیرد بنا بران تا چندین سال به درختان انار و زردالو مزاحمتی نمیرساند و خودش نیز از سایه آنها آفتد ر متاثر نمیگردد.

قسمت جنوبی شهر قندهار عبارت از تا کستان بزرگ است که خشک آبه نام دارد و انواع انگورهای اعلی، در آن جای عمل می آید. در قندهار متجاوز ۲۰، ۳۰ قسم انگور وجود دارد که مهم ترین آن شندوخانی، اعل، صاجی، کشمشی و انگور آبجوش است، و این انگورها که اکثر آن کشمش ساخته میشود، بمقدار کثیری تازه و قسم کشمش بخارج فرستاده میشود، همچنین دیگر میوه جات قندهار از قبیل انار که قلم بزرگ میوه جات تازه قندهار را تشکیل داده درفاست ورننگ و مزه و بزرگی با بهترین انارهای عالم همسری می کنند، بمقدار فراوانی بخارج و داخل ارسال میگردد. خوش بختانه بتوجه حکومت متبوعه ما از چند سال به اینطرف شرکتی برای صادرات میوه قندهار بنام شرکت «پشتون» تشکیل یافته که برای افزودن و اصلاح باربندی و غیره ترقیات میوه قندهار داخل اقدامات مییابد و اکنون از یکطرف موفق به افزایش قیمت

سالنامه « کابل »

فروش درخارجه و از طرف دیگر موفق به تهیه قطعی های پاکیزه و قشنگ برای میوه خشک قندهار (از قسم انگور آبجوش ، انجیر و شکر پاره) گردیده و نیز بتازگی ماشین حفظ میوه در انجا بکار افتاده که میوه جات قندهار را از شفتا او و شلیل و زرد آلو و ناک و سیب و غیره در قطعی های حللی به اصول صحیح محفوظ کرده بطور (کونسروه) بخارج و داخل ارسال و تجارت خواهد شد اراضی للمی کاری چندان وسعت ندارد .

محالات اطراف قندهار از قبیل دهله و خاکریز و غیره در شرایط حاصل خیزی و نوعیت نباتات خود شبیه خود قندهار میباشد ، تنها ریگستان سمت جنوبی (طرف سپین بولدک) یعنی قلعه جدید ، عاری از درختان و نباتات مختلفه است .

فلات :

فلات اراضی وسیع و شادابی دارد که بیشتر از رود ترنگ و ارغمان مشروب شده ، در آن زراعت غله جات بمقدار کثیر بعمل می آید ، بادام فلات خیلی مشهور است . آب و هوای فلات نسبت به قندهار سرد تر و ملایم تر میباشد ، در دره رود ترنگ درختان خنجرک بصورت خود رو وجود دارد ، و در دشت های اطراف فلات و نزدیک قندهار بته های خود روی مهم از قبیل سولیا نك که از آن درصابون سازی و ساختن پلی استفاده بعمل می آید بکثرت میروید .

باغهای بادام فلات مقدار کثیری بادام را برای تجارت خارجه تهیه مینماید و روز بروز باغهای بادام رو بزرونی میباشد .

نباتات مشهور افغانستان

پشت رود :

علاقه پشت رود و کرشک و زميند او را ز لحاظ آب و هوا به نسبت قندهار گرم تر و خشک تر است ، زراعت غله جات در آنجا امکان پذير و اراضي مند کور از دريای هلمند و انهار مختلفه مشروب ميباشد . از حيث درختان کرشک تقريباً مشابه مرکز قندهار بوده زمين آن استعداد پرورش انواع ميوه جات را دارد : انار و توت و زرد آلو بکثرت يافت می شود ، شکار از قبيل تارو و سيسي و غيره و شکار ماهی در بن علاقه ممکن است . علاقه گرمسير خشک تر بوده ، در آنجا درختان خرما نیز بقسم خود رود يده می شود .

اروزگان :

اراضي اروزگان مختلف بوده قسمتی از آن سرد سير و بر فکير و باقی معتدل بوده بيشتر کوهستاني و زمين آن استعداد پرورش کندم و جو و جواری و بعضی نباتات مناطق معتدله را دارد ، درختان نسبتاً کمتر و ميوه بقدار کمی يافت می شود ، اروزگان از دو سمت به سطح مرتفع مرکزی اتصال داشته ، از لحاظ آب و هوا و نباتات و حيوانات بيشتر تابع منطقه مرتفعه مند کور ميباشد .

فراه و جخانسور و سيستان

اراضي فراه حاضرأ چندان حاصل خيزی نداشته ، زراعت غله جات در تمام قسمت های آن امکان پذير بوده ، از قسم درختان نیز فراه فقير است .

سالنامه « کابل »

و فقط درین اواخر از توجه حکومت متبوعه ما انواع درختان شمر و غیر آن در آنجا از قندهار و کابل و هرات نقل داده شده که امید است به زودی در تمام حصص مذکور انتشار پیدا کنند .

اشجار سابقه را بیشتر در ختین توت تشکیل داده است و تاک و غیره میوجات لطیف از سبب سیاه باد کمتر بعمل میآید .

دشت بکواه مملو از بته های خود رو منجمله پوشیده از نرگس دشتی و گیاه تیولیان یعنی زنبق خود رو و غیره است . و در اوائل بهار لاله نیز در آن بکشرت میروید .

چخانسور و سیستان مرکب از اراضی حاصل خیز وسیع دشتی است که برای زراعت پنبه کمال موزونیت را دارد و بتوجه حکومت خیر ما اکنون دامنه زراعت پنبه در آن علاقه وسعت یافته تخم پنبه بز مینداران بقسم را بگهان تقسیم میشود . نباتات چخانسور بیشتر ، نباتات خود روی وحشی است . از قسم اشجار ، درخت گز بسیار زیاد است و برای ساختمان خانه های چوبی مخصوص مردمان چخانسور و هم برای سوختاندن بکار می رود .

حصص مغربی افغانستان

شهر هرات :

ارتفاع شهر هرات ۸۰۰ متر است ، زمستانش به نسبت زمستان کابل قدری ملایم تر بوده برف زیاد نمی بارد ، و برف به زودی آب می شود . هرات آب کافی دارد و منبع اکثر جویهای مزارع آن هری رود است . بادشیدی دارد که با وجود نقائص جزئی برای آب و هوای هرات فوائد زیاد می رساند ،

نباتات مشهور افغانستان

لاکن برای وفور آب باید که باران در اوائل بهار زیاد باشد ورنه مقدار آب متوسط خواهد بود، هرات محدود از کوه ها و تپه ها است.

در کوه های هرات انواع متعدد اشجار جنگلی موجود است مثلاً بادام کوهی و سیاه چوب که از آن شبر خشت بعمل می آید. در اراضی قابل الزراعة هرات درخت زرد آلو و بادام و انار و آلو بالو و ناک و توت شمر می آید، اقسام اشجار غیر شمر مثلاً بید و چنار و ناچو که بعد از زیارت حضرت خواجه عبدالله انصار علیه الرحمه يك عدد زیاد آن موجود است نیز دیده می شود. از قسم غله جات گندم و جو و جواری و ارزن کاشته می شود.

قسم گندم زعفرانی و شانازی هرات مشهور است و قد گندم زعفرانی بيك متر میرسد. زراعت تریاک و پنبه نیز میشود و سبزی جات آن کلم و کدو و سبزی پالک و کرم و زردک و تراپیزک و لبلبو و غیره است.

علاقه باد غیسات :

بسمت مشرقی و مغربی و شمالی آن تپه ها و دره های خاکی است که اکثر آن سرسبز است. آب حصه باد غیسات فراوان است لکن در بهار بعضی اوقات قلت پیدا می کند. کندن کنار یز بنا بر خاکی و نرم بودن اراضی نواح مذکور ممکن است و نتیجه خوب میدهد، لکن زمین چون شوره دارد آب آن نیز شور مزه میباشد. برف میبارد لکن به زودی ذوب شده مدت زیادی دوام نمی کند؛ چنانچه تصور شد بسمت مشرقی و مغربی و شمال باد غیسات تپه های متعددی است که بالای آنها درختان غلوی پسته

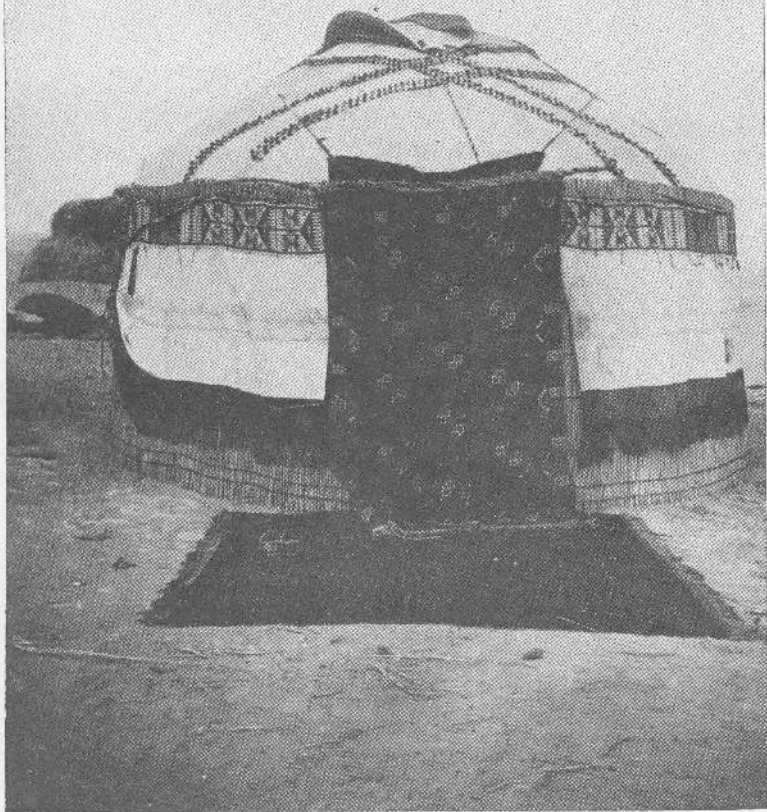
سالنامه « کابل »

دیده می شود ، زراعت گندم وجو و فالیز کاری خربوزه و تربوز هم در نقاط خالی از جنگل تپه های مذکور می شود ، اراضی بادغیسات چون از مخلوط خاک رست (رس) وریگ عصر جدید زمانه ثالث (نثوئن) تشکیل یافته لهذا برای زراعت خیلی مستعد و قوی است . در میان دره های حدود بادغیسات که اهالی در آن مسکن ندارند نیز درختان پسته یافت می شود .

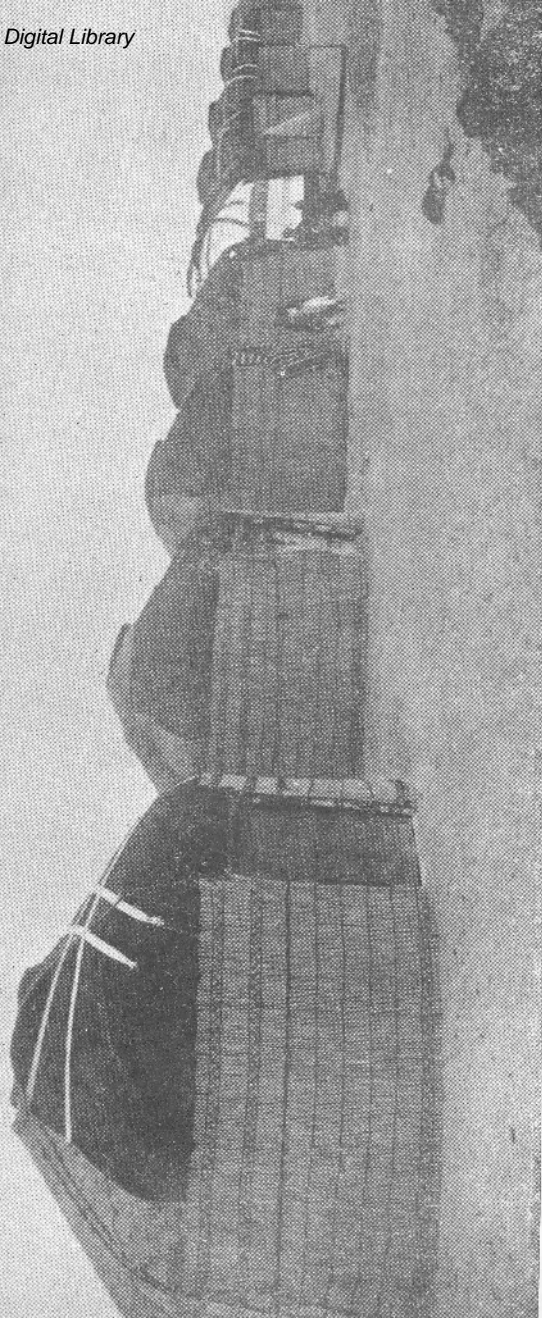
اهالی بادغیسات که در دره های شاداب جا گرفته اند اکثر بنا بر وفور چرا گاهها و علف زارها به تربیه حیوانات زیاده ترشغل داشته به نهال شانی و باغبانی چندان توجه ندارند ، با آنها هم به زراعت گندم وجو و بعضی اقسام سبزی جات نیز میردازند ، درخت زردآلو و بادام و ناک و انگور و توت و انار نتیجه خوب میدهد . بسمت جنوبی بادغیسات هرات ، تپه ها و کوه های زیاد است که در آن جنگل های مهم ارچه دیده میشود ، در میان دره ها بقرب مجراهای آن اهالی مسکن گزیده باوجودی که اراضی جاهای آن خیلی مستعد بوده زراعت انواع نباتات و درختان میوه دار ممکن است تنها به زراعت گندم وجو و فالیز کاری و کمی کونکار مشاغلت میورزند .

مرغاب :

اطراف و نواحی مرغاب دارای هوای معتدل و آب فراوان است ، لاکن باوجود زیادتی آب اراضی مزروعی آبی آن کم است و آب بی فائده صرف میشود . علاقه مرغاب اکثر سنگ زار یعنی کوهی است و بنام سربیل و دوزق دره وقریه ینبرک و لاله بای موسوم اند . همه محلات فوق الذکر دارای اشجار پسته و ارچه و سیب و ناک و بادام و غیره اشجار جنگلی بوده ، طول حصه



خر گاه یکی از کلان شوندگان قبا ئل شمالی افغانستان
La tente d'un des chefs des tribus du nord d'Afghanistan



جيات قبا ئل صفحات شمالی افغانستان در دشت

La vie des tribus du nord d'Afghanistan dans la plaine

نباتات مشهور افغانستان

جنگل مذکور از سریل تالاه بای تخمیناً ۱۵۰ کیلومتر است. در ناحیه پنیرك بعضی اقسام نبات طبعی مثلاً کلبوره و بودینه کوهی که افغان های آن ناحیه آن را (شمشویی) مینامند و دیگر نباتات طبعی بکثرت پیدا میشود. دو نبات طبعی فوق الذکر برای هاضمه خیلی مفید است. در نواحی حکومت مرغاب گندم و جو و کونگار و اقسام سبزی جات و اشجار شمر مثلاً تاک و درخت زرد آل و بادام و انجیر و انار و سیب و بهی و آلو بالو و غیره نتیجه خوب میدهد و اهالی نیز اقسام اشجار مذکور را غرس نموده اند. زمین نواحی مرغاب برای زراعت اشجار شمر و سبزی جات مستعد است. نواحی شهرهات خصوصاً از حیث جنگلهای بسته خیلی مهم است بنا بر این بالای جنگلهای بسته هرات بطور مفصل تر ذیلاً معلومات خود را تحریر میدارم :-

جنگلات بسته باد غیسات :

جنگلات مذکور سه محال مربوط باد غیسات واقع است : قلعه نو و کَشَك و مرغاب. بزرگی درختان بسته نقاط مذکور به بزرگی بادام میرسد و دانه های بسته ضخیم و در وقت پخته شدن خندان میشود.

۱ - جنگل بسته قلعه نو :- بطرف شرق جنگل مذکور دریای مرغاب و ننجیرستان و بطرف غرب آن خواجه چکاب و سر قول از بك و یکجسه سرحدی فاصل خاک دولتین افغانستان و شوروی واقع است ، بطرف شمال جنگل مذکور علاقه چنگورک و چاه اشکه و سنگه خاک بیر زال و دهانه آ بشاره است که مربوط حکومت قلعه نو و همجوار سرحد میباشد .

بطرف جنوب آن علاقه تکاب مقر و چشمه دزدک و دهنه کته قول و آب کمری و فریه هده و کوك چابله دیده می شود .

سالنامه « کابل »

مسافت جنگل پسته قلعه نو شرقاً غرباً تخمیناً ۲۰۰ کیلو متر و از شمال تا جنوب ۱۰۰ کیلو متر است. از مسافت طول و عرض مذکور دانسته می شود که جنگل مذکور چقدر سطح و سبزی را مالک است و از حاصل گرفتن اصولی پسته و بزغنج آن چه منفعت بزرگی بوطن غاید میگردد. حفاظت جنگل مذکور و جلوگیری از قطع و خصوصاً سوختاندن درختان آن یکی از وظائف بزرگ ملی ساکنین مذکور بشمار میرود تا با توجه حکومت محلی در حفظ و تزئین جنگلات مذکور کوشش نمایند.

۲ - جنگل پسته مرغاب :

شرقاً به تنگاب عالم مربوط حکومتی مرغاب و غرباً به پنج آب و دریای مرغاب و جنوباً و در یای مرغاب اتصال داشته و شمالاً متصل است به تخت خاتون قلعه و قلم بلاق که همجوار خط فاصل حکومت مرغاب و مینه میباشد و جنوباً به بند لاله بای مرغاب اتصال دارد. مسافت جنگل پسته مرغاب از شرق تا غرب تقریباً ۲۰ کیلو متر و از شمال تا جنوب تخمیناً ۷۰ کیلو متر است.

۳ - جنگل پسته علاقه دارای گلران : - علاقه دارای گلران مربوط حکومت کشک و وسعت جنگل مذکور متوسط است. جمیع نقاط علاقه دارای گلران جنگلی بوده مگر مع الاسف بعضی جاهای آن را در وقت انقلاب قطع و اراضی آن را بزروعات گندم و قلیز که (دیمه) نامیده می شود تبدیل نموده اند. از چکاب تا آب باریک تخمیناً بقاصه ۳۰ کیلومتر جنگل را بدیمه تبدیل نموده اند. در جنگل پسته مرغاب علاوه بر درختان پسته، درخت سیب و ناک و بام و ارچه و سرو و غیره نیز موجود است. اسباب تخریب جنگل نواحی هرات چند چیز است : - اول خود اهالی بکحصه جنگل را برای محروقات خود

نباتات مشهور افغانستان

قطع میکنند. باز هم اگر درخت را بقدرچند سانتی متر بالای زمین توسط اره قطع کنند خسارهٔ زیاد بچنگل عاید نخواهد شد زیرا که از نقاط مقطوع نوده های جدید سر زده هر کدام بعد از چندی درختی خواهد شد. لاکن عموماً در نواحی چنگل، درختان را کاملاً از بیخ میکشند و زمین را بتجاره تبدیل میکنند. واسطهٔ دوم ضیاع جنگلهای پسته، حیوانات اهالی است که نوده های خورد شاخچه های بیخ جوش را بدندان قطع میکنند. اهالی به حفاظت جنگلهای پسته میلی ندارند و به غرس اشجار منفر مثلاً سیب و ناک و غیره نیز شوق نشان نمیدهند. اگر هر سال اهالی یکمقدار پسته را بزمین بیفشانند چقدر برای خودشان و وطن نتایج نیک حاصل خواهد شد.

در دشتهای هرات نباتات خود روی طبیی و غیر طبیی از قبیل نرگس و حشی و زنبق کوهی و بنه شتر خرو و ساجق و غیره بکثرت میروید.



ورزش و تربیه بدنی

مہضت سپورت در افغانستان

ارسالی جناب محمد یعقوب خان کند کشمر

مثنی انجمن الملیک

سپورت که فوائد یشمار آن بهمگان آشکار است از چند سال بایطرف بایک ترتیب خوب و اصول صحیح در جریان افتاده نه تنها دستہ طلاب و شاملین صنف عسکری بآن مشغول گردیده اند بلکه تمام مامورین و زارات و حتی از صنوف غریب یشہ نیز بآن ممارست پیدا نموده اند ، چنانچه میدان های متعدد سپورت در هر گوشه و کنار مملکت احداث گردیده و عصرها هزارها نفر بایک شطارت و ذوق مخصوص بہ سپورت مداومت دارند .

در اثر ذوق اهالی و توجه مخصوص دولت ، سپورت در تمام مملکت تعمیم یافته و بالاخرہ موسسہ بنام انجمن ملی او ملیک در تحت سرپرستی اعلیحضرت المتوکل علی اللہ و ریاست ع ، ج ، ا ، ا ، نشان و الاحضرت وزیر صاحب حربہ ازسہ سال باینطرف درکابل تشکیل و شعبات آن در صنوف عسکری و غیرہ دایر گشته است .

نهضت سپورت در افغانستان

این انجمن از بد و تاسیس خود پیشرفت شایانی نموده و ورزش کاران آن در بازیهای سپورتی جشن استقلال وطن و تورنمنت های داخلی ، و اعزام تیم مجودیه بغرض بازی فوتبال در هند و آخراً هیئت اولمپیک در بازیهای اولمپیک یا زدهم بین المللی که در برلین انعقاد یافت بموجب دعوت کومیته اداری بازیهای اولمپیک شامل گردید و علاوه ازان هیئت اولمپیک افغانی غیر از آلمان در ممالک مختلفه اروپا دعوت شده و بیازیهای مختلفه با تیم های سپورت اروپائی داخل مسابقه گردیده که اینک تفصیل آن ذیلاً ذکر میگردد :

هیئت اولمپیک افغانی که بغرض شمولیت در بازیهای اولمپیک در آلمان اعزام شده اند اسامی شان اینست :

رئیس هیئت : ع ، ص شهزاده محمد یوسف خان رئیس تربیه حیوانات
منشی و منتظم هیئت : ش . محمد یعقوب خان کند کمسر سکرتر اداری
انجمن اولمپیک .

اعضاء :

ص ، عبدالواحد خان ترجمان زوارت حریره .
ش ، ظهیر الدینخان مدیر کلوب عسکری .
ش ، محمد اعظم خان معلم مکتب رشدیہ حریره
ص ، فاروق شاه خان معاون ریاست تربیه حیوانات
غ ، خان محمد خان تولیمشر فرقه شاهی
جناب جمال الدین خان معلم
« شجاع الدین خان »

سا لنامۀ « کابل »

جناب محمد آصف خان متعلم

» سعادت الملوك خان

» سلطان محمد خان

» سيد محمد ايوب خان تاجر

» عبدالغفار خان كاتب تعميرات وزارت حربيه

ب، نوروز علي خان بلو كمشر وزارت حربيه

» فضل حسين خان بلو كمشر منتظم كلوب عسكري

» سيد علي بابا خان بلو كمشر احتياطي وزارت حربيه

جناب سيد علي عطاء خان از افراد فرقه اول قول اردوي مرگزي

اين هيئت كه اسامي شان در فوق ذكر شد بتاريخ ۱۲ حمل ۱۳۱۵ از كابل حركت نموده و مدني بفرس مشق و تمرين در پشاور توقف ورزيده بعد از ان عازم اروپا گرديده اند. در همد ييش آمد خوبی باهيئت مذ كوره شده و همچنين حين ورود در پاریس از طرف هيئت استقباليه انجمن هاكي فرانسه و نماينده انجمن بين المللي هاكي پذيرائي شده اند.

هيئت انجمن اولمپيك افغانی در پاریس ۹ روز توقف ورزيده و درين مدت سه دفعه يازي اشتغال و ورزيده اند كه يكي آن در شهر ليل و دوی آن در خود پاریس بوده است. و درين سه مسابقه دوی آن بنفع فرانسه و يكي آن بغالبيت تيم افغانی تمام شده است.

از فرانسه هيئت افغانی وارد پراگ مركز چكوسلواكي شده و ۲۶ روز در آنجا توقف ورزيده و درشش مسابقه شوليت ورزيده اند. هدر دو مسابقه مساوی و در چهار مسابقه ثانی تيم افغانی موفق و غالب شده است.

نهضت سپورت در افغانستان

در حین توقف در پراگ تیم افغانی در دریسیدن آلمان دعوت شده و با تیم دریسیدن نیز مسابقه نموده در نتیجه هیچکدام موفقیت برد دیگری حاصل نکرده اند . تیم اولمپیک افغانی از پراگ به وین (مرکز استریا) حرکت نموده و در آنجا دوشب اقامت داشتند . در اینجا در مسابقه ها کمی بر تیم و یا نه تیم افغانی غالب آمد . پس از اینجا بسویس عازم شدند در آنجا مسابقه بنفع تیم سویس تمام شد . از سویس به آلمان حرکت کردند در شهر ما تر ، بین تیم افغانی و تیم ما تر مسابقه بعمل آمده و در نتیجه هیئت افغانی بر تیم ما تر غالب آمدند . تیم افغانی غیر از ما تر در دیگر شهرهای آلمان نیز بمسابقات پرداخته است از این قرار :

کریس ناخ ، کولن ، میان ، لایزبگک ، میگدا برگک ، گورلیتس ، اولم ، و ارمتر ، ارفورت ، هانور ، همبرگک ، شتاو ، برین .

قبل از انعقاد مسابقات اولمپیک ، هیئت افغانی بموجب دعوت هالند به هالند رفته و در آنجا هشت روز توقف داشتند . در مدت هشت روز ۲ مسابقه بین تیم هالند و تیم افغانی اتفاق افتاده و بنفع تیم هالندی انجام یافته .

از هالند دوباره به آلمان مراجعت کردند . طرز پذیرائی خیلی دوستانه و قابل تماشا بوده است چنانچه هیئت اولمپیک افغانی کمال رضایت دارند .

بروز ششم افتتاح اولمپیک ، مسابقه اول هیئت افغانی باتیم دنمارک بعمل آمد در نتیجه طرفین ۶-۶ گول نموده و بازی مساویانه تمام شد .

دو روز بعد آن مسابقه باتیم آلمانی بعمل آمد . هیئت افغانی مغلوب گردید اما در مسابقه که باتیم بلجیم نمودند تیم افغانی ۱-۰ بالای بلجیم غالب شد . کذا

سالنامه « کابل »

تیم امریکارا نیز ۳- مقابل صفر مغلوب نمودند .
در نتیجهٔ بازیهای اولمپیا افغانستان درجهٔ پنج یافت و نسبت باین موفقیت از طرف رئیس انجمن هاکی المان یک کپ (۱) پال لیوتی به انجمن هاکی افغانستان اعطاء گردید .

در تور نمث ها کی ۱۳ ملل مختلفه شرکت نموده و نمره هائیکه حاصل نمودند باینقرار است : هندوستان نمره ۱- المان نمره ۲- هالند نمره ۳- فرانسه نمره ۴- افغانستان نمره ۵- هشت ملل دیگر اینها هستند : جاپان ، سوئیس ، دنمارک ، اتازونی ، بلجیم ، اطریش ، هنگری .
در عموم بازیهای اولمپیک آلمان درجه اول و اتازونی حایز درجه دوم گردید .
بعد از ختم اولمپیا ، هیئت افغانی بموجب دعوت انجمن برطانوی (کاونسل) به لندن رفته و هشت روز در آنجا اقامت ورزیدند و درین مدت سه دفعه مسابقات بملی آمده در یکی غالب و در دو مغلوب شدند .

سیس از لندن عازم وطن شده و در قاهره با تقری عسکری بریطانیا داخل در دو مسابقهٔ ها کی شده و در هر دو تیم افغانی غالب گردیده است . و در پورت سعید نیز تیم افغانی با کلوپ بین المللی آنجا داخل در مسابقهٔ ها کی شده بالای کلوپ مذکور تیم افغانی ۱۱ مقابل صفر غالب آمد . کذا در پورت سعید در مسابقات تینس و بلیارڈ نیز تیم افغانی موفق بغالبیت گردیدند .

تیم اولمپیک افغانی بعد از شش ماه مسافرت و افس بوطن مراجعت کرده و نسبت باین موفقیت که حاصل نموده بودند مورد تقدیر و احترام عمومی واقع

(۱) کپ : جام ظفر .

نهضت سیورت در افغانستان

شدند . زیرا درینمدت تیم مذکور داخل درچهل و پنج مسابقه شده و ازانجمله در بیست و نه مسابقه غالب و در یازده مغلوب و در پنج مساوی مانده اند . البته کسانیکه تاریخ سیورت و نهضت آنرا درافغانستان میدانند این موفقیت تیم اولمیک افغانی را بسی تقدیر و تمجید خواهند نمود .

اعزام تیم (محمودیه) بغرض فت بال در هند

بقرار تصویب انجمن ملی اولمیک افغانستان تیم محمودیه بتاريخ ۱۷ جدی در تحت اداره عالیقدر محمد فاروق خان معاون منشی انجمن المیک عازم هند گردیده و مصارف هیئت تیم محمودیه را که در « پشاور ، لاهور ، جالندهر ، پتیاله ، لدهیان ، دهلی » و دیگر بلاد مشهور هند بازی کرده اند اعلیحضرت همایونی از پول شخصی خود پرداخته اند . نتیجه مسابقات هیئت افغانی در هند ازین قرار است :

تیم افغانی	مقابل	افغان کلب پشاور	۱-۱ مساوی
»	»	ایدورد کالج	۱-۳ غالب
»	»	اسلامیه کالج	۴-۱ مغلوب
»	»	چیفس کالج لاهور	۰-۳ غالب
»	»	اسلامیه کالج	۲-۱ مغلوب
»	»	گورنمنت کالج	۱-۲ غالب
»	»	ایف سی کالج	۱-۱ مساوی
»	»	دی ای وی کالج	۰-۲ غالب
»	»	تیم منتخبه جالندهر	۲-۱ مغلوب

سالنامه « کابل »

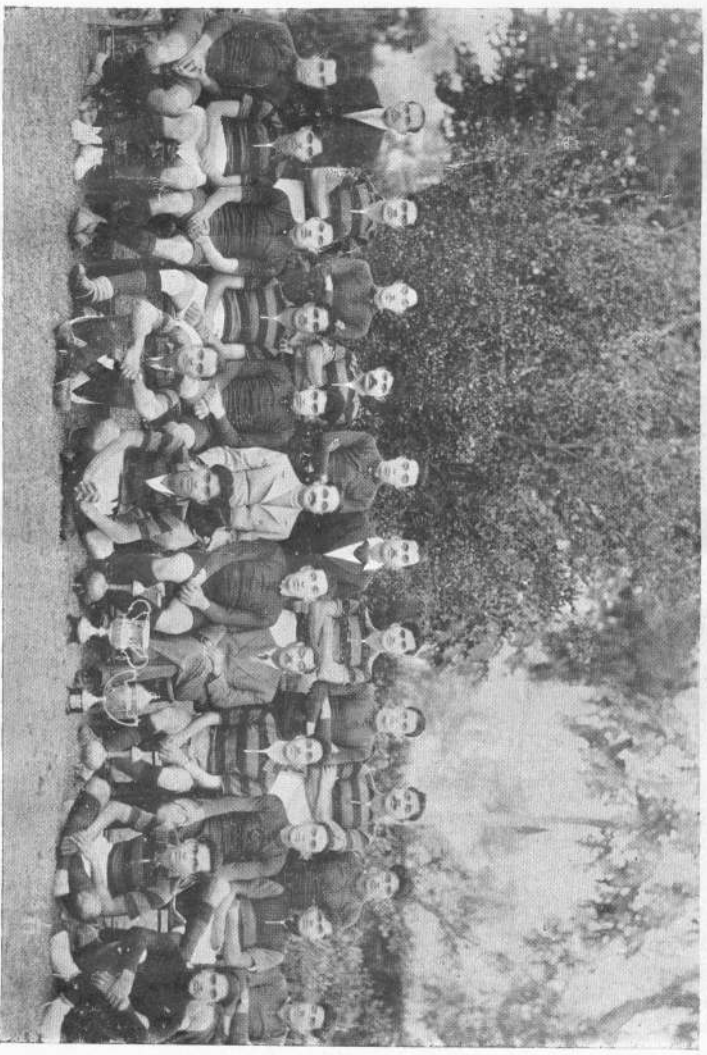
تیم افغانی مقابل تیم منتخبه لدهیانه ۲-۰ غالب
» » » » » دارالعلوم دهلی ۲-۱ غالب

تور نمنت های داخلی

امسال تور نمنت شاه محمود در بازی هاکی در میدان سپورت کلوب حریه بار سوم بعمل آمد ، ماسوای تیم های قطعات مختلفه عسکری ، معارف ، مکتب حریه ، یک تیم از فرقه غزنی نیز در تورنمنت مذکور شمولیت داشت . تیم قول اردوی مرکزی کابل در تور نمنت ، سوم دفعه موفق به درجه اول گردیده و این موفقیت او قابل تمجید است .

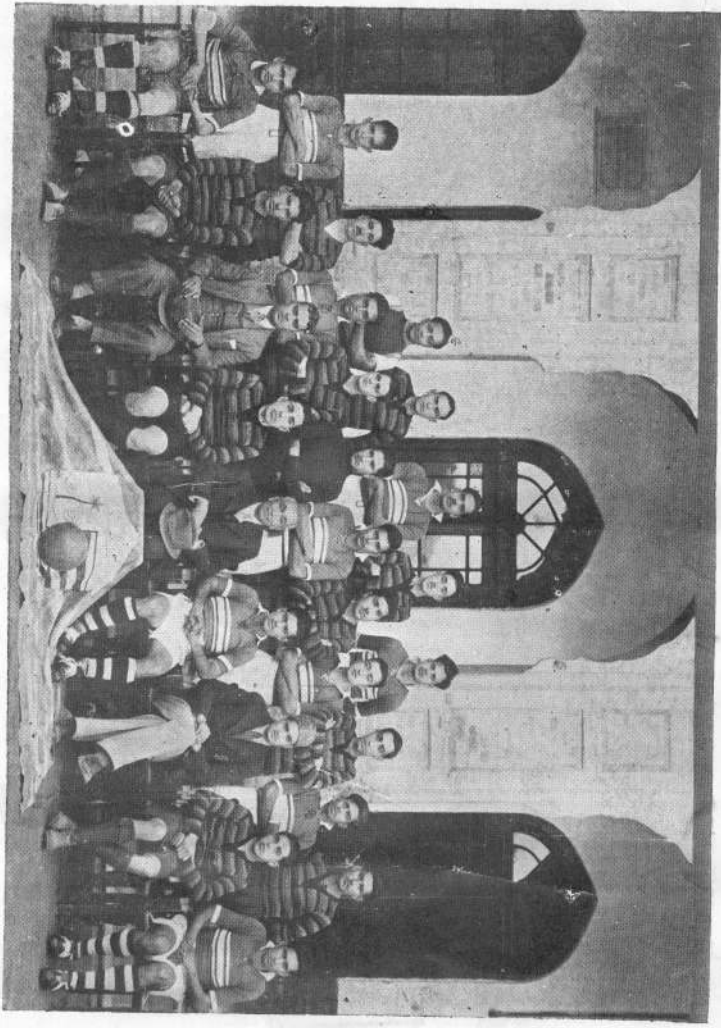
در جشن استقلال

در جشن سال هفدهم استقلال رسم گذشت پرشکوه از ورزشکاران افغانی بحضور اعلیحضرت همایونی و عموم وزرا و طبقت اهالی به نهایت انتظام و فشنگی بعمل آمده و مورد تقدیر از خود و بیگانه واقع شدند . حقیقتاً منظره پرشکوه و لطیف این روز ، نهضت سپورت را در افغانستان آشکار ساخته و دلها را بی اختیار سرور و فرحت میبخشید . ما از خداوند متعال در زیر سایه اعلیحضرت همایونی ترقی این رشته را نیز خواستار بوده و طول عمر اعلیحضرت ترقیخواه خود را از خداوند مسئلت مینمائیم تا در هر باب در انظار از خود و بیگانه ملت افغان آبرو مند باشد .



ورزشکاران افغانی در هند، تیم اولیٹک فٹ بال افغانی همراه تیم منتخبہ اسلامیہ کالج لاہور
 Le team olympic afghan avec les footballistes d'Islamia College à Lahore (Indes)

۸



ورزشکاران افغانی در هند ، تیم اولیایک فت بال افغانی همراه تیم منتخبه شهر جا لنده
Les footballistes afghan avec les footballis'es de Djailnhar (indes)

پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

بقلم سید قاسم رشتیا مهتم سالنامه

برهیچکس پوشیده نیست که دردناک‌ترین امر روز اقتصادیات مقام بسیار بزرگی را در حیات ملل و ترقی سوئیة مدنی جوامع بشری اشغال کرده ، اساس تمامی پیشرفت‌های مادی و معنوی جهان بسته به چگونگی اوضاع اقتصادی آن میباشد. بلی در هیچ قسمتی نیست که این عامل مهم ربط و تأثیری نداشته باشد. ازینجهت است که ملل عالم باسرگرمی فوق‌العاده و علاقه مندی روز افزونی بسوی بهبود و ترقی اقتصادیات خویش متوجه گردیده درین راه همه‌گونه مساعی را بخرج میدهند و سر چشمه تمام سعادت و بختیاری حتی منبع قوت و ظفر مندی را در آن میدانند . اقتصادیات عموماً به سه قسمت عمده منقسم گردیده و در سه شکل علیحده و مشخص عرض اندام میکند : تجارت ، فلاحت ، صناعت . هر یکی از این اجزای سه‌گانه اقتصاد اگر چه بذات خود یک شعبه بسیار بزرگی را تشکیل داده قسمت عمده فعالیت بشری در آن مرکز می‌باشد ولی در عین حال یکی با دیگر خود ربط زیادی داشته‌اند و متمم هم بشمار می‌روند. و بنابراین هرگاه در یک مملکتی هر سه شعبه متذکره فوق یعنی تجارت ، فلاحت و صنائع روبرقی باشد ، حتماً آن مملکت بشاهراه ترقی و تکامل سراسر است بوده ، روز بروز بد ارج بلندتر پیشرفت و بختیاری خواهد رسید و البته بالعکس آن بالعکس است . اما این نعمت عظمی که عبارت از وجود بودن هر سه اجزای اساسی اقتصادی در یک مملکت باشد ، نصیب تمام ممالک نبوده ، یک مملکت اگر برای یکی از شعب سه‌گانه فوق

سا لنامه « کابل »

مساعد باشد ، برای اجزای باقیمانده مزبور مساعدت نمیداشته باشد . بلکه يك علاقہ برای زراعت و فلاح خیلی استعداد داشته بالمقابل صنعت در آن از سبب عدم وجود مواد خام امکان ترقی را ندارد و بالعکس منطقۀ دیگری دارای منابع طبیعی و معادن و مواد خام کثیری بوده اما فاقد اراضی زراعتی میباشد و یا بالاخره با وجود داشتن مواد خام و استعداد زراعتی موانع طبیعی و غیر طبیعی در راه ترقی تجارتش واقع بوده ، هر قدر سعی میکند برای پیداوار خود بازارهای فروش مناسبی نمی یابد مثلاً ممالکی که در دور و بیش او واقع میباشند از همان اجناس پیداوار او بکثرت داشته ، احتیاجی به خریداری اموال مملکت مذکور نمیداشته باشند و فرستادن پیداوار مذکور بمالک دورتر از لحاظ مسافت زیاد و مشکلات حمل و نقل و غیره ، پرخرج و مشکل میباشد . ازین رو در دنیا خیلی کم ممالکی وجود دارد که از این هر سه نعمت بدرجۀ کافی برخوردار بوده ، هم در زمینۀ زراعت و فلاح اراضی مستعدی را دارا و هم از جنبۀ صناعت مواد خام لازمه را مالک و هم از رهگذر تجارت حائز تمام شرایط مطلوبه باشد . حقیقۀ این طور ممالک را باید ممالک (ممتاز) و (برگزیده) نامید . خوشبختانه افغانستان عزیز ما تمام معنی یکی از این ممالک ممتاز یا برگزیده بشمار میرود و حضرت خداوند جل و علی شانه در ردیف بسانعت های مادی و معنوی که باین خاک عطا کرده ، شرایط اقتصادی آن را نیز امتیاز خاصی بخشیده است . زیرا طوریکه بچشم سمری بینیم علاوه از آنکه وطن محبوب ما در بهترین حصۀ منطقۀ معتدله واقع و دارای ساختمان کوهستانی و آب و هوای لطیف و گوارا و آب های جاری فراوان و اقسام اراضی مختلف الشرایط و بالجمله تمامی صفات و خواص لازمه يك منطقۀ آباد و بختیار میباشد ، مخصوصاً برای پیشرفت و ترقی هر سه شعبۀ

پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

اقتصادیات یعنی زراعت، صناعت و تجارت بقدر دلخواه مستعد است. درین قسمت گمان می‌کنم ارائه هیچ دلائلی لازم نباشد. چه جلگه‌های سرسبز و دره‌های شاداب و دشتهای وسیع و دریا‌های متعدد و چشمه‌های فراوان و آب و هوای معتدل افغانستان که لازمه ترقی و توسعه زراعت و تربیه مویشی است، با منابع طبیعی دست نخورده و معادن بیشمار بیکه کار آمد پیشرفت صنایع می‌باشد و بالاخره موقعیت جغرافیائی ممتاز افغانستان و تماس دا شتتش باعلاقه جاتیکه در شرایط پیداوار کاملاً با او مغایر هستند و با لجمله پیداوار خاص و نادر الوجود آن در نزد هیچکس مجهول و قابل انکار نمیباشد. پس با این شرایط اگر استعداد و آمادگی ملت افغان را نیز بآن بیفزائیم بجز نت میتوانیم ادعا کنیم که وطن عزیز ما از همه جهت برای پیشرفت و ترقی بیش از هر مملکتی مساعدت داشته جلگی عوامل ترقی و تکامل دران موجود و مهیا میباشد و دیری نخواهد گذشت که این مملکت به یاری خداوند متعال و مساعی فرزندان لائق و رجال بهنجوا خود در شاهراه ترقیات مدنی و پیشرفت‌های مادی و معنوی سرراست و بقدمهای سریع و متینی بسوی شاهد سعادت و بختیاری که درخور آنست گامزن خواهد شد انشاءالله تعالی.

آنچه این آینده درخشان وطن عزیز ما را بیش نظر مجسم میسازد، همانا توجهات و مساعی است که خوشبختانه از چند سال باینطرف در اثر نظریات و طنخواهان حکومت متبوعه و حسن استقبال و همکاری ملت افغان، در تمام امور مملکتی با لخاصه در شعب اقتصادی مبذول گردیده و میتوان گفت که از حال افغانستان عزیز وارد يك مرحله نهضت جدید و بی سابقه گردیده است. چنانچه شواهد این نهضت جدید اقتصادی را ذیلاً بطور خلص از نظر خوانندگان عزیز

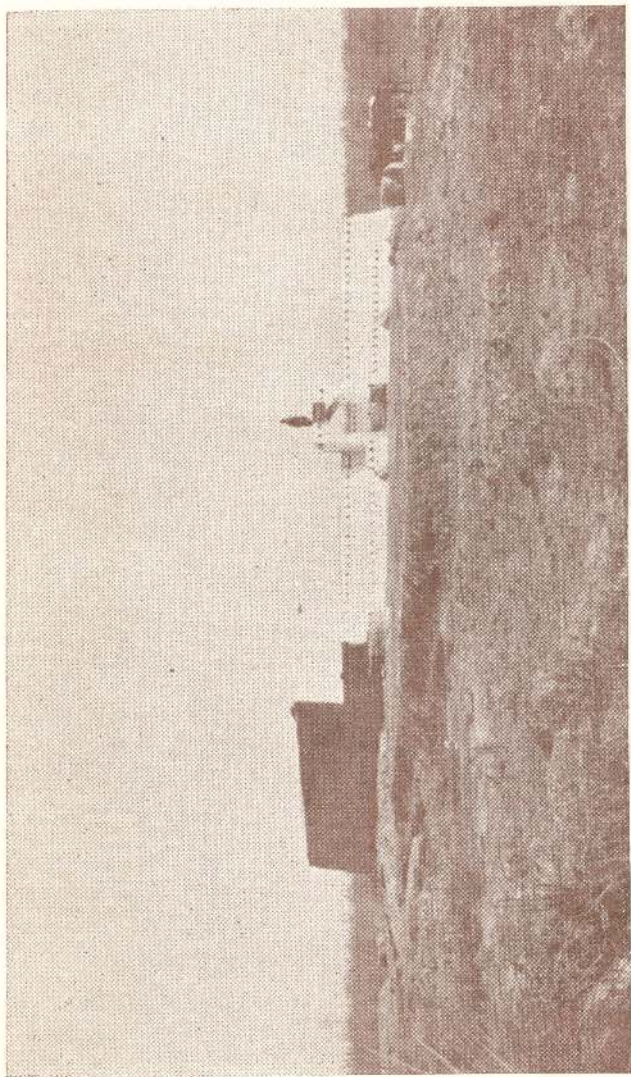
سالنامه « کابل »

گذارش خواهیم داد. واقعاً اگر انسان يك نظر سرسری بطرف حالت چند سال قبل افغانستان و با لخاصه او ضاع اقتصادی آن بیندازد و چگونگی حالات امروزه را با سابق مقایسه نموده ، فرق وارده را پیش نظر خود خود مجسم نماید ، بخوبی فهمیده میتواند که حقیقه اجرای چنین يك تغییر بزرگ و عمده در بین قدر يك مدت کوتاه آنهم در ضمن قلت وسائل ، زحمت و فعالیت مخصوصی را ایجاد کرده و عاملین این نهضت نو و بی سابقه حقیقه قابل تحسین و در خور هر نوع ستایش میباشد .

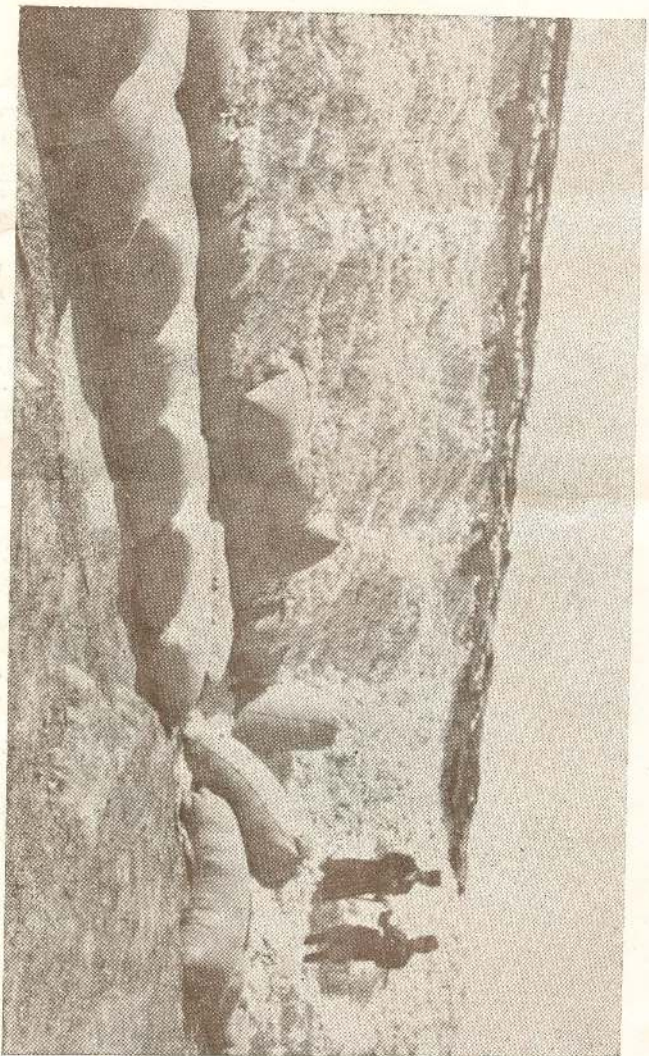
علی‌ای حال ، بر ویم بسوی مطلب خود مان که عبارت از معرفی و تشریح پیشرفتهای اقتصادی اخیر افغانستان میباشد ، برای این مقصد اولتر از همه لازم است که برای خاطر نشین ساختن مطالب خود همان تقسیمات سه گانه اقتصادیات را که عبارت از فلاح ، صنعت و تجارت است ، اساس قرار داده هر شعبه را علیحده با تطورات و ترقیات آن تدکار نمائیم ،

الف : در رشته فلاح :

افغانستان طوریکه در بالا اشاره کردیم يك مملکت زراعتی است که زمین های وسیعی را مالک بوده ، اگر در طرز آبیاری و استفاده از رودخانه ها و چشمه های فراوان آن مطابق اصول امروزه و کار گرفتن از وسائل جدید و فنی ، اقدامات بعمل بیاید ، اراضی وسیعی مستعد زراعت و پرورش مواشی خواهد شد و تقریباً تمام زمینهای مملکت قابل کشتندی و استفاده خواهد گردید . از اینست که از بد و جلوس مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت محمدنادرشاه غازی فقید ، را جمع ، ایجاد بند ها و کشیدن نهر ها توجه مخصوصی مبذول گردیده در ظرف ۷ سالیکه از آن عصر منقضی شده یعنی در ۴ سال سلطنت



نمونه تپانه های سرحدی در نزد پلکدر پای آمو (تپانه یکه توت در ولایت قطنن و بدخشان)
Types des postes militaires nouvellement construits au bord de l'Amou-Daria
(*prov. de Kataghan-Badakhichan*)



کدام پنبه در ولایت قباطن و بدخشان که مخصوص صادرات است
Transactions de coton pour l'exportation (Prov. de Kataghan-Badakhchan)

بیشرفتهای اقتصادی افغانستان

اعلیحضرت شهید و ۳ سال فرمانبر مائی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در سر تاسرافغانستان (۷) بندجدیدتعمیر و (۲) بندسابقه اصلاح و تکمیل گردیده است که اکثر آنها بپایه تکمیل رسیده و باقی تحت کار بوده تا ۳-۲ سال دیگر خاتمه خواهد یافت و مجموعاً (۶۴۵،۰۰۰) جریب (۱۳۰،۰۰۰ هکتار) زمین را جدید مزروع میسازد. علاوه برین (۵) نهر جدید در قسمتهای مختلفه وطن عزیز ما حفر و احداث شده که روی هم رفته نهرهای مذکور نیز قابلیت مشروب ساختن (۳۵۰،۰۰۰) جریب (۷۱،۰۰۰ هکتار) زمین را دارا میباشد که جمع کل زمینهای قابل الزرع جدید به (۹۵۹،۰۰۰) جریب (۲۰۱،۰۰۰ هکتار) زمین بالغ گردیده و اگر برای کاشتمندی (۵) جریب زمین نقر سنجیده شود، تمام این اراضی جدید الزرع روی هم رفته (۱۹۱،۹۰۰) نفر از اهالی وطن عزیز را مشغول کار و صاحب معیشت خواهد ساخت.

از طرف دیگر درین دوره برای تعدیل اصول زراعت بطرز عصری و اصلاح تربیه حیوانات، مؤسسات مهم از قبیل مکاتب زراعت و باغهای نباتات و مؤسسات تربیه حیوانات و نسل گیری تأسیس یافته و نیز برای ایجاد جنگلها و تعمیم نهال شانی و مشجر ساختن مملکت اقدامات بسیار جدی بعمل آمده که از اثر آن نه تنها مقدار کلی نباتات جدید در مملکت وارد گردیده بلکه در ظرف چند سال اخیر متجاوز از (۵۵،۰۰۰،۰۰۰) درخت جدید در سر تاسر مملکت غرس شده است که قسمتی از آن بصورت جنگل و باقی بصورت باغات و در اطراف راه ها و جاده ها و نهرها و غیره میباشد.

همچنین در قسمت تربیه حیوانات و تکثیر حیوانات مفیده و اصلاح و تعدیل نسل های حیوانات اهلی و حمایت حیوانات وحشی قابل استفاده،

سالنامه د کابل

درین دوره با اقدامات اساسی بعمل آمده که اگر به چند کله تمام آن را خلص کردن بخواهیم باید تذکار نمائیم که از برکت تدابیر اتخاذ شده ، درین ۷ سال اخیر تعداد حاصلات پوست قره کلی که مهمترین قلم صادرات مملکت و بزرگترین چشمه عوائد ملی مارا تشکیل میدهد ، سالانه از (۲۰۰،۰۰۰) به (۱،۰۵۰،۰۰۰) جلد زسیده - همچنین اجناس عالی حیوانات اهلی از قبیل گوسفند (سربنوس) « برای اصلاح پشم ، واسپها و گاوها و طیور مختلفه بمقصد نسل گیری از خارج وارد و بتعمیم آن که منجر باصلاح نسل حیوانات افغانی میشود توجه خوبی مبذول گردیده .

از طرف دیگر برای توسعه زراعت ینبه در سرتاسر افغانستان مساعی و تشویقات فوق العاده بعمل آمد حتی مقدار (۵۰۰،۰۰۰) سیر (۳۴۵۰) تن تخم ینبه اعلی (امریکائی) به زارعین مفت تقسیم شده و خوشبختانه زراعت ینبه که امر وزدردنیا یکی از ییادوار مهم و قیمت دار بشمار رفته خریداران زیاد دارد ، خیلی ترقی کرده و دامنه این ترقی بطور نامحدودی بسط و توسعه خواهد یافت . چنانچه قرار سنجشیکه بعمل آمده حاصلات ینبه سال ۱۳۱۶ بالغ بر (۵۰۰،۰۰۰) سیر (۳۴،۵۰۰ تن) خواهد شد .

ذیلاً موسسات فلاحتی را که درین عصر ایجاد و تاسیس و اصلاح و تکمیل یافته فهرست و ارقام می بریم :

الف بند ها :

- ۱ - بند قرغه - ۲ - زنه خان - ۳ - بند سرده - ۴ - بند مچلغو -
- ۵ - بند سرخاب - ۶ - بند خروار - ۷ - بند میمنه - ۸ - بند سراج غزنی - ۹ - بند یالتو .

ب نهر ها :

- ۱ - نهر سراج جلال آباد - ۲ - نهر سراج فند هار - ۳ - يك نهر

بیشرفتهای اقتصادی افغانستان

- در سمت غربی - ۴ - یک نهر در سمت مشرقی - ۵ - نهر خیر آباد مزار شریف .
- ج ۱ - مؤسسات اصلاح و تعدیل زراعت و تربیه حیوانات :
- ۱ - مکتب زراعت - ۲ - مؤسسه زراعت و تربیه حیوانات واقع
خواجه ملا - ۳ - مؤسسه تربیه حیوانات و نسل گیری واقع علی آباد -
- ۴ - باغ نباتات واقع رفقی سناتوریم - ۵ - مؤسسه بیله کشی .
- ب : در شعبه صنایع و فنون :

میتوان گفت که صنایع از مدت چند قرن به اینطرف در مملکت عزیز ما تقریباً بکلی مرده و نه تنها صنعت های قدیم که در ادوار تاریخی اسباب شهرت و افتخار افغانستان را فراهم ساخته بود ، بنابر عدم توجه مردمان تماماً از بین رفته و چندان اثری از آن باقی نمانده بود ، بلکه صنایع جدید نیز ابدأ وارد مملکت نشده یک تعداد مختصر صنایع ابتدائی که بحکم ضرورت روز مره باقی مانده بود هم بیک حالت بسیار ناقص و بصورت بسیار قدیمی بوده هیچ ارزش و استفاده صحیحی را ارائه نمیکرد - تا آنکه در تاریخ ۵۰ سال گذشته ، حکومت افغانستان برای بار اول به سوی صنایع جدید متوجه گردیده برای ایجاد بعضی کارخانه جات عصری جهت رفع حوائج مهمه دولتی و تأسیس صنایع مختلفه اقدام نمود و از اثر آن متدرجاً یک تعداد کارخانه جات اسلحه سازی و پشمینه بافی و چرمگری و بوت دوزی و بسته کاری و ضرابخانه و غیره در مملکت قایم و دایر گردیده پاره احتیاجات ملی ما را رفع نمود . اما نهضت حقیقی صنایع نیز در عصر موجوده پیدا شده و در ظرف هفت سال گذشته چندین کارخانه مهم و بزرگ مطابق جدیدترین اصول صنعتی و فنی در افغانستان وارد و اکثر آنها تکمیل و افتتاح گردیده و بعضی هم

سالنامه « کابل »

تحت کار میا شد و نیز بسا موسسات صنعتی دیگر در شرف ورود و تاسیس است که مهمترین موسسات صنعتی این دوره را ذیلا ذکر میکنیم :

۱ - : کارخانه بزرگ نساجی :

کارخانه بزرگ نساجی برای ساختمان پارچه های پنبه ئی که فوق العاده طرف احتیاج ما بوده سالانه متجاوز از (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی از سرمایه ملی برای آن بصرف میرسد - و این کارخانه بزرگ مشتمل بر (۲۰۰۰) دستگاه برقی بوده ، بعد از جربان ، تمام احتیاج اهالی وطن عزیز ما را در قسمت پارچه های پنبه ئی رفع کرده می تواند و برای خریداری این کارخانه شرکت بزرگی به - سرمایه (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی بنام (شرکت نساجی) تاسیس و از یکسال با بنظر خریداری این کارخانه از آلمان صورت گرفته و نیز برای تعمیر محل نصب آن در حصه بل خمری (در راه کابل و ولايات شمال) که حائز شرایط لازمه تدویر کارخانه برقی است اقدامات لازمه بعمل آمده - این کارخانه حقیقتاً یکی از مهم ترین موسسات عام المنفعه صنعتی و اقتصادی است که در افغانستان بوجود میآید و البته پس از جاری شدن آن که برای دو سال آینده در نظر است ، اقلأ مبلغ (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی سرمایه ملی که حاضراً صرف خریداری پارچه های پنبه ئی میشود بجهت ماباقی مانده برای دیگر اصلاحات و پیشرفت های وطن بخرج خواهد رسید .

۲ : کارخانه پشمینه بافی قندهار :

پارچه های پشمی در افغانستان از سبب سردی هوا فوق العاده طرف احتیاج بوده ، حاصلات پارچه های وطنی از قبیل کرک و برک و غیره برای احتیاجات تمام اهالی بهیچ وجه کفایت کرده نمیتواند - حتی کارخانه پشمینه بافی

بیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

قدیمی که ۳۰ سال بیشتر تا-یس یافته نه ازروی وسعت ونه ازروی قوت و فعالیت وجدید بودن بیچوجه حوائج ملی رارفع کرده نمی تواند، وازطرف دیگر اصول شستن و تهیهٔ پشم در مملکت ار قدیم بصورت ابتدائی بوده، علاوه از آنکه باوجود اعلی بودن پشم، پارچه های خوبی از آن ساخته شده نمی تواند، برای صادرات نیز پشم افغانی بصورت ناموزونی بار بندی میگردد. بنا بر این جهات بود که چند سال قبل یک کار خانه بزرگ پشمینه با فی خریداری و برای تاسیس آن در شهر قندهار که مرکز بزرگ پیداوار پشم است ترتیبات گرفته شده، اکنون کار خانه مذکور بپایه تکمیل رسیده و این کار خانه نه تنها همه قسم پارچه های پشمی را بافته می تواند بلکه اول پشم با شسته و شو کرده، سپس فشار داده بعد او تو کشیده نخ بافته، مطابق میل پارچه های مطلوبه را از آن می بافتد - گویا این کارخانه یک کارخانه مکملی است که از یکطرف تقریباً تمام احتیاجات اهالی وطن عزیز ما را در قسمت پارچه های پشمی و از مواد خام پیداوار خود مملکت رفع کرده از آن رهگذر مبلغ (۵۰۰۰۰،۰۰۰) افغانی را که سالانه طور اوسط برای خریداری پارچه های پشمی داده می شود، بجیب اهالی مملکت باقی می گذارد و از طرف دیگر اصول شست و شو و بار بندی پشم صادراتی را نیز بر دمان داخلی می آموزد.

۳- کارخانهٔ نختابی و پارچه بافی جبل السراج؛

نخ علاوه از اینکه برای همه اقسام پارچه های بافتنی طرف احتیاج میباشد، مقدار کلی آن برای احتیاجات متفرقه نیز بصرف میرسد و ازین رو جریان و پیشرفت کارخانهٔ نساجی بزرگ فوق الذکر و بسا کارخانه جات

سالنامه « کابل »

و موسسات پارچه بافی دیگر مملکت و احتیاجات متفرقه اهالی مر بوط به کارخانه نختابی میباشد و این کارخانه که از چهار سال به اینطرف تحت ساختمان گرفته شده اکنون کار نصب ماشین های آن نیز به عمل آمده و تا چند روز دیگر افتتاح خواهد شد. کارخانه مذکور مشتمل بر (۸۷) پایه ماشین برقی بوده ، علاوه بر نخ ریزی پارچه های پنبه ای مختلفه از قسم جیم ، چیت ، سرنخی و غیره نیز بافته میتواند و در جوار کارخانه برق جبل السراج تاسیس یافته که قوه برق خود را از کارخانه مذکور حاصل خواهد کرد .

۴- مکتب صنایع :

این موسسه که برای احیا و پیش رفت صنایع موجوده و ایجاد و ترویج صنایع جدید عصری است ، اگرچه در جزو تشکیلات معارفی مهم مملکت عزیز ما محسوب و از مدت ۶ سال به اینطرف روی مکتب رسامی سابق تاسیس یافته ، در حقیقت در حیات اقتصادی و مخصوصاً صنعتی افغانستان تاثر زیادی داشته در عین زمان یکی از موسسات بزرگ صنعتی وطن ما نیز بشمار میرود و نظریات اساسی مهمی که برای توسعه و ترقی این مکتب اخیراً بوجود آمده آینده درخشانی را برای موسسه مذکور پیش بینی میکند و حاضرأ شعبات مختلفه آن از قبیل : - رسامی ، نقاشی ، نقشه کشی ، مهندسی ، نجاری ، معماری ، رنگ مالی ، رنگریزی ، فالین بافی ، طباعت ، خیاطی ، بسته کاری و غیره اهمیت بزرگی را برای ترقیات آتی افغانستان ارائه مینماید .

۵- صنایع محبس مرکزی :

محبس مرکزی که از ۳ سال به اینطرف به اصول عصری تعمیر و در آن برای اصلاح احوال مجبوسین و مشغول کردن و عادی ساختن آنها به مشاغل

پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

مختلفه ، اساس همه قسم صنایع و حرفت های یدی گرفته شده ، امروز یکی از موسسات صنعتی بزرگ مملکت ما گردیده و روز بروز دامنه پیشرفت و ترقی این موسسه کسب افزونی مینماید . چنانچه تنها از اسم بردن شعبات عمده صنعتی مذکور اهمیت حاضره و آتیة صنایع محبس مرکزی در نظرخواهندگان عزیز رو تن خواهد شد .

- ۱ - کارخانه تسربافی پشمی و نخی ۲ - کارخانه شطرنجی بافی
- ۳ - کارخانه گلیم بافی ۴ - کارخانه قالین بافی ۵ - کارخانه اِلجه بافی
- ۶ - کارخانه خیاطی ۷ - کارخانه بوت دوزی و سراجی ۸ - کارخانه کاغذ سازی ۹ - کارخانه کاشی سازی ۱۰ - کارخانه آهنگری و حلبی سازی ۱۱ - کارخانه نجاری و خرا دی ۱۲ - کارخانه رنگریزی
- ۱۳ - کارخانه تل و خشت سمنی ۱۴ - کارخانه تابلو نویسی ۱۵ - کارخانه بنیان و جراب بافی و غیره و غیره شعبات مختلفه دیگر .

این چند موسسه که ذکر کردیم ، عبارت از موسسات صنعتی مهم و درجه اول بود که در ظرف ۷ سال اخیر در افغانستان بوجود آمده ، باقی موسسات مختلفه صنعتی جدید التاسیس این عصر را ذیلاً بطور اختصار نام می‌بریم :

اول - کارخانه ترمیم موتر و بسته کاری ، دارای ۱۸ پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن ۱۰ حمل ۱۳۱۱ (حاضرأ دو کارخانه ترمیم موتر در کابل موجود است ، یکی کارخانه دولتی و دیگر متعلق بانک ملی)

دوم - دو کارخانه صابون سازی که روزانه (۳۰۰۰) کلیچه صابون تیار میکنند - تاریخ افتتاح ماه جوزای ۱۳۱۱ - سوم - کارخانه حکاکی و سنگ تراشی و سنگ لاجورد - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۱ - چهارم - کارخانه تیل کشی

سالنامه « کابل »

از نباتات - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۱ - پنجم - کارخانه نجاری مرکز دارای
 (۲۵) پایه ماشین - تاریخ افتتاح اول فوس ۱۳۰۹ (حاضر آسه کارخانه نجاری در
 مرکز کابل موجود است ؛ کارخانه نجاری مرکز ، کارخانه نجاری
 دوازدهم دارای (۱۳) پایه ماشین برقی تاریخ افتتاح ۱۴ عقرب ۱۳۱۱
 و کارخانه نجاری مکتب صنایع) - ششم - کارخانه جراب و بنیان بافی
 دارای (۱۶۵) پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن ماه فوس ۱۳۰۹ - هفتم -
 کارخانه دکه سازی دارای (۱۲) پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن اول فوس
 ۱۳۰۹ - هشتم - کارخانه چرمگری (بصورت ملی و غیراًز کارخانه چرمگری
 و بوت دوزی سابقه است) دارای (۶) پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن
 سال ۱۳۱۴ - نهم - کارخانه یخ سازی (در قندهار) تاریخ افتتاح بعد از
 تکمیل سال ۱۳۱۵ - دهم - کارخانه حفظ میوه (کنسروه) و غیره (در قندهار)
 دارای (۱۱) پایه ماشین - تاریخ افتتاح ثانوی پس از تکمیل سال ۱۳۱۵
 - دوازدهم - کارخانه برق قندهار - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۴ - سیزدهم -
 کارخانه برق هرات - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۵ . و غیره و غیره مؤسسات
 خورد و بزرگ دیگر ...

از طرف دیگر راجع به استخراج معادن افغانستان که ترقی صنایع بدون
 آن امکان پذیر نیست درین دوره اقدامات زیادی بعمل آمده و از اثر این مساعی
 تا کنون متجاوز از (۳۰۰) معادن مفیده از قبیل معدن طلا ، نقره ، ذغال
 سنگ ، نفت ، آهن ، مس و بسا معدنیات مهمه دیگر کشف و نمونه های همه
 آن ها در موزه اقتصادی وزارت تجارت برای نمایش گذاشته شده که برخی تحت
 استخراج گرفته و هم برای استخراج بعضی دیگر از معادن مذکور مخصوصاً

بیشرفتهای اقتصادی افغانستان

چشمه های نفت که جهت استخراج آن با شرکت « انلندا کسپلو ریشن کمپنی » امریکائی بتازگی قرارداد شده و معادن جنوب که یک شرکت مختلط افغان و المان باستخراج آن اقدام خواهد کرد، اقدامات بعمل آمده که عنقریب پس از تصویب یافتن قرارداد های مذکور از طرف شورای ملی افغانستان نتایج خوبی از آن ظاهر خواهد شد و برای ملت و مملکت فوائد بیشماری خواهد رسانید .

علاوه برین در قسمت صنایع ، مطابق نقشه های حکومت متبوعه ، برای تدویر چند کارخانه مهم دیگری نیز اقدامات شده که هر یک بذات خود در بهبود اوضاع اقتصادی مملکت رول مهمی بازی خواهد کرد ، مهمترین این کارخانه جات که برای خریداری و توریید آن اقدامات لازمه اتخاذ گردیده عبارت است : -
از کارخانه بزرگ قند سازی از لبلبو که قبلاً نجار ب زرع لبلبو نیز در ولایت قطنن بعمل آمده و این کارخانه پس از نصب و بکار افتادن تقریباً تمام احتیاجات ملی را در قسمت قند و شکر که سالانه مبلغ (۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی برای توریید آن از خارج بصرف میرسد ، تکافو خواهد کرد . و این غیر از کارخانه قند سازی سابق است که ازیشکر قند استخراج میکند و پس از ترمیمات لازمه آنهم جریان خواهد یافت . و دیگر کارخانه سمنت سازی که با در نظر گرفتن توسعه و ترقی عمرانات عصری احتیاج روز افزونی برای آن محسوس میشود ، حاضرأ هم سالانه متجاوز از (۱۰۳۰۰۰۰۰۰۰) برای خریداری سمنت از خارج بصرف میرسد (و این غیر از کارخانه سابق سمنت سازی است که خیلی کوچک و دارای شکست و ریخت زیاد میباشد و آن نیز تکمیل خواهد یافت) و دیگر کارخانه بزرگ برق آبی بقوت (۳۰۰۰) کلووات برای نیروات و تدویر کارخانه جات آتیه کابل و نواحی آن که کارخانه برق بمقام وردك نصب خواهد شد . اضافه

برین خریداری و توریده یک مطبعه عصری و مکفی تمام حوائج مطبوعات و غیره احتیاجات طباعتی مملکت - و یکدستگاه بزرگ تلگراف بی سیم و یک مرکز بزرگ رادیو و یک موسسه افسری را نیز در دیر کارخانه جات و موسسات صنعتی جدیدی که عنقریب پایه تکمیل خواهد رسید باید حساب کرد .

ج : در شعبه تجارت

بهمه کس معلوم است که اصول تجارت در افغانستان تا همین ۶ ، ۷ سال پیش کاملاً بصورت ابتدائی و تقریباً بحال خود بخودی بوده ، ازین رو علاوه از آنکه بحال ملت و مملکت و اقتصاد ملی فائده صحیحی نمیرسانید ، چون روز بروز روابط با خارجه توسعه یافته ، در دیگر ممالک عموماً اصول منظمی در تجارت قائم و جاری بوده و نیز تجار خارجی از اوضاع پستی تجار و عدم انتظام تجارت ما استفاده کردن می خواستند ، لهذا صادرات شدیدی بر پیکر اقتصادیات ما وارد و حتی از اثر آن علاوه بر امور اقتصادی مملکت امور مالی و منجمه پول افغانی نیز صدمه می خورد و روز بروز بحران اقتصادی و صادرات وارده کسب شدت میکرد - این احوال بقدری اوضاع اقتصادی افغانستان را باریک میساخت که از یکطرف روز بروز نرخ مبادله پول افغانی تنزل مینمود و از طرف دیگر عوائد تجارتي بصورت روز افزون کمتر شده رفته ، قسمت بزرگ آن در جیب یک دسته تجار بیگانه میریخت - چنانچه کم کم نزدیک بود استقلال اقتصادی ما از دست رفته تجار خارجی همه مجاری تجارتي را بگف خود بگیرند - واقعاً اگر احوال اقتصادی سالهای اول بعد از انقلاب و آنهمه مشکلات و بحران های وارده پیش نظر آورده شود ، بخوبی فهمیده خواهد شد که حقیقه برای تبدیل دادن آن اوضاع و رفع بحرانات مذکور مساعدی و زحمات

و عزم و ثبات قابل تقدیری بصرف رسیده است تا اوضاع تجارتي و مالي مملکت از آن حال فلاکت با تنظیم و استواری اسروزه واصل آمده - بنا برین جهات بود که حکومت خبیر ما بفکر چاره جوئی اوضاع تجارتي و مالي افتاده ، اولتر از همه تشکیل يك موسسه ملي بزرگ را بصورت بانک و شرکت لازم دانسته در سال ۱۳۱۱ اساس بانک ملي را گذاشت و متعاقب آن توجه مخصوصه خود را بسوی طرح يك نقشه اساسی اقتصادی مبذول کرده ، به تطبیق اصول (اجتماع سرمایه) که در عصر حاضر بزرگترین و موثرترین عوامل بهبود و پیشرفت اقتصادیات تشخیص داده شده ، پرداخت . چنانچه روی این نظریه از آن وقت تا کنون متجاوز از (۵۰) شرکت و تجارت خانه در سر مملکت عزم بزمن تأسیس یافته که سرمایه مجموعی فعلی این شرکت ها متجاوز از (۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد - حکومت برای تشویق و ترغیب و هم جهت امداد و کمک شرکت‌های مذکور ، يك حصه امتیازات و انحصارات را که بحال ملت نیز اثرات ناگواری انداخته نتواند ، بشرکت‌های تجارتي داده و بالمقابل از آن ها تعهداتی مبنی بر ترقی دادن صادرات و اصلاح اصول تجارتي شان گرفته است . علاوه برین شرکت های تجارتي برای نورید کارخانه جاتی نیز اقدام کرده اند و بالجمله از اثر این اقدامات از يك طرف دست تجار خارجی از تجارت افغانستان کشیده شده ، و قسمت بزرگت تجارت مملکت بامعامله داران اصلی سر راست گردیده و از طرف دیگر صادرات و ظن عزم بزرگ بروز چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت کذب ترقی نموده است . و بادر نظر گرفتن دیگر تسهیلاتی که از رهگذر تأمین امنیت و احداث جاده ها و تمديد خطوط تیلگراف و تلیفون

و غیره برای بسط و توسعه تجارت بعمل آمده ، میتوان گفت که امر و ز اصول تجارت در افغانستان کاملاً تعدیل گردیده و مطابق اصول عصری در آمده است . علاوه برین بتوجهات حکومت متبوعه و مساعی موسسات تجارنی مشکلات تجارنی ما بممالک خارجه تا اندازه زیاد رفع و اصول سهیمه تجارنی بابرخی از ممالک مرعی الاجرا گردیده .

خلاصه ، اگر پیشرفت های امور تجارنی افغانستان را که درین دوره ۷ سال گذشته بعمل آمده بچند جمله خلاصه کردن بخواهیم باینقرار خواهد بود :

۱ - اصول تجارت مملکت ازحالت ابتدائی و خود بخودی بصورت عصری در آمده وهمه معاملات عمده روی یک نقشه صحیح و سنجش موثوق بعمل می آید .

۲ - دست دلالان و تجار ذات البینی که ما بین تجار افغانی و کارخانه داران یا تجارت خانه های معامله کننده ، واقع و حائس بودند ازکار کشیده شده ، اکنون اکثر تجار افغانی چه درخرید و چه درفروش را سماً و بلاواسطه بامعامله داران اصلی خود ها که عبارت از کارخانه های بزرگ و معتبر دنیا میباشد ، در تماس میباشند ، و خود دشان همه قسمت های معامله راستنجه میبوانند .

۳ - موازنه صادرات و واردات بوسیله منع واردات بیلزوم و ترقی صادرات .

۴ - اجتماع و تمرکز سرمایه است که تجار و سرمایه داران و عموم افراد مملکت عزیز نظر بمساعی و تشویقات حکومت بسوی این عامل مهم پیشرفت ها و عملیات اقتصادی یعنی (اجتماع سرمایه) متوجه گردیده ، درظرف مدت کوتاهی به تعداد زیاد مؤسسات شرکتی خورد و بزرگ را در هر گوشه و کنار مملکت برای مقاصد تجارت صادراتی و وارداتی تأسیس کرده اند و عموماً ملتفت شده اند که سرمایه بزرگ به نحو بهتر و بخرج و خوف کمتر

امور اقتصادی را انجام داده توانسته رفاه عمومی را تامین میکند - از اینست که امروز علاوه بر بانک مرکزی که از لحاظ اهمیت سرمایه خود و هم از رهگذر عملیات و اقدامات خویش مهمترین موسسات اقتصادی مملکت ما بشمار میرود، چند اتحادیه های شرکتی دیگر که در آن چندین شرکت های خود و بزرگ اجتماع نموده، نیز بوجود آمده و با سرمایه جات عمده و تشکیلات وسیع برای ترقی تجارت وطن عزیز ما تحت پروگرام اقتصادی مجوزة حکومت مشغول کار میباشند و روز بروز نتایج تازه تر و رضایت بخش تری را از حسن عملیات و اقدامات خود ها به نفع ملت و مملکت عرضه میکنند.

همچنین در قسمت امور مالی که آنهم در ذیل شق تجارت ذکر شده میتواند، طوریکه در بالا اشاره کردیم حکومت متبوعه ما درین چند سال اخیر اقدامات قابل قدری را بعمل آورده که مهمترین آن عبارت از استقرار نرخ مبادله (افغانی) و قبول معیار طلا و ترویج پولهای کاغذی است، که هر یک از این تشبثات با قبول زحمات زیاد و بس از سنجشهای طولانی و عمیق و اخذ ترتیبات و تدابیر اساسیه بعمل آمده و خوشبختانه طوریکه می بینیم از مدت تقریباً ۲ سال با اینطرف از یک سو پول افغانی از حالت بحران خود خارج و در یک معیار متوسطی که هم برای صادرات و هم برای واردات کمال مساعدت را دارد، استقرار پیدا کرده و نرخ مبادله مستقلی را به مقابل رویه هند و بالواسطه به مقابل بسا اسعار خارجیه دیگر مالک شده، از دیگر سو پولهای کاغذی که در ار و یا بکمال دقت و قشنگی بطبع رسیده و از دو سال با اینسو در معرض جریان میباشد، به مقابل یک ذخیره بزرگ فلزات قیمتی و اسعار معتبر خارجی که ضمانت چلند آن بشمار میرود، در معاملات سهولت فوق العاده پیش کرده و از همه جهت موجبات مسرت و رفاهیت و اعتماد ملت افغان را احاطه کرده است.

سالنامه « کابل »

در اینجا برای معرفی مؤسسات مهمه تجارتي و طن عزیز تنها اسمای شرکت های عمده تاسیس یافتگی این عصر را با اندازه سر مایه و ظایف اساسی آن ها اسم برده ، از ذکر اسم و تفصیلات باقی شرکت های داخلی که از گنجایش مقاله ما بیرون است صرف نظر مینمائیم :

۱- بانک ملی بسرمایه مجموعی (۲۴۰۰۰۹۰۵۳۳) افغانی که در تمام امور اقتصادی مملکت دست دارد (سرمایه معاینه آن (۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد)

۲- شرکت اتحادیه شمالی بسرمایه مجموعی (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار صادرات پوست قره کلی و پشم و ینبه و لایات شمالی و واردات رخت باب و گلوش و غیره را میکنند .

۳- شرکت اتحادیه هرات بسرمایه مجموعی (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی برای صادرات قره کلی و پشم و غیره و واردات اموال ذرعی و غیره .

۴- شرکت نساجی بسرمایه مجموعی (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که بصورت اسهام متدرجاً جمع آوری میشود . این شرکت برای تدویر کارخانه بزرگ پارچه بافی است که شرح آن در قسمت اقدامات صنعتی آمده و بسیاری از تجار مملکت در آن شریک میباشند .

۵- شرکت پشتون (قندهار) بسرمایه مجموعی (۱۰۶۷۳۰۰۰۰) افغانی که کار صادرات میوه خشک قندهار و واردات پترول و شکر کار آمد ولایت قندهار را میکنند .

۶- شرکت وطن (قندهار) بسرمایه مجموعی (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار صادرات پشم ولایت قندهار و فراه و واردات اموال جایانی رامینماید .

۷- شرکت صابر بسرمایه مجموعی (۶۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار پوست قره کلی را میکنند .

بیشرفتهای اقتصادی افغانستان

۸. شرکت دیانت سرمایه (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار پوست قره کلمی رامیکند
۹. برادران (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) » » » »
۱۰. توکل (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) » » » »
۱۱. فعات (۱،۲۵۰،۰۰۰) » » » »
۱۲. کوشش (۱،۵۰۰،۰۰۰) » » » »
۱۳. رشقیا (۲،۴۹۶،۰۰۰) » » » »
۱۴. سلامت [» » » » (۱،۱۰۰،۰۰۰۰۰)]
۱۵. ارادت [» » » » (۱،۰۹۵،۰۰۰۰۰)]
۱۶. سعادت » » » » (۱،۰۹۵،۰۰۰۰۰)
۱۷. صداقت » » » » (۱،۱۵۰،۰۰۰۰۰)
۱۸. اخلاص » » » » (۱،۱۲۵،۰۰۰۰۰)
۱۹. میمنت » » » » (۱،۰۰۰،۴۵۰۰۰)
۲۰. فالین باقی » » (۲۵۰،۰۰۰۰۰) برای اصلاح و ترقی فالین
۲۱. تریاک » » (۱،۵۰۰،۰۰۰۰۰) برای صادرات اصول تریاک

علاوه بر این در قسمت تجارت و ترفیات آن باید تذکار نمود که آنچه پیشرفت های مذکور را به نحو واضح تر و صریح تری بیا به ثبوت میرساند ، همانا افزونی روز افزونی است که در ظرف این ۷ سال اخیر در میزان تجارتی یعنی سر جمع واردات و صادرات مملکتی بعمل آمده چنانچه اگر به احصائیه تجارتی این دوره نظر بیندازیم مشاهده میکنیم که سر جمع کتل تجارتی ما از سال ۱۳۰۹ به بعد یکسال به نسبت سال قبل به ترتیب ذیل اضافه شده : -
در سال ۱۳۱۰ (۴۴) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۴۲) فیصد و در سال ۱۳۱۲

سالنامه د کابل ،

(۲) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۵) فیصد و با در نظر گرفتن افزونی دو سال اخیر میزان کل تجارت افغانستان در سال ۱۳۱۵ متجاوز از (۳) برابر سال ۱۳۰۹ می باشد .

این بود خلاصه پیشرفتهای اقتصادی مهمه که در ظرف ۷ سال گذشته در مملکت عزیز ما بوجود آمده . اما ناگفته نماند که همچنانکه عوائد ملی و اقتصاد عمومی نظر به تشریحات فوق ترقی کرده ، عایدات حکومتی نیز طبعاً از هر جنبه کسب افزونی نموده است . چنانچه از یک طرف محاصیل گمرکی در اثر ترقی روز افزون معاملات تجارتنی و نیز در نتیجه تدابیر صحیحی که از طرف حکومت در قسمت جلوگیری از تجارت گریزی و رفع غیره نواقص گمرکی و تدوین تعرفه اصولی بعمل آمده ، نسبت به سال ۱۳۰۹ علی الترتیب در سال ۱۳۱۰ (۱۰) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۳۰) فیصد و در سال ۱۳۱۲ (۱۰) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۱۶) فیصد و در سال ۱۳۱۴ (۲۵) و بالاخره در سال ۱۳۱۵ (۴ و نیم) فیصد افزود گردیده که به اینقرار جمع محصولات گمرکی سال ۱۳۱۵ در حدود (۳) برابر جمع محصولات سال ۱۳۰۹ میباشد . همچنین دیگر عوائد دولتی از قسم مالیات و محصول مویشی و غیره چشمه های واردات نظر به اقدامات و اصلاحات حکومت متبوعه و حسن انتظام امور مملکتی و مساعی مامورین مربوطه از سال ۱۳۰۹ به بعد یکسال به نسبت سال قبل به ترتیب ذیل افزوده شده است : در سال ۱۳۱۰ (۹) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۲۴) فیصد و در سال ۱۳۱۲ (۱۲) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۲۷ و نیم) و در سال ۱۳۱۴ (۲۵) فیصد و در سال ۱۳۱۵ (۷ و نیم) فیصد و بصورت مجموعی در سال ۱۳۱۵ به نسبت سال ۱۳۰۹ بقدر (۱۴۰) فیصد ترقی کرده . همچنین

بیشرفتهای اقتصادی افغانستان

بودجه مملکتی سال بسال موازنه لازم را دارا گردیده است .

در خاتمه باید تذکار کرد که این ترفیات و پیشرفتهای اقتصادی درخشان و نمایانی که درین دوره بعد از انقلاب نصیب افغانستان عزیز گردیده و ماشه از آن را بصورت مجمل ، ذکر نمودیم و چشم هر فرد وطن خواه از خواندن و دیدن آن روشن میگردد ، در ضمن مشکلات جدی که از اثر بدایت کار و نبودن وسائل لازم و تنگی وقت و عدم تجربه و غیره و غیره در پیش بود ، بعمل آمده و بنابراین زحمات و عرق ریزیهای رجالی که آنرا بوجود آورده اند بالخاصه مساعی شیاروزی رجل نامدار افغانستان حضرت اشرف والا حضرت سر دار محمد هاشم خان صدر اعظم و باقی اعضای کابینه دولت و دیگر مامورین مملکتی در نظر از خود و بیگانه نهایت درجه قابل تقدیر بوده و ضمناً به عموم فرزندان و علاقه مندان و بهیچواهان این خاک امید میدهد که مطابق همین پروگرام و خط مشی بیغرضانه که اکنون مورد توجه و سر دست حکومت متبوعه ما میباشد ، وطن عزیز روز بروز به ترفیات و پیشرفتهای اقتصادی و مدنی بزرگتری ذائل گردیده مدارج ترقی و تعالی را خواهد ییمود و مخصوصاً اقداماتی که حاضرأ در نظر میباشد از قبیل استخراج معادن و چشمه های نفت و غیره موجبات سعادت و رفاهیت ملت و پیشرفت و کامگاری مملکت افغانستان را فراهم خواهد ساخت انشاء الله و تعالی .

در بیان این مقاله صورت پیشرفت و کارروائی های سال ۱۳۱۵ موسسات مهمه تجارنی وطن را به ترتیب همه ساله تحت عنوان « شرکت های تجارنی » برای مزید استفاده قارئین گرام درج میکنیم :

شرکت های تجارتي

بانك ملي افغان

خوش بختانه بانك ملي که مهمترین موسسات اقتصادي مملکت ما بشمار ميرود در سنه ۱۳۱۵ پیش از سالهای قبل پیشرفت های مهمی کرده و موقعیت بسیار بلندی را در روابط و معاملات خارجه خود احراز و بنظریه و توجه هیئت محترم دولت پلانهای اقتصادي خود را که مراد از اجتماع سرمایه، تشکیل شرستهای اتحادیه، انتظام تجارت سمت شمال، استقرار نرخ افغانی، توسعه زراعت پنبه، تشکیل يك شرکت بزرگ نساجی، تنظیم فروش فره کلی، تشکیل شرکتی برای صادرات تریاک، تحدید واردات در مقابل صادرات، تأسیس يك فابریکه مهم ترمیم موتوروغیره میباشد بصورت مطلوب صد فیصد عملی کرده که ما مختصراً بشرح بعضی از جلات فوق بعناوین آتی قارئین محترم خود را مطلع می سازیم:

تشکیلات بانك و طرز اداری و سیستم محاسباتی آن:

بانك ملي در اوائل سال ۱۳۱۵ حسب تصویب مجلس هیئت مدیره خود، شرکت اسهامی را که مراد از شوق تجارت و انحصارات و فابریکات باشد از خود مجزا نموده و تمام سرمایه را بیا بانك تمرکز داده و برای دوران تجارت و معاملات شرکت اسهامی مبلغ بیست ملیون (۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی بمنافع مختصری (کریدت) یعنی اعتبار داده و این شرکت را در تحت اثر

شرکت های تجارتي

يک نفر معاون مسئول که از اعضای هیئت مدیره بانك باشد جداگانه
داير و شعبات ذیل تقسیم نموده :

الف : ماموریت تجارتي که این ماموریت به سه شعبه تقسیم میشود .

ب : ماموریت انحصارات که این ماموریت به دو شعبه منقسم است .

ج : » ترمیم موتر » » »

د : » نسا جی » » »

ه : مدیريت پترول که به دو شعبه : اجرائیه و کنترول تقسیم شده .
ریاست بانك ملی افغان :

الف : مدیريت کنترول و تغذیش عمومی که مرکب از : شعبه است .

ب : ماموریت تحریرات و مامورین که » از ۲ » »

ج : » اوراق که عبارت از ۲ شعبه میباشد .

د : مدیريت محاسبه بانك به شعبات ذیل منسحب است :

شعبه اطراف ، شعبه مرکز ، شعبه خزانه ، شعبه قرار داد های تجارتي .

ه : ماموریت اجرائیه و تحریرات بانك .

اعتبارات داخله و خارجه بانك :

به نسبتی که بانك ملی اعتبارات خود را با اکثر بانکهای مهم قایم
ساخته پیش نهادتی از سایر بانکهای دنیا برای اعطای کریدیت (اعتبار)

یبانك و ارتباط معاملات آن حاصل گردیده و برکنز بانك ملی تحت غور

است ، همچنین طوریکه بانك ملی در داخل مملکت برای تهیه و فراهم آوری

وسایل جدید روح تعاون اقتصادی مصروف بوده در تمام شهرهای داخل

مملکت شعبات دارد ، در خارج هم لحظه در خصوص توسعه معاملات خود فرو

گذاری ننکرده . بانکهای زیادی را طرف معامله خود قرار داده در شعبات

خارجی خود هم اصلاحات متعددی اجرا نموده است چنانچه در سنه ۱۳۱۵

سا لنامه « کامل »

- Bank of Foreign Trade U.S.S.R., Moscow (ونشتورک بانک در مسکو) و (ایمپیریل بانک آف انڈیا Imperial Bank of India در پشاور) جدیداً حساب مستقیمی بنام بانک ملی افغان (کابل) باز نموده و حالا بانک در بانکهای ذیل حساب جاری دارد .
- Westminster Bank Lmd, London « ویست منستر بانک لندن » و « دو بیچه بانک » Deutch Bank برلن : « دسکو تنوگز لشتافت » Disconto Gesellschaft .
- Westminster Foreign « ویست منستر فارن بانک لمیتد » یاریس : « کنتوار ناسیونال دی کونت دوی یاری » Bank, Paris Comptoire nationale des comptes de Paris .
- American Express « امریکن اکسپریس کمپنی انکورپوریتد » بمبئی : « نیشنل سٹی بانک آف نیویارک » National Company Inc, Bombay « کنتوار ناسیونال دی کونت دوی یاری » City Bank of New-York, Bombay Comptoire nationale des comptes de Paris, Bombay .
- مسکو : « ونشتورک بانک » .
- پشاور : « ایمپیریل بانک آف انڈیا » .
- از طرف « فیدرل ریزرو بانک نیویارک » Fedral Reserve Bank, New-York « ولایتیڈز بانک نیویارک » Lloyd's Bank, New-York هم پیشنهاداتی اخذ گردیده که هنوز تحت غور است .
- نماینده گیهای خارجه بانک ملی فرار ذیل اند که هر کدام ایشان با بانکهای متعدد دیگر داخل معامله میباشند :
- نماینده گی لندن . نماینده گی برلن . نماینده گی کراچی . نماینده گی پشاور . نماینده گی چمن .

شرکت‌های تجارقی

و فعلاً صدور چک و حوالهٔ تبنگرافی را بتمام مراکز خارجه و بجمع اسعار مروجۀ عالم صادر کرده میتواند .

و هکذا دوائر حکومت و شرکت های تجارتمی و بالاخره اکثریه از اهالی و تجار و اشخاص خارجه در بانک حساب امانت و جاری داشته بامتیاز اعتبار و اعتماد روز افزون معاملات خود را باینک و سعت داده اند که اینک نمونه از حسابات ۴ سائۀ بانک را ذیلآ بملاحظهٔ قارئین محترم خود میرسانیم :

سال ۱۳۱۲ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۵۳)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری و امانات (۶۰۲۷۶۰۸۶۵) افغانی و ۷۸ یول

سال ۱۳۱۳ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۱۱۷)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری و امانات (۱۷۰۰۳۳۰۲۳۷) افغانی و ۶ یول

سال ۱۳۱۴ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۱۷۶)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری و امانات (۵۱۰۸۲۸۰۷۲۳) افغانی و ۶۴ یول

سال ۱۳۱۵ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۲۴۰)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری و امانات تقریباً (۵۶۰۵۰۰۰۰۰۰) افغانی .

در تعداد فوق قابل توجه اینست که اکثریهٔ دوائر ملی (شرکت تنویرات ریاست بلدیہ و غیره) هم تسهیلات داد و ستد بانک ملی را مورد استفادهٔ خود قرار داده عائدات و مصارف خود را ذریعۀ خزانهٔ بانک ملی اجرا میکنند .

انتظام تجارت سمت شمال :

تمام طبقات ملت مطلع بودند که تجارت سمت شمال افغانستان که تماس با دولت جواهر اشتراکیهٔ شورویہ داشت خیلی هابی نظم بوده و اغلباً تجار انفرادی بدون فهمیدن بمقاد و ضرر خود تجارت می نمودند و در نتیجهٔ عمدهٔ بی

سالنامه « کابل »

رابطه‌ها داریم که متوجه بضرر فاحشی شده سرمایه خود و یک‌سده تجار دیگر را بیاد فناداده اند. این تجرت رو بهم رفته باصطلاح تقریباً (جنگ دادن بخت رطامح) به طبقه تجار مامعرفی شده بود (که تفصیل آنرا در تحت عنوان قرار داد تجارته بانك ملی و سو افغان ترك) جدا گانه و واضح تر شرح میدهم. بانك ملی پس از حصول اجازه از هیئت محترم دولت در اوائل سال ۱۳۱۴ شروع با اقدامات عقديك قرار داد سه ساله راجع بخرید و فروش مال التجاره افغانی و شوروی با اداره سو افغان ترك (يك اداره که در روسیه شوروی طرف تجارته با افغانستان است) نموده ، پس از امضای این قرارداد بانك مجبور بود که برای اجرا و عملی شدن آن شرکتهائی با حصول تجارته عصری با تنظیم صحیحی در تحت کنترل خود بزار ، هرات ، قندهار بشرخ ذیل تشکیل بدهد :

در مزار شریف شرکت اتحادیه شمالی بسرمایه یا نژده ملیون (۱۵۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که سی و شش لك (۲۶۰۰۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانك ملی خریداری کرده - برای صادرات پشم و پشم در هرات شرکت اتحادیه هرات بسرمایه پانژده ملیون (۱۵۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که سی و سه لك (۳۳۰۰۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانك ملی خریداری کرده - برای صادرات پشم و قره کلمی .

هکذا در هرات شرکت صادرات تریاک بسرمایه یکنیم ملیون (۱۰۵۰۰۰۰۰۰) افغانی که شش لك (۶۰۰۰۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانك ملی خریداری نموده - مخصوصاً برای صادرات تریاک (مطابق مقررات بین المللی) در قندهار شرکت وطن بسرمایه پنج ملیون (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که یازده

شرکتهای تجارتي

لك ويست وبيج هزار (۱۰۱۲۵۰۰۰۰) افغانی ازاسهام آنرا بانك ملی خریداری نموده - برای صادرات پشم . و همچنین در نظر است شرکت مذکور صادرات پشمه را که با توجه به ع . ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر و نائب الحکومه قندهار در سال ۱۳۱۶ به ترتیب صحیحی در توابع قندهار و چخانسور سر ر شته زراعت آن گرفته شده مطابق هدایت بانك ملی اجرا کنند .

برای شرکت های جدید تشکیل فوق الذکر بانك ملی اعتبار (کريدت) زیادی با اندازه بیست و پنج ملیون (۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی داده است . تا عند الاحتياج شرکت های مذکور از این کريدت خود استفاده کرده بتوانند .
قرار داد تجارتي بانك ملی و اداره « سو افغان ترك » :

قبل از سلطنت اعالي حضرت نادر شاه شهيد امور تجارتي فيما بين افغانستان و روسيه بصورت طبيعي (خود بخود) بوده . بلکه بطرف تنزل تدريجي سير مينمود . خصوصاً صادرات افغانستان بطرف روسيه سالانه به پيما نه وسيعی کسر ميکرد و عوام حقيقي اين خساره را که بطرف ما وارد بود بصورت اختصار در نکات ذيل خواهيم يافت :

۱ - تغير سيستم و رژيم تجارت در روسيه جديد که آنها کل تجارت خود را با افغانستان بصورت مرکزيت جريان ميدادند و ما بالعکس بصورت يا شان و متفرق و انفرادی - و اين دو اصول متضاد نمیتوانست اصلی را پيدا نمايد که همیشه فائده طرفين دران تأمین گردیده باشد .

۲ - چون تشکيلات اساسی تجارتي را دارا نبوديم لهذا صادرات ما بسمت روسيه در تنزل و روس ها چون دارای تجارت مرکزی بودند همیشه تعقيب توسعه صادرات خود را با افغانستان داشتند .

۳ - مسئله اساسی دیگر اینست که چون افغانستان قبل از سلطنت اعلیحضرت نادر شاه شهید دارای تشکیلات اقتصادی نبوده لهذا همه چیزها با اصول طبیعی صد سال قبل مانده بود و از یکطرف مملکت بی دری در امور و روابط تجاری خود با خارج صدمه میدید و از طرف دیگر در تحت اثر فشار سرمایه و تجارت اجنبی دست تجار ما از کار کشیده و در نتیجه تجارت افغانستان یکدم سقوط کرده استقلال اقتصادی آن از دست میرفت .

لذا روابط حسنه مملکتین افغانستان و روسیه ، طرفین را وادار ساخت که با مورتجارتی خود غور نموده اصولی را اتخاذ کنند که رفع نواقص ارتباط تجاری را حایز و هم سیستم متقارن دو اثر تجاری با همدیگر بهتر شود - بنابراین موافقه تجاری بتاريخ ۲۵ ثور بین بانک ملی و (سوافقان ترك) منعقد و برای موعده سه سال که از ۱۱ جوزا ۱۳۱۵ (اول جون ۱۹۳۶) شروع و در نیمه جوزای ۱۳۱۸ (اول جون ۱۹۳۹) خاتمه می یابد . اموال واردات و صادرات تجاری ذیل را شامل است :

۱ - اموال صادراتی افغانستان :

پنبه	- ۱۴۰۴۰۰ تن
تریاک	- ۹۰ »
پشم بصورت ناشسته	- ۲۹۰۴۰۰ »
کگل قیمت هر سه قلم	- ۱۰۰۳۵۴۰۳۸۰ دالر طلائی

۲ - اموال وارده از روسیه :

قند و شکر	- ۲۵۰۲۰۰ تن
بطرول	- ۵۰۱۰۰ »

شرکت‌های تجارتي

تبل خاک	- ۵۵۰۰۰	تن
کلوش	- ۳۳۰۰۰۰۰	زوج
نخم یمبه	- ۹۲۰	تن
تکّه کستان (برای پارچامه)	- ۶۹۰۰۰۰۰	متر
سیم آهنی	- ۳۵۲	تن
سمنت	- ۱۰۰۰۰۰	»
اقسام آهن	- ۲۰۰۰۰	»
موتور	- ۱۵	عمرانه
سامان کارخانه یمبه پاك كنى	- ۲	کارخانه
و روغن كشى و عدل و بندى		

مال ذرعى - ۱۳۵۰۸۰۰۰ انده .

كبل قيمت وارده - ۱۰۰۳۵۴۰۳۸۰ دالرطلائى .

باثر قرار داد مسد كور در نتیجه ، هر کدام نقطه نظر خود را برای خود

تأمين نموده به تفصيل ذيل :

نقطه نظر روسيه :

الف : کارخانه داران روسيه الحال برای مدت سه سال میدانند که در کدام ماه کدام مالی را بافغانستان تحویل و کدام مالی را از افغانستان میگیرند و قیمت آن بالغ بر چه مقدار یول است .

ب : اصول « استندرد » در اموال معامله شده کامل رعایت شده .

ج : امر روز دیگر روس ها باهر تاجر انفرادی که هیچ وقت نمیتوانست تعهدات خود را صد فیصد ایفا بدارد سروکاری ندارند . روسيه ضمانت بانك ملی را

سا لنامۀ « نابل »

درصحت و عملی شدن قرار دادها برسر موعده حاصل و اطمینان کامل پیدا نمود .
که در موعده سه سال تجارت آن بصورت نقشۀ که در قرار دادها وضع گردید .
صورت پیدا نماید یعنی مواد خام حاصل و در عرض مواد صنعتی خود رامیدهند .
نقطه نظر ما :

الف : از دیاد صادرات ما مخصوص مواد زراعتی مانند تریاک و یمبه که
از یکطرف احتیاج ما را از اینکه طلا داده و مال وارد مینمودیم صرفوع و از طرف
دیگر مشکلات دهاقین ما که تنها مشغول زراعت جو و گندم و همیشه در عسرت
گرفتار بودند برای مدت سه سال رفع گردیده .

ب : روسیه قبول نموده که سیزده و نیم میلیون (۱۳۰۵۰۰۰۰۰۰) افغانی
نسبت به سنۀ گذشته قیمت اموال صادراتی ما را بلند برده و قیمت اجناس و ارداتی
خود را تنزل بدهد .

ج : روسیه قبول نموده که در سر سرحدات خود و یا در خود افغانستان
نه اینکه بادیگر هیچ تا جر اقرادی معامله نداشته باشد بلکه از مالدار و
و بادیه نشین ها که اموال خود را بچرا گاه ها میبرند نه مال بخرد و نه بفروشد .
د : کل حساب داد و ستد در بانک ملی مرکزیت داده شده و باین نسبت
بانک ملی موقع پیدا میکند که عملی شدن قرار دادها و صحت رفتار طرفین را
کنترول نماید .

ه : روسیه قبول نموده که بعد ازین تاریخ هر قدر قره کلی که از افغانستان
خرید نماید در عرض طلا تأدیہ بکند نه مال .

و : روسیه قبول نموده که عوض قند و شکر و پترولی که تا حال با افغانستان
می فروخت و طلا اخذ مینمود ، بعد ازین تاریخ عوض طلا بشم و تریاک تحویل بگیرد .

شرکتهای تجاری

ز : موافقه های مذکور برای تشکیلات جدید اتحادیه های سمت شمال و هرات امداد نموده که آنها زودتر میتوانند نواقص تجارت فیما بین را رفع و البته رفع این نواقص بر فائده طرفین تمام میشود .

ح : طرفین در مدت سه سال از هر قسم تنزل و ترفی که همیشه بجه تجارت اثری انداخته و گاه گاهی هم تجارت را بطرف بحران میکشاند مصئون گردیده اند زیرا برای مدت سه سال برای ککل واردات و صادرات طرفین قیمت های معینی را تعیین و آنرا مراعات خواهند نمود .

تاسیس شرکت نساجی با سرمایه ۵۱ ملیون افغانی :

چون جزء مهم واردات مملکت اموال ذرعی و محصول تکه های پنبه نی میباشد و از طرف دیگر احتیاجات حاجت واردات اشبای دیگر مثل ماشین باب و اسلحه و موتر و پترول و غیره لوازم حیاتی در تزیاید است و لزجت دیگر برای ثروتمند ساختن اهالی پیدا نمودن کار لازم میباشد - لهذا برای توازن واردات و صادرات مملکت و پیدا نمودن کار برای ملت ، بانک ملی شروع به مطالعات در اطراف عملی نمودن این پلان نموده ، پس از مشاوره با متخصصین نتیجه را بانک ملی بحضور هیئت محترم دولت تقدیم و تشکیل شرکت نساجی را با سرمایه پنجصد و یک میلیون (۵۱۰۰۰۰۰۰۰) افغانی منظوری حاصل نموده و هر سهم این شرکت صد (۱۰۰) افغانی تعیین و اسهام آن قرار ذیل تقسیم گردیده :

۱- حکومت متبوعه ما ده ملیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) افغانی

۲- بانک ملی هشت و نیم (۸۵۰۰۰۰۰۰)

۳- شرکت هائیکه پوست قره کلی با آنها بانحصار داده شده و از شروع امسال از هر جلد پوستی که بخارج حمل میدارند سه افغانی سهم شرکت نساجی

سالنامه د کابل

را خریداری میکنند - هژده ملیون (۱۸۰۰۰۰۰۰۰) افغانی .

۴ - بتدریج ذریعه بانک ملی بفروش خواهد رسید - پانزده ونیم ملیون (۱۵۰۵۰۰۰۰۰۰) افغانی .

جمله ۴ قلم فوق : پنجاه ویک ملیون (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی .
مجموع ۵۱ ملیون افغانی شرکت نساجی درسه سال اول در تحت نگرانی بانک اداره میشود . بعد از سه سال کاراداری شرکت مذکور باساس اصولنامه اساسی آن به هیئت مدیره اش سپرده خواهد شد .

توسعه زراعت پنبه :

میتوان بانک ملی را اولین سری تو سعه زراعت پنبه در وطن عزیز ما معرفی کرد . چه مملکت سر سبز و شاداب ما از هر حیث مستعد به توسعه زراعت است مخصوصاً زراعت پنبه - وامروز حاصلات پنبه اهمیت و مقام خاصی در صنایع دنیا دارد - بانک در اواخر سال ۱۳۱۴ باندازه (۷۲۰) خر وار (۵۳ تن) از بهترین تخم پنبه امریکائی که در زراعت جنوب روسیه مروج است وارد کرده در توابع ولایت قطن و مزار شریف توسط شرکت شمالی مجانی بدهاقین تقسیم در سال ۱۳۱۵ حاصل فوق التصوری از زراعت مذکور نتیجه گرفته شده و شرکت اتحادیه شمالی برای زراعت سال ۱۳۱۶ ترتیبات مفیدتری در نظر گرفته و یقین و افاق است که با توجه مخصوص و ج شرمحمدخان نائب الحکومه قطن و بدخشان بدر تخم پنبه سه مقابل سال گذشته توسعه پیدا کنند .

قراریکه توسط متخصصین فنی پنبه حاصله زراعت سمت شمال افغانستان معاینه شده از قسم بهترین پنبه ها است . برای مخلوج پنبه ذریعه زاهوت ها (ماشین های برقی) و انده بندی آن با ماشین های برقی فشار ، شرکت شمالی یک

شرکتهای تجارنی

پلان وسیعی را تصمیم گرفته و در بودجه خود مبالغ هنگفتی را منظوری داده است که تفصیل آن علیحده بصورت واضح تر بملاحظه قارئین محترم رسانیده میشود .
استقرار نرخ افغانی :

علاقه مندان اقتصاد باید خواهند داشت که مراسم اساسی تأسیس بانک ملی که (اولاً بنام شرکت سهامی یاد میشد) در اوایل بحران پول افغانی بوده است . زمامداران بانک در اولین مرحله تدقیقات خود تشخیص عوامل بحران را علت نقص صادرات دانسته در قدم اول خود بدون اینکه مداخلتی در استقرار نرخ و بدست گرفتن کنترل اسعار بنمایند ، چاره اساسی برای حل این مطلب سنجیده آن را در زمره اقدامات فوری خود گرفتند . چنانچه بوسیله توسعه زراعت پنبه و ازدیاد صادرات تریاک که در احصائیه صادرات ما سابقه نداشته و بدست گرفتن کنترل فروش پوست قره کلی (که یکی از ارقام عمده صادرات است) در داخل و خارج از حدود مبالغ هنگفت پول نقد در مقابل وارد کردن بعضی اجناس جلوگیری کرده و بالاخره در برج عقرب ۱۳۱۴ چنانچه قارئین محترم شرح آنرا در سالنامه ۱۳۱۴ مطالعه فرموده اند بانک ملی استقرار نرخ افغانی را دفعاً با وجود تنزل فاحش کلدان برای مدت شش ماه بدست گرفت . و در این مدت اولین تجارب عملی خود را در اطراف جلوگیری از تنزل افغانی و بدست گرفتن احصائیه واردات و صادرات حاصل نموده پس از آن با اجرای عملی ساختن منظور خود مصمم گردید و در برج جوزای ۱۳۱۵ پیش نهادی به هیئت محترم دولت تقدیم کرده و استقرار نرخ افغانی را به میعاد غیر محدودی متقبل گردید و حکومت متبوعه هم نظریه بانک را تأیید و منظور فرموده در مجلس عالی وزرا در ماه جوزا این پیشنهاد با تک تصویب

سالنامه « کابل »

فرموده شد. اینک متجاوز از ۱۸ ماه از استقرار نرخ مسكوك افغانی و محدود ساختن خرید و فروش آن بپانك ملی میگردد و بانك كابل میباید نه این مرام خود را بمقاد اقتصاد و وطن تکمیل کرده و درین مدت مبالغ هنگفتی را از ذخائر اسعار خارجه خود طلا، نقره، بچکومت خریداری و وارد ساخته در مقابل مسكوك افغانی گرفته است.

بانك ملی به تناسب استقرار نرخ کلداری برای اینسکه خرید و فروش اسعار خارجه مروجّه تمام ممالک را به نرخ (پورس) های دنیا اجرا کرده حتی الامکان از سوء استفاده غیر جلوه گیری نماید، در بانك يك شعبه مخصوص برای وضع و ترتیب نرخنامهها تشکیل داده که وظیفه این شعبه سنجش صحیح نرخ اسعار خارجه و طلا و نقره بااساس تیلگرافهای وارده از روی نرخنامه پورس لندن به نسبت نرخ کلداری و استقرار افغانی میباشد که وقتاً فوقتاً تغییر و تبدیل نرخهای اسعار خارجه را از روی پورس صحیح لندن اصلاح و بروزنامه و مراجع آن و شعبات خود اطلاع میدهد.

از طرف دیگر مأموریتی از طرف بانك ملی در گمرک کابل و قندهار تاسیس گردیده و همچنین در نظر است بهرات و غیره نقاط نیز مأموریتها دایر گردد و اینها موظف اند که کنترل واردات و صادرات را نموده تصدیق و اجازه محصل همان اموال واجناس وارداتی را بدهند که قیمت آن اسعار خارجه از بانك ملی خریداری شده باشد یا اینکه بالمقابل اموال صادراتی داشته باشد.

سیستم محاسباتی و طرز دفتر داری بانك :

بانك ملی حتی الامکان نصب العین دارد که مأمورین صحیح و لایقی بپانك استخدام کرده و آنها را تحت تعلیم و تربیه بگیرد. چنانچه بگفته مخصوص

شركت‌های تجارتي

دفتر را از خارج مستخدم کرده و کورس بانگي را مفتوح نموده و مامورين بانك را در زیر اثر آن و ادار به تعليم دفتر داری نموده و فعلاً دفتر بانك باصول دفتر بانكهای امریکا (زور نال مجلد امریکائی) یعنی دفتر داری دو طرفه (دبل انتری سیستم) جاری است .

همچنين در سال ۱۳۱۵ کورس اقتصاد سياسي را مفتوح ساخته مامورين بانك ويكعه از مامورين وزارتها و دوائر حكومت را برای تحصيل دروس اقتصاد سياسي در تحت اثر و تعليم (موسبومنجولي) مشاور مالي وزارت ماليه و ادار به تعليم نموده ويكهدتي کورس مذکور دایر و در نتیجه (۹۰) فیصد از شاملين کورس کامياب شده شهادتنامه گرفتند .

هیئت مدیره و مامورين عالی رتبه بانك ملی :

الف : هیئت مدیره :

- ع ، ص عبد المجيد خان رئيس .
- » ، دوست محمد خان ايداق معاون شعبات تجارت و انحصارات « شركت اسهامی » .
- » ، غلام حيدر خان مختار زاده معاون شق بانگی .
- » ، سيد کریم خان .
- » ، حاجی عبد الخالق خان .
- » ، محمد عمر خان (رئيس شركت اتحاديه شمالي) .
- » ، خير محمد خان .

ب : مامورين شعبات سر کيزی بانك :

- ص ، محمد موسی کاظم خان مدير تفتيش و کنترول
- » ، محمد عمر خان ، مدير محاسبه بانك .
- » ، غلام عليخان مامور بحريرات رياست .

سالنامه « کابین »

- ص ، غلام علیخان سر خوش مامور او راق ریاست .
- » ، غلام بها ، الدین خان، مامور تجارت .
- » ، محمد موسی خان مامور انحصارات .
- » ، عبدالمجید خان مامور اجرائیه .
- » ، محمد زمانخان مدیر شرکت بطرول .
- » ، امیرالدین خان مدیر شرکت نساجی .
- » ، عبدالکریم خان احراری مامور فابریکه ترمیم موتر .

ج : مدیران بانک در داخل مملکت :

- | | |
|------------------------------|-------------------------------|
| ع ، حاجی گل محمدخان درقندهار | ع ، سید کریم خان درهرات |
| ص ، شاه محمد خان دراند خوی | » ، محمد امین خان درمزارشریف |
| » ، صالح محمد خان در فرام | ص ، سید احمد خان در میمنه |
| » ، محمد عثمان خان در غزنی | » ، عزیزالله خان در جلال آباد |
| » ، غلام رسول خان در گردیز | » ، یابنده محمدخان درخان آباد |
| | » ، عطا محمد خان در مقر |

د : مدیران بانک در خارج :

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| ع ، خان محمد خان در پشاور | ع ، خیر محمد خان در کراچی |
| ص ، عبدالرؤف خان در برلین | ص ، محمد یعقوب خان در لندن |
| » ، محمد عثمان خان در پاراچنار | » ، صلاح الدین خان در چمن |
| » ، رحیم آقای احمدی در کرکئی | » ، سید عبدالوهاب خان در کشکی |
| | » ، عبدالحسین خان علی اوف در ترمز |

شرکت‌های تجاری

بیان‌س سال ۱۳۱۴ بانک ملی افغانی

سرمایه و قروض :

۱- سرمایه معینه (۳۵۰۰۰۰) سهم فی سهم يك هزار افغانی ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ - افغانی

الف : اسهام فروش شده ۱۵۰۸۸۸۰۰۰۰ - افغانی [جمله ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ - »
ب : اسهام فروش نشده ۱۹۰۱۱۲۰۰۰۰ - »

سرمایه با (۸۰۱۷۱۰۵۳۳/۱۱) مقاد ۱۳۱۴ مساوی (۲۴۰۰۵۹۰۵۳۳/۱۱) - »

۲- قروض - الف ، حساب جاری ۴۰۱۱۳۰۲۹۴/۷۱ - »

الف : قروض ميعادی و غیره ۱۴۰۰۴۱۰۰۹/۶۲ - افغانی [جمله ۲۹۰۵۴۱۰۰۹/۶۲ - »
ب : تعیین کله دار ۱۰۵۵۰۰۰۰۰/۰ - »

جمله ۳۳۰۶۵۴۰۴۰۴/۳۳ - »

۱۸۰۱۷۰۴۳۸/۱۲ - طلبات و متفرقه

جمله ۵۱۰۸۲۸۰۷۴۲/۲۵ - »

۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰ - از بابت نقل شد سهم

جمله ۸۶۰۸۲۸۰۷۴۲/۴۵ - »

۸۰۱۷۱۰۵۳۳/۱۱ - از بابت منافع ۱۳۱۴

جمله ۹۵۰۰۰۰۰۲۷۵/۵۶ - »

موجود و جایداد :

۱ - موجود :

الف : نقدی و قیمت اسعار خارجه ۵۰۸۴۹۰۷۷۷/۷۲ - افغانی

ب : قیمت جنسی اموال تحویل خانه ها ۹۰۰۳۶۰۷۱۰/۵۹ - افغانی [جمله ۹۰۱۴۸۰۳۶۱/۷۵ - »
ج : » » اثاثیه ۱۲۱۰۶۵۱/۱۶ - »

جمله ۱۴۰۹۹۸۰۱۳۹/۴۹ - »

سالنامه « کابل »

۲ - جا پداد :

ذمه گي دواثر حکومت از بابت قیمت تخمین کله داروغیره
 [۱۹۰۲۸۹۰۶۱۱/۷ - افغانی] » ۴۱۰۴۰۰۰۵۲۴/۹۹
 ذمگی معامله داران و دیون
 » ۱۹۰۱۱۲۰۰۰۰
 سهام پرداخت نشده
 منافع و مضار بشکل مشروح :

الف : منافع :
 شعبه بانک
 شعبه داخله مفاد تجارتي
 » » » خارجيه
 » » » کمپسيه
 » » » انحصار موتر
 » » » شکر

۲۰۱۲۴۰۲۶۲/۴۷ - افغانی
 » ۴۰۳۲۴۰۹۹۰/۶۲
 » ۱۰۵۵۴۰۰۷۱/۲۶
 » ۳۸۵۰۰۹۲/۲۹
 نیم ۱۰۶۸۱۰۲۹۰/۹۰
 نیم ۱۰۸۰۶۰۹۴۴/۹۱

جمله شد ۱۱۰۸۷۵۰۸۵۴/۴۶ - افغانی

شرح مضار :

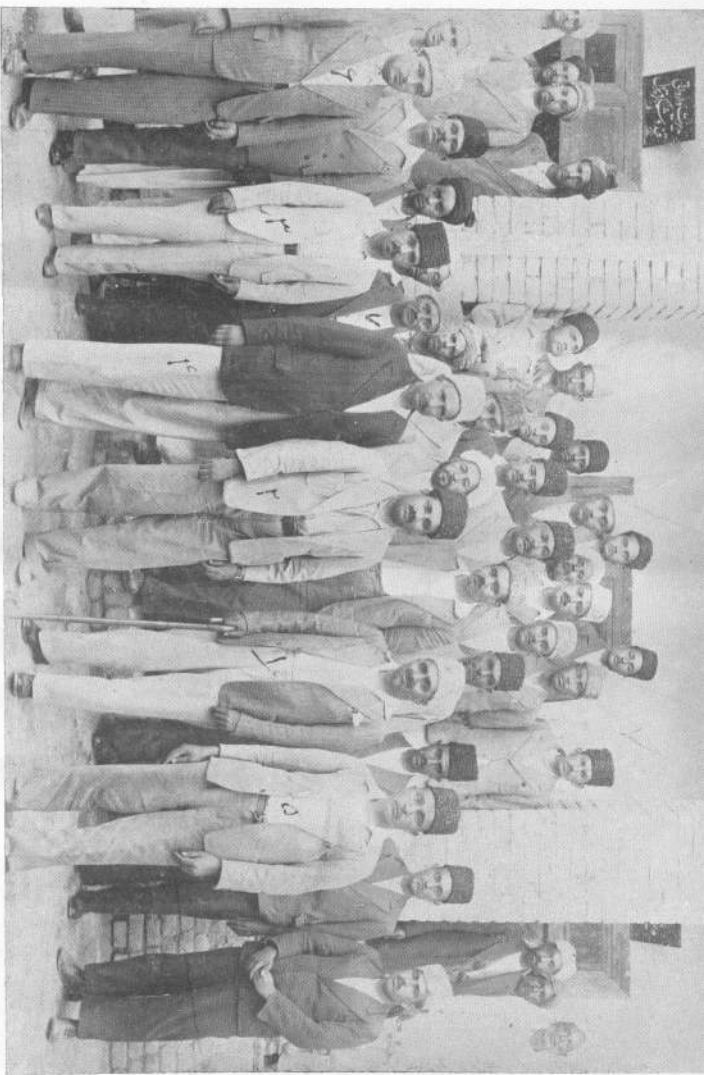
از بابت معاش و مصارف و ضرر متفرقه [۳۰۲۳۳۰۶۶۶/۳۵ - افغانی] » ۳۰۷۰۴۰۳۲۱/۳۵
 » » » موتر و شکر - ۴۷۰۰۶۵۵/۰

منافع خالص :

ديويجه ارباب اسهام [۸۰۰۸۹۰۸۱۷/۷۸ - افغانی] » ۸۰۱۷۱۰۵۳۳/۱۱
 به حساب بيمه اضافه شده ۸۱۰۷۱۵/۲۳

شرکت اتحادیه شمالي

شرکت اتحادیه شمالي که در اثر توجه حکومت متبوعه ما و اتحاد و اتفاق



هیئت اداری شرکت انجمنیه شمال : ۱-ع ، من محمد عمر خان رئیس ۲-ع ، خیر محمد خان مدیر عمومی
بانک ملی ، ۳-ع ، عدلا حمد خان مدیر عمومی محاسبه و کنترول شرکت ۴-ص ، عبدالعزیز خان
مدیر شعبه اول صادراتی ۵-ص ، سید ابراهیم خان مدیر دوم صادراتی ۶-ص ، جمال الدین خان
مدیر شعبه سوم وارداتی ۷-ص ، سید افغان خان مدیر شعبه چهارم وارداتی

Les membres du conseil d'administration de la Société Coopérative du Nord à Mazar-é-Charif.



نماینده کی شرکت اتحادیه شمالی در کابل : در وسط جناب نظام الدین خان
نماینده - طرف راستش جناب عبدالحکیم خان معاون - طرف چپش
جناب محمد عمر خان مأمور محاسبه

Les représentants de la Société Coopérative du Nord à Kaboul

شرکتهای تجارنی

بعضی شرکت های کوچک کوچک و تاجران ولایات شمال دربرج دلو ۱۳۱۴
بسرمایه یازده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی درمزار شریف تاسیس و در ماه حمل
۱۳۱۵ رسماً افتتاح گردیده بود. اکنون که یکسال از تاسیس آن میگذرد در اثر
جدیت و فعالیت مامورین خود نتایج خوبی داده و مطابق مر امیکه دارد، نایل
موفقیت و پیشرفت های قابل ملاحظه گردیده است که اینک ما ذیلاً خلاصه
آن را از نظر قارئین محترم گذارش میدهیم.

الف - تشکیلات شرکت و وظائف شعبات مختلفه آن :

شرکت اتحادیه شمالی امور خود را بچهار شعبه منقسم نموده و هر شعبه
یک شق کار شرکت را عهده دار میباشد - اسمای آمرین شعبات چهار گانه
و وظائف و اجراآت هر یک از شعبات مذکور قرار ذیل است :

رئیس شرکت : ع ، ص محمد عمرخان (سابق نماینده تجارنی در لندن) .
مدیر عمومی محاسبه و کنترل ع ، عبدالاحمد خان .
شعبات چهار گانه شرکت :

مدیر شعبه اول صادراتی : ص ، عبدالعزیز خان تاجر کابلی .

وظیفه شعبه اول و اجراآت آن : - کار پنبه تمامی ولایات شمالی
و خریداری یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰۰) پوست قره فلی است - به این تفصیل :

زرع و جمع آوری پنبه سال ۱۳۱۵ که تخم پنبه از طرف شرکت
اتحادیه شمالی مجاناً برای زراعین تقسیم شده یکی از اقدامات بزرگ شرکت
اتحادیه شمال بشمار می رود ، و خوشبختانه در همین سال اول شرکت موفق شده که
قسمت بزرگ مقدار مطبوعه صادرات پنبه را که با مالک خارجه قرار داد شده
بوقت لازمه تهیه و تدارک کند . البته در سال ۱۳۱۶ نظر به اقداماتیکه در تمام

سالنامه « کابل »

صفحات شمالی بالخاصه در فطن برای افزونی حاصلات پنبه بعمل آمده ، مقدار پنبه نسبت به سال ۱۳۱۵ بسیار ترقی خواهد کرد و موجبات استفاده اهالی و زارعین و شرکت را بیش از پیش فراهم خواهد ساخت ، علاوه بر شرکت اتحادیه شمالی پنبه را از اهالی باینبه دانه خریداری کرده و سپس ذریعه ماشینهای مخصوص آن را از پنبه دانه جدا نموده و بخارج صادر مینماید . شرکت در سال ۱۳۱۵ چندین دستگاه پنبه پاکتی از خارج وارد نموده بکار انداخته است که فعلاً در ولایت مزار شریف و فطن مشغول کار میباشد ، اما از تجربه که برای شرکت حاصل شده ماشینهای فعلی برای سال ۱۳۱۶ کفایت کار را نخواهد نمود ، بنابراین شرکت از حالیک تعداد ماشینهای پنبه پاکتی جدید را از خارج خواسته است و هم شرکت در نظر دارد که در سال ۱۳۱۶ ماشینهای روغن کشی و پنبه پاکتی و غیره ماشینهای کار آمد پنبه را در مزار شریف و ولایت فطن بکثرت دایر کند چنانچه کارات مذکور از حالا آغاز گردیده .

مدیر شعبه دوم صادراتی : ص ، عبدالرحیم خان تاجر مزاری .
وظیفه شعبه دوم و اجرا آن : خریداری و جمع آوری تمام پشم قره قلی و عربی و غلزائی است با خریداری یکصد هزار پوست (۱۰۰،۰۰۰) قره قلی به این تفصیل :
در خریداری و جمع آوری پشم طوریکه از طرف ریاست شرکت ترتیبات لازمه گرفته شده بود در سال ۱۳۱۵ بجمع آوری و خریداری پشم ولایت شمالی آن پلانها می که در نظر بود عملی شده و خریداری پشم و شستن آن بیکصورت صحیح اجرا گردیده و شرکت موفق شده توانست که پشم را بسته و ذریعه ماشینهای مخصوص بار بندی نموده بصورت اصولی بخارج صادر نماید .

مدیر شعبه سوم وارداتی : ص ، جمال الدین خان تاجر مزاری .

شرح کتبهای تجاری

وظیفه شعبه سوم وارداتی و اجراء آن - : وارد نمودن اموال ذریعہ و کشفش را بری از خارجه باین تفصیل :

شرکت اتحادیہ شمالی مصارف اجناس و کشفش روسی را در ولایات شمالی از روی سنجش تحت یک نقشه و پروژہ اساسی اقتصادی در آورده و اجناس لازمه اهالی را به اوقات معینہ ضرورت آن وارد نموده و بالای اهالی یک نرخ مناسب و مستقل بفروش می رساند ، که به نسبت ترتیب سابق خیلی بہتر و مساعد تر میباشد .

مدیر شعبه چهارم وارداتی : ص ، سید اقبال خان تاجر مزاری .

وظیفه شعبه چهارم وارداتی و اجراء آن ، وارد نمودن بطرول وقتد و شکر و تیل خاک است باین تفصیل :

امور شعبه چهارم نیز تحت یک نقشه صحیح اقتصادی از طرف ریاست شرکت در سال ۱۳۱۵ به کمال موفقیت اجرا گردیده و قابل اطمینان است .

نماینده شرکت اتحادیہ شمال در کابل : ص ، نظام الدین خان تاجر مزاری .

ب : - منافع شرکت اتحادیہ شمالی در سال ۱۳۱۵ :

شرکت اتحادیہ شمالی با وجود اینکه سال ۱۳۱۵ سال اول کار آن است باز هم به اثر جدیتی که از طرف شعبات آن بعمل آمده استعاده های خوبی بدست آورده که ذیل شرح داده میشود :

میزان مفاد یکسالہ شرکت قرار اندازه که شده متجاوز از (۶۵ فیصد) اصل سرمایہ خواهد بود - البته تفصیلات منافع شرکت پس از تکمیل بیلاسن بصورت صحیح معلوم خواهد شد .

درخاتمہ باید اضافه کرد که این شرکت مهم که برای اصلاح و تنظیم و تمرکز دادن تجارت مواد مهمہ صادراتی مملکت تاسیس یافته یکی از موسسات

مهمه اقتصادی مملکت بشمار رفته نتایج بسیار مطبوعی از آن مأمول است که این موفقیت های یکساله اول آن امید های زیادی به بهی خواهان وطن میدهد .
شرکت پشتون قندهار

شرکت پشتون قندهار که اکنون سومین سال حیات خود را بسر رسانیده وارد مرحله چهارم خود میشود ، همچنانکه در سال های گذشته مشاهده کردیم ، مطابق اساسنامه و سرمایه که نسبت به اصلاح و ترقی صادرات میوه های قندهار دارد روز بروز دامنه اقدامات خویش را در این راه توسعه داده و از طرف دیگر تشکلات و سرمایه و تعداد شرکای خود را نیز افزوده است . علاوه برین شرکت مذکور در داخل امتیازیکه برای وارد کردن شکروتیل پترول و سایر روغنات موتور دارد ، به وارد کردن مقدار کافی شکروتیل و غیره اشبای فوق الذکر پرداخته .
اقدامات عمده شرکت مذکور در سال ۱۳۱۵ قرار ذیل است :

الف تاسیسات جدید :

۱ - نصب و بکار انداختن یک فابریکه جدید حفظ میوه تازه (کنسرو) که فابریکه مذکور در سال ۱۳۱۵ بطور نمونه - یک مقدار قطعی های میوه سر بسته را تهیه کرده که در آن همه اقسام میوه جات اعلا و مشهور قندهار از قبیل شفتالو ، زردالو ، آلوچه ، ناک ، سیب ، و غیره با اصول فنی و صحیح محفوظ گردیده و قطعی مذکور نیز همراه مارک (نشان تجارتمی) مخصوص و فشننگ برای جلب مشتریان تهیه شده است .

۲ - بکار افتادن ماشین قطعی سازی برای حفظ میوه تازه که مقدار زیادی قطعی های فلزی ساخته و سر آن را با اصول فنی بسته کرده است .
۳ - بکار افتادن فابریکه یخ سازی که در اوایل سال ۱۳۱۵ در قندهار

شرکتهای تجارتي

بجریان افتاده و در تمام مدت گرما بمقدار کافی بیخ برای مصرف محلی تهیه نموده است. وجود این فابریکه در قندهار که بوقت تابستان هوای آن کسب حرارت میکند، نهایت مفید و قیمتی شمرده میشود.

۴ - بکار افتادن ماشین پک کردن میوه خشک.

۵ - تاسیس یک کارخانه بزرگ وطنی برای تفریق اقسام میوه و پرکردن قطعیها و غیره که در آن یک عده عمه مطابق استعداد و قوای خودها مشغول کار میباشند. درین مورد باید دانست که قطعیهای فشنگی که برای میوهجات خشک قندهار از قبیل اقسام کشمش و آ بچوش و شکر پاره (زردآلوی خشک) و انجیر و غیره، تهیه شده، برای جلب مشتریان بسیار مؤثر ثابت خواهد شد. چنانچه از حالا با وجود هدایت کار فیمت یک یوند (قریب یک پان) میوه که در داخل قطعی با اصول صحیح حفظ شده از قیمت میوه معمولی خیلی اضافه شده است.

ب: اجرا آت امور اداری و اقدامات متفرقه تجارتي:

۱ - ترتیب بیلانس سالانه شرکت که بوقت مقرر حسابات یکساله سنجش و تصفیه شده، فائده خالص (۳۷) فیصد تعیین و به عموم شرکاء اعلان گردید که هر کس مطابق دلخواه خویش منفعت مذکور را اخذ یا با سهام خویش اضافه کرده میتواند و هم هر شریک حق دارد که یکقسمت یا تمام سرمایه خویش را واپس بگیرد.

۲ - انعقاد مجلس سالانه که مقارن نشر بیلانس انعقاد یافته در آن از عموم شرکاء دعوت بعمل آمده بود و در همین مجلس معاملات شرکت توضیح و نظریات و اقدامات آینده شرکت از نظر شرکاء مذکور گذشتانده شده نظریات و اقدامات پیش نهادی هیئت مدیره شرکت که دایره توسعه شعبات شرکت در داخل و خارج و اصلاحات مختلفه مفیده و تولید ماشینها و کارخانه

سالنامه « کابل »

جات مختلفه بود ، پس از مباحثات لازمه به تصویب رسیده ، اعلان گردید .
۳ - تجدید و تمدید امتیاز شرکت : که پس از ختم سال مالیاتی شرکت و ترتیب بیلائس سال ۱۳۱۵ ، چون دورۀ سه ساله امتیازات شرکت باول مهل ۱۳۱۶ خاتمه می یافت ، شرکت عرابضی بحضور حکومت تقدیم و دران حسن کار روائی خویش را شرح داده ، تمدید امتیازات خود را تمنا کرد و حکومت پس از مطالعات لازمه امتیاز صادرات میوه خشک را برای هشت سال و انحصار شکر و پترول و سایر روغنیات موتر را برای سه سال دیگر تجدید و تمدید نمود .

۴ - ترقی قیمت فروش میوه جات در خارج ، باثر اقدامات عاملانۀ شرکت پشتون در سال ۱۳۱۵ قیمت فروش میوه جات قندهار اضافه به ترقیاتی که در سال گذشت نموده بود (و ما آن را در سالنامه سال ۱۳۱۴ ذکر کرده ایم) باندازه (۳۰) فیصد دیگر نیز ترقی کرده است .

- ترقی مقدار صادرات میوه : بنا بر تشویقائیکه از طرف حکومت شرکت پشتون بعمل آمده و نظر به ترقیاتی که در ظرف دو سال گذشته در قیمت فروش میوه جات قندهار رخ داده ، در سال ۱۳۱۵ مقدار صادرات میوه خشک قندهار نسبت به سالهای گذشته باندازه (۲۰) فیصد ترقی کرده است که دامنه این افزونی سال بسال وسعت بیشتری خواهد یافت .

شرکت تنویرات

شرکت تنویرات که یکی از موسسات عام المنفعه مملکت مامیبا شد و از سالیان درازی مشغول کار بوده سال بسال به اثر زحمت کشی مامورین و حسن نظریات شرکای خود حائز پیشرفت های روز افزون گردیده در سال ۱۳۱۵ قدم

شرکتهای تجاری

های مهمی در راه رفاه عامه و توسعه امور خویش برداشته است که ذیلاً مختصر آن از نظر فارقان گرام گذارش داده می شود :

۱ - پیشترها چون اصول دفتری و حسانی شرکت تنویرات به اصول سابقه جریان و ازین ناحیه نصفیه حسابات و معاملات مشترکین برق هر سال تاهجده ماه به طول می انجامید ، در سال ۱۳۱۵ از توجهات عالیه و نظریات بهی خواهانه حکومت مقدس و مصلح ما به اثر پیشنهاد صداقتآب محمد نعیم خان انجنیر ریاست شرکت تنویرات ، صورت حسابات و اردات شرکت بر روی یک اساس صحیح و اصول عصری طرح و پس از منظروری مقامات رفیعیه صلاحیت دار و ملاحظه متخصص مالی وزارت مالیه اصول حسابیه جدید از ماه جوزای ۱۳۱۵ بکار افتاد .

اصول حسابیه جدید نه تنها اصول حسابات سابقه را به اصول عصری تحول داده بلکه در تسریع اجرا آن و نصفیه حسابات و اقتصاد شرکت نیز موجود نتایج و فوائد بسیاری گردیده . چنانچه باصول تازه حسابی پول باقی بدمه مشترکین برق بطور قطع باقی نماند . و تا کنون که از بسکار افتادن حسابات جدید ده ماه سپریست امور حسابیه شرکت بطور اطمینان بخش جریان داشته و پیش میرود .

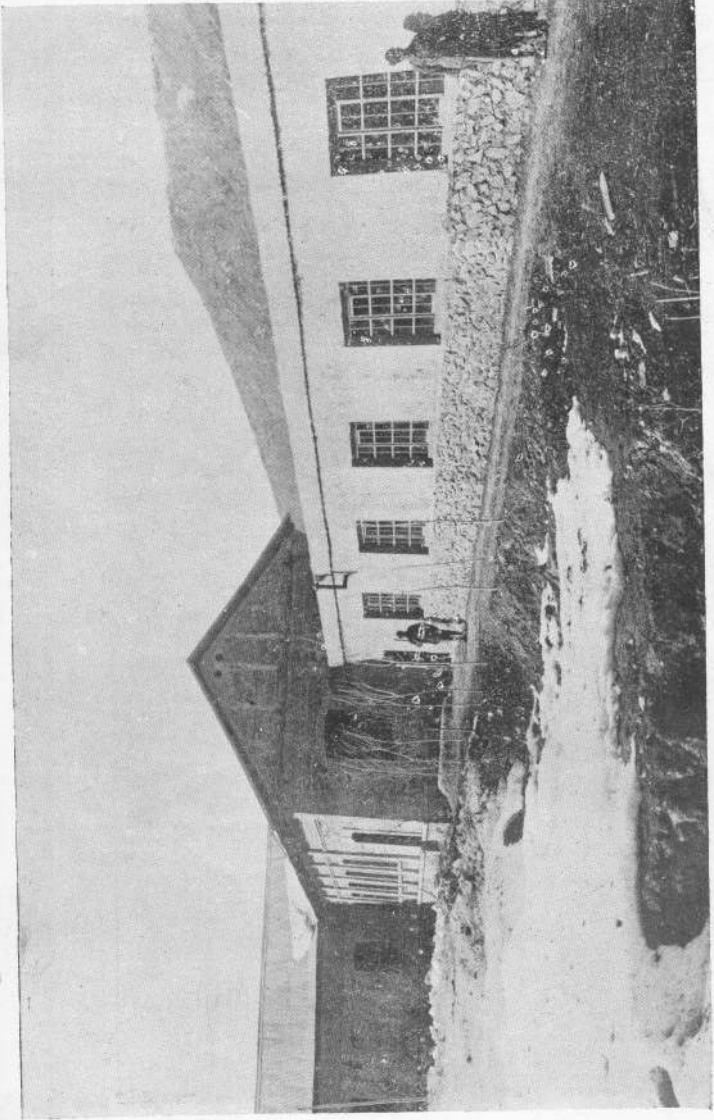
۲ - جریمه یک بر یک رنیم و بردوی برق که از بد و تا سیس این موسسه در صورت عدم تادیه محصول بوقت معینه ، از اهالی مشترکین برق اخذ و با پول اصل محصول نوأما تجز بل میشد ، در بن سال نظر به عا طفه بلا نهاییه حکومت متبوعه خیر اندیش موجوده ما و نظریات شرکت تنویرات کاملاً لغو قرار داده شده که این الغای جریمه برق نه تنها به رفاهیت مشترکین برق انجامیده بلکه به فیصله حسابات و سهولت کار این موسسه نیز مساعدت بزرگی بهم رسیده است .

۳ - اداره فنی ریاست شرکت تنویرات در سال ۱۳۱۵ در رشته امور فنی

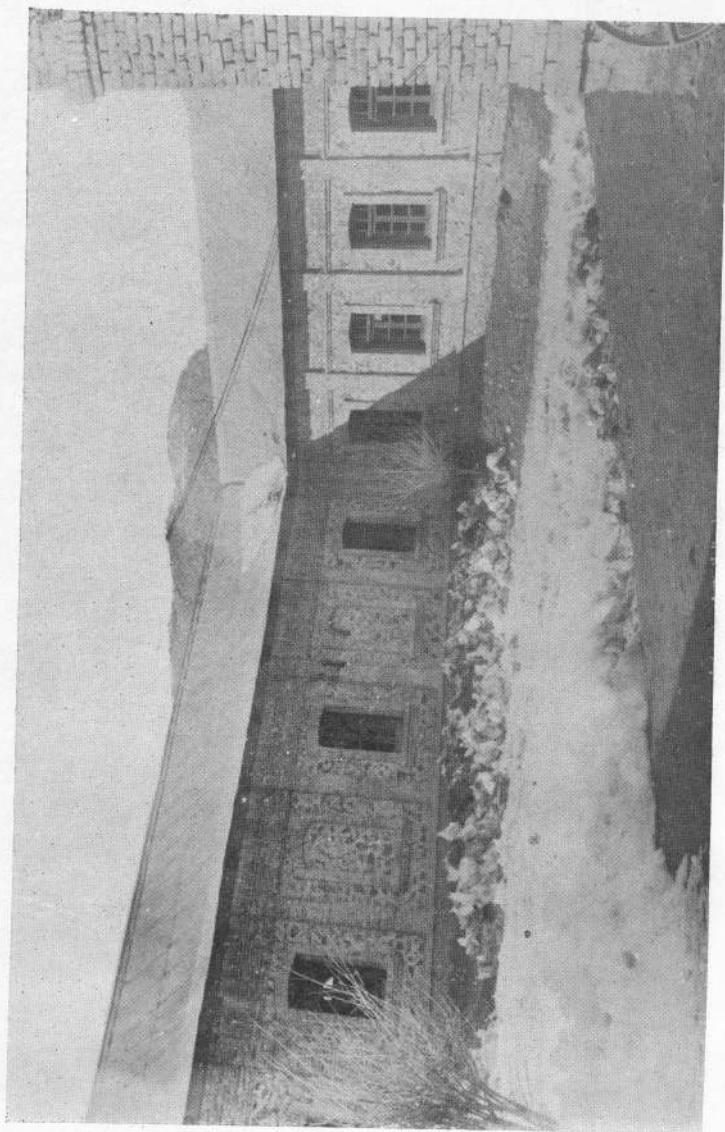
به يك سلسله اصلاحات سیمهای عمومی برق موفق و ازین پهلو در انسداد از تجاوزات و اضافه ستانیهای یاره مشترکین برق اهتمام زیادی بکار برده .
۲- عایدات شرکت تنویرات نیز نسبت به سال های گذشته در سال ۱۳۱۵ اضافه و برعکس صرفیه برق کم بوده است .

شرکت چرم گری

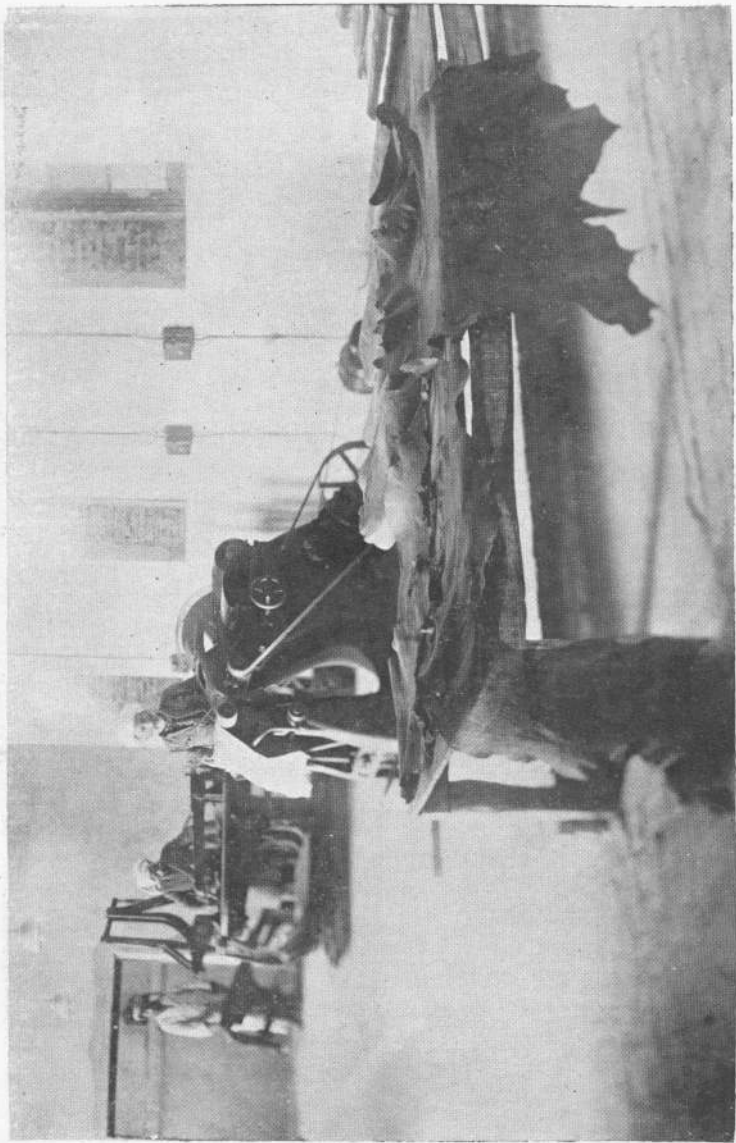
این شرکت که از چند سال به اینطرف در مرکز کابل تاسیس و برای تولید يك فابریکه عصری جهت پخته کردن و تیار نمودن چرم و تعمیر عمارات لازمه آن اقدامات نموده بود ، در سال ۱۳۱۵ موفق به جاری ساختن فابریکه و ختم عمارات آن گردیده ، نظر به اصلاحتیکه در امور مذکور بعمل آمده اکتون کار پخته کردن چرم و فروش آن در داخل بصورت سریع و اطمینان بخشی در جریان میباشد ، و روز بروز دامنه پیشرفت این موسسه وسعت یافته می رود .
حقیقتاً شرکت و فابریکه چرمگری برای وطن عزیز مایکی از موسسات خبلی قیمت دار بشمار می رود ، زیرا هر کس میدانند که در افغانستان مقدار بزرگی چرم خام به عمل می آید ، ولی تاچندی قبل اصول پخته کردن آن بصورت قدیم بوده ، اکثر چرمها خام بخارج صادر می گردید و بقیمت نازمی بفروش میرسید و بالمقابل همه ساله مقدار کلمی چرم پخته از خارج بقیمت نسبتاً گرانی وارد مملکت می شد . امید است که این موسسه باتوسعه و پیشتر فتهائی که در خور آن است از یکطرف اصول پخته کردن چرم را در مملکت تعدیل و از طرف دیگر مارا از وارد کردن مقدار کلمی چرم خارجه مستغنی سازد ، چنانچه از حالا قسمی از احتیاجات دوائر دولتی و اهالی را محصولات همین فابریکه تهیه می کند .
سرمایه شرکت چرمگری عجلتاً بکصدونودوش هزار (۱۹۶,۰۰۰) افغانی



از موسسات مهمه ص کر ، منظره عمومی عمارت جدیدالتعمیر ذ بیکه چرم کری
Une vue des bâtiments de la nouvelle fabrique de tan à Kaloul



از موسسات مهیه مرکز ، منظره خارجی یک قسمت از عمارت جدید تعمیر فابریکه چرم گری
Une vue des bâtiments de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



از مؤسسات مهمه مراکز ، فابریکه چرم گرمی، منظره داخلی اطاق ماشین های تراش کردن و جلا دادن و کس کردن چرم
Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul

از مو سسات مهمه من کر : فابریکه جرم کری، منظره داخلی اطاق بجهت کردن و خشک سازن جرم
Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul





حفظ الصحة

لاغری و چاقی

امروز از بسکه توجه مردم بسوی مسئله لاغری و چاقی معطوف شده است ، این موضوع یکی از موضوعات مهمه اجتماعی گردیده و حاضرأ در تمام ممالک زیاده از نصف نفوس جوان خواه زن و خواه مرد باشد سعی دارند که خود را از حالت موجوده خود لاغر و یا فر به بسازند ، اما باز هم اگر به غور دیده شود غلبه بطرف اشخاصی است که میخواهند لاغر شوند . مقصود از این کوشش دو چیز است . یکی صحتی و دیگر تفننی . صحتی از این رهگذر است که لاغری و چاقی مفرط هر دو برای وجود مضر و زندگی اشخاص را ناگوار میسازد و تفننی هم از این جهت است که مردمان میخواهند دارای اعضای متناسب بوده و به جامه خوب و زیبا جلوه کنند در بیننا ناگزیرأ این را هم باید خاطر نشان نماییم که این نهضت به نسبت مرد ها در زنها بیشتر واقع شده است .

کفتم اشخاص زیاد از وضعیت خود راضی نبوده و کوشش می کنند

فره یا لاغر شوند، ولی این را هم باید بدانیم که اکثر مساعی هر دو فرقه مزبور نا کام مانده و به نتیجه مطلوب نمیرسد. زیرا در بد و خلقت اشخاص طوری بد نیا می آیند که استعداد يك اندازه چاقی معین را داشته و ازان درجه لاغر شدن و یا چاق شدن شان يك اندازه زیاد مشکل چه بلکه بحال میباشد. درین کیفیت موضوع و راث نیز دخیل است و بسا اشخاص از طرف والدین خود، ترکیب جسمانی معینی را دارا بوده خیلی بزحمت از آن درجه چاق و لاغر شده می توانند، ازین است که در تمام دنیا شور و شر بزرگی در سوسائیل مجرب برای چاقی و لاغری جریان دارد. ولی جای تأسف است که ازین طریقها و علاجها تا کنون یکی هم چنانچه باید و شاید جواب مسئله را بدرستی داده نتوانسته و اسباب رضائیت مشتریان را فراهم ننموده است. بلکه هر يك در حالیکه زاده تحقیقات و تجارب قیمتهاری میباشد ولی فقط يك عده محدودی مفید ثابت شده بدیگران هیچ يك اثر نیکی نمی بخشد، علت این کیفیت طوری است که چاقی و لاغری در حقیقت معلول بکدام علت صحیح مخصوص و معین نبوده بلکه نتیجه کوائف مختلفه است که بر حسب اشخاص فرق میکنند. و به این واسطه يك دوا به هیچ صورت نمی تواند که در همه اشخاص يك سان تاثیرات گوارا و مفید را وارد بسازد. بهمین جهات از ۱۰ تا ۱۵ سال به اینطرف که مسئله چاقی و لاغری بسیار عام شده است همین وضعیت هیجان و بیقراری در بین مردمان طاری بوده و خیلی کم اشخاص بمقصد اصلی خویش مطابق دلخواه نایل شده است. و دیگران يك حالت اسفناکی شب و روز عقب مقصود نایاب میگرددند. بدون آنکه هیچ گاهی آن را بدست آورده و یا اقلأ نزد يك آن برسد.

بنا بر جهات فوق الذکر (انجمن تحقیقات صحی در کتله های مختلفه) که در فرانسه شهرت زیادی داشته و راجع به حفظ الصحه عمومی مشغول تجارت میباشد . درین باره توجه مخصوصی بکار برده و اخیراً رساله کوچکی بنام (راز لاغر شدن و چاق شدن) نشر کرده است که مایه خلاص مفاد آنرا را جمع به این دو مسئله فوق الذکر درین جا اقتباس مینمائیم :

پیش از داخل شدن در اصل موضوع باید دانست که چاقی و لاغری در افراد ، معلول به علل بسیار مختلف میباشد که احصاء آن بچندین جمله محدود امکان ندارد ، ازین رو یافتن علاج و دوائی که برای همه کس جهت فربه شدن یا لاغر شدن مفید ثابت شده بتواند ، نیز خیلی مشکل بلکه محال است ، و تنها راهبکه برای نیل به مقصود مدنظر میتوان گرفت عبارت از بکار بردن دو اصل ذیل میباشد : برای لاغر شدن باید بدن و جهازات جسمی را زیر فشار گرفت تا در عملیات آنها سکنه گی پیش شده نشو و نمای بدن تا حدی کند و بلکه متوقف گردد . برخلاف برای چاق شدن ، باید بدن و جهازات مختلفه جسمی را بوسائیل غیر عادی تقویه کرد تا در نشو و نما ، سرعت و فعالیت محسوستری رخ بدهد . در حقیقت این دو اصل طریقه های اساسی عمده برای مقصود فوق میباشد و باید شخصبکه میخواهد به این مقصد نایل شود ، با در نظر گرفتن اصل های مزبور شروع با اقدامات کرده و یکی از آن را بکار ببرد . معیناً این را هم باید نا گفته نگذاریم که عمل کردن هر دو اصل مزبور کار آسانی نبوده و چون مخالف جریان طبیعی میباشد ازین جهت عکس العمل هائی بظهور میرسد که عموماً مضر تمام میشود بنا بران لازم است با اختیار رویه اعتدال و تبحر به و معلومات به این کار اقدام شود .

ذیلاً را جمع به این مقصد يك سلسله سفارشات را که انجمن تحقیقات صحی در اثر مطالعات و وسیعۀ خویش ترتیب داده و متکی بر تجارب علمی میباشد بطور خلص ذکر مینمائیم :

آسان ترین طریقه لاغری شدن :

کسانیکه میخواهند از حالت چاقی به لاغری برسند باید نکات ذیل را بدقت ملاحظه و حفظ کرده و با نهایت مراقبت عملی سازند ، بلکه تاموقع رسیدن به مقصد باید این سفارشات را سر مشق زندگی خویش قرار بدهند و باید این هم در نظر باشد که بی حوصله شدن در چنین مواقع غیر از اتلاف بیوجب وقت فائده دیگری ندارد و خواهی نخواهی دوباره این کار را تکرار کردنی میباشد ، يك نکته قابل تذکر دیگر این است که معمولاً لاغری همان اندازه را میگویند که بدن يك تناسب فشننگ حاصل کرده و اعضا با هم نواخت خوبی پیدا میکنند و در هیچ قسمت از وجود چربی اضافه احساس نمی شود . برای لاغری شدن طوریکه معمول است خود را عذاب کردن هیچ ضرورت ندارد ، مثلاً غذا نخوردن ، آب نوشیدن ، از صرف قند و اغذیه لذت خودداری کردن ، دویدن وغیره همه بی لزوم و بلکه مضر است . بالمقابل نکات ذیل را رعایت باید کرد : غذا بقدر کفایت باید خورد ، اما کمی بیش از آنکه اشتها بسر میرسد ، دست از غذا باید کشید ، و در شبانروز اگر یکوقت غذا به اشتهای تمام و بمقدار نسبتاً زیاد خورده شده باشد ، از یکوقت غذا خوردن دیگر صرف نظر بهتر است مثلاً اگر شخصی چاشت خوب بخورد شب بجز کمی میوه و یا ماست چیز دیگر میل نکند ، نوشیدن آب در بین نان مجاز است اما فقط برای رفع

احتیاج ، یعنی يك و یا دوجره که شکم نه بندد . صبح پیش از صرف صبحانه و شب قبل از خواب نوشیدن يك گبلاس آب شیر گرم که جیره جیره آشامیده شود مفید ثابت شده و در عین حال معده را هم همیشه نرم و ملایم نگه میدارد ، نان خشک هیچ خورده نشده ، و یا صبح یا عصر به مقدار کم صرف شود ، از صرف مشروبات الکلی قطعاً باید اجتناب شود ، صبح باید زود از خواب برخیزد بدون اندک تأمل از بسنر یابن شده ، چست و چالاک بستر خود را خود جمع و پس از ادای فرایض بندگی در يك زینه بالا شده يك پوری سوزن باریک را در پله های مختلف زینه تیت نماید و آنوقت با نهایت حوصله مندی يك يك دانه سوزن را برداشته و هر کدام را در حالیکه قد راست ایستاده شود در پوری بگذارد و دوباره خم شده این عمل را تکرار کند تا تمام سوزن ها در پوری جمع گردد ، این ورزش در عین حال هم برای صحت و هم برای لاغر شدن بسیار مفید و مجرب است .

اما بشرطیکه بهمین طریق فوق اجرا کرده شود ، در جمله ورزشها ، ریسمان کشی و خیز زدن و حرکت دادن دست ها در حال تنفس (ادمان) مفید است . اما از همه مهمتر قدم زدن روی پنجه پای می باشد که به تدریج روزانه مدت دوام آن افزوده شود ، لیکن برعکس آن ، دویدن باندازه که نفس بسوزد بجای نفع ضرر پیش می کند ، همچنین دیگر ورزش ها را بحدی نباید اجرا کرد که خستگی زیاد از آن احساس بشود و بالاخره در روز یا کدام کدام روز یکی دو ساعت باغبانی خیلی مفید میباشد که در اجرای آن هم دقت و حوصله تمام بکار برده شود .

این بود يك سلسله سفارشات مجربی که برای لاغر شدن تعیین گردید ،

سالنامه « کابل »

البته کسانی که با اجرای آن مبادرت ورزند ، علاوه بر اینکه بمقصد خویش در ظرف يك مدت کوتاهی نایل می گردند ، از سبب مراعات های صحیح زیادی که در آن بعمل آمده صحت شان نیز مختل و صدمه دار نمی گردد و طوریکه در دیگر طریقه های لاغری شدن معمول است از لذات زندگی هم محروم نمیشوند . بلکه صاحب يك حیات منظمی می گردند که برای آینده آنها نیز نفع زیاد پیش می کند .

آسان ترین طریقه برای فرجه شدن :

اشخاصیکه فرجه شدن میخواهند باید نکات ذیل را بدقت و توجه تمام مراعات کنند :

غذای بسیار مقوی ولی سریع الهضم خوردن شود ، از قبیل شیر و مرکبات شیر ، سبزیجات برنج و حبوبات ، تخم مرغ و گوشت شکار و غیره .
غذا میده نا شده به معده نرود ، نوزاد خوردن افلا در روز ۴ مرانه (صبح چاشت ، عصر ، شب) و بنفواصل کمتر از ۴ ساعت باشد ، مختصری ورزش خفیف و مخصوصاً قدم زدن از طرف صبح و عصر مفید میباشد . لیکن از خسته گی کاملاً اجتناب باید داشت ، زیرا در وجود تو لید سمیت کرده از فرجه شدن جلوگیری بعمل میآورد ، خواب افلا ۸ ساعت بوده و اگر ممکن باشد بقدر يك ساعت دیگر هم از طرف روز باید خوابید . زیرا خون را زیاد میسازد کسانی که چاقی را اثر تنبلی وعدم حرکت میدانند و در اشتباه میباشند ، اگر چه درین حالت انسان بطور محسوسی چاق می شود اما چاقی مزبور عارضی بوده و به مجرد چند روز ترك دادن تنبلی رفع میگردد و نتیجه بدست نمی آید حالانکه مقصود ما از آن چاقی است که دوامدار باشد و بجای چربی که از اثر تنبلی در بدن

پیدا میشود ، خود اناساج و سلول های بدن و بالجمله عضلات کسب قوت و نشو نما کرده چاقی را تشکیل میدهند . بنا بران بر علاوه سفارشات فوق باید صبح وقت ترك کردن بستر يك گيلاس آب سرد (نه آبيکه از اثر انداختن يخ سرد شده باشد) بنوشد و متعاقب آن مقداری راه برود و بعد بيت الخلا رفته سعی کند که تخلیه معده خوب بعمل آید ، روز سه مراتبه تخلیه معده برای صحت خوب ودر چاقی موثر است . همراه ناشتا (صبحانه) مقدار شیر ، تخم مرغ و قند و یا عسل و مسکه صرف باید کرد . چه درینوقت که معده خالی میباشد ، پیش از سائز اوقات صلاحیت جذب مواد مفیده و ویتامین ها را داشته درنشو و نما اثر کالی می اندازد . قند بالعموم برای چاق شدن مفید است لیکن افراط دران مرض (قند) را بوجود میآورد که آن نهم از خواص چاقی است . استعمال میوه جات تازه مخصوصاً آنچه عصاره آبگین دارد ، مثل ، انگور ، مالت ، ستره ، ناک ، سیب ، خربوزه و غیره فوق العاده مفید بلکه برای چاق شدن از ضروریات است . وقت خوردن میوه ، هیچ قیدی ندارد ، صبح همراه ناشتا ، چاشت ، پیش یا بعد از نان ، عصر و شب ، همه وقت میتوان آنرا صرف کرد ، روغن زیاد و گوشت های کلفت برای معده مشغولیت و زحمت زیاد فراهم کرده چنانچه باید نتیجه درنشو و نماي بدن ندارد و مضر تمام می شود . در خاتمه باید ملتفت بود که همچنانیکه تفریح و تفرج در چاقی اثر نیک دارد ، خستگی جسمانی و روحانی از دادن نتیجه خوب جلو گیری میکنند .

فقدان اشتها و علاج آن

خشک بودن زبان یا عدم نظافت آن (یعنی وجود ماده مخاطیه در سطح زبان) بهر سببی که باشد موجب فقد ان اشتها می شود و واز همین يك چیز

بسیط که جز تنظیم دهان علاج دیگری ندارد امراض مهمی پیدا شد و تا اینکه بدرجه نهائی میرسد .

تدخین و مسکرات ، مخدرات ، التهاب مزمن معده ، امراض مسری از هر قبیل که باشد ، سل شش ، سرطان معده ، نور استابنا و هستریا (از جمله امراض عصبی نیز از عوامل عمده فقدان اشتها بشمار میروند .

اشتها متوقف به حاسه ذوق و حالت عصبیه و نفیسه است پس اگر بواسطه کثرت افزاز غدد نخا طیه زبان ، سطح زبان را يك طبقه نخا طیه بپوشاند اثر عصبی را که حاسه ذوق به افزازات معده دارد معطل ساخته و بواسطه آن اشتها ضعیف میشود .

فقدان اشتها از امراض شایعه از مرض نوراستنی است که در نتیجه دو حالت نشأت می نماید ، اول هبوط عصبی عمومی که یکی از امراض متمایز این مرض است . دوم اقدام خورد مریض به تقلیل و تبدیل غذایش بواسطه اینکه مرض او عادتاً توأم با امراض سوء هضم میباشد ، انقراض غذا يك علت بزرگی از موجبات ضعف اشتها میباشد .

فراریکه تجربه شده میگویند دیر خوردن غذای مؤدی به فقدان اشتها میگردد و این گویا نشان میدهد که خود غذا اشتها را تحریک میکند .

علاج فقدان اشتها را می توان به علاج اسباب و موجبات آن خلاصه کرد . مثلاً به ازاله طبقه که زبان را می پوشاند ممکن است ذریعه محلول کاربونات درسود (پلی) یا خمیره های عادی دندان پرداخت . علاج عادات مضره مثل تدخین و امثال آن نیز بوسیله امتناع یا اعتدال ، شده می تواند .

التهاب مزمن معده مستلزم علاج غذائی و دوائی مناسب است .
 تبها نیز غذای مایعی بکار داشته و باید به تنظیف دهن ذریعۀ يك دوائی
 نظیر گلیسرین بوریکی پرداخته شود . درسل شش هم باید اهتمام و اعتنای
 زیادی را بحالت اشتها بکار برد ، زیرا لاغرشدن یکی از امراض عادی این مرض
 است و ضعف اشتها لاغری مذکور را مضاعف میسازد در حالیکه تغذیه یکی
 از مهمترین وسائل علاج درین مرض و خیم میباشد . اما حالات عصبیه که موجب
 ضعف و فقدان اشتها می شود درپهلوی علاج آن بوسیلۀ ادویه يك علاج نفسانی
 دقیق نیز لازم دارد . و در علاج حالات عادی فقدان اشتها بعضی ادویه بسبب
 مثل کمی از (تنتور دونو او میک Teinture de noi vomique)
 و امثال آن کافی شمرده می شود .

بدبوئی دهن

يك چیزیکه موجب اذیت و انزجار خود شخص و مخصوصاً دیگران میشود
 بخر ، یا رائحه کریمه دهن است ، چنانچه هر فرد ما گاهی به اشخاصی تصادف
 کرده خواهیم بود که با وجود عدم ابتلابیکدام علت ظاهری بوی بدو نقرت
 آوری از دهن شان خارج می شود ، حتی در غالب اوقات خود این اشخاص
 هم ملتفت نقیصه خود نه شده و بروی مخاطب خودها تنفس خویش را مبدمند
 بوی اینکه اعتنایی به انزجار آنها داشته باشند .

درینجام مقصود ما از بوی بد ، رائحه مستکریه نیست که از کثافت بینی
 پیدا شده و یا اینکه بواسطه خوردن زیاد سیر و پیاز و افراط در شرب الکل
 و امثال آن میآید . بلکه غرض ما صحبت کردن در اطراف رائحه کریمه

سالنامه « کابل »

تنفس است که از اختلالاتی که در کدام موضع بنیه پیدامیشود بوجود می آید بطور عمومی مقرر این اختلالات در طرف مقدم فئات هضمیه و تنفسیه میباشند . غالباً بدبوئی از تحلیل اجزاء غذائیه که در دهن بعد از صرف طعام باقی می ماند ، و صاحب آن ملتفت نگردیده و با خراج آنها ذریعۀ شستن دهن و یا تطهیر آن با یکی از مرکبات تطهیرکننده اقدام نکرده میباشد ، پیدا میگردد و عادتاً این رائحه در موقع صبح پس از بیدار شدن از خواب حس شده و در صاحبان دندان های کرم خورده و فاسد بسیار ملاحظه می شود . زیرا دندانهای فرسوده و مریض ذرات غذا را در کما ویدگی ها و خالی گاهای خود حفظ کرده و باختیار آنها کک می کند و به ندرت اتفاق می افتد که دندانهای سالم موجب اختمار بقایای غذا گردد .

برای پیدا شدن رائحه کریه موجبات و علل دیگری مثل امراض معده موجود است ، مثلاً اگر معده ضعیف بوده و تمدد حاصل کرده باشد اغذیه در آن به سهولت دچار اختمار و ترشی شده و گازها تکوین میابند ، بالاخر این گازهای بدبو ذریعۀ آروغ از دهن خارج شده و تنفس را به انتها درجه کریه و متعفن میسازد .

بسیاری امراض حلق و حنجره و شش مثل تفرحات و سرطان و التهاب شعبی متبن نیز رایجۀ نفس را کریه میسازد .

معالجه :

اگر مبتلای این بدبوئی دهن بمعالجه این علت خویش اقدام و اهتمام نکرده و یا آن را نداند ، باید رفقا و دوست هایش با لطف و ملایمت او را

ملفت سازند تا هم صحبتان خود را اذیت نه نماید . علاج این عارضه هم از روی علت آن کرده می شود مثلاً اگر رائحه از عدم التفات به نظافت دهن نشأت گرفته باشد ، باید دهن از طرف صبح و شام و بعد از غذا با مطهرات معروفی که در بازار فروخته می شود شسته و تطهیر کرده شود .

اگر دندانها فاسد و کماویده شده باشد باید يك آن او نتر بدكتور دندان مرأجه شود تا بعاچه و اصلاح آن بپردازد . و اگر موجب پیدا شدن بوی بد اصابت معده به کدام عارضه باشد باید به معالجه آن اقدام شود ، و البته وقتیکه عارضه مزبور رفع شد رائحه هم مفقود میگردد . ولی بعضاً حوادث دیده می شود که در آن ها رائحه کریهه جز بعد از يك زمان طولی بصورت دیگر زایل نمی شود . از قبیل امراض معده . در این چنین احوال باید مسکنات دفع کنندۀ رایحه استعمال شده و دهن با یر منگناس دوپوتاس (پنج قطره از محلول تیزه رنگ آن در يك فاشق آب) یا کلورات دوپوتاس (۱۰ در ۱۰۰) یا سایر مطهرات شسته و غرغره کرده شود . استعمال قرصهای کاشو و قرصهای خوشبو کنندۀ دهن را هم بعضاً توصیه مینمایند ولی بهترین رایجه محلول (جو زین دانور) است که محتوی بورات سودا و منتول میباشد و کواکابین دخلی در عمل زائل ساختن رایحه ندارد ولی بورات سودا و مخصوصاً منتول ضد عفونی گفته می شود . بهر حال باید فراموش نشود که استعمال این محلول و امثال آن از شستن دهن با مطهرات و برس (مسواک) کردن دندان بعد از غذا صبح و شام و همچنان معالجه سیتی که موجب ایجاد این رایجه شده میباشد شخصی را مستغنی ساخته نمی تواند .

سر مشق زنده گانی

پروگرام صحت یومیه را به ۳ قسمت طرح کن ،
هشت ساعت نخواب ، هشت ساعت کار کن ، و هشت ساعت دیگر را
به استراحت ، ورزش و هوا خوری ، خوراک و غیره بگذران .
موقع بیدار شدن از خواب :

روپوش بستره و لحاف را در مقابل پنجره یا محلی که هوای آزاد در آن
پوزیده بتواند بگذارد ، زیرا ضیا و هوا آنها را تطهیر مینماید و در شست و شوی
آنها تعجیل کن . موقع بیدار شدن از خواب یک کیلاس آب سرد نوشیده
و سپس یک ربع ساعت را برای تمرینات بدنی (با ملاحظه اینکه در موسم تابستان
پنجره ها را هم باز گذاشته و در اثنای اجرای تمرینات فقط یک بشیان نازک
در بر داشته باشی) در اطاق تخصیص بده ، این تمرین عبارت از اجرای
چهار حرکت بوده ، و هر یک ازان باید ۴ دقیقه و وقت بگیرد به این تفصیل :
حرکت اولی ، در حالیکه جا بجا ایستاده میاشی مثل اشخاصیکه در آب
شنا می کنند حرکت کن و درین اثنا از راه بینی به تنفس عمیق مشغول شو .
معلوم است که تنفس بدو حرکت اجرا میشود که یکی آن ادخال هوا
در شش (شهبیق) و دیگری اخراج آن از ریه (ذفیر) میباشد . در بنوقت
حرکت شهبیق را در حین دور کردن بازوها و حرکت دومی (ذفیر) را
در اثنای نزدیک شدن آنها اجرا کرده و این عملیه را ده مرتابه تکرار نما .
حرکت دومی : تخته به پشت در روی زمین دراز بکش و قد مهابت را
در حالیکه بدنت تماماً منسبط و هموار باشد در زیر میز و یا چیز دیگر بطوری
بگذار که نتوانی آنها را در وقت اجرای حرکت بلند نمائی ، سپس بدون

استعانت دست های خوش بلند شو و بهمین طریق دومرتبه خود را به پشت بینداز
و این را ده مراتب تکرار کن .

حرکت سومی : ایستاده شده شانه را ست خود را با دست چپ
و شانه چپ را با دست راست قایم بگیر. بعد نصف بالائی (تنه) جسمت
را یکمرتبه بطرف راست و یکمرتبه هم بطرف چپ بحدی خم کن که قریباً
گاهی بایکدست و گاهی با دست دیگر زمین را لمس کرده بتوانی و این حرکات
را نیرتا ده بار اجرا نما .

حرکت چهارمی : پس از ایستاده شدن پاهای خود را محکم بر زمین
گذشته و دست هایت را بهر دو پهلو بیاویز . آنگاه تنه ات را یکبار
بطرف چپ و بار دیگر بطرف راست بدون اینکه قدم هایت بیجا شود دور
بده و این را هم ده دفعه تکرار نما .

بعد از اجرای این حرکات بدنت را بایکدستمال درشت مالش بده .

تنظیف جسم :

دندان هایت را بوسیله مسواک (برس) و خمیر مخصوص دندان
بک کرده و سپس با آبیکه در آن چند قطره آب مخصوص تنظیف دندان
مخلوط شده با شد مضمضه نما . بعلاوه در سال یکمرتبه بدکتر دندان
مراجعت کن تاماده حجروی و کلسوی را که در روی آنها تکوین و تابیخ
شان را فرا گرفته میباشد برداشته و بدین وسیله از خرابی و کرم خوردگی
دندانهایت جلوگیری نماید . همین طور موهایت را نیز بایک برس درشت
برس کرده و سرت را هم در هفته دو دفعه با صابون بشوی و بدرستی آنرا

خشک کن (خانمها بهتر است هفته يك بار سر خود را با صابون بشویند)
هفته دوم راتبه در موسم تابستان و هفته یکم راتبه در موسم زمستان با آب
گرم و صابون غسل کن و اگر متمسک نباشد هر روز غسل کن ، این غسل
بر علاوه دوش (شاور) است (در صورتیکه به آن معتاد باشی) زیرا
دوش در تنظیف جسم دخالتی نداشته بلکه دوران خون را تحریک و
اعصاب را قوی میسازد .

غذای صبح :

تا آنکه يك ساعت کامل از برخواستن از خواب نگذرد تا شنا
مکن و بایست غذايت در ینوقت شیر ، یا قهوه و و یا چای همراهی يك یا
دو دانه تخم مرغ و یکپارچه نان باشد .

تدبیر یومی منزل :

بغداد مه تعلیمات بده که بستر خوابت را وقتی مرتب کنند که دو ساعت
از برخواستن از خواب گذشته باشد (برای اینکه در ین مدت
لوازم بستره بکلی از هوا و نور آفتاب سیر و مشبع گردد) . همچنین به او
بفهمان که به جاروب کردن اطاق و غیره پیش از آنکه آنها را آبیاشی نکرده
باشد قیام ننموده و هکذا روی امتعه و اثاث البیت را بايك تکه نمناک و پاک بدون
تکان دادن آنها تنظیف نماید ، تاغبار در داخل اطاق بلند نشود . و هر گاه
که تکان دادن یکی از اثاث البیت لازم شود در آن صورت باید آن را بدون
ازینکه از پنجره خانه تکان بدهد در بیرون کشیده و پس از اجرای این کار
وایس بجایش بگذارد .

بهترین طریقه برای دور ساختن گرد و غبار همان آله مخصوصه (جاروب برقی است که فعلاً استعمال آن در دنیا منتشر شده است) به علاوه تمام اطاق های خانه باید یومیه هوا داده شده آبهای کثیف و سائرنایاکی های هر يك از آنها دور کرده شود .

بالای دستر خوان :

ناخنهای را همیشه گرفته و نظیف نگهداشته و دست هایت را قبل از نشستن بالای دستر خوان با صابون شست شو نما تا میکرو بها و جراثیم مضره که در آن چسبیده باشند دور شوند .

غذا را به آهسته گمی و تانی خورده و آن را خرب بچو ؛ زیرا جویدن نصف هضم است ، همین طور در وقت نان آب زیاد منوش بلکه مقدار آن را بقدر امکان در ینوقت کمتر نما ، نان را تا حدی نخور که تماماً سیر شوی بلکه دستر خوان را در حالی ترك کن که کمی اشتها در تو باقی مانده باشد .

اگر بدخانیات عادت داشته باشی آن را در اطاقیکه پنجره ها و در وازه های آن باز باشد استعمال کن ورنه اولاً منافذ اطاق را باز کرده سپس به این عمل اقدام نما . زیرا د خانات همانطوریکه برای معتادین آن ضرر دارد برای کسانی هم که به آن عادت ندارند بیشتر مضر ثابت میشود .

در روز :

۱ : پنجره های اطاق را بقدر امکان باز بگذار (بشرطیکه هوا بسیار سرد و یا بسیار گرم نباشد)

۲ : از دخول آفتاب در داخل اطاق جلو گیری نکرده و از طرفی خودت

سالنامه « کابل »

هم نزدیک پنجره ها و دور از روشنی بکار مشغول مشو .
۳ : درائتای کار گاه گاهی اعضای خویش را نظیر اشخاص مانده و بیکار
متمد کن یعنی کهالی کشیده و از راه بینی تنفس عمیق نما .
۴ : کم از کم روزیک ساعت را بهواخوری در فضای آزاد یا باغ و یا بایسکل
سواری تخصیص بده و عملیه تنفس را دائماً از راه بینی اجرا کن .
بین دوغذا یعنی صبح وچاشت وشام میتوانی آب زیاد بنوشی مگر یک ساعت
قبل و دو ساعت بعد از نان از نوشیدن آب خود داری نما .

بیشتر از آن که داخل بستر خواب شوی اولادندان هایت را با برس (مسواک) نظیف
وسرّت را شانه نموده و دست وروپت را خوب بشوی و سپس به این کار مبادرت نما .
دروقت خواب پیراهن فراخ ووسیع را از پارچه های نازک و لطیف بیوش
تا تمام اعضایت مستر بچ و آزادانه حرکت کرده بتوانند . البته لباس شینه باید
غیر از لباس های روزانه ات باشد . همین طور بیشتر به پهلوئی راست خوابیده
و در زمستان و بهار در حالیکه بستر خوابت معروض بجریان هوا نباشد ، پنجره
های اطاق را باز بگذار .

قوانین صحیّه عمومی :

ما کولات : در روز بمقدار قلبی از گوشت تازه یا به عوض آن ماهی و تخم
مرغ صرف نموده و سبزی جات تازه یا خشک بیشتر استعمال کن زیرا سبزیجات
جسم را نظیر گوشت تغذیه کرده ولی با اندازه گوشت ضرر ندارد . از طرفی
از استعمال گوشت های ماهی هاییکه در قطنی ها (بصورت کونسروه) بفروش میرسند
خود داری نما .

اگر خواسته باشی همه روزه درغذایات مکرونی (یک نوعی از آش اروپائی) صرف نما. در خوردن میوه جات رسیده و تازه خواه آن را می پزی و یا اینکه غیر مطبوخ میخوری بیشتر آنها مک و مداومت نما ، فقط درغذایات کم زیاد استعمال نکن ، زیرا آنک زیاد بگرده ها ضرر میرساند .

مشروبات :

آب از بهترین مشروبات است اگر از صفائی و پاکی آبیکه طرف استعمالت قرار گرفته است مطمئن باشی از جوش نخوردن آن پروا مکن ورنه بآلات مخصوصه فیلتر (صافی) آنرا از صافی واکندران واکر آله فیلتر در دست راست موجود نباشد در آن صورت آب مذکور را بقدر ۳ ربع ساعت بجوشان تا کاملاً پاک و عاری از شوائب گردد .

نوشیدن جوشانده های گرم امثال جوشانده های با بونج و خطمی در زمستان مفید است اگر خواسته باشی می توانی درین وقت از چنین جوشانده ها صرف نمائی .

لباس :

با ملاحظه اینکه لباست وسیع و فراخ باشد ، در زمستان فلا نل های ضخیم و کلفت و در تابستان نازک و نرم بپوش و برای بطون گاس استعمال کن نه کبرند .

هر گاه موسم تابستان باشد اطفال را برخلاف لباس های سیاه و تاریک البسه روشن و سرخ رنگ بپوشان زیرا البسه سیاه حرارت را جذب مینماید . و از طرفی مگذار درین اوقات اطفال جوراب استعمال نمایند .

خانه :

درخانه ات دایماً ملا حظة تهویه و نظافت آن و نیز ملاحظه دخول افتاب را بصورت فراوان داشته باش .

اطاق خواب :

اطاق خوابت باید در موسم تا بستن سمت شمال و در موسم زمستان طرف جنوب و شرق واقع باشد ، فرش اطاق اگر بجای قالین و گلیم مشمع و امثال آن باشد بهتر است ، زیرا گرد و خاک از آن بلند نشده و بسهولت از آن تطهیر شده می تواند .

مستراح :

در مستراح باید مراعات نظافت خیلی بعمل آمده و نیز منفذ های آن دائماً باز گذاشته شود .

در فوق اجلاً طرز معیشت صحیح را شرح دادیم تا برای اشخاص صیغه علاقه به صحت و سلامتی خویش دارند به حیث يك دستورالعمل بالا نچه یومیه بوده و برطبق آن رفتار فرمائید .

شفاء لکنت زبان

لکنت نوعی از ثقلت زبان است که مانع حرف زدن صبیح و روان میشود . درین باره خبری در مجله علمی انگلیسی انتشار یافته است که عبارت از قیام بعضی از اطباء انگلیسی بیک تجربه عجیبی میباشد که به شفاء لکنت

زبان منتهی می شود . و این تجربه عبارت از باد ست و پا حرکت کر دن مبتلای این عارضه است در موقع حرف زدن ، که در حین حرکت گرفتگی زبانش رفع میشود . یک عده از اطبا این طریقه را در بیست و چهار نفر مبتلای این عارضه تجربه کرده و تمام آنها در اثنای راه رفتن بادست و پا با طلاقت زبان حرف زده میتوانستند .

توجیه و تعلیل این ظاهرهٔ عجیب ممکن نیست و احتمال دارد لکننت از فشار دموی که بعضی اجزای دماغ را متشنج مینماید نشأت کرده و یا کدام نوعی از تشنج باشد که یک عامل موقتی و منبه خلیای عصب موجب آن گردد و این عامل منبه هم نتیجهٔ تمدد موقتی در مجاری نازک خون در دماغ باشد ، در بنصورت و قتیکه شخص الکن بادست و پایش حرکت می نماید فشار خون در دماغش تخفیف یافته و تشنج هم موقوف میگردد . و خونیکه موجب تمدد مجاری نازک خون شده می باشد منصرف شده و الکن میتواند با طلاقت زبان تکلم نماید .

قوانین صحیه برای موسم تابستان

بهترین طریقه برای عدم احساس حرارت تابستان اعتدال خوراک وعدم افراط در اغذیهٔ آرزوق مثل گوشت ها و ترجیح دادن سبزیجات و میوه بر سائر ماکولات است .

در حرارت شدید بهتر است مقدار غذائی را که عادتاً در سائر مواسم میخوریم کمتر نمایم چنانچه خود طبیعت هم همین خواهش را دارد . ومی بینیم

که اشتها در تابستان خیلی کمتر از زمستان بوده به ندرت واقع می شود که افسان در حرارت شدید بسیار گرسنه شود ، از اغذیه چربی دار و مواد شحمیه مثل مسکه و فند و امثال آن خود داری شود . زیرا این اغذیه تاثیر بسیاری در ازباده حرارت دارند .

قوانین صحیه که باید درین موسم ازان بیرون نمائیم خیلیها بسیط است .

ازینقرار :

برای اینکه بدرد سر و آفتاب خوردگی دچار شویم باید در موقع تردد از تابش حرارت آفتاب بالای سر ذریعه چتری یا کلاه های آفتابگیر خودرا محافظه نمائیم . برای اینکه عرق زیاد از وجود ما خارج نشود باید از تمرینات عضلیه-شده و گردش در آفتاب خودداری نمائیم . در موسم تابستان غالباً استعمال عیسک های سبز و یا مایل بسپاهی موافق به حفظ الصحه چشم است ، مخصوصاً در خارج شهر و محل ها تبکه در آن روشنائی زیاد موجود میباشد زیرا حرارت آفتاب و انعکاس به زمین و چیزهای سفید رنگ در چشمهای بسیاری اشخا صیغه عادت به روشنائی تیز نمیداشته باشند موثر واقع می شود . بهترین طریقه برای جلوگیری از تشنگی عدم نوشیدن آب بین دو غذاست زیرا انسان هر قدر آب بنوشد احساس بگرمی و حرارت بیشتر شده میرود همچنان از صرف مشروبات بسیار سرد و یخ دار خود داری لازم است . آبیکه نوشیده می شود باید بطور معتدل سرد بوده و خالی از یخ و برف باشد ، و درعین حال لازم است که آب به تانی و جرحه جرحه نوشیده شود . حتی الامکان اگر آب همراه غذا نوشیده شود بهتر بوده و فرضاً اگر بعضی مشروبات بسیار سرد را بوسیله نیجه بلوری که اکثر ادر قهوه خانه ها استعمال

می‌کنند بنوشند آنقدر ضرر ندارد زیرا به این کیفیت شخص آشامنده مجبور می‌شود آب را با تأنی و شیده و مایع در معده گرم او به تدریج داخل شود. در حالت عرق نیز از نوشیدن آب زیاد خود داری لازم است، و اگر اتفاقاً در حالت عرق آب نوشیده شود باید از معروض شدن بجزریان هوا اجتناب کرده شود. زیرا درین حال خیلی بوجود مضر تمام می‌شود. بعد از گردش زیاد اگر بنوشیدن آب احتیاج واقع شد باید یکساعت انتظار کشیده و بعد آب نوشیده شود. هکذا بعد از نوشیدن آب بلافاصله بگردش برآمدن مناسب نیست.

در روز چند مرتبه غذا باید خورد ؟

سر بازهای مما لك مشرقی قدیم در ۲۴ ساعت شبانه روز فقط دو دفعه غذا می‌خوردند. در حالیکه بطور مجموعی مردم روز ۳ مرتبه صبح، چاشت شام غذا صرف می‌نمایند. بعضی از علمای صحی درین مورد بتجربه جدیدی قیام کرده و بکار دیگرهایی اینک در مجموع مقدار غذا در هر ۲۴ ساعت چیزی بیفزاید پنج دفعه غذا میدهند گو یا زیادت دفعات خود را ک بریادت مقدار آن مربوط نمیشد یعنی عوض اینک شخص ۳ مرتبه بمقدارهای زیاد غذا صرف نماید. همین غذا را به پنج قسمت کوچک تقسیم کرده و صرف نماید، تا معده آنها را بسهولت هضم کرده بتواند.

ویتامین (ج)

ویتامین (ج) عموماً به نمو و حفظ الصحه مساعدت کرده و مخصوصاً به صحت دندانها و پیره هافید واقع می‌شود. این ویتامین در میوه جات و

سالنامه « کابل »

جوابات و مخصوصاً سیب ، سبزی پالک ، شلغم ، پیاز بکثرت موجود است .
حاضرأً علما در نتیجه تجارت خیلی و سعی موفق به اکتشاف طریقه شده اند
که بوسیله آن می توان این ویتامین را در بقولات و میوه جات که در قطعی
ها نگهداشته می شود حفظ نمایند .

پاک کردن دندان

در شبها روز اقلآ یک مرتبه پاک کردن دندان بوسیله مسواک یا برس
و چند بار دیگر همراه آب یا آب مخصوص تطهیر دهن لازمی است . اما
مسواک یا برس باید از بالا به پایین روی دندانها حرکت داده شود نه در
امتداد دندانها زیرا درین صورت بیره ها را مجروح و بهرور زمان بیخ
دندانها را برهنه و سست میسازد و نیز باید پس از ختم عمل پاک کردن
دندانها ، بیره ها از تمام جهات همراه دستمال نرم و پاک بطرف دندانها
پائین آورده شود تا بیره دوباره بجای اصلی خویش فرار گرفته
بجای نشود .



یادداشت‌های سودمند

قابل استفاده خانمهای خانه دار

رنگ آمیزی مصنوعی گلها

رنگ کردن گلها یکی از مشغولیات نفیس خانگی بشمار رفته نتایج آن خیلی خوشگوار و طرب خیز میباشد . رنگ طبیعی گلها درعین حالیکه بسیار مطبوع و دلپسند است ، ولی انسان بشوق می افتد که رنگ آنها را تبدیل داده ، چیز های شگفت انگیزی بدست بیاورد ، مثلاً داشتن گل زرکس سرخ و سبز و بنفش یک آرزوی بسیار شربینی است که هر کس را دامشگیر می شود . همچنان بدست آوردن گل یتونی سبز و یا زرد خیلی طرف میل میباشد ، برای این کار از مدت ها است در بی کشف اند ولی تاکنون آنچه کشف گردیده نتایج بسیار مختصر و نا کافی داده که چنانچه باید شوق و آرزوی باطنی شائقین را تسکین و تسلی داده نتوانسته است .

اخیراً در دارالتجربه زراعتی پاریس که مخصوص تحقیقات علمی جدید راجع به نباتات است ، یک سلسله تجارب جدیدی درین مورد بعمل آمده و چنان ادویه کشف شده که می تواند بقرار دلخواه گلها را رنگ تازه و خوش

سالنامه د کابل

نمائی بدهد ، ادویه مذکور عبارت است از رنگ (انالین) که در مقدار کمی الکل (اسپریت) مخلوط کرده ، گلها را بصورت ساقه های جدا گانه برای گذاشتن در گلدانها تیار می کنند و بمجرد بریدن بیخ ساقه ، در محلول مذکور داخل نموده میگذارند تا مطابق دلخواه رنگ بردارد ، تماشای این عمل نیمه کیماوی هم دل چسپ است ، زیرا ابتدا در ظرف چند دقیقه که مخلوط مذکور از راه ساقه به برگها و گلها میرسد ، رنگ های کوچک کوچک گلها را رنگدار ساخته سپس به تدریج و رفته رفته های برگ گل را رنگ آمیزی میکنند و بصورت یک قسم پردازش رنگ به تمام حصص گل برگ ها تقسیم میشود و فیکه رنگ را خود شخص مطابق ذوق و میل خود کافی دانست آنگاه ساقه های مزبور را از محلول مذکور خارج ساخته در یک ظرف محتوی آب صاف قرار میدهد تا رنگ مذکور ثابت و محکم شود . زیرا این آب که بعد از رنگ در برگ های ساقه بالا میرود عقب رنگ را بسته و از پائین شدن آن جلوگیری به عمل می آورد زیرا که آب ثقیل تر از الکل بوده الکل در آن حل نمیشود . به این قسم گلهای مطابق خواهش شخص رنگ آمیزی شده ، میتوان آنها را برای تزئین خانه بکار برد . علاوه بر این محلول مذکور بقسم یک ضد عفونی نیز کار داده از فاسد شدن و پژمردگی سریع گلها جلوگیری به عمل آورده ، مدت دوام آنها را بیشتر میسازد . رنگ انالین یک صفت دیگری که دارد این است که به تناسب مدت دوام کردن گلها رنگهای مختلفی به گلها داده این رنگها از بنفش کم رنگ تا بنفش تیره و از کلابی کمرنگ تا سرخ تیز و ارغوانی فرق میکنند و باین صورت همراه انالین میتوان زیاده از ده رنگ مختلف و قشنگ را بدست آورد .

یاداشتهای سود مند

در تجارب اخیر که درین باره بعمل آمده يك دواى دیگر را نیز کشف کرده اند که (فیوشین) نام دارد و بقسم عام در دواخانه ها بفرش میرسد وهم در رنگهای مختلفه بکار رفته نرخ نازلی دارد، فیوشین چندین رنگ دیگر را بوجود میآورد و مناظر فشننگی تولید میکنند. از طرف دیگر توجه که مردمان تمام دنیا مخصوصاً خانمهای خانه دار در دنیای مغرب بطرف رنگ آمیزی های مصنوعی گلها نشان داده اند سبب شده که ایشکار مورد توجه خاصی قرار گرفته و آخراً در پاریس دکا نهایی گلفروشی صدها رنگهای مختلفی بوجود آورده و گلهای تیره رنگ را نیز بواسطه رنگهای تیره تر تغییر رنگ داده اند، و حتی بعضی موفق شده اند که رنگهای جوهری معمولی را نیز پس از امیده بیزی زیاد در الکل حل کرده بکار ببرند و به اینقسم هر رنگی را که میل داشته باشند بدست بیاورند. گل هائی را که به سهولت میتوان رنگ کرد طبعاً عبارت است از گلهای سفید و نیم رنگ از قبیل نرگس، پتونیها، جریبنا، شبوها و غیره ولی طوریکه گفته شد بطریق فوق میتوان تمام گلها را رنگ کرد. آمیزی مصنوعی نمود شاید به زودی برگت و ساقه ها را نیز بتوان مطابق دایخواه تغییر رنگ داد.

رفع رطوبت از دیوارها

اکثر مردمان از رطوبت دیوارهای خانه شکایت دارند و این رطوبت که در صحن خانه هم میباشد بواسطه فرش سمن و تبدیل کردن یکمقدار خاک از صحن منور اصلاح شده و لی رطوبت دیوارها بدیگر قسم رفع نشده سبب خرابی رنگ و سفیده و سیم گل شده، علاوه بر این همه و فته روی فرش

سالنامه « کابل »

از سبب آن خاک می ریزد ، برای دفع این علت علاج آسانی بدست آمده است : یککحصه پاراقین (دواى معمولی که در دوا فروشى بفروش میرسد) و ۳ حصه روغن قطران یعنی فیر (که در تعمیرات برای اندودن چوبها بکار می برند) را بهم مخلوط کنید ، طریق مخلوط کردن این است که هر دو جز ، مزبور را در ظرفی انداخته کمی بالای آتش خفیف میگذارند تا آب شود ، آنوقت همراه یک چوب کوچک شور میدهند . تا بهم مخلوط گردد ، چون این ماده در اثر دیر ماندن سخت می شود ، لهذا باید در وقت استعمال دو باره آن را بطریق ذیل گرم و مایع کرد : ظرفی را که این دوا در آن است چند دقیقه در یک دیگ آب گرم قرار بدهید بمسئکه از حرارت آب ، نرم و آب بگین شود - این ماده که بواسطه مو یک رنگ مالی و اگر دیوار بسیار خورده شده باشد بذریعه گکماله بتائی بدیوار زده می شود از یکطرف رطوبت مزبور را می چیند و از طرف دیگر نمیگذارد که از زیر طبقه دواى مزبور نم خارج شده دیوار را بخراب کند . در تقاطیکه رطوبت زیاد است در سال یکمرتبه تکرار عمل لازم خواهد بود .

باز کردن سر بوتل

اکثر اوقات سر پوش بوتل های شیشه ئی و مساله ئی و غیره آنقدر محکم میشود که باز کردن آن بادست مشکل و همراه آلات فلزی ازسبب شکستن بوتل و تیت شدن محتوی آن خطر ناک میباشد . درین طور اوقات سر بوتل را میان دو یله در وازه قرار داده یله ها را بهم پیش بیاورید . و زمانیکه سر بوتل بفشار میان چوب دو یله در وازه قایم شد ، خود بوتل را آهسته

آهسته بهر دو طرف بچرخانید . بزودی سر بوتل باز میشود اما در چرخ دادن احتیاط کنید تا در وقت باز شدن محتوی بوتل نریزد .

نگهداری مشکوٰۃ آب گرم

مشکوٰۃ آب گرم علاوه بر آنکه در اکثر اوقات بقسم علاج در تخفیف آلام جسمانی مورد استفاده قرار میگیرد ، در موقع سرما برای گرم کردن جای (بستر) نیز خیلی بخوبی کار داده انسان را در خنکهای اول و اخیر زمستان و اول بهار از داشتن بخاری مستغنی میسازد . اما نگهداری مشکوٰۃ آبگرمی قدری مشکل است زیرا بزودی از اثر ریزش آب داغ خشک شده یاره و از کار می بر آید . برای آنکه مشکوٰۃ بسیار دوام کند ، هیچگاه در آن آب جوشان نیندازید و از آب پر نیز نکنید بلکه بقدر سه ربع آب در آن ریخته قبل از بسته کردن ، هوای داخلش را خارج سازید یعنی مشکوٰۃ را از زیر قدری فشار بدهید تا آب بحصهٔ نوٰۃ آن برسد و در همین حال سر پوشش را محکم کنید . با اینقسم مشکوٰۃ چندین سال کار میدهد و خراب نمیشود .



پخت و پز

پختن فاصولیه

روغن ، دنبه ، گوشت ، شوربای یخنی ، باد نجان رومی ،
یکپا و سه خورد ، سه پا و ، سه پا و ، سه پا و ،
پیاز ، فاصولیه ، نمک ، مرچ سرخ تازه ، نار صلی یا گشتیز ،
یکپا و ، سه پا و ، ۶ مثقال ، ۸ دانه ، ۸ مثقال .

اول روغن داغ کرده شود بعد دنبه ریزه کرده به همراه قدری نمک بروغن
انداخته شود بعد که دنبه سرخ شد گوشت را شسته انداخته شود گوشت که
آب خود را خشک کرد پیاز را چهار تکه کرده انداخته شود و شور بدهند
تا که همراه گوشت برنگ با دامی شود. بعد آب بقدر ضرورت انداخته
شود که گوشت کمی نرم شود بعد نصف با نجان رومی را آب کشیده همراه
کوفته های گول در میان آن بیندازند تا خوب شور با شود .

اگر چه در افغانستان اصول متری در اوزان و مقادیر رواج دارد ولی
محض استفاده عموم طبقات درینجا اوزان و مقادیر سابقه نشان داده شده ولی
هر کس میدانند که • گرام یک مثقال و یک متر مساوی ۱۵ بار یعنی یک بار
کم یک گز است .

کباب لوله

یکچهارک گوشت استخوان کشیده را یخنی کنند که آب آن نماند بعد آن را از ماشین گوشت کشیده و سه خورد پیاز خام را هم از ماشین مذکور بکشند بعد هر دو را یکجا کنند که مخلوط شود بدینموجب :

دنبه گوشت یخنی شده، گشنیز ، سرخ نمک ، هیل کلان ، سیر تخم مرغ یکجا و ۳ مقال ، ۳ مقال ، ۶ مقال ، ۲ مقال ، ۱ مقال ۵ دانه

گاهی تخم کمتر بکار میشود . باید فوام گذشته مد نظر باشد مصالح مذکور با زردی و سفیدی تخم مرغ دران مخلوط کرده بعد بدست خود لوله کرده خواه کلان خواه خورد باشد آن را بروغن درکراهی المونیوم دسته دار سرخ کنند .

چتمنی آلوبالو

آلوبالو ، بادام تازه مقشر ، هیل خورد ، سرکه یا آب لیمویا آب غوره یکجا و یک خورد نیم مقال قرارخواهش ، سرخ یا سیاه هر کدام مطلوب باشد نیم مقال . گشنیز تازه بقرار خواهش خواه داخل بکنند و خواه نکندند یک مقال .

آرشی بودنه و مرغ

بودنه ، زیره سیاه سرخ شده ، سیاه دانه درست سی قطعه دو مقال دو مقال

حلبه درست ، هیل کلان سرخ شده ، میخک سرخ شده
 دو مثقال دو مثقال یک مثقال

آوری درست ، جلوتری یعنی بسباسه سرخ نشده ، زردچوبه سرخ و کشنیز و سیر
 دو مثقال یکدرم

بقرار خواهش ، اما کشنیز سرخ شود . نمک بقدر حاجت تیل شرف و سرکه
 بقدر ضرورت میده شود .

اول بودنه هارا با آب صاف جوش داده یخنی نمایند دوم سرکه را بجوشانند که
 از چهار حصه سه حصه بماند سیوم تیل را صاف کنند چهارم تیل صاف شده را
 بدیگ انداخته پنجم حلبه درست را به تیل مذکور سرخ نموده ششم بودنه
 های یخنی شده را بالای آن انداخته قدری سرخ کنند هفتم زرد چوبه و
 سرخ سرخ و کشنیز و نمک و سیر را داخل کرده قدری قدری سرکه انداخته
 جوش بدهند تا وقتیکه گوشت بودنه هار ش شود بعد از آن باقی سرکه را
 انداخته اوری و سیاه دانه درست و جلوتری میده شده و زیره و هیل کلان
 و میخک را داخل کرده چند جوش داده فرود آورده بر تیان اندازند . مگر
 تیل و سرکه مذکور اینقدر باشد که بقدر دو انگشت در مرتبان از بودنه ها
 بالا باشد . اگر بودنه کم و زیاد باشد از فرار مقداری جز و مذکور و
 عددی بودنه مصالح مذکور را نیز کم و زیاد کنند .

تبستی پودین

ساختن و پختن نان آن :

قد میده ، آرد نرمیده ، تخم ،
 نیم پاو نیم پاو ده دانه

اول زردی تخم را همراه قند میده خوب مخلوط کنند بعد ازان آرد
ترمیده را همراه زردی تخم و قند مخلوط يك جا کرده خلط نمایند و سفیدی
تخم هارا کف کرده يك جا کنند و درجای می که بر و غن چرب کرده باشد
پیندازند و سرجام سردیگی گذاشته بر خر و ج آتش مانده بر سرش نیز آتش
پیندازند تا پخته شود .

شوربای یخنی جوش داده و فاصولیه را بالای همان گوشت بدیگ انداخته
و شوربای یخنی و آب بانجان رومی بکجا جوش داده بالای آن انداخته شود
و جوش داده شود تا وقتیکه آب آن کم شود بعد گشنیز رومی و مرچ تازه را
خلال کرده بیند ازند بعد چند دانه بانجان رومی دیگر را دو دو حصه کرده
بالای آن چیده شود و بسر آتش نرم بگذارند تا وقتیکه پخته شود .

چنتی زرد آلو

زرد آلو خلال کرده، سرکه، گر اعلی، زنجبیل، مرچ سیاه، سیادانه،
یکسیر یکسیر دونیم پاو ۱۰ مثقال ۵ مثقال ۳۰ مثقال
مرچ سرخ، نمک، سیر خلال کرده
۵ مثقال ۲۷ مثقال ۱۰ مثقال

اول سرکه را صاف نموده با آتش بگذارند گر اعلی دران داخل نموده گرم
نمایند تا که گر در سرکه آب شود بعد ازان سرکه را صاف نمایند. زرد آلو نیم
پخت را خلال نموده دران پیندازند سیر را خلال کرده مرچ سرخ و نمک زنجبیل
مرچ سیاه را در آن مخلوط کنند بعد خوب جوش داده تا وقتیکه زرد آلو نیم
پخت خوب نرم شود و مزه همه مصالح و سرکه و زرد آلو با هم يك شود .

پرا کړی

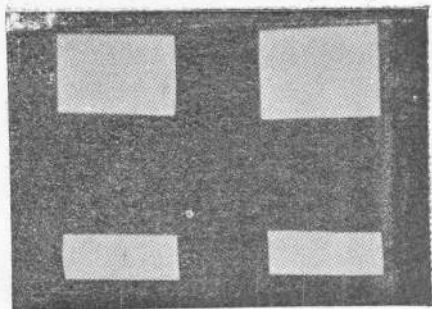
۳ خور د بادام ویک خورد پسته را در آب گرم انداخته بادام و پسته را از پوست جدا کنند که مقرر شود بعد از آن در کنداله کوفته و میده شود مساوی آن قدر که کوفته و از میده نیز کشیده بعد بادام و پسته و قند و دانه هیل را کوفته همه را مخلوط کرده در کاسه چینی بگذارند - در نیم چهاریک آرد ترمیده بقدر یکنیم خورد روغن صاف کرده انداخته دست مالی کرده و آب انداخته بمثل که برای پوری سمبوسه آرد تیار میکنند بعد از آن بقدر اندازه پوریهای آرد تیار کنند هر گاه پوری خورد باشد بقدر ۶ نخود وزن هر گاه کلان باشد نیم مثقال از همان بادام و پسته و هیل که در کاسه چینی گذاشته است انداخته دهن پوری را بسته کنند بمثل سمبوسه که در چین انداختن روغن باز نشود . در کراهی آهنی میان روغن اعلی سرخ کرده پوریا را ۵۰۵ خواه اضافه انداخته پخته کنند .

نسخه چینی اشتق

اشتنق . خرما بدون خسته . کشمش سرخ . خلال ادرك
 ۱۵ مثقال ۲۰ مثقال ۲۰ مثقال ۸ مثقال
 سرچ سرخ بقدر خواهش ، نمک بقدر ضرورت ، سرکه بقدر حاجت ، اشتق
 شب بسرکه ترشود که برای فردا نرم باشد .

اختراعات و کشفیات

تلویزیون در میدان عمل



از اختراعات مهمه و خیلی دلچسپ عالم امروزی ، یکی هم «تلویزیون» است که نام آن کمابیش بگوش هر کس رسیده و مفکوره ازان دارند . و در سالنامه سال اول کابل هم از چگونگی آن تذکاری رفته . تلویزیون که عبارت از دیدن اشیا و اشخاص و یا گزارشات یک نمایش ، از فاصله بعید است ، روز بروز در ساحت تکامل پیشرفت امید افزائی نموده و متخصصین علاقه مند آن ، همواره در ساخت دستگاهی که بتوان بذریعۀ آن

عکس (۱) - عکس (۲)

سالنامه و گابل

اشبارا از دور دیده و حرکات و سکناات و آواز آنرا استماع نمود ، مصروف مساعی بوده اند . اینک در اثر این مجهودات ، بالاخره به عملی

ساختن این نظر به
و نمایش آن معرض
عموم ، کدامیاب هم
شده اند ، چنانکه درین
تازه گیها (درامه)
مخصوص نمایش تلویزیون
در لندن در اطلاقی که
دستگاه فرستنده رادیو
و تلویزیون وجود داشت
بمعرض تمثیل گذارده شد
و از اطاق دور دست
دیگری که دستگاه آخذة
رادیو و تلویزیون قرار
داشت ، عملیات نمایش
مزبور را به بسیار خوبی
و بدون کم و کاست دیدند
و شنیدند .

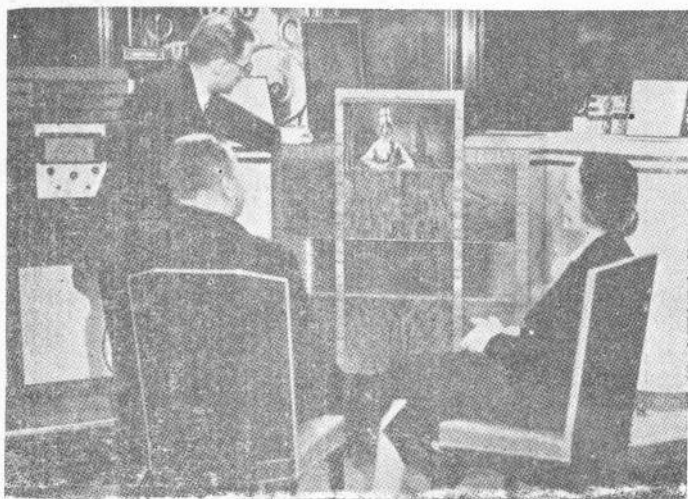
کنون این دستگاه
جدید تلویزیون ، مراحل
اشکالات خود را



عکس (۳) - عکس (۴)

اختراعات و اکتشافات

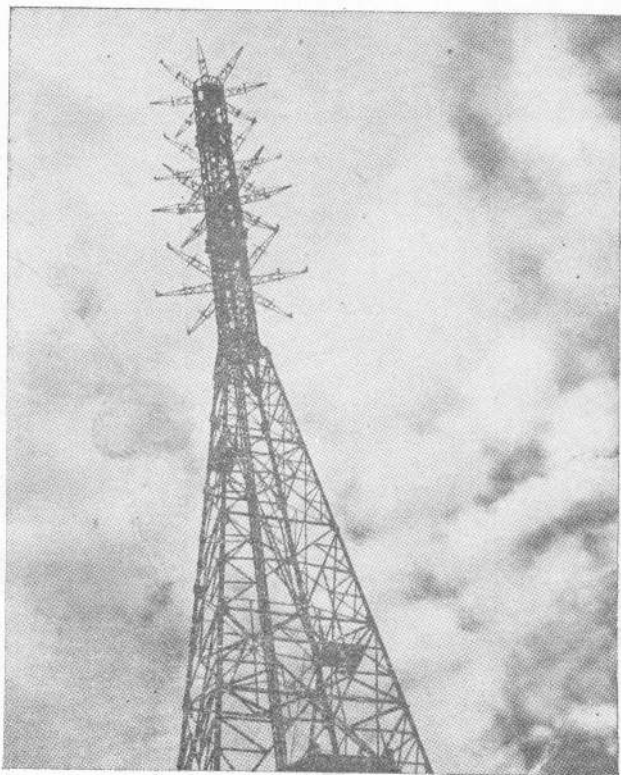
پیموده و عنقریب در بازار تجارت عرض اندام خواهد نمود. در آن وقت ، بد داشتن چنین دستگاهی ، شما میتوانند سینه‌های ناطقی در خانه خود داشته باشید. بر حسب میل ، در امه و نمایشاتی را که در دنیاى خارج بقرار پروگرام‌های معینه ، اجرا شدنى است ، برای اولین مشاهده نمائید در آغاز يك نمایش ، چیزی که در روی پرده دستگاه تلویزیون خود



تماشا کننده گمان روی پرده مناظر مختلفه را می بینند خواهید دید ، عبارت خواهد بود از روشنی سفید یکه شروع نمایش را نشان میدهد (چنانکه در عکس اول می بینید) دوم ، نوع اصول تلویزیون را خواهید دید « چه تلویزیون عجائلاً بدو اصول ساخته شده » اصول

سالنامه « کابل »

مارکونی - و اصول بیرد « (عکس دوم) بعد شخصیکه خالص حکاریه یک درامه



برج هوایی دستگاہ تبلی و یزون

اختراعات و اکتشافات

را اعلام میدارد ، در نظر شما جلوه گر خواهد شد (عکس سوم) - سپس اصل نمایش آغاز خواهد نمود - و تمام گزارشات يك درامه را در حالیکه در خانه خود استراحت نموده اید ، تماشا خواهید کرد (عکس چهارم و عکس پنجم) .
ولی عجلاناً منتظر عام شدن ، این گونه دستگاه باشید .

طیاره است یا موتور؟

در اسریکا یکتیم طیاره جدید اختراع شده که بنوع (اتوزبرو)



طیاره است یا موتور

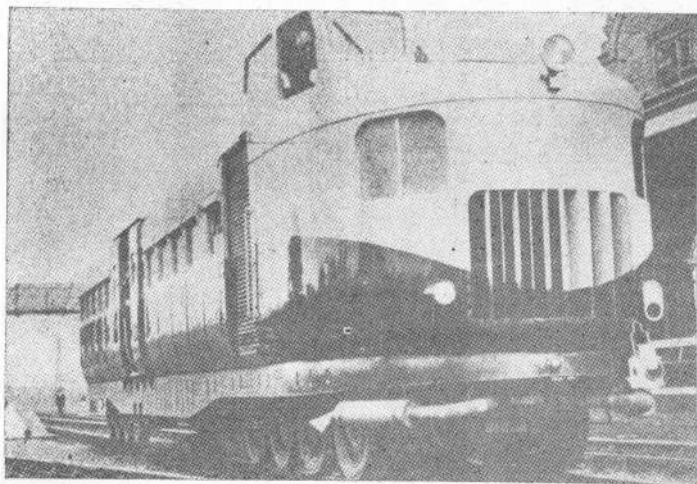
شهرت دارد ، این قسم طیاره ها بخط مسقیم در جوفضا صعود کرده میتواند .

سالنامه « کابل »

نیز در طرق و شوارع میتوان آنرا مانند موتر معمولی استعمال کرد و اگر در حین زمان راننده آن میل کند در فضا پرواز نماید پروانه آنرا چالان نموده فوراً به هوا پرواز مینماید .

قطار بی صدا

اخیراً قطار جدیدی اختراع شده که عرابه های آن از رابر و آواز حرکت



قطار بی صدا

آن شنیده نمی شود. این قطار را در اسکاتلند تجربه نمودند بکامیابی تنقی شد ، این قطار عبارت از عرابه است که در آن ۵۶ نفر سوار میشوند ، اطاق راننده آن در قسمت بالائی قرار یافته است .

اختراعات و اکتشافات

موتور دو چرخه

اخیراً در لندن موتور کوچکی ساخته اند که فقط دو چرخ (عماده) دارد



موتور دو چرخه

و روی آنها بدرستی حرکت میکنند . این موتور از روی بزرگی خود ۴ برابر خورد تر از موتور معمولی است و قیمت بسیار نازلی بفروش میرسد . در پهلوئی آن اوتوبوس شهری بزرگ را تماشا کنید !

موتور سی اففانگی؟!

گرانی قیمت موتور و مصرف سوخت آن کارخانه های موتور سازی را

سالنامه و گابل

تخیال انداخته است که در صدد رفع این نقایص برآیند و در نتیجه اخیراً این

موتور (تصویر پهلو)

را برای آزمایش

ساخته اند قیمت

آن سه دالر (۳۰)

افغانی باست و بایک

کبلین تیل ۱۶۰

کیلو متر را طی

میکنند و سرعت

متوسط آن در

هر ساعت ۶۰ کیلو

متر است .



موتور ۳۰ افغانی کی

آله اعدام مگس

امریکاییان از هجوم مگس متأذی شده و در صدد اختراع آله اعدامی

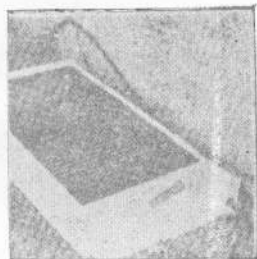
این حشره برآمده اند و در نتیجه جعبه که از

سیم های برقی پوشیده شده است اختراع

کرده اند . بمحض اینکه مگس روی آن قرار

میگیرد فوراً می میرد و بین سیم های زیر

جعبه می افتد .



ماشین تشخیص امراض

اخیراً نمایش فوق العاده تعجب آوری

آله اعدام مگس

اختراعات و اکتشافات

در لندن با بعرضه ظهور نهاده وعده زیادی از علماء را در تاشای (طبیب برقی)
مات ومهوت کرده است . مقصود از این نمایش تشخیص امراض برقی بوده
سرچشمه این اختراع شگفت انگیز اینست که امراض بشری موجبات النهار
در ظرفیت برقی عضو مریض را فراهم میآورند .

بنابراین اگر ماشین فوق الذکر به بدن مریض وصل شود بو سبب تشخیص
میزان جذب برق توسط این ماشین فوراً عضو مریض معلوم میشود .

آیا کرها خواهند شنید؟

دا کتر استورات اظهار میدارد که کافی است در کرها بجای گوش
عضو مصنوعی دیگری قرار دهیم که قابلیت جذب تابیر امواج صوتی را که در
تمام بدن منتشر شده داشته باشد .

بنا بر این نظریه اسبابی توسط خود دا کتر ساخته شده و در آنها میکه
قدری گوشان سنگین بوده است نصب و با کمال شگفتی ملاحظه شده
که سنگینی گوش بکلی برطرف گردیده است . ممکن است ترمیماتی که بعداً
در اسباب اختراعی فوق الذکر بعمل آید موجب تسهیل شنوائی را در کرها
فراهم آورده ممکن بحال آن هائی که اصلاً کرمیباشند نیز مفید واقع گردد .

تانک جدید

در جنگهای اخیر ایطالیا تانک های جدیدی که در معرض استفاده
گذارده شد از جمله ، تانک پل دار بود .
خاصیت این تانک عجیب این است که در موارد لازمه میتواند پل فولادی

« سالنامه » کابل

محکمی بوسیله چرخانیدن يك چرخى از خود خارج نموده و بدین وسیله روی رودخانه كوچك و نهر بزرگى را سد كند. بنا بر این عبور نفرات از روی آن آسان میشود. این تانك برای ممالك كوهستانی نهایت درجه مفید میباشد.

بایسكل پره دار

يك نفر مخترع فرانسوی اخیراً موفق به ساختن بایسكل عجیبی شده است. در مقابل دسته (هندل) بایسكل مذکور يك ملخ سه پره بزرگی ساخته شده است و زنجیر چرخ بعوض اینکه متصل بچرخ عقب باشد بالعكس متصل بملخ بوده و بواسطه حرکت ركابها (پایندان) همان ملخ بسرعت زیادى مچرخد و بنابراین وسیله حرکت بایسكل را فراهم میآورد. فائده بایسكل مذکور اینست كه اولاً سرعت آن بیش از بایسكل های معمولی میباشد و ثانیاً یا زدن آن برانقب آسانتر بوده شخص را زود مانده و خسته نمیسازد.

بشارت به عقیم ها

فراریكه اطلاعات جمعیت كیمیاوی امریكا نشان می دهد جدا کردن ویتامین پنجم كه موسوم به ویتامین (E) است صورت علمی پیدا کرده است، و بواسطه این ویتامین است كه جنس اناث حامله شده با تولید می نمایند.

قوت این ویتامین طوریکه دیده شده خیلی ها زیاد است، بحدیکه ترزیق ۳ میلیگرام آن به بعضی از حیوانات عقیم، عقامت شان را بر طرف کرده و باثر آن حامله شده زائیده اند. فراریكه تجارب نشان میدهد این ویتامین تاثیر زیادی در زدن های عقیم (سنده) هم دارد.

قوای حربی دول

(از روی شایعات جامعه ملل)

تعداد عساکر

۱۰۴۰۰۰۰۰	اتحاد شوروی
(همراه عساکر مقیم حبشه) ۸۰۰۰۰۰۰	ایطالیا
۷۴۰۰۰۰۰	فرانسه
۶۰۰۰۰۰۰	آلمان
۵۰۰۰۰۰۰	جاپان
(بدون عساکر ماورای بحر) ۲۰۰۰۰۰۰	انگلستان
۱۵۰۰۰۰۰	امریکا

تعداد طیارات

۲۰۰۰۰	روسیه
۱۰۹۰۰	ایطالیا
۱۰۸۰۰	انگلستان
۱۰۸۰۰	فرانسه
۱۰۲۶۰	امریکا
۱۰۰۰۰	آلمان
۹۰۰	جاپان

جهازات بحری

انگلستان	اتازونی	جایان	فرانسه	ایطالیا	المان	
۱۴	۱۷	۱۱	۱۰	۶	۲	جهاز بزرگ جنگی
۵۴	۳۷	۲۴	۱۸	۱۹	۱۲	کروزر (هررقم)
۱۰	۶	۸	۲	۱	۱۱	راکب طاره
۱۷	۱۲	۲۹	۳۵	۱۲	۱۶	جهاز رهنا
۸۹	۶۲	۶۷	۳۹	۵۴	۱۲	مخرب
۵۳	۳۶	۵۰	۸۳	۶۶	۶۴	تحت البحری
۶	-	-	۹	۴۲	۱۷	جهاز ساحلی

جهازاتیکه در سال ۱۹۳۷ ساخته میشود

انگلستان	اتازونی	جایان	فرانسه	ایطالیا	المان	
-	-	-	-	-	۲	جهاز بزرگ جنگی
۶	۸	۴	۲	۳	۲	کروزر جنگی
-	۱	۲	۵	-	۱	راکب طیاره
۹	۲۰	۱۱	۱۲	۸	۱۵	مخرب
۳	۶	۱۰	۸	۱۲	۱۴	تحت البحری

پستو خنگ و رنو ؟

بیکری چراییں ایدستان بیکری

ہر کلمہ چہ تاریخ پلٹو او کو رو خرننگہ چہ دن روئے اقوام او ملل د دنیا ہغہ اقوام او ملل دی چہ لپخوانی لویو نژاد او تو موخہ میل سوی او خاوندان دگو بی کوبنی قومیت او ملیت گزہ ریدلی دی بہ ہغہ اندازہ ددوی ژبی ہم ہغہ شری دی چہ پورہ سنیدو ورو کین لہ اساسی اولویو ژبوخہ بیلے سوی او مستقل شخصیت نے حکایت مند لی دی .

ہغہ شی چہ مستقیماً دانسانا نو دلسی (اجتماعی) ژوندون سرہ امرہ لری د اجتماعی ژوندون زوکری (مطلق) او د تصور او تکامل و ناموس تہ تل مطیع او پرمان ورونکی دی ، نو ہر کلمہ چہ شہ بہم دانسانا نو د ژوندون سرہ نبرد سے رابطہ او ان لری بہ اختیار کین د تحول او تکامل وی ، او ہلدا ژبہ چہ نن و سرخ پرد نیاکین لوہر مقام لری او د علی او فنی ہستی خاوندہ وہ خو پیری پی خواہ ہیخ کلہ نہ وہ او کہ وہ ہم د فقر او ناقوانی پردول اوسیدہ د علم سرے ہیخ او نہ درلودہ لکد ؛ فرانہ ، انگلیسی ، جرمنی ژبی او ددوی بہ خیر ، ہر کلمہ چہ د بشر مدلیت پر مخ و لاپر او د معارف خلائندہ دیوہ د دنیا بہ ہو گوینہ کین بلہ او بر نہ سوہ ژبی ہم پر محتیا (ترقی) و کیرہ او ورو ورنجیل واک (استقلال) خاوندہ سوہ او د پیلے ژبی دبا داری پلٹی نے لہ او پے نخ و اماوہ .

پہ دے وخت کین چہ لہ نہ مغہ د پستو د ژبی روزنہ او اصلاحات بہ نظر کین دی او د ژوندنا سباب نے راغندی بری ، نو بیانی چہ دیوہ لندہ کتنہ د ژبو د تکامل بہ تا ریخ کین زمرور حوصلہ امرتہ کی اولہ پیلے خواہ د ژبی بہ ژوند کین بہ علی اصولو سرہ مور د تجربے شبستان و گزہ نری ، نو دادی چہ لاندے پہ لندہ پل سوہ د خننو مہمو ژبو د تکامل بہ تاریخ کین سترگی رغرم و ترخوچہ و پوہیو و چہ دے ژبو تہ خہ وخت سرہ میت و رکرری سوی اولہ پارہ د ژوندون نے چا اوخہ وخت او بہ خہ د ول خدمت او کار کرایدی او مور چیلہ شہ بہ (پستو) خنگ و پالو .

داروپارٹی: ہرکلہ چردا ایتا پانچ گورادو ملتودا دیا تو تا پرخونہ تے ترنظر تیرو وینو
چرہ منزنی قرن کیں پرتول اروپا کیں لا تینی شربوہ ودا حال دہ رنسانس^(۱)
تردورے پورے وہ، ہرکلہ چردنسانس لری ویرانگہ لدا ایتا لیا شخہ پرخلید وسوہ وادابی دیوہ^(۲) دانستہ
مشہور شاعر ایتا لیا بلکہ، مورہم لا شخہ چرمبداء دخیلو تحقیقا تو ایتا لیا وگر نرو۔
دایا ایاملی شرب: دخلور لسم قرن پراول کیں یوہ رسمی اودلیک شرب پرتول اروپا کیں سلیہ لاتی
نلیدہ کیدہ اوتول کتابونہ پربہ باب کیں چروودلا تین پرخط او شرب لیکل کیدہ پاپ اودرہبانا نو دلے
علاوہ پرخانی چوپر (خدمت) دلیکنے دنہ (وظیفہ) ہم ترسہ رسولہ دیرکتا بونہ تے ولیکل اوخپارہ تے
کرہ، ددے لیکونکوشیخ پوچ دیربہ اما سرلدے چرد علم وادایت پرترقی کیں تے خدمت کاوہ اودکتا۔
پہ لیکلو کیں تے زیارکین (جگہ) چرہ ہغہ وخت کیں مطبعہ نہوہ تول کتابونہ پلاس اوقل لیکل کیدل) مگر دخپلے
ملی ژبی پزوند کیں تے ہیخ توجا و فکر نہر لود جگہ: ہغہ و منزنی قرن اوسیدونکی داروپا نکرا پشک
کبہوہ، اوخپل خانونہ تے لرخلو پلاز اوتیکہ گانو شخہ پانہ اوکر گیل اوویل برے چرہ ہغہ کا چر پلاز اوتیکہ
کانوموندی کمی مورے ہم باید ونہ کو جگہ: بیریدل چر پیرہ کہ نا پوہی اختہ نسی او پراخت کیں پرخذاب
ککرنسی۔ پردغہ وخت کیں وہ چردانستہ ایتا لیا لوی شاعر و زبیدی اوورہ دستہ لہ تحصیل شخہ تے
پرخمیری شروع وکرہ او یوہ کیدی (۲) تے د (دیون) پرخنامہ ولیکلدا پرخغہ کیں تے قول دایا لوی شربے
دلغاتا واصلاتو رعایت وکی، داد دانستہ کیدی چردایا لیا پرتربہ لیکلے سوہ و ایتا لیا پخلقا و
مجلسو کیں تے دول دول اغیرہ وکرہ۔ خوپرہ بد وویل جگہ: ویل تے چردانستہ پخوانی او میرانی شرب پربنودہ
او کیدی تے پرایا لوی شرب ولیکلے، نو خلق چر عموماً پرا لاتی شرب نہ پوہیدہ اودلا تین د شربے شہالی تے
پرخراجی سمیت دپارہ مانہ ددانستہ دا کیدی تے پرخدیہ نظر وکتلہ اووے منلہ خنوکسا، چر پرتارک
او بوکاس تے مشران وہ ددے کیدی تقلید تے وک، دانہ پربسبک ہغو سختو ملا متیو چر دخنوہ خواہ
(۱) رنسانہ ہغہ دورہ وہ چرہ ہغہ کیں داروپا ادبیات اوہ تبع ترقی وکرہ اولہو حیث قابلہ استفادے وگنہ بیک۔
(۲) ہغہ دہرے او نقلونہ دی چرسمی خوشحالوی۔

ہستو

پورہ ویلے کیدے، کہ وخت چرے خپل بلہ کیدی پنا مدد جہنم لیکلہ حیران و، چہ پر کھ شہرے و لیکلہ پر دستے
 پد ایتلایا او ورسوتلہ ہف داروپا پرا کٹر و ملکو کین یوبل فکریا سوسچہ ہفہ فکر (ہیوما نیوز یعنی بشر دوستی)
 فکرو ہرکلہ چہ اس دھیوما نیوز دعا مو دشرے اہیتت و غور والی وہ نو دے فکرو دانستہ و خیلا توتہ
 مرستہ (کماک) و کرہ و اخلاف د دانستہ پترارک او بوکاس ددہ پر پلہ بران سوہ او پر فلورانس کین، یوم کر پد پڑ
 ددے نظریئے پنا مددھیوما نیوز (HUMANISME) تاسیس سو، کہ شہم دا قولنہ لک دانستہ د ایتلایا
 دملی شہی پر شروند کین تا ورنہ او دملی شہی شروندون نے دخیلے دندی (وظیفے) دوہرہ درجہ بالہ مکہ بیٹا ہم
 دیر خداتہ ایتلایا دملی شہی پر شروند کین وکی۔

باید ویاو یوسرہ دے چہ دملی شہی شروندون پد ایتلایا کین دانستہ او ددہ دا آثار و سرہ یو خاے پیدا سو
 بیائے ہم دونہ پالنے نہ کیدہ جکہ پر ہفہ وخت کین ملیت او وطنیت دو نے مفہور نہ درلود۔

پد ایتلایا کین دا ذہنیت یوہ او پورہ نہما نہ غور وہ او ادبی مسلکونہ لک دھیوما نیوز او کلا سینرا او
 او نور ہر شہی پر دے نہما نہ کین موندک سوہ قولولہ دے ذہنیت سرہ جگہ کولہ۔ علی او ادبی انجمنونہ سر و سخ
 روح دہر پدک۔ مخصوصاً اختراع د مطبعہ چہ د پنجا سہم قرن پد نیکی کین چہ د (کو تہ برگ) نامی لخواہ اختراع
 سوے وہ لیبوے خواہ نے ادبیات لور کیرہ اولہ بیلے خواہ نے نور و مللو دخیلے ژبی و ژوند تہ پام کی خککہ
 پد فرانسه کین (پلریا و) انجمن تاسیس سو او د فرانسه ژبہ نے تریوے اندازے پورے و روزلہ او پد خپل
 ملت کین ٹی رواج کیرہ او پد جرمنی کین نومہ و پورے (معروفہ) دورہ د (سرفوزر) شروع سوہ او انجیل لوہر پد
 جرمنی ژبہ ترجمہ کی۔

دفرانسہ ملی شہرہ: دفرانسہ معروفہ دورہ (د صنعت او ادبیا توپ ترقی او شروند کین انتہا او
 د بیستوب) دفرانسہ پر مملکت کین وروستہ لایا شخہ تراغلہ جکہ: پد شاپارسم (۱۶) قرن کین ٹریلکونکی
 لک: (اہلہ) او (مونتن) اولوی شہر لک: (مارو) او (سرفنار) شہر کڈ سول ہرکلہ چہ دیو ہم لک د ایتلایا
 مشہور شاعرانستہ او ملگری د ہف و د منزنی قرن د ژوند شخہ تہراوہ او پخوانی ملی ادبیا توتہ نے مینہ
 درلودہ: نولہری چارہ چہ د کڈ شعرا د ادب بنا غلو و کیرہ ہفہ دفرانسہ د شہری غورہ کول وہ جکہ: چہ دیو

سالنامہ "کابل"

اوملگری ددوی چروروستہ لدے نے دادیا تو یہ دگر کین پیسہ کسبیدودہ غورہ اوکلیلی پارچے او
 آگہرنے لیونانی اوروما شخروا خیسے اوہغہ نے دفرانسہ پر بوبہ (خالصہ) شربہ ترجمہ او پیلہ نے
 روان سوہ پردے وخت کین و، چروطن دوست لیکونکی موسومہ (ژول) لمہی پلائی بیوہ
 (تراژدی) (۱) دفرانسہ پر شربہ ولیکلہ اوخپوہ کمرہ اودا خیلہ تراژدی نے پے حضور دہغہ وخت
 دپادشاہ (دوم ہانری) ہم ونودہ لیوے خواہ دہانری دپادشاہانہ پالطافوسر لوری وگزیہ
 اولہ بلے خواہ نے دوطن واولاد ووتہ ژبی دژوندامین ورنزہ کمرہ جھکد اطبعی دہ چروینوی
 اوبکر عمل ہر کلہ چر دپادشاہ خوین او منظوری او پندرہ سترہ ورتہ گوری ہر پورہ ہغہ کسان
 چر لہ نیز دے یا لہرے دہغہ عمل کونکی دی خوشے وس وی ہاند (کوشش) کوی چرووی ہم ہغہ
 عمل یاد ہغہ عمل پدول وکی اود پادشاہی پالطافوسر لوری سی نو ددے عامل پیلینو (پیروی)
 سروہ چر دے لیکونکو غوندے یعنی ملی شربی پالنگو وار پیر وار دیر بیت وکی اودمیسہ پے اغیز
 اونرہ توردے کسا نو او پالنا او پام لہرہ ددوہم ہانری چر پادشاہ وخت و، دفرانسہ شربی خیل ملی
 مقام وینو .

پر دے وخت کین چینہ دے وہ چر دفرانسہ شربہ پیلک (قطار) کین دنور وژ بود لورہ مقام
 اومنزلیت خاوند سی لہ باہ مغرہ دہغہ مملکت پر لیکونکو کین خنے کسان شمر گند سول اولو لہ نے ددے ماشوم
 چر غونہ نے چر پدینو ورنہ پیری اوکت مت دفرانسہ دمیت وول وموی دکلا تینی لغاتوا وکلمو
 پیکہ ولوسرہ نے بیاملا ورماتہ کمرہ ترخوچرنن روح ہم دشربی علما اوموخیان چر غواری دنن سروے
 دفرانسہ دشربی شہل (بخت) وکی وائے چر دفرانسہ پر شربہ کین دوہ تو یہ (سیلد) دکلا تین دژ بے کرسول
 یوپہ منزی قرن کین اودوہم دانتبہاہ پدورہ کین .

دا اوضاع ترہغہ نہمانے پورے وہ چر لوی ۱۳ دفرانسہ پادشاہ واکلاسیکی (۲) ادبیات
 چر پے ہغہ وخت کین خیل لورہ مقام او عظمت تہر سیدلی وہ ہم پردے واسطہ وہ چر نسبت ژبی تہ

(۱) ہغہ لہے او نقلو بچر پیری غم جنوی . (۲) دادین سلکو شخرو بوسلک دی چر پے ۱۷ قرن کین پرفرانسہ کی لوری مرتبہ تہر سیدلی وہ او
 بیائے خیل خاصے رومان تہرینو د اوچھاہ نیست سو .

پستو

دعکری داوضع اوتربنیے پر سر کم کولو اونور الوسی (اجتماعی) مسئلو باندی بخت و اوھف خدمت چرڈی تہ بنائید وے نکئی، فولا نہر وہ چہرہ طبقہ پیدا سوسے وائے ترخوچہ دانقصان لے لہ میسخ شخہ آخستی وائے اودڑی دپربختیا دکرنے پاک کرمی وے - دغروہ چہرہ دلہا دیے یعنی شخہ کد بورادفرانسہ دادایا تو پرکلا نوپہ الوتوسوسے .

دے دینخو شاعرانواولیکونکو دے ورو ورو دفرانسہ پرا دیا تو کین بنہ بریالی توب اونفوذ شرگندکی اوتردے حدے تے بری وموندچہ دفرانسہ دادایا تو دنگ لارے وگرزولہ اودڑی پنظم اونترکین لے پرعوض دھغہ زیر وگہ و تعبیرانوا واصلانوا تودلا تین ایونانی دفرانسہ کبلی اوپوئی عبارت استعمال کی .

دادینخو ایبانا تو لہ نہ بہ دیوہ معارف دوست سری پکوکریں چہرہ (مارکیز دولانیویہ) پہ نامہ دفرانسہ پہ ملکیت کیں اوسیدہ سر کیدہ او اخلاقی او ادبی مسئلے بہ تے خہرلی اوپہ دے مرکوبن وتاو (منع) وہ چہرہ عامیا نہ تعبیرات چہرہ دلیک (کتبی) ادبیات ورائی پشربہ کیں لے راوروی، حتی ددے بنخو تولنے خپل نوم (پہرہ سی یوز) (۳) کبیبند او قول کارنے دفرانسہ دژبے بوبول وہ .

پہ دے وخت کیں چہرہ دے بنخو (مکر ترمر و زریاتے) خپل عمر دملی شربی پہ شروند بانڈے تری (حصص) وہ اودملیت دوستی پہ لار کیں لے خپل خان دودکرمی اوشہرت لے پھرہ خوا خپو ہوسوے دصرف علما (صرفیون) اودفرانسہ دعلی جرگے (اکادی) اعضا ہم ترلہ ووتل - ترخوچہ ددے غیرتہنو بنخو سرہ ملاوتری اومستہ وکی، فودا وچہرہ دوی سونے ملگری وکمرہ او اکثرہ دنوروز بوفہ لغات او اصطلاحات اوکلات چہرہ منزنی قرن اودانتباہ پہ دمرہ کیں دفرانسہ پہ شربہ کیں گدسوی وہ وے یستل اوپہ دے صورت لے خپل شربہ بوبہ او ادبی اودرباری شربہ وگرزولہ او وے تاکہ وروستہ لدے شخہ قولوا عیانوا و اشرافوا وعلما وفضلا و تولنے دفرانسہ پہ بوبہ شربہ خبرے کولے، یونانی (۱) اصطلاحاً مصلیحینا واداصلاح غوبستونکو تہ ویل کیری .

سالنامہ دہ "کابل"

اولا تین لغات یواسے پر بنحوا و وگرو خلقو کین یا ترسوه :

(ووژلا) چہ هغه وخت دعلاؤ شخندى ليکي چہ: «بي تعليم خلق تا سولعلا او فضلا او تربيه سوي خلقو شخندى دلا تين دکلا تو به واسطه ببد ولا سے سواسے جکده: بي تعليمان پخپلو خبرو کين لا تين لغات استعما لوي» نو دفرانسہ دلغا تو استعمال پخبرو او مجلسو کين پر ذريعه دبو بے فرانسوي يوله آدا بو شخندى و نرون (معاشرت) کنل کيده .

«پيشليو» چہ دفرانسہ اکا دى تاسيس کر لمرى نصب العين ئے دا وه چہ بايد دا اکا دى فرانسہ دشر بے دلغا تو يو کتاب جو راو ترتيب او تدوين کي هر کله چہ پيشليو دا اکا دى تاسيس کر او دا دنده (وظيفه) ئے ورتو و تا کله چہ لمرى بر دفرانسہ دژ بي يوقا موس حاضر وي هغه لوي ليکونکي (ولتس) وويل: «دا کي هيئت چہ قولنه ئے بولي دنوع بشر دگلو غمتي ده جکده دير لوي و بناغلي سري ددے تولنه پر کته خدمت کوي» او دفرانسہ بل پيا ويري ليکونکي (موليه) وليکل چہ: «انسان دهغه شتي چہ پر لاس راوستل (تحصيل) ئے دير غواري بايد دپا دشا ده حصه ير د مجلس مينه وي جکده: پر هيئ حاي کين لکه دا مجالس محييه او رشتيا تصويب نه منده کي بري» ددے دژ پيا ورو فرانسوي ليکونکو دويلو شخندى چہ نوم بے دفرانسہ دا ديا تو پتا تاريخ کين تر ابد پا ته وي جو تپري چہ دا اقدام دير پيشليو پ هغه زمانه کين تر شرحه ده پورے دفرانسہ دپوه اولاد ووزره ته نيز دے وه او تدوين ديوه نوي کتاب دلغا تو ديوسے تازر شربے لپاره چہ غواري هغه شروندى وگرنزوي او رسميت وري کي خون لو قيمته (گرانها) او اميد وگرو کونکي دي ؟

پر دے حاسے کين نزهام اجازه غوارو چ هغه دول افتخارات او سرلوي چہ ولتس او موليه پر واسطه دا اکا دى تاسيس دفرانسہ پر تاريخ کين پيشليو ته مني تر هغه افتخارات اعلي حضرت شهيد (محمد نادر شاه) رحمة الله عليه ته چہ باني دپستود انجمن او دپستود شري دشر وند مري دي و منم نه لپائے دا چہ ورپسته لزناسيس او تشکيل شخندى دا اکا دى وهغه اصلاحات چہ دے تولنه دفرانسه پيشريه کين وگرو دفرانسہ شربه تر دے حده پورے غليچه (قوي) او توانا سوه کپ چيرے دهغه مملکت

پہنتو

داد بیا تو تاریخ و پبلنٹل سولید کیری چہ وروستہ لہغه تاریخ شخہ ڈے دکلاسیک اور رومانیک اونوی، ادبیا تو پد ککر کین، هغه آنا برینودل چہ تراندہ بہ دفرانس پہ تاریخ کین حاکمے دسرلوری (افتخاری) اوس هم سر لہ دے چہ دفرانس شہر خپل لورہ مقام او حاکمے تر سید لے ده او پد تولو علی اوفنی موضوعا تو کین دہر و لغا تو او اصطلاحا تو خاوندہ ده بیا هم دفرانسہ اولاد دختی غافل نردی پفرانسہ کین علاوہ پر پام لرنہ داکامی نور مطبوعات هم سته چہ مخصوص محوندے پہ نامہ د (فرانسہ د شربے ساتنہ) وضع کری او پد هغو کین دتخصیص خاوندان هاند (سعی) لری کچیرے بله شہر بہ واسطہ دخنولغا تو دفرانسہ پد شہر کین کره سی دی ڈے محج ونسی.

بنائی بنا علی لوستونکی لپور تہ تفصیل شخہ و پوهیوی چہ داد فرانسہ شہر چہ دلغا تو او اصطلاحا پہ اعتبار او دیروالی سر د علم او معارف نن و سرج د تولو شربو پد سر کین حاکم لری، تر خلور لسم قرون پورے لہستی شخہ لخد او بر منده وه، او پد اولس^(۱۷) قرن کین دلا یقینی او یونا فی دیر لغات او اصطلاحا پہ کین گد وه او یوه بو بہ شہر نہ نور تہ ویلہ کیم.

دا وه یوه تلخیچہ دفرانسہ د شہر بی چہ دہر لند او پد اختصار سره ڈے بیان وسو. فواوس موہم هیلد کولای سوچہ زموہ راتلونکی تو کر (نل) بہ دیوے شروندی او علی اوفنی شہر بی (گراند پستو) خاوندسی او پد و ب نازیبری؛ هوکے زموہ د مشرانو اقدامات. او تو د والی چہ د دے ملت پہ اولاد کین اوس منده سوی دی داد هیلد شغلہ زموہ پد سر هر و کین خلانده او رہا کوی کر خدای کول.

دروسی ملی شہر: لری باید و او چہ دروسی شہر داسلا و د شہر بی یوه شانگدہ لرجملے شخہ د (۱۴۴) میلیونو خلقو چہ داسلا و پد شہر و ویبری (۷۷) میلیون نفوس یواخی دروسی پد شہر خیرے کوی اودا (۷۷) میلیون نفوس چہ بو بہ دروسی شہر لری (۷۰) میلیون ڈے پہ همدغه معروفہ دروسی شہر چہ (سپینہ دروسی) ڈے بولی خپل کریت بریا کوی (مطلب ادا کوی) (۱) اودا طبیعی ده چہ پد هر موقع کین جزء دکل تابع وی لہغه بول د ول او بی شمار و لچو او ژبو شخہ چہ پہ یوه مملکت کین مروج وی هغه لجه (۱) د جدر شندی اتدی دا حصائے جغرافیہ دے وکتله سی.

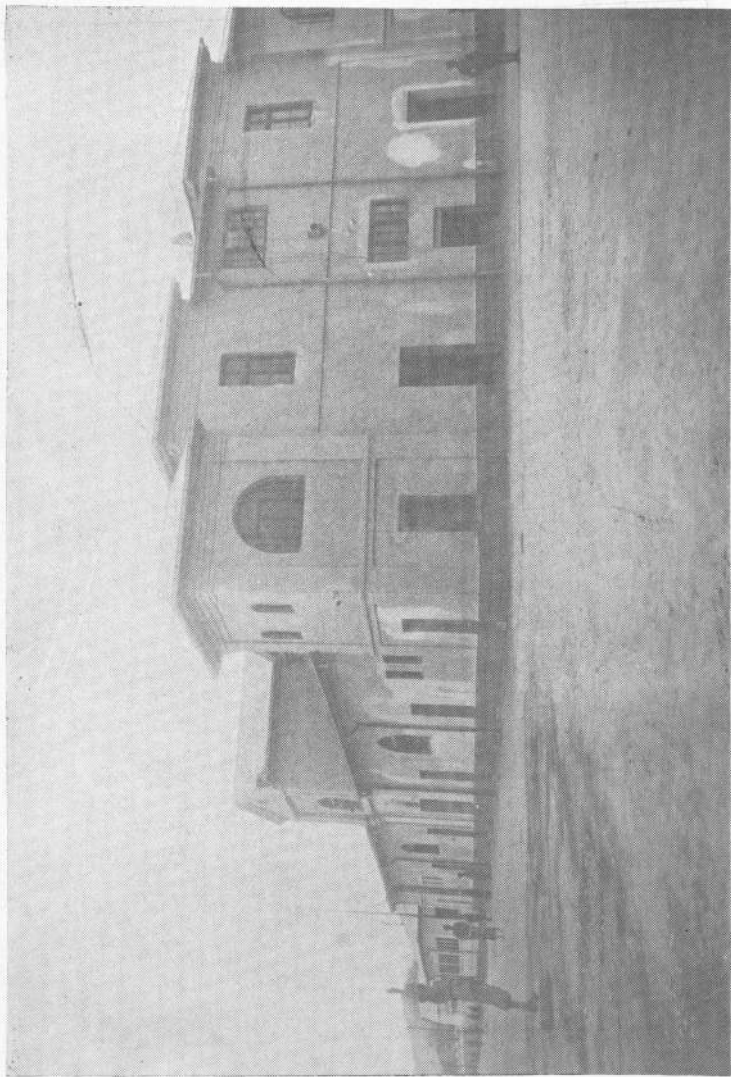
اوڑبہ غورہ کپری چر لہیوے خواہ یولوی تہر دملت پد گویا نہوی اولہ بے خواہ ہفہ لہجہ در ہا ہا یانو
اوشرا نولہجہ وی حکمہ پد دے خاے کس دوہ لوی اونڈر گزرونگی (لا بیغیر) دلیلونہ ستہ چہ ہیخ
منطقی خنی ہی تو بہ کیدا سے نسئلاً :-

(۱) اجتماعیات داسی تو این اونو امیس لری چہ انسان خنی ہی تو بہ کیدا یی نی اونڈے دنگا نہولائی
اونڈے نوامیس بدلولا سے سی، واجتماع تل تربکارہ اسبابو اولولواندے ہفہ نتایج شنیدی
چہر طبیعی منطقیہ قوانینو دسلوسر امرہ ولری، نوہر کلہ چہ مسئلہ پد دے خیردہ باید و منوجہ خزہ
دکل تابع، یوالسی (اجتماعی) قانون دی، اوبیا ہر کلہ چہ وجود دے قانون و منل سونو ہر مرد
باید ووا یو چہر بشریت لوہر خد تل پردے وا ک لری چہ خیلہ شہہ، ادبیات او خیل ہر پی لہر
برخہ و منی .

(۲) ۱۱۱ خبروہہ چہر ملت تل دخلو وا کدارا نو دا و ضاع او عا دا تو یینے (تقلید) کوی
جکہ، چہ در ہا ہر د خلقو د معاشرت طرز، د خبر اصول اونور عرفانی اوصاف دیرو لوہا خواہ
نو پوضاحت سردی، اود سارا یا نوژوندون بیلہ سارائی اوسادہ ژوندون بلخہ نری او گری
تل و س کوی چہر دھغوا طواروا و عا دا تو یینے وکی چہ وا کداران ہفہ اطوار صفتی سی سوی دی -
نو پدے سبب سرہ ہر کلہ چہ تاریخ پلٹو وینوٹے چہ پد ہر خاے کس دہا ہری لہجہ پرنورہ لہجہ غورہ
سوں اور ہی لہجہ گزیدے - او قول دقتری چاری، مطبوعات، وینا وے (نطق) او خطابے ہفہ
لہجہ کپری، نو د غرہ وول دی داصلی روسا نویر (غلبہ) او غورہ والی پرسپینوروسا نو او دوی
دشرقی پیژندل پد رسمیت سرہ .

پہر حال ہر کلہ چہر مہوہ تمہید تردے خایہ او پد سوا و جو تہو کمہ چہ طبیعی تک (جریان)
دشرقی پد حال کس دارنگہ دی، بیرتہ خیل مطلب نہ گزرو او وایو :-

دکنازی (امارت) لہر می تاسیس خجہ پد روسیہ کس دیلا دی ترلم قرن پورے کخہم دروسیہ
ژہرہ موجودہ امانڈے دانویری (حروف) دلہو چہ اوسٹے لری اونڈے صرف او خود دلہوہ وروستہ



از موسسات و عمارات جدید وزارت معارف : عمارت سینمای کابل
Nouvel immeuble du cinéma à Kaboul



از موسسات جدیدہ کابل و عکاسخانه و نمازخانه ملی واقع بازار شاهی تعلق جناب صاحب اد خان عکاس
Studio moderne nouvellement construit à Kaboul

۲

پستو

لہفہ چہ پہلہم قرن کیں لوی (ولادی میر) کنا نر، یعنی در روسیہ حکمران سو در روسیہ ملت ہم مناسباً تو
 پراثر چہ د، دبانندی و دولوسوئے و موند اونگ و رنگ چہ در و سا فوا و خا چہ دولوسوئے منہ سو
 بت پرستی تے پرینوودہ او نازل سوی کتا بوت تے میل و کی اود او تود و کیں مذهب چہ پر شرق و ما
 کیں رواج وہ وے مانا اور روسیہ مملکت در وستہ لردے خاوند دادی شہیے اود ادبیا تو سپردے
 دول چہ داسلا وی پا پولخواہ انجیل شریفے اسلا و پیدادی شہیے ترجمہ سواویوہ روحانی فیلسوف چہ
 (سن سیریل، موسوم وہ اود اسلا و دقوم روحانی رئیس بلک کیدہ یوہ الف با تے د (سیریل الفبا)
 پر نامہ اختراع کرہ اود نین روحی در روسیہ اوصرب او بلغار دالف با اساس تے کیں بنوود نو مظلہ
 چہ داسلا و شہیے او خصوصاً در روسیہ شہیے، پرسوری کیں دعیسوی دین اود سیریل پر ہانہ دالف با
 خاوندے سو۔ طبعی وہ چہ د ادبیا تو لخواہ ہم نصفت و کی .

لمیرل کربی نہ نصفت : ہر کلہ چہ روسان دالف با خاوندان سوہ۔ ورو ورو لیکونکی او علما پڑوی کیں
 شوگند سوہ اولہی وار تے پر روسی لہجہ چہ د کنازی (امیری) پر دربار کیں خبرے پر کیدے لردیرو
 سربو لخواہ دیر کتا بوند (سن بولیس شروندون) اود (کیف دپا پو شروندون) اود (ویلا دی
 میر موفوماک، وصیت نامہ) اود (پاپا نو در رئیس سیاحت) پیر نامہ مشر سوہ کہ خہ ہم اکثر مطالب تے
 دینی وہ اما پیدادی لحاظ اولہی وار شہور بدل دشر بی اوادب، کیدلاے سے چہ دہفہ ملکہ ادبیا تو
 اود شہیے دترقی پر تحقیقا تو کیں لوی سند وی۔ باید چہ دہم بی ویلو پرینر دو چہ دادب اوڑبی
 داوہم نصفت ی چہ پر دولہم قرن کی پر ہفہ ملکہ کیں منہ سو یعنی ورو وستہ لردو و قرفو، چہ عیسوی
 دین نفوذ موناکی اوالف با ایجا دسوہ دا پور تہ کتا بوند لیکل سوی دی، خہ رنگ چہ دتورک لیکونکی
 (رافت عونی) لیکو او مورہم پور تہ عرض وکی چہ د ادبی تمدن خاص پر اعیانوا واک دارا نو کیں
 رواج دلرود اود ہغود احساسا تو او عواطف و شج دہ نہ د کیتوا و ناز لو خلقو۔

وروستہ لردے چہ روسی شہیے اود ادبیا تو تے شہیے بنا بیست او صورت و موندہ او پد کیں وہ
 چہ ورو ورو پخیل نیم گرمی حال بوہر کی او بو وارخان بشپروالی تدر و سوی، روسی مملکت دپڑو پڑیو

دھرم) اور حکومتا تانرا غور تانرا سواد ہفہ مملکت ادبی شروندون بیا پرسلیگو، او ہفہ لمی حال تری سدا
 یسین چہ دروس نور و خلقو ادبی شروند لکلیسا شخہ نزدہ کیری و پرس لہر پیر و اولتار (گفتار می) دلوور
 خلقو پر سیاسی و عسکری چارو بیا ادبی شروند وظیفہ کلیسا اریحا نیونوتہ و سپار سدوہ .
 کدشہم پہلمی وار کین دے یور (تہاجاتو) دروس و ژبی داصلاحا تواداد بیا تو د ترقی فتح و نیو۔
 اما دروس ملت بیا ہم ہفہ ملاقات او جکھے چہ در دینم دما توالی او وطن دروغتیا دپارہ و کرمے
 دروس د شہی او ادبیا تو پشک کین تے بل نصال کیسے بود او ہفہ نال دروسی ژبی فثروہ چہ تر ہفہ خت
 دلنا تو او جملو دیو دلور حیث ہیخ و حکمہ : ہغو کیسا نو چہ شہ لیکلا دے سواسے او ااحملے
 پر خپل وطن او ہفہ د مملکت دا ولا وطن غوشتونکی ہانڈے ولید نو د ہغو شو لہر او محدود و
 لغا تو شخہ چہ لمی تے پر مذہبی کتابو کین لیکل کیدل یا دھرے رومی پر خہر و کین استعما لول غور
 جملوے وینودے او پاتی لغات تے دسارایا نو د شروندون اوزیت شخہ پورہ کرمے یونش تے دگرتہ
 سراویست چہ لہر حیث دروسی ژبی د تکامل سبب سوا و ہلاوہ چہ مشہور اثر و نیرہ نامہ د (ایگو)
 د جنگ منقبونہ) اور (دیمتری و نسکو بریالی نوب) پر سنہ ۱۳۸۰ اکین لیکل سوا و د دو اثر شخہ پورہ
 چہ دروس شہر د دے یاد سو و عواملو پر اثر شخہ حلہ بریالی او استعداد خا و نڈ سوہ .

پر خلور لسم قن کین ہفہ وخت چہ بریالی سلطان محمد د اسلام و عسکر پراورہ سرہ استانبول فتح کی او
 اسلامی جہان نیونکی بیرغ تے د نصلرینی صلیب پر خای پر شرقی روما کین (بیزانس یا نغزی استانبول)
 و نختی، دبیزانس جینوا و سیدونکو چہ د اسلام فور تے پر خیلو تو فور نیر و نیر کین غوشت او د بریالی
 عثمانی سلطان جوغ تے پر خپل و مرمر نہر ایسود بیزانس تے برینسو، یوہ برخہ ایطالیا او فور تے (اروپا تہ
 ولا ول او خہ روسی تہیلہ و رورہ او ہلتہ میشت سول - درورد امپل طوری دا وود دے نرمانے
 او د معارف د نیو دے والی پر سبب، دے تلونکو د دنیا کی کمالا تو برخہ درلودہ خہ رنگہ چہ بہ
 ایطالیا کین د انتباہ دد و مرے لوی سبب و گرنریلک پر روسیہ کین ہم زبات پر عرفا فی خلد تو، چہ وے
 و کرم، یوہ سری چہ (سیلوہ ستر) نومیک اولر د غومہا جرینو شخہ و یوکتاب د (دوموسترے)

پہنتو

پہنامہ ویلیکی آو پتر کتاب سرے لوی اور دروند خدمت در روسیہ و شربی اوادبیا تو ترو کی
غورہ کتاب چہ پکوسیہ کیں دژ بی اوادبیا تو بہ لحاظ ویلیکل سواددھفہ ملکیت دادبی اولسانی
پہلری نصفت کیں تے تو (۱۰۶۲۴ ع) ساری (نظیر) ندر لودد (حواری نامہ) کتاب وہ چہ بہ ہفہ سنہ
کین یعنی بہ (۱۰۶۲۴ ع) کیں لیکلی سوی وہ حکمہ دا کتاب بہ ہفہ اندازہ چہ دھفہ ملکیت اوادبیا تو کیں
غورہ والی لری بہ واسطہ دژ دی چہ لیکو کی دلیک قدرت بہ دسے کتاب کیں ہو ولی دی او دژ بہ
دنزاکت کچنی پر دسے بہ ہفہ کیں سہری لیدلای ہی .

بہ ہرحال روسیہ ملکیت کہ شہرم تو ۱۰۶۲۴ پورے دژ بہ اوادبیا تو لہیٹ خان پورم کی بیامہم
بہ واسطہ ددی چہ گرامر (صرف و نحو) تے ندر لود لکہ دیوسے گرامر لرو کی شربی دحیثیت او
اعتبار خاوندہ نروہ - داوہ چہ دافقصان ہم بہ (۱۶۱۱ ع) کیں لہیٹ و اخیست سواد روسی
شربی گرامر بہ (۱۶۱۱ ع) کیں روسانو ویلیکی او چور تے کی وروس تہ لہفہ دروس ہفہ لومہ وری
سہری چہ فور تے (لومونوسوف) (Lomonosoff) او دھفہ ملکیت دد اشرہ
المعارف خاوندی بشپرتے کی .

دایشیا ژبی :

عربی شہرہ : عربی شہرہ دیرہ پنخانی شہرہ دہ او شہرہ نگہ چہ د اشر بہ موز مسلما نافوتہ دینی اومذہبی
غورہ والی لری ہمدارنگہ بہ شرق کیں لری شہرہ دہ چہ د تمدن دلوری ترقی یعنی د شلم قرن (۲۰)
ادبی او علمی حواش او اورتیا پورہ کوی اما د شربی دنکا مل بہ تا تاریخ کیں یوہ شرکنہ سلسلہ پر لہ پے
کولای سو حکمہ عرفان زراہہ داسلام دمذہبیت بہ تاریخ کیں لیکے :-

دجاہلیت اعراب بہ شعر، خطابت، فصاحت او بلاغت کیں دلونی مرتبے خاوندان وہ اہم
سہری بہ خیل نومی تدشعر او خطابت و زہرہ کاوہ او روس بے کاوہ چہ زو تے شاعر باخطیب
حکمہ دوی شعر او خطیبان سا تو کی دعرس ازنا موس او خادمان دعامو گمل کچیرے بہ کرکلی

اوتبرکین شاعر یا خطیب شرگند واسے فوہفہ کلی اوتبر دیہہ سرلوی پرکولہ اوددہ دعزت لہ پارہ برسے خورلوی میلستیا وے و رکولی۔ اود خطیبانوا و شعراؤ پر میسغ کین برمشاعرے اومسابقے کیدلے ہر شے کچہ پیرک مسابقوا و شاعر کین تر نور غورہ سوی واسے دھفہ شعر بے پر مکہ معظمہ کین سجاوہ اوتل بے دھفہ عزت اوا احترام کاوہ، تر قولو مشہور دسوق عکاظ مسابقہ و چہ ہر کال فوموری شاعران بہلہتہ قولیدل اومسابقے اومشاعرے بے سرکولے (معلقات سبعہ) ہم ددے دوبرے نبدہ۔

وہر وستہ لدے چہ اسلام لہر وخت اود عربستان شیبہ جزیرے پے چیل نور نہا کرہ اوقران کیرم نہوہ پر پیغمبر حضرت محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم نازل سولہ پارہ ددے چہ دقرآن کیرم آیتونہ لفظ لوستلو شخہ وساتل سی بیاد عربی شربے لہ سپارہ سوجوہ سوہ کہ خہ ہم دعربی شربی دھوے وضع کیدل دقرآن دلفظی صحت وساتنی لہ پارہ و اما برسیرہ پر ہفہ ڈرہی دارت والی دیارہ ہم لویہ ملگری و گزیدہ اوہفہ دجاہلیت ددوہرے و شربی تہے داہول عظمت و رکی چہ لہ ہفہ داسلام دعلی لوتیا او عظمت پدوہ کین دشاغزو فلاسفہ، متکلمین او علمائو ضروریات نے پدہ نہ دول پورہ کاوہ۔

لوی صفت چہ عربی شہ لری اوہفہ نے دارت والی غورہ دلیل باید و گنوہفہ دادی چہ کبے ژبی تلد علومود ترقی اوتعالی پر مخ کین خان شرگند کرمی دی مثلاً علم اوہرہ اصطلاح چہ پدہ دنیا کین نوے و مندہ سی اود عربی شہ لری کین قابل د نقل وی پر عربی کین دہفہ دتو لوخا نکوا و ذوق اصطلاح پیدا کیری؛ فولد دے جہتہ دی چہ عربی دیرس نیم قرن دشرق علی او ادبی شہرہ اونیائی چہ شرقی شربی ہسغ کلہ ددے ژبی لہ احتیاج شخہ و نہ کارے نی۔

تور کی شہرہ: ہر کلہ چہ انسان د ترکو د شربی اود ادبیاتو تالیخ گوری کولای سی چہ د تور کو پیرہا غوبیلہ بیلہ لہ اود بیات لکہ، اویغور، اوکوز، چغتای، آذری او..... پیدا کی اود اتولے لہچہ او ژبی اود بیات دتالیخ پدہ پانوکین پادہ دی یواخی ہفہ شہرہ چہ سن و ریح شروندی و دتور کو

پہستو

پر ملت کیں ویلہ کی پوری عثمانی شہزادہ چہرہ انا طول (آسیای صغیر) دتور کا فوجیہ (مغصومہ) شہزادہ - نو
مورہم ددے شہزادہ پشا او خوا کیں خپل مطالعات لیکو :-

خٹکہ چہرہ نیر Hilmi Mizō لیکو :- ہفتہ وخت چہرہ سلجوقیا نو حکومت آسیای صغیر تہ
ور سیدہ اوفارس شہزادے خپلہ سہمی اوملی شہزادہ تامل وہ پر آسیای صغیر کیں دملی تاوہ دیک نو حضرت
شرگند سواد سے حضرت دخیل مطلب پر سر کیں دتور کو دشرہی شہزادون مقرر کریم و اود آسیای
صغیر دملوک الطوائفی پر علا فوکیں ورو ورو فارسی ژبہ لہ میخ غنہ واخیستہ سوہ او ادبی اثرات
پر ترکی شہزادہ شہزاد سول وروستہ لہ شہزادہ غنہ دشرہی، دتور کو دملت پر شہزاد کیں بلبرہا پیدا سوہ چہ
ہفتہ نزا علی حضرت اود اسلامی علوم موخندہ فائدہ اختل وہ اودوی سم دلاسہ اسلامی کتابونہ
لہ عربی غنہ پر تور کی ترجمہ کریمہ حضرت یواٹے پر یوہ ولایت کیں نروہ د آسیای صغیر پر قولو کیں
شرگند سو.

لمری سری چہرہ د خارجی شہزادہ غنہ پر تور کی شہزادہ کتاب ترجمہ کی دمولانا سلطان ولد نروی وہ
چہرہ د پلار د تصوف مسلک لے لہرے خواہ پر لیک اوتو ترجمہ کیں راؤست او پر ترکی ژبہ لے خچو کی
اودوہم سری چہرہ د ترجمہ کار پر تور کی کیں وکی (شیخ احمد عربیونی) وہ چہرہ فلک نامہ او منطق
الطیر لے پر تور کی شہزادہ ترجمہ کی .

ترخو چہرہ د عربی دشرہی نفوذ پر تور کی کیں نیری وہ او اکثر و علما و علی، فلسفی اود کلام
کتابونہ پر عربی شہزادہ لیکل نو دا حضرت ہم یوہ او بدوہ زمانہ د عربی دعلی او ادبی دنفوذ تر نزا لاند
عمر تیرا وہ ترخو چہرہ د عیسوی پر شلو رسر قن کیں دسلطنت و اربریالی (فاتح) سلطان محمد تہر سید
اود دے سلطان پر زمانہ کیں پر تور کی کی داسے حضرت شرگند سوکچہرہ نسا نس دورہ پر اربریالی کیں وہ
خٹکہ پر دے دورہ کیں یو عالم د (اسلافندی) پر نامہ پیدا سو او وے غونستل چہرہ دیونا ن فلسفہ
پر تور کی شہزادہ کیں دا خلہ کی نو دا وہ چہرہ د اربطو و کتاب (سماء الطیبی) متنون لے چہرہ عربی او یونا فی
شہزادہ موجودہ سرہ تطبیق کریم او یو کتاب لے پر تور کی کیں د کتاب التمانیہ) پر نامہ ولیکی .

وروستہ لہ دے بیاہم سروح پے سروح دتر کو دژ بے د علماؤ اولیکو نو کنگہ دیر بہہ اود تر جمے شمار جوتہ
 نریا توب وکی اوقور کی شربہ پے تلمیخ سر دھستی اوقوت خاوندہ کیہہ . دے زہمانے پہ ہنغہ وخت کیں چو تو کی
 شربہ پے پینسودیر ہک خدی لیکو نکو پے دے ہیملہ سر چہ خپلہ انشا لورہ وینی عربی او فارسی لغات اوالفاظ
 ہستے دتور کی دشر بے پہ قالب کیں دتور کی شربہ دجلو او عبارتوسر کھول نو پے دے سبب سر پر و فیلسوف
 کو پورونزادہ فواد لیکے ، چہ یہ تور کی کیں دوہ سبک لیک پیداسو یوہ بیسطہ تور کی چہ دہلی پہ نسبت سرہ
 بوہرہ اولہ لکھ تور کی ، چہ د عربی او فارسی دکھا تو اولغا تو شخہ دکوہ .

دتور کی شربہ دلغت لمی کتاب : دتر کو یہ شربہ کیں چہ لمی او غورہ دلغت کتاب لیکلی سوی دی محمود
 کاشغری دلغت کتاب د (دیوان اللغات التورک) پہ نامہ دی اود وہ کتاب پہ دے شربہ کیں ہنغہ
 کتاب و ، چہ عاصم افندی پہ ۱۲۳۰ کیں د (مجدالدین فیروز) مشہور قاموس داوقیانوس پہ نامہ توجر کی
 اوہر کلہ چہ داسرہ پے عربی ، فارسی ، فرانسی شربوشہ پوہمدی اوقور کی شربہ تے ہم پہ دیر سلامت
 زہرہ وہ اویا (۷۰) زہر لغات تے دعاموتور کا نو شخہ قول کہہ اود کتاب دفورہ لغاتوسر تے مقابلہ
 کہہ نو پور پورہ او غورہ دلغت کتاب تے جو رکی اود عوامولغات تے دزہمانے دتا لاکید و
 شخہ وساتل - وروستہ لہ دے بل سری چہ حسین بن خلف نومیدہ دتبریز (برہکان قاطع)
 تے پہ تری ترجمہ کی اوہ لغت تے تے تور کی لغت پیداکے - پہ دوی پے پے لورہ شرب پوہانولکھ :
 شمس الدین سامی ، معلم ناجی ، رائف نجدت او مثل ددوی پہ تور کی شربہ کیں دیر اودول دول
 دلغت کتابونہ جو رکی اوداژ بہ تے دلور تیا اوقوت خاوندہ وگرزولہ .

کہ شہم دتور کیہ دادبی پہ معروفہ دورہ کیں چہ نامہ د (ثروت فنون کورنی) یادیری دشر بے
 پہ شروند اوداملا دطرز پے سموا لی (اصلاح کیں دیر سے خوسے لگید لی اود صرف و سخن زیات
 کتابونہ جو رسوی مکرر خای دلہوالی پہ واسطہ دی دتور کو تفصیل پے پینسود ، معذرت غوارم
 اود تور کی دژ بی اوسنی حال اودا چہ ہنغہ ملت نن روح پہ خپلہ شربہ کیں شہ کوی اولانے کہ
 لورہ مقام ترہوی ترہف عنوان لاندے بہ تے چہ (پستوشنگہ وروزو) شہ بحث وکر .

دفارسی شہرہ، دافارسی شہرہ چہ زن روح معمول او خبر ہے پر کچھ ہی دعرہی اولھوی شہری دترکیب
 شخہ جو رہ سوے اولہی تاپی نے داوہ چہ پر ۲۵۳ ہجری کین صفایا نو پہ خراسان کی اوپہ ۲۷۹ ہجری
 کین سامانیا نو پہ بلخ کی اساس دسلطنت کھینود دے دو کو زنیو تہ ہفہ وخت پہلاس درغی چہ
 خجلہ فارسی شہرہ اوخیل ملی ادبیات وروزی - ہفہ وہ چہ فارسی شہرہ وروستہ لہفہ تا بیرخ
 شخہ دہستی اوژوند خاوندہ سوہ اود صفاریا نو یا لخص دسامانیوشا ہا نو ترسوے کا گند
 چہ قول فکرم دوی دفارسی دژبی پڑوند کین وہ فارسی شہری دبرینسا پرخیر عامر والہندہ کی
 اوپہ لہز مدہ کین دبر لوہر شاعران اونٹر لیکونکی پد کین شکر گند سوہ پد دے صورت سرہ چہ ؛
 کفارسی نثر :- آقای نفیسی ایران دادییا نو پہ تاریخ کین لیککی ؛ ترہفہ خایہ چہ موہ پخیر پو د
 فارسی دنٹر لہری اثر چہ پاتہ دی دخلہ مرقن پہ اول کین دی ، تر دے ویراندے شخہ
 نینان نے چہ پاتہ دی فقط خو جملہ دی چہ عربی یا ایرانی مؤلفینو پہ ہفہ وکتا بو کین
 چہ پہ عربی لیکلی نقل کرمی دی اودام جو تہ خبر دہ چہ ہر مہر پد دوم قرن کین دفارسی نثر وہ حکمہ ؛
 (بھافرید) دملہ (فروردین) نروزی چہ دہنی عباس دخلافت شخہ لہری پہ ۱۳۲ ہجری کئی نو دی دین
 پد خراسان کی لہوی بوست کتاب نے ہم پہ فارسی شہرہ لیکلی وہ اویانے د(منگ) کتاب لہندی
 شخہ پہ فارسی ترجمہ کی پد دخلہ مرقن کین دسامانی دشا ہا نو دلسولو پد اثر دبر کتا بوہ
 دفارسی پہ شہرہ کین تالیف سوہ اوہفہ شخہ چہ پد دے تالیفا تو کین دبر غورہ دی ہفہ کتا بوہ
 دی چہ دلغت دکتاب پد نامہ شکر گند سوے حکمہ ؛ دلغت دکتاب تالیف یوے ژبی تہ لہ
 ضروری شیا نو شخہ دی لکہ (تاج المصا دیر) چہ دتالیف نسبت نے (ابوعبداللہ جعفر)
 د(مجلد وکی) نروزی تہ کوی بلد لغت کتاب چہ پد دے دورہ کین لیکل سوے دفارسی لغت
 ہفہ کتاب دی چہ (حکیم ابو حفص) د(احوص سفدی) نروزی تالیف کرمی اووروستہ
 لد دے نور پد بر کتا بوہ لکہ دابوالقاسم عیسیٰ (دعلی نروزی) دلغت کتاب اود ابوالمؤید بلخی
 مؤلفات اونور داسی کتا بوہ ، دیر شکر گند او لیکل سوہ اودفارسی شہرہ نے دلونی اولوپے

مرتبہ خانہ کمرہ اودے خد متو سلسلہ چہ د فارسی د ژبے د لور والی د پارہ یکده او پرده سوه ترخو چہ د سلطان محمود غزنوی پر نہانہ کین دده پرا راده د فارسی د ژبی لوی اثر (آبده) یعنی شاهنامه فرزندوسی نظم کمرہ اود فارسی د ژبے د استقلال بناے چہ ترنن مروعی لیسده کیوی تبتنگه کمرہ .

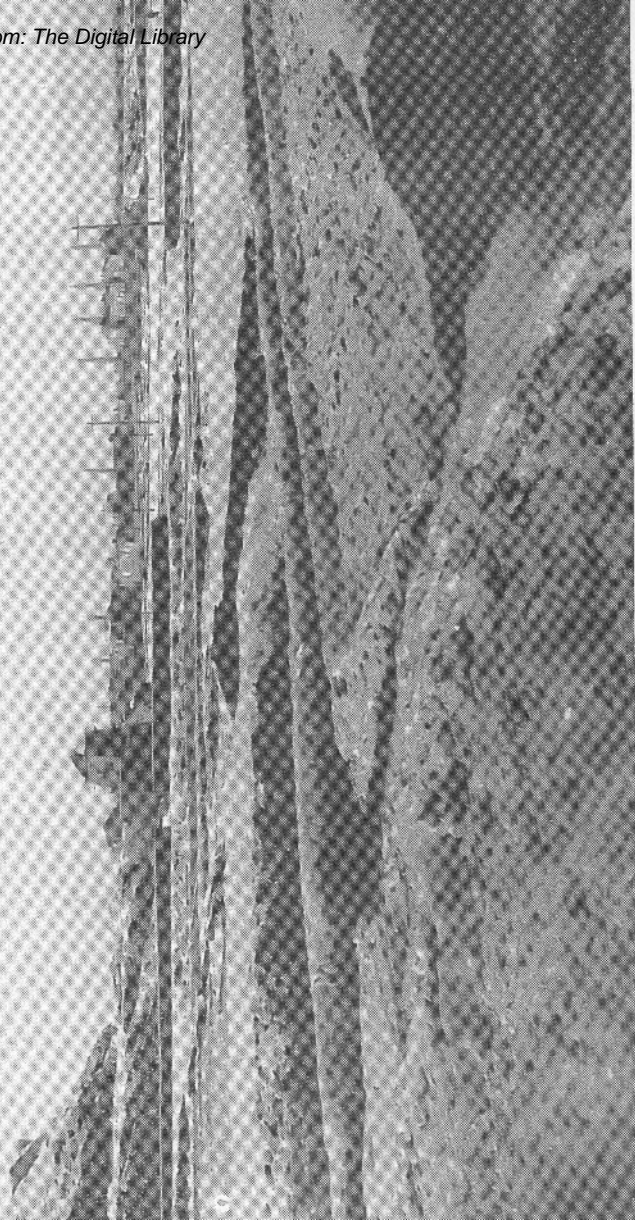
باید بیویلو پاتہ نسی چہ د فارسی شعراؤ خدمت د فارسی ژبی د تاد ای پرتینگو الی کین د نثر لیکونکو شخه غوره اولور دی تحکه :

کوهاسی نظم : د تولوتذکرہ لیکونکو پرتصدیق سرو لمری سہی چہ پرت فارسی ژبہ شعرو آ اودانے جو تہ کمرہ چہ فارسی ژبہ د شعرو ویلو استقلال د لری حنظلہ باد غیسی و، چہ پرت ۱۱۹۰ مہسوا اولمہی سہی چہ پرت سیستان کین د فارسی پرت ژبہ شعرو ایہ محمد و صیف سکزی نزیوی چہ پرت سنہ ۲۰۳ کین نے دیعقوب صفاری پرت مدح کین شعرو ایہ او امثال د دوی .

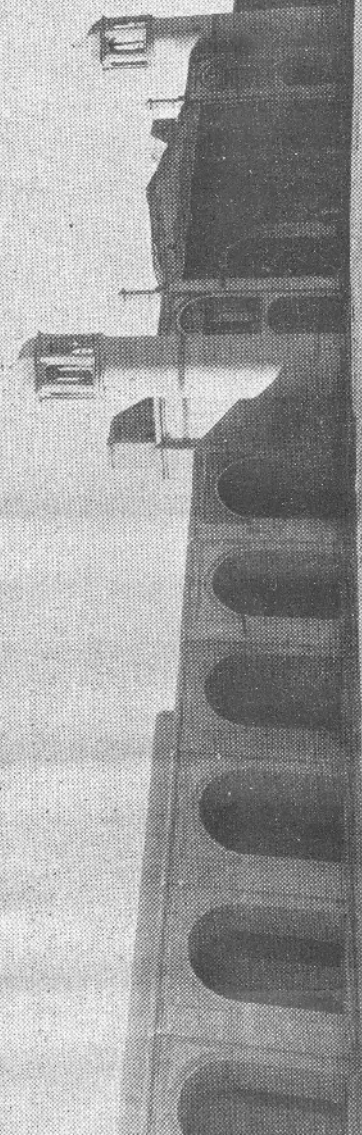
وروستہ د دے چہ د فارسی پرت ژبہ کین د ویلو او خبر و د گهرت سوداسی د شعراؤ او ویونکو شمیر دیر سو چہ د خیال د غولی شخه و نبلے خبر دہ تحکه : هغه وخت چہ دیرم قرن پای تہ ور سید او ظلم قرن شروع سولہ یومے خواہ فارسی شعرخیل انتہائی لور والی تہ ور سید اول بیلے خواہ گنہ د شعراؤ د دے نریا قوب وکی چہ د سہی دا گمان وہ چہ پرت دے نہانہ کین ہر خردی کہ نہ دی د شعرا لکیا قوب (مشغولتیا) دی نور شخه نستہ ، او د هغه نہانے د پاد شاہانوپرت در بیا کین شعرا او ویونکی د لمری مقام او عزت خاندان وہ لکہ نصرت احمد سامانی چہ د فارسی داد بیا تو او ژبی تاریخ بایلد تار دودہ پرت نامہ سرلوی وکی تحکه : دده دربار گواکی د شعراؤ دربار او د فارسی د ژبی د ترویج او ژوند لمری خاسے وہ .

وروستہ د هغه د فارسی د ژبے ادبی او معنوی خاشر د پریک اودے مرتبہ

تہ ورسیدک .



از مناظر هرات : وضیت دور نای شهر نو
Vue générale de la nouvelle ville d'HERAT



از عمائر اناات جدید هرات : مسجد عبد گاه در شهر نو
Grande mosquée nouvellement construite à HÉRAT

پہنتو

بنائی دہاسنی بیان ٹخنہ پوھیدل سوی وی چہ اوسنی فارسی ہفہ شربہ دہ چہ دے عمر نے
(۱۱-۱۲ سوکالہ) کی پوری اور اوندے ترہفہ نہ وہ۔ اما دا چہ ن ورمج دایران ملت دفارسی
وشرابی تدش خدمت کوی اوٹخنکے روزنی دپہنتو دسوزنے پر عنوان کیں بے لندیمان وکر۔
داوہ دٹخنہ شربو نکامل یوہ لندہ تارینچہ و مشال پرہ ولے پور تہ عرض کمرہ اوس
اجازہ غوار مرچہ پشوجلو کیں دپہنتو دشر بے دا صلاح پر بارہ کیں خدہ علی قوانین ولیم
اور مقالہ اختہ کر۔

پہنتو شتنگہ و روزنی؛ دپہنتو خوبہ شربہ لکہ نوی زیریدلہ ماشوم۔ اوس غواری چہ ددے وطن
دپوہ اولاد و چہ پسر کیں نے لہشہ مرغہ دملکت لمری سزی (الموکل علی اللہ اعلم حضرت محمد ظاہر شہا
بناغلی بادشاہ افغانستان) حامے لری د روزنے پر غلبیس کیں لحوانی او مراے تہ و سیری
اود پہنتون دا اولاد دلیک (کتبی) اوینا (شفاھی) شربہ و گزنی۔ ہر کلہ چہ ددے شربی
دالمری تا پودی چہ مرغ پرودہ مخی کچیرے صحیحہ او علی لارد دے ونگ تہ جو تہ نسبی بنائی چہ
پرلمری وارکیں بہرہ کمرہ اوستونز و کبیوزنی او بیا بڑخون نقصا نو خاوندہ وی۔ نو شرنکچہ
ماشوم د روزنے او تریئے پر وخت کیں یہ خون قیودا تو سہر مقید وی شربہ ہم ہر کلہ چہ دتخول پر
حال کیں وی خون قیودا تو تہ امرہ (احتیاج) وی او کہ نہ، بنائی چہ تادائے پرست اساس
کیببوردہ سی او خالی لہ نقصان ٹخنہ نہ وی۔ فولد دے حصہ موپر خان پور و گنہلہ چہ دشرابی
دعلم (فیلولوثری) دحوقلما او تحقیق کوونکو د فکر پر استناد سہر دپہنتو دشرابی لہ پارہ ختی تلابیر
غورہ کوچہ برابر والی (تطبیق) نے پر دے شربہ کیں ہم لکہ دفور و شر بوامکان لری۔ دادی چہ شروع
پر مطلب کی پری؛

پہنتو شربی تہ دضر و شولہ؛ کہ دپہنتو دشرابی پر اساس کیں پہنتو او تحقیق وی پوھیدل سوکالہ چہ ازبدر فی اصطلاح
لہ جیٹ لوٹے ہستی خاوندہ دہ مثلاً تیر تر دچہ بد اھالو، صفا تو، ضما ترواؤ..... کیں انتظام او مخصوص شر خاوندہ دہ ذمہ کیراؤ
تانیٹ پرہ قواعد کیں چہ دیرے شربی لکہ تورگی او فارسی او.....

چر دلیک اوخو پر وخت کبر مخصوص ذوق اوخوند لیکن کی اوویونکی تہ و رکوی یعنی کہ ہم مذکر وی ضمیر ہم مذکر وی اوکلا سم مؤنث وی ضمیر ہم مؤنث و تہ راجع کیوی یا کے موصوف مذکر وی صفت نے مذکر وی اوکے موصوف مؤنث وی صفت نے ہم مؤنث راجح اوهم نور مثلاً :-

اسم		ضمیر		مؤنث	
غوی	- غوا	دی	(دی - دا)	مذکر	مؤنث
اوبن	- اوبنہ	ہفہ	(ہفہ - ہفے)		
ونر	- ونرہ				
دالرگی سم دی	- دالبتہ سم دہ	د	(د - دس)	مذکر	مؤنث
داغوی شوپ دی	- داغوا شوپ دہ				
دا کتاب سپا دی	- دا کتاب سپا دہ				
دزید آس د نگر دی	- دزید آسپہ د نگر دہ				
د عمر دغوی تور دی	- د عمر دغوا تور دہ				
داصف قلم سو دی	- دا صاف شوائف سر دہ				
زید کو تہ ولامی	- دا کو تہ ولامی				
زید سری وواہہ	- زید بخند وواہہ				

بنائی جملہ پور تہ مثلاً و تخذ و پوھیلد سی چہ دا تہ بہ د صرف و نحو خواہ شخہ پر دیوژ و مخصوصاً شرقی تہ لور و ملی اوبنہ والی لری - کہ چیرے صرفی اوخوی تو این نے سر قول سی کید لے سی چہ صرفی اوخوی محیط پر تو لوع علی ا وادی حوا ججو چا پیری دا عرض ہم باید و کہ چہ نہ و ایم چہ پست توشری تہ ک نوی صرف و نحو جو سی بلکہ غوار و ما و ایم چہ پست توشریہ پینچل تو کین پت غورہ او سر تہ رسیدلی صرف و نحو لری ہفہ صرف و نحو دے تہ دیرن سی - احتیاج پہ بنہ د و ل پورہ کوئی او بنائی چہ پہ دے د و واہنہ

انجمن چردا کار باید وکی هېڅ کړاؤ نه وړېدې پیری فوله هغه انجن اوله هغو کا نوڅنه چې غوښتونکی دد
چاری دی او د صرف و نحو د تدوین وخت لری په ډیره بیره د صرف و نحو د تدوین هیله لری.
دعا موقوفه په لېجیاو لغاتو کین پلټنه او اړیستل د نابلدو (غیر مانوس) لغاتو او په کار وړېل د هغو-
هرکله چې انسان د پښتو په شریه کین شریه پلټنه کوی او د عادی لیک او خبرو نڅه چې هر هروځ نئ
استماع لوی څه کښته وکامی اوبلی (دریسه) او اشتقاق او هغو تیارو کتو (کلیج) ته چې د پښتو
د شریه هیر سوی لغات پلټدی ورسپیری کوری چې په ډیرو بریا (مفتو) گڼو برابرو سوی دی-او
اکثر هغه لغات چې په ویلو کین عادی گڼل کیزی اوزموږ په شریه کی نسته په دے گټو کین نئ
موندلای سئ مثلاً (جوته) چې د واضح، معلوم، مبرهن پر خای ده یاد (وهامر) اصطلاح
چې په خاسے کین د هغه کارینو چې یو کال او به لری اویو کال نئ نلری، ویله کیری یاد (اشونی)
لغت چې هغو ریو ته چې نر سے اوله کار و تلی وی اویا و تگولی سی ویل کیزی، همدا رنگه په هر ه
گونه د مملکت کین پر نر و سارائی او محلی لغات، اصطلاحات سته چې د پت والی په
واسطه موږ گمان کوو چې شریه د لغات نلری- نو هرکله چې خبر په دے څیره موږ څنگه وکو؟
د شریه علم (فیلولوژی) په دے باب کین موږ تر ښه لاس را نه وولی اوزیرمه کوی چې تر هغه حد ه
چې روس وی باید د شریه د تا کلو (خصوصی) څرو (ناینگان) په ذریعه باید د پښتو انجن دا ډول
څری د تشویق او تحریص په وسیله د ملی شریه و خدمت ته پلاس را ولی، هغه اصطلاحات
اولغات چې مثلاً په قندهار کین سته په مشرقی کین نسته یا په مشرقی کین سته په قندهار کین نسته
یا په جنوبی کین سته په نور و پښتو کین نسته سره لرغوندی- او هرکله چې د امسئله په قول ملت
امی لری او هر څوک چې پښتون دی او په هر ځای کین چې میشت دی دا عمده قیلوی نویلده یوه
دیلینے دکه پاملرنه بل هیڅ ډول مصارف نه غواړی که مؤظف انجن دا غوره او ډیره لویه وظیفه
مگر په کورسره آسانه پران و منی او د خپل عملی حکمت په واسطه په دے موضوع کین اقدام
وکی په نړیو ملک کین به خپل مطلب ته ورسپیری او ځما په خیال په دے کار کین ډېر لوی ووتړ

حُری دولا یا قود اخبارو اود معارف میدران دی .

داملا او برسہ المخط دیووالی لزور پرلیک کیں ۱-

کرد خلی رضاوہ د حکومت پر پام لہ نہ سرم نینائی چہر د پستو خوبہ شہر بہ لہر مدہ کیں دکتابو،
اخبارو اوجلو خواندہ سی ، د پستو د شری اخبارونہ اواجمن د پستو مکلف دی چہر داملا
پر دیووالی کیں ورس او پام وکی .

یا پر بل عبارت سر ہفہ لہی چہر ہخونلغا تو کیں د حُنو اقوامو پر ویلو کیں تو پیر لری لکھ
آویستہ (بدلیہ) د حنو تور (حروف) پر بل توری (حرف) او حُر نہ کہہ چہر پر لیک کیں نہ مور پچوانیو
ادیبا نو او مشرانو (خدای دے پر دوی رحمت وکی) پر ہفہ وخت کیں د پستو دیووالی اود
وحدت پر لحاظ سرم ہفہ مختلف فیہ لغات چہر ہ جو تہ رسم المخط لیکلی اود اخلاف تے لہ
میسفح تہ آخیسق او پستونو بلا استثنا کہ مغرب دی یا مشرقی کہ جنوبی یا نور، قولو منلی اود
پنچوسو وکلور اپر دے خواہ مروج او معمول دی وسائل سی او ہر سری حُانتہ بیلد بیلد لارونہ
نسی نو ہفہ مطلب چہر د پستو د شروند تہ لرو ہفہ مطلب تہ بہر ہر ہر سہر و مثلاً :
دیوہ علی اود ادبی اثر تہ بہم د مشرقی او ہم د مغربی او جنوبی او منرقی قومونہ گتہ واخلی او ہم
ہر ہر ہر پوہی ہر ی - ہر کلہ چہر د اد پستو د شہر لہر پر ہختیادہ اوروخ پر روح پر ک ژبہ
کیں گتہ د درسی کتابو او مطبوعا تو د ہر ہر ی نو باید ہفہ لغات چہر دے کتابو او مطبوعا
کیں سروستل کیری کا ملاً داملا اود برسہ المخط دیووالی لحاظ دے و سئ حُک : (ہر چشمہ
شاید گرفتن بہ میل - چہر ہر شد نشا یلگشتن بہر بیل)

دلغا تو د وضع کولو د پارہ لاس :

ہر کلہ چہر انسان د شرو تا یرنخ گوری او ہغوسد یوتہ چہر دے ژبوتیری کیری دی نظر آچوی
نود او ہر جوتہ سی چہر بیلہ حُنو شرو چہر عادتاً اساسی اود شرو مندی بیلے کیری لکھ د آریہ ، سائی ،
اسلا و ژب اود دوی حیر نور ہے تولے شری چہر ن د دنیا ملل خہرے پر کوی ہفہ شری دی چہر

(جی) چہ طیارے تروائی او دوسے لغت ترکیب دادی چہ : (اوجک) دتورک پر شہر کیں الوقت تروائی او معنی دفاعلیت وکوی هرکله نئے چہ د (اوجو) او (جی) کلمات سروبوخاے کمره دطیاره معنی مخنی وخبسته هماره کدی قول چہ د انجن چیلنے شربی تجوته کری اوهم نئے کنه روه پر روه دیروی .

اما ایران ! پدایران کیں پرو سیر کال یوه اکادمی په نامه د "فرهنگستان" تأسیس سوہ اوپه هغه اکادمی کیں فاضل او پیادری سیری پعضویت وناکل سوہ اوله هغه وخت چہ په دسے مملکت کیں دا اکادمی وپرانیتله سوہ - پدسے باب کیں نئے غورم خدمت وکی او پدیر پنخوانی لغات نئے چہ لیداده وتلی و شهنودی کمره اونوی لغات نئے چہ د شرب پوهانو پدعلی قوانینو مستندی وضع کمره مثلاً : پبخای داهل دیر یائی (دیر یائیان) او پبخای دقشون فی (ارتش) او پبخای دگروزیئی (سزهرناد) او پبخای دپلیس مخفی فی کارگاه او پبخای دکشیک چیئی (نگهبان) او..... راوستل .

بنیائی چہ اندازم د لغاتو دگروزیو (تصرف) دنوی لغاتو دجورولولو پارم اوژندی کول دنرم و لغاتو مخچه چہ پورته و بنودل سوہ و پیر نده سی چہ د دسے اکادمی اصول دنرم و لغاتو پشروند او دنوی لغاتو پچورید و کیں خرد و دل دی ؟

هرکله چہ دقورکی شربی لوئی سرگی او دایران دشرابی اکادمی یولغت وضع کی او اعلان نئے وکی لدهضه روشی قول جرائد او مجلی هغه لغت منی او استعما لروی نئے .

هرکله چہ نوی علوم او مخصوصاً دآزموئینست (تجرب) علوم دآزموئینست پدیری تینگری او دنیادملتو او قومو خونونه (مریبه) نور و قوموا و ملتو ته دآزموئینست او دگتی دگری نوی قومو دهم که خواپه چہ خپله ملی شریه پدینسو و دررو او دهستی اولوریتیا خاوند نئے کوبیله ددسے مالکو، دتجربه (تکراس) بلدیله ندره - هرکله چہ خبر دار و دل و غوغو نستونکی یوچه دپستوانجن پدملگتیا اذقظلا ندهسے دهغو فضلا وچه ددسے کاره ددی دچوانیو لغاتو په شهنودی کیں او دنوی لغاتو پدوضع کولو ترهغه حال چہ وس وی اوزموبه ارتیا پورکوی اوزمور دمحیط موپه تر صلاح برآکوی - وس وکی او دملیت په مینه کاروکی .

نوی لغاتو خنکده وضع کوئی ؟ دشرابو انجنونه دنوی لغاتو دوضع کولو په وخت کیں په واسطه ددچرغلغت

د قول ملت مال اود قول ملت ارتیا پردسہ کیری مجبور دی چہ دنوی لغا تو پر وضع کولو کین د قول ملت ہر
 تہ و گوری اوداعا مہکتہ دادول کیری چہ ہفہ کسان چہ دنوی لغت پر وضع کولو مؤظف دی یولند
 فہرست جو رکی اواعلان کی مثلاً ولیکی چہ «د دے لغا تو پر خاے، ثروت، اقتصاد، تربیہ، اجتماع
 اور..... لغت عوار و اور تہ اربوایدہ شوك خیل نکہ ولیکی اوجے تولنی تہے راواستوی» ہر کلہ چہ ااعلا
 د دے تولنی شخہ نشیر بری جرائد اوجیلہ مخصوصاً ہفہ مجلہ چہ د دے انجن شخہ خبر بری دااعلان پہ چیلو
 مسلسلو کونکین قول ملت تہ رہوی۔ ہر کلہ چہ دایوہ اجتماعی مؤسسہ اوقول ملت پر د کین یور انجمن
 نو ہفہ، خبر او شہر بوہید وکی د ملت شوك خیلہ نظیر ہہ پر دے باب کین وکروی او ہفہ لغات تہے چہ
 نہ وہی او غواری چہ د دے لغا تو پر خاے تہے استعمال کی لیکنی تہے انجن تہے تہے راواستوی
 انجن ہہ یہ یوہ تا کلی روح تولد ہفہ پر تہے چہ راغلی د تولو عا مواعضا و بیخ کین لولی اعضاء ہفہ تول
 لغات گوری ہر لغت چہ پر نور غور او مناسبی منی تہے اور بہتیت وکروی اور جرائد او مجلو تہ خبر وکروی چہ ہفہ
 لغت پہ ہفہ د و استعمال کی .

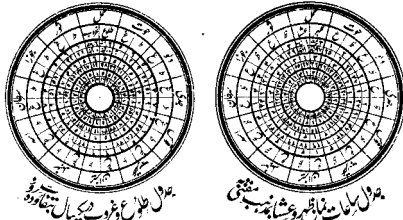
لکہ چہ نہ مور پستو انجن ہم دانظر بہ پ نظر کین لری .

د پر دیو لغا تو دیو ملو کاس : سورہ دے چہ دنیا دخیلی تہہ پہ خیل واک کین تو د والی اودیر تعصبتی
 شہ رنگہ چہ بین المللی علائق اور روابط انسانا نو تہہ یو طبیعی امر دی او شہ رنگہ چہ ہر مملکت د پر دی مطالع
 سرائلہ پہ خیل مملکت کین نسی گہر زلا ہی ہمدارنگہ لوملو شخہ د خنوپر دیو لغا تو ہمدان سانلا سے نسی۔ اودا لغا
 براغلباً علی ارفنی لغات وی چہ گہر زول (تجریف) تہے پہ بلہ تہہ کین شخہ خوند ہم نہ لری۔ او ہم دارنگہ لغات ہر کلہ
 چہ پر علم اوفن اوردی و علم و فن جو تہہ وطن نہ لری نو مخ تہے دنہ پہ مملکت کین لکہ چہ د علم و فن مخ نہ نیول کیری شوك
 نسی گہر زلا سے۔ مثلاً لہ ہفہ وخت شخہ چہ افغانستان پلنبہ د ترقی اود عزانی تکامل پہ بہت کین ایسی اود دیا
 د پر دیو ملتوسرہ تہے علی ارفنی مناسبات تینک کیری اود دوی علم اوفن شخہ گتہ آخلی۔ دیر لغات دی چہ
 خارج شخہ د علی ارفنی آثار و اعنا صرہ نہ مور ملت تہہ راغلی اود عوامو پہ تہہ کین تہے ولی دیشہ خللو تہ
 لکہ موٹو، ہوٹل، تیلیفون، تلگراف او پسر نور و تعبیر زبہ۔ اوس کہ مور و غوا و چہ داتول لغات او اصطلاحات

دہستو در بے شخہ و با سوا و پر خائے نور لغات استعمال کو تیر تر دے چر لوہر پر چر پیر ندلی (مانوس) لغت
 لرا مسہ با سوینا چی چرخئی نور بے ستو نرے ہم را پدینی سی۔ مثلاً اول دموقر کلمہ چر موہرے اے قومو میل تر استقامت
 تقریباً موہرے تو میل لغت گزیریدی جبکہ کدنبہ شرار و کوہر موقر هغه گزیریدی وکی ماشین تر ویدل کی پی چر پیوہ
 صنعتی اونی دستگاہ کبھی وی اوهغه دستگاہ چلوئی اوحق موقر هغه ماشین تر وائی چردا قومو میل پر انجمن
 وی نیچلہ قومو میل تر۔ نوہر چر دالت موہر پیچلہ شر بکین نہ دھغه ماشین پر خائے و ابو چر چلو وکی دی
 بلکہ پچلہ قومو میل تر موہر و ابو پر حقیقت کین داد ژبی چیل مال گزیریدی نو دا رنگ لغات خمر نہر چر جدی باید
 هغه و سا نوہر دلا رنگ دی دا نور پور تر لغات اود وی شیر۔

دیئے ڈیے دغا تو منل یا پد آسا نعبارت سر نفوذ دیوے ڈی پر بلہ شر بہ دوہ لوی عامل لری چر یوہر
 سیاسی نفوذ او غور والی دی چر یو قومے پیرسل قوم کوی لکہ د مغلو پختوانی نفوذ چر پر آسیاے نے دیوہ اود
 ژبی نیہائے نے تراوسہ د آسیا پر شر ہو کین سستہ لکہ (قا بوجی) چتر اوسرے موہر پیچلہ محاورہ کین ابو
 یاد قا جاق کلمہ تر نر روحی زہوہر د گم لکہ پر اصطلاح کین ویدل کیزی اود وی پر شیر نور۔ بلعلی، ادلی و
 فنی نفوذ لکہ لایتنا ایروانی ژر بی چر دار پیر اوسنی ژر بکین اود اریو ڈر بی علی اونی اصطلاحات اولغا
 د آسیا پیر اوسنی ژر بکین یا د عربی ژر بی نفوذ پر فارسی، ہندی، تورکی اوفورہ۔۔۔۔۔ کین سستہ و داد و ول
 نفوذ و نے غبتلی اونیٹیک دی چر خلاصی محلی مشکل دی مثلاً تیفون، پوسستہ، تلگراف دھغو لغات تو
 شخہ دی چر دار پیر دین منل پر مولر ایسی کہ موہر و غوار و چر دا قول دہستو شخہ و غور و جوہر خائے نور
 لغات و نیا کوہر کرا و اوستونزہ دہ جبکہ چر نور لغات ددے لغات توہر خائے چر موہر پیچلہ کین
 ادبے مقام او مخصوص غیر مندی دا اغیار ادا بیت لہ ژر بی شخہ باسی اود و نے چر دالت و گم پیر ندلی
 لغت نے پر خائے نسو عام کوکے۔

داہم دیلو خیرودہ چر ہر کلمہ چر موہر دار پیر اڈرے علی اونی لغات توہر مجموعیہ درونے مینہ با پیر کین ویکوہر
 اور وراج پر کما (مد) اودامہ او علاقہ پر خائے (انترست) اود طالع پر خائے (شائس) وویا و اوهغه لغات چر پرتما
 پر یوہر آسیا دہستو کین لغت مند کیری ہوہر نے پیچلہ ملی ژر بکین کہ کو اود ملی ژر بی ملا د پر یو لغات توہر پتہ لاندے مان کوہر
 داہم یوسلسلہ مطالعاً چر ہر کلمہ بار کین عر کوہر ہائی چر موہر عوامل ہر پیچلہ کینی پیر زند کین امر لری کہ عامل نے ہر
 کین اڈرہ ہی کما یو لکہ اونیور۔۔۔۔۔ اما یو عامل ہر پیچلہ پرخیا ل تر قولو عاملو غور دی اوهغه دادی چر داہم ول سبک ڈر بی
 وژوند اور ژر نے تر واکل سچ چر علاوہ پر علم او فضل اوقابلیت چر پیر کد شر بکین وری یوہر بوہر مینہ دملیت اود کڈ ژبی ددوی ژر
 کین وی اوحان د کڈرے ڈر ژند سبب لگتی نہر دا چر ہستو وچل ژوند او معاش ذریعہ و بولی علاقہ او ارہ نے خاص ہر پارہ معاش
 اول پارہ دما چر ہستوی — ہر کلمہ پر اصطلاح ڈر بی بیلہ کہ عواملو امکان لہ لری نو دا عوامل باید ڈر بی اصطلاح اوزونڈ ہستو
 العمل پر ڈرام) کین پیر نہر کڈرہ کئی سی اویہر کول سر دہستو شر بہ یوہر ادبی اولیک شر بہ دہستو قوم و گزیر لسی و لہ اونیور۔



سالنامی ۱۳۱۶ هجری شمسی

برای سالنامه ۱۳۱۵ اکمل ابداً																																																																																																																																															
<p>سپان</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>جوزا</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>ثور</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>حمل</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
<p>عقرب</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>میزان</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>سنبله</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>اسد</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
<p>حوت</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>دلو</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>جدی</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	<p>قوس</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td></tr> <tr><td>۸</td><td>۹</td><td>۱۰</td><td>۱۱</td><td>۱۲</td><td>۱۳</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>۱۵</td><td>۱۶</td><td>۱۷</td><td>۱۸</td><td>۱۹</td><td>۲۰</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>۲۲</td><td>۲۳</td><td>۲۴</td><td>۲۵</td><td>۲۶</td><td>۲۷</td><td>۲۸</td></tr> <tr><td>۲۹</td><td>۳۰</td><td>۳۱</td><td>۳۲</td><td>۳۳</td><td>۳۴</td><td>۳۵</td></tr> </table>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷																																																																																																																																									
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴																																																																																																																																									
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱																																																																																																																																									
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸																																																																																																																																									
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵																																																																																																																																									

غلطنامه سالنامه کابل

۱۳۱۵

صفحه	سطر	غلط	صحیح
:	اول	بلندیهای و وضعیت طبیعی	بلندیهای طبیعی
۱۵	۴	غلام بهاو الدین	غلام بهاو الدینخان
۱۷	۱۵	مزار و شریف	مزار شریف
۱۸	۹	صاحبمنصان	صاحبمنصیان
۲۳	۱۲	حبیب الله خان	حبیب الله خان
۲۹	۱۷	مدیر تفتیش	مدیر تفتیش
۳۰	۶	معاون اول و وکیل ریاست	معاون اول
۵۰	۱۶	نگراف	تلنگراف
۵۱	۹	محمد شریف	محمد شریف خان
۵۳	۱۶	فیلم	کفیل
۵۶	۷	محمد اکبر خان	محمد اکبرخان
»	۲۱	سرکاتب تفتیش	سرکاتب تفتیش
۵۹	۷	عبد الطیف خان	عبد اللطیف خان
۶۰	۲۰	محمد فچر خان	محمد فچیر خان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۶	۱	مجلس عال اعیان	مجلس عالی اعیان
»	۴	عبد الرحیم	عبدالرحیم خان
۷۱	۱۰	مدیر عمومی محاسبه	مدیر محاسبه
۷۸	۱۸	نونه	نونه
»	۲۱	۲	۱۲
۸۳	۱۳	غود	غور
۸۶	۱۹	نائب بحکومه ها	نائب الحکومه ها
۸۹	۲۰	منظماً	منظماً
۹۱	۱۹	بلیس	بولیس
۹۴	۱۱	موزنیت	موزونیت
۹۶	۱۴	سرتکیین	سرتکیین
۱۲۰	۹	بتجارتی	تجارتی
۱۲۲	۱۶	نبخیر	تبخیر
۱۲۳	۱	بند خواب	بند سرخاب
۱۴۰	۱	ترقی	ترقی
۱۴۱	۴	نخته یل	نخته یل
۱۴۳	۱۷	با بجات فنی	با بجات فنی
۱۴۷	۱۶	هکند	را هکندر
۱۵۰	۱۱	مسابقه رامیتوان	سابقه رامیتوان
		کرد	ترمیم کرد

صفحه	سفر	غاطط	صحیح
۱۵۲	۱	و خمبه امراض	و خیمه امراض
۵	۱۱	(محرفه)	(محرفه)
۱۵۴	۱۰	بدست میباشد	بدست می آید
۱۶۰	۶	جنگ آوری	جمع آوری
۵	۱۹	با مورین	با مأمورین
۱۶۱	۱۱	چیخک	چیچک
۱۷۰	۸	یک قوه خاه	یک قهوه خاه
۱۸۶	۱۰	حکم فرما بود	حکم فرما بوده
۱۸۸	۱۹	آبادنی	آبادانی
۱۸۹	۹	متاسی	بتاسی
۱۹۳	۸	وارد	واراده
۱۹۶	۳	کالت و ترجمانی	بوکالت و ترجمانی
۱۹۷	۱۸	بوآرا کین	و آرا کین
۱۹۹	۱۶	ورزش کداران ها	ورزش کداران
۲۰۰	۱۰	منطقه وسایر	منطقه جشن وسایر
۵	۱۸	سال گره میلاد	سال گره میلاد
		واعلیحضرت همایونی	اعلیحضرت همایونی
۲۰۴	۱	رسیده شده	رسیده
۲۰۷	۱۱	قرار هند	قرار دهند
۲۱۰	۱۳	بمراسم مساعد	بمواسم مساعد

صفحه	سطر	غاطط	صحیح
۲۱۰	۱۴	موجب آبیاری زراعت	موجب آبیاری زراعت
		وا بیاری زراعت موج	و فراوانی آب
۲۱۷	۱	به	به
»	۱۸	در	از
»	۱۴	عبارت اختلافی است	عبارت از اختلافی است
۲۲۰	۱۰	مرحض	مرحض
»	۱۴	مونتر	مونتر و
»	۱۵	و فائده	فائده
۲۲۱	۱۷	یلا بوٹ	یلیمت
۲۲۳	۱۸	نظر پاره	نظر به پاره
۲۲۴	۶	نژاداً	نژاداً
۲۲۵	۱۹	رویت	رویت
۲۲۶	۸	جارج	خارج
۲۲۷	۲۰	نر	نیز
۲۳۷	۲۱	مملک	ملك
۲۳۹	۱۹	بقتل	بقتل
۲۴۰	۷	بزرگترین	بزرگترین
۲۴۹	۲	وند سر	ونزر
»	۵	»	»
»	۶	نر این	نر این
۲۵۳	۱۷	مملکت	مملکت

صفحہ	سطح	غلط	صحیح
۲۵۶	۱۱	روابطہ	روابط
۲۵۸	۲۱	تسلیمات	تسلیمات
۲۵۹	۱۶	بالواسطہ	میخواهد
۲۶۵	۱۴	-	ہالیندا مسال مبالغہ ہنگفتی
			در راہ تسلیمات خود
			نیز صرف کردہ
۲۶۶	۶	ہالین	ہالیند
۲۶۹	۵	ومبوزہا	مبوزہ ہا
۲۷۰	۲۰	بلوہا	تابلوہا
۲۷۱	۱۶	و	او
۲۷۹	۲۰	فطم	ناظم
۲۸۱	۲	شابلو	شاملو
۲۹۱	۱۱	چیری	چیری
۲۹۳	۹	از گفتن	ورفتن
۲۹۶	۲	واسطہ	رابطہ
۲۹۹	۹	شمارات	در یکی از شمارات
۳۰۲	۳	بیشتر	بیشتر
«	۱۱	خواہیم	خواہم
۳۰۳	۳	نمیداد	نمیدہد
»	۴	نمیشود	میشود
»	۱۳	موزم	موزیم

صفحه	سطر	ناط	صحيح
۳۰۴	۱۱	نشاق	نشان
۳۰۸	۱	غرمی	عمری
۳۰۹	۶	صندوقچه	صندوقچه
۳۱۰	۱	نخواهید	نخواهد
۳۱۳	۳	پرورش	پرورش
۳۱۵	۴	قهرمان	قهر
»	۱۶	راجیوت	راجیوت
۳۱۶	۱۷	(۱)	(۲)
۳۲۶	۱۲	مختلفه	مختلفه
۳۲۷	۱۷	کتاب	مجله
»	»	Antiquary	Antiquary
»	۱۸	عتیقات	عتیقه شناسی
۳۳۱	۱۰	برهم زده	برهم زد
۳۳۲	۵	مجسمه	مجسمه
»	۹	هنر مننده	هنر مندازه
۳۳۴	۱۸	کلا	کلا
۳۳۵	۱	ساله	ساله
»	۱۶	بنجوی	بنجوی
۴۳۷	۸	Nleogène	Neogène
۴۴۲	۹	علی بهاء الدین	علی بن بهاء الدین
۴۴۳	۱	چندان	چندی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۴۳	۱۵	ترحد	ترمذ
۳۴۵	۱۱	مفقود بود	مفقود و
»	۱۵	بی آب خشکیده	بی آب و خشکیده
»	۱۶	گشته است	گذشته است
»	۱۹	که د آلو	کرد آلو
۳۴۶	۵	مناسب	مناسبت
»	۱۷	بیلوغ	بسن بلوغ
۳۵۰	۴	احسام	حسام
»	۱۳	توقفی	توقفی
۳۵۱	۱۴	که مشار الیه	که مولینا مشار الیه
۳۵۲	۶	مرتجا	مرتجی
۳۵۳	۲۰	زمان	زبان
۳۵۴	۳	یا آنکه	و یا آنکه
»	۱۶	المعروف ابن	المعروف بابن
»	۲۱	شیخ	بشیخ
۳۵۶	۱۴	ولذاند	لذاند
۳۵۷	۹	از او یادی	اشاره بجیات او
»	۱۲	عارفی	عارف
»	۲۰	یا	ما
۳۵۸	۸	خلقها	حلقه ها
»	۱۰	در عان	در نهان
۳۵۹	۴	به تحقیق	محقق

صفحه	سطر	عناوین	صحیح
۳۵۹	۹	افزاید	می افزاید
۳۶۰	۲	چشمه	جامعه
۳۶۳	۱۶	نبوده است	نیست
۳۶۶	۹	ولی	و همچنان
۳۶۷	۳	که و سر کز	و سر کز
۳۶۸	۴	وحدت	وحدت ذهن
»	۱۸	بریمی را	ربعی را
۳۷۰	۲	تجربید	تجرد
»	۵	اردات	ارادت
»	۹	کس	کسی
»	۱۲	سالهای	از سالهای
۳۷۱	۲	حتی	وحتی
»	۲	موضوع	موضوع و کلام
»	»	توانا	توانا
۳۷۵	۱	اشعار	اشعاری
»	۲	به علم	به عالم
»	»	فغائی	فغائی
»	۱۱	ازین راه	درین راه
۳۷۷	۳	حجت	صحبت
۳۷۸	۱۳	جای خیزد	جای خویش بر خیزد
۳۷۹	۱۶	عبدالغفار	عبدالغفار

صفحہ	سطر	غاطط	صحیح
۳۸۱	۱۴	فراہم گرفتن	فرا گرفتن
۲۸۲	۱۹	نمی نمود	نمی کرد
»	۲۰	فوفکی	فوفکی
۳۸۳	۴	قصائد	قصائدی
»	۱۰	مبکنند	مبکند
»	۱۱	می نمایند	می نماید
»	۱۲	»	»
۳۸۵	۱۰	واز آنجمله	وازا انجمله است
۲۸۹	۶	تغیر	تغیر
»	۱۴	بماوراء النہر	بماورا النہر
۳۹۰	۹	وچالات	زمان
۳۹۲	۳	یا حصر	حصر
»	۱۲	انشاء شعر	انشاء شعر
۳۹۶	۱۳	تقدیم	تقدم
۲۹۷	۶	عصر احترام	عصر واحترام
۴۰۲	۱۳	تیین	تیین
۴۰۴	۴	ذواللسانی	ذواللسانین
۴۰۶	۵	صلی اللہ وعلیہ	صلی اللہ علیہ
»	۱۵	حسین میرزا	حسین میرزا
۲۰۸	۴	وشیخ الدین	ومسیح الدین
»	۱۴	عبدالاول	عبدالاول

صفحه	سطر	عَظ	صحیح
۴۰۸	۱۸	میبندی	میبندی
»	»	نودی	نودی
»	۲۱	می برند	می برند
۴۱۲	۸	الچی	ایچی
۴۱۳	۶	فخرالدین	فخرالدین محمدبن
»	۲۰	کشید	کشد
۴۱۶	۶	ابوالمعانی	ابوالمعانی
»	۹	مغلبه	مغلبه
۴۳۰	۱۶	طبعی	طبعی
۴۴۰	۱۶	میر غاز	میر غازی
۴۴۴	۲	کک - می میخواهی	مرکک میخواهی
۴۴۴	۸	کور تیه	کور تیه
۴۴۸	۹	یبوا	یبوا
۴۶۸	۱	Paris chaccy	chaccy paris
۵۳۹	۵	تخلیه	تخلیه
۵۴۰	۱	شد	میشود
»	۶	نفسه	نفسه
۵۴۱	۸	Noi	Noix
۵۴۴	۱۶	ذفیر	زفیر
»	۱۷	»	»
۵۴۷	۱۵	دخانات	دخانیات

فهرست مضامین

سالنامه کابل

۱۳۱۵

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
			مقدمه
۴۵	تشکیلات ولایات و حکومتات اعلا	الف	یاد شاه افغانستان
۴۵	ولایت کابل	۱	افغانستان
۴۷	ولایت قند هار	۳	تشکیلات مملکتی
۵۰	د هرات	۹	صدارت عظمی
۵۱	د مزار شریف	۹	وزارت حربیه
۵۳	د فطغن و بدخشان	۱۱	د خارجه
۵۴	حکومت اعلاى مشرفی	۲۰	د داخله
۵۵	د جنوبی	۲۷	د عدلیه
۵۶	د میمنه	۲۸	د مالیه
۵۷	د فراه و چخانسور	۲۹	د معارف
۵۹	تشکیلات دوائر ملی	۳۲	د تجارت
۵۹	ریاست عالی شورای ملی	۳۵	د فوائد عامه
۶۶	د اعیان	۳۷	د صحیه
۶۹	د بلدیة کابل	۴۰	د پست و تلگراف و تیلیفون
۷۱	تشکیلات دوائر حضور	۴۲	ریاسات مستقل (مبیعات-نسل گیری)
۷۱	وزارت دربار	۴۴	

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۱۱	گذارشات دنیا	۷۲	دارالتحریر شاهی
۲۶۹	موزه کابل	۷۴	سریاوریث حربی حضورهایونی
۳۰۱	هیكل سازی قدیم افغانستان	۷۵	مجراآت دو نرمنگی
۳۴۲	تاریخچه ادبیات افغانستان (۲)	۷۵	امور حربیه
۴۱۸	مکتب صنایع نفیسه	۸۲	• خارجه
۴۳۴	نایبات مشهور افغانستان	۸۶	• داخله
۴۸۰	نهضت سیورت در افغانستان	۹۶	• عدلیه
۴۸۷	پیشرفتهای اقتصادی	۱۰۱	• مالیه
۵۰۸	شرکتهای تجاری	۱۰۷	• معارف
۵۰۸	بانک ملی افغن	۱۱۹	• تجارت و فلاح و صنایع
۵۲۴	شرکت اتحادیه شمالی	۱۴۰	• فوائد عامه
۵۲۸	• یشتون قندهار	۱۵۱	• صحبه
۵۳۰	• تنوبرات	۱۶۳	• محاورات
۵۳۲	• چرمگری	۱۷۳	انضای نشان
۵۳۲	• « هیكله در ۱۳۱۵ تا - یس یافته	۱۷۴	اجراآت دوائر ملی
۱	حفظ اصحه	۱۰۴	مجلس شورای ملی
۵۲۳		۱۷۵	مجلس اعیان
۵۵۰	یاد داشتهای سودمند	۱۷۵	امور بلدیة کابل
۵۶۰	نخت و پز	۱۸۰	• « چاریکار
۵۶۵	اختراعات و اکتشافات	۱۸۰	مطبوعات و مطبعات
۵۷۵	قوای حربی دول	۱۸۲	آکور دیپلوماتیك
۵۷۷	یشتون سنگه و روزو	۱۰۵	و قمع مهمه داخلی

فہرست تصاویر

سالنامہ کابل

۱۳۱۵

صفحہ	تصاویر
۱	اعلیٰ حضرت ہما یونی
۲	» شہید
۴	از مناظر شہر کابل
»	» » » »
۶	» جلال آباد
۱۰	والا حضرت صدر اعظم صاحب
۱۲	» وزیر صاحب حریہ
۲۲	» سردار شاہ ولی خان غازی
۲۸	وزیر خارجہ - وزیر داخلہ
۲۹	وزیر عدلیہ - وزیر معارف
۳۶	» تجارت - » فوائد عامہ
۳۷	» صحبہ - » پست و تنگراف
۶۶	رئیس شوری - رئیس اعبان
۶۷	دو وزیر دربار - سرمنشی حضور
۷۴	ع، ج محمد حیدر خان نمایندہ جامعہ ملی
»	» ص محمد اکبر خان مصاحب حضور ہما یونی
»	» » امین اللہ خان معین عدلیہ

صفحه

تصاویر

۷۵	ع ، ش محمد قاسم خان قوماندان فرقه قطغن
»	» « عبد الغفور خان سر یا اور حرمی حضور
»	» « عبد القیوم خان قوماندان فرقه غزنوی
»	» « ص عبد الرسول خان رئیس مباحثات
»	» « محمد علیخان مستوفی هرات
»	» « محمد کریم خان مدیر عمومی سیاسی
»	» « جناب عبد الله خان دکتور معادن
»	» « موزیک سالون مخصوص وزارت حربیه
»	» « اوکسترای هارمونی
»	» « منظره عمومی مکاتب حربیه
»	» « فرار گاه فرقه توپچی
»	» « قشله دو منزله فرقه توپچی
»	» « سمت داخلي قشله توپچی
»	» « دروازه بزرگ قشله توپچی
»	» « موضع توپها در قشله توپچی
»	» « رخ داخلي يك قسمت از قشله توپچی
»	» « موضع توپهای درون قلعه »
»	» « قوما نديني عسكري فرقه قطغن
»	» « چهاونى عسكري در خان آباد
۸۴	» « جلسه سالانه جامعه ملل
»	» « کنفرانس بين المللى جلوكبرى ادويه مخدره
»	» « مجلس عمومی جامعه ملل

صفحه	تصاویر
۸۴	۱. جلاس عمومی سالانه جامعه ملل
۹۰	قابریکه نسا جی محبس کابل
»	مدخل عمومی و برج کنگره دار محبس
»	عمارت نائب الحکومگی هرات
»	مکتب در شهر نو هرات
»	ریاست بلدیة هرات
»	کارخانه برق در هرات
»	یکی از بازارهای جدید شهر نو هرات
»	بازار نو در حکومتی غوریان هرات
»	عمارت تلگرافخانه مرکزی میمنه
»	حکومتی پشتون کوت میمنه
۹۸	یک حصه از کتابخانه معارف
»	منظره خار جی کلوب معارف
»	داخلی مکتب حبیبیه
»	عمارت مکتب زراعت
۱۲۲	بند سرخاب
»	»
»	بند فرغه
»	بند خروار
۱۳۸	موزه اقتصادی وزارت تجارت

صفحه	تصاویر
۱۳۸	تجربہ خانہ کیمیا
»	مقبرہ بابر شاه در کابل
»	حوض سنگی در جوار مقبرہ بابر شاه
۱۲۴	یک حصہ از کورخانہ پشمینہ باقی قندہار
»	یکی از عمارات حکومتی در قندہار
»	ماشینهای فشار پشم
»	کار گاہ های بافت
»	ماشینهای مالش و آرایش پشم
»	اطاق پشم شوئی
»	ماشین آهار دادن تار
»	ماشینهای مالش و آرایش خشک و شکنجه
»	» » » »
»	» » » »
»	» » » »
»	» » » »
»	رنگ ریزی
»	منظره عمومی فابریکه نختابی جبل السراج
۱۲۶	یکی از عمارات شخصی در قندہار
»	بازار جدید التعمیر قندہار
»	بازار تو بیخانہ قندہار
»	یل فراه رود
»	هوتل عصری درهرات

صفحه	تصاویر
»	پل مالان هرات
»	گمرک مرکزی هرات
»	شفاخانه شهر نو هرات
»	بازار شهر نو هرات
»	منظره عمومی شهر هرات
»	یکی از بازارهای جدید خان آباد
»	باغ عمومی خان آباد
»	عمارت مدبریت خارجه میمنه
»	یکی از عمارات دولتی »
»	موضع تعمیر فابریکه برق وردک
»	عمارت مهندسین در وردک
»	برج برق متصل وزارت حریه
»	اطاق پنجه کردن چرم در فابریکه چرمگری
»	مناظر داخلی فابریکه نختابی جبل السراج
»	» » » » »
۱۷۰	تلگرافخانه شهر نو هرات
»	» بیسم هرات
»	قسمت شمالی شهر میمنه
»	هوتل عصری در میمنه
»	قهوه خانه دارالفنون

صفحه	تصاویر
۱۷۰	هوتل عصری دراند خوی
»	عمارت دستگاہ آخذة تلگراف بیسیم کابل
»	» » » صادره » » »
۱۷۸	بازار جدید خیابان
»	» » » و دیوار دریا
»	حمام قلعه باقرخان
»	قسفچه مسجد یل خشتی
»	منظره عمومی بازار باغبان کوچه
»	یل قلعه محمود خان
۱۸۴	ع ، ج کویرسکی سفیر شوروی
»	» ، » دو فور دولاپرار وزیر مختار فرانسه
»	» ، » پترو کوارونی » ایتالیا
۲۰۰	اعلیحضرت همایونی بروز جشن استقلال سال ۱۸
»	والاحضرت وکیل صاحب » » »
۲۱۰	مرحوم سید شریف خان سراور
»	» آدم خان مشاور صدارت
»	» سید عبد الله خان مدیر عمومی سیاسی
»	» عنایت الله خان محصل مکتب طبی
»	» سید حامد خان دوا ساز
۲۲۸	والاحضرت ولیعهد ایران
»	منظره افتتاح خط آهن ایران
»	مرحوم آقای داور وزیر عالیة ایران

صفحه	تصاویر
۲۲۸	دا کتر شخت وزیر اقتصاد المان
»	مرحوم آقای نظام الدین حکمت وزیر پست و تلگراف ایران
۲۳۲	از مناظر انتخابات هند
»	عروسی شهزاده خانم زولیاننا
»	کامینف
»	ترونسکی
»	زینو ویف
»	سوکر لینکوف
»	رادک
»	پا تا کوف
۲۳۶	سمیرنوف رئیس نقشه پنجاه شوروی
»	لیتوینوف کمیسر خارجه شوروی
»	مجلانوک کمیسر صنایع شوروی
»	حکمت سایمان رئیس الوزرای عراق
»	جنرال بکر صدقی محرك انقلاب عراق
»	یاسین پاشا هاشمی رئیس الوزرای مرحوم عراق
۲۴۲	ملك فاروق شاه مصر
»	» فواد شاه فقید مصر
»	مرحوم سعد زغلول
»	شهزاده محمد علی رئیس مجلس نیابت سلطنت مصر

صفحه	تصاویر
۲۴۲	امضای معاهده انگلیس و مصر
»	» « فرانسه و سوریه »
»	نمایندگان سلاطین عربی در بیت المقدس
۲۴۲	توفیق رشیدی آراس وزیر خارجه تورکيه
»	جزای چنگک هسولیا، مک محک انقلاب چین
»	جنرال هایشی رئیس الوزرای جاپان
»	» چیانگ کئی شک دیکتاتور چین
»	امضای معاهده المان و جاپان
»	خانم سمین
»	ایدورد هستم یاد شاه مخلوع انگلستان
»	خاواده سلطنتی انگلستان
»	نیوانل جمبر لین و زیر مالیه انگلستان
»	آستن جمبرین وزیر خارجه فقید »
»	لارد لنینگو نائب السلطنه هند
»	لئون بلوم رئیس الوزرای فرانسه
»	سانگر و وزیر داخله سابق فرانسه
»	دلبو وزیر خارجه فرانسه
۲۵۴	روزوات رئیس جمهور امریکا
»	مارشال ریدز سمگلی پو لندي
»	شوشنگ رئیس الوزرای آستر یا
»	بک وزیر خارجه پو لندي
»	بک منظره از مجلس سالانه حزب نازی

صفحه	تصاویر
۲۵۱	نطق معروف موسولینی در میلان
»	کوت چیانو وزیر خارجه ایتالیا
»	راس امر و قائد حبشی
»	گراز یانی نائب السلطه حبشه
»	راس ناسیو سردار فقید حبشه
۲۶۰	آ زانا رئیس جمهور اسپانیه
»	کابالرو رئیس الوزرای اسپانیه
»	جنرال فرانکو رئیس انقلابیون اسپانیه
»	دل ری ویرا محرک انقلاب اسپانیه
»	اولین ملاقات جنرال فرانکو و جنرال مولا
۲۸۴	دهلیز تختانی موزه کابل (هیئت عتیقه شناسی فرانسه و افغان ۶ قطعه)
»	اطاق هده در موزه کابل
۳۰۰	سنگ همت قلم در گازر گاه هرات
»	عمارت مکدان در هرات
»	سنگ تاریخی مصلا ی هرات
»	سنگ همت قلم نظیر سنگ مقبره سلطان حسین مرزا
۳۱۶	لوحه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸
۳۲۴	» ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶
۲۴۰	» ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴
۳۴۸	مقبره حضرت مولینا جامی در هرات

صفحه	تصاویر
۳۴۸	گنبد مقبره اولاد باسینقر مرزا در مزار شریف
»	سمت جنوبی مسجد جامع هرات
»	مسجد و باغ صوفی اسلام در هرات
۳۸۰	منظره عمومی مینار های مصلاهی در هرات
»	مقبره حضرت خواجه عبدالله انصار »
»	» » عبدالواحد الشهید »
»	باغ شاهی در هرات
»	مقبره امیر دوست محمد خان در هرات
»	یکی از مینار های مصلاهی قدیم »
۳۹۶	زیارت سلطان سید احمد کبیر در هرات
»	» » خواجه عبدالولید
»	» » قلعه اختیارالدین
»	منظره عمومی دیوار شهر قدیم هرات
»	گنبد خواجه محمد یار سا در بلخ
»	در وازه نوبهار در بلخ
»	دخمه منسوب باولاد سلطان سنجر در مزار شریف
»	بالاحصار قدیمی تاشقرغان
۴۱۲	تصاویر شاهان افغانستان (یوتیدم دوم)
»	هلیو کلس - هرما یوس
»	میناندر - کانشکا
»	سلطان محمود غزنوی - غیاث الدین غوری
»	شهاب الدین غوری - قطب الدین ایبک

صفحہ	تصاویر
»	آرام شاہ - شمس الدین التمش
»	رکن الدین فیروز شاہ - ملکہ رضیہ
»	معز الدین بہرام شاہ - علاء الدین مسعود شاہ
»	ناصر الدین محمود شاہ - غیاث الدین بلبن
»	معز الدین کیقباد - علاء الدین خلجی
»	ابراہیم لودی - شہ شاہ سوری
۴۱۲	میرویس خان هوتکی شاہ محمود هوتکی
»	اعلیٰ حضرت احمد شاہ اعلیٰ حضرت تیمور شاہ
»	» شاہ زمان
»	» دوست محمد خان
»	» محمد افضل خان
»	» محمد یعقوب خان
»	» حبیب اللہ خان
۴۱۸	منظرہ عمومی مکتب صدائع
»	» دہلیز فزقانی
»	» اطاق نمایش
»	» شعبہ لیتوگرافی
»	» نجاری
»	» اطاق رسم شعبہ نجاری
»	» شعبہ رسامی
»	» قالین باقی
»	» لیتوگرافی

صفحه	تصاویر
»	شعبه آبتوگرافی
»	صنف مهندسی
»	»
۴۴۰	فکته - افغان نستان
۴۶۰	از منظر کابل
۴۷۶	خرگاه یکی از کلان شوندگان مردمان شمالی افغانستان
»	حیات قبائل صفحات شمالی افغانستان
»	قالین بافی در دشت
»	قالین بافی در اند خوی
۴۸۴	ورزشکاران افغانی در هند
»	ورزشکاران افغانی در هند
۴۹۰	تهانه بکه توت در ولایت فطغن
»	گدام پنبه در فطغن
۵۲۴	هیئت اداری شرکت اتحادیه شمالی
»	نماینده کمی اتحادیه شمالی در کابل
۵۳۲	منظره عمومی عمارت فابریکه چرم گری کابل
»	» » » » خارجی
»	» » » » داخلی
»	» » » » »
۵۸۲	عمارت سینمای کابل
»	عکاسخانه و معازة عصری در کابل
۵۹۲	منظره عمومی شهر نو هرات
»	مسجد عیدگاه شهر نو هرات
۶۰۰	تقرییم سال ۱۳۱۶

Table des matières

	page
Préface	(A) A
Biographie de Sa Majesté	(1) 1
Afghanistan	(3) 3
Organisation administrative du pays et les fonctions des principaux titulaires	(9) 9
Activité des administrations gouvernementales	(70) 75
La presse afghane	(180) 180
Corps diplomatique à Kaboul	(182) 182
Principaux événements de l'année en Afghanistan	(185) 185
« « « dans le monde	(211) 211
Musée de Kaboul	(269) 269
Sculpture ancienne d'Afghanistan	(301) 301
Histoire de la littérature d'Afghanistan (2 ^e . partie)	(342) 342
École des arts et métiers de Kaboul	(418) 418
Les principales plantes d'Afghanistan	(434) 434
Mouvement sportif en Afghanistan	(480) 480
Les progrès économique réalisés en Afghanistan pendant les 7 dernières années	(487) 487

	page
Activité de la Banque Nationale Afghane	(۵۰۸) 508
» des principales sociétés commerciales	(۵۲۴) 524
Hygiène pratique	(۵۳۳) 533
Quelques renseignements utiles	(۵۵۵) 555
La cuisine	(۵۶۰) 560
Les inventions nouvelles	(۵۶۵) 565
Les forces militaires des principaux états	(۵۸۵) 575
Comment devons nous développer la langue Pouchtou (en pouchtou)	(۵۷۷) 577

اعلان

ذواتیکه خواهش خریداری این سالنامه و سالنامه های گذشته و با اشتراك
مجله « کابل » را داشته باشند با آدرس ذیل مراجعه فرمایند : کابل جاده
ازک انجمن ادبی کابل .

Avis

Les personnes désireuses d'acheter le présent
ALMANACH ou les Annaires de la REVUE DE
KABOUL ou de s'abonner à la REVUE DE KABOUL,
sont priées de s'adresser au : CERCLE LITTÉRAIRE
DE KABOUL (Kaboul-Afghanistan)



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**